**سخن نو**

**در**

**تفسیر قرآن**

**از : مهندس جمال گنجه ای**

جلد هفتم

****

فهرست مطالب

تفسیر تحلیلی سوره قصص صفحه 8

تفسیر تحلیلی سوره نمل صفحه 62

تفسیر تحلیلی سوره مریم صفحه 116

تفسیر تحلیلی سوره یوسف صفحه 154

تفسیر تحلیلی سوره حجر صفحه 200

تفسیر تحلیلی سوره طه صفحه 246

تفسیر تحلیلی سوره انعام صفحه 306

تفسیر تحلیلی سوره اعراف صفحه 417

تفسیر تحلیلی سوره کهف صفحه 541

**از اول بخــوانید**

**مطالب این تفسیر را از جلد اول بخوانید.**

**ما از ابتدای این تفسیر بعضاً مطالبی عرض کرده­ایم که در سوره­های بعدی در محل­های نیاز به مطرح کردن آنها ، تکرار نکرده­ایم .**

**گرچه ارجاع داده­ایم اما می­دانیم بسیاری از خوانندگان آن توضیحات را ناخوانده می­گذارند ، لذا خواهشمندیم مطالعه این کتاب را از اول آغاز کنید .**

**توضیح خلاصه در باره این تفسیر**

چنانکه خوهید دید ، در این تفسیر در هر پاراگراف ، همه **کلید های** **اصلی** را بکار گرفته ایم . از بهترین **لیست ترتیب نزول** استفاده کرده ایم ، **عصاره مطالب** سوره و پاراگراف را در «درس» سوره و «درب» پاراگراف ذکر نموده و در «توضیح مقدماتی» نیز به نحو متفاوت از اولین پاراگراف هر سوره تا پاراگراف مورد نظر مجددا آورده ایم ، **تقطیع منطقی** مطالب را هم در قالب پاراگراف ها رعایت نموده ایم ، از بین **ترجمه** های ممکن ، آن را که با عصاره مطلب تناسب دارد اختیار کرده ایم ، مطالب **فرعی** و مطالب **پرانتزی** را در بین { } ، و اگر بعضی مطالب «فرعی در فرعی» یا «پرانتز در پرانتز»ی باشد دربین {{ }} یا {{{ }}} و مطالب مربوط به **واگذاری به مخاطب** و نیز مطالب مربوط به تغییر مخاطب یا **التفات** را نیز در [ ] قرار داده ایم . اگر هم در جائی لازم دیده شد توضیح اضافه ای عرض شود ، در بین ( ) قرار داده شده است .

با وجود همه اینها ، دراینجا لازم است مطلبی را با تاکید یاد آور شویم که پس از اتمام کارِ تفسیرِ هر پاراگراف ، دو قدم دیگر باقی مانده است (که به شرحی که در محلِ نظیر در سوره عصر گفته ایم) به عهده خودتان است وقبل از اینکه به مرحله بعد بروید انجامش دهید و گرنه لذت معنوی تان کامل نخواهد بود .

**از این پس دیگر از هر دوراه نمی رویم**

در جلد اول در تفسیر هر پاراگراف یکبار از طریقی که در قسمت «مبانی» در جلد اول نشان داده ایم مبادرت به استخراج «عصاره محتوا»ی سوره نموده و از روی آن «عصاره محتوای» پاراگراف را استخراج کرده ایم ، و در عین حال «عصاره محتوا»ی پاراگراف را از راهی متفاوت نیز استخراج کرده و تطابق آنها را نشان داده ایم .

در جلد دوم نیز در هر پاراگراف از هر دو راه رفته و باز هم این تطابق را نشان داده ایم .

در این جلد دیگر همه آن کار ها را تکرار ننموده و با فرض اینکه از تطابق آنهمه موارد در 52 پاراگراف قبلی میتوان نتیجه گرفت که این تطابق در همه جا وجود دارد فقط به ذکر نتیجه پرداخته ایم .

**مرحله هفتم**

**افزايش فشارها**

**به پيامبر و مومنان**

**و**

**نزول آیات امید بخش**

**سوره قصص**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**طسم ﴿1﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿2﴾ نَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿3﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿4﴾ وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿5﴾ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿6﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ط. س. م. (1) اين آيات آن کتاب آسمانی آشکار است (2) ای پیامبر! قسمتی از داستان موسي و فرعون را ، بدرستي ، براي استفاده مردمي مومن ، برایت ميخوانيم (3) که فرعون در آن زمين گردنكشي كرد و اهل آنرا گروه هائي نمود . گروهي از آنها را ضعيف ميداشت بطوريکه پسرانشان را ميکشت و زنانشان را زنده نگه ميداشت که او البته از مفسدان بود (4) و ما چنین اراده داريم که بر آنانکه در زمين ضعيف داشته ميشوند منت گذارده و آنها را پيشوايان قرار داده و آنها را وارثان زمین نمائيم (5) و در آن زمين به آنها مکانت دهيم و به امثال فرعون و هامان و نیروهايشان آنچه را که از آن مي هراسند بنمايانيم (6)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: گردنكشي فرعون، و تجازوش از حدود ، موجب نابودي او گردید .**

**2 - سوالات**

1 - «طسم» از حروف مقطعه است درباره حروف مذکور چه میدانید؟

2 - «حق» (آیه3) به چه مفهوم به کار رفته؟

3 - «امام» (آیه5) به معنی لغوی به کار رفته یا اصطلاحی؟

4 – با توجه به آیه 5 ، آنها «وارث» چه شدند؟

5 – در این پاراگراف چه چیزی هست که قابل شبیه سازی با اوضاع و احوال مکّه آن روزها باشد؟ [حتما توجه دارید که مکّه آن روزها را میتوان «شهربدون شهردار» یــا «جامعه بدون نهادهای حکومتی» نامید و از این لحاظ هیچ شباهتی به مصر زمان فراعنه نداشت]

6 - کدام آیه این پاراگراف ظرفیت استفاده برای «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» دارد؟

7 - «نرید» (آیه5) چه تفاوت هائی با «نشاء» دارد؟

8 – چرا در آیه 6 به جای «جنودهما» نفرموده «جنوده»؟

9 – با توجه به آیه 6 ، آنها از چه چیزی «حذر» داشتند؟

10 – چرا بجای «نتلو» (آیه3) نفرموده «نقصّ»؟

11 – منظور از «من» (آیه3) چیست؟

12 - با توجه به آیه 3 ، چرا مخاطب این داستان فقط مومنان هستند؟

13 - بین مفاهیم مندرج در آیه های 2و3 چه رابطه ای وجود دارد؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

موسی در برابر فرعون بهترین مثال برای یک نبرد نابرابر است، و مثال زدنِ داستان موسی در این سوره، آنهم با این شرح و تفصیل زیاد، گویای این است که در روزهای نزول این سوره، آنحضرت و پیروانش در یک نبرد نابرابر با مخالفانِ تکذیبگر قرار داشتند.

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 5 پیشگوئیی نموده که امروز تحقق آن را واضح تر می بینیم تا 1400 سال قبل .

**5 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**طسم ﴿1﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿2﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: فرایند مذکور به قدرت آیات وحیانی صورت میگیرد.**

**2**

**نَتْلُوا عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿3﴾ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿4﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: ای پیامبر! دل خوش دار، که مخالفان قدرتمندت شکست خواهند خورد.**

**3**

**وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿5﴾ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿6﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: این قانون الهی است که کسانیکه بطورناعادلانه از جایگاه حقیقی شان به زیر کشیده شدند به آن برگردانده شوند.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 5 از برجسته ترین آیات قرآنی است، هم به دلیل اقبال گسترده هنرمندان، و هم اقبال زیاد خطبا و نویسندگان و اهل فکر به آن ، و متنش فوق العاده امید بخش است و نگاهش به تاریخ بشر محرک و سازنده و پر از خوش بینی.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 1 که جزء حروف مقطعه است، در این 1400 سال کسی نتوانست توضیح مقبولِ عام در باره شان عرضه کند، چه رسد به مخاطبان اولیه!

از آنجا که حتی امروز نیز علماء فلسفه تاریخ در باره پایان تاریخ بشر نظر واحدی ندارند، و ضمنا نظراتشان متناقض و متباین و متضاد است، این نکته فهمیده میشود که محتوای آیه 5 تا امروز نیز بخوبی فهمیده نشده و ذهنیِ بشر نگشته، چه رسد به ذهن بسیط و خالی از علم مخاطبان اولیه.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیام امید و دلداری ، که موفقیت و پیروزی نهائی مخصوص پیروان حق است .

**8 - کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**قرآن قصه بافی نکرده**

«بالحق» در آیه 3 یعنی چه؟

آیا این معنی را میدهد که برسبیل شبیه سازی برای ادای موعظه (مثلا کاری که در کلیله و دمنه صورت گرفته) داستانی ساخته و پرداخته شده؟

در قرآن بارها و بارها بر «بالحق» بودن قصص قرآنی تاکیدشده، چرا؟ زیرا شائبه ممکنِ فوق شکل نگیرد.

**آیه «فلسفه تاریخ»ی**

آیه 5 و ثلث اول آیه 6 ، از لحاظ بیان یکی از قوانین تاریخ بشر بسیار قابل توجه است.

به این معنی که کسانی هستند که استعدادها و حقوقی دارند و کسان دیگری جلوی بالفعل شدن استعدادهای آنان را می­گیرند و حقوقشان را از آنها باز می­دارند. و خداوند چنین اراده نموده که آن گروهی را که مظلوم واقع شده­اند مورد حمایت قرار داده و آنها را بالا آورده و نعمتهائی را به راحتی به آنان عطا فرماید.

این مطلب اگر مورد دقت قرار گیرد یک «قانون فلسفه تاریخ»ی است و می­تواند در بسیاری از موارد در مناقشات بشری مورد دقت واقع شده و صحت آن دریافته شود.

صحت این مطلب را می­توان در سقوط رم ، در فروپاشی شوروی ، در استیلای عجم بر اعراب از قرن سوم هجری به بعد ، در نهضت­های استقلال­طلبی قرن بیستم ، و خلاصه در موارد بسیار زیادی به رأی­العین دید .

و خلاصه اینکه این «قانون» یکی از قوانین تخلف­ناپذیری است که برحسب آن می­توان آینده را پیشگوئی نمود.

مثلاً می­توان در مناقشات بین ملتها بررسی کرد و تعیین نمود که کدام طرف «ضعیف شمرده شده و حقوقش قطع گردیده» است و پیش­بینی نمود که بطور حتم ، همان طرف ، در آینده پیروز خواهد گردید .

مثلاً در همین زمان ، «مسئله فلسطین» یکی از آن موارد است و ما در ابتدای سوره اسراء در این خصوص شرحی عرض کرده­ایم .

در «آن روزها» هم میتوان اوضاع و احوال پیامبر (ص) و پیروانش را در چارچوب همین قانون به وضوح دید و درک کرد و چون موضوع تقریبا برای همگان آشنا است شرح بیشتری لازم نمیباشد .

**اهل آن را گروه گروه کرد**

موضوع فوق که در آیه 4 ذکر شده (جعل اهلها شیعاً) معادل جمله معروف «تفرقه بیانداز و حکومت کن» است که به این ترتیب معلوم می­شود سابقه­ای لااقل پنج هزار ساله دارد .

**پسرانشان را می­کشت...**

در خصوص موضوع تیتر فوق که در آیه 4 ذکر شده ، در پاراگراف 2 سوره ابراهیم شرحی عرض کرده­ایم .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ط. س. م. (1) اين آيات آن کتاب آشکار است (2)** [ای پیامبر] **، قسمتی از داستان موسي و فرعون را ، بدرستي ، براي** (استفاده) **مردمي مومن ، برایت ميخوانيم (3) البته فرعون در** (آن) **زمين گردنكشي كرد و اهل آنرا گروه هائي نمود . گروهي از آنها را ضعيف ميداشت بطوريکه پسرانشان را ميکشت و زنانشان را زنده نگه ميداشت که او البته از مفسدان بود (4) و ما اراده داريم که بر آنانکه در زمين ضعيف داشته ميشوند منت گذارده و آنها را پيشوايان قرار داده و آنها را وارثان** (زمین) **نمائيم (5) و در آن زمين به آنها مکانت دهيم و به فرعون و هامان و لشکريانشان آنچه را که از آن مي هراسند بنمايانيم (6)**

**قصص2 آیات7تا42**

**وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿7﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿8﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿9﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿10﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿11﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿12﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿13﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿14﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿15﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿16﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿17﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿18﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِيدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿19﴾ وَجَاء رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿20﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿21﴾ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاء مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاء السَّبِيلِ ﴿22﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاء مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاء وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿23﴾ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿24﴾ فَجَاءتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاء قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿25﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿26﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿27﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿28﴾ فَلَمَّا قَضَى مُوسَي الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿29﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِي مِن شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿30﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿31﴾ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاء مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿32﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿33﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿34﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ﴿35﴾ فَلَمَّا جَاءهُم مُّوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿36﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاء بِالْهُدَى مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿37﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَل لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿38﴾ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿39﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿40﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿41﴾ وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿42﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿43﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿44﴾ وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿45﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿46﴾**

**به مادر موسي وحي کرديم که او را شير ده . و هنگامي که بر او ترسيدي که توسط ماموران حکومت کشته شود در رود نیل بيندازش و نترس و اندوهگين هم مباش که ما خودمان مواظبش هستیم و حتما بسويت برش ميگردانيم و از پيامبران قرارش ميدهيم (7) چیزی نگذشت که نزديکان فرعون يافتندش تا برايشان هم دشمن و هم مايه اندوه باشد . البته فرعون و هامان و سپاهيانشان خطا کار بودند (8) و زن فرعون گفت اين بچه روشني چشمي براي من و تو است ، نكشيدش چه بسا برايمان فايده اي داشته باشد يا به فرزندي بگيريمش و آنها متوجه نبودند (9) و گوئی که دل مادر موسي خالي شده باشد و اگر قلبش را مطمئن نکرده بوديم تا از مومنان باشد نزديک بود آن راز را آشکار کند (10) مادر موسی به خواهر او گفت پي او را بگير و او در حاليکه آنها متوجه نبودند از جائي او را میديد و تعقیبش میکرد (11) و قبلا قبول پِستان شير دهندگان را بر او حرام کرده بوديم ، خواهر موسی به کسانی که موسی را از آب گرفته بودند گفت آيا شما را به خانواده اي که او را نگهدارند و خير خواهش باشند راهنمائي بنمايم؟ (12) به این ترتیب بود که او را به مادرش برگردانديم تا چشمش روشن شود و اندوهگين نباشد و بداند که وعده خداوند حق است وليکن اکثرشان نميدانند (13) و هنگاميکه به رشد و قوت خويش رسيد و استوار شد ، به او حکم و علم و نبوت داديم و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (14) و هنگاميکه اهل شهر متوجه نبودند داخل آن شد و دو نفر را يافت که ميجنگيدند . اين از پيروانش و او از دشمنانش بود . و آنکه از پيروانش بود از او بر ضد آنکه از دشمنانش بود کمک خواست . پس موسي به او مشتي زد و کارش را تمام کرد . با خود گفت اين از کارهاي شيطان است که او دشمني گمراه کنندهء آشکار است (15) و گفت پروردگارا بر خويش ظلم کرده ام پس مرا ببخش و او بخشيدش که او بسيار مهربان است (16) گفت پروردگارا بسبب نعمتي که بمن دادي هرگز پشتيبان مجرمان نخواهم بود (17) آنگاه در آن شهر به صبح رساند درحاليکه ترسان و نگران بود . پس همانکه ديروز از او کمک خواسته بود باز هم از او کمک خواهی کرد و موسي به او گفت تو البته يک گمراه کننده آشکاري (18) پس چون خواست آن کسي را که دشمن هر دوشان بود با قوت بگيرد گفت اي موسي آيا ميخواهي مرا نيز بکشي همانطور که ديروز يک نفر را کشتي؟ جز اين نيست که تو ميخواهي در زمين زورگو گردي و نميخواهي از اصلاحگران باشي (19) و مردي از دورترين نقطه شهر دوان دوان آمد و گفت اي موسي بزرگان شهر تصميم به قتل تو گرفته اند پس از این شهر خارج شو که من خير خواه تو ميباشم (20) و او در حاليکه ترسان و مراقب بود از آن خارج شد و گفت پروردگارا مرا از مردم ظلم پيشه نجات ده (21) و هنگاميکه بطرف مدين روي نمود گفت چه بسا که پروردگارم مرا به راه صحيح هدايت کند (22) و هنگامي که بر آب مدين وارد شد عده اي را بر آن يافت که آب ميدادند و دنبال آنها دو زن را ديد که مواظب بودند که گوسفندانشان با مال ديگران مخلوط نشوند موسی به آنها گفت کارتان چيست؟ گفتند ما آب نميدهيم مگر آنکه چوپانان گوسفندانشان را آب داده بروند و پدرمان پيرمردي فرتوت است (23) پس موسی گوسفندانشان را آب داد و سپس بسوي سايه رفت و گفت پروردگارا به هر خيري که بسويم بفرستي نيازمندم (24) پس يکي از آن دو زن باحيا بسوي او آمد و گفت پدرم تو را فراخوانده تا پاداش آب دادنت را بدهد . و چون بسوي او رفت و داستانها را براي او گفت ، گفت مترس که از مردم ظلم پيشه نجات يافته اي (25) يکي از آن دو گفت پدر جان استخدامش کن . البته بهترين کسي که استخدام کني کسي است که قوي و امين باشد (26) گفت ميخواهم يکي از اين دخترانم را در مقابل هشت سال کار به ازدواجت درآورم اگر هم خواستي ده سال را تمام کني بر عهده خودت است و من نميخواهم بر تو سخت بگيرم و انشاءالله بزودي مرا از صالحان خواهي يافت (27) گفت اين بين من و تو باشد هر کدام از دو مدت را که تمام کردم فشاري بر من نباشد و خداوند بر آن چيزي که ميگوييم وكيل است (28) پس چون موسي آن مدت را گذراند و خانواده اش را حرکت داد از جانب کوه طور متوجه آتشي شد. به خانواده اش گفت مکث کنيد ، متوجه آتشي شده ام شايد از آن برايتان خبري بياورم يا پاره اي از آتش را ، شايد گرم شويد (29) پس چون به نزدیک آن آتش در آمد از کرانه راست آن دره از درختي که در قطعه زمين پربرکتي بود ، ندائي شنيد که اي موسي من البته خودم «الله» هستم که پروردگار جهانيانم (30) و اينکه عصايت را بيانداز . پس چون ديد مانند ماري مي جنبد پشت کرد و دويد و بر نمي گشت . به او خطاب شد اي موسي! پیش آی و نترس ، تو ايمن هستي (31) و دستت را در گريبانت داخل کن . سفيد، بدون اينکه بديي داشته باشد خارج خواهي کرد و دو بازويت را به هم بچسبان تا از ترس آرام گيري و اينها دو دليل از پروردگارت است براي فرعون و بزرگانش ، که البته آنها مردمي گناه پيشه اند (32) گفت پروردگارا ! من کسي از آنها را کشته ام ميترسم بکشندم (33) و برادرم هارون زبانش از من روانتر است پس او را نيز با من بعنوان کمک بفرست که تصديقم کند که ميترسم تکذيبم کنند (34) گفت بزودي بازويت را بوسيله برادرت قوي ميکنيم و برايتان دليلي قرار ميدهيم و بواسطه آياتمان به شما دست نخواهند يافت . شما دو نفر و هر کس که پيرويتان کند غالب خواهيد شد (35) پس هنگاميکه موسي با آيات روشنگرمان بسويشان آمد گفتند اين چيزي جز جادوئي از روي افترا نيست و ما درباره اش چيزي از نياكانمان نشنيده ايم (36) و موسي گفت پروردگارم بهتر ميداند چه کسي هدايت را از جانب او آورده و چه کسي سرانجام خوب خواهد داشت . که او البته ظالمان را رستگار نمي کند (37) و فرعون گفت اي بزرگان! من براي شما هيچ معبودي جز خودم نشناخته ام و اي هامان ! بر گِل برايم آتش بيفروز و آجر بساز و برجي برايم برآور ، شايد به معبود موسي اِشراف پيدا کنم زيرا که موسی را از دروغگويان ميدانم (38) و او و سپاهيانش در زمين بدون اينکه حقي داشته باشند بزرگي می طلبيدند و گمان نمیکردند که بسويمان بازگشتی خواهند داشت (39) پس او و سپاهيانش را بگرفتيم و در آن دريا انداختيم . بنگر عاقبت ظالمان چگونه است (40) و آنها را رهبراني قرار داديم که بسوي آتش جهنم دعوت ميکنند و روز قيامت ياري نميشوند (41) و در اين جهان نيز در پي آنها لعنت قرار داديم و روز قيامت نيز از زشت رويان خواهند بود (42) و البته پس از اينکه مردم قرون گذشته را هلاک کرديم ، آن کتاب را به موسي داديم که مايه بصيرت ها براي مردم و نيز هدايت و رحمت بود شايد پند گيرند (43) و آن هنگام که براي موسي آن امر را ميگذرانديم ، تو نه در كناره غربي و نه از شاهدان بودي (44) وليکن ما مردمِ قرن هاي زيادي را بوجود آورديم و عمرهايشان هم طولاني شد و همچنين تو در ميان اهل مدين هم نبودي که آياتمان را بر آنها بخواني وليکن خودمان فرستنده پيامبران بوده ايم (45) و تو در آن کناره کوه طور هم نبودي آن هنگامي که موسي را صدا کرديم وليکن رحمتي از جانب پروردگارت هستي تا قومي را که قبل از تو هشدار دهنده اي نداشتند هشدار دهي شايد پند گيرند (46)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: داستان موسي و فرعون يكي از مصاديق بارز اين امر است و ذکر این نکته که این مطالب جز از طريق وحي به آنحضرت نرسيده.**

**2 – از اول تا اینجا**

پاراگراف 1 مطلقا امیدوارکننده است و بطور واضح خبر از تغییر اوضـاع در جهت حصول رضایت پیامبر(ص) و پیروانش ، و فائق شدن آنها بر مخالفان و دشمنانشـان میدهد .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! بطور قطع شما پیروز خواهیدشد پس ، براین اوضاع و احوال فعلی تان صبر کنید تا وقت مناسب برسد و اینکه ای پیامبر! قوم تو جای هیچ بهانه ای رانباید داشته باشــند زیرا این قرآنی که به تو داده ایم از معجزات هر پیامبری بالاتر است .

**3 - سوالات**

1 - « **بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً** » (آیه43) باکدام کلید تفسیر مطابقت دارد؟

2 – از مجموع مطالب آیه های 44 تا 46 چه فهمیده میشود؟ ( اطلاع بر مطالبی که در رابطه با موسی و فرعون برای قومت خواندی ، وحی خالص است وقوم تو میفهمند که تو هیچ راه دیگری برای اطلاع برآن نداشتی؟ یا.......؟)

3 – منظور از «ثاوی» (آیه45) چیست؟

4 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (ارشاد که چنین بگو؟ یا......؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در رابطه با آیه 46 با توجه به اینکه می­دانیم رسول اکرم(ص) از فرزندان اسمعیل(ع) است و آنحضرت نیز پیامبر بوده ، جمله «قومی که قبل از تو هشدار دهنده­ای نداشتند» یعنی «مدتی طولانی قبل از تو هشدار دهنده ای نداشتند»

بطور کلی از آیات 44 تا 46 این مفهوم حاصل میشود که آنحضرت غیر از طریق وحی هیچ راه دیگری برای درک این معارفی که بیان میکرد نداشته است .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 7 تا 42 در داستان حضرت موسی و ضعف مطلق او و پیروانش و قوت مطلق فرعون و پیروانش و پیروزی او بر فرعون، تلویحا این پیشگوئی نهفته است که : وضع شما هم به این منوال نمیماند و هنگام پیروزی شما هم میرسد.

**6 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿7﴾ فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ ﴿8﴾ وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿9﴾ وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى فَارِغًا إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿10﴾ وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿11﴾ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ﴿12﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿13﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: خداوند موسی را از کودکی برای پیامبری در نظر داشت و او را در زندگیی خاص تربیت میکرد.**

**2**

**وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿14﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿15﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿16﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿17﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ ﴿18﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِيدُ إِلَّا أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿19﴾ وَجَاء رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿20﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿21﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: رفتار عادی موسی که نمیدانست قرار است پیامبری بزرگ باشد، شایسته زندگی پیامبرانه او بود.**

**3**

**وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاء مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاء السَّبِيلِ ﴿22﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاء مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاء وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿23﴾ فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿24﴾ فَجَاءتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاء قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿25﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿26﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿27﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿28﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: موسی نیاز به آموزش های بیشتر مستقیم تر داشت تا قابل ماموریت شود.**

**4**

**فَلَمَّا قَضَى مُوسَي الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿29﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِي مِن شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿30﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿31﴾ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاء مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿32﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ ﴿33﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ﴿34﴾ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ﴿35﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: موسی مستقیما آموزش نهائی را گرفت و ابلاغ ماموریت گرفت.**

**5**

**فَلَمَّا جَاءهُم مُّوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿36﴾ وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاء بِالْهُدَى مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿37﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَل لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿38﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: موسی ماموریت خویش را انجام میدهد.**

**6**

**وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿39﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿40﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ ﴿41﴾ وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿42﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: خداوند پس از انجام ماموریت موسی، او را موفق و با مخالفان سرکش او به عدالت رفتار کرد.**

**7**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِن بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَى بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿43﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿44﴾ وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿45﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿46﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب: ای پیامبر! برای تو از آن نوع مراحل «پیش نبوت» که برای موسی قرار دادیم، تمهید نکرده ایم، لیکن از رحمت پروردگارت برگزیده شده ای تا به کسانی که با موضوع وحی بیگانه اند هشدار دهی.**

**7 - آیات مشکل**

آیات 44 تا 46 ، از آنجا که مورد تفاسیر متفاوت از سوی مفسران مختلف واقع شده، ذیل این تیتر قرار میگیرد.

اما اگر به «درب» فوق توجه کنید معنی آنها همان میشود که در بخشِ انتهائیِ تفسیر این پاراگراف آمده است.

یعنی منظور از «کناره غربی» کناره غربی رود نیل و یعنی سر زمین مصر و منظور از «الامر» امرِ هلاکت نیروی نظامی فرعون، و منظور از کناره آن کوه هم مهبط وحیِ اولیه بر حضرت موسی است.

اما آنجا که فرموده «همچنين تو در ميان اهل مدين هم نبودي که آياتمان را بر آنها بخواني» شاید منظور قرآن این باشد که مدتی که موسی در مدین گذراند، در معرض آموزه های وحیانی قرار داشت (که یا از سوی پدر زنش که بنا برقول مشهور همان حضرت شعیب نبی بوده باشد-والبته این قول با قرآن مخالفتی ندارد- بر او خوانده میشد، یا به طرق دیگری که بر ما روشن نیست آموزشی برای آمادگی نبوت میدید)

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 30 تا 35 فوق ذهنیات بشر امروزی هستند، چه رسد به بشر 1400 سال قبل!

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیام امید و موفقیت رهروان حق ، و اینکه چشم ظاهربین را بسته و چشم حقیقت بین را باز کنیم و به وعده های الهی خوش بین و امیدوار باشیم .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است**

موضوع تیتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحیی لازم بود عرض میکنیم .

**«موسی» و «سینوحه»**

با توجه به آیه 9 فهمیده می­شود بچه را که از آب گرفتند فوراً فرعون فهمید و ظاهراً دستوری نداد. بلکه مشورت کرد. همسرش نیز یکی از طرفهای جلسه مشورت بود.

از همینجا فهمیده می­شود که برخلاف آنچه در کتاب «سینوحه» آمده، «به دریا انداختن کودکان» یک رسم دیرینه نبوده بلکه کاملاً نوظهور و برای اولین بار بوده که چنان اثر قوی بر روی آنها گذاشته بوده و اگر مطلب آنطور بود که «میکا والتاری» گفته میبود، می­باید فرعونیان به این نوزاد اهمیت ندهند و دستور کشته شدن نوزادان بنی­اسرائیل را بی­درنگ اجرا کنند. نه اینکه در کار او حیران شوند و نتوانند تصمـــیم بگیرند تا اینکه پای عالی­رتبه­ترین مقام حکومتی را نیز به میان بکشند و «حالـــــت خاص» بودن این مورد سبب نجات موسی از قتل بگردد.

**«میکا والتاری» و «سینوحه»:** نمی­توان گفت «سینوحه» یک موجود خیالی است زیرا ویل دورانت در «تاریخ تمدن» به او اشاره کرده و ویل دورانت آدمی نیست که حرف بی­مدرک بزند.

اما کتاب میکا والتاری (بنام «سینوحه») سراسر داستان­پردازی و خیال­بافی است و آنقدر مطالب دروغ و تحریف تاریخ تمدن در آن هست که هر خوانند ســاده­ای هم می­تواند متوجه آنها باشد که ما واقعاً در اینجا برای رعایت اختصار نمی­توانیم به آن بپردازیم اما نمی­توانیم این نکته را خاطرنشان نسازیم که چرا کسی متوجه عمق توطئه ضددینی او نشد و واکنشی که در برابر سلمان رشدی شد، چرا یک هزارم آن درباره او نشد؟ او در کتاب مذکور این مطالب را به صراحت آورده است:

1- موضوع توحید یک موضوع جدیدی نیست بلکه یکی از فراعنۀ قبل از رامسس دوم (که فرعون معاصر موسی باشد) مبدع و منادی آن بود.

2- به آب انداختن کودکانِ ناخواسته (کودکان خانواده­های فقیر و کودکان محصول زنا) در رود نیل یک امر عادی و رایج بود.

3- موسی اسم هر کودکی است که از آب گرفته می­شد و نه اینکه اسم خاصی باشد برای آن شخص خاص.

4- فرعونی که دین توحید را ابداع کرده بود، دیوانه بود و در اثر دیوانگیِ او دشمنان از اطراف به مصر طمع کردند و قصد تسخیر آن را داشتند.

5- یکنفر عاقل از سرداران او که خطر را در می­یابد، برای نجات مصر کودتا می­کند و با همدستی سینوحه فرعونِ مبلغِ توحید را از بین می­برد و معبد و شهر و پیروانش را نابود می­کند و خودش فرعون می­شود و دوباره دین شرک سابق را برقرار می­کند و مصر حفظ می­شود.

6- آن فرعون پدر رامسس دوم است (که موسی معاصر اوست).

7- نتیجه­ای که خواننده می­گیرد چیست؟ بدون اینکه میکا والتاری خودش نتیجه­ای بگیرد، به سادگی خواننده این نتیجه را می­گیرد که کل داستان موسی و فرعون، از ریشه دروغ است

و ضمناً من هر چه جستجو کردم هیچ مورد ابراز حساسیت و ناراحتی و اعتراض و واکنش منفی راجع به این کتاب ندیدم. کتابی که از «آیات شیطانی» سلمان رشدی شاید 40 سال جلوتر نیست. در حالیکه کتاب مذکور اصل نبوت و اصل توحید و اصل داستان موسی و اصالت وحی را به تمسخر گرفته و ریشه­زنی کرده اما ضمناً هیچ واکنش منفی هم ندیده است.

چرا چنین است؟ بعبارت دیگر چرا اهل اروپا و امریکا نسبت به کسانیکه علناً و بطور ریشه­ای مطالب «کتاب مقدس» را انکار می­کنند حساسیتی به خرج نمی­دهند و اعتراضی نمی­کنند؟ موضوع فوق، یعنی بی­خیالی و بی­تعصبی آنان راجع به «کتاب مقدس» دلایلی دارد:

1- اولاً یادشان هست که «جوردانو برونو» عقایدی ابراز کرد که مخالف کتاب مقدس بود و توبه هم نکرد و کشته هم شد ولی بعداً معلوم شد عقاید او درست است و آن قسمت از مندرجات کتاب مقدس غلط است.

2- همچنین موضوع گالیله هم که واضح است و اگر او هم کوتاه نیامده بود، نفر دوم پس از جوردانو برونو بود.

3- امروز ضعیف بودن و سست بودن و نامعقول بودن بسیاری از مطالب «کتاب مقدس» آنها برای خودشان هم واضح است اما چون دین «فطری» است و نمی­توانند آن را رها کنند می­گویند کار عقل و ایمان دوتاست. هرچه را که عقل بگوید قبول می­کنیم و آنچه را کتاب مقدس هم بگوید قبول می­کنیم و فرض را بر این می­گذاریم که اگر فعلاً مغایرتی بین آنها باشد در آینده رفع خواهد شد. این است دلیل عدم ابراز حساسیت نسبت به مندرجات «سینوحه» اثر «میکا والتاری».

اما علت بروز حساسیت در شرق مسلمان نسبت به سلمان رشدی این است که مسلمانان به حقانیت مطلق کتاب خویش (= قرآن) ایمان دارند و تاکنون نیز مورد خلاف عقلی از آن ندیده­اند .

اما چیز عجیب این است که به سلمان رشدی حساسیتی ابراز شود اما به «میکا والتاری» که ضربه­اش ریشه­ای­تر بوده هیچگونه حساسیتی ابراز نشود و این نگارنده تصور می­کند که این اولین ابراز حساسیت یک نویسنده مسلمان در جهان اسلام نسبت به مورد «میکا والتاری» و «سینوحه» بوده باشد که دارید می­خوانید.

علت آن هم شاید این باشد که مسلمانان نسبت به جهان اطراف خویش توجه جدی نداشته اند و امور مربوط به ادیان دیگر را جدی نمی­گرفته اند و حمله به اساس دیانت را حمله به دین خویش تلقی نمی­نمودند وگرنه سینوحه کتابی نیست که به تازگی چاپ شده باشد. مرحوم ذبیح­الله، منصوری، حدود 40 سال قبل آنرا به فارسی ترجمه کرد و فیلمش هم همان حدود 40 سال قبل در هالیوود ساخته شد .

**فروریختِن یک افسانه**

افسانه ای در میان یهودیان هست که نمیدانم در خود تورات هم وجود دارد یانه، و آن این است که «پیشگویان» به فرعون خبر داده بودند که در میان بنی اسرائیل پسری زاده خواهد شد که فروپاشی سیستم فرعونیت بدست او خواهد بود، و او دستور داده بود که نوزادان ذکور بنی اسرائیل کشته شوند که چنان پسری بدنیا نیاید.

چون قرآن حق مطلق است و اگر چیزی با آن مغایر باشد باطل است، افسانه مذکور نیز باطل میگردد، زیرا چطور میتوان وقوع چنان دستوری را با آیه های 8 و 9 جمع کرد؟

اگر فرعون چنان دستوری داده، چگونه ممکن است زنش نوزادی را از آب بگیرد و کسی نگوید شکل و قیافه و پارچه ای که این بچه در آن پیچیده شده داد میزند که او بنی اسرائیلی است، بعدش اورا از آب بگیرند و از آن تابلوتر یک دختر بچه بنی اسرائیلی به آنها پیشنهاد دهد که گوش به حرف من دهید و او را به یک زن بنی اسرائیلی بسپارید که شیرش دهد و آنها هم بره وار بپذیرند!!

بچه در رودخانه با شکل و شمایل بنی اسرائیلی و با قنداقِ بنی اسرائیلی و با راهنمائی دختر بچه بنی اسرائیلی با شیرِ زن بنی اسرائیلی بزرگ شود و همه اینها در حالی باشد که همان فرعون چند روز پیش فرمان قتل نوزادان ذکور بنی اسرائیلی را صادر کرده باشد؟!!

بله! افسانه بکلی باطل است!

موضوع آیات 8 و 9 مذکور را بجای آنکه مطابق روایات اسرائیلی به فرعون مربوط کنیم می باید به مشکلات داخل-قبیله ایِ بنی اسرائیل مربوط کرد، که قبیله بزرگی بودند در بردگی، و انگیزه تقرب به مرکز قدرت، طایفه های مختلف آنها را به رقابت با یکدیگر وامیداشت، و این، اسباب دشمنی ها و چشم-همچشمی های زیاد میگشت و از این میان مادر موسی بو کشیده و فهمیده بود گمان این هست که چشم زخمی به جگر گوشه اش برسد و آنطور او را (به وحی) از کانون خطر دور کرد.

**شعیب نبی (ع)؟**

آیا اقامت موسی در مدین در خانه حضرت شعیب بود؟

پاراگراف فوق که در این باره ساکت است، اما، در داستانهای قرآنی ترتیبی ذکر میشود که نوح و عاد و ثمود و لوط وشعیب و پس از ذکر آنها نام موسی می آید.

گرچه در برخی سوره ها تقدم و تاخری هم هست، اما این ترتیب در ذکر داستانهای پیامبران غالب است.

اگر این ترتیب را بپذیریم میتوان قبول کرد که آن «شیخ کبیر» آیه 23 همان حضرت شعیب بوده که پدر زوجه حضرت موسی (ع) بوده است.

**چند دریافت مستقیم از داستان حضرت موسی (ع)**

آیه 12: یعنی موسی پستان هیچ شیردهنده­ای را نمی­گرفت.

آیه 19: حکایت از قدرت خبرگیری قوی قوای پلیس فرعونیانِ آن روزها دارد. چیزی که در بعدازظهر دیروز اتفاق افتاده، برای قبطیان چنان روشن شده و چنان به اطلاع همگان رسیده که اول صبح فردا هر قبطی می­دانست قتل دیروز کار موسی بوده و درباره آن «تحلیلی» هم داشته است.

آیه 20: نشان می­دهد در درون دستگاه فرعونی نیز کسانی بودند که با رویه فرعونی موافق نبودند و به جریاناتِ مخالفِ آن کمک می­کردند. البته در سوره مؤمن نیز دیدیم که در داخل سیستم حکومتیِ فرعون اشخاص پرقدرتی وجود داشته­اند که علناً مخالف فکر و عمل فرعون بودند اما هرچه باشد آن­ها در اقلیت بودند و از آیه فهمیده می­شود آن­ها نسبتاً قوی هم بودند بطوریکه می­توانستند از اخبار سطوح بالا مطلع شده و برای خنثی کردن بعضی تصمیمات عمل مؤثر هم انجام دهند.

آیه 29: بزودی شرحی در سوره طه خواهد آمد. همچنین درباره آیات 35-30.

آیه 38: تکنولوژی ساختمان­سازی در آن ایام ابتدایی بوده و حداکثر ارتفاعی که از یک برج آجری می­توان انتظار داشت مگر چقدر است که فرعون می­خواسته از بالای آن به خدای موسی «اطلاع» (= بالاتر قرار گرفتن) پیدا کند!

مشهور است که رهبران شورویِ سالهای 1960 که اولین انسان را به جوّ خارج از زمین فرستاده بودند، خیلی پز می­دادند و از آنها نقل می­شود که می­گفته­اند «از یوری گاگارین پرسیدیم آن بالاها خدا را دیدی و او گفت نه»

تکنولوژی خروج از جو زمین در سالهای 1960 همانقدر پیشرفته و برای مردمِ عادی دست نیافتنی بود که ساختن برج آجری در زمان مصر باستان . لذا خود بزرگ­بینیِ فرعون را در این چارچوب باید نگریست.

**هلاکت دسته جمعی مربوط به جوامع ماقبل تاریخ است**

تعبیری که از «مردم قرون گذشته» در آیه 43 نموده شبیه به همان است که ما به آن «قبل از تاریخ» می­گوییم.

ظاهراً چنین بنظر می­رسد که «هلاکت دسته­جمعی» که پس از تکذیب عامدانه اقوام صورت می­گرفت ، از زمان حضرت موسی به بعد ، دیگر صورت نگرفت و چنانکه در سایر سوره­ها نیز دیدیم ، در مورد آن قوم فقط «فرعون و لشکریانش» نابود شدند نه کل مخالفان آن حضرت.

همچنین است در مورد پیامبرانِ پس از آن حضرت که قرآن در هیچ موردی گزارش «هلاکت دسته­جمعی مخالفان و مکذبان آنان» را نداده است.

**جمع بندی و تفسیر**

**و به مادر موسي وحي کرديم که شيرش بده . و هنگامي که بر او ترسيدي در دريا بيندازش و نترس و اندوهگين هم مباش که ما خودمان حتما بسويت برش ميگردانيم و از پيامبران قرارش ميدهيم (7) آنگاه نزديکان فرعون يافتندش تا برايشان هم دشمن و هم مايه اندوه باشد . البته فرعون و هامان و سپاهيانشان خطا کار بودند (8) و زن فرعون گفت** (اين) **روشني چشمي براي من و تو** (است). **نكشيدش چه بسا برايمان فايده اي داشته باشد يا به فرزندي بگيريمش و آنها متوجه نبودند (9) و دل مادر موسي خالي شد و اگر قلبش را مطمئن نکرده بوديم که از مومنان باشد نزديک بود آن** (راز) **را آشکار کند (10) و به خواهرش گفت پي او را بگير و او در حاليکه آنها متوجه نبودند از جائي او را ديد (11) و قبلا** (قبول پِستان) **شير دهندگان را بر او حرام کرده بوديم پس گفت آيا شما را به خانواده اي که او را نگهدارند و خير خواهش باشند راهنمائي بنمايم؟(12) پس او را به مادرش برگردانديم تا چشمش روشن شود و اندوهگين نباشد و بداند که وعده خداوند حق است وليکن اکثرشان نميدانند (13) و هنگاميکه به رشد و قوت خويش رسيد و استوار شد ، به او حکم و علم بخشيديم و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (14) و هنگاميکه اهل آن شهر متوجه نبودند داخل آن شد و دو نفر را يافت که ميجنگيدند . اين از پيروانش و او از دشمنانش بود . و آنکه از پيروانش بود از او بر ضد آنکه از دشمنانش بود کمک خواست . پس موسي به او مشتي زد و کارش تمام شد . گفت اين از کارهاي شيطان است که او دشمني گمراه کنندهء آشکار است (15)** (و ) **گفت پروردگارا بر خويش ظلم کرده ام پس مرا ببخش و او بخشيدش که او بسيار مهربان است (16) گفت پروردگارا بسبب نعمتي که بمن دادي هرگز پشتيبان مجرمان نخواهم بود (17) آنگاه در آن شهر به صبح رساند درحاليکه ترسان و نگران بود . پس همانکه ديروز از او کمک خواسته بود** (باز هم) **از او فرياد رسي کرد و موسي به او گفت تو البته يک گمراه کننده آشکاري (18) پس چون خواست آن کسي را که دشمن هر دوشان بود با قوت بگيرد گفت اي موسي آيا ميخواهي مرا نيز بکشي همانطور که ديروز يک نفر را کشتي؟ جز اين نيست که تو ميخواهي در زمين زورگو گردي و نميخواهي از اصلاح گران باشي (19) و مردي از دورترين نقطه شهر دوان دوان آمد و گفت اي موسي بزرگان** (شهر) **تصميم به قتل تو گرفته اند پس خارج شو که من خير خواه تو ميباشم (20) و او در حاليکه ترسان و مراقب بود از آن خارج شد و گفت پروردگارا مرا از مردم ظلم پيشه نجات ده (21) و هنگاميکه بطرف مدين روي نمود گفت چه بسا که پروردگارم مرا به راه صحيح هدايت کند (22) و هنگامي که بر آب مدين وارد شد عده اي را بر آن يافت که آب ميدادند و دنبال آنها دو زن را ديد که جلوگيري ميکردند** (که گوسفندانشان با مال ديگران مخلوط شوند) **گفت کارتان چيست؟ گفتند ما آب نميدهيم مگر آنکه چوپانان بروند و پدرمان پيرمردي فرتوت است (23) پس براي آنها آب داد . سپس بسوي سايه رفت و گفت پروردگارا به هر خيري که بسويم بفرستي نيازمندم (24) پس يکي از آن دو زن باحيا بسوي او آمد و گفت پدرم تو را فراخوانده تا پاداش آب دادنت را بدهد . و چون بسوي او رفت و داستانها را براي او گفت ، گفت مترس که از مردم ظلم پيشه نجات يافته اي (25) يکي از آن دو گفت پدر جان استخدامش کن . البته بهترين کسي که استخدام کني کسي است که قوي و امين باشد (26) گفت ميخواهم يکي از اين دخترانم را در مقابل هشت سال کار به ازدواجت درآورم. اگر هم خواستي ده سال را تمام کني بر عهده خودت است و من نميخواهم بر تو سخت بگيرم و انشاءالله بزودي مرا از صالحان خواهي يافت (27) گفت اين بين من و تو باشد هر کدام از دو مدت را که تمام کردم فشاري بر من نباشد و خداوند بر آن چيزي که ميگوييم وكيل است (28) پس چون موسي آن مدت را گذراند و خانواده اش را حرکت داد از جانب** (کوه) **طور متوجه آتشي شد. به خانواده اش گفت مکث کنيد ، متوجه آتشي شده ام شايد از آن برايتان خبري بياورم يا پاره اي از آتش را ، شايد گرم شويد (29) پس چون به آن** (آتش) **در آمد از کرانه راست آن دره از درختي که در قطعه زمين پربرکتي بود ، ندائي شنيد که اي موسي من البته خودم «الله» هستم که پروردگار جهانيانم (30) و اينکه عصايت را بيانداز . پس چون ديد مانند ماري مي جنبد پشت کرد و دويد و بر نمي گشت .** [خطاب شد] **اي موسي! پیش آی و نترس . تو از ايمنان هستي (31) و دستت را در گريبانت داخل کن . سفيد، بدون اينکه بديي داشته باشد خارج خواهي کرد و دو بازويت را به هم بچسبان** (تا) **از ترس** (آرام گيري) **و اينها دو دليل از پروردگارت براي فرعون و بزرگانش هستند که البته آنها مردمي گناه پيشه اند (32) گفت پروردگارا ! من کسي از آنها را کشته ام ميترسم بکشندم (33) و برادرم هارون زبانش از من روانتر است پس او را نيز با من بعنوان کمک بفرست که تصديقم کند که ميترسم تکذيبم کنند (34) گفت بزودي بازويت را بوسيله برادرت قوي ميکنيم و برايتان دليلي قرار ميدهيم و بواسطه آياتمان به شما دست نخواهند يافت . شما دو نفر و هر کس که پيرويتان کند غالب خواهيد شد (35) پس هنگاميکه موسي با آيات روشنگرمان بسويشان آمد گفتند اين چيزي جز جادوئي از روي افترا نيست و ما درباره اش چيزي از نياكانمان نشنيده ايم (36) و موسي گفت پروردگارم بهتر ميداند چه کسي هدايت را از جانب او آورده و چه کسي سرانجام خوب خواهد داشت . که او البته ظالمان را رستگار نمي کند (37) و فرعون گفت اي بزرگان! من براي شما هيچ معبودي جز خودم نشناخته ام و اي هامان ! بر گِل برايم آتش بيفروز** (و آجربساز) **و برجي برايم برآور ، شايد به معبود موسي اطلاع پيدا کنم زيرا که او را از دروغگويان ميدانم (38) و او و سپاهيانش در زمين بدون اينکه حقي داشته باشند بزرگي می طلبيدند و گمان کردند که بسويمان بازگشت ندارند (39) پس او و سپاهيانش را بگرفتيم و در آن دريا انداختيم . بنگر عاقبت ظالمان چگونه است (40) و آنها را رهبراني قرار داديم که بسوي آتش** (جهنم) **دعوت ميکنند و روز قيامت ياري نميشوند (41) و در اين جهان نيز در پي آنها لعنت قرار داديم و روز قيامت نيز از زشت رويان خواهند بود (42) و البته پس از اينکه مردم قرون گذشته را هلاک کرديم ، آن کتاب را به موسي داديم که مايه بصيرت هائي براي مردم و نيز هدايت و رحمت است شايد پند گيرند (43)** {و آن هنگام که براي موسي آن امر را ميگذرانديم ، تو نه در كناره غربي و نه از شاهدان بودي (44) وليکن ما مردم قرن هاي زيادي را بوجود آورديم و عمرهايشان طولاني شد و همچنين تو در ميان اهل مدين هم مقيم نبودي که آياتمان را بر آنها بخواني وليکن خودمان فرستنده (پيامبران) بوده ايم (45) و تو در آن کناره (کوه) طور هم نبودي آن هنگامي که (موسي را) صدا کرديم وليکن رحمتي از جانب پروردگارت (هستي) تا قومي را که قبل از تو هشدار دهنده اي نداشتند هشدار دهي شايد پند گيرند }(46)

**قصص3 آیات47تا75**

**وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿47﴾ فَلَمَّا جَاءهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِن قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ﴿48﴾ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿49﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿50﴾ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿51﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿52﴾ وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿53﴾ أُوْلَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿54﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿55﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿56﴾ وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿57﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿58﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿59﴾ وَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿60﴾ أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿61﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿62﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاء الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿63﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿64﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿65﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنبَاء يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءلُونَ ﴿66﴾ فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿67﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاء وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿68﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿69﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿70﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاء أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿71﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿72﴾ وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿73﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿74﴾ وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿75﴾**

**ای پیامبر! اگر اينطور نبود که وقتي بسبب اعمالشان مصيبتي به آنان ميرسيد ميگفتند پروردگارا چرا رسولي بسويمان نفرستادي تا آياتت را پيروي کنيم و از مومنان باشيم به فریاد شان نمی رسیدیم (47) اما تا این حق از جانب ما بسويشان آمد گفتند چرا چيزي مانند آنچه به موسي داده شد به او داده نشد؟ آيا به آنچه قبلا به موسي داده شد کفر نورزيدند و نگفتند که قرآن و تورات دو جادوست که از يکديگر پشتيباني مي کنند و نيز نگفتند نسبت به همه آنها کافريم؟ (48) بطور طعنه وار به آنان بگو پس کتابي از جانب خداوند بياوريد که از آن دو هدايت کننده تر باشد که من هم پيرويش کنم اگر راست ميگوييد (49) پس اگر اجابتت نکردند بدان که هوا و هوس خويش را پيروي مي کنند و چه کسي گمراه تر است از کسي که هوا و هوس خويش را که خالي از هدايت خدا باشد پيروي کند؟ البته خداوند ظالمان را هدايت نمي کند (50) و البته آن قولِ وحي را پیوسته نموديم شايد پند گيرند (51) آنانکه قبلا کتابشان داده ايم به آن قرآن ايمان مي آورند (52) و وقتيکه بر آنان تلاوت شود ميگويند به آن ايمان آورده ايم . آن حق است و ماقبل از آن تسليم حق بوده ايم (53) آنها پاداششان دوبار داده ميشود، بسبب پايداريي که ميكنند و بدي را با نيکي دور ميکنند و از آنچه به آنان روزي نموديم انفاق مي نمايند (54) و وقتيکه بيهوده اي ميشنوند از آن روي ميگردانند و ميگويند اعمالمان براي ما و اعمالتان براي شما باشد ، سلام بر شما ، ما بدنبال جاهلان نيستيم (55) البته اينطور نيست که تو هر که را که دلت خواهد هدايت کني وليکن خداست که هر کس را خواهد هدايت ميکند و همو به حال هدايت يافتگان داناتر است (56) و ميگويند اگر آن هدايتي را که همراه توست پيروي کنيم از سرزمين خويش ربوده ميشويم. آيا ما آنها را در حرمي امن جاي نداده ايم که فرآورده هاي همه چيز بسوي آن گسيل ميشود؟ که روزيي است از نزد ما؟ وليکن اکثرشان علم ندارند (57) و چه بسا شهرهايي را که در معيشت خويش طغيان کردند و اين مسکن هاي آنهاست که جز کمي پس از آنها مسكون نبود و ما وارثانيم (58) و پروردگارت اينطور نيست که شهرها را هلاک کند مگر اينکه در مرکز آنها رسولي برانگيزد که آياتمان را بر آنان بخواند و ما اينطور نيستيم که شهرها را هلاک کنيم مگر اينکه اهلش ظالم باشند (59) و آنچه به شما داده شده متاع زندگي دنيا و زينت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و باقي تر است آيا تعقل نمي کنيد؟ (60) آيا کسي که به او وعده نيکوئي داديم و او به آن رسيد مانند کسي است که او را به متاع زندگي دنيا برخوردار کرديم و آنگاه در قيامت از احضار شدگان است؟ (61) و روزي که در قیامت صدايشان زنند و گفته شود آن شريکاني که براي من مي پنداشتيد کجا هستند؟ (62) کساني که آن قول بر آنان فرود آمده ميگويند پروردگارا اينها کساني هستند که ما گمراهشان کرده بوديم . گمراهشان نموده بوديم ، همانطور كه خودمان هم گمراه بوديم . در پيشگاه تو از اين كار بيزاري ميجوئيم . البته آنها فقط ما – بتان - را عبادت نميکردند (63) به آنها گفته ميشود شريکان خويش که برای خداوند فرض کرده بودید را صدا بزنید پس صدایشان مي کنند اما آنها جوابشان نميدهند و در این حال عذاب را مي بينند و آرزو ميکنند که کاش هدايت يافته بودند (64) و هنگامي که ماموران قیامت صدايشان ميزنند و مي پرسند چه جوابي به رسولان داده ايد؟ (65) در آن وضع خبرها بر آنها مشتبه ميشود و چنان سر در گم میشوند که از يکديگر احوال پرسي هم نمي­کنند (66) اما کسي که توبه کند و ايمان بياورد و عمل صالح در پيش گيرد چه بسا که از رستگاران باشد (67) و پروردگارت آنچه خواهد مي آفريند و برميگزيند . آنها اختياري ندارند . خداوند پاک و منزه است از آنچه با او شريک ميگيرند (68) و پروردگارت آنچه را که دلهايشان مخفي ميکند و آنچه را که آشکار ميکنند ميداند (69) و همو خداوند است . خدائي جز او نيست . ستايش در اين جهان و در آخرت مخصوص اوست و قضاوت نيز همچنين . و بسوي او بازميگرديد (70) بگو بينديشيد اگر خداوند شب را تا قيامت هميشگي کند، غير از خداوند چه خدائيست که روشنايي را برايتان بياورد آيا نمي شنويد؟ (71) بگو بينديشيد اگر خداوند تا قيامت روز را هميشگي کند، چه خدائيست که شبي برايتان بياورد که در آن استراحت کنيد؟ آيا نمي بينيد؟ (72) و از رحمتش برايتان شب و روز را قرار داد که در آنها استراحت کنيد و از فضل او روزي خويش بجوئيد شايد شکر گزاريد (73) و روزي که آنها را ندا دهد و بگويد کجا هستند شريکاني که به خيال خويش براي من در نظر گرفتيد (74) و در آن روز از هر مردمي شهادت دهنده اي جدا کنيم و بگوئيم دليل خويش بياوريد ، آنگاه بدانند که حق مخصوص خداست و آنچه که افترا ميزدند از نزدشان گم و نابود میشود (75)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : نمونه­هائي از بهانه­گیری­های مخالفان پیامبر-ص- برای فرار از ایمان و توصیه به پیامبر (ص) که در جهت باطل کردن بهانه های شان چنین بگوید .**

**2 – از اول تا اینجا**

پاراگراف 1 مطلقا امیدوارکننده است و بطور واضح خبر از تغییر اوضـاع در جهت حصول رضایت پیامبر(ص) و پیروانش ، و فائق شدن آنها بر مخالفان و دشمنانشـان میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! بطور قطع شما پیروز خواهیدشد پس ، براین اوضاع و احوال فعلی تان صبر کنید تا وقت مناسب برسد و اینکه ای پیامبر! قوم تو جای هیچ بهانه ای را نباید داشته باشــند زیرا این قرآنی که به تو داده ایم از معجزات هر پیامبری بالاتر است.

در این پاراگراف ازکافران انتقــاد و نکوهش میشود که چرا تعلل وامروز- فردا و دست-دست می کنید و یکــباره ایمان نمی آورید و اگر منظورتان از تعلل درایمان آوری نگرانی راجع به «زندگی دنیا» تان است ، از کجا معلوم که بعدا موفق به ایمان شوید و از کجا معلوم که پذیرفته شود .

**3 - سوالات**

1 – در انتهای آیه47 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

2 - فاعل«قالوا»های آیه 47 چه کسی (کسانی) است؟

3 – آیه 49 ، چه نوعی از سخن است؟ (طنز؟ یا....)

4 - شش کلمه آخر آیه 50 با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

5 – منظور از «قول» (آیه52) چیست؟

6 – با توجه به آیه 56 ، فعالیت رسولانه پیامبر(ص) مطابق کدام گزینه است؟ (شرط لازم؟ شرط کافی؟ یا....؟)

7- منظور از «ثمرات» (آیه 57 ) چیست؟

8 - «رزقا من لدنّا» (آیه57) باکدام کلید تفسیر مطابق است؟

9- منظور از «بطرت معیشتها» (آیه 58 ) چیست؟

10 – در آیه 59 سکون و ثبات زندگی را بین دو حدّ تعریف فرموده ، آن دو حدّ را بیان کنید .

11 - مخاطب این پاراگراف کیست؟ (کافران عادی؟ سران کفار؟ یا.....؟)

13 – از آیه های 54 و 55 و 56 چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

14-در ثلث اول آیه 60 ، موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟

15- چه سابقه ای ازموضوع آیه63 درسوره های قبل دارید؟

16-منظور از « **الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ** » (آیه63) چیست؟

17-قبل ازچهار کلمه آخر آیه64 ، موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟

18-«هم» درکلمه«ینادیهم»(آیه65)خطاب به کیست؟

19-چرا درآیه67 ، قول قطعی رستگاری نداده است؟

20-منظوراز« **مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ** » (آیه68)چیست؟

21-منظوراز« **الْأُولَى وَالْآخِرَةِ** »(آیه 70)چیست؟

22-درانتهای آیه 74 ، موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟

23-موضوع آیه 75 درچه زمانی اتفاق می افتد؟

24-خطاب این پاراگراف به چه کسانی است؟ (کافران معمولی؟ سران کفار؟یا....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 47 و 48 فهمیده میشود قبل از ظهور آنحضرت مردم مکه آرزوی ظهور یک پیامبر را داشته اند ، اما ، پس از اینکه آرزویشان برآورده شد آن حضرت را تکذیب نمودند و از آیه 50 فهمیده میشود علت تکذیب «اتباع اهواء» شان بوده است .

از آیه 57 این مطلب هم فهمیده می­شود که کفار که پیشرفت اسلام و فتح قلوب مردم نگرانشان کرده بود دست به توطئه­های وسیع زده بودند و از جمله آدم­ربائی را نیز بعنوان یک عمل تروریستی بازدارنده در برنامه­های خویش گنجانده بودند.

از آیه 51 این مطلب بسیار مهم فهمیده میشود که علیرغم اینکه مردم مکه مدتی طولانی بی پیامبر بوده اند اما از معارف وحیانی آنقدر که مورد نیازشان بود در بین آنها رایج بوده که نتوانند در قیامت ادعا کنند « ما که از حقایق بی خبر بودیم»

از آیات 52 تا 55 هم این نکته مهم فهمیده میشود که یهودیان و مسیحیانی که در مکه و دور و بر آن بوده اند پیشاپیش کاملا به آنحضرت ایمان داشتند و حتی به ایمانشان عمل هم میکرده اند .

از آیه 61 (و با توجه به آن ، از آیه 60 نیز) فهمیده میشود که مخالفان فعال آنحضرت (نسبت به پیروان آنحضرت) مالدار و قبیله دار ، و پیروان آنحضرت از رده های فرودست جامعه بوده اند و خطاب دو آیه مذکور هم به دسته اول است .

از آیه 69 فهمیده میشود مخالفان آنحضرت در باره تعالیم او نظری داشته اند ولی آنچه که در باره تعالیم او ابراز میکرده اند مطابق و منطبق با چیزی که در نهانی های ضمیر خویش داشته اند نبوده است .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی :**

آیات 52 تا 56 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و انتهای آیه 51 را به ابتدای آیه 57 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی­دست­انداز است.

نیز آیه 49 فرع بر دو آیه قبل از خویش است و آیه 50 فرع بر آن است.

آیه 59 نیز فرع بر آیه 58 است و این واضح است.

آیه 61 در جهت توضیح آیه 60 است و لذا فرع بر آن است

آیه­های 62 تا 66 چگونگی احضار آنها و بازجوئی از آنها و درماندگی آنها در جواب دادن را شرح می­دهد که در جهت توضیح کلمه آخر آیه 61 است و دیدیم که خود آیه 61 فرع بر آیه 60 است، لذا آنها هم فرعی است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿47﴾ فَلَمَّا جَاءهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَى أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَى مِن قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ﴿48﴾ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿49﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿50﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : نمونه­هائي از بهانه­گیری­های مخالفان پیامبر-ص-برای فرار از ایمان.**

**2**

**وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿51﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿52﴾ وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿53﴾ أُوْلَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿54﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿55﴾** إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّاللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاء وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿56﴾ **وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿57﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : ای پیامبر! به بهانه گیران بگو: اقوام قبلی به کتابشان احترام و عمل میکردند.**

**3**

**وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿58﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَى إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿59﴾ وَمَا أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿60﴾ أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿61﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿62﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاء الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿63﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿64﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿65﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنبَاء يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءلُونَ ﴿66﴾ فَأَمَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَى أَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿67﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : ای بهانه گیران! مبادا خود را به چنین عاقبتی دچار کنید.**

**4**

**وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاء وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿68﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿69﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿70﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاء أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿71﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿72﴾ وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿73﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : ای بهانه جویان! چنین خداوندی دارید، بسوی او بیائید.**

**5**

**وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿74﴾ وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿75﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : ای بهانه گیران! از چنین عاقبتی احتراز کنید.**

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به پیامبر (ص) که در جهت باطل کردن بهانه های مخالفان برای فرار از ایمان چنین بگوید .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 60 تا 64 ، و آیه های 73 و 74 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**اگر ایمان بیاوریم دچار مشکل می­شویم**

موضوع آیه 57 را قبلاً در سوره­های قریش و فجر دیده­ایم. در سوره قریش مختصراً این مطالب را دیده­ایم که کل زندگی شما براساس مجاورت با این حرم امن الهی (یعنی مکه) شکل گرفته است پس کفر چه معنی دارد و در سوره فجر بطور کامل این مطلب را دیده­ایم که ارزش زندگی اقتصادی این جهانی ملاک و مناط اعتبار نیست و در مقابل حق و آخرت و ارزشهای واقعی چیزی نیست.

**فعل خداوند قانونمند است**

با توجه به تیتر فوق و متن آیه 56 معلوم می­شود ایمان آوری مکانیزم­های پیچیده­ای در ذهن و روان انسان دارد که تا همه مقدمات و شرایط آن آماده نشود به وجود نمی­آید.

**غفلت­زدایی**

آیات 71تا73چشم ما را به این نکته باز می­کند که چه نعمت های عظیمی وجود دارد که ما به آنها عادت کرده­ایم ، و حتی یک دفعه هم این عادت نقض نشده ، و هر کدام از آن نعمت­های عادی که اصلاً وجود آنها را هم احساس نمی­کنیم چه تأثیر عظیمی در زندگی ما به عنوان انسان دارد ، و اگر اینطور که هست نبود، اصلاً انسانیت و تمدن انسانی ما حتی به آن قدم­های اولیه نیز نمی­رسید. و اگر متوجه این نکته بودیم کمی شاکر می­شدیم.

**جمع بندی و تفسیر**

**و اگر اينطور نبود که وقتي بسبب اعمالشان مصيبتي به آنان ميرسيد ميگفتند پروردگارا چرا رسولي بسويمان نفرستادي تا آياتت را پيروي کنيم و از مومنان باشيم** [به فریاد شان نمی رسیدیم] **(47) اما تا حق از جانب ما بسويشان آمد گفتند چرا چيزي مانند آنچه به موسي داده شد به او داده نشد؟ آيا به آنچه قبلا به موسي داده شد کفر نورزيدند و گفتند دو جادوست که از يکديگر پشتيباني مي کنند و** (نيز) **گفتند نسبت به همه آنها کافريم (48)** {بگو پس کتابي از جانب خداوند بياوريد که از آن دو هدايت کننده تر باشد که من هم پيرويش کنم اگر راست ميگوييد (49) پس اگر اجابتت نکردند بدان که هوا و هوس خويش را پيروي مي کنند و چه کسي گمراه تر است از کسي که هوا و هوس خويش را که خالي از هدايت خدا باشد پيروي کند؟ البته خداوند ظالمان را هدايت نمي کند }(50) **و البته آن قول** (وحي) **را پیوسته نموديم شايد پند گيرند (51)** { آنانکه قبلا کتابشان داده ايم به آن (قرآن) ا ايمان مي آورند(52) و وقتيکه بر آنان تلاوت شود ميگويند به آن ايمان آورده ايم . آن حق است و ماقبل از آن تسليم (حق) بوديم (53) آنها، پاداششان دوبار داده ميشود، بسبب پايداريي که ميكنند و بدي را با نيکي دور ميکنند و از آنچه به آنان روزي نموديم انفاق مي نمايند (54) و وقتيکه بيهوده اي ميشنوند از ان روي ميگردانند و ميگويند اعمالمان براي ما و اعمالتان براي شما (باشد) سلام بر شما ما بدنبال جاهلان نيستيم (55) البته اينطور نيست که تو هر که را که دلت خواهد هدايت کني وليکن خداست که هر کس را خواهد هدايت ميکند و همو به حال هدايت يافتگان داناتر است }(56)  **و ميگويند اگر آن هدايتي را که همراه توست پيروي کنيم از سرزمين خويش ربوده ميشويم. آيا ما آنها را در حرمي امن جاي نداده ايم که فرآورده هاي همه چيز بسوي آن گسيل ميشود؟ که روزيي است از نزد ما؟ وليکن اکثرشان علم ندارند (57) و چه بسا شهرهايي را که در معيشت خويش طغيان کردند و اين مسکن هاي آنهاست که جز کمي پس از آنها مسكون نبود و ما وارثانيم (58)** {و پروردگارت اينطور نيست که شهرها را هلاک کند مگر اينکه در مرکز آنها رسولي برانگيزد که آياتمان را بر آنان بخواند و ما اينطور نيستيم که شهرها را هلاک کنيم مگر اينکه اهلش ظالم باشند} (59) **و آنچه به شما داده شده متاع زندگي دنيا و زينت آن است و آنچه نزد خداست بهتر و باقي تر است آيا تعقل نمي کنيد؟ (60) آيا کسي که به او وعده نيکوئي داديم و او به آن رسيد مانند کسي است که او را به متاع زندگي دنيا برخوردار کرديم و آنگاه در قيامت از احضار شدگان است؟(61)** {و روزي که (در قیامت) صدايشان زنند و گفته شود آن شريکاني که براي من مي پنداشتيد کجا هستند؟(62) کساني که آن قول بر آنان فرود آمده ميگويند پروردگارا اينها کساني هستند که ما گمراهشان کرده بوديم . گمراهشان نموده بوديم ، همانطور كه خودمان هم گمراه بوديم . در پيشگاه تو (از اين كار) بيزاري ميجوئيم . (البته) آنها فقط ما را عبادت نميکردند (63) به آنها گفته ميشود شريکان خويش ( که برای خداوند فرض کرده بودید) را صدا بزنید پس صدایشان مي کنند اما آنها جوابشان نميدهند و (در این حال) عذاب را مي بينند و آرزو ميکنند که کاش هدايت يافته بودند (64) و هنگامي که صدايشان ميزنند و مي پرسد چه جوابي به رسولان داده ايد؟(65) پس در آن روز خبرها بر آنها مشتبه ميشود و (چنان سر در گم میشوند که) از يکديگر احوال پرسي هم نمي­کنند} (66)  **اما کسي که توبه کند و ايمان بياورد و عمل صالح در پيش گيرد چه بسا که از رستگاران باشد (67)** **و پروردگارت آنچه خواهد مي آفريند و برميگزيند . آنها اختياري ندارند . خداوند پاک و منزه است از آنچه با او شريک ميگيرند (68) و پروردگارت آنچه را که دلهايشان مخفي ميکند و آنچه را که آشکار ميکنند ميداند (69) و همو خداوند است . خدائي جز او نيست . ستايش در اين جهان و در آخرت مخصوص اوست و قضاوت نيز همچنين . و بسوي او بازميگرديد (70)** {بگو بينديشيد اگر خداوند شب را تا قيامت هميشگي کند، غير از خداوند چه خدائيست که روشنايي را برايتان بياورد آيا نمي شنويد؟(71) بگو بينديشيد اگر خداوند تا قيامت روز را هميشگي کند، چه خدائيست که شبي برايتان بياورد که در آن استراحت کنيد؟ آيا نمي بينيد؟(72) و از رحمتش برايتان شب و روز را قرار داد که در آنها استراحت کنيد و از فضل او روزي خويش بجوئيد شايد شکر گزاريد}(73) **و روزي که آنها را ندا دهد و بگويد کجا هستند شريکاني که به خيال خويش براي من در نظر گرفتيد (74) و** (در آن روز) **از هر مردمي شهادت دهنده اي جدا کنيم و بگوئيم دليل خويش بياوريد ، آنگاه بدانند که حق مخصوص خداست و آنچه که افترا ميزدند از نزدشان گم و نابود میشود (75)**

**قصص4 آیات76تا88**

**إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿76﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿77﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ القُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿78﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿79﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿80﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ المُنتَصِرِينَ ﴿81﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿82﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿83﴾ مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿84﴾ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَن جَاء بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿85﴾ وَمَا كُنتَ تَرْجُو أَن يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿86﴾ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿87﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿88﴾**

**قارون از بنی اسرائیل بود كه بر آنها طغيان کرد و به او آنقدر از ثروت داده بوديم که فقط کليدهايش جواناني نيرومند را خسته ميکرد . هنگاميکه برخی از قومش به او ميگفتند خوشحالي مکن که خداوند اين قبيل خوشحالان را دوست ندارد (76) و در آنچه خداوند بتو داده سراي آخرت را جستجو کن و در عين حال نصيب خويش را نيز از دنيا فراموش مکن و نيکي کن چنانکه خداوند بتو نيکي نموده و در روي زمين در پي فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست نميدارد (77) گفت جز اين نيست که این ثروت را بعلت علم و لیاقتم یافته­ام . آيا نمي دانست که خداوند قبل از او کساني را هلاک کرده که از او قوي تر و از لحاظ جمعيت از او فزون تر بودند؟ و مجرمان درباره گناهانشان سئوال نميشوند (78) و هنگامی که با زينت هايش بر مردم درآمد کساني که زندگي دنيا را ميخواستند گفتند اي کاش آنچه به قارون داده شد براي ما هم ميبود که او صاحب بهره عظيمي است (79) و کساني که علم به آنها داده شده بود میگفتند واي بر شما ثواب خداوند براي کسي که ايمان آورده و عمل صالح کند بهتر است و جز کساني که اهل پايداري باشند به آن نميرسند (80) پس او و خانه اش را در زمين فرو برديم و هيچ نیروئی نبود که عليه خداوند ياريش کند و خودش هم از کساني نبود که داد خويش بستاند (81) و آنهايي که ديروز موقعيت او را آرزو ميکردند چنان شدند که ميگفتند واي! گويي که خداوند است که براي هر يک از بندگانش که بخواهد روزي را فراخ ميکند يا تنگ ميگيرد . اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود حتمأ زمين ما را نيز فرو ميبرد . و اي! گويي که او کافران را رستگار نمي کند (82) ای مردم! اين خانه آخرت را براي کساني قرار داده ايم که در زمين اراده سركشي و فساد ندارند و عاقبت از آن متقيان است (83) کسي که نيکيي بياورد براي او بهتر از آن خواهد بود و کسي که بديي بياورد بداند كساني که کارهاي زشت مي کنند جزسزاي آنچه را که انجام ميدهند نمي بينند (84) ای پیامبر! البته کسي که قرآن را بر تو فرض کرده ، حتما تو را به آن بازگشتگاه برميگرداند . بگو پروردگارم بهتر ميداند چه کسي هدايت آورده و چه کسي در گمراهي آشکار است (85) و تو اميدي نداشتي که قرآن بر تو القاء شود ، اين نبود مگر رحمتي از جانب پروردگارت ، لذا به نفع کافران همپشتي مکن (86) و مبادا تو را از آيات خداوند ، پس از اينکه بسويت نازل شده بازدارند . و بسوي پروردگارت دعوت کن و مبادا که از مشرکان باشي (87) و مبادا که همراه خداوند خدائي ديگر را بخواني . خدائي جز او نيست . همه چيز هلاک شدني است مگر وجه او . حکومت مخصوص اوست و بسوي او بر ميگرديد (88)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : يكي از راه هاي مهم غفلت از خداوند، توجه بينش از حد به مال و ثروت و تكيه بر آن است ، اي پيامبر! تحت تاثير مخالفت ها قرار نگير، و كار رسالتت را با جديت بيشتر پيگيرباش که مورد لطف مائی.**

**2 – از اول تا اینجا**

پاراگراف 1 مطلقا امیدوارکننده است و بطور واضح خبر از تغییر اوضـاع در جهت حصول رضایت پیامبر(ص) و پیروانش ، و فائق شدن آنها بر مخالفان و دشمنانشـان میدهد .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! بطور قطع شما پیروز خواهیدشد پس ، براین اوضاع و احوال فعلی تان صبر کنید تا وقت مناسب برسد و اینکه ای پیامبر! قوم تو جای هیچ بهانه ای را نباید داشته باشــند زیرا این قرآنی که به تو داده ایم از معجزات هر پیامبری بالاتر است.

در پاراگراف 3 ازکافران انتقــاد و نکوهش میشود که چرا تعلل وامروز- فردا و دست-دست می کنید و یکــباره ایمان نمی آورید و اگر منظورتان از تعلل درایمان آوری نگرانی راجع به «زندگی دنیا» تان است ، از کجا معلوم که بعدا موفق به ایمان شوید و از کجا معلوم که پذیرفته شود .

در این پاراگراف می فرماید : اینقدر به اموالتان غره نشوید ، اولاکه چیزی نیست ، ثانیا شاید وفا نکند ، و ای پیامبر ! لطف ونعمت ما برتو عظیم بوده ، البته آن خواسته ات راهم برآورده می­کنیم .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «قومه» (آیه 76) چه کسانی است؟

2 – ظرف زمانیِ اتفاقاتِ آیات 76 تا 80 چه وقت است؟

1-کلمه «معاد» (آیه85) به چه معنی بکار رفته؟ لغوی یا اصطلاحی؟

2- «الارحمه من ربک» (آیه86) با موضوع کدام کلید فهم قرآن مطابق است؟

3- منظور از «آیات الله» (آیه87) چیست؟

4- در آیه 88 ، پس از شش کلمه اول ، بقیه مطالب باموضوع کدام کلید فهم قرآن مطابق است؟

5-چرا خداوند ازبین صفات ممکن ، خود را به صفات مندرج در انتهای آیه 88 معرفی فرموده؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

گفتگوئی که در خلال آیات 76 تا 80 بین بنی اسرائیل صورت گرفته ، بی جهت در قرآن در اینجا نقل نشده ، قابل فهم است که می باید چنین تلقیی از خویش در هریک از گروه های موجودِ ثروتی در دوره معاصر نزول این آیات در اذهان وجود داشته باشد ، شکاف طبقاتی عمیق (آیه 76) ، اعتراض به سوء رفتار سوپر متمکن ها (از ثلث آیه 76 تا آیه 77) ، توجیه آنان در دفاع از رفتار خویش (ثلث اول آیه 78) ، آرزوی موقعیتی شبیه آنها در بین طبقات نابرخوردار (نیمه آخر آیه 79) ، و دیالوگ داخلیِ تقابلیِ عده ای دیگر از همانها (آیه 80)

از مجموع اینها فهمیده میشود در زمان نزول این آیات ، عده ای از طبقات فرودست چشم تحسین و تقلید به سوی مخالفان آنحضرت داشتند ، و عده ای دیگر به وضوح منتقد آنان بوده و با آنها وارد دیالوگ انتقادی می بوده اند.

مطلب انتهای آیه 85 به چه معنی است؟

قابل فهم است که آنحضرت مورد دعوتهای مکرری از سوی کفار بوده که «بیا یک جوری با هم کنار بیائیم. هیچ چیزی نیست که قابل حل نباشد. این قدر راجع به خدایان ما سخت­گیری نکن. بالاخره پرستش آنها هم به نوعی پرستش خدای تو است و ... و ...»

در انتهای آیه 85 یادآوری می­نماید که اصلاً اینطور نیست. تو هدایت آورده­ای و آنها از گمراهی آشکار دفاع می­کنند و لذا مبادا هیچگونه سازشی کنی.

در صدر آیه نیز ابتدا نعمت بزرگی را که آن حضرت از آن برخوردار شده بود (ظرفیت پذیرش این رسالت) یادآوری نموده و سپس وعده­ای به او داده که به دلخواهت میرسی و در آخر او را نهی نموده از اینکه کوچکترین سازشی نماید.

از جمله دوم آیه 85 فهمیده می­شود دلخواه آن حضرت این بوده که به «بازگشتگاه» برگردد.

خداوند به او می­فرماید لازم نیست برای اینکه به بازگشتگاه برگردی، کوچکترین سازشی کنی. ما که تو را الزام کرده­ایم این بار را بر شانه­ات حمل کنی، خودمان تو را به آرزویت می­رسانیم. چه بسا «بازگشتگاه» در اینجا «روزهایی که اینهمه مشکلات نباشد» بوده باشد ، یعنی همان روزهایی که آنحضرت فقط یک «محمد امین» بود و عزیز و محترم بود و بار اینهمه مشکلات (تکذیب و تحقیر و استهزاء و آزار و اذیت پیروان و . . ) را نداشت ، بوده باشد ، که در اینجا تلویحا وعده موفقیت و پیروزی به آنحضرت میدهد .

در آیات 85 تا 88 مطالب عجیبی خطاب به پیامبر اکرم(ص) عنوان شده است و شبیه به مطالبی است که در سوره اسراء مبنی بر «بر حذر داشتن آنحضرت از اینکه حتی به مقدار کمی هم که باشد بسوی مشرکان رغبت فرماید» نازل شده است.

آیا پیامبر اکرم(ص) پس از اینهمه سوره­ها و آیاتی که بر او نازل شده، و پس از اینهمه رنج و تعبی که دیده، و پس از اینهمه موفقیتی که به آن نائل شده، در موقعیتی بود که بقول آیه 87، «از مشرکان» باشد و «همراه با خدا»، «خدای دیگری را بخواند؟» البته که نه. پس سبب نزول آن مطالب چیست؟

«درس» و «درب» بما کمک می­کند که موضوع فوق را بهتر بفهمیم.

پیامبر(ص) بار رسالتی را به دوش داشت که آنرا تا اینجای کار رسانده بود و مؤمنانی را تربیت کرده بود و مخالفان عجیبی هم ایجاد شده بودند که نه تنها هیچ طوری هیچ قدمی بطرف هدایت برنمی­داشتند بلکه از تمام ظرفیت خویش برای از بین بردن آن استفاده می­کردند و بزرگترین توطئه­ها را و بدترین اعمال را مرتکب می­شدند و حتی چنانکه در محل خویش دیده شد، حتی از آدم دزدی هم رویگردان نبودند.

پیامبر بود و بار رسالت و بقیه راه و این مؤمنان و آن موانع سخت.

هر کس دیگر که بود چه آرزوئی داشت؟

هر کس دیگر هم که بود آرزوئی جز برداشتن موانع نداشت.

یکی از بهترین راه­های برداشتن این نوع موانع «معامله» است.

مثلاً پیامبر(ص) امتیاز کوچکی به آنان بدهد و امتیاز بزرگی از آنان بگیرد.

آنان چه نوع امتیازی را ممکن بود بخواهند؟

مشرکان و کفار آن روزها ظاهراً چیز زیادی نمی­خواستند.

از آیه 86 فهمیده می­شود که بعضی از کفار از پیامبر انتظارداشتند در جاهائی یک پشتیبانی­هائی از آنان بکند و از آیه 87 فهمیده می­شود از او می­خواستند در جاهائی از مواضع (بنظر آنها) بسیار سفت و سخت خویش اندکی کوتاه بیاید و از آیه 88 فهمیده می­شود از او می­خواستند کمی هم که شده با آنان همراهی نشان دهد.

خلاصه اینکه آنها چیزی را می­خواستند که در سوره کافرون به آن اشاره شده منتها اینک که نهضت اسلام اینهمه پیشرفت کرده بود، همان چیزها را منتها به بسـیار رقیق­تر و به کمتر از آن هم راضی بودند که خداوند با این شدت (در سوره اسراء و در این سوره) آنحضرت را از کوچکترین معامله­ای با آنان در این حوزه­ها بر حذر داشته است.

ضمناً در اواخر سوره یونس نیز بحثی عرض کرده­ایم که مناسب اینجا نیز هست .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 76 تا 84 نظیره سازیی مطرح نموده که طی آن این پیشگوئیِ تلویحی را دارد که وضع شما بهبود خواهد یافت و دشمن شما از صحنه خارج خواهد گردید .

در آیه 86 با ذکر یک نعمت عظیم که به آنحضرت اِنعام شده ، تلویحا این وعده را دارد که ما همان صاحب نعمتیم و نعمت های دیگری نیز در راه است .

در آیه های 87 و 88 با نهی شدید از کوچکترین سعی برای نزدیک شدن به فعالان مخالفت با آموزه های وحی ، تلویحا این پیشگوئی را دارد که دست تو بالاتر است و لزومی ندارد به آنان کوچکترین امتیازی بدهی .

**6 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿76﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِن كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿77﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِي أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ القُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿78﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿79﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿80﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ المُنتَصِرِينَ ﴿81﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَّنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿82﴾**

**درس: درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : يكي از راه هاي مهم غفلت از خداوند، توجه بيش از حد به مال و ثروت و تكيه بر آن است.**

**2**

**تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿83﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفانِ پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : نعمت های آخرت برای کسانی ممکن میشود که خواسته شان برتری طلبی و فساد نباشد.**

**3**

**مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿84﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : داوریِ آخرتی بهترین داوری است.**

**4**

**إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ مَن جَاء بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿85﴾ وَمَا كُنتَ تَرْجُو أَن يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ ﴿86﴾ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿87﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿88﴾**

**درس: چگونه خداوند مخالفان پيامبران را نابود، و خود آنان را موفق مي نمايد.**

**درب : ای پیامبر! فضل خداوندی بر تو عظیم بوده، زنهار که مبادا ناشایسته عمل کنی!**

**7 - آیات مشکل**

آیه 85 به علت اختلاف نظری که مفسران در تفسیرش دچارش شده اند، از آیات مشکل تلقی میشود، گرچه ملاحظه کردید که برای ما مشکل نبود.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به آنحضرت که توجه داشته باشد که ریشه مخالفت های تکذیبگران با او در چیست ، و اینکه تحت تاثير مخالفت ها قرار نگيرد ، و كار رسالتش را با جديت بيشتر پيگير باشد که کما فی السابق مورد لطف الهی خواهد بود .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**«رانت» یا لیاقت؟**

در رابطه با آیه 78 جمله «جز این نیست که آن ثروت به علت علمی که نزد من است به من داده شده» سخن همه کسانی است که به نوعی سرمایه­های خدادادی، یا رانتی را به «لیاقت» خویش منسوب می­کنند و با این سخن خود را از انجام وظایف مربوط به آن سرمایه (اعم از علمی و اعتباری و نَسَبی و سببی و اقتصادی و غیره) معاف می­کنند. در حالیکه هر کس هر نعمتی که دارد آن را از خداوند دارد و مطابق آیه آخر سوره تکاثر باید پاسخگوی چگونگی استفاده از آن باشد.

**در آیه 85 «معاد» یعنی چه؟**

با توجه به آیه 85 کلمه «فرض» از نوعی الزام و اجبار حکایت می­کند (و «واجبات» را «فریضه» نام نهاده­اند) و لذا «فرض کردن قرآن» بر پیامبر(ص) به این معنی است که چاره­ای نبود جز اینکه نزول قرآن می­یابد الزاماً بر او-ص- واقع باشد. حتماً به این علت که آنحضرت شایسته­ترین کسی بود که قدرت و ظرفیت و امکان حمل این بار را داشت و حتماً شخص دیگری نبود که بتواند به خوبی او از پس انجام این رسالت برآید. اما خود آنحضرت به دلیل محتوای آیه 86 گمان نمیبرد که به پیامبری برسد و حالاکه رسیده همواره این امکان را داشته که با موضوع رسالتش بیش از مقدار لزوم درگیر شود و اصطلاحا به زبان امروز آن را «شخصی» تلقی کند و همواره برای او این وضعیت پیش می آمد که مانند محتوای ابتدای سوره قلم در معرض «پیشنهاد معامله» قرار گیرد (که مثلا سران کفار به آنحضرت بگویند یک امتیاز کوچکی بما بده و در عوض ده امتیاز بزرگ به تو میدهیم) که هم در سوره قلم و هم پس از آن بارها کرارا از آن نهی شده (لقد کدت ترکن الیهم . . . ولا ترکنوا الی الذین ظلموا . . .) و اینجا هم یکی از آن موارد است که بشدت نهی میشود که فلا تکونن ظهیرا للکافرین.

خلاصه اینکه آیات 85 تا 88 از طرفی همتراز آن آیات سوره قلم است که از «فلا تطع المکذبین» شروع و تا «اساطیر الاولین» ادامه می یابد، و از طرف دیگر همتراز آیه «ولقد کدت ترکن الیهم . . » سوره اسراء است که قبلا دیدیم.

حالا مسئله ما این است که در این چارچوب «. . لرادک الی معاد» را معنی کنیم.

در این چارچوبی که عرض کردیم ، کلمه «معاد» جز به قیامت نمیخورد.

**«وجه» خدا**

در رابطه با آیه 88 و کلمه «وجهه» ، در سوره رحمان درباره «وجه خدا» بحثی تقدیم کردیم ، لطفاً مراجعه کنید .

**جمع بندی و تفسیر**

**قارون از قوم موسي بود كه بر آنها طغيان کرد و به او آنقدر از گنجها داده بوديم که فقط کليدهايش جواناني نيرومند را خسته ميکرد . هنگاميکه قومش به او ميگفتند خوشحالي مکن که خداوند** (اين قبيل) **خوشحالان را دوست ندارد (76) و در آنچه خداوند بتو داده سراي آخرت را جستجو کن و** (در عين حال) **نصيب خويش را نيز از دنيا فراموش مکن و نيکي کن چنانکه خداوند بتو نيکي نموده و در روي زمين در پي فساد مباش که خداوند مفسدان را دوست نميدارد (77) گفت جز اين نيست که** (آن ثروت) **را بعلت علمي که نزد خودم است یافته­ام .**{آيا نمي دانست که خداوند قبل از او کساني را هلاک کرده که از او قوي تر و از لحاظ جمعيت از او فزون تر بودند؟ و مجرمان درباره گناهانشان سئوال نميشوند} (78)  **و با زينت هايش بر مردم درآمد . کساني که زندگي دنيا را ميخواستند گفتند اي کاش آنچه به قارون داده شد براي ما هم ميبود که او صاحب بهره عظيمي است (79) و کساني که علم به آنها داده شده بود گفتند واي بر شما ثواب خداوند براي کسي که ايمان آورده و عمل صالح کند بهتر است و جز کساني که اهل پايداري باشند به آن نميرسند (80) پس او و خانه اش را در زمين فرو برديم و هيچ نیروئی نبود که عليه خداوند ياريش کند و خودش هم از کساني نبود که داد خويش بستاند (81) و آنهايي که ديروز موقعيت او را آرزو ميکردند چنان شدند که ميگفتند واي! گويي که خداوند است که براي هر يک از بندگانش که بخواهد روزي را فراخ ميکند يا تنگ ميگيرد . اگر خدا بر ما منت نگذاشته بود حتمأ** (زمين) **ما را نيز فرو ميبرد . و اي! گويي که او کافران را رستگار نمي کند (82) اين خانه آخرت را براي کساني قرار داده ايم که در زمين اراده سركشي و فساد ندارند و عاقبت از آن متقيان است (83) کسي که نيکيي بياورد براي او بهتر از آن خواهد بود و کسي که بديي بياورد** (بداند) **كساني که کارهاي زشت مي کنند جزسزاي آنچه را که انجام ميدهند نمي بينند (84)** **البته کسي که قرآن را بر تو فرض کرده ، حتما تو را به آن بازگشتگاه برميگرداند . بگو پروردگارم بهتر ميداند چه کسي هدايت آورده و چه کسي در گمراهي آشکار است (85) و تو اميدي نداشتي که آن کتاب بر تو القاء شود** (اين نبود) **مگر رحمتي از جانب پروردگارت ، لذا به نفع کافران همپشتي مکن (86) و مبادا تو را از آيات خداوند ، پس از اينکه بسويت نازل شده، بازدارند . و بسوي پروردگارت دعوت کن و مبادا که از مشرکان باشي (87) و مبادا که همراه خداوند خدائي ديگر را بخواني . خدائي جز او نيست . همه چيز هلاک شدني است مگر وجه او . حکومت مخصوص اوست و بسوي او بر ميگرديد (88)**

**سوره نمل**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿1﴾ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿2﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿3﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿4﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿5﴾ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿6﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طس. اين آيات قرآن و کتابي آشکار است (1) كه هدايت و مژده اي براي مومنان است (2) همان کسانی که نماز بپا ميدارند و زکوة ميدهند و به آخرت يقين دارند (3) کسانی که به آخرت باور ندارند اعمالشان را زينت داده ايم و کوردل و سرگردان ميمانند (4) آنها کساني هستند که عذاب بد خواهند داشت و در آخرت هم زيانکار تر خواهند بود (5) و مردم بدانند که تو قرآن را از نزد حکيمي دریافت میکنی (6)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب مي­کند.**

**درب : اي پيامبر! قرآني كه بتو وحي شده، يكي از مهمترین تاييدات الهی است .**

**2 – سوالات**

1 – چرا قلمرو هدایتیِ قرآن را چنان فرموده؟ (که محدود به کسانی است که در آیه 2 ذکر شده؟)

2 – تلک در آیه 1 ، اشاره به چیست؟ (همین آیاتی که مربوط به سوره نمل است؟ کل قرآن؟ یا . . . ؟)

3 – در همان آیه ، آیا کتاب مبین صفتی است برای قرآن؟ یا اینکه کتاب مبین چیزی دیگر است؟ (پاسخ با ذکر دلیل)

4 – آیه 3 چه نسبتی با آیه 2 دارد؟

5 - «عذاب»ی که در آیه 5 ذکر شده ، درکجاست؟ (دنیا؟ آخرت؟ یا . . . ؟)

6 – در آیه 6 ، در موضوع نزول قرآن ، چرا کلمه «تلقی» را بکار برده؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 1 تا 4 فهمیده میشود مخاطب این سوره خصوص مومنان است، که برای آنها دو مشخصه عملی و یک مشخصه فکری معرفی نموده، و در مقابل آنها فقط یک گروه را معرفی نموده که مشخصه آنها فقدان آن مشخصه فکری است (ظاهرا هرچه ایراد هست در همین یک مشخصه است)

از آیه 6 فهمیده میشود که تا این لحظه از نزول قرآن ، پیامبر (ص) دائما نیاز به روحیه گیری و تایید الهی میداشته است .

**4 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 2 در جهت توضیح «کتاب مبین» آیه 1 و لذا فرع بر آن است.

آیه 3 در جهت توضیح کلمه «مؤمنین» آیه 2 و لذا فرع بر آن ، وآیه 5 فرع بر آیه 4 است و این واضح است .

لذا آیات اصلی این پاراگراف آیه­های 1 و 4 و 6 است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿1﴾ هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿2﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿3﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب مي­کند.**

**درب : اي پيامبر! قرآني كه بتو وحي شده، يكي از مهمترین تاييدات الهی است .**

**2**

**إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿4﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿5﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب مي­کند.**

**درب : اي پيامبر! مهمترین رکن ایمان، ایمان به آخرت است.**

**3**

**وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿6﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب مي­کند.**

**درب : اي پيامبر! قرآني كه بتو وحي شده، مطلقا حجت است.**

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

«طس» در آیه 1 از حروف مقطعه است و فعلا بیش از 1400 است که معنای آنها بطور روشن درک نشده است. گرچه این قلم در این خصوص و پرداخت پیشنهاد راهگشا فتح بابی نموده است.

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 1 مجموع آنچه که تا زمان نزول این سوره نازل شده را قرآن نامیده و چنانکه قبلا دلیلش را گفته ایم در این یک پیشگوئیِ تحقق یافته هست .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیام تایید و کمک الهی به پيامبر (ص)

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طس. اين آيات قرآن و کتابي آشکار است (1)**  {كه هدايت و مژده اي براي مومنان است}(2) {{همانها که نماز بپا ميدارند و زکوة ميدهند و به آخرت يقين دارند}}(3) **آنان که به آخرت باور ندارند اعمالشان را زينت داده ايم و کوردل و سرگردان ميمانند (4)** {آنها کساني هستند که عذاب بد خواهند داشت و در آخرت هم زيانکارتر خواهند بود} (5) **و تو البته قرآن را از نزد حکيمي دانا فراميگيري (6)**

**نمل2 آیات7تا14**

**إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ آتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿7﴾ فَلَمَّا جَاءهَا نُودِيَ أَن بُورِكَ مَن فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿8﴾ يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿9﴾ وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿10﴾ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿11﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاء مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿12﴾ فَلَمَّا جَاءتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿13﴾ وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿14﴾**

**هنگامي که موسي خانواده اش را از مدین کوچ میداد شب در بیابانی مجبور به اطراق شدند و او به خانواده اش گفت آتشي ميبينم . بزودي خبري از آن بسويتان مياورم يا شعله اي شايد گرم شويد (7) پس هنگاميکه نزد آن آمد به او ندا شد پربرکت است کسي که در اين آتش است و هر کس که دور و بر آن است و منزه است خداوند پروردگار جهانيان (8) اي موسي من همان اللهِ پيروزمند فرزانه هستم (9) عصايت را بيانداز . و وقتي كه آن را انداخت ، آن را چنان ديد که گوئي كه ماري باشد ، برگشت و فرار کرد ، چنانکه حتی به پشت سر نگاه هم نکرد ، خطاب شد اي موسي نترس ، پيامبران در پيشگاه من نمي ترسند (10) مگر کسي که ظلم کرده باشد ، و حتی او هم اگر از پي بدي نيکي آورده باشد باز هم لطف خویش از او دریغ نمیکنم ، كه آمرزگار مهربانم (11) اینک دستت را در گريبانت کن و بيرون آر، خواهي ديد که بدون اينکه بيماريي داشته باشد سفيد است . با اينها در نُه آيه و علامت بسوي فرعون و قومش برو ، زیرا که آنها قومي گناهکارند (12) پس هنگامي که با آيات روشنگرانه ما بسويشان رفت گفتند اين جادوئي آشکار است (13) و انکارش کردند در حاليکه دلهاشان به آن يقين داشت . علت آن هم ظلمي و تکبري بود که آلوده اش بودند . ای پیامبر! بنگر عاقبت مفسدان چگونه شد (14)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : نمونه تاييداتي كه حضرت موسي دريافت كرد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می­ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این رادرک کنند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید .

**3 - سوالات**

1-حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (امیدبخش و محرک؟ یا.....؟)

2 – منظور از «شهاب» (آیه7) چیست؟

3 – منظور از «حولها» (آیه8) چیست؟

4 – چرا خداوند در آیه 9 برای معرفی خویش از دو صفت عزیز و حکیم استفاده فرموده؟

5 – و چرا درآیه11خویش را غفور و رحیم معرفی فرموده؟

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 7 تا 14 اشاره به قولی که به یکی از پیامبران سابق داده شده و آن تحقق یافته ، میکند ، و در این ، این وعده تلویحی نهفته هست که در مورد تو نیز همینطور خواهد بود .

**5 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر نمونه تاييداتي كه حضرت موسي دريافت كرد به منظور دلگرم کردن مومنانِ معاصر نزول .

**7 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 14 ، تقریبا تمام مطالب فوق در سوره قصص آمده است .

**شرح مختصر**

**فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است**

موضوع تیتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحیی لازم بود عرض میکنیم .

**موسی در سه قالب شخصیتی متمایز**

**و برخورد کامل با وظایف هر قالب**

در این پاراگراف حضرت موسی را در سه حالت مختلف می­بینیم که در هر سه حالت متوجه انجام وظایف خویش است:

1- موسی بعنوان کاروانسالار که حفظ جان کاروانیان و دفع ناراحتی­ها و خطرات راه از آنان با اوست. و از آیه 7 فهمیده می­شود که او داشت خانواده­اش را از نقطه­ای به نقطه دیگر حرکت می­داد و به شب خوردند و سرما به آنان فشار آورد و او در پی برافروختن آتشی بود تا بتوانند رنج سفر را اندکی تخفیف دهد و او نه تنها به این وظیفه­اش اقدام نمود بلکه شخصاً به آن پرداخت.

2- موسی بعنوان شخص مستعد رسالت که هنوز نه آشنائی با آن دارد و نه راجع به خویش گمانی می­برد و چنانکه در آیات 8 تا 12 می­بنیم، ناگهان با آن مأموریت آشنا می­شود و از آن شانه خالی نمی­کند بلکه بار رسالت را می­پذیرد و بسوی انجام آن روان می­شود.

3- موسی بعنوان رسول، چنانکه از آیه­های 13 و 14 فهمیده می­شود، با موضوع رسالت خویش بطور کامل برخورد می­کند، و بسوی قومی متعصب کافر که علیرغم تشخیص حق با آن مخالفت می­کنند می­رود و علیرغم مشکلاتی که در راه انجام رسالت خویش دارد (و در سوره­های قبل بطور مفصل با آنها آشنا شده­ایم) مأموریت خویش را به انجام می­رساند.

در این 8 آیه، این سه مقطع زندگی و این سه وضعیت شخصی او در عین خلاصگی بخوبی بیان می­شود و اینکه او در هر وضعیت، با وظایف و مشکلات خویش بطور کامل برخورد می­کند و در نمی­رود و غرغر نمی­کند و منت نمی­گذارد و استعفا نمی­دهد بلکه وظیفه­اش را پس از شناخت، انجام می­دهد.

غرض از ذکر چنین الگوهایی، در درجه اول تربیت روحی مخاطب­های اولیه معاصر نزول این آیات و در درجه دوم تربیت ما مخاطب­های بعدی است.

**حضرت موسی(ع) علیرغم آن ظرفیت­ها یک شخص معمولی بود**

از آیه 7 فهمیده می­شود حضرت موسی(ع) داشت خانواده­اش را از نقطه­ای به نقطه دیگر می­برد که به شب خوردند و در بیابان گم شدند و اوضاع و شرایط هم ناگوار شده بود.

از جملۀ «آتشی می­بینم» معلوم می­شود آنها به شب خورده بودند و از جمله «خبری از آن بسویتان بیاورم» معلوم می­شود گمان کرده بود که خواهد توانست از کسانی که احتمالاً دور و بر آتش هستند اطلاعاتی دریافت کند که بدردشان بخورد و از جمله «شاید گرم شوید» معلوم می­شود سرما به آنها فشار آورده بود.

از همین آیه فهمیده می­شود که حضرت موسی، از جهت­یابی اطلاعاتی نداشت زیرا همینکه در بیابان گم شده بود ما را به این نکته می­رساند که او اطلاعات معمولی که یک «کاروانسالار» و یک «راه بلد» باید داشته باشد را نداشت .

نیز از همین آیه فهمیده می­شود که او طرز ساختن آتش را نیز بلد نبود (مالیدن شدید دو چوب خشک به یکدیگر یطوریکه در اثر اصطکاک گرم شوند و سپس علفهای خشک مجاور خود را بگیرانند)

**جذب عالی­ترین معارف در مدتی ناچیز**

با توجه به آیات 8تا12از شدت و غلظت معارفی که در مدتی کوتاه به آن حضرت تلقین می­شود تعجب میکنیم.

در آیه 8 آنحضرت ضمن اینکه با مبدأ هستی و مبدأ هرگونه خیر و برکت آشنا می­شود اما فوراً ذهن او روشن می­گردد که خداوند منزه و بالاتر است از اینکه در ذهن تو بگنجد و این آتشی که می­بینی، یک «نماد» است که از طریق ارائه نور و گرما، رفع نیازهای آنی فعلی تو و خانواده­ات را به تو نوید می­دهد اما فوراً در همان مقام نیز آموزش او تکمیل می­شود که همه مطلب همین نیست بلکه اینها «نشانه» اوست، و او بالاتر است از آنچه ممکن است به ذهنت بیاید.

اگر بخواهیم قدرت تخیل خود را تحریک کرده و سعی کنیم آن صحنه را در ذهن خویش زنده کنیم، به چه چیزی منتقل می­شویم؟

در همین هنگام که چشمش متوجه آتش است و دارد به آن نزدیک هم می­شود صدائی هم می­شنود. هر کس که در آن موقعیت باشد دنبال صاحب صدا می­گردد و ذهنش اول متوجه مرکز آن آتش می­شود اما فوراً عقلش سر جایش می­آید که صاحب صدا نمی­تواند وسط آن آتش باشد و عقل به او می­گوید که صاحب صدا باید در یک جائی دور و بر آن آتش باشد. در ندائی که می­شنود این تصورات عقلی او تأیید می­شود اما تکمیل هم می­شود که این صدا را از جانب پروردگار جهانیان است که بالاتر است از آنچه که ممکن است تصور کنی.

باین ترتیب حضرت موسی(ع) ناگهان در عمق عمیق­ترین معارف قرار می­گیرد.

( ندایی که نمی­تواند از تخیلات خود او باشد زیرا محتوی مطالبی است که بالاتر از تخیلات هر کسی است که می­تواند در آن موقعیت قرار گیرد )

آیه 9 بما می­فهماند که آنحضرت استعداد درک آن معانی را داشته و فوراً مطلب را دریافت کرده بطوریکه خداوند خودش را معرفی می­کند .

آنحضرت آنقدردارای قدرت فهم بود که تصور نکند این «من»، همان آن آتش است ، یا کسی که در آن آتش مخفی شده باشد ، زیرا هر دو این تصورات با جمله «منزه است ...» همخوانی ندارد.

البته در اینجا باید به آن لااقل هشت سال معاشرتی که آن حضرت با حضرت شعیب داشته ، و معارفی که طبعاً از او آموخته ، توجه شود .

**انگیزه­های غریزی بسیار مهم است**

**و چه بسا بر آموزه­های بسیار سنگین معرفتی نیز غالب است**

با توجه به آیات 10تا12 ، «فرار»ی که در آیه 10 به آن اشاره دارد، واکنشِ عادیِ طبیعیِ بشری در مقابل محسوسات بیرونی است . در حالیکه همین چند دقیقه پیش آنهمه معارف دریافت کرده است با یک انگیزه محسوس خارجی، ناگهان آنهمه معارف کنار می­رود و غریزه «حفظ جان از خطرات»، وارد صحنه شده و او را به واکنش (که در این مقطع فرار است) وا می­دارد. انتهای آیه 10 و تمام آیه 11 آموزش عقلی است که او را در مقابل انگیزه­های غریزیِ حاصل از محسوسات تقویت می­کند.

**9 نشانه**

قبلاً نیز در سوره اسراء، به عدد نُه اشاره شده اما شرحی داده نشده و در این سوره نیز مجدداً تکرار و تأکید شده اما شرحی ندارد. گرچه لااقل می­دانیم که دو تا از نه تا، یکی همان عصاست که «مانند مار» شده بود و دیگری همان سفید شدن دست پس از بیرون آوردن از گریبان بوده است. و قاعدتاً باید هفت مورد بقیه در سوره­های آینده تشریح شده باشد البته امروز برای ما که سوره اعراف را خوانده­ایم آسان است که بگوییم هفت تای بقیه چه بوده، اما اگر خود را جای مخاطبان اولیه این آیات بگذارید، شدت تشنگی آنها برای اینکه بدانند داستان رسالت آنحضرت چگونه جریان یافته منجر به درک بهتر آن داستان شیرین خواهد شد و چه بسا که همین نیز راز بیان نکردن آن در اینجا باشد. بقیه مطالب را هم قبلاً دیده­ایم، آنحضرت بسوی قوم فرعون که یکی از بزرگترین و مقتدرترین امپراطوری­های تاریخ بشر بود رفت و چنانکه قبلاً در سوره­های شمس، نازعات، بروج، حاقه، قمر، مزمل، مؤمنون، دخان، زخرف، صافات، و غیره دیدیم، رسالت خویش را بطور کامل به انجام رساند که در اینجا نیاز به شرح مجدد آن نیست.

**جمع بندی و تفسیر**

**هنگامي که موسي به خانواده اش گفت آتشي ميبينم . بزودي خبري از آن بسويتان مياورم يا شعله اي شايد گرم شويد (7) پس هنگاميکه نزد آن آمد به او ندا شد پربرکت است کسي که در اين آتش است و هر کس که دور و بر آن است و منزه است خداوند پروردگار جهانيان (8) اي موسي من همان الله و همان پيروزمند فرزانه هستم (9) عصايت را بيانداز. پس وقتي كه آن را چنان ديد که گوئي كه ماري باشد ، برگشت** (و فرار کرد) **و به پشت سر نگاه نکرد .** [خطاب شد] **اي موسي نترس ، پيامبران در پيشگاه من نمي ترسند (10)** {مگر کسي که ظلم کرده باشد آنگاه از پي بدي نيکي آورده باشد كه آنگاه من آمرزگار مهربانم} (11)  **و دستت را در گريبانت کن و بيرون آور** (خواهي ديد) **بدون اينکه بيماريي داشته باشد سفيد است .** (با اينها) **در نُه آيه و علامت بسوي فرعون و قومش** (برو) **که آنها قومي گناهکارند (12) پس هنگامي که با آيات روشنگرانه ما بسويشان رفت گفتند اين جادوئي آشکار است (13) و انکارش کردند در حاليکه دلهاشان به آن يقين داشت .** (علت آن هم) **ظلمي و تکبري بود . بنگر عاقبت مفسدان چه بود (14)**

**نمل3 آیات15تا44**

**وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿15﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿16﴾ وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿17﴾ حَتَّى إِذَا أَتَوْا عَلَى وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿18﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿19﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ﴿20﴾ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿21﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ﴿22﴾ إِنِّي وَجَدتُّ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِن كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿23﴾ وَجَدتُّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِن دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿24﴾ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿25﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿26﴾ قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿27﴾ اذْهَب بِّكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿28﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا المَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ﴿29﴾ إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿30﴾ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿31﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا المَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ ﴿32﴾ قَالُوا نَحْنُ أُوْلُوا قُوَّةٍ وَأُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿33﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿34﴾ وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿35﴾ فَلَمَّا جَاء سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿36﴾ ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿37﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا المَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿38﴾ قَالَ عِفْريتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ﴿39﴾ قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿40﴾ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿41﴾ فَلَمَّا جَاءتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿42﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿43﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿44﴾**

**و البته به داوود و سليمان علوم مهمی داديم و آنها گفتند سپاس خدای را که بر عده زيادي از بندگان مومنش برتريمان داد (15) و سليمان وارث داوود شد و گفت اي مردم زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چيزي بما داده شده ، البته اين همان فضل آشکار است (16) لشکريان سليمان اعم از جن و انس و پرندگان بر او گرد آمدند ، آنگاه بهم پيوستند (17) تا اينکه به بيابان مورچگان رسيدند ، مورچه اي گفت اي مورچگان داخل مسکن هاي خود شويد تا سليمان و لشکريانش در حاليکه متوجه نيستند لِه تان نکنند (18) پس او از گفته اش به تبسمی خندیده و گفت پروردگارا روزيم کن که شکر نعمتي را که بمن و پدرم داده اي بجا آورده و عمل صالحي که بپسندي بعمل آورم و از روي رحمتت مرا در زمره بندگان صالحت درآور (19) و جوياي پرندگان شد و گفت چه ام شده که هدهد را نمي بينم يا اينکه از غايبان است؟ (20) او را به شدت عذاب خواهم کرد يا سرش را خواهم بريد مگر اينکه برايم دليلي آشکار بياورد (21) چيزي نگذشت که هدهد آمد و گفت چيزي فهميدم که تو متوجه نشدي و از سباء خبري يقيني برايت آورده ام (22) ديدم زني پادشاهشان است و از همه چيز به او داده شده و تخت بزرگي داشت (23) ديدم او و قومش آفتاب را بجای خدا سجده مي کنند و شيطان اعمالشان را برايشان آراست و آنها را از راه راست بازداشت و آنها هدايت يافته نيستند (24) مگر اینکه براي خداوندی سجده كنند که هر نهاني را در آسمانها و زمين بيرون مي آورد و آنچه را که پنهان ميکنيد يا آشکار مي کنيد ميداند (25) همان خداوندی که خدائي جز او نيست ، که پروردگار آن عرش عظيم است (26) گفت بزودي مي فهميم که راست ميگويي يا از دروغگوياني (27) با اين نامه ام برو و آنرا بسويشان بيانداز سپس از آنها دور شو و بنگر چه ميکنند (28) آن زن گفت اي بزرگان! نامه اي گرامي بسويم افتاده است (29) که از سليمان است و بنام خداوند بخشنده مهربان است (30) که بر من بزرگي مکنيد و تسليمم شويد (31) آنگاه گفت اي بزرگان نظرتان را درباره کارم بگوئيد ، که من هيچ کاري را به تصمیم نرسانده ام مگر اينکه شما شاهد بوده ايد (32) گفتند ما نيرومنديم و نيرويمان هم سخت است و فرمان دادن از توست . ببين چه فرمان ميدهي (33) گفت پادشاهان وقتي که داخل شهري ميشوند آن را خراب و بزرگانش را ذليل میکنند و روش شان چنين است (34) و من هديه اي بسويشان ميفرستم و بررسي مي کنم که فرستادگان با چه برميگردند (35) پس هنگاميکه هديه نزد سليمان آمد گفت آيا بمن کمک مالي ميدهيد؟ آنچه خداوند بمن داده از آنچه به شما داده بهتر است . بلکه شما از هديه خودتان دلخوشيد (36) و به آن فرستاده گفت برگرد بسويشان . پس البته با سپاهياني بسويشان خواهيم آمد که تحملش نيارند و حتمأ آنها را ذليلانه از آن شهر اخراج خواهم کرد در حاليکه سرافکنده باشند (37) آنگاه سلیمان رو به درباریان خویش گفت اي بزرگان! کدامتان تخت او را برايم مي آوريد قبل از اينکه بحالت تسليم نزد من آيند؟ (38) عفريتي از جن گفت قبل از اينکه از جايگاهت بلند شوي آن را برايت مي آورم و من بر اين کار قوي و امين هستم (39) کسي که علمي از آن کتاب نزدش بود گفت آن را قبل از اينكه پلک بر هم بزني نزدت مي آورم . پس چون آنرا نزد خويش مستقر يافت گفت اين از فضل پروردگارم است تا امتحانم کند که آيا شکر ميگذارم يا کفران ميکنم وکسي که شکر کند بنفع خويش کرده و کسي که کفران کند البته پروردگارم بي نياز ارجمند است (40) گفت تختش را براي او ناشناس کنيد ببينيم آيا پي ميبرد يا اينکه از كساني خواهد بود که هدايت نميشوند (41) وقتيکه آن زن آمد به او گفته شد آيا تخت تو اينطور است؟ گفت چنين بنظر ميايد که خودش است و قبل از اين هم علم يافته و تسليم بوديم (42) و آنچه که بجاي خدا پرستش ميکردند جلوگيرش شده بود ، زیرا او از قومي از کافران بود (43) به او گفته شد به حياط قصر داخل شو. پس چون آن را ديد پنداشت آبگير است و ساقهاي خويش را برهنه کرد . سلیمان گفت اين قصريست از بلور صاف . آن زن که دید پادشاهی سلیمان از نوعِ پادشاهی پادشاهان نیست گفت پروردگارا من به خويش ظلم کرده ام و اينک همراه سليمان تسلیم خداوندِ پروردگار جهانيان ميباشم (44)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : نمونه تاييداتي كه سليمان دريافت كرد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می­ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این رادرک کنند .

در پاراگراف 2 ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالتت محکم ومطمئن ادامه ده .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از مطالب این پاراگراف و داستانهای سلیمان که هم شاه و هم پیامبر بود این نکته فهمیده میشود که مسلمانان نسبت به مخالفان خویش فرودست بودند و دائما این آرزو را میکردند که کاش خداوند (که بیشتر خدای ما است تا خدای آنها) قدری از نیروهای ماورائی بما میداد تا این رابطه فرودست – فرادستِ موجود بین ما و مخالفان ما تغییر کند .

چه بسا ذکر این نمونه، نوعی وعده به مسلمانان باشد که شما نیز نعمتهای الهی را بیاد بیاورید و شکر وحی و علم مربوط به آن را بجا آورید و چه بسا که در اثر این کار، به قدرت و پیروزی نیز برسید و آنگاه شکر وضعیت جدید را نیز بجای آورید.

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 15 تا 44 داستان دو پیامبر – شاه را نقل و تلویحا میگوید تو را هم میتوانیم موفق کنیم .

**5 - آیات برجسته این پاراگراف**

کثرت استفاده از جمله«هذا من فضل ربی» در تابلوهای خوشنویسی و کاشیکاری سردرِ برخی از منازل و عمارات سبب برجستگی آیه 40 شده است.

همچنین است آیه 30 که حاوی جمله «بسم الله الرحمن الرحیم» است، که برخی جهال آن را رفع کسریِ «بسم الله . . » نداشتنِ سوره برائت دانسته اند!

همچنین است آیه 34: قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ که برخی آن را یک «قانون» محسوب کرده و دو کلمه آخر آیه را تایید الهی راجع به آن «قانون» دانسته اند.

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کل داستان سلیمان نبی (ع) پر است از غوامضی که حتی بشر امروزِ قرن بیست و یک نیز به کنه آنها نرسیده ، چه رسد به عربِ 1400 قبل!

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر نمونه های تاييداتي كه سليمان دريافت كرد برای دلگرمی مومنانِ معاصر نزول.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**معرفی جامع سلیمان(ع)**

در این پاراگراف سلیمان(ع) را معرفی می­نماید:

حالات مختلفی از زندگی سلیمان که در این بند ذکر شده عبارت است از:

1- شکر در مقابل علم (آیه 15)،

2- شکر از طریق به یاد داشتن منبع نعمت خویش (که خداوند باشد) بازاء نعمت علم خاص و قدرت و سلطنتش (آیه 16)،

3- دعا برای درخواست توفیق شکر و عمل صالح در مقابل نعمت سلطنت (آیه 19)،

4- شکرِ عملیِ نعمتِ خاصی که یافته بود از طریق دعوت قوم سباء به دین صحیح، پس از اِشراف بر وضع آنها (آیه­های 27 و 28)،

5- ذکر نعمت و شکر در مقابل آن پس از خودآگاهی در خصوص قدرت خاص و سلطنتی که یافته بود (آیه 40).

خلاصه اینکه حضرت سلیمان(ع) یکی از مواردیست که نعمتهای خاصی یافت که درباره سایر پیامبران نخوانده و نشنیده­ایم، و در مقابل آن نعمتها از یاد خداوند غافل نشد و شکر نعمت را فراموش نکرد .

**ریشه قدرت­های عجیب سلیمانی**

با توجه به آیه­های 18 و 39 معلوم می­شود «علم به زبان پرندگان» بعنوان نمونه ذکر شده وگرنه آنحضرت به زبان مورچگان و زبان جنیان نیز آشنا بوده است.

باز هم اگر کمی ذهن خویش را آزاد بگذاریم و قدری روی کلمه «زبان» متمرکز شویم متوجه می­گردیم که زبان در نزد ما وسیله انتقال منویات ما به طرف مقابل است.

از مجموع این مطلب و آیات این پاراگراف فهمیده می­شود که حضرت سلــیمان می­توانست منویات ذهنی پرندگان و حیوانات و جن را درک کند و همچنین می­توانست منویات خویش را به آنان منتقل نماید. و این برای او «قدرت» خاصی ایجاد می­کرده که بی­نظیر بوده است.

چنانکه می­دانیم محور اصلی تمدن بشری و تفوق انسان بر حیوانات و تسلط بشر بر جهان طبیعت در درجه اول مرهون «امکان ارتباط­گیری» افراد بشر با یکدیگر است و اگر بشر چنین استعدادی را نداشت، چیزی از حیوانات بالاتر نبود و تاکنون کاملاً منقرض شده بود.

قدرتی که از راه ارتباط­گیری با سایر موجودات زنده برای آدمی حاصل می­شود برای ما قابل تصور نیست فقط همین مقدار را می­توانیم حدس بزنیم که چنین قدرتی بسیار مهم و بسیار بزرگ و بسیار قوی است. و می­تواند صاحب خویش را به جاهائی برساند که قابل تصورمان نیست و این، فقط یکی از قدرتهای حضرت سلیمان بوده و جمله «از هر چیزی بما داده شده» بما می­گوید که سلیمان علاوه بر امکان ارتباط­گیری با همه انواع موجودات زنده، قدرتهای متنوع دیگری نیز داشته است که تنوع آنها بسیار زیاد بوده و از انواع همه قدرتها، چیزی به او داده شده بوده است.

از عبارت «بر عده زیادی» در آیه 15 و نیز آیه­های 38 و 39 فهمیده می­شود علم آنحضرت انحصاری نبوده و کسان دیگری نیز امکان اینکه چنین علومی را داشته باشند دارند.

از آیه 39 فهمیده می­شود که این نوع علوم منبع و مأخذ خاصی دارد که بعضی­ها می­توانند به آن منبع و مأخذ دسترسی بیابند و صاحب این نوع علوم باشند.

**سلیمانِ مورچگان**

چگونه ممکن است مورچه­ای سلیمان را بشناسد و به سایر مورچگان هشدار بدهد؟

چگونه ممکن است پرنده­ای به چنان مفاهیمِ انتزاعیِ سختی که در آیات 24 تا 26 اشاره شده مُشرِف باشد؟

آیا همه مورچگان و همه پرندگان چنان توانایی را دارند یا از میان آنها فقط آن موارد خاص چنان بوده­اند؟

آنچه در مورد حیوانات می­دانیم بما می­گوید آنها در درک مفاهیم انتزاعی از قبیل اعداد و علائم و روابط بین پدیده­ها بسیار ناتوانند و اساساً تفوق انسان بر حیوانات به سبب توانایی انسان به درک مفاهیم انتزاعی و ناتوانی حیوانات به درک همان مفاهیم است.

ممکن است چنین باشد که در عالم مورچه­ها، آن مورچه خاص دارای موقعیت ویژه­ای بوده باشد چنانکه در عالم انسانیت، سلیمان موقعیت ویژه­ای داشت. (و نیز آن پرنده در عالم پرندگان)

**ملکه سباء بالاتر از یک «ملکه» بود**

اوبا توجه به آیه 44 زنی است فهمیده، قدرتمند، ثروتمند، حکومتمند و برای امتحان سلیمان از سرزمین خویش به سرزمین سلیمان آمد و تخت خود را در نزد او دید و گفت قبلاً ایمان آورده بودیم و آنگاه که وارد حیاط قصر شد و دید آبگیر است و ساقهایش را برهنه کرد تا از آن عبور کند، وبعداکه فهمید که آبگیر نبوده و بنظر او چنین آمده، ایمان آورد.

چه رابطه­ایست بین ایمان آوردن و دیدن چنین چیزهائی؟

بنظر می­آید در این دو نکته (یعنی موضوع تخت و آبگیر) نشانه­هائی بود که آن زن حکومتمند، درک کرد که قدرتهای سلطنتی سلیمان، از نوع قدرتهای سلطنتی معمولی نیست بلکه به «ماوراء» وصل است .

**علمِ برترِ آن دو نفر «پیغمبر- شاه»**

با توجه به آیه 15 برتریی که مورد اشاره قرار گرفته، با توجه به پاراگراف فوق، جنبه فوقِ قدرتیِ آن دو پیامبر بوده و به وجه ایمانی آنها ناظر نمی­باشد.

مؤمنان نیز چیزی دارند که آنهم از نوع «علم» است مثلاً اینکه قیامت برپا خواهد شد و حساب و کتاب و بهشت و جهنم خواهد بود، همه اینها «علم» است و مؤمنان به این نوع علم آراسته­اند و این نوع علم است که مردم را به عمل صالح دعوت می­کند و سبب رستگاری آنها می­شود.

البته داوود و سلیمان که دو پیامبر بودند نه تنها این نوع علم را داشتند بلکه کیفیت این نوع علم آنها قاعدتاً باید بسیار بالاتر از کیفیت این نوع علم در نزد «بسیاری از بندگان مؤمن» بوده باشد.

از جملۀ «برتری دادِ» آیه 15 فهمیده می­شود که علم مورد اشاره آنها، علاوه بر علمی بوده که مؤمنان – از جمله آن «عفریت من الجن» و نیز آن «من عنده علم من الکتاب» دارند.

**یک اصل مهم­ مدیریتی**

در رابطه با آیه 28 فهمیده می­شود یکی از اصول مدیریت، بررسی درجه صحت اطلاعات وارده است.

برای اینکه معلوم شود خبر آن پرنده درست بوده باید مدتهای مدیدی صرف وقـت می­­شد تا مکانیزم مطرح شده در آیات 28 تا 36 جواب بدهد.

اگر آن پرنده دروغ گفته بود و در این مدت فرار می­کرد چه؟

از آیات مذکور فهمیده می­شود که سلیمان مطمئن بود چنین اتفاقاتی نمی­افتد و این یعنی که سلیمان چنان قدرتی داشت که پرنده را در آسمان نیز تحت کنترل داشت و این قدرتی است که حتی مقتدرترین فرماندهان فعلی نیز که متکی بر پیشرفته­ترین تکنولوژی روز هستند ندارند.

**«علمِ» تصرف در قوای جهان**

در رابطه با آیه­های 16 و 40 می­توان چنین گفت که «علم» مورد اشاره در آیه 15، از نوع علومی بوده که سبب ایجاد قدرت می­شده است .

بعبارت دیگر آن دسته از علوم در اینجا مطرح است که به چگونگیِ تصرف در قوای جهان و نیز نفوذ در حیطه زندگی انسان و جن و پرندگان و حیوانات و به کار گرفتن آنها در جهت دلخواه مربوط می­شد.

علم به «زبان پرندگان»، و «داده شدن از هر چیزی»، موردی بوده که سلیمان از داوود به ارث برده است.

**چند دریافت کوتاهِ مستقیم**

آیه 22 به تفاوت دو نوع علم اشاره می­کند: یکنوع علمی که آن پرنده در اثر رویت و مشاهده بدست آورده و یکنوع علم دیگری که در فوق به آن اشاره شد.

آیه 23: معلوم می­شود چند هزار سال قبل نیز مانند امروز که سلطنت زنان عجیب نیست و پذیرفته می­شود، در آن زمانها نیز چنین بوده و زنی می­توانسته حتی تا حد سلطنت هم بالا برود.

بنابراین، این سخن فمینیستها درست نیست که «زن همیشه مظلوم بوده» و البته از این نوع نظایر زیاد است اما محل طرح آنها در اینجا نیست.

آیه 16: سلیمان راجع به خویش گفته «از هر چیزی بما داده شده» درآیه 23 درباره آن زن نیز گفته شده «از هر چیزی به او داده شده». مقایسه دو آیه بما می­گوید که منظور از «هر چیز» رشته­های مختلف مادی و معنوی مانند قدرتها و ثروتها و فنون و غیره­ایست که بدرد حکومت می­خورد.

ازآیات 32تا35 فهمیده می­شود که نوع حکومت آن زن، سلطنت مشروطه و مجلس مورد مشورت او نوعی مجلس سنا بوده است.

از آیات 38تا40فهمیده می­شود که جابجائی ماده ممکن است.

تا امروز، و با این تکنولوژی روز فعلاً بشر موفق شده امواج را جابجا کند و رادیو تلویزیون و رادار و تلفنِ همراه بر این اساس است.

اما انتقال ماده فعلاً بصورت تخیل و آرزوست.

از آیات فوق معلوم می­شود آنهم ممکن است اما «علمی ازآن کتاب» را می­خواهد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته به داوود و سليمان علمي داديم و آنها گفتند سپاس خدای را که بر عده زيادي از بندگان مومنش برتريمان داد (15) و سليمان وارث داوود شد و گفت اي مردم زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چيزي بما داده شده ، البته اين همان فضل آشکار است (16) لشکريان سليمان اعم از جن و انس و پرندگان بر او گرد آمدند ، آنگاه بهم پيوستند (17) تا اينکه به بيابان مورچگان رسيدند ، مورچه اي گفت اي مورچگان داخل مسکن هاي خود شويد تا سليمان و لشکريانش در حاليکه متوجه نيستند لِه تان نکنند (18) پس او از گفته اش به تبسمی خندیده و گفت پروردگارا روزيم کن که شکر نعمتي را که بمن و پدرم داده اي بجا آورده و عمل صالحي که بپسندي بعمل آورم و از روي رحمتت مرا در زمره بندگان صالحت درآور (19) و جوياي پرندگان شد و گفت چه ام شده که هدهد را نمي بينم يا اينکه از غايبان است؟ (20) او را به شدت عذاب خواهم کرد يا سرش را خواهم بريد مگر اينکه برايم دليلي آشکار بياورد (21) چيزي نگذشت که** (هدهد آمد و) **گفت چيزي فهميدم که تو متوجه نشدي و از سباء خبري يقيني برايت آورده ام (22) ديدم زني پادشاهشان است و از همه چيز به او داده شده و تخت بزرگي داشت (23) ديدم او و قومش آفتاب را بجای خدا سجده مي کنند و شيطان اعمالشان را برايشان آراست و آنها را از راه** (راست) **بازداشت و آنها هدايت يافته نيستند (24) مگر اینکه براي خداوندی سجده كنند که هر نهاني را در آسمانها و زمين بيرون مي آورد و آنچه را که پنهان ميکنيد يا آشکار مي کنيد ميداند (25) همان خداوند که خدائي جز او نيست ، که پروردگار آن عرش عظيم است (26) گفت بزودي مي فهميم که راست ميگويي يا از دروغگوياني (27) با اين نامه ام برو و آنرا بسويشان بيانداز سپس از آنها دور شو و بنگر چه ميکنند (28)** (آن زن) **گفت اي بزرگان! نامه اي گرامي بسويم افتاده است (29) که از سليمان است و بنام خداوند بخشنده مهربان است (30) که بر من بزرگي مکنيد و تسليمم شويد (31) گفت اي بزرگان نظرتان را درباره کارم بگوئيد ، که من هيچ کاري را نبريده ام مگر اينکه شما شاهد بوده ايد (32) گفتند ما نيرومنديم و نيرويمان هم سخت است و فرمان دادن از توست . ببين چه فرمان ميدهي (33) گفت پادشاهان وقتي که داخل شهري ميشوند آن را خراب و بزرگانش را ذليل و چنين مي کنند (34) و من هديه اي بسويشان ميفرستم و بررسي مي کنم که فرستادگان با چه برميگردند (35) پس هنگاميکه** (هديه) **نزد سليمان آمد گفت آيا بمن کمک مالي ميدهيد؟ آنچه خداوند بمن داده از آنچه به شما داده بهتر است . بلکه شما از هديه خودتان دلخوشيد (36)** [و بهآن فرستاده گفت] **برگرد بسويشان . پس البته با سپاهياني بسويشان خواهيم آمد که تحملش نيارند و حتمأ آنها را ذليلانه از آن** (شهر) **اخراج خواهم کرد در حاليکه سرافکنده باشند (37)** [آنگاه سلیمان] **گفت اي بزرگان ! کدامتان تخت او را برايم مي آوريد قبل از اينکه بحالت تسليم نزد من آيند؟(38) عفريتي از جن گفت قبل از اينکه از جايگاهت بلند شوي آن را برايت مي آورم و من بر اين کار قوي و امين هستم (39) کسي که علمي از آن کتاب نزدش بود گفت آن را قبل از اينكه پلک بر هم بزني نزدت مي آورم . پس چون آنرا نزد خويش مستقر يافت گفت اين از فضل پروردگارم است تا امتحانم کند آيا شکر ميگذارم يا کفران ميکنم وکسي که شکر کند بنفع خويش کرده و کسي که کفران کند البته پروردگارم بي نياز ارجمند است (40) گفت تختش را براي او ناشناس کنيد ببينيم آيا پي ميبرد يا اينکه از كساني خواهد بود که هدايت نميشوند (41) وقتيکه** (آن زن) **آمد به او گفته شد آيا تخت تو اينطور است؟ گفت چنين بنظر ميايد که خودش است و قبل از اين هم علم يافته و تسليم بوديم (42)** {و آنچه که بجاي خدا پرستش ميکردند جلوگيرش شدهبود ، زیرا او از قومي از کافران بود} **(43) به او گفته شد به حياط قصر داخل شو. پس چون آن را ديد پنداشت آبگير است و ساقهاي خويش را برهنه کرد .** [سلیمان] **گفت اين قصريست از بلور صاف . گفت پروردگارا من به خويش ظلم کرده ام . اينک همراه سليمان تسلیم خداوند پروردگار جهانيان ميباشم (44)**

**نمل4 آیات45تا58**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿45﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿46﴾ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿47﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿48﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿49﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿50﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿51﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿52﴾ وَأَنجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿53﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿54﴾ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاء بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿55﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَن قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿56﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿57﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَسَاء مَطَرُ الْمُنذَرِينَ ﴿58﴾**

**و البته بسوي قوم ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که خداوند را عبادت کنيد و آنوقت آنها دو گروه شدند که با يکديگر در جدال بودند (45) صالح میگفت گفت اي قوم چرا با عجله بدي را قبل از خوبي ميخواهيد؟ چرا از خداوند آمرزش نميخواهيد شايد مورد لطف واقع شويد؟ (46) گفتند تو و همراهانت را به فال بد گرفته ايم . گفت فال بد شما که در حقیقت عملی است خرافی و بی اساس و باطل ، نزد خدا ثبط و ضبط میشود ، بلکه شما به فتنه افتاده ايد (47) در آن شهر نُه قبيله بودند که به فساد مي پرداختند و اهل اصلاح نبودند (48) و چنین به تصمیم رسیدند که گفتند به نام خدا هم قسم شويم که شبانه بر او و اهل او شبيخون ببريم سپس به خونخواهانش بگوئيم ما در كشتار خانواده اش حاضر و ناظر نبوديم و باور کنید که راست مي گوييم (49) و مکري زدند و ما هم ضدّ مکري کرديم و متوجه نبودند (50) بنگر عاقبت مکر آنها چه بود که ما آنها و قومشان را يکجا نابود کرديم (51) اين است خانه هايشان كه بسبب ظلمي که کردند خالي مانده . که البته در اين نشانه اي براي مردمي دانا است (52) و اهل ايمان و تقوا را نيز نجات داديم (53) و در داستان لوط نیز تفکر کنید که هنگامي به قوم خويش گفت آيا آگاهانه به کار زشت رو مي کنيد؟ (54) آيا به مردان بجاي زنان به شهوت روي مي آوريد؟ بلکه مردمي جهالت پيشه ايد (55) جواب قوم او جز اين نبود که پیروان لوط را که اهل پاکيزگی جوئی هستند از شهرتان بيرون کنيد (56) پس او و اهلش را نجات داديم مگر زنش را که جزء بازماندگان رقم خورده بود (57) و باران خاصی بر آنها بارانديم و باران هشدار يافتگان چه بد بود (58)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : نمونه عاقبت دو قوم كه پيامبرشان را تكذيب کردند و مغلوب گشتند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می­ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این رادرک کنند .

در پاراگراف 2 ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالتت محکم ومطمئن ادامه ده .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! تو و پیروانت موفق خواهید شد ، لذا بدون کوچکترین نگرانی با قوت به پیگیری رسالتت مشغول باش .

**3 - سوالات**

1-حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (اطمینان بخش؟یا....؟)

2- ازمطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها» میتوان زد؟

3-منظور از «تلک بیوتهم خاویه» (آیه52) چیست؟

4-جواب سوال فوق به علم باستان شناسی چه کمک مهمی میکند؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

چنانکه تاکنون دیدیم، در این سوره دو نمونه از پیامبرانی که «فوق موفق» بوده­اند را ذکر نموده و نشان داده که چگونه در همه حال به یاد خداوند بوده و در مقابل موفقیتهای خویش خداوند را یاد و به نام او شکر می­کردند.

در آیات 45 تا 58 نیز دو قوم از بدترین اقوام گذشته را بعنوان نمونه یاد نموده که چگونه ناسپاسی پیشه کرده و به بدترین کارها پرداخته و رسولان را نافرمانی نموده و قصد قتل و نفی بلد پیامبران خویش را نموده­اند.

می­توان این نوع ذکر مطلب را به این علت دانست که خداوند خواسته به پیامبر(ص) و مؤمنان امید بدهد که شما موفق خواهید شد و آنها نیز مغلوب خواهند گردید.

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 45 تا 58 داستان دو قوم از اقوام پیشین را نقل میکند که خیلی خیلی بد رفتار بودند و مضمحل شدند و در آن این وعده تلویحی هست که رفتار قوم تو نیز تغییر خواهد کرد .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

البته مطلب فوق تکراری به نظر میرسد . اما در حقیقت ، ما داریم با ذکر شواهد ، آن شبهه ای را که میگوید فهم امروز خیلی با فهم معاصرانِ نزول آیات تفاوت دارد ، را رد میکنیم .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر دو نمونه از عاقبت دو قوم سرکش كه پيامبرشان را تكذيب کردند و مغلوب گشتند.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 54 تا 58 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**دو پیامبرِ موفق و دو قوم بسیار بد**

تاکنون، در سوره­های قبل راجع به قوم ثمود چندین بار مطالبی خوانده­ایم. چیزی که در این سوره راجع به آن قوم جدید است این است که پس از اعلام نبوت حضرت صالح ، آنها به دو دسته تقسیم شدند : عده­ای پیرو آنحضرت و بقیه مخالف آنحضرت بودند .

مخالفان ، خودشان ، نُه قبیله بودند که با یکدیگر همدست بودند.

هلاکت آنها نیز هنگامی بوقوع پیوست که تصمیم به «عمل» نهائی گرفته بودند (راجع به بقیه اقوام پیشین نیز همواره چنین بوده)

بقیه مطالب پاراگراف را در سوره­های قبلی دیده­ایم.

مثلاً اینکه گفتند «ما شما را به فال بد» گرفتیم را قبلاً در سوره یس دیدیم که ایرادی است خالی از استدلال و بی­ارزش و کودکانه .

و نیز اینکه «با عجله، بدی را قبل از خوبی» می­خواستند نیز چندین بار و با عبارات مختلف در سوره­های قبل تکرار شده و یعنی اینکه می­گفتند (ای پیامبر) اگر راست می­گویی آن عذابی را که می­گویی بر ما بیاور .

چیزی که در آیه 49 مطرح شده شبیه همان چیزیست که کفار و مشرکان مکـــه می­خواستند راجع به پیامبر عزیزمان انجام دهند که خداوند آنحضرت را حفظ کرد اما عذاب هلاکت را بر آنها فرود نیاورد بلکه چند سال بعد، شکست در جنگ­ها و فتـحِ بی­خون­ریزیِ مکه بدست یاران پیامبر اتفاق افتاد و رحمتی که خداوند به اهل مکه روا داشت، کم­نظیر است و چه بسا که بسبب وجود مقدس پیامبر اکرم(ص) و دعاهای همیشگی آنحضرت بوده است.

ولی در مورد پیشینیان، هر وقت که کفار قصد جان پیامبر خویش و پیروانشـان را می­کردند، عذابشان نازل می­شد و به هلاکت دسته­جمعی دچار می­شدند.

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته بسوي قوم ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که خداوند را عبادت کنيد و آنوقت آنها دو گروه شدند که با يکديگر در جدال بودند (45) گفت اي قوم چرا با عجله بدي را قبل از خوبي ميخواهيد؟ چرا از خداوند آمرزش نميخواهيد شايد مورد لطف واقع شويد؟ (46) گفتند تو و همراهانت را به فال بد گرفته ايم . گفت فال بد شما نزد خداست بلکه شما به فتنه افتاده ايد (47) در آن شهر نه قبيله بودند که به فساد مي پرداختند و اصلاح نمي کردند (48) گفتند به** (نام) **خدا هم قسم شويد که شبانه بر او و اهل او شبيخون بريد سپس به خونخواهش بگوئيم ما در كشتار خانواده اش حاضر و ناظر نبوديم و البته راست مي گوييم (49) و مکري زدند و ما هم مکري کرديم و متوجه نبودند (50) بنگر عاقبت مکر آنها چه بود که ما آنها و قومشان را يکجا نابود کرديم (51)** {اين است خانه هايشان كه بسبب ظلمي که کردند خالي مانده . که البته در اين نشانه ايست براي مردمي دانا} (52) **و اهل ايمان و تقوا را نيز نجات داديم (53) و لوط هنگامي که به قوم خويش گفت آيا به کار زشت رو مي کنيد و مي نگريد؟(54) آيا به مردان بجاي زنان به شهوت روي مي آوريد؟ بلکه مردمي جهالت پيشه ايد (55) جواب قوم او جز اين نبود که لوطيان را که پاکيزگی جو هستند از شهرتان بيرون کنيد (56) پس او و اهلش را نجات داديم مگر زنش را که جزء بازماندگان رقم خورده بود (57) و باراني بر آنها بارانديم و باران هشدار يافتگان چه بد بود (58)**

**نمل5 آیات59تا81**

**قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿59﴾ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاء مَاء فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿60﴾ أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿61﴾ أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاء الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿62﴾ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿63﴾ أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاء وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿64﴾ قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿65﴾ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمِونَ ﴿66﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿67﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿68﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿69﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿70﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿71﴾ قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿72﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿73﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿74﴾ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاء وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿75﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿76﴾ وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿77﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿78﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿79﴾ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاء إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴿80﴾وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ﴿81﴾**

**ای پیامبر! بگو سپاس خداي را و سلام بر آن بندگانش که برگزيده . و به مردم بگو آيا خداوند بهتر است يا آنچه با او شريک ميگيرند؟ (59) يا كيست که آسمانها و زمين را آفريده و از آسمان برايتان آبي فرستاده که بوسيله آن باغهاي خرم می روید؟ که رويش درختهايش که کار شما نیست ، آيا خدائي با اوست؟ بلکه آنها که چنین میگویند مردمي منحرفند (60) يا كيست كه زمين را قرارگاه نموده و در خلال آن نهرها قرار داده و براي آن لنگرها گذاشته و بين آن دو دريا برزخي قرار داده؟ آيا خدائي با اوست؟ بلکه اکثر کسانی که چنین میگویند علمی ندارند (61) يا چه کسي است که به فرياد بيچاره ميرسد و بدي را برطرف ميکند؟ وشما را جانشينان زمين ميکند؟ آيا خدائي با اوست؟ کسانی که چنین میگویند چه کم پند مي پذیرند (62) يا كيست كه شما را در تاريکي هاي زمين و دريا هدايت مي کند؟ يا چه کسي بادها را پيشاپيشِ مژده رحمتش مي فرستد؟ آيا خدائي با اوست؟ خداوند بالاتر است از آنچه با او شريک ميگيرند (63) يا كيست كه آفرينش را شروع و سپس اعاده ميکند؟ و چه کسي شما را از آسمان و زمين روزي ميدهد؟ آيا خدائي با اوست؟ بگو دليل خويش بياوريد اگر راست ميگوئيد (64) بگو در آسمانها و زمين هيچکس جز خدا غيب نميداند . و نميدانند کي برانگيخته خواهند شد (65) بلکه علمشان به آخرت تا اينجا رسيده که درباره آن در شکي هستند، بلکه اصلا درباره آن نابینایند (66) و کافران ميگويند آيا هنگامي که ما و پدرانمان خاک شديم آيا بيرون مي آئيم؟ (67) و میگویند قبلا هم اين وعده ها به ما و پدرانمان داده شده . اين چيزي مگر افسانه هاي پيشينيان نيست (68) بگو در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت مجرمان چگونه بوده است (69) ای پیامبر! بر آنها اندوهگين مشو و از آنچه نقشه مي کشند تنگدل مباش (70) و ميگويند اين وعده اي که ميدهيد کي خواهد بود اگر راست ميگوييد؟ (71) بگو چه بسا که بعضي از آنچه که به عجله ميخواهيدش هم اکنون رديف شده باشد (72) و البته پروردگارت نسبت به مردم صاحبِ فضل و کرم است وليکن اکثرشان سپاس نمي گزارند (73) و البته پروردگارت آنچه را که در دلهاشان پنهان ميکنند و آنچه را که آشکار مي کنند ميداند (74) و هيچ نهفته اي در آسمانها و زمين نيست مگر اينکه درکتابي آشکار هست (75) البته اين قرآن براي بني اسرائيل اکثر چيزهائي را که درباره اش اختلاف دارند بيان ميکند (76) و البته آن هدايت و رحمتي براي مومنان است (77) و البته پروردگارت بين آنها به حق حکم ميکند و همو پيروزمند داناست (78) پس ای پیامبر! بر خدا توکل کن زیرا که بر حق آشکار هستي (79) البته تو به مردگان نخواهي شنواند ، و نيزبه کران ، وقتي که روي برگردانده و پشت مي کنند (80) و نیز تو هدايت کننده کور از گمراهيش نيستي ، جز اين نيست که تو فقط به کسي که به آياتمان ايمان دارد و تسليم حق است مي شنواني (81)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : نمونه هائي از الطاف و نعمت های الهي كه اگر به آنها توجه شود، رفتارهاي بشر از كفر و تكذيب دور خواهد شد و ای پیامبر با كافران و مخالفانت چنين بگو و یهودیان را اینطور ارشاد کن و اگر واكنش بعضي از مردم نسبت به رسالتت مطلوب نيست، اندوهگين مباش، كه تقصيير تو نيست.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می­ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این رادرک کنند .

در پاراگراف 2 ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالتت محکم ومطمئن ادامه ده .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر ! تو و پیروانت موفق خواهید شد ، لذا بدون کوچکترین نگرانی با قوت به پیگیری رسالتت مشغول باش .

در این پاراگراف می فرماید : «ای پیامبر! توجه مردم را به این افعال و صفات الهی و در عین حال توجه آنان رابه معنی و نتیجه عقاید مشرکانه شان جلب کن ، و مشکل فکری یهودیان توسط قرآن قابل حل است، اما اگر گرایش نشان ندادند مهم نیست.

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش کافران؟ نکوهش سران کافران؟ یا...؟)

2 - اگرگزینه دوم را انتخاب کرده اید دلیلش را درکدام آیه و درکدام نقطه اش میتوانید مشخص کنید؟

3- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

4 – منظور از «کتاب مبین» (آیه75) چیست؟

5 – منظور از « **بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ** » (آیه66) چیست؟

6- چه سابقه ای از موضوع آیه67 در سوره های قبل دارید؟

7 – آیا آیه 69 مشوق توریسم است؟ (بله؟ نه؟ چرا؟)

8- منظور از « **وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ** » (آیه70) چیست؟

9 – در خصوص خود آیه 74 چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در تعلیل موضوع شریک قائل شدن برای خداوند میفرماید اساسا شرک به خدا نمی چسبد (آیه63) پس چرا آنها به شرک گرایش یافته اند ، و در توضیح فرموده که علتش این است که عقیده آنها بر اساس جهت گیری قبلی شکل گرفته (آیه 60) و در آن علم ندارند (آیه 61) و دلیلی هم بر آن ندارند (آیه 64) و البته کسانی که اساسا پند پذیر باشند در میان آنها کم است (آیه 62)

از آیه 60 فهمیده میشود دارندگان «باغهایی پربهجت» کم نبوده اند ، و این موضوع تصور رایج را در باره معاصران نزول این آیات که اهل مکه باشند تصحیح میکند.

در آیه 66 کل بگومگوئی را که در باره قیامت ابراز میکنند تعلیل میکند و همه آنها را ناشی از بی علمی مطلق و یا حداکثر شک قلمداد میکند .

از آیه 78 معلوم می­شود یهودیان نه تنها چندان گرایشی به اسلام نشان نمی­دادند ، بلکه به قرینه آیه 76 در آتش اختلافات فکری خویش مشغول بودند.

آیات 75 تا 81 نوعی «خسته نباشید» به پیامبر اکرم(ص) است.

در خصوص مخالفت­های دو گروه، یکی مشرکان عرب که چنانکه می­دانیم در مخالفتشان بسیار عامد و عنود و لجوج بودند، و دیگری یهودیان که تازه به جرگه مخالفان آن حضرت پیوسته بودند.

البته چنانکه خواهیم دید، مخالفت گروه اول با فتح مکه ریشه کن شد .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه 62):(المیزان) :" أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ "

مراداز اجابت مضطر وقتى كه او را بخواند" اين است كه خدا دعاى دعا كنندگان را مستجاب و وائج‏شان را بر مى‏آورد، و اگر قيد اضطرار را در بين آورد براى اين است كه در حال اضطرار، دعاى داعى از قيقت برخوردار است و ديگر گزاف و بيهوده نيست، چون تا آدمى بيچاره و درمانده نشود، دعاهايش آن اقعيت و حقيقت را كه در حال اضطرار واجد است ندارد، و اين خيلى روشن است.

قيد ديگرى براى دعا آورده و آن اين است كه فرموده:" اذا دعاه- وقتى او را بخواند"، و اين براى آن است كه بفهماند خدا وقتى دعا را مستجاب مى‏كند كه داعى، به راستى او را بخواند، نه اينكه در دعا رو به خدا كند و دل به اسباب ظاهرى داشته باشد و اين وقتى صورت مى‏گيرد كه اميد داعى از همه اسباب ظاهرى قطع شده باشد، يعنى بداند كه ديگر هيچ كس و هيچ چيز نمى‏تواند گره از كارش بگشايد، آن وقت است كه دست و دلش با هم متوجه خدا مى‏شود و در غير اين صورت همانطور كه گفتيم غير خدا را مى‏خواند. **پس، اگر دعا صادق بود، يعنى خوانده شده فقط خدا بود و بس، در چنين صورتى خدا اجابتش مى‏كند و گرفتاريش را كه او را مضطر كرده بر طرف مى‏سازد،**

خطا واضح است . زیرا مواردی که نتیجه گیری المیزان درست در نیامده بسیار زیاد است ، بطوریکه هر کسی مواردی از آن را سراغ دارد، از جمله در همین ایام (که اینک اواخر آذر ماه 93 است) در خبر ها دیدیم که چند کشتی در دریا غرق شدند و همگی سر نشینان مردند. حتما در بین آنهمه آدم در آن کشتی های مغروق لا اقل یکنفر وجود داشت که مطابق فرضیات المیزان خداوند را خوانده، اما دیدیم که اجابت نشد و سوء برطرف نگردید، دلیلش هم این است که المیزان در تفسیر موضوع خطا نموده و موضوع مطلق نیست، بلکه مقید است به زمینه مطلب که مبارزات اجتماعی حق طلبانه است زیرا درست بعد از آن فرموده و یجعلکم خلفاء الارض که جمله اخیر به مبارزات اجتماعی حق طلبانه میخورَد .

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی :**

آیه 68 فرع بر آیه 67 است و این واضح است.

آیه 70 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است.

دو آیه 73 و 74 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی می­باشند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى آللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿59﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : ای پیامبر! خدا را حمد، و تفاوت خدای واقعی و موهوم را به اینان یاد آوری کن.**

**2**

**أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاء مَاء فَأَنبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن تُنبِتُوا شَجَرَهَا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿60﴾ أَمَّن جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿61﴾ أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاء الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿62﴾ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿63﴾ أَمَّن يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاء وَالْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَّعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿64﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب :** **کافران از چنین خداوندی رویگردان اند.**

**3**

**قُل لَّا يَعْلَمُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿65﴾ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُم مِّنْهَا عَمِونَ ﴿66﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَئِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿67﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِن قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿68﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿69﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُن فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿70﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿71﴾ قُلْ عَسَى أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿72﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : ای پیامبر! بگو ای کافران که از چنین خداوندی رویگردانید، بدانید که آینده حتمی شما قیامت و آخرت است و برای مواجهه با آن آماده شوید.**

**4**

**وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿73﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿74﴾ وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاء وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿75﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿76﴾ وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿77﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿78﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿79﴾ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَى وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاء إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴿80﴾وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ﴿81﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : ای پیامبر! خداوندت به کار خویش داناست و به مردم هم مرحمت دارد، تو نیز بوسیله قرآن موفق خواهی شد، کار خویش را پیگیر باش و توقعت را نیز پائین بیاور.**

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 72 وعده ای مبنی بر تغییر اوضاع فعالانِ مخالفانش وجود دارد.

در آیه 76 مجددا کلمه قرآن را بکار برده که گفتیم این یک وعده محقق شده است.

در آیه 79 به زبانی تلویحیِ نزدیک به صریح به او وعده موفقیت داده است .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – توجه دادن به الطاف و نعمتهای الهی .

2 – آموزش آنحضرت راجع به مفاد و محتوای مطالب ارشادی نسبت به کافران و یهودیان .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 59 تا 61 و 64 تا 71 تا 74 و 77 و 78 ، بقیه «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**ترجیع بندِ «اَ اله مع الله» و جواب متفاوتِ آن در هر زمینه ای**

در آیه 60 که زمینه سخن آفرینش آسمانها وزمین و فروفرستادن باران و رویش گیاهان است جواب ترجیع بند را «بد اختیاری» دانسته، و این مفهوم است، زیرا مواردِ ذکر شده از لحاظ انحصار در خداوند چنان در نزد همگان عیان بوده که شریک تراشی فریاد آشکار از لج و سوء اختیار در خویش دارد.

در آیه 61 مواردی مطرح شده که به وضوح موارد آیه 60 نیست و درک آنها «علم»ی میخواهد.

در آیه 62 مواردی مطرح شده که درک آنها نیاز به «تجربه شخصی» دارد و کسی که در گرفتاریی گیر کرده و رفع آن را از خداوند میخواهد با «زبان خواهش»ش فقط او را مخاطب قرار میدهد، و هرکسی تجربه هائی از این نوع دارد، و لذا اغلب که پس از رفع گرفتاری رفتاری مغایر آنچه که در حال گرفتاری داشتند بروز میدهند، در مورد آنان فراموش کردنِ تذکری را که یافته بودند مطرح میفرماید.

همچنین است ظرائفی که در انتهای آیه های 63 و 64 اشاره فرموده که خودتان با روشی که ما در باره آیات 60 و 61 و 62 عرض کرده ایم ادامه دهید.

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیه 62: کسی را که همه راه­ها به روی او بسته شده، «بی­چاره» می­خوانیم که معادل کلمه «مضطرّ» است که در متن آیه آمده. در این آیه تلویحاً وعده داده شده که خداوند فریاد بیچاره را می­شنود و اضطرارش را رفع می­کند. هر کسی مواردی از این نوع را که برایش اتفاق افتاده، بیاد می­آورد. هر کس بیاد می­آورد که هنگام بیچارگی، فقط خداوند را یاد می­کند و حل مشکلش را فقط از او می­خواهد و اغلب «جواب» هم می­گیرند.

اما نکته ای در اینجا هست که نمیتوان ناگفته اش گذاشت ، این آیه که مستند اینهمه «ختم های امّن یجیب» است مطلق نیست و همیشه به اجابت نمیرسد و به قرینه «یجعلکم خلفاءالارض» که درست پس از آن آمده ، اطلاقش در باره مبارزات اجتماعی حق طلبانه است ، و فقط در آن زمینه است که – به شهادت تاریخ بشر – همیشه درست در می آید ، ولو اینکه ظاهرا چنین به نظر آید که درست در نیامده است ، مثلا مورد امام حسین علیه السلام ظاهرا به نظر میآید که آنحضرت مغلوب شده ، اما واقعا آنحضرت پیروز شده است ، زیرا اولا در مدتی کوتاه گفتمان غالب تغییر کرد ، ثانیا دودمان بنی امیه بربادرفت ، ثالثا پس از گذشت ازمنه و دهور و اعصار و قرون روز بروز بر احترام آنحضرت و نفرت از مخالفانش افزوده میشود .

آیه 62: منظور از «شما» در درجه اول همان مخاطب­هایِ آنروزیِ معاصرِ نزولِ این آیات ، ودرامروز ، ما ها هستیم .

آیه 64: شرح موضوعِ «شروع و اعاده» را در سوره بروج عرض کرده­ایم.

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو سپاس خداي را و سلام بر آن بندگانش که برگزيدشان . آيا خداوند بهتر است يا آنچه با او شريک ميگيرند؟ (59) يا كيست که آسمانها و زمين را آفريد و از آسمان برايتان آبي فرستاد که بوسيله آن باغهاي خرم رويانديم** {که روياندن درختهايش کار شما نبود} **آيا خدائي با اوست؟ بلکه آنها مردمي منحرفند (60) يا كيست كه زمين را قرارگاه نموده و در خلال آن نهرها قرار داده و براي آن لنگرها گذاشته و بين آن دو دريا برزخي قرار داده؟ آيا خدائي با اوست؟ بلکه اکثرشان علم ندارند (61) يا چه کسي است که به فرياد بيچاره ميرسد و بدي را برطرف ميکند؟ وشما را جانشينان زمين ميکند؟ آيا خدائي با اوست؟ چه کم پند ميگيريد؟(62) يا كيست كه شما را در تاريکي هاي زمين و دريا هدايت مي کند؟ يا چه کسي بادها را پيشاپيشِ مژده رحمتش مي فرستد؟ آيا خدائي با اوست؟ خداوند بالاتر است از آنچه با او شريک ميگيرند (63) يا كيست كه آفرينش را شروع و سپس اعاده ميکند؟ و چه کسي شما را از آسمان و زمين روزي ميدهد؟ آيا خدائي با اوست؟ بگو دليل خويش بياوريد اگر راست ميگوئيد (64) بگو در آسمانها و زمين هيچکس جز خدا غيب نميداند . و نميدانند کي برانگيخته خواهند شد (65)** **بلکه علمشان به آخرت تا اينجا رسيده ! بلکه درباره آن در شکي هستند، بلکه اصلا درباره آن نا بینایند (66) و کافران ميگويند آيا هنگامي که ما و پدرانمان خاک شديم آيا بيرون مي آئيم؟(67) قبلا هم اين وعده ها به ما و پدرانمان داده شده . اين چيزي مگر افسانه هاي پيشينيان نيست (68) بگو در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت مجرمان چگونه بوده است (69)** {بر آنهااندوهگين مشو و از آنچه نقشه مي کشند تنگدل مباش} **(70) و ميگويند اين وعده اي که ميدهيد کي خواهد بود اگر راست ميگوييد؟(71) بگو چه بسا که بعضي از آنچه که به عجله ميخواهيدش هم اکنون رديف شده باشد (72) و البته پروردگارت نسبت به مردم صاحبِ فضل و کرم است وليکن اکثرشان سپاس نمي گزارند (73) و البته پروردگارت آنچه را که در دلهاشان پنهان ميکنند و آنچه را که آشکار مي کنند ميداند (74) و هيچ نهفته اي در آسمانها و زمين نيست مگر اينکه درکتابي آشکار هست (75)** **البته اين قرآن براي بني اسرائيل اکثر چيزهائي را که درباره اش اختلاف دارند بيان ميکند (76) و البته آن هدايت و رحمتي براي مومنان است (77) البته پروردگارت بين آنها به حق حکم ميکند و همو پيروزمند داناست (78)** **پس بر خدا توکل کن که بر حق آشکار هستي (79) البته تو به مردگان نخواهي شنواند و نيزبه کران وقتي که روي برگردانده و پشت مي کنند (80) و تو هدايت کننده کور از گمراهيش نيستي. جز اين نيست که تو فقط به کسي که به آياتمان ايمان دارد و تسليم** (حق) **است مي شنواني (81)**

**نمل6 آیات82تا93**

**وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿82﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴿83﴾ حَتَّى إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿84﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ ﴿85﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴿86﴾ وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاء اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿87﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿88﴾ مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُون ﴿89﴾ وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿90﴾ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿91﴾ وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَامِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿92﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿93﴾**

**و هنگامي که آن قولی که راجع به قیامت داده ایم بر آنها فرود آيد جنبنده اي از زمين برايشان بيرون مي آوريم که با آنان گفتگو کند که مردم به آياتمان يقين نميدارند (82) و روزي که فوجي از هرامتي که آياتمان را تکذيب ميکردند گَرد بياوريم كه بهم بپيوندند (83) تا اينکه همگي گَرد آیند . در آن هنگام خطاب خواهند شد که آيا آيات الهی را تکذيب میکرديد؟ در حاليکه علمي به آن نداشتيد؟ چه کاري بود که ميکرديد؟ (84) و آن قول بر آنها بسبب ظلمي که ميکردند فرود آيد و سخني نگويند (85) آيا نمي بينند که شب را براي آرامش و روز را براي ديدن قرار داده ايم؟ البته دراين براي مردم صاحب ايمان آيت هاست (86) و روزي که در آن شيپور دميده شود ، پس تمام کساني که در آسمانها و زمين هستند به فرياد مي افتند . مگر آنهائي که خداوند بخواهد و همگي با افتادگي بسوي او مي آيند (87) و کوه ها را مي بيني و مي پنداري جامدند درحاليکه مانند ابرها درحرکت خواهند بود. آفرينش خداوند است که هر چيز را به کمال آورده که او به آنچه ميکنيد آگاه است (88) هر کس کار نيکي بياورد چيز بهتري خواهد داشت و آنها از ناراحتي آنروز ايمن اند (89) و کسي که كار زشتي بياورد بر صورتش به آتش افكنده ميشود و به آنها گفته میشود آيا اين جزكيفر عملي است که انجام ميداديد؟ (90) ای پیامبر! بگو جز اين نيست که مأمورم پروردگار اين شهر مکه را که آنرا حرمت داده عبادت کنم و همه چيز از آن اوست و مأمورم از مسلمين باشم (91) و اينکه قرآن را تلاوت کنم ، پس هر کس که هدايت خواست بنفع خودش است و کسي که گمراه شد جز اين نيست که من از هشدار دهندگانم (92) بگو ستايش از آن خداست. بزودي آياتش را به شما نشان ميدهد و مي شناسيدش و پروردگارت از رفتارتان غافل نيست (93)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : اي مردم! قيامت آينده حتمي همگان است. هولناك هم هست. بفكر خودتان باشید و اي پيامبر! تو با قوت به رسالتت بپرداز که موفق خواهي شد .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! قرآنی که به تو وحی شده چیزی بسیار بلند مرتبه است و کسانی که به آن کفر می­ورزند مشکلی دارند که نمی توانند این رادرک کنند .

در پاراگراف 2 ضمن شرحی از چگونگی برگزیدگی موسی می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مانند موسی از جانب ما تایید خواهی شد و موفق خواهی گردید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد تاییدات ماهستی لذا به کاررسالتت محکم ومطمئن ادامه ده .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر ! تو و پیروانت موفق خواهید شد ، لذا بدون کوچکترین نگرانی با قوت به پیگیری رسالتت مشغول باش .

در پاراگراف 5 می فرماید : «ای پیامبر! توجه مردم را به این افعال و صفات الهی و در عین حال توجه آنان رابه معنی و نتیجه عقاید مشرکانه شان جلب کن ، و مشکل فکری یهودیان توسط قرآن قابل حل است، اما اگر گرایش نشان ندادند مهم نیست.

در این پاراگراف هشدار شدید به کافران میدهد (که عاقبتتان – درصورتیکه برهمین حال کفربمانید – این است .....) و ای پیامبر ! این حقیقت رابرای آنان بیشتر مطرح کن که اهمیت «حرمت» مکه (که به سبب وجود کعبه در آن است) فرع است بر حرمت دینی که «پروردگار این شهر» شما را به آن می­خواند ، و اینکه توفرستاده کسی هستی که اساسا مبنای این «حرمت»ها از ناحیه او است و وظایفی داری که می باید به آنها پایبند باشی .

**3 - سوالات**

1-منظوراز« **أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ**» (آیه82) چیست؟

2-دربعضی از روایات آمده منظورازمطلب فوق امیرالمومنین(ع) است . این موضوع را بطور مستدل ارزیابی کنید .

3 – اساسا موضوع فوق در چه کتگوریی قرار میگیرد؟ (قیامتی؟ اِهلاک امم؟ یا . . ؟)

4-« **وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا** »(آیه84) با موضوع کدام کلید فهم قرآن مطابق است؟

5-« **الا من شاءالله** » (آیه87) چطور؟

6- چه سابقه ای ازموضوع آیه88 درسوره های قبل دارید؟

7- منظور از «آیاته» (آیه 93) چیست؟ (نشانه های قدرت الهی که به پیروزی آنحضرت – مانند هجرت و فتوحات و فتح مکه و پیشرفت چشمگیرِ دعوتش – انجامید؟ یا . . . ؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 82 فهمیده میشود عقل مردم بشدت به چشمشان بوده و برای ایمان آوری کمتر به عقل و استدلال روی میکردند .

از نیمه اول آیه 91 معلوم میشود مکه به چشم همگان و حتی مخالفان آنحضرت محترم بوده ، و همچنین معلوم میشود آنها ریشه این حرمت را بتان اعلام میکردند ، و از «فتعرفونها» در آیه 93 فهمیده میشود که این موضوع را علیرغم علم به غلط بودن آن اظهار میکرده اند .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه 82) : المیزان کلمه «آیه» را به آیه ای از نوعی که در «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» است ، مربوط دانسته ،

که البته قبلا دیدیم که موضوع آن به موضوع قیامت نمیخورد و موضوعش را در جای خودش توضیح دادیم ، در حالیکه آیه 82 اصطلاحا «قیامتی» است .

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 93 به صراحت وعده ای داده که در هجرت و در روز فتح مکه همگان دیدند .

**7 – کلیدهای تفسیری**

**پرانتزها :**

آیه 86 فرع بر آیه 83 و آیه 85 نیز فرع بر آیه 84 است.

آیه­های 86 و 88 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی­دست­انداز خواهد شد.

**«بگو»ی در تقدیر :**

هر شخص مبتدی هم می­فهمد که یک کلمه «قُل» در ابتدای آیه 91 در تقدیر است و چون آیه 92 ادامه آیه 91 است و آیه 93 نیز همان کلمه «قل» را دارد .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿82﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿83﴾ حَتَّى إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿84﴾ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ ﴿85﴾** أَلَمْ يَرَوْاأَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ **﴿86﴾ وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاء اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿87﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿88﴾ مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُون ﴿89﴾ وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿90﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : اي مردم! قيامت آينده حتمي همگان است. هولناك هم هست. بفكر خودتان باشید.**

**2**

**إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿91﴾ وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَامِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿92﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : ای پیامبر! این مواضع خویش را به روشنی اعلام کن.**

**3**

**وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿93﴾**

**درس: خداوند چگونه پيامبران خويش را تاييد و مخالفانشان را مغلوب ميكند.**

**درب : ای پیامبر! به کافران چنین بگو که هشدار هم هست.**

**8 - آیات مشکل**

آیه 82 از این لحاظ که در باره اش حرف های متشتت و عجیب و غریب و کلا نامعقول و نپذیرفتنی زده اند، جزء آیات مشکل است، و البته ما نیز تفسیر خویش را عرض کرده ایم و ادعا داریم پذیرفتنی هم هست.

**9 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کلیه آیات 82 تا 90 حتی امروز نیز برای بشر قرن بیست و یکمی هم حل نیست، چه رسد به عرب 1400 سال پیش.

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - اي مردم! قيامت آينده حتمي همگان است. هولناك هم هست. بفكر خودتان باشید.

2 - اي پيامبر! تو با قوت به رسالتت بپرداز که موفق خواهي شد .

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 86 و 87 و 89 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**پراکنده گوئی؟**

آیه 82 ناظر به وقایع نزدیک به وقوع قیامت،

و آیه های 83 تا 85 ناظر به جریانات پس از وقوع قیامت،

و آیه 86 گرچه پرانتزی است اما از این لحاظ که در سوره های قبلی (البته به ترتیب نزول) زندگیِ پس از قیامت را قسمت جدیِ زندگی و این زندگی دنیا را قسمت نیمه جانِ آن معرفی کرده بود، به موضوع قیامت مربوط بوده و حالت بشارت دارد که از قیامت مترسید که زندگی بهتر و کاملتری به شما رو خواهد کرد،

و آیه 87 بازهم به حوادث کاملا نزدیک به قیامت،

و آیه 88 بازهم به حوادث قبل از وقوع،

و آیه های 89 و 90 به چگونگیِ رسیدگی و ارزیابی اعمال مردم پرداخته که مربوط به پس از وقوع و استقرار آن است.

در اینجا خداوند سر راست و به ترتیب سکانس ها صحبت نفرموده است،

چرا؟

به نظر این قلم، موضوع منحصر به اینجا نیست و در جاهای دیگری نیز چنین طرز سخن گفتنی در قرآن دیده میشود و این نوع سخن گفتن همان چیزی است که سروش آن را «پریشان گوئی» نام نهاده و گفته این هم یک دلیل است بر اینکه قرآن «خواب نامه» پیامبر ص است، و به نظر این قلم سروش بی ربط گفته و کلام حق را نفهمیده و صورت مسئله را پاک کرده، و جواب او وامثال او که من آنان را «قرآن ندان» ارزیابی کرده ام (و به عده ای برخورده!) این است که خداوند عمدا در جاهائی از چنین روشی در سخن گوئی استفاده کرده که فرق کسانی که قرآن را حجت مطلق و سخن خداوند میدانند و کسانی که قرآن را سخن مشترک خدا و پیغمبر میدانند (شبستری به نقل از یکی از شاگردانش که در اینجا اسم نمی برم) و نیز کسانی که قرآن پریشان گوئی و خوابنامه میدانند معلوم شود (کذلک یضل الله من یشاء و یهدی من یشاء و ما یعلم جنود ربک الا هو <مدثر 31> و یضل به کثیرا و یهدی به کثیرا <بقره 26> )

اما حل مطلب : تمام فقرات مذکور در سوره های قبلی به نحوی که کوچکترین ابهامی نداشته باشد ذکر شده است و اگر کسی ترتیب نزول بداند میداند چه میگویم و لذا در پاراگراف مذکور (آیات 82 تا 92 نمل) ضرورتی نداشته که ترتیب سکانس را رعایت کرده باشد.

**دابه الارض (آیه 82)**

موضوع آیه 82 یکی از حوادثی است که نزدیک وقوع قیامت رخ میدهد ، و دلیل ما متن خود قرآن است . زیرا از آیه 66 تا 72 که صراحتا قیامتی است و این واضح است . آیات بعد هم به نوعی به همان موضوع مرتبط است ، مثلا آنجا که به علم خداوند اشاره میکند و اینکه هیچ چیزی نیست مگر اینکه در «کتاب مبین» هست، و اینکه ای پیامبر! نگران تکذیب اینها مباش، . . همگی به موضوع قیامت مرتبط است ، تا اینکه در آیه 82 دوباره برمیگردد به صراحت قبلی در موضوع قیامت .

با این توضیح ، آیه 82 همسطح آیه «واذا الوحوش حشرت» سوره تکویر است ، و چیزی که در اینجا خاص است «تکلمهم ان الناس کانوا بآیاتنا لایوقنون» است ، که چندان مایه تعجب نیست ، زیرا در زمانِ نزدیک به وقوع قیامت (چنانکه تاکنون در سوره های پیشین دیده ایم) چنان اتفاقات عجیب و خارق العاده رخ میدهد که این موضوع در پیش آنها عجیب نیست ، اما چیزی که اصلا مفهوم نیست روایت هایی است که «دابه الارض» مذکور را به امیرالمومنین (ع) تطبیق میدهند ، و البته از این نوع روایاتی که چیزهایی را به آیه هایی ربط میدهند که واقعا هیچ ربطی ندارد ، کم نیست ، متاسفانه.

**«خیر منها» نسبت به چه؟ (آیه 89)**

میفرماید کسی که با خودش «حسنه» آورده باشد «فله خیر منها» یعنی در ازاء آن حسنه چیز بهتر گیرش می آید ، لذا ، ذکر کلمه معادل پاداش (مثلا کلمه ای مانند جزاء) محذوف به قرینه شده است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگامي که آن قول بر آنها فرود آيد جنبنده اي از زمين برايشان بيرون مي آوريم که با آنان گفتگو کند که البته مردم به آياتمان يقين نميدارند (82) و روزي که فوجي از هرامتي که آياتمان را تکذيب ميکردند بياوريم که كه سپس بهم بپيوندند (83)** {تا اينکه (همگي) بيايند. گويد آيا آيات مرا تکذيب کرديد در حاليکه علمي به آن نداشتيد؟ چه کاري بود که ميکرديد؟(84) و آن قول بر آنها بسبب ظلمي که ميکردند فرود آيد و سخني نگويند (85) آيا نمي بينند که شب را براي آرامش و روز را براي ديدن قرار داده ايم؟ البته دراين براي مردم صاحب ايمان آيت هاست} (86) **و روزي که در آن شيپور دميده شود ، پس تمام کساني که در آسمانها و زمين هستند به فرياد مي افتند . مگر آنهائي که خداوند بخواهد و همگي با افتادگي بسوي او مي آيند (87)** {و کوه ها را مي بيني و مي پنداري جامدند درحاليکه مانند ابرها درحرکتند. آفرينش خداوند است که هر چيز را به کمال آورده که او به آنچه ميکنيد آگاه است} (88) **هر کس کار نيکي بياورد چيز بهتري خواهد داشت و آنها از ناراحتي آنروز ايمن اند (89) و کسي که كار زشتي بياورد بر صورتش به آتش افكنده ميشود** [و به آنها گفته میشود]**آيا اين جزكيفر عملي است که انجام ميداديد؟ (90)**  (بگو) **جز اين نيست که مأمورم پروردگار اين شهر را که آنرا حرمت داده عبادت کنم و همه چيز از آن اوست و مأمورم از مسلمين باشم (91) و اينکه قرآن را تلاوت کنم ، پس هر کس که هدايت خواست بنفع خودش است و کسي که گمراه شد بگو جز اين نيست که من از هشدار دهندگانم (92) بگو ستايش از آن خداست. بزودي آياتش را به شما نشان ميدهد و مي شناسيدش و پروردگارت از رفتارتان غافل نيست (93)**

**سوره مریم**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**كهيعص ﴿1﴾ ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿2﴾ إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاء خَفِيًّا ﴿3﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُن بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿4﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِن وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا ﴿5﴾ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿6﴾ يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَل لَّهُ مِن قَبْلُ سَمِيًّا ﴿7﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿8﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِن قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ﴿9﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَل لِّي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ﴿10﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَن سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿11﴾ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿12﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴿13﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿14﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿15﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**کهيعص (1) ای پیامبر! اين ياد آوري رحمت پروردگارت به بنده اش زکرياست (2) هنگامي که با صدائي آهسته پروردگارش را ندا داد (3) و گفت پروردگارا استخوانهايم سستي گرفته و سرم از پيري گويي شعله دار شده و من ، اي پروردگار از دعا بدرگاهت بي بهره نبوده ام (4) و از بابت بازماندگانم بيم دارم و زنم نازا است . پس، از جانب خويش وارثي عطايم کن (5) که از من و از آل يعقوب ارث ببرد و پروردگارا او را پسنديده گردان (6) به او ندا شد اي زکريا ! به پسري مژده ات ميدهيم که اسمش يحيي است و قبلأ همنامي برايش قرار نداده ايم (7) گفت پروردگارا چگونه برايم پسري مي شود در حاليکه زنم نازا است و خودم از سالمندي به فرتوتي رسيده ام (8) جواب شنید که گرچه همينطور است اما چنين گفت پروردگارت که آن برايم آسان است و خودت را نيز قبلا آفريده ام و چيزي نبوده اي (9) گفت پروردگارا برايم نشانه اي قرار ده . گفت نشانه ات اين است که سه شبانه روز با مردم سخن نتواني گفت (10) پس ، از محراب بسوي قوم خويش بيرون شد و به آنها اشاره کرد که صبح و شام تسبيح گوييد (11) یحیی متولد شدو پس از چندی به او ندا دادیم اي يحيي ! مفاهیم آن کتاب آسمانی را به قوت بگير! و در کودکي آن حکم پيامبري را به او داديم (12) و از جانب خويش به او رحمت آورديم و رشدش داديم و تقوادار بود (13) و نسبت به والدين خويش نیز نيکوکار بود و زورگوي نافرمان نبود (14) و سلام بر او باد در روزي که متولد شد و روزي که ميميرد و روزي که زنده برانگيخته خواهد شد (15)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : نمونه هائي از لطف و بركتي كه در همين جهان به زكريا و يحيي داده شد.**

**2 - سوالات**

1 - «اوحی» (آیه 11) به معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

2 – سوال فوق را در باره «سمیّا» (آیه 7) جواب دهید .

**3 – زاویه با تفاسیر رایج**

(المیزان) : غرض اين سوره به طورى كه در آخرش بدان اشاره نموده مى‏فرمايد:" فَإِنَّما يَسَّرْناهُ بِلِسانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْماً لُدًّا ..." بشارت و انذار است

گرچه المیزان روش خویش را برای استخراج چیزی که آن را «غرض» سوره مینامد ذکر نمی نماید ، اما همانطور که گفتیم این کار را بطور سلیقه ای و شانسی انجام میدهد و در اینجا یک آیه را نماینده کل سوره گرفته (که تازه خطا هم هست) اما ، ما برای استخراج درس و درب روشی روشن و شفاف داریم که در انتهای تفسیر هر سوره آن را با دقت و تفصیل نشان داده ایم و در این سوره این است :

درس : پیامبران و صالحان مسیر صحیح را میرفتند و خداوند نیز در همین جهان به آنها لطف و برکت عطا فرمود .

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 2 تا 15 الطاف الهی که به یک پیامبر فرعی از شریعت حضرت موسی شده را ذکر نموده و از آن تلویحا این پیشگوئی درک میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از آن بزرگوار کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد .

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

کهیعص که از حروف مقطعه است، و بقیه حروف مقطعه، هنوز در این 1400 سال رمزگشائی نشده، یعنی حروف مذکور فوق ذهنیات این 1400 سال بوده، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

نمونه هائي از لطف و بركتي كه در همين جهان به زكريا و يحيي داده شد.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**«دعا»ی زکریا(ع) و تولد یحیی(ع)**

در رابطه با آیه 9 از کلمه «گفت» دوم معلوم می­شود لااقل مکالمه انجام شده در آیه 9، مکالمه زکریا(ع) با یکی از فرشتگان (مثلاً جبرئیل) بوده، نه مکالمه­ای از نوع مکالمه حضرت موسی با خداوند و از همینجا می­توان فهمید که مژده ذکر شده در آیه 7 نیز از سوی همان فرشته به او داده شده و نیز فهمیده می­شود که قاعدتاً باید بین مژده آیه 7 و مناجات آیه 8 مدتی فاصله بوده باشد زیرا تصور اینکه پیامبر عظیم­الشأنی مانند حضرت زکریا(ع) فرق مکالمه مستقیم با خداوند و فرشته­اش را متوجه نشود، بعید است. لذا می­توان موضوع را اینطور درک کرد که:

1- زکریا(ع) در مناجاتی مشکل خود را مطرح می­کند. (آیات 3 تا 6)

2- یا در همان مناجات یا بعداً به او وحی می­شود و مژده بهم رسیدن یحیی(ع) به او داده می­شود. (آیه 7)

3- مدتی طول می­کشد تا زکریا(ع) این مژده را «هضم» کند و دوباره به مناجات برمی­خیزد. (آیه 8)

4- در همین مناجات برایش توضیح داده می­شود که قرار است لطف خاص در حق او بشود (مانند بچه­دار شدن حضرت ابراهیم در کهولت)

5- حالا دیگر او مژده را «جذب» کرده و باز هم به مناجات می­ایستد و تقاضای جزئیات بیشتر می­کند. (آیه 10 و قسمت آخر آن یعنی اینکه سه شب (و دو روز؟) به امر خدا زبان او بسته مانده و نتوانست سخن بگوید.

6- و بالاخره حضرت یحیی(ع) متولد می­شود. (آیات12تا15) و در کودکی به پیامبری می­رسد و بعضی از ائمه ما نیز که در کودکی به امامت رسیدند به این آیه استشهاد می­نمودند.

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیه 2: در بسیاری از جاهائیکه کلمه «رحمت» را دیده­ایم، بمعنی وحی و نبوت و معجزه بوده است.

آیه 4: سفید شدن یکدست موی سر را به «شعله» تشبیه نموده که ظرافتی از لحاظ بیانی در خویش دارد.

آیه 5: بنظر می­رسد خواسته زکریا(ع) این بوده که خداوند کسی را برای او معین کند که پس از مرگ او «وصی»اش باشد و در آنچه از او باقی می­ماند، مطابق قوانین الهی و حکم تقوا رفتار کند و دعای او این نبوده که خداوند به او فرزندی عطا کند و فرزند دار شدن را از خویش بعید می­دانسته است. ضمنا خواسته زکریا(ع) این بوده که آن «سرپرستِ» مورد تقاضایِ آیه، از او و از آل­یعقوب ارث ببرد.

«از آل­­یعقوب ارث ببرد» یعنی چه؟

مفهوم میشودکه خواسته اولیه زکریا(ع) این بود که خداوند پیامبر پس از او را مشخص نموده و به او معرفی کند تا او نیز آن پیامبر را به مردم معرفی نماید و ضمناً سرپرستی اموال و خانواده خویش را نیز به او بسپارد.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**کهيعص (1) اين ياد آوري رحمت پروردگارت به بنده اش زکرياست (2) هنگامي که با صدائي آهسته پروردگارش را ندا داد (3) گفت پروردگارا استخوانهايم سستي گرفته و سرم از پيري** (گويي) **شعله دار شده و من ، اي پروردگار ، از دعا بدرگاهت بي بهره نبوده ام (4) و از بابت بازماندگانم بيم دارم و زنم نازا است . پس از جانب خويش وارثي عطايم کن (5) که از من و از آل يعقوب ارث ببرد و پروردگارا او را پسنديده گردان (6)** [به او ندا شد] **اي زکريا ! به پسري مژده ات ميدهيم که اسمش يحيي است و قبلأ همنامي برايش قرار نداده ايم (7) گفت پروردگارا چگونه برايم پسري مي شود در حاليکه زنم نازا است و خودم از سالمندي به فرتوتي رسيده ام (8) گفت همينطور است** (اما) **چنين گفت پروردگارت که آن برايم آسان است و خودت را نيز قبلا آفريده ام و چيزي نبوده اي (9) گفت پروردگارا برايم نشانه اي قرار ده . گفت نشانه ات اين است که سه شب** (و روز) **با مردم سخن نتواني گفت (10) پس ، از محراب بسوي قوم خويش بيرون شد و به آنها اشاره کرد که صبح و شام تسبيح گوييد (11)** [یحیی متولد شدو پس از چندی به او ندادادیم] **اي يحيي ! آن کتاب را به قوت بگير! و در کودکي آن حکم** (پيامبري) **را به او داديم (12) و از جانب خويش به او رحمت آورديم و رشدش داديم و تقوادار بود (13) و نسبت به والدين خويش نيکوکار بود و زورگوي نافرمان نبود (14) و سلام بر او باد در روزي که متولد شد و روزي که ميميرد و روزي که زنده برانگيخته خواهد شد (15)**

**مریم2 آیات16تا40**

**وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿16﴾ فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿17﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَن مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا ﴿18﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿19﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿20﴾ قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿21﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿22﴾ فَأَجَاءهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ﴿23﴾ فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿24﴾ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ﴿25﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا ﴿26﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿27﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿28﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿29﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿30﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿31﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿32﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿33﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿34﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿35﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿36﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿37﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿38﴾ وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿39﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿40﴾**

**ای پیامبر! در آن کتاب آسمانی که نزدت هست ، مريم را ياد کن ، وقتي که از کسان خود در گوشه اي شرقي کناره گرفت (16) و بين خود و آنان پرده اي آويخت تا به عبادت مشغول باشد . پس روح خويش را بسويش فرستاديم که بصورت انساني معتدل بر او ظاهر گشت (17) مریم به او گفت از تو به خداي رحمان پناه ميبرم با وجود اینکه شخص با تقوائي به نظر میرسی (18) گفت جز اين نيست که فرستاده پروردگارت هستم تا پسري پاک به تو ببخشم (19) گفت چگونه ممکن است پسري داشته باشم در حاليکه بشري مرا لمس نکرده و بدکاره هم نبوده ام؟ (20) گفت پروردگارت گفته که اين کار برايم آسان است و اينکه ميخواهم او را آيتي براي مردم و رحمتي از جانب خويش قرار دهم و اين امريست که مقرر شده (21) پس بر او حامله شد و با او در مکاني دوردست جاي گرفت (22) و درد زايمان او را بسوي تنه يک نخل برد و گفت کاش پيش از اين مرده و از ياد رفته و کاملأ فراموش شده بودم (23) در این حال فرزندش او را از طرف پائين دستش صدا کرد که ناراحت نباش که پروردگارت در زير پايت نهري قرار داده (24) و آن تنه نخل را بسوي خويش تکان ده تا خرماي تازه برايت فرو افتد (25) و بخور و بياشام و چشمت روشن باشد و اگر کسي را ديدي به اشاره به او بگو براي خداوندِ رحمان روزه اي نذر کرده ام و امروز با هيچکس سخن نميگويم (26) پس او را با خود بسوي قوم خويش برد. گفتند اي مريم البته که چيزي عجيب آورده اي (27) اي خواهر هارون نه پدرت آدم بدي بود و نه مادرت بدکاره بود (28) پس مریم به فرزندش اشاره کرد. گفتند چگونه با كودكي که درگهواره است سخن بگوئيم؟ (29) آن کودک به سخن در آمد و گفت من بنده خدا هستم . بمن کتاب داده و مرا پيغمبر قرار داده است (30) و مرا در هر جا که باشم پربرکت قرار داده و مادام كه زنده باشم به نماز و زکوة فرمانم داده است (31) و نسبت به مادرم نيکوکار قرارم داده نه اينکه زورگوئي سنگدل باشم (32) و سلام بر من روزي که زاده شدم و روزي که بميرم و روزي که به زندگي مجدد برانگيخته شوم (33) ای پیامبر! حقیقتِ عيسي پسر مريم این است . قول حقي است که در باره آن بگومگو مي کنند (34) خدا را نميرسد که فرزندي بگيرد. منزه است از آن. وقتي که امري را اراده کند جز اين نيست که به آن ميگويد باش پس ميشود (35) و عیسی میگفت البته خداوند پروردگار من و شماست ، پس او را عبادت کنيد كه راه مستقيم همين است (36) آنگاه گروه ها بين خويش اختلاف کردند ، پس واي بر کافران از حضور در روزي بزرگ (37) ای پیامبر! به آنها بشنوان و بنما روزي را که بسوي ما مي آيند ليکن ظالمان در آن روز در گمراهيي آشکارند (38) و آنها را راجع به روز حسرت هشدار ده. تا مبادا وقتي که کار از کار گذشته باشد و آنها هنوز در غفلتي بوده و ايمان هم نداشته باشند (39) ما خودمان زمين و تمام کساني را که روي آن هستند به ارث ميبريم و آنها بسوي ما باز ميگردند (40)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : نمونه هائي از لطف و بركتي كه به مريم داده شد و معرفي مسيرهائي كه به لطف و بركت نمي انجامد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد لطف وحمایت ما میباشش و شاید درهمین جهان نیز برخی از آثار آن راببینی .

در این پاراگراف می فرماید : حضرت عیسی فقط بنده خداست، وبجای خدا قابل عبادت نیست. و نیز میفرماید ای پیامبر ! تو نیز (به گونه ای دیگر) همواره موردلطف و تاییدات ما بوده ای و از این پس هم خواهی بود.

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 34 و 35 معلوم میشود در محیط آن روزی حجاز ، قول مسیحیان شناخته و جا افتاده بوده است.

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 16 تا 33 لطف اعجازیِ الهی در مورد یک دختر عابده ذکر شده و از آن بوی این وعده تلویحی الهی استشمام میشود که ای پیامبر تو در نزد ما از او کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد .

**5 - کلید های تفسیری**

اصلی-فرعی:

آیات 37 تا 40 به دو قطعه همگن ذیل قابل تقطیع است: (آیات 34 تا 36) + (آیات 37 تا 40)

از قطعه اول، آیه 35 فرع بر آیه 34 است، و از قطعه دوم آیات 38 تا 40 در جهت توضیح سه کلمه آخر آیه 37 این است و لذا فرع بر آن است.

بنابراین آیات اصلی این بخش عبارت است از آیات 34 و 36 و 37.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿16﴾ فَاتَّخَذَتْ مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿17﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَن مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا ﴿18﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿19﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿20﴾ قَالَ كَذَلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿21﴾ فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿22﴾ فَأَجَاءهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ﴿23﴾ فَنَادَاهَا مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿24﴾ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ﴿25﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا ﴿26﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿27﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿28﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿29﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿30﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿31﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿32﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدتُّ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿33﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : نمونه هائي از لطف و بركتي كه به مريم داده شد.**

**2**

**ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿34﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَن يَتَّخِذَ مِن وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿35﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿36﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿37﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿38﴾ وَأَنذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿39﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿40﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**معرفي مسيرهائي كه به لطف و بركت نمي انجامد.**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 17 تا 21 از این لحاظ که مکانیزم ظاهر شدن جبرئیل بر انسان و تاثیر گذاریِ فیزیکی یا فیزلوژیک براو هنوز در این 1400 سال روشن نشده، نه تنها فوق ذهنیات عرب 1400 سال پیش بلکه حتی فوق ذهنیات مخاطبان امروز نیز هست.

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

نمونه هائي از لطف و بركتي كه به مريم داده شد.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 34 تا 40 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**فهمیدن منظور داستان های قرآنی آسانتر است**

موضوع تیتر فوق واضح است و شرحی نمیطلبد و لذا ما در پاراگراف های داستانی شرح زیادی لازم نمی بینیم ، مگر در برخی موارد استثنائی که وقتی به آن استثنائات رسیدیم اگر عرایض توضیحیی لازم بود عرض میکنیم .

**مکان شرقی**

با توجه به آیه 16، حتماً باید انتخاب این «مکان شرقی» حکمتی داشته باشد وگرنه در قرآن مطرح نمی­شد.

می­دانیم «کسان» حضرت مریم(س)، شوهر خاله­اش حضرت زکریا(ع) و خاله­اش همسر آن حضرت بود که مادرِ حضرت یحیی(ع) باشد و مریم(س) فقط می­توانست از آنها کناره بگیرد و آنها هم که در مسجدالاقصی نبودند و لذا آن «طرف شرقی»، مسجدالاقصی نبوده بلکه باید نقطه­ای باشد بیرون مسجدالاقصی.

از آیه 17 معلوم می­شود آن «مکان شرقی» نباید از منزل حضرت زکریا(ع) دور بوده باشد چه بسا در همان خانه باشد. چون شرق و غرب جغرافیائی اهمیتی ندارد، باید معنی لغوی شرقی را بگیریم یعنی در خانه زکریا مکان روشن نورانیی را برگزید. (که آنجا راحت باشد و عبادت کند).

**«روح»**

تا کنون به اندازه کافی این کلمه را دیده­ایم. در سوره قدر (تنزل الملائکه و الروح» در سوره اسراء (یسئلونک عن الروح) در سوره شعراء (نزل به الروح الامین).

استعمال این کلمه به جای «روان» (که موضوع علم روانشناسی است) کاملاً غلط است و معادل کلمه «روان» در قرآن کلمه «نفس» است (و نفسٍ و ماسوّیها).

در قرآن «روح» به عالی­ترین مخلوقات خداوند که از ملائکه هم بالاترند گفته می­شود و ملائکه در کار رتق و فتق امور فیزیک جهانند و روح در کار هدایت و معنویات و وحی و امثال آن هستند.

لذا «روح»ی که با توجه به آیه 17 بر آنحضرت ظاهر شد باید یکی از مخلوقات با عظمت خداوندی بوده باشد که آنرا به خود نسبت داده است. مثلاً چنانکه به مسجد می­گوئیم «خانه خدا» بهمین ترتیب این «روح» که در اینجا «روح خدا» نامیده شده، و چنانکه در سوره­های قدر و نباء دیده­ایم، می­باید نوعی از مخلوقات بسیار شریف بوده باشد مهم­تر و بالاتر از ملائکه (و مثلاً جبرئیل امین).

**حاملگی از طریقی خارق­العاده**

در رابطه با آیات 22-19 حضرت مریم(س) از طریقی غیرعادی حامله شد.

باین معنی که ابتدا از طریق مطالبی که در آیات 19 تا 22 ذکر شد، از لحاظ روحی آمادگی لازم را پیدا کرد و سپس از لحاظ جسمی، در فیزیولوژی آن حضرت اتفاقی افتاد که توجیه علمی آن را باید در کتاب­هائی نظیر «خلقت انسان» مرحوم دکتر یدالله سحابی و کتب مشابه همطراز دیگر خواند.

هرچه باشد با آمادگی ذهنی که قبلاً پیدا کرده­ایم که چگونه حضرت زکریا و همسرش در پیری صاحب اولاد شدند در حالیکه این اتفاق بسیار نادر و بلکه نایاب است، از لحاظ ذهنی آماده شده­ایم که این خارقِ عادت را به قدرت الهی نسبت دهیم و آنچه راجع به حضرت مریم اتفاق افتاد، یک قدم از آن هم بالاتر است اما در کتابهائی مانند «خلقت انسان» و امثال آن، می­توانیم توجیه علمی آن را نیز داشته باشیم.

**چند دریافت مستقیم کوتاه**

آیه 18: به این معنی است که اگر شخص باتقوائی هستی، قاعدتاً نباید نظر سوئی بمن داشته باشی. در هر حال بدون اجازه به حریم خلوت من در آمدی و نگرانم کرده­ای و هر چه باشد از تو به خدا پناه می­برم.

آیات 26-24: نوزاد جدیدالولاده او یعنی حضرت عیسی(ع) است که مادرش را دلداری داده و راهنمایی می­کند و این امر خارق­العاده­ایست اما آن نوع تولد خارق­العاده، ذهن ما را برای پذیرش این امر خارق­العاده نیز آماده می­کند.

آیات 33-29: چنان پر از مطالب خارق­العاده و معجزه­ایست که دیگر جای شرحی نمی­گذارد فقط باید گفت آن مادر و آن نوزاد محلِ نظر و توجه الهی بودند که یکی پس از دیگری نشانه­هائی از نعمات و برکات الهی را در مقابل چشمانمان آورده­اند. و «خواهر هارون» در آیه 28 لزوماً به این معنی نیست که مریم یک برادری هم داشته باشد که اسم او هارون باشد زیرا چنانکه می­دانیم مریم تک فرزنده بوده و برادر نداشته. «خواهر هارون» در آن روزها و از نظر بنی­اسرائیل چیزی شبیه به «زاده» و «پور» و «نیا» در ترکیب «حسن­زاده» و «حسن­پور» و «حسن­نیا» بوده. و می­خواهد بگوید ای مریم! تو که از تیره و طائفه هارون هستی چرا این کار را کردی؟ و در مجموع از نوع «فضایل کسی را به رخش کشیدن و او را در عین حال سرزنش کردن» است.

آیه 34: منظور این است که راجع به حضرت عیسی(ع) داستانی که بیان شده، «قول حق» است.

آیه 35: در خصوص «کن فیکون» در انتهای سوره یس در ذیل آیه 82 شرح مختصری عرض شده است.

آیه 40: در موضوع «ارث» که در این آیه مطرح شده، خداوند به زبان مخاطب صحبت فرموده است.

**جمع بندی و تفسیر**

**و در آن کتاب ، مريم را ياد کن ، وقتي که از کسان خود در گوشه اي شرقي کناره گرفت (16) و بين خود و آنان پرده اي آويخت. پس روح خويش را بسويش فرستاديم که بصورت انساني معتدل بر او ظاهر گشت (17) گفت از تو به خداي رحمان پناه ميبرم اگر شخص با تقوائي باشي (18) گفت جز اين نيست که فرستاده پروردگارت هستم تا پسري پاک به تو ببخشم (19) گفت چگونه ممکن است پسري داشته باشم در حاليکه بشري مرا لمس نکرده و بدکاره هم نبوده ام؟(20) گفت پروردگارت چنين گفته که اين کار برايم آسان است و اينکه ميخواهم او را آيتي براي مردم و رحمتي از جانب خويش قرار دهم و اين امريست که مقرر شده (21) پس بر او حامله شد و با او در مکاني دوردست جاي گرفت (22) و درد زايمان او را بسوي تنه يک نخل برد و گفت کاش پيش از اين مرده بودم و از ياد رفته و کاملأ فراموش شده بودم (23) پس او را از طرف پائين دست او صدا کرد که ناراحت نباش که پروردگارت در زير پايت نهري قرار داده (24) و آن تنه نخل را بسوي خويش تکان ده تا خرماي تازه برايت فرو افتد (25) و بخور و بياشام و چشمت روشن باشد و اگر کسي را ديدي بگو براي خداوندِ رحمان روزه اي نذر کرده ام و امروز با هيچکس سخن نميگويم (26) پس او را با خود بسوي قوم خويش برد. گفتند اي مريم البته که چيزي عجيب آورده اي (27) اي خواهر هارون نه پدرت آدم بدي بود و نه مادرت بدکاره بود (28) پس به او اشاره کرد. گفتند چگونه با كودكي درگهواره سخن بگوئيم؟(29) گفت من بنده خدا هستم. بمن کتاب داده و مرا پيغمبر قرار داده است (30) و مرا در هر جا که باشم پربرکت قرار داده و مادام كه زنده باشم به نماز و زکوة فرمانم داده است (31) و نسبت به مادرم نيکوکار قرارم داده نه اينکه زورگوئي سنگدل باشم (32) و سلام بر من روزي که زاده شدم و روزي که بميرم و روزي که به زندگي مجدد برانگيخته شوم (33)** **اين عيسي پسر مريم است . قول حقي که در باره آن بگومگو مي کنند (34)**{خدا را نميرسد که فرزندي بگيرد. منزه است از آن. وقتي که امري را اراده کند جز اين نيست که به آن ميگويد باش پس ميشود}(35) **و** (عیسی میگفت) **البته خداوند پروردگار من و شماست ، پس او را عبادت کنيد . كه راه مستقيم اين است (36) آنگاه گروه ها بين خويش اختلاف کردند ، پس واي بر کافران از حضور در روزي بزرگ (37)** {به آنها بشنوان و بنما روزي را که بسوي ما مي آيند ليکن ظالمان در آن روز در گمراهيي آشکارند (38) و آنها را راجع به روز حسرت هشدار ده. (مبادا) وقتي که کار از کار گذشته باشد و آنها (هنوز) در غفلتي بوده و ايمان هم نداشته باشند (39) ما خودمان زمين و تمام کساني را که روي آن هستند به ارث ميبريم و آنها بسوي ما باز ميگردند}(40)

**مریم3 آیات41تا58**

**وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿41﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنكَ شَيْئًا ﴿42﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿43﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا ﴿44﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَن يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَن فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿45﴾ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْراهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿46﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿47﴾ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاء رَبِّي شَقِيًّا ﴿48﴾ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿49﴾ وَوَهَبْنَا لَهُم مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿50﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿51﴾ وَنَادَيْنَاهُ مِن جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿52﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿53﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا ﴿54﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿55﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَّبِيًّا ﴿56﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿57﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِم مِّنَ النَّبِيِّينَ مِن ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِن ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَن خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿58﴾**

**ای پیامبر! در آن کتاب آسمانی که در دسترست هست ، ابراهيم را ياد کن که پيامبري صديق بود (41) هنگامي که به پدرش گفت پدر جان چرا چيزي را مي پرستي که نه مي شنود و نه مي بيند و نه میتواند هيچ کاري را برايت چاره کند (42) پدر جان البته چيزي از آن علمِ حق بسوي من آمده که بسوي تو نيامده پس مرا پيروي کن که به راهي کاملا صحيح هدايتت کنم (43) پدر جان شيطان را پيروي مکن که شيطان نسبت به خداوند رحمان سرکش است (44) پدر جان ميترسم عذابي از جانب خداي رحمان بتو برسد که در نتیجه آن دوستدار شيطان شوي (45) گفت اي ابراهيم آيا از خدايان من روميگرداني؟ اگر بس نکني حتمأ سنگسارت ميکنم و مدتي طولاني از من دور شو (46) گفت سلام بر تو. بزودي از پروردگارم برايت آمرزش خواهم خواست زیرا که او بمن مهربان است (47) و از شما و آنچه غير از خداوند ميخوانيد دوري ميگزينم و پروردگار خودم را ميخوانم و اميدوارم در خواندن پروردگارم بي بهره نباشم (48) و چون از آنها و آنچه که غير خداوند ميخواندند کناره گرفت به او اسحق و يعقوب را عطا کرديم و همگي را پيامبر نموديم (49) و از رحمت خويش به آنها داديم و براي آن ها ذکر خير بلند آوازه اي قرار داديم (50) و در آن کتاب موسي را ياد کن که او خالص شده، و فرستاده اي پيامبر بود (51) و او را از جانب راست كوه طور صدا زديم و به رازگوئي با خودمان تقربش داديم (52) و از رحمت خويش برادرش هارون را به او به معاونت داديم که او نيز پيامبري بود (53) و در آن کتاب اسمعيل را ياد کن که او درست وعده و پيامبري فرستاده بود (54) و کسان خود را به نماز و زکوة امر ميکرد و نزد پروردگارش پسنديده بود (55) و در آن کتاب ادريس را ياد کن که صديقي پيامبر بود (56) و او را بلند مرتبه گردانديم (57) آنها کساني بودند که خداوند از ميان پيامبران ، از فرزندان آدم ، و از کساني که همراه نوح حمل کرديم ، و از فرزندان ابراهيم ، و یعقوب ، و از کساني که هدايت کرديم و برگزيديم ، نعمتشان داده بود و وقتيکه آيات خداوند رحمان بر آنها خوانده ميشد گريه کنان به سجده مي افتادند (58)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهانه آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : نمونه هائي از لطف و رحمتي كه به ابراهيم و موسي و اسمعيل و ادريس داده شد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد لطف وحمایت ما میباشش و شاید درهمین جهان نیز برخی از آثار آن راببینی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تونیز(به گونه ای دیگر)همواره موردلطف و تاییدات ما بوده ای واز این پس هم خواهی بود .

در پاراگراف 3 می فرماید : حضرت عیسی فقط بنده خداست ، وبجای خدا قابل عبادت نیست .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مانند این پیامبران مورد لطف وحمایت ما بوده ای . از این پس نیز به مشکلات ماموریتت کماکان صبرکن و تاییدات ما نیز با تو خواهد بود .

**3 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 41 تا 58 الطاف الهی که در مورد 4 پیامبر ذکر شده ، و از آن تلویحا این وعده درک میشود که که ای پیامبر تو در نزد ما از او کمتر نیستی و در مورد تو نیز الطاف ما پی در پی بسویت نازل خواهد شد .

**4 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**5 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

نمونه هائي از لطف و رحمتي كه به ابراهيم و موسي و اسمعيل و ادريس داده شد.

**6 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، با کمی اغماض میتوان گفت که تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**لطف­هایی که خداوند در همین جهان به حضرت ابراهیم(ع) کرد**

ما به «درس» و «درب» می­نگریم و این نکته را در می­یابیم که حضرت ابراهیم(ع) که مسیر صحیح را اتخاد نمود، مورد لطف­هائی قرار گرفت که بطور خلاصه عرض می­شود:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | شرح | آیه مأخذ |
| 1 | خداوند او را لایق پیامبری نمود که بزرگترین درجه رشد انسانی است. | 41 |
| 2 | در عالم پیامبری هم او را از پیامبران بسیار برجسته نمود. | 41 |
| 3 | پیامبری در بعضی از اولاد او یکی پس از دیگری توالی یافت. | 49 |
| 4 | نام نیک بلند آوازه­ای پس از او برایش قرار داد. | 50 |
| 5 | قبل از پیامبری نیز فهم دقیق مطالب را یافت. | 42 |
| 6 | و نیز قدرت روحی بالا و شجاعتی که بتواند بندها و موانع قویِ موجودِ سنتیِ آن روزها را بشکند و آنها را در مقابل حق مهم نشمرد به او داد. | 48-42 |

و پیام این پاراگراف نیز این است که ای انسان مسیر صحیح را اتخاذ کن که علاوه بر جهان آخرت در همین جهان نیز لطف و برکت و هدایت و عزت و احترام و ... و ... و همه چیزهای خوب را خواهی یافت.

اینک با این مقدمه روی بعضی از کلمات نیز توقف و تمرکزی می­کنیم.

**آشنایی با این «پدر جان» آیه 42**

این «پدر جان»، علاوه بر موضوع فوق یک آدم معمولی نبود، بلکه نوعی رهبری فکری در آن جامعه داشت (توجه کنید به عبارت «خدایان من» در آیه 46)

بعلاوه از نوعی قدرت حکومتی نیز بهره­مند بود (که می­توانست ابراهیم را تبعید و حتی اعدام کند – آیه 46) یعنی «پدر جان» مذکور سه مزیت داشت:

1- مزیت «بزرگی» از نظر سن و سال و رئیس خانواده بودن،

2- مزیت رهبری فکری درجامعه خویش،

3- مزیت قدرت سیاسی و حکومتی.

هر یک از این مزیت­ها، حتی امروز، (چه رسد به زمان­های گذشته) آنقدر قوی هست که می­تواند هزاران نفر را مطیع و منقاد کند.

ایمان چیست که چنان شخصیتی در آدمی ایجاد می­کند که این مزیت­های عظیم را در چشم آدمی کوچک می­کند و او را به جائی می­رساند که بر صاحبان آن مزیت­ها، در صورتی که بر باطل باشند، می­شورد و آن مزیت­ها چشمش را پر نمی­کند؟

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیه 45: تاکنون چنین می­فهمیدیم که عذاب یعنی ناراحتی و گرفتاری و فشار و دوری از نعمتها، اما در آیه 45، «دوستدار شیطان بودن» عذاب شمرده شده و در این نکته­ های بسیار لطیفی هست که چون بنای ما بر اختصار است فقط اشاره­های کمی می­کنیم اما از خواننده ارجمند دعوت می­کنیم از تعمق و پیگیری خویش جلوگیری ننموده و مطلب را بپرورد:

1- دوستی شیطان به کفر و شرک و گناهان می­انجامد که آنها نیز در دنیا به هلاکت و در آخرت به عذاب جهنم می­رساند و لذا ورود به دوستی شیطان ورود به وادی عذاب است.

2- دوستی شیطان، خروج از دوستی رحمان است که آن، سرچشمه همۀ لطف و رحمت و نعمتهاست و خروج از آن، بمعنی ورود در وادی عذاب­هاست.

3- و موارد دیگر که تدبر و تعمق و در نتیجه کشف و ذکر آنها را به خواننده ارجمـند وا می­گذاریم.

آیه 46: «پدر جان» مذکور، در برابر آنهمه استدلال (آیات 42 تا 44) می­گوید از این حرفها دست بکش که یا می­کشمت یا خیلی که به تو لطف کنم تبعیدت می­کنم.

آیات47تا50 :ابراهیم که در اثر ایمان استدلالی قویّ ، (توجه کنید به آیات 42 تا 45) به چنان رشد شخصیتی رسیده بود، نعمتهای جدیدتری نیز از خداوند دریافت کرد. هم قبیله­ای ساخت و سروری یافت ، و هم به پیامبری رسید ، و هم در رأس سلسله­ای از مهمترین پیامبران که از اولاد و نوادگان او بودند قرار گرفت.

**جمع بندی و تفسیر**

**و در آن کتاب ، ابراهيم را ياد کن که پيامبري صديق بود (41) هنگامي که به پدرش گفت پدر جان چرا چيزي را مي پرستي که نمي شنود و نمي بيند و هيچ کاري را برايت چاره نمي کند (42) پدر جان البته چيزي از آن علم بسوي من آمده که بسوي تو نيامده پس مرا پيروي کن که به راهي کاملا صحيح هدايتت کنم (43) پدر جان شيطان را پيروي مکن که شيطان نسبت به خداوند رحمان سرکش است (44) پدر جان ميترسم عذابي از جانب خداي رحمان بتو برسد و آنگاه دوستدار شيطان شوي (45) گفت اي ابراهيم آيا از خدايان من روميگرداني؟ اگر بس نکني حتمأ سنگسارت ميکنم و از من مدتي طولاني دور شو (46) گفت سلام بر تو. بزودي از پروردگارم برايت آمرزش خواهم خواست که او بمن مهربان است (47) و از شما و آنچه غير از خدا ميخوانيد دوري ميگزينم و پروردگار خودم را ميخوانم و اميدوارم در خواندن پروردگارم بي بهره نباشم (48) و چون از آنها و آنچه که غير خدا ميخواندند کناره گرفت به او اسحق و يعقوب را عطا کرديم و همگي را پيامبر نموديم (49) و از رحمت خويش به آنها داديم و براي آن ها ذکر خير بلند آوازه اي قرار داديم (50) و در آن کتاب موسي را ياد کن که او خالص شده،و فرستاده اي پيامبر بود (51) و او را از جانب راست** (كوه) **طور صدا زديم و به رازگوئي تقربش داديم (52) و از رحمت خويش برادرش هارون را به او داديم که او نيز پيامبري بود (53) و در آن کتاب اسمعيل را ياد کن که او درست وعده و پيامبري فرستاده بود (54) و کسان خود را به نماز و زکوة امر ميکرد و نزد پروردگارش پسنديده بود (55) و در آن کتاب ادريس را ياد کن که صديقي پيامبر بود (56) و او را بلند مرتبه گردانديم (57) آنها کساني بودند که خداوند از ميان پيامبران ، از فرزندان آدم ، و از کساني که همراه نوح حمل کرديم ، و از فرزندان ابراهيم ، و اسرائيل ، و از کساني که هدايت کرديم و برگزيديم ، نعمتشان داده بود و وقتيکه آيات خداوند رحمان بر آنها خوانده ميشد گريه کنان به سجده مي افتادند (58)**

**مریم4 آیات59تا63**

**فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿59﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿60﴾ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿61﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿62﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا ﴿63﴾ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿64﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿65﴾ وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَئِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿66﴾ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿67﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿68﴾ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿69﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا ﴿70﴾ وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿71﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿72﴾ وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿73﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ﴿74﴾ قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا ﴿75﴾ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿76﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿77﴾ أَاطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿78﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿79﴾ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿80﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿81﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿82﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿83﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿84﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿85﴾ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿86﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿87﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿88﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿89﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿90﴾ أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿91﴾ وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿92﴾ إِن كُلُّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿93﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿94﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿95﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿96﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا ﴿97﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿98﴾**

**ای پیامبر! ولي پس از آن پیامبران کسانی جايگزين آنها شدند که نماز را ضايع کردند و از شهوات پيروي نمودند و بزودي دچار گمراهي خود ساخته ميشوند (59) مگر آنانکه توبه نموده و ايمان آورده و عمل صالح کنند که آنان داخل بهشت شده و هيچ ظلمي نمي بينند (60) بهشتهاي جاودان که خداي رحمان از غيب به بندگانش وعده داده که وعده او حتمأ شدني است (61) که در آن سخن بيهوده اي نمي شنوند مگر سلامي و در آن رزقشان را صبحگاهان و شبانگاهان خواهند داشت (62) اين بهشتي است که به بندگانمان به ارث ميدهيم، به كساني که تقوادار باشند (63) و سخن فرشتگان هم که مشرکان مدعی الوهیت برخی از آنها هستند این است که ما فرشتگان جز به امر پروردگار نازل نميشويم . آينده و گذشته ما و هر چه بين آنهاست از اوست و پروردگار فراموشکار نيست (64) همان پروردگار آسمانها و زمين و آنچه که بين آنها است ، پس، ای پیامبر! همو را عبادت کن و بر عبادتش پايداري ورز . آيا براي او همتائي ميشناسي؟ (65) و انسان ميگويد آيا وقتيکه مُردم بزودي به حالت زنده بيرون خواهم شد؟ (66) آيا انسان توجه ندارد که ما او را قبلا آفريديم و چيزي نبود؟ (67) پس قسم به پروردگارت که آنها و شياطين را حتمأ گرد آورده و پيرامون جهنم به زانو در خواهيم آورد (68) آنگاه از هر گروهي کسانی را که نسبت به خداوند بيشترين جسارت را داشته اند جدا خواهيم کرد (69) آنگاه خودمان بهتر ميدانيم چه کسي به افتادن در آن سزاوارتر است (70) و هيچيک از شما نيست مگر آنکه نزدیک آن خواهد شد که اين امر بر پروردگارت قضاي حتمي است (71) سپس تقواداران را نجات ميدهيم و ظالمان را به زانو درآورده و در آن واميگذاريم (72) و هنگامي که آيات روشنگر ما را بر آنان بخوانند ، کافران به مومنان ميگويند کدام يک از دو گروه جايگاهي بهتر و محفل نيکوتر دارد؟ (73) و چه فراوان از پيشينيانِ آنها که هلاک کرديم که خوش ساز و برگ تر و با شكوهتر از این مشرکانِ مخالف تو بودند (74) بگو هر که در گمراهي باشد خداوند رحمان به او مهلتي ميدهد تا اينکه آنچه را به او هشدار ميدهد ، خواه عذاب دنيوي باشد يا قيامت، ببیند . در آنصورت خواهد دانست کدامشان بد مکان تر و کم نيروترند (75) و خداوند هدايتِ هدايت يافتگان را زياد مي کند و اعمال صالح ماندگار ، نزد پروردگارت بهتر ، و نتيجه اش هم نيکوتر است (76) نظرت چيست راجع به كسي که به آياتمان کفر ميورزد و ميگويد البته مال و اولاد خواهم يافت؟ (77) آيا برغيب مطلع شده يا از خداوند رحمان تعهدي گرفته است؟ (78) نه! بزودي آنچه را که ميگويد مينويسيم و برعذاب او سخت مي افزائيم (79) و آنچه را ميگويد به ما میرسد و به تنهايي نزد ما ميآيد (80) و بجز خدا، خداياني برگرفتند که مثلا مايه عزتشان شود (81) نه . به زودي همان معبودان نسبت به عبادت آنها منکر خواهند شد و ضد آنها خواهند بود (82) آيا نديدي که شياطين را بر کافران فرستاديم تا از راه بدرشان کنند؟ (83) پس درباره آنان عجله مکن كه حساب كارشان را داريم (84) روزي که تقواداران را با احترام بسوي خداوند محشور کنيم (85) و مجرمان را بسوي جهنم با تشنگي برانيم (86) شفاعتي هم نخواهند داشت مگر اينکه آن شفيع از خداي رحمان اجازه ای داشته باشد (87) و گفتند خداوند رحمان فرزندي برگرفته (88) حقا چيز بدی پيش آورده اند (89) نزديک است آسمانها از آن بدیِ آن قول باطل بپاشد و زمين بشکافد و کوهها خرد شده و فرو ريزند (90) از آن رو که براي خداوند رحمان فرزندي ادعا کرده اند (91) و خداوند را سزا نيست که فرزندي برگيرد (92) جز اين نيست تمام کساني که در آسمانها و زمين هستند به بندگي به درگاه خداوند مي آيند (93) و البته بر آنها احاطه داشته و حساب همگي شان را دارد (94) و همه آنها روز قيامت به تنهايي بسوي او خواهند آمد (95) آنانکه ايمان آورده و عمل صالح کنند بزودي خداوند مِهر آنها را در دلها جاي خواهد داد (96) جز اين نيست که ما آن قرآن را به زبانت آسان کرده ايم که بوسيله آن مومنان را مژده و خيره سران را هشدار دهي (97) و چه بسيار اقوامي را که قبل از آنان هلاک کرده ايم. آيا هيچيك از آنان را مي يابي و يا صدائي از آنان ميشنوي؟ (98)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : مسير صحيح، عبادت پروردگار و دوري از عبادت غير اوست و نكوهش و هشدار به كساني كه مسير غلط را برگزيدند و تحلیلِ مشکل بیشتر كساني كه مسير ناصحيح را برگزيدنداین است که درموضوع آخرت شک دارند و وضع مادّی راملاک حقانیت میدانند و اي پيامبر! به كساني كه به مسير غلط را رفتند بگو ميتوانند مسير خود را اصلاح كنند و ذکر نمونه ای ازعاقبت اخروی هر دو گروه که مسیر صحیح یا غلط را پیمودند و اي پيامبر به گروه اول مژده، و به گروه دوم هشدار ده.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! تو نیز مورد لطف وحمایت ما میباشش و شاید درهمین جهان نیز برخی از آثار آن راببینی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! تونیز(به گونه ای دیگر)همواره موردلطف و تاییدات ما بوده ای واز این پس هم خواهی بود .

در پاراگراف 3 می فرماید : حضرت عیسی فقط بنده خداست ، وبجای خدا قابل عبادت نیست .

در این پاراگراف می فرماید : پس از صالحان ، تدریجا ناصالحان جایگزین شان شدند ورفتارهای ناپسند ازخودبروز دادند ، که نتیجه اش – در دو جهان - دامنگیرشان خواهدشد . اما کسانی که به رفتارصالحان پایبند ماندند سرانجام مطلوب دارند واین حق شان است . و اغلب انسان­ها در موضوع زنده شدن پس از مرگ و حق و باطل در اعتقادیات مشکل دارند ، و چگونگی وضع مادی و موقعیت این جهانی را ملاک حقانیت میدانند . و اینکه ای پیامبر! دقت کن که این کافران هم که کار خلاف می­کنند ، آن کار را با نیروئی که مال خداوند است انجــــام می­دهند ، و ما به آنها هم مهلت و مدد میدهیم که در این جهان – که محل امتحان است – خود رانشان دهند لذا تو نیز با آنان حوصلـه کن ، البته یاری ما نسبت به شما به وقتش خواهد رسید . و راجع به سرانجام این کافران عجله مکن . (شکست یا نابودی آنها را به تعجیل مخواه) و یکی از راه های پیروزی شما این است که تدریجا دوستی تو و پیروانت دردل عده ای از مخالفانت می افتد (و آنها تبدیل به علاقمندانت میشوند) و ای پیامبر ! اسلحه ات این قرآن ، و استراتژیت هشـــدار و مژده است و موفق هم خواهی شد .

**3 - سوالات**

1 – بین دو آیه 63 و 64 کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده ؟

2- فاعل فعل «نتنزّل» (آیه 64 ) کیست ؟

3 - « **إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ** » (آیه75) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

4 - زمان وقوع موضوع نیمه اول آیه 76 ، چه هنگامی است؟

5 – از «والباقیات» تا آخر آیه 76 ، با کدام کلید تفسیر مطابق است؟ و چرا؟

6 – آیه 81 ، با توجه به علوم انسانی فعلی ، بار علمی کدام علم را دارد؟

7 - «شیاطین» (آیه 83) به کدام معنی بکار رفته؟ (لغوی؟ اصطلاحی؟یا ...؟)

8 – منظور از آیه 84 چیست؟ («هم» اشاره به چه کسانی است؟)

9 – با توجه به آیه87 ، از موضوع «شفاعت» چه سابقه ای درسوره های قبلی دارید؟

10- با توجه به آیه87 ، منظور از «عهد» چبست؟

11 – در باره آیه94 ، شرحی بامحوریت «احصاء» و «عدد» بنویسید .

12 – با توجه به آیه 96 یکی از رموز موفقیت – حتی در همین جهان – را ذکر کنید .

13 - منظور از «لدّ» (آیه97) چیست؟

14 - تنوین انتهای کلمه فوق از باب تعظیم است یا تصغیر؟

15 - اشخاص فوق درمیان «سران جامعه» بیشترند یا اشخاص معمولی؟

16 – منظور از «قرن» (آیه98) چیست؟

17 – تنوین «رکزا» (آیه98) از باب تعظیم است یا تصغیر؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 59 فهمیده میشود کلا مردمی که معاصر نزول این آیات بودند اولاد کسانی بودند که نسبت به حفظ میراث معنوی نیاکانشان نه تنها کوشا نبودند بلکه لاقید هم بودند و همین نیز سبب گمراهیی شد که خودشان آن را رقم زده بودند و از آیه 60 فهمیده میشود در بین آنها کسانی که قابلیت اصلاح و هدایت داشتند کم بود .

از آیه 64 فهمیده میشود پیامبر (ص) علاوه بر فرشته وحی گاهی فرشتگان دیگری را نیز ملاقات میکرد و آنها نیز توصیه هایی به او میکرده اند .

از آیه 66 این موضوع فهمیده میشود که قبولِ زنده شدن پس از مرگ ، برای همگان (نه تنها مخالفان فعال ، بلکه حتی کفار معمولی و بلکه حتی مومنین) سخت بوده ، و این موضوع نشان میدهد کار آنحضرت اساسا کار سختی بوده و **مردم نمی** **توانستند مستقیما با تعالیم آنحضرت رابطه برقرار کنند** بلکه می باید با واسطه یک چیز دیگر (مثلا صداقت آنحضرت یا معجزه بودن قرآن یا – چنانکه در آیه بعدی آمده – قدرت مطلق خداوند یا . . ) با تعالیمش رابطه برقرار کنند . و از همینجا است که تعلیل این نکته بدست می آید که چرا مخالفان فعال همه پیامبران دائما این نکته را مطرح میکردند که «اگه راست میگی ، این عذابی رو که مطرح میکنی ، رو سرمون فرود بیار »

آیه 77: آنانکه به ایمان دعوت می­شوند اما آنرا نمی­پذیرند، استدلالشان این است که می­ترسیم به شما بپیوندیم و مورد تحریم اقتصادی واقع شویم و یا مال و اولادمان را از دست دهیم و یا اینکه نتوانیم به مال و اولاد برسیم.( باتوجه به مطالب این آیه چه«حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها»میتوان زد؟)

آیه 78: جواب آنها را به اینصورت می­دهد که از کجا می­دانید این وضعیت دائمی خواهد بود و مؤمنان فقیر و فرودست و کافران غنی و فرادست خواهند ماند؟

آیه­های 79و80 : این طرز تفکر را گناه قلمداد نموده و آن را موجب عذاب اخروی قلمداد می­فرماید.

آیه 81: فهمیده می­شود که چون مؤمنان از افراد فقیر و فرودست جامعه بودند اعتقادات آنها مترادف با سرشکستگی و خفت و خواری و قبول اعتقادات مشرکانه موجب سرافرازی و عزت تلقی میشد .

آیه 84 : میگوید ای پیامبر حوصله کن و انتظار نداشته باش با آنان به عذاب هلاکت برسانیم (وضعشان مانند اقوام سلف نیست)

با توجه به آیه های 85 و 86 معلوم میشود که منظور از مجرمین که در مقابل متقین آورده شده فعالان کفر است و از آیه 87 فهمیده میشود آنها خود را بی نیاز از ایمان آوری میدانسته و فکر میکرده اند تازه اگر آخرتی هم در کار باشد «شفاعت کنندگان» به کمکشان خواهند آمد . و در آیه 96 مومنان را دلگرمی میدهد که بزودی معادلات به نفع آنها تغییر خواهد کرد.

از آیه 97 و مقابله ای که بین « لدّ » و متقی برقرار نموده معلوم میشود که منظور از آن فعالان کفر است که در بطن معنی لغوی خویش مفاهیمی مانند لج و اصرار بیجا و عناد را نیز در خویش دارد .

**5 - کلید های تفسیری**

**پرانتزها :**

آیات 61 تا 63 فرع بر قسمت دوم آیه 60 بوده و لذا فرع بر آن است .

آیه های 64 و 65 پرانتزی است، زیرا اگر چشم خویش را بر آنها

ببندیم و قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست می­شود.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿59﴾ إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُوْلَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿60﴾ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿61﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿62﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَن كَانَ تَقِيًّا ﴿63﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : ضایع کردن نماز و پیرویِ شهوات در جهت مخالفِ جذب الطاف الهی است.**

**2**

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿64﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿65﴾

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : ای پیامبر! گوش به سخن ملائکه بدار و به عبادت خدایت بپرداز و بر آن صبر کن.**

**3**

**وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَئِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿66﴾ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿67﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿68﴾ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿69﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا ﴿70﴾ وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿71﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ﴿72﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : ای پیامبر! فعالان کفر را به حتمیت قیامت و سختیِ کارِ آنان هشدار ده.**

**4**

**وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿73﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ﴿74﴾ قُلْ مَن كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا ﴿75﴾ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿76﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ﴿77﴾ أَاطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿78﴾ كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿79﴾ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿80﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿81﴾ كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿82﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿83﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿84﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا ﴿85﴾ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿86﴾ لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا ﴿87﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : ای پیامبر! وضعِ بهترِ مالی و اجتماعیِ فعالان کفر مهم نیست، حوصله کن، این وضعشان پایدار نیست.**

**5**

**وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ﴿88﴾ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿89﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿90﴾ أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿91﴾ وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿92﴾ إِن كُلُّ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا ﴿93﴾ لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿94﴾ وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا ﴿95﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿96﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : ای پیامبر! تکیه فعالان کفر بر فرزند داشتن خداوند، اصلی ترین خطای فکریِ آنها است.**

**6**

**فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُّدًّا ﴿97﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُم مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿98﴾**

**درس: پيامبران و صالحان مسير صحيح را ميرفتند و خداوند نيز در همين جهان به آنها لطف و بركت عطا فرمود.**

**درب : ای پیامبر! سرمایه اصلیِ تو این قرآن است، و فعالانِ مخالفانت به همانندانِ سلف خویش خواهند پیوست.**

**6 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه 97-المیزان) : غرض اين سوره به طورى كه در آخرش بدان اشاره نموده مى‏فرمايد:" فَإِنَّما یَسَّرْناهُ بِلِسانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْماً لُدًّا ..." بشارت و انذار است،

«هُ» در «یسرناه» - چنانکه در سوره قمر و دخان و جاهای دیگر به وضوح نشان داده شده – به کل قرآن اشاره دارد و نه به این سوره خاص.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

1 - در آیه 66 با بکار بردن کلمه انسان این وعده را میدهد که مخاطب های آنحضرت محصور و منحصر در اهالی مکه نیست بلکه مخاطب های او از مکیان تجاوز نموده و کل جهان انسانیت را پوشش خواهد داد، که البته امروز نسبت به روز نزول این آیات، تحقق قسمت بزرگی از این پیشگوئی را می بینیم.

2 - کلمه «عذاب» در آیه 75 به چه معنی است؟

واضح است که «عذاب آخرت» نمی­تواند باشد زیرا آخرت پس از قیامت است و معنی ندارد اول دومی را بگوید.

با توجه به داستان­های هلاکت اقوام پیشین که در سوره­های این مرحله و مرحله قبل دائماً دارد متعرض آن می­شود کلمه «عذاب» در آیه 75 به معنی «عذاب هلاکت» یا سایر انواع عذاب­هایی است که قبل از قیامت و در همین جهان اتفاق می­افتد.

چون چند سال پس از نزول این آیه کفار در جنگ­های بدر و خندق شکست سختی خوردند و در جنگ احد هم پیروزی به دست نیاوردند، لذا شکست در جنگ­ها و بالاخره تسلیم شدن در روز فتح مکه، مصداق کلمه عذاب فوق­الذکراست و آیه 75 جزء آیات حاوی معجزه قرآنی است.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - مسير صحيح، عبادت پروردگار و دوري از عبادت غير اوست و نكوهش و هشدار به كساني كه مسير غلط را برگزيدند.

2 - تحلیلِ مشکل بیشتر كساني كه مسير ناصحيح را برگزيدنداین است که درموضوع آخرت شک دارند و وضع مادّی راملاک حقانیت میدانند.

3 – توصیه ارشادی به آنحضرت که به كساني كه به مسير غلط رفتند بگو ميتوانند مسير خود را اصلاح كنند و ذکر نمونه ای ازعاقبت اخروی هر دو گروه که مسیر صحیح یا غلط را پیمودند و به گروه اول مژده، و به گروه دوم هشدار ده.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 60 تا 68 و 79 و 82 و 87 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**انسان**

چنانکه قبلا هم بار ها عرض کرده ایم، کلمه «انسان» در اینجا (آیه 66) به معنی «همه انسانها» نیست، بلکه به معنی بیشترِ انسانها است.

**التفات**

آیه 89 جمله «قل لهم» را محذوف به قرینه دارد، زیرا در ابتدا وانتهای آیه مذکور التفات صورت گرفته است.

**فعل خداوند قانونمند است**

توجه به تیتر فوق به فهم بهتر آیه 83 کمک می­کند و شرح بیشتر لازم نیست.

**همراهی و بردن با احترام**

در آیه 85 در دل کلمه «وفد» مفهوم «عزیز داشتن» و احترام نهفته است.

**تحقیر**

در آیه 86 دو کلمه «تشنگی» و «رانده شدن» علاوه بر عذاب، تحقیر را هم می­رساند.

**مردم دوستشان دارند**

معنی آیه 96 این است که خداوند دوستی آنان را در دل مردم قرار می­دهد، اما چون «فعل خداوند قانونمند است»، آیه فوق اینطور مفهوم می­شود که: ایمان و اعمال پسندیده از نظر بسیاری از مردم خویشایند می­باشد و لذا مردم صاحب این پدیده را دوست خواهند داشت.

**آسان نمودن قرآن**

در رابطه با آیه 97 موضوع «آسان نمودنِ قرآن به زبان پیامبر(ص) »را در چندین جای قرآن دیده­ایم و مطلب قابل توجهی است لذا توصیه می­شود بند 1 سوره نجم بطور کامل مجدداً ملاحظه شود و نیز شرحِ همین موضوعِ «ساده» کردن قرآن در سوره­های بلد و دخان و قیامه مجدداً ملاحظه شود.

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیه 67 : در این خصوص در ابتدای سوره دهر، بحثی عرض کردیم.

آیه­های 69 و70 : ملاحظه می­فرمائید که دراینجا نیز نکوهش­های قرآنی متوجه «سران» جوامع است.

آیه 73: وضع فعلی خود را به رخ مؤمنان می­کشند و می­گویند اگر چیزی که نزد شما هست، یعنی همان «آیات روشنگر» چیز بدرد بخوری بود لااقل می­باید این فایده را داشته باشد که وضع مالی و معیشتی شما را بهبود ببخشد و از سطح ما بالاتر ببرد.

آیه 74: جواب آنها را می­دهد که پیشینیان که هلاک شدند، ساز و برگشان، مانع هلاکت آنها نشد.

آیه 71 : «وارد» به معنی «داخل» نیست ، بلکه معنی «نزدیک به محدودهء» را داشته و«ها» به جهنم اشاره میکند .

**جمع بندی و تفسیر**

**ولي پس از آنان جانشيناني جايگزين آنها شدند که نماز را ضايع کردند و از شهوات پيروي نمودند پس بزودي دچار گمراهي خود ساخته ميشوند (59) مگر آنانکه توبه نموده و ايمان آورده و عمل صالح کنند که آنان داخل بهشت شده و هيچ ظلمي نمي بينند (60)** {بهشتهاي جاودان که خداي رحمان از غيب به بندگانش وعده داده که وعده او حتمأ شدني است (61) در آن سخن بيهوده اي نمي شنوند مگر سلامي و در آن رزقشان را صبحگاهان و شبانگاهان خواهند داشت (62) اين بهشتي است که به بندگانمان به ارث ميدهيم، به كساني که تقوادار باشند }(63) **و ما** (فرشتگان) **جز به امر پروردگارت نازل نميشويم . آينده و گذشته ما و هر چه بين آنهاست از اوست و پروردگارت فراموشکار نيست (64) پروردگار آسمانها و زمين و آنچه که بين آندو است ، پس عبادتش کن و بر عبادتش پايداري ورز . آيا براي او همتائي ميشناسي؟ (65)** **و انسان ميگويد آيا وقتيکه مُردم بزودي به حالت زنده بيرون خواهم شد؟ (66) آيا انسان توجه ندارد که ما او را قبلا آفريديم و چيزي نبود؟ (67)** {پس قسم به پروردگارت که آنها و شياطين را حتمأ گرد آورده و پيرامون جهنم به زانو در خواهيم آورد (68) آنگاه از هر گروهي کسانی را که نسبت به خداوند بيشترين جسارت را داشته اند جدا خواهيم کرد (69) آنگاه خودمان بهتر ميدانيم چه کسي به افتادن در آن سزاوارتر است (70) و هيچيک از شما نيست مگر آنکه نزدیک آن خواهد شد که اين امر بر پروردگارت قضاي حتمي است (71) سپس تقواداران را نجات ميدهيم و ظالمان را به زانو درآورده و در آن واميگذاريم}(72) **و هنگامي که آيات روشنگر ما را بر آنان بخوانند ، کافران به مومنان ميگويند کدام يک از دو گروه جايگاهي بهتر و محفل نيکوتر دارد؟ (73) و چه فراوان از پيشينيان آنها هلاک کرديم که خوش ساز و برگ تر و با شكوهتر بودند (74)** **بگو هر که در گمراهي باشد خداوند رحمان به او مهلتي ميدهد تا اينکه آنچه را به او هشدار ميدهد** {خواه عذاب (دنيوي) باشد يا قيامت} **ببیند . در آنصورت خواهد دانست کدامشان بد مکان تر و کم نيروترند(75) و خداوند هدايتِ هدايت يافتگان را زياد مي کند و اعمال صالح ماندگار ، نزد پروردگارت بهتر ، و نتيجه اش هم نيکوتر است (76)** **نظرت چيست راجع به كسي که به آياتمان کفر ميورزد و ميگويد البته مال و اولاد خواهم يافت؟ (77) آيا برغيب مطلع شده يا نزد خداوند رحمان تعهدي گرفته است؟ (78) نه! بزودي آنچه را که ميگويد مينويسيم و برعذاب او سخت مي افزائيم (79)** {و آنچه را ميگويد به ما میرسد و به تنهايي نزد ما ميآيد} (80) **و بجز خدا، خداياني برگرفتند که مثلا مايه عزتشان شود (81)** {نه . به زودي (همان معبودان) به عبادت آنها کافر خواهند شد و ضد آنها خواهند بود (82) آيا نديدي که شياطين را بر کافران فرستاديم تا از راه بدرشان کنند؟}(83) **پس درباره آنان عجله مکن كه حساب كارشان را داريم (84)** **روزي که تقواداران را با احترام بسوي خداوند محشور کنيم (85) و مجرمان را بسوي جهنم با تشنگي برانيم (86)** {شفاعتي نخواهند داشت مگر اينکه (آن شفيع) نزد خداي رحمان عهدي داشته باشد}(87) **و گفتند خداوند رحمان فرزندي برگرفته (88)** {حقا چيز بدی پيش آورده ايد (89) نزديک است آسمانها از آن بپاشد و زمين بشکافد و کوهها خرد شده و فرو ريزند (90) از آن رو که براي خداوند رحمان فرزندي ادعا کرده اند (91) و خداوند را سزا نيست که فرزندي برگيرد (92) جز اين نيست تمام کساني که در آسمانها و زمين هستند به بندگي به درگاه خداوند مي آيند (93) و البته بر آنها احاطه داشته و حساب همگي شان را دارد (94) و همه آنها روز قيامت به تنهايي بسوي او خواهند آمد} (95) **آنانکه ايمان آورده و عمل صالح کنند بزودي خداوند مِهر آنها را در دلها جاي خواهد داد (96)** **جز اين نيست که ما آن** (قرآن) **را به زبانت آسان کرده ايم که بوسيله آن مومنان را مژده و خيره سران را هشدار دهي (97)** {و چه بسيار اقوامي را که قبل از آنان هلاک کرده ايم. آيا هيچيك از آنان را مي يابي و يا صدائي از آنان ميشنوي؟ }(98)

**سوره یوسف**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿1﴾ إِنَّا أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿2﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِن كُنتَ مِن قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿3﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. ل. ر. اين آيات آن کتاب آشکار است (1) آنرا خواندنيي به زبان روشن نازل کرديم شايد تعقل کنيد (2) با اين قران كه به تو وحي كرديم بهترين قصه ها را برايت ميگوئيم و گرچه قبل از آن از بي خبران بودي (3)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : اين قصه اي كه مرور میکنید كاملا حقيقت دارد.**

**2 - سوالات**

1 - «عربی» (آیه 2) به معنی لغوی (= واضح ، روشن ، گویا ، مفهوم) آمده ، یا به معنی اصطلاحی؟

2 – منظور از لعکم تعقلون در همان آیه چیست؟ (یعنی چون مفهوم و روشن و واضح است و طبعا قابل تعقل است تعقل کنید؟ یا . . ؟)

3 - «بما» در آیه 3 ، چه نقش گرامری دارد؟

4 - «اِن» (همان آیه) چطور؟

5 – منظور از کتاب المبین چیست؟

6 – آیا قرآن از کتاب المبین مشتق است؟ یا اینکه قرآن خودش کتاب المبین است؟

7 - قصه یوسف در قرآن چه مشخصات و مختصاتی دارد که آن را به درجه «احسن القصص»ی ارتقاء داده؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

ذیلا در قسمت «شرح مختصر» در این خصوص عرضی کرده ایم ، که نه فقط به قصه حضرت یوسف (ع) بلکه به همه قصه های قرآنی مربوط میباشد .

همچنین از انتهای آیه 3 فهمیده میشود ندانستن بسیاری از چیزها ، برای آنحضرت، مانعی برای رسالتش نبوده ، و همچنین ، موضوع اخیر ، رد کننده آن خرافه است که میگوید پیامبران «بما کان و ما یکون و ما هو کائن» علم دارند .

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 2 کلمه «قرآن» را بکار برده ، در حالیکه هنوز نیمی از قرآن فعلی نیز نازل نشده بود ، و این یک پیشگوئیی است که تلویحا میگوید ای پیامبر! تو موفق خواهی شد رسالتت را به خوبی به اتمام برسانی .

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

«الر» در آیه 1 جزء حروف مقطعه است،و چنانکه قبلا گفته ایم هنوز کاملا رمز گشائی نشده و لذا حتی بشر قرن بیست و یکمی نیز تصور روشنی از مفهوم آن ندارد چه رسد به مخاطب های اولیه.

**6 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

فقط آیه 3 «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**قصه های قرآنی**

این تنها قصه ای است در قرآن که شکل «قصه ایِ کامل» دارد ، هم از کودکی کسی شروع میشود ، و هم مراحل مهم زندگی او را دارد ، و هم «پایان خوشِ» داستانی را.

شاید به همین خاطر باشد که مفسران و مفسر نمایان از آن خیلی خوششان آمده و قرآن را پیشِ روی خویش روی رحل میگذارند ، یا برپله آخر منبر می نشینند ، و تحت عنوان «تفسیر سوره یوسف» به داستان سرایی و خیالبافی و بافتن راست ودروغ (البته یک بیل راست در یک کامیون دروغ) و مطالب مهوع و پرداختن به جزئیات بی ربط (و البته آنها هم تقریبا همه دروغ) و حرکت در مسابقه ای که جایزه اش «خوش خوشانی عوام الناس» است و چیزی که در این میان ضرر نهائی را میکند خود قرآن است که می بیند آنچه آنها آن را «تفسیر سوره یوسف» می نامند هیچ ربطی به «سوره یوسف» ندارد ، و طرف دیگرِ مطلب خدای قرآن است که به قول روضه خوان ها «زبان حال»ش این است که «ما چه فرستاده ایم و اینها که زبده هایشان اند از آن چه می فهمند و چه می فهمانند!»

بر عکسِ قصه یوسف (ع) قصه های موسی (ع) است که از – تقریبا – اول وحی (به ترتیب نزول از سوره اعلی) تا آخر آن (سوره مائده) – تقریبا – همیشه یکی از داستان های موسی هست .

چرا خداوند داستان موسی را نیز مانند قصه یوسف عرضه نکرد؟ مثلا از تولدش تا وفاتش ! (آنهم پیوسته !) و اسمش را هم میتوانست بگذارد سوره موسی ! (خیلی هم به نظر همانها قشنگ میشد!)

**قصه یوسف چیست؟**

برادرانی که بر برادرشان حسد میورزند و تا آنجا پیش می روند که او را بکشند ، تا اینکه یکی شان (که خون پیغمبرزادگی اش به جوش می آید میگوید نه بابا گناه دارد ! چرا بکشیدش؟ توی یک چاهی بیاندازید شاید بعضی ها پیدایش کردند!) و خلاصه اینکه برادرشان را تا حد مرگ می آزارند و او سر از جای دیگر در می آورد و – تقریبا – شاه میشود و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم خم میکنند که بله حق با تو بود و ما خطاکاریم .

آیا داستان پیامبر ما غیر از این بود؟

کسانی که همه جور او را به خوبی می شناختند بارها کمر به قتل او نبستند؟ به انواع راه ها سعی در خاموشی صدایش نکردند؟ تا نهایت امکاناتشان عرصه را بر او و دوستدارانش تنگ نکردند؟

تا اینکه زد و یک طوری شد و او از جایی دیگر سر در آورد و شاه شد و به دار و دیارش برگشت و برادران سابق سر تعظیم و تسلیم فرو آوردند که تو راست میگفتی و ما خطاکاریم .

بله ، داستان های قرآنی (وبطور کلی هر متن قرآنی) آن روزها که داشت نازل میشد به منظور ایجاد سرگرمی نبود ، و ، وامروز هم که قرن ها از نزولش میگذرد ، و فردا هم که قرن های بیشتری از نزولش گذشته خواهد بود ، مفسر را باید به این فکر بیاندازد که چرا خداوند این را فرموده؟

منظور خداوند در آن روز های نزول سوره یوسف این بود که به پیامبر – ص - و مسلمانان بگوید کمی دیگر صبر کنید ، شماهم یوسف وار پیروزمندانه به آنها باز خواهید گشت ولی مانند آنان رفتار نخواهید کرد ، و امروز ، و فردا ، مفسران باید این نکته را بفهمند که منظوری که خداوند در آن روزهای نزول مطالب قرآنی داشت ، را ، کشف کنند و از آن برای «درد»های زمان خودشان «نسخه» ای بپیچند.

و ما ، خوشحالیم که میتوانیم بگوئیم ، سالهای سال است که با تیتر ثابتِ پر تکرار ِ **«حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها»** ، در این تفسیر ، ضمن درک این نکته سعی کرده باشیم این نقش را تا حدّ استعداد ها و امکانات و ظرفیت های خویش ایفا کرده باشیم .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. ل. ر. اين آيات آن کتاب آشکار است (1) آنرا خواندنيي به زبان روشن نازل کرديم شايد تعقل کنيد (2) با اين قران كه به تو وحي كرديم بهترين قصه ها را برايت ميگوئيم و گرچه قبل از آن از بي خبران بودي (3)**

**یوسف2 آیات4تا104**

**إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿4﴾ قَالَ يَا بُنَيَّ لاَ تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلإِنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿5﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿6﴾ لَّقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ ﴿7﴾ إِذْ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿8﴾ اقْتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُواْ مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿9﴾ قَالَ قَآئِلٌ مَّنْهُمْ لاَ تَقْتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿10﴾ قَالُواْ يَا أَبَانَا مَا لَكَ لاَ تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ﴿11﴾ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿12﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُواْ بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿13﴾ قَالُواْ لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿14﴾ فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِ وَأَجْمَعُواْ أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لاَ يَشْعُرُونَ ﴿15﴾ وَجَاؤُواْ أَبَاهُمْ عِشَاء يَبْكُونَ ﴿16﴾ قَالُواْ يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لِّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿17﴾ وَجَآؤُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿18﴾ وَجَاءتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُواْ وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلاَمٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿19﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُواْ فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿20﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لاِمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنِّا لِيُوسُفَ فِي الأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ وَاللّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿21﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿22﴾ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿23﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلا أَن رَّأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاء إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿24﴾ وَاسُتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاء مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوَءًا إِلاَّ أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿25﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَن نَّفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الكَاذِبِينَ ﴿26﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِن الصَّادِقِينَ ﴿27﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿28﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿29﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿30﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلاَّ مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿31﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسَتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ ﴿32﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلاَّ تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿33﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿34﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُاْ الآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ ﴿35﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانَ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿36﴾ قَالَ لاَ يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلاَّ نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَن يَأْتِيكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لاَّ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَهُم بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿37﴾ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَآئِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللّهِ مِن شَيْءٍ ذَلِكَ مِن فَضْلِ اللّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَشْكُرُونَ ﴿38﴾ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿39﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلاَّ أَسْمَاء سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَآؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ أَمَرَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿40﴾ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِن رَّأْسِهِ قُضِيَ الأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿41﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿42﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلاَتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴿43﴾ قَالُواْ أَضْغَاثُ أَحْلاَمٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الأَحْلاَمِ بِعَالِمِينَ ﴿44﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَاْ أُنَبِّئُكُم بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿45﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا لصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلاَتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿46﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِي سُنبُلِهِ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿47﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّا تُحْصِنُونَ ﴿48﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿49﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللاَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿50﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَاْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿51﴾ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللّهَ لاَ يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿52﴾ وَمَا أُبَرِّىءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ مَا رَحِمَ رَبِّيَ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿53﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مِكِينٌ أَمِينٌ ﴿54﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَآئِنِ الأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿55﴾ وَكَذَلِكَ مَكَّنِّا لِيُوسُفَ فِي الأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاء نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاء وَلاَ نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿56﴾ وَلَأَجْرُ الآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿57﴾ وَجَاء إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿58﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلاَ تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَاْ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿59﴾ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلاَ كَيْلَ لَكُمْ عِندِي وَلاَ تَقْرَبُونِ ﴿60﴾ قَالُواْ سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿61﴾ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُواْ بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُواْ إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿62﴾ فَلَمَّا رَجِعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُواْ يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿63﴾ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلاَّ كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿64﴾ وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَاعَهُمْ وَجَدُواْ بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُواْ يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿65﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلاَّ أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿66﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لاَ تَدْخُلُواْ مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُواْ مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللّهِ مِن شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿67﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ اللّهِ مِن شَيْءٍ إِلاَّ حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿68﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَاْ أَخُوكَ فَلاَ تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿69﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿70﴾ قَالُواْ وَأَقْبَلُواْ عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿71﴾ قَالُواْ نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاء بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَاْ بِهِ زَعِيمٌ ﴿72﴾ قَالُواْ تَاللّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿73﴾ قَالُواْ فَمَا جَزَآؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ﴿74﴾ قَالُواْ جَزَآؤُهُ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿75﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاء أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاء أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلاَّ أَن يَشَاء اللّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّن نَّشَاء وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿76﴾ قَالُواْ إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللّهُ أَعْلَمْ بِمَا تَصِفُونَ ﴿77﴾ قَالُواْ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿78﴾ قَالَ مَعَاذَ اللّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلاَّ مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّآ إِذًا لَّظَالِمُونَ ﴿79﴾ فَلَمَّا اسْتَيْأَسُواْ مِنْهُ خَلَصُواْ نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُواْ أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الأَرْضَ حَتَّىَ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿80﴾ ارْجِعُواْ إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُواْ يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلاَّ بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿81﴾ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿82﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللّهُ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿83﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿84﴾ قَالُواْ تَالله تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿85﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿86﴾ يَا بَنِيَّ اذْهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلاَ تَيْأَسُواْ مِن رَّوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لاَ يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللّهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿87﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيْهِ قَالُواْ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَآ إِنَّ اللّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿88﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنتُمْ جَاهِلُونَ ﴿89﴾ قَالُواْ أَإِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَاْ يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيِصْبِرْ فَإِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿90﴾ قَالُواْ تَاللّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿91﴾ قَالَ لاَ تَثْرَيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿92﴾ اذْهَبُواْ بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿93﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلاَ أَن تُفَنِّدُونِ ﴿94﴾ قَالُواْ تَاللّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلاَلِكَ الْقَدِيمِ ﴿95﴾ فَلَمَّا آنجاء الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿96﴾ قَالُواْ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿97﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيَ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿98﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُواْ مِصْرَ إِن شَاء اللّهُ آمِنِينَ ﴿99﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّواْ لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بَي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاء بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاء إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿100﴾ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنُيَا وَالآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿101﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنبَاء الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُواْ أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿102﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿103﴾ وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿104﴾**

**ای پیامبر! آن هنگام را به یاد آر که يوسف به پدرش گفت پدر جان در خواب ديدم يازده ستاره و خورشيد و ماه مرا سجده ميکردند (4) گفت پسرکم خوابت را براي برادرانت تعريف مکن که حيله بزرگي برايت خواهند کرد زيرا که شيطان دشمن آشکار انسان است (5) چنين است که پروردگارت تو را برميگزيند و ازعلمِ معني کردن خوابها به تو خواهد آموخت و نعمتش را بر تو و بر خاندان يعقوب تمام خواهد کرد چنانکه آنرا قبلا بر پدرانت ابراهيم و اسحق نيز تمام کرده که پروردگارت داناي فرزانه است (6) البته درباره يوسف و برادرانش براي پرسشگران آياتي است (7) هنگامي که برادران یوسف در بین خویش میگفتند يوسف و برادرش نزد پدرمان محبوب ترند در حاليکه ما جواناني نيرومند و همدست هستيم ، البته پدرمان درگمراهيي آشکار است (8) تا اینکه بالاخره به اجماع رسیدند که: يوسف را بکشيد يا در زميني دور دست بياندازيد تا توجه پدرتان مخصوص شما باشد و پس از آن اشخاصي شايسته شويد (9) از آن ميان يکي گفت يوسف را نکشيد بلکه او را در قعر چاهي بيفکنيد تا بعضي از كاروانيان او را بيابند ، اگر حتماً کننده آن کار هستيد (10) با چنین تصمیمی نزد پدرشان آمدند و گفتند پدرجان چه ات هست که ما را در مورد يوسف امين نميشماري در حاليکه خير خواهش هستيم؟ (11) فردا با ما بفرستش بگردد و بازي کند و ما بخوبي حفظش خواهيم کرد (12) گفت اگر ببريدش غمگين ميشوم و ميترسم گرگ بخوردش و شما هم غافل باشيد (13) گفتند با وجوديکه جواناني نيرومند هستيم ، اگر گرگ بخوردش که ما زيانکار خواهيم بود (14) بالاخره پدرشان تسلیم شد و یوسف را به آنان واگذاشت و آنگاه كه بردندش و نظرشان را يکي کرده بودند که در قعر چاهي قرارش دهند به یوسف وحي کرديم که نگران مباش و حتماً روزی خبر اين کارشان را به آنان خواهي داد و البته آنها اینک که دارند چنین میکنند شعورشان به جا نیست (15) آنها بالاخره کارشان را کردند و شب هنگام نزد پدرشان آمدند و گريه ميکردند (16) گفتند پدر جان رفتيم و مشغول مسابقه شديم و يوسف را نزد چيزهايمان گذاشته بوديم كه گرگ خوردش و البته تو که باور نمي کني حتي اگر هم راست بگوييم (17) و پيراهنش را با خوني دروغين آوردند. گفت نه بلکه نفس تان کاري را برايتان آراست، و صبر زيباست ، و از خداوند بايد در مورد آنچه که وصف مي کنيد ياري خواست (18) و کارواني آمد و آبيارشان را فرستادند و او دلوش را انداخت گفت مژده ام دهيد که اين پسرکي است و کاروانیان او را بطور پنهاني مايه منفعتي قرار دادند و خداوند به کارشان دانا بود (19) و او را به بهائي ناچيز فروختند و درباره اش بي رغبت بودند (20) و کسي که در مصر او را خريد به زنش گفت جايگاهش را گرامي دار ، چه بسا فايده اي برايمان داشته باشد يا اينکه او را به فرزندي بگيريم ، و چنين بود که يوسف را در آن سرزمين جاي داديم و از علمِ معني کردن خوابها به او آموختيم و خداوند به کارش مسلط است ولي اکثر مردم نميدانند (21) و هنگامي که به رشد خويش رسيد به او حکم و علم داديم و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (22) و آن زن که او در خانه اش بود به نزدش رفت و آمد ميکرد و او را ميخواست تا اينکه درب ها را قفل کرد و گفت معطل چه هستي؟ گفت پناه بر خدا که پروردگار من است . اوست که جايگاهم را نيکو کرده ، البته او کار ظالمان را درست در نمي آورد (23) و آن زن آهنگ او کرد و او هم اگر دلايل پروردگارش رانديده بود آهنگ او ميکرد . چنين بود که بدي و اعمال زشت را از او دور كرديم که او از بندگان خالص ما بود (24) و هر دو به طرف درب دويدند و آن زن پيراهنش را از پشت دريد و شوهر آن زن را دم دريافتند. زن گفت سزاي کسي که به اهل خانه ات خيال بد داشته باشد چيست مگر اينکه زنداني شود يا اينکه عذابي دردناک داشته باشد؟ (25) یوسف گفت او دور و بر و من رفت و آمد ميکرد و مرا ميخواست. و شاهدي از نزديکان آن زن گواهي داد که اگر پيراهنش از جلو پاره شده باشد زن راست ميگويد و او دروغگوست (26) و اگر پيراهنش از پشت پاره شده باشد زن دروغ ميگويد و او از راستگويان است (27) و چون شوهر آن زن ديد که پيراهنش از پشت پاره شده، گفت اين از حيله شما زنهاست که حيله تان بزرگ است (28) اي يوسف از اين موضوع در گذر. و اي زن تو نیز آمرزش بخواه زير ا که خودت از خطا کارا ن بودي (29) و زناني در آن شهر که این موضوع را شنیده بودند گفتند زن آن مقام عاليمرتبه نزد جوانِ برده خويش رفت و آمد ميکند و او را ميخواهد حتما دوستي او فريفته اش کرده و ما او را در گمراهيي آَشکار مي بينيم (30 ) هنگاميکه آن زن توطئه شان را شنيد بسوي آنها فرستاد و براي آنها بالش و پشتي فراهم کرد و بدست هر يک از آنها کاردي داد وبه یوسف گفت بر آنان بيرون درآی . اما هنگاميکه او را ديدند بزرگش داشتند و از میوه ها دست کشیدند و گفتند: خداوندا! اين بشر نيست . اين چيزي جز فرشته اي بزرگوار نيست! (31) آن زن گفت اين همان است که مرا برايش ملامت ميکرديد و من او را خواستم اما او خودداري کرد و اگر آنچه را فرمان ميدهم نکند حتما زنداني خواهد شد و از سرافکندگان خواهد گرديد (32) یوسف گفت پروردگارا ! زندان نزد من خوشتر است از آنچه مرا به آن ميخوانند و اگر توطئه شان را از من نگرداني به آنان متمايل ميشوم و از جاهلان ميگردم (33) و پروردگارش اجابتش کرد و توطئه آنها را از او دور نمود که همو شنواي داناست (34) سپس؛ پس از اينکه نشانه هائي از رفتارهای او که مغایر عادات آن شهر بود از او ديدند، نظرشان عوض شد و تصميم گرفتند تا مدتي زندانيش کنند (35) و همراه با او دو جوان هم در زندان داخل شدند. يکي از آنان گفت خود را به خواب مي بينم که شراب ميسازم و ديگري گفت خود را درخواب مي بينم که بر سر خويش نان حمل ميکنم که پرندگان از آن ميخورند معني آن را بما بگو که ما تو را از نيکوکاران مي بينيم (36) گفت غذايي كه روزيتان است برايتان نمي آيد مگر آنکه قبل از آن معني آنرا به شما گفته باشم . اين از چيزهائي است که پروردگارم به من آموخته زيرا که من دين قومي را که به خداوند ايمان ندارند و به آخرت نيز کافرند ترک کرده ام (37)و پيرو دين پدرانم ابراهيم و اسحق و يعقوب شده ام . ما را نميرسد که با خداوند چيزي را شريک کنيم. اين از فضل خداوند بر ما و بر مردم است وليکن اکثر مردم شکر نمي گزارند (38) اي دو يار زندانيم ، آيا پروردگارانِ متفرق بهتر است يا خداوندِ تکِ قدرتمند؟ (39) شما در دین خویش چيزي را عبادت نمي کنيد مگر نامهائي را که خودتان و پدرانتان نامگذاري کرده ايد که خداوند دليلي براي آن نامگذاريهاي شما نفرستاده. هيچ حکمي درست نيست مگر اینکه از جانب خداوند باشد . فرمان داده که جز او را نپرستيم . اين آن دين پايدار است وليکن اکثر مردم نميدانند (40) اي دو يار زندانيم ، يکي از شما ساقي شراب اربابش خواهد شد و ديگري به دار کشيده ميشود و پرندگان از سرش خواهند خورد . قضاي چيزي که راجع به آن از من نظر خواستيد رانده شده و حتمي است (41) و به آنکه گمان ميکرد نجات خواهد يافت گفت مرا نزد اربابت ياد کن اما شيطان او را به فراموشي انداخت که نزد اربابش يادش کند پس چند سالي در زندان ماند (42) پس از آن سالها ، روزی پادشاه گفت من در خواب مي بينم که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر ميخورند و نيز هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشک مي بينم . اي بزرگان! خوابم را معني کنيد اگر تعبير خواب بلديد (43) گفتند خواب تو مخلوطی از چيزهاي پراکنده و چيزهاي خوشايند است و علمِ تعبير چيزهاي خوشايند را نداريم (44) و يکي از آن دو نفر که نجات يافته بود ناگهان پس از آن مدت یوسف به یادش آمد و و گفت من خبر معني آنرا به شما ميدهم ، مرا نزد یوسف بفرستيد (45) اي يوسف! اي بسيار راستگو! برايمان هفت گاو چاقي را که هفت گاو لاغر ميخورندشان و هفت خوشه سبز و خوشه هاي خشک ديگر را معني کن . تا بسوي آن مردم برگردم تا آنان بدانند (46) گفت هفت سال پشت سر هم بكاريد و آنچه را که درو کرده ايد در همان خوشه اش واگذاريد مگر اندکي را که ميخوريد (47) آنگاه پس از آن ، هفت سالِ سخت مي آيد که آنچه را که براي آن سال ها از پيش قرار داده ايد ميخوريد مگر اندکي را که محفوظ ميداريد (48) آنگاه پس از آن ، سالي مي آيد که مردم فريادرسي ميشوند و فراوانی میشود و در آن زمان مردم در هال رفاه شيره ميوه ها و روغن ميگيرند (49) و پادشاه گفت او را نزد من بياوريد . و هنگامي که آن فرستاده نزدش آمد گفت بسوي اربابت برگرد و از او بپرس قضيه زناني که دستهايشان را پس از دیدن من از کاری که به آن مشغول بودند بازداشته بودند چه بوده که پروردگارم نسبت به توطئه آنها داناست (50) پادشاه زنان را احضار کرد و گفت موضوع شما هنگامي که دور و بر يوسف ميگشتيد و او را مي خواستيد چه بوده؟ گفتند: خدا منزه است. ما هيچ چيز بدي عليه او سراغ نداريم . زن آن عاليمرتبه گفت اينک حق جلوه گر شد . من بودم كه دُور و بَر او مي گشتم و او را مي خواستم و او از راستگويان است (51) یوسف پس از معلوم شدن حقیقت گفت اين براي آن است که شوهر آن زن بداند که مخفیانه خيانتی نکردم و خداوند توطئه خائنان را پيش نمي برد (52) و البته خويش را تبرئه نمي کنم ، زیرا که نفس به بدي فرمان ميدهد ، مگر که خداوند رحم کند و از بدی باز دارد که پروردگارم آمرزگار مهربان است (53) و پادشاه گفت او را نزد من بياوريد تا او را مخصوص خويش کنم ، پس هنگامکيه با او گفتگو كرد ، گفت تو امروز نزد ما صاحب اختيار و اميني (54) گفت مرا مسئول انبارهاي زمين قرارده که نگهباني دانا هستم (55) و چنين بود كه يوسف را در زمين اختيار داديم که هر جا که ميخواست قرارميگرفت. رحمت خويش را به هر کس بخواهيم ميرسانيم و پاداش نيکوکاران را از بين نمي بريم (56) و پاداش آخرت براي کساني که ايمان آورده و تقوا پيشه کرده باشند بهتر است (57) پس از مدتی آن خشکسالی طولانی سر رسید و برادران يوسف آمدند و بر او وارد شدند و او آنها را شناخت و آنها او را نشناختند (58) و وقتي که آنها را با بارهايشان تجهيز کرد گفت آن برادرتان را از نزد پدرتان به نزدم بياوريد. آيا نمي بينيد که پيمانه را کامل ميدهم و بهترين ميزبانم؟ (59) اگر او را برايم نياوريد پيمانه اي نزدم نخواهيد داشت و نزديكم نخواهيد شد (60) گفتند بزودي او را از پدرمان خواهيم ستاند و ما کننده اين کاريم (61) یوسف به جوانان زیر دست خويش گفت کالاهایی را که برای خرید آذوقه با خویش آورده بودند در بارهايشان بگذاريد شايد وقتي به سوي خانواده شان برگردند بشناسندش و شايد بازگردند (62) و هنگاميکه بسوي پدرشان بازگشتند گفتند پدر جان پيمانه را از ما دريغ داشتند پس برادرمان را با ما بفرست تا پيمانه بگيريم و ما نگهدارش خواهيم بود (63) گفت آيا درباره او به شما اعتماد کنم؟ همانطور که نسبت به برادرش اعتماد کردم؟ البته خداوند بهترين نگهداراست و همو مهربان ترینِ مهربانان است (64) و هنگاميکه کالايشان را گشودند و ديدند سرمايه شان بسويشان برگشته ، گفتند پدر جان چه ميخواهيم؟ اين سرمايه مان است که بسوي ما برگشته و خانواده مان را غذا ميدهيم و برادرمان را هم حفظ مي کنيم و پيمانه بزرگتري هم دريافت خواهيم کرد. اين پيمانه کوچک است (65) گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد مگر اينکه وثيقه اي خدائي به من بدهيد که او را باز خواهيد گرداند مگر اينکه مطلب از احاطه شما خارج باشد . پس وقتي که وثيقه شان را دادند گفت خداوند بر آنچه ميگوييم نگهبان است (66) و گفت اي پسرانم از يک درب وارد نشويد بلکه از درهاي مختلف وارد شويد و من نميتوانم درباره خدا مشکلي از شما چاره کنم . جز اين نيست که حکم جز از ناحيه خداوند نيست. بر او توکل ميکنم و هر توکل کننده اي نيز بايد بر او توکل کند (67) و هنگاميکه آنطور که پدرشان گفته بود داخل شدند ، که البته مشکلي را از آنها در مقابل خداوند چاره نميکرد مگر اينکه حاجتي را در دل يعقوب برمي آورد و البته یعقوب با علومي آشنا بود و بر مبنای آن ، آن توصیه را به فرزندان خویش کرده بود ، زیرا که او از برخی از علومی که ما تعلیمش داده بودیم برخوردار بود ، وليکن اکثر مردم نميدانند (68) و هنگاميکه بر يوسف داخل شدند ، برادرش را نزد خويش جاي داد و گفت من برادرت هستم پس درباره آنچه انجام مي بینی ناراحت نشو (69) و هنگاميکه یوسف دستور داد آنها را با کالاهايشان تجهيز کنند جام شاه را در بار برادرش قرار داد سپس اعلام كننده اي فرياد زد که اي کاروانيان شما دزد هستید (70) آنها برگشتند و به ماموران گفتند دنبال چه ميگرديد (71) گفتند جام پادشاه را جستجو مي کنيم و هر کس که آنرا بياورد بار شتري خواهد داشت و ما ضامن آنيم (72) گفتند بخدا ميدانيد که ما براي فساد در زمين نيامده ايم و ما سارق نيستيم (73) گفتند اگر دروغ گفته باشيد سزايش چيست (74) گفتند سزايش اين است که هر کس که آن دربارش پيدا شد خودش جايزه اش است. ما ظالمان را چنين سزا ميدهيم (75) پس در ابتدا بار آنها را گشتند سپس بارهاي برادر یوسف را و آن را از بار او بيرون کشيدند . چنين به يوسف راه نشان داديم . او را نميرسيد که برادرش را طبق قانون پادشاه بگيرد مگر اينکه خدا بخواهد. درجه هر کس را که بخواهيم بالا ميبريم و بالاتر از هر دانائي داناتري هست (76) سایر برادران یوسف که خیلی ناراحت بودند گفتند اگر اودزديده ، تعجبي ندارد زيرا برادري داشته که اوهم ميدزديده. پس يوسف اين را در دل خويش پنهان داشت و به رويشان نياورد و گفت بلکه شما بدتريد و خداوند نسبت به آنچه ميگوئيد داناتر است (77) گفتند اي بزرگوار ! او پدر پيري دارد. يکي از ما را جاي او بگير که ما تو را از نيکوکاران مي بينيم (78) گفت پناه بر خدا که ما کسي را غير از آنکه متاع خويش را نزدش يافته ايم بازداشت کنيم که در آنصورت از ظالمان خواهيم بود (79) پس هنگاميکه مأيوس شدند با هم خلوت کردند و راز ميگفتند و بزرگترينشان گفت آيا نميدانيد که پدرتان از شما وثيقه اي خدائي گرفته و قبلا هم درباره يوسف چه کوتاهيي کرديد؟ من از اين سرزمين خارج نخواهم شد مگر اينکه پدرم اجازه ام دهد يا خدا درباره ام حکم کند و همو بهترين حاکمان است (80) سوي پدرتان باز گرديد و بگوييد پدرجان! پسرت سرقت کرده و ما جز به آنچه ميدانستيم گواهي نداديم و از غيب نيز آگاه نيستيم (81) از آن شهري که در آن بوديم تحقيق کن و نيز از کارواني که با آنان آمديم و ما راست میگوئیم (82) گفت بله نفس تان برايتان چيزي را آراسته. و صبر زيباست . چه بسا که خداوند همگي آنها را بسويم بياورد که او خودش داناي پر حکمت است (83) و از آنها روي گرداند و گفت اي افسوس بر يوسف و از شدت اندوه چشمهايش نابينا شد و خشم خود را فرو ميخورد (84) گفتند بخدا آنقدر ياد يوسف مي کني که سخت بيمار شوي يا به هلاکت بيفتي (85) گفت جز اين نيست که شکايت غم و اندوه خويش را فقط به خدا مي برم و از خدا چيزي ميدانم که شما نميدانيد (86) اي فرزندانم برويد و يوسف و برادرش را جستجو کنيد و از لطف خدا مأيوس نباشيد که جز کافران از لطف او مأيوس نميشوند (87) پس هنگاميکه آنان دگر باره بر یوسف داخل شدند ، گفتند اي بزرگوار به ما و خانواده مان ناراحتي رسيده و با سرمايه اي ناچيز آمده ايم پس پيمانه کامل به ما بده و بر ما تصدق کن که خداوند تصدق کنان را پاداش ميدهد (88) گفت آيا دانستيد با يوسف و برادرش چه کرديد آن هنگام که جاهل بوديد (89) گفتند آيا تو خودت همان يوسفي؟ گفت من يوسفم و اين هم برادرم است . البته که خداوند بر ما منت گذاشت زيرا که هر کس که تقوا و صبر پیشه کند خداوند نيز پاداش نيکوکاران را ضايع نخواهد گذاشت (90) گفتند به خدا که خودش تو را از بين ما برگزيده و ما البته خطا کار بوده ايم (91) گفت امروز هنگام رسيدگي به کارتان نيست خداوند مي بخشدتان و همو مهربانترين است (92) با اين پيراهنم برويد و آنرا بر صورت پدرم بيندازيد بينا خواهد شد و آنگاه تمام خانواده تان را دسته جمعي بسويم بياوريد (93) و هنگاميکه آن کاروان راه افتاد پدرشان گفت من بوي يوسف را احساس مي کنم اگر مرا کم خرد نشماريد (94) گفتند به خدا که در همان گمراهي سابقت هستي (95) اما هنگاميکه مژده دهنده آمد و آنرا بر صورتش انداخت بينا گشت و گفت آيا به شما نگفتم که از خدا چيزهائي ميدانم که شما نميدانيد (96) گفتند اي پدر براي گناهمان استغفار کن که ما خطاکار بوديم (97) گفت بزودي از پروردگارم برايتان استغفار خواهم کرد که او آمرزگار مهربان است (98) پس هنگاميکه بر يوسف وارد شدند والدينش را به نزد خويش جاي داد و گفت داخل مصر شويد و به خواست خدا در ايمني باشيد (99) و والدين خويش را بر تخت نشاند و آنها به سجده افتادند و او گفت پدرم ، اين معني خواب قبلي من است که پروردگارم آنرا راست درآورد و البته به من وقتي از زندان نجاتم داد و شما را از بيابان نزدم آورد ، پس از آنکه شيطان بين من و برادرانم را بهم زده بود احسان کرد البته پروردگارم درباره آنچه بخواهد دقيق است که او خودش داناي پر حکمت است (100) پروردگارا! چيزي از پادشاهي بمن دادي و چيزي از معني کردن خوابها بمن آموختي. اي خالق آسمانها و زمين تو در دنيا و آخرت سرپرستم هستي مرا تسليم حق بميران و با صالحان همراهم کن (101) اين از خبرهاي غيبي است که بسويت وحي کرديم. تو درآن هنگام که درباره کارشان همرأي شده بودند و حيله ميکردند نزدشان نبودي (102) و اکثر مردم ايمان نمي آورند حتي اگر خيلي هم دلت بخواهد (103) تو درباره آن رسالت مزدي از آنها نميخواهي . آن جز پندي براي جهانيان نيست (104)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! قصه ای را که برایت می گوئیم ، صرفا یک قصه صِرف نیست ، بلکه از وحی است و لذا عین حقیقت است .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! درمقایسه داستان یوسف با داستان توشباهت عجیبی هسـت ، که اگرپیروانت شبیه سازی کنند و متوجه آن شوند دلگرم ترخواهند شد .

**3 - سوالات**

خلاصه داستان یوسف این است که او مورد کینه برادرانش بود بطوریکه حتی میخواستند بکشندش و او را از دار و دیارش راندند اما خداوند او را - چون بنده صالحی بود- بزرگ ، و بر همان برادرانش سرور کرد و آنها هم به سروری او معترف شدند . بعـدا پیامبر- ص- هم همینطور شد و نسبت به قریش که قصد جانش راداشتند به ســروری رسید . اینک سوال این است که :

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (دلداری به پیامبر- ص-؟ نکوهش کـــافران؟ تشویق مومنان؟ یا.....؟)

2- از مطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3- اگر میخواستیم از تیتر«خواست خداوند قانونمند است» استفاده کنیم ، می باید زیرکدام کلمات را خط بکشیم؟

4 – در این پاراگراف درکجاها موضوع کدام کلیدهای فهم قرآن اتفاق افتاده است؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

به نظر میرسد در اوان نزول این سوره ، آنحضرت و پیروانش ، تلخ ترین ایام را میگذرانده اند و از همه طرف تیرهای بلایا و ناخوشایندی ها به طرفشان می باریده و از اعماق قلوبشان این سوال بطرف آسمان میرفته که : ای خدا! پس کی میشود که یک کمی اوضاع مان مطلوب تر شود؟ که به عنوان آبی بر آتش دل های سوخته شان ، این سوره نازل شده است .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** : (آیه 51) -(المیزان) : " وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هذا وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ" ضمير" اليه" به يوسف برمى‏گردد و ظاهر كلمه" وحى" اين است كه وحى نبوت است،

خطای واضح ! این وحی از نوع «واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه . . » است و با آیه 22 نیز تعارض دارد که گویای این است که وحی نبوت به او پس از رسیدن یوسف به بلوغ و رشد جسمانی و عقلانی واقع شد .

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در این پاراگراف و با ذکر این داستان عجیب تلویحا به آنحضرت و یارانش وعده میدهد که اوضاع و احوال شما چنان در جهت مطلوب تان دگر گون خواهد شد که مانند یوسف بر آنها غالب خواهید شد و آنها عذرخواه تان خواهند شد . و البته چنانکه همگان میدانند ، این پیشگوئی نیز به تحقق پیوست .

**7 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی و . . . :**

در ابتدای آیه 10 «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته،

همچنین در ابتدای آیه 15،

نیز در ابتدای آیه 16،

در آیه 26 کلمه «شاهد» به معنی رایج (یعنی به معنی گواه و ناظر) بکار نرفته، بلکه معنی کلمه مذکور در اینجا تحلیلگر و کارآگاه و امثال آن است.

در ابتدای آیه 29 تغییر مخاطب (التفات) صورت گرفته، و طبعا برای برگشتن به روال روائی در ابتدای آیه 30 نیز .

آیات 37 تا 40 پرانتزی هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را به آنها ببندیم و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته میشود.

در ابتدای آیه 43 «واگذاری به مخاطب» صورت گرفته،

همچنین است در ابتدای آیه 44،

در ابتدای آیه 46 ، هم واگذاری به مخاطب و هم تغییر مخاطب صورت گرفته،

در ابتدای آیه 50 واگذاری به مخاطب صورت گرفته،

همچنین در ابتدای آیه 51،

آیه های 52 و 53 پرانتزی است، به همان دلیلی که کمی بالاتر گفته ایم.

دو سوم آخر آیه 76 پرانتزی است، به همان دلیلی که گفتیم.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿4﴾ قَالَ يَا بُنَيَّ لاَ تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَى إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلإِنسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿5﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿6﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : نشانه های مومنِ با تقوا بودنِ آتیِ یوسف در کودکی او نیز کم کم ظاهر میشد.**

**2**

**لَّقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ ﴿7﴾ إِذْ قَالُواْ لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَى أَبِينَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿8﴾ اقْتُلُواْ يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُواْ مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿9﴾ قَالَ قَآئِلٌ مَّنْهُمْ لاَ تَقْتُلُواْ يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿10﴾ قَالُواْ يَا أَبَانَا مَا لَكَ لاَ تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ﴿11﴾ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿12﴾ قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُواْ بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿13﴾ قَالُواْ لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿14﴾ فَلَمَّا ذَهَبُواْ بِهِ وَأَجْمَعُواْ أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لاَ يَشْعُرُونَ ﴿15﴾ وَجَاؤُواْ أَبَاهُمْ عِشَاء يَبْكُونَ ﴿16﴾ قَالُواْ يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لِّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿17﴾ وَجَآؤُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿18﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : یکی از مشکلات مهم مومنان با تقوا نزدیکانِ حسودشان است که توطئه های سهمگین میکنند.**

**3**

**وَجَاءتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُواْ وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلاَمٌ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً وَاللّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿19﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُواْ فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿20﴾ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لاِمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنِّا لِيُوسُفَ فِي الأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ وَاللّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿21﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿22﴾ وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿23﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلا أَن رَّأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاء إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿24﴾ وَاسُتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاء مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوَءًا إِلاَّ أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿25﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَن نَّفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الكَاذِبِينَ ﴿26﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِن الصَّادِقِينَ ﴿27﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِن كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿28﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿29﴾ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿30﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلاَّ مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿31﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسَتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ ﴿32﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلاَّ تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿33﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿34﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُم مِّن بَعْدِ مَا رَأَوُاْ الآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ ﴿35﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : خداوند توطئه های سهمگین حسوادانِ نزدیک را به شرایطی که متضمن موفقیت باشد تبدیل میکند.**

**4**

**وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانَ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿36﴾** قَالَ لاَ يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلاَّ نَبَّأْتُكُمَابِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَن يَأْتِيكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لاَّ يُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَهُم بِالآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿37﴾ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَآئِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَن نُّشْرِكَ بِاللّهِ مِن شَيْءٍ ذَلِكَ مِن فَضْلِ اللّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَشْكُرُونَ ﴿38﴾ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿39﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِهِ إِلاَّ أَسْمَاء سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَآؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ أَمَرَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿40﴾ **يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِن رَّأْسِهِ قُضِيَ الأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿41﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِندَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿42﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : مومنانِ با تقوا در هر حالتی، چه رفاه و چه سختی، کاری را که به نظرشان درست است میکنند.**

**5**

**وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلاَتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ ﴿43﴾ قَالُواْ أَضْغَاثُ أَحْلاَمٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الأَحْلاَمِ بِعَالِمِينَ ﴿44﴾ وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَاْ أُنَبِّئُكُم بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿45﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا لصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنبُلاَتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَّعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿46﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُوهُ فِي سُنبُلِهِ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿47﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلاَّ قَلِيلاً مِّمَّا تُحْصِنُونَ ﴿48﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِن بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿49﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللاَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿50﴾ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدتُّنَّ يُوسُفَ عَن نَّفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِن سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَاْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿51﴾** ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللّهَلاَ يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿52﴾ وَمَا أُبَرِّىءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ مَا رَحِمَ رَبِّيَ إِنَّ رَبِّي غَفُورٌرَّحِيمٌ ﴿53﴾ **وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مِكِينٌ أَمِينٌ ﴿54﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَآئِنِ الأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿55﴾ وَكَذَلِكَ مَكَّنِّا لِيُوسُفَ فِي الأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاء نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاء وَلاَ نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿56﴾ وَلَأَجْرُ الآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿57﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : کم کم صبر و استقامت مومنان با تقوا نتیجه میدهد و دیگران متوجهِ حقیقتِ مربوط به آنان میشوند.**

**6**

**وَجَاء إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُواْ عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿58﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلاَ تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَاْ خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿59﴾ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلاَ كَيْلَ لَكُمْ عِندِي وَلاَ تَقْرَبُونِ ﴿60﴾ قَالُواْ سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿61﴾ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُواْ بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انقَلَبُواْ إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿62﴾ فَلَمَّا رَجِعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُواْ يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿63﴾ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلاَّ كَمَا أَمِنتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِن قَبْلُ فَاللّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿64﴾ وَلَمَّا فَتَحُواْ مَتَاعَهُمْ وَجَدُواْ بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُواْ يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿65﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلاَّ أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿66﴾ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لاَ تَدْخُلُواْ مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُواْ مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللّهِ مِن شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿67﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ اللّهِ مِن شَيْءٍ إِلاَّ حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿68﴾ وَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَاْ أَخُوكَ فَلاَ تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿69﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿70﴾ قَالُواْ وَأَقْبَلُواْ عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿71﴾ قَالُواْ نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاء بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَاْ بِهِ زَعِيمٌ ﴿72﴾ قَالُواْ تَاللّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿73﴾ قَالُواْ فَمَا جَزَآؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ﴿74﴾ قَالُواْ جَزَآؤُهُ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿75﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاء أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاء أَخِيهِ** كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلاَّ أَن يَشَاء اللّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّن نَّشَاء وَفَوْقَ كُلِّذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ **﴿76﴾ قَالُواْ إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللّهُ أَعْلَمْ بِمَا تَصِفُونَ ﴿77﴾ قَالُواْ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿78﴾ قَالَ مَعَاذَ اللّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلاَّ مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ إِنَّآ إِذًا لَّظَالِمُونَ ﴿79﴾ فَلَمَّا اسْتَيْأَسُواْ مِنْهُ خَلَصُواْ نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُواْ أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الأَرْضَ حَتَّىَ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿80﴾ ارْجِعُواْ إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُواْ يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلاَّ بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿81﴾ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿82﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللّهُ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿83﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : کم کم وضع زمانه برای آنان بهتر شده و ثروت و قدرت هم میرسد آنها موفق میشوند در سطح وسیع تری کارهای نیک خویش را پیگیر باشند.**

**7**

**وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿84﴾ قَالُواْ تَالله تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿85﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿86﴾ يَا بَنِيَّ اذْهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلاَ تَيْأَسُواْ مِن رَّوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لاَ يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللّهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿87﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَيْهِ قَالُواْ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَآ إِنَّ اللّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿88﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُم مَّا فَعَلْتُم بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنتُمْ جَاهِلُونَ ﴿89﴾ قَالُواْ أَإِنَّكَ لَأَنتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَاْ يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيِصْبِرْ فَإِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿90﴾ قَالُواْ تَاللّهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿91﴾ قَالَ لاَ تَثْرَيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿92﴾ اذْهَبُواْ بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿93﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : لطف و توجه خاص خداوند باز هم ادامه می یابد.**

**8**

**وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلاَ أَن تُفَنِّدُونِ ﴿94﴾ قَالُواْ تَاللّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلاَلِكَ الْقَدِيمِ ﴿95﴾ فَلَمَّا آن جاء الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿96﴾ قَالُواْ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿97﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيَ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿98﴾ فَلَمَّا دَخَلُواْ عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُواْ مِصْرَ إِن شَاء اللّهُ آمِنِينَ ﴿99﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّواْ لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بَي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاء بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاء إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿100﴾ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن تَأْوِيلِ الأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنُيَا وَالآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿101﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب :** **لطف و توجه حضرت حق کامل میشود.**

**9**

**ذَلِكَ مِنْ أَنبَاء الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُواْ أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿102﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿103﴾ وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿104﴾**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات و مايه موفقيتشان مي شود.**

**درب : ای پیامبر! دور نیست که** **چنین لطف و توجهی برای تو نیز کامل شود.**

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 64 به علت وجود جمله فوق العاده مشهور «فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین» در آن، جزء آیات برجسته این پاراگراف است.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

البته مطلب فوق تکراری به نظر میرسد . اما در حقیقت ، ما داریم با ذکر شواهد ، آن شبهه ای را که میگوید فهم امروز خیلی با فهم معاصرانِ نزول آیات تفاوت دارد ، را رد میکنیم .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

پیام امید و دلگرمی و دلداری به آنحضرت و پیروانش که به زودی ایام به کام خواهید شد .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**دروغ خیلی آبکی و واکنش ضعیف در مقابلش**

از آیه 17 فهمیده میشود که خودشان هم میفهمیدند داستانی که سر هم کرده اند قابل پذیرش نیست.

واکنش یعقوب نبی (ع) راجع به موضوع خیلی ضعیف بود، بجای اینکه بگوید سرصحنه برویم و رد پای گرگ ادعائی و کشمکش کودک و امثال این نوع شواهد را جستجو کند اکتفا کرد به اینکه بگوید صبر زیباست و شماها کاری کرده ایدها و . .

ظاهرا از طرق خاص انبیاء خبری داشته.

در آیه 83 نیز همین رفتارِ بی اهمیت انگارانه و لاقیدانه را مجددا (مجددا و تقریبا پس از 30 سال) می بینیم همان فصبر جمیل و همان سولت لکم انفسکم امرا و بیانش نیز طوری است که گوئی مطمئن است که یوسف زنده است، زیرا بعدا میگوید بروید دنبال یوسف و برادرش بگردید.

**در آیه 20 فاعل چه کسی (کسانی) است؟**

در جواب باید گفت فاعل نمیتواند اهل کاروان باشد، زیرا آنها آن کودک را «ثروت»ی تلقی کرده بودند.

لذا توضیح مطلب این میشود که برادران یوسف دورادور کشیک میکشیدند که عاقبت کار او چه میشود و وقتیکه دیدند اهل کاروان او را پیدایش کرده اند برای اینکه مانع کارهای احتمالی آنها برای رساندن کودک به خانواده اش شوند او را به پشیزی به آنها فروختند.

**خواب و تعبیر خواب**

در رابطه با آیه 43 در این سوره سه نوع «خواب» معرفی شده است:

1- رویا (خواب)،

2- احلام (چیزهای خوشایند)،

3- اضغاث (پراکنده)

«رویا» خوابهای دارای معنی و تعبیر است که مثلاً یکی از آنها همین خواب حضرت یوسف است که دیده بود یازده ستاره و خورشید و ماه بر او سجده می­کردند. یا خواب حضرت ابراهیم که دیده بود پسرش اسمعیل را ذبح می­کند یا خواب پیامبر(ص) که دیده بود حج بجا می­آورد.

از مشخصات این نوع خوابها این است که جزئیات صحنه و سکانس معلوم نیست، و صحنه و سکانس یک حالت سوررئالیستی دارد، و در این نوع خوابها فقط موضوع موردنظر مطرح است و جزئیات دیگر وجود ندارد. و از این نوع خوابها که دارای معنی است بسیاری از اشخاص صالح دیده­اند و چیز نادری نیست.

«احلام» خوابهایی است که آدمی در جهت رسیدن به رفع نیازهای جسمی و روحی خویش می­بیند،

مثلاً آدم گرسنه، سفره رنگین و پسر جوان، صحنه­های جنسی می­بیند، و گاهی هم محتلم می­شود، همین کلمه «محتلم» با کلمه «احلام» همریشه است، و اینکه گفته شده «شتر در خواب بیند پنبه دانه» در همین جهت و به همین معنی است.

از مشخصات چنین خوابهایی این است که صحنه و سکانس مطلب با تمام جزئیاتش واضح است.

«اضغاث» خوابهای پراکندهء بکلی بی­معنی است، مثلاً از نوع خوابهائی که آدمی پس از پرخوری می­بیند.

**چند دریافت مستقیم و کوتاه**

آیه 35: «نشانه­ها»ی مورد بحث، باید چیزهائی بوده باشد از قبیل اعتقاد به توحید و تبلیغ آن و مخالفت با دین شرک آنها و عدالتخواهی و اعتراض به مظالم جاری، و اینها باید سبب زندانی شدن او شده باشد نه توطئه آن زنان که در آیه­های 33 و 34 اشاره شده.

آیه 42: ساده­ترین توضیحِ مطلب این است که او هر که بوده یکنوع «مجرم سیاسی» بوده. و شفاعت یکنفر «برده» (که پائین­ترین موقعیت اجتماعی را دارد) برای یک «مجرم سیاسی» کار آسانی نیست و متضمن خطراتی برای شفیع است لذا آن شخص خود را «خودسانسوری» کرد و بالاخره هم کاملاً فراموشش شد.

نقش شیطان آن بود که او را به از دست دادن موقعیتش و زحماتی که در آنصورت به آن دچار میشد ترساند تا اینکه موفق شد او را بطور کامل بفراموشاند.

آیه 45: این «یادآوریِ» آن شخص در اینجا کاملاً موجه است، زیرا یادآوری قبل از این مطلب، «شفاعت از یک مجرم سیاسی» تلقی می­شد و برای او نوعاً ناخوشایند بود اما حالا یک «خوش خدمتی» است وبرای او کاملاً مطلوب است.

آیه 49: کلمه­ای که در آیه آمده «یُغاثُ» است که هم به معنی «فریادرسی می­شوند» و هم به معنی «بارانده می­شوند» است و چون باران از آسمان می­آید، گویی که خداوند فریاد ناراحتی مردمِ هفت سال خشکسالی کشیده را شنیده، و برایشان باران فرستاده باشد، که فی­نفسه، هم معنی لغوی رایجی است و هم لطیف است، در ترجمه ترجیح داده شد. گرچه دومی هم صحیح است و هر دو هم بالاخره به یک معنـــی می­رساند.

آیه­های 52و53 : اینها گفتار یوسف است نه آن زن.

آیه 66: وثیقه موردنظر باید قاعدتاً «قسم» یا «تعهد اخلاقی» بوده باشد.

آیه­های 67و68 : یعنی «به چشم نیائید» (و به اصطلاح امروز «چراغ خاموش» بروید)

آیات 70تا76 : روش یوسف از آنجا که یک «حق انتقام» به گردن آنها داشت موجه است.

**جمع بندی و تفسیر**

**آن هنگام که يوسف به پدرش گفت پدر جان در خواب ديدم يازده ستاره و خورشيد و ماه مرا سجده ميکردند (4) گفت پسرکم خوابت را براي برادرانت تعريف مکن که حيله بزرگي برايت خواهند کرد زيرا که شيطان دشمن آشکار انسان است (5) چنين است که پروردگارت تو را برميگزيند و ازعلمِ معني کردن خوابها به تو خواهد آموخت و نعمتش را بر تو و بر خاندان يعقوب تمام خواهد کرد چنانکه آنرا قبلا بر پدرانت ابراهيم و اسحق نيز تمام کرده که پروردگارت داناي فرزانه است (6) البته درباره يوسف و برادرانش براي پرسشگران آياتي است (7) هنگامي که** (در بین خود) **گفتند يوسف و برادرش نزد پدرمان محبوب ترند در حاليکه ما جواناني نيرومند و همدست هستيم. البته پدرمان د رگمراهيي آشکار است (8)** [بالاخره به اجماع رسیدندکه:] **يوسف را بکشيد يا در زميني** (دور دست) **بياندازيد تا توجه پدرتان مخصوص شما باشد و پس از آن اشخاصي شايسته شويد (9) از آن ميان يکي گفت يوسف را نکشيد بلکه او را در قعر چاهي بيفکنيد تا بعضي از كاروانيان او را بيابند ، اگر حتماً کننده آن کار هستيد (10)** [با چنین تصمیمی نزد پدرشانآمدند و] **گفتند پدرجان چه ات هست که ما را در مورد يوسف امين نميشماري در حاليکه خير خواهش هستيم؟(11) فردا با ما بفرستش بگردد و بازي کند و ما بخوبي حفظش خواهيم کرد (12) گفت اگر ببريدش غمگين ميشوم و ميترسم گرگ بخوردش و شما هم غافل باشيد (13) گفتند با وجوديکه جواناني نيرومند هستيم ، اگر گرگ بخوردش که ما زيانکار خواهيم بود (14)** [بالاخره پدرشان تسلیم شد و یوسف را به آنان واگذاشت] **آنگاه كه بردندش و نظرشان را يکي کرده بودند که در قعر چاهي قرارش دهند به او وحي کرديم که حتماً خبر اين کارشان را به آنان خواهي داد و** (در حالیکه) **آنها متوجه نباشند (15)** [آنها کارشان را کردند] **و شب هنگام نزد پدرشان آمدند و گريه ميکردند (16) گفتند پدر جان رفتيم و مشغول مسابقه شديم و يوسف را نزد چيزهايمان گذاشته بوديم كه گرگ خوردش و البته تو که باور نمي کني حتي اگر هم راست بگوييم (17) و پيراهنش را با خوني دروغين آوردند. گفت** (نه) **بلکه نفس تان کاري را برايتان آراست . و صبر زيباست. و از خداوند بايد در مورد آنچه که وصف مي کنيد ياري خواست (18) و کارواني آمد و آبيارشان را فرستادند و او دلوش را انداخت گفت مژده ام دهيد که اين پسرکي است و او را بطور پنهاني مايه منفعتي قرار دادند و خداوند به کارشان دانا بود (19) و او را به بهائي ناچيز فروختند و درباره اش بي رغبت بودند (20) و کسي که در مصر او را خريد به زنش گفت جايگاهش را گرامي دار ، چه بسا فايده اي برايمان داشته باشد يا اينکه او را به فرزندي بگيريم. و چنين بود که يوسف را در** (آن) **سرزمين جاي داديم و از علمِ معني کردن خوابها به او آموختيم و خداوند به کارش مسلط است ولي اکثر مردم نميدانند (21) و هنگامي که به رشد خويش رسيد به او حکم و علم داديم و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (22) و آن زن که او در خانه اش بود به نزدش رفت و آمد ميکرد و او را ميخواست تا اينکه درب ها را قفل کرد و گفت معطل چه هستي؟ گفت پناه بر خدا** {که پروردگار من است . جايگاهم را نيکو کرده. البته او کار ظالمان را درست در نمي آورد} (23)  **و آن زن آهنگ او کرد و او هم اگر دلايل پروردگارش رانديده بود آهنگ او ميکرد . چنين بود که بدي و اعمال زشت را از او دور كرديم که او از بندگان خالص ما بود (24) و هر دو به طرف درب دويدند و آن زن پيراهنش را از پشت دريد و شوهر آن زن را دم دريافتند. زن گفت سزاي کسي که به اهل خانه ات خيال بد داشته باشد چيست مگر اينکه زنداني شود يا اينکه عذابي دردناک داشته باشد؟(25)** (یوسف) **گفت او دور و بر و من رفت و آمد ميکرد و مرا ميخواست. و شاهدي از نزديکان آن زن گواهي داد که اگر پيراهنش از جلو پاره شده باشد زن راست ميگويد و او دروغگوست (26) و اگر پيراهنش از پشت پاره شده باشد زن دروغ ميگويد و او از راستگويان است (27) و چون ديد که پيراهنش از پشت پاره شده،گفت اين از حيله شما زنهاست که حيله تان بزرگ است (28) اي يوسف از اين موضوع در گذر. و اي زن تو نیز آمرزش بخواه زير ا که خودت از خطا کارا ن بودي (29) و زناني در آن شهر گفتند زن آن مقام عاليمرتبه نزد جوان** (برده) **خويش رفت و آمد ميکند و او را ميخواهد حتما دوستي او فريفته اش کرده و ما او را در گمراهيي آَشکار مي بينيم (30) پس هنگاميکه توطئه شان را شنيد بسوي آنها فرستاد و براي آنها بالش و پشتي فراهم کرد و بدست هر يک از آنها کاردي داد و**(به یوسف) **گفت بر آنان بيرون شو. اما هنگاميکه او را ديدند بزرگش داشتند و دستهاي خويش قطع کردند و گفتند: خداوندا ! اين بشر نيست . اين چيزي جز فرشته اي بزرگوار نيست!(31)** (آن زن) **گفت اين همان است که مرا برايش ملامت ميکرديد و من او را خواستم اما او خودداري کرد و اگر آنچه را فرمان ميدهم نکند حتما زنداني خواهد شد و از سرافکندگان خواهد گرديد (32)** (یوسف) **گفت پروردگارا ! زندان نزد من خوشتر است از آنچه مرا به آن ميخوانند و اگر توطئه شان را از من نگرداني به آنان متمايل ميشوم و از جاهلان ميگردم (33) و پروردگارش اجابتش کرد و توطئه آنها را از او دور نمود که همو شنواي داناست (34) سپس؛ پس از اينکه نشانه هائي** (از رفتارهای او که مغایر عادات آن شهر بود از او) **ديدند، نظرشان عوض شد و تصميم گرفتند تا مدتي زندانيش کنند (35) و همراه با او دو جوان هم در زندان داخل شدند. يکي از آنان گفت خود را** (به خواب) **مي بينم که شراب ميسازم و ديگري گفت خود را** (درخواب) **مي بينم که بر سر خويش نان حمل ميکنم که پرندگان از آن ميخورند معني آن را بما بگو که ما تو را از نيکوکاران ميبينيم (36) گفت غذايي كه روزيتان است برايتان نمي آيد مگر آنکه قبل از آن معني آنرا به شما گفته باشم . اين از چيزهائيست که پروردگارم به من آموخته زيرا که من دين قومي را که به خداوند ايمان ندارند و به آخرت نيز کافرند ترک کرده ام (37)**{و پيرو دين پدرانم ابراهيم و اسحق و يعقوب شده ام . ما را نميرسد که با خداوند چيزي را شريک کنيم. اين از فضل خداوند بر ما و بر مردم است وليکن اکثر مردم شکر نمي گزارند(38) اي دو يار زندانيم ، آيا پروردگاران متفرق بهتر است يا خداوند تک قدرتمند؟(39) غير از او چيزي را عبادت نمي کنيد مگر نامهائي را که خودتان و پدرانتان نامگذاري کرده ايد که خداوند دليلي براي آن (نامگذاريهاي شما) نفرستاده. هيچ حکمي نيست مگر براي خداوند. فرمان داده که جز او را نپرستيد. اين دين پايدار است وليکن اکثر مردم نميدانند}(40) **اي دو يار زندانيم، يکي از شما ساقي شراب اربابش خواهد شد و ديگري به دار کشيده ميشود و پرندگان از سرش خواهند خورد . قضاي چيزي که راجع به آن از من نظر خواستيد رانده شده** (و حتمي) **است.(41) و به آنکه گمان ميکرد نجات خواهد يافت گفت مرا نزد اربابت ياد کن اما شيطان او را به فراموشي انداخت که نزد اربابش يادش کند پس چند سالي در زندان ماند (42) و پادشاه گفت من** (در خواب) **مي بينم که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر ميخورند و نيز هفت خوشه سبز و** (هفت) **خوشه خشک ميبينم. اي بزرگان ! خوابم را معني کنيد اگر تعبير خواب بلديد (43) گفتند خواب تو چيزهاي پراکنده و چيزهاي خوشايند است و علمِ** (تعبير) **چيزهاي خوشايند را نداريم (44) و يکي از آن دو نفر که نجات يافته و بعد از مدتي يادش آمده بود گفت من خبر معني آنرا به شما ميدهم ، مرا بفرستيد (45) اي يوسف ! اي بسيار راستگو ! برايمان هفت گاو چاقي را که هفت گاو لاغر ميخورندشان و هفت خوشه سبز و خوشه هاي خشک ديگر را معني کن . تا بسوي آن مردم برگردم تا آنان بدانند (46) گفت هفت سال پشت سر هم بكاريد و آنچه را که درو کرده ايد در همان خوشه اش واگذاريد مگر اندکي را که ميخوريد (47) آنگاه پس از آن ، هفت** (سال) **سخت مي آيد که آنچه را که براي آن** (سال ها) **از پيش قرار داده ايد ميخوريد مگر اندکي را که محفوظ ميداريد (48) آنگاه پس از آن ، سالي مي آيد که مردم فريادرسي ميشوند و در آن شيره** (ميوه ها و روغن) **ميگيرند (49) و پادشاه گفت او را نزد من بياوريد . و هنگامي که آن فرستاده نزدش آمد گفت بسوي اربابت برگرد و از او بپرس قضيه زناني که دستهايشان را بريده بودند چه بوده که پروردگارم نسبت به توطئه آنها داناست (50)** [پادشاه زنانرا احضار کرد و] **گفت موضوع شما هنگامي که دوروبر يوسف ميگشتيد و او را مي خواستيد چه بوده؟ گفتند: خدا منزه است. ما هيچ چيز بدي عليه او سراغ نداريم . زن آن عاليمرتبه گفت اينک حق جلوه گر شد . من بودم كه دُوروبَر او مي گشتم و او را مي خواستم و او از راستگويان است (51)** اين براي آن است که بداند مخفیانه خيانتش نکردم و خداوند توطئه خائنان را پيش نمي برد (52) و خويش را تبرئه نمي کنم . البته که نفس، بسيار به بدي فرمان ميدهد ، مگر آنچه را که پروردگارم رحم کند که پروردگارم آمرزگار مهربان است (53) **و پادشاه گفت او را نزد من بياوريد تا او را مخصوص خويش کنم ، پس هنگامکيه با او گفتگو كرد ، گفت تو امروز نزد ما صاحب اختيار و اميني (54) گفت مرا مسئول انبارهاي زمين قرارده که نگهباني دانا هستم (55)** {و چنين بود كه يوسف را در زمين اختيار داديم که هر جا که ميخواست قرارميگرفت. رحمت خويش را به هر کس بخواهيم ميرسانيم و پاداش نيکوکاران را از بين نمي بريم (56) و پاداش آخرت براي کساني که ايمان آورده و تقوا پيشه کرده باشند بهتر است} (57) [ پس از مدتی آن خشکسالی طولانی سر رسید]**و برادران يوسف آمدند و بر او وارد شدند و او آنها را شناخت و آنها او را نشناختند (58) و وقتي که آنها را با بارهايشان تجهيز کرد گفت آن برادرتان را از نزد پدرتان به نزدم بياوريد. آيا نمي بينيد که پيمانه را کامل ميدهم و بهترين ميزبانم؟(59) اگر او را برايم نياوريد پيمانه اي نزدم نخواهيد داشت و نزديكم نخواهيد شد (60) گفتند بزودي او را از پدرمان خواهيم ستاند و ما کننده اين کاريم (61) و به جوانان خويش گفت کالاهايشان را در بارهايشان بگذاريد شايد وقتي به سوي خانواده شان برگردند بشناسندش و شايد بازگردند (62) و هنگاميکه بسوي پدرشان بازگشتند گفتند پدر جان پيمانه را از ما دريغ داشتند پس برادرمان را با ما بفرست تا پيمانه بگيريم و ما نگهدارش خواهيم بود (63) گفت آيا درباره او به شما اعتماد کنم؟ همانطور که نسبت به برادرش اعتماد کردم؟ البته خداوند بهترين نگهداراست و همو بهترينِ مهربانان است (64) و هنگاميکه کالايشان را گشودند و ديدند سرمايه شان بسويشان برگشته ، گفتند پدر جان چه ميخواهيم؟ اين سرمايه مان است که بسوي ما برگشته و خانواده مان را غذا ميدهيم و برادرمان را هم حفظ مي کنيم و پيمانه بزرگتري هم دريافت خواهيم کرد . اين پيمانه کوچک است (65) گفت هرگز او را با شما نخواهم فرستاد مگر اينکه وثيقه اي خدائي به من بدهيد که او را باز خواهيد گرداند مگر اينکه مطلب از احاطه شما خارج باشد . پس وقتي که وثيقه شان را دادند گفت خداوند بر آنچه ميگوييم نگهبان است (66) و گفت اي پسرانم از يک درب وارد نشويد بلکه از درهاي مختلف وارد شويد و من نميتوانم درباره خدا مشکلي از شما چاره کنم . جز اين نيست که حکم جز از ناحيه خداوند نيست. بر او توکل ميکنم و هر توکل کننده اي نيز بايد بر او توکل کند (67) و هنگاميکه آنطور که پدرشان گفته بود داخل شدند ،**  {که البته مشکلي را از آنها در مقابل خداوند چاره نميکرد مگر اينکه حاجتي را در دل يعقوب برمي آورد و البته او از آن علومي که ما تعليمش داده بوديم صاحب علمي بود وليکن اکثر مردم نميدانند} (68) **و هنگاميکه بر يوسف داخل شدند ، برادرش را نزد خويش جاي داد و گفت من برادرت هستم پس درباره آنچه انجام ميدهند ناراحت نشو (69) و هنگاميکه آنها را با کالاهايشان تجهيز کرد جام شاه را در بار برادرش قرار داد سپس اعلام كننده اي فرياد زد که اي کاروانيان شما دزديد (70) برگشتند و به آنها گفتند دنبال چه ميگرديد (71) گفتند جام پادشاه را جستجو مي کنيم و هر کس که آنرا بياورد بار شتري خواهد داشت و ما ضامن آنيم (72) گفتند بخدا ميدانيد که ما براي فساد در زمين نيامده ايم و ما سارق نيستيم(73) گفتند اگر دروغ گفته باشيد سزايش چيست (74) گفتند سزايش اين است که هر کس که آن دربارش پيدا شد خودش جايزه اش است. ما ظالمان را چنين سزا ميدهيم (75) پس در ابتدا بار آنها را گشتند سپس بارهاي برادرش را و آن را از بار او بيرون کشيدند . چنين به يوسف راه نشان داديم . او را نميرسيد که برادرش را طبق قانون پادشاه بگيرد مگر اينکه خدا بخواهد. درجه هر کس را که بخواهيم بالا ميبريم و بالاتر از هر دانائي داناتري هست (76) گفتند اگر اودزديده،** (تعجبي ندارد زيرا) **برادري داشته که اوهم ميدزديده. پس يوسف اين را در دل خويش پنهان داشت و به رويشان نياورد و گفت بلکه شما بدتريد و خداوند نسبت به آنچه ميگوئيد داناتر است (77) گفتند اي بزرگوار ! او پدر پيري دارد. يکي از ما را جاي او بگير که ما تو را از نيکوکاران مي بينيم (78) گفت پناه بر خدا که ما کسي را غير از آنکه متاع خويش را نزدش يافته ايم بازداشت کنيم که در آنصورت از ظالمان خواهيم بود (79) پس هنگاميکه مأيوس شدند با هم خلوت کردند و راز ميگفتند و بزرگترينشان گفت آيا نميدانيد که پدرتان از شما وثيقه اي خدائي گرفته و قبلا هم درباره يوسف چه کوتاهيي کرديد؟ من از اين سرزمين خارج نخواهم شد مگر اينکه پدرم اجازه ام دهد يا خدا درباره ام حکم کند و همو بهترين حاکمان است (80) سوي پدرتان باز گرديد و بگوييد پدرجان ! پسرت سرقت کرده و ما جز به آنچه ميدانستيم گواهي نداديم و از غيب نيز آگاه نيستيم (81) از آن شهري که در آن بوديم تحقيق کن و نيز از کارواني که با آنان آمديم و ما راستگويانيم (82) گفت بله نفس تان برايتان چيزي را آراسته. و صبر زيباست . چه بسا که خداوند همگي آنها را بسويم بياورد که او خودش داناي پر حکمت است (83) و از آنها روي گرداند و گفت اي افسوس بر يوسف و از شدت اندوه چشمهايش نابينا شد و خشم خود را فرو ميخورد (84) گفتند بخدا که آنقدر ياد يوسف مي کني که سخت بيمار شوي يا به هلاکت بيفتي (85) گفت جز اين نيست که شکايت غم و اندوه خويش را فقط به خدا مي برم و از خدا چيزي ميدانم که شما نميدانيد (86) اي فرزندانم برويد و يوسف و برادرش را جستجو کنيد و از لطف خدا مأيوس نباشيد که جز کافران از لطف او مأيوس نميشوند (87) پس هنگاميکه بر او داخل شدند گفتند اي بزرگوار به ما و خانواده مان ناراحتي رسيده و با سرمايه اي ناچيز آمده ايم پس پيمانه کامل به ما بده و بر ما تصدق کن که خداوند تصدق کنان را پاداش ميدهد (88) گفت آيا دانستيد با يوسف و برادرش چه کرديد آن هنگام که جاهل بوديد (89) گفتند آيا تو خودت همان يوسفي؟ گفت من يوسفم و اين هم برادرم است . البته که خداوند بر ما منت گذاشت زيرا که هر کس تقوا و صبر کند خداوند نيز پاداش نيکوکاران را ضايع نخواهد گذاشت (90) گفتند به خدا که خودش تو را از بين ما برگزيده و ما البته خطا کار بوده ايم (91) گفت امروز هنگام رسيدگي به کارتان نيست خداوند مي بخشدتان و همو مهربانترين است (92) با اين پيراهنم برويد و آنرا بر صورت پدرم بيندازيد بينا خواهد شد و آنگاه تمام خانواده تان را دسته جمعي بسويم بياوريد (93) و هنگاميکه آن کاروان راه افتاد پدرشان گفت من بوي يوسف را احساس مي کنم اگر مرا کم خرد نشماريد(94) گفتند به خدا که در همان گمراهي سابقت هستي (95) اما هنگاميکه مژده دهنده آمد و آنرا بر صورتش انداخت بينا گشت و گفت آيا به شما نگفتم که از خدا چيزهائي ميدانم که شما نميدانيد (96) گفتند اي پدر براي گناهمان استغفار کن که ما خطاکار بوديم (97) گفت بزودي از پروردگارم برايتان استغفار خواهم کرد که او آمرزگار مهربان است (98) پس هنگاميکه بر يوسف وارد شدند والدينش را به نزد خويش جاي داد و گفت داخل مصر شويد و به خواست خدا در ايمني باشيد (99) و والدين خويش را بر تخت نشاند و آنها به سجده افتادند و او گفت پدرم ، اين معني خواب قبلي من است که پروردگارم آنرا راست درآورد و البته به من وقتي از زندان نجاتم داد و شما را از بيابان** (نزدم) **آورد ، پس از آنکه شيطان بين من و برادرانم را بهم زده بود احسان کرد البته پروردگارم درباره آنچه بخواهد دقيق است که او خودش داناي پر حکمت است (100) پروردگارا ! چيزي از پادشاهي بمن دادي و چيزي از معني کردن خوابها بمن آموختي. اي خالق آسمانها و زمين تو در دنيا و آخرت سرپرستم هستي مرا تسليم** (حق) **بميران و با صالحان همراهم کن (101) اين از خبرهاي غيبي است که بسويت وحي کرديم. تو درآن هنگام که درباره کارشان همرأي شده بودند و حيله ميکردند نزدشان نبودي (102) و اکثر مردم ايمان نمي آورند حتي اگر خيلي هم دلت بخواهد (103) تو درباره آن** (رسالت) **مزدي از آنها نميخواهي . آن جز پندي براي جهانيان نيست (104)**

**یوسف3 آیات105تا111**

**وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿105﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللّهِ إِلاَّ وَهُم مُّشْرِكُونَ ﴿106﴾ أَفَأَمِنُواْ أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لاَ يَشْعُرُونَ ﴿107﴾ قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللّهِ وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿108﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلاَّ رِجَالاً نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُواْ فِي الأَرْضِ فَيَنظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَواْ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿109﴾ حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّواْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ جَاءهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاء وَلاَ يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿110﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُوْلِي الأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿111﴾**

**ای پیامبر! چه بسا نشانه هائي در آسمانها و زمين هست که اینان بر آن ميگذرند و از آن روگردانند (105) و اکثرشان به خدا ايمان نمي آورند و مشرکند (106) آيا ايمن هستند که فراگيرنده اي از عذاب خدا بسويشان بيايد يا قيامت ناگهان بر آنها درآيد در حاليکه غافلند؟ (107) به اینان بگو اين راه من است . از روي بصيرت خودم وپيروانم را بسوي خداوند دعوت مي كنم و خداوند منزه است و من از مشرکان نيستم (108) و قبل از تو نيز پیامبرانی را که فرستادیم ، مرداني از اهالي شهرها بودند که به آنها وحي مينموديم . آيا در زمين نميگردند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بود؟ و اینکه خانه آخرت براي کساني که باتقوا باشند بهتر است، آيا در این دو موضوع تعقل نمي کنند؟ (109) ای پیامبر! پیامبران سابق هم همین مشکلات تو را داشتند ، تا اينکه از ايمان آوريِ مردم مأيوس شدند و آن مردم هم گمان ميکردند که به آنها دروغ گفته شده ، تا اینکه ياري ما ناگهان میرسيد ، و هر كس که لیاقت داشت نجات می يافت و عذاب ما از گنهکاران برطرف نمي گردید (110) البته در قصه هاي آنها عبرتي براي خردمندان است . سخني که افترا باشد نيست . ليکن این قرآن تصديق چيزيست که قبل از خودش بوده و تشريح و تفصيل همه چيز است و هدايتي و رحمتي است براي قومي که ايمان مي آورند (111)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: لطف و توجه خاص خداوند با مومنان با تقوا همراه است و سبب نجاتشان از مشكلات مي­شود.**

**درب : ای پیامبر! لطف و حکمت­های الهی را چنین برای پیروانت بیان کن و به اشخاص بی­توجه وغافل و بی­ایمان بگو از عذاب خداوند (دنیایی یا فرا رسیدن ناگهانی قیامت) دور نیستند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! قصه ای را که برایت می گوئیم ، صرفا یک قصه صِرف نیست ، بلکه از وحی است و لذا عین حقیقت است .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! درمقایسه داستان یوسف با داستان توشباهت عجیبی هسـت ، که اگرپیروانت شبیه سازی کنند و متوجه آن شوند دلگرم ترخواهند شد .

در این پاراگراف می فرماید :ای پیامبر ! مخالفانت به سختی دچار محسوسات خویش بوده واز آیات و صفات وقدرت های الهی غفلت دارند وگرنه رفتارشان غیر از این می بود ، ولی تو دلگیر مباش و کاملا دلگرم باش و با قوت پیگیر کار رسالت خویش باش و موفق خواهی شد .

**3 - سوالات**

1 - با توجه به مطلبی که ذیلا دربخش پرانتزها درباره جمله «**وَظَنُّواْ أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُواْ»** (آیه110) می بینید ، فاعل فعل «ظنّوا» کیست؟

2- ازمطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3 - امید بخش ترین آیه این پاراگراف (باتوجه به سوال قبل) کدام است؟

4 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟

5 – با توجه به اینکه از اخلاق پیامبران نیست که از لطف الهی مایوس شوند ، **«اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ** » (آیه110) چه نوع از سخن گفتن است؟ (به زبان مخاطب؟ یا....؟)

6 - « **أَنَاْ وَمَنِ اتَّبَعَنِي** » (آیه108) با موضوع کدام کلید تفسیر مطابق است؟

7 – منظور از «تفصیل کل شی» (آیه111) چیست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 110 فهمیده میشود در ایام معاصر نزول این سوره ، نامطلوبیت و ناگواری شرایط عمومی برای مسلمانان خیلی زیاد بود و آنها که تا اینجا خیلی از داستانهای پیامبران مطلع شده و از آنطریق به یاری خدا امید بسته بودند در این روزها خیلی «چشم به آسمان» بودند که یاری الهی کی برسد .

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1**  (آیه 105) :(المیزان) : " وَ كَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْها وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ".

واوى كه در اول اين آيه است حاليه است، و احتمال هم دارد استينافيه باشد و جمله را جمله‏اى ابتدايى بسازد، و" مرور بر هر چيز" به معناى رسيدن به آن و گذشتن از آن و رسيدن به موجود بعدى آن است، بنا بر اين مرور به آيات آسمانى و زمينى به معناى مشاهده يكى پس از ديگرى آنها است.

و معناى آيه اين است كه بر سر راه زندگى بشر آيات بسيارى آسمانى و زمينى وجود دارد كه با وجود خود و نظام بديعى كه در آنها جارى است دلالت بر توحيد پروردگارشان مى‏كند، و اين مردم اين آيات را يكى پس از ديگرى مى‏بينند، و ديدن آنها برايشان مكرر است، و در عين حال از آنها اعراض نموده متنبه نمى‏شوند.

و اگر جمله" يَمُرُّونَ عَلَيْها" را حمل بر تصريح (و مرور معمولى) كنيم، نه كنايه از ديدن و اعراض كردن، در آن صورت جمله مذكور از ادله فرضيه هيئت جديد خواهد شد، كه مى‏گويد: زمين داراى حركت وضعى و انتقالى است، زيرا از آن استفاده مى‏شود كه بشر بوسيله حركت انتقالى و وضعى زمين از اجرام آسمانى عبور مى‏كند و مى‏گذرد، نه آن طور كه حس ما مى‏پندارد كه زمين ما ايستاده و اجرام بر ما مى‏گذرند.

خیلی جالب است المیزان که دائما به «سیاق» توجه میدهد آیه مذکور را به قبل و بعدش ربط نداد و از آن هشدار و امکان هلاکت مخالفان در صورت گذراندن از حدّ را ندید و سر از هیئت و نجوم و افلاک شناسی در آورد؟

**2** (آیه 106):(المیزان) : " وَ ما يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ".

ضمير در" اكثرهم" به" ناس" برمى‏گردد، به اعتبار ايمانشان، به اين معنا كه اكثر مردم ايمان آور نيستند هر چند تو از ايشان مزدى نخواهى، و هر چند بر آيات آسمانى و زمينى با همه زياديش مرور كنند، و آنهايى كه از ايشان ايمان آوردند (كه همان اقليت باشند) اكثر ايشان ايمانشان آميخته به شرك است.

و اگر بپرسى چگونه ممكن است آدمى در آن واحد، هم متلبس به ايمان باشد و هم به شرك، با اينكه ايمان و شرك دو معناى مقابل همند كه در محل واحد جمع نمى‏شوند؟ جواب مى‏گوييم: اين اجتماع، نظير اجتماع اعتقادات متناقض و اخلاقيات متضاد است، و از اين نظر ممكن است كه اينگونه امور از معانيى باشند كه فى نفسه قابل شدت و ضعفند، و مانند دورى و نزديكى، به اضافه و نسبت مختلف مى‏شوند، مثلا" قرب" و" بعد" اگر مطلق و بدون اضافه لحاظ شود هرگز در محل واحد جمع نمى‏شوند، ولى اگر نسبى و اضافى لحاظ شوند، ممكن است در محل واحد جمع شوند، و با هم مطابقت داشته باشند، مثلا در باره مكه، هم دورى صادق است و هم نزديكى، دورى از شام، و نزديكى به مدينه، همچنين اگر مكه با مدينه مقايسه شود از شام دور هست، ولى اگر با بغداد مقايسه شود به شام نزديك خواهد بود.

واقعا چه ربطی دارد؟ سیاق – که المیزان اینهمه تکرارش میکند – حاکی از انتقاد از کفار مکه معاصر آنحضرت است و این آیه همخط است با آیاتی مانند «فما کانوا لیومنوا بما کذبوا من قبل» (و امثال آن که خیلی هم زیاد است) و از کجای این سیاق نسبیّت ایمانی در می آید ، خدا میداند !

اتفاقا آنجا که المیزان فوقا فرموده «و آنهايى كه از ايشان ايمان آوردند « (كه همان اقليت باشند) اكثر ايشان ايمانشان آميخته به شرك است» خطای آشکار است زیرا این سوره مدتها قبل از هجرت نازل شده و مومنان آن روز ها مومن واقعی بوده اند .

**3** (آیه 107):حاکم کردن روایت و نتیجتا ندیدن بلاغت ادبی

موضوعِ روایات عصمت انبیاء که مورد بدفهمی تفاسیر شده ، در جاهای زیادی موجب درک نکردن ظرافت های ادبی و بلاغتی قرآن شده که مثالهایش زیاد است ، از جمله ده آیه اول سوره عبس و نیز این آیه از بهترین مثالهایش است .

در جوانی چند سالی – قبل از انقلاب - در قم ساکن بودم و با آقایان حشر و نشر وسیعی داشتم ، یکبار صحبت از فقدان ترجمه هایی خوب از قرآن شد و میگفتم خیلی آرزو دارم که یک ترجمه روان و خوبی از قرآن تهیه کنم ، یکی از آن آقایان برآشفت و گفت مبادا در این جهت اقدامی کنی ها ! من متعجبانه دلیلش را پرسیدم و او گفت مثلا در قرآن به «دست» خدا اشاره شده و کسی که ترجمه قرآن را بخواند فکر خواهد کرد که خدا دست دارد ، جوابی که به او دادم ساکتش کرد و گفتم آنقدر در قرآن از تنزیه خدا صحبت شده که جای چنین نگرانیی نیست و خداوند به خلیفه خویش اعتماد دارد که در قرآن چنین چیزهایی هم گذاشته ،

آیه فوق هم همینطور است ، چه کسی که اندک آشنائی با قرآن داشته باشد ممکن این تصور به ذهنش بیاید که ممکن است یک پیامبر از خدا مایوس شده باشد و فکر کند که خدا به او دروغ گفته باشد ؟ این یک مبالغه گوئی ساده است که بار بلاغتی قوی دارد ، لازم نیست آن را به ظاهرش بگیریم و لطافت ادبی اش را نابود کنیم و بعد برای راست و ریس کردنش دست به دامن روایات عصمت انبیاء شویم؟

سوره یوسف چه میگوید؟ یک بچه در ضعیف ترین و مظلومانه ترین موقعیت توسط نزدیکترین نزدیکانش به نامردمی ترین وضع مورد ظلم قرار گرفت ، اما خداوند برای اینکه به او کمک کند چه صحنه هایی آراست و بالاخره او با قدرت و ثروت فوق العاده به همانها که به او بدی روا داشته بودند احسان کرد ، این سوره میخواهد بگوید ای پیامبر ! برای تو هم شبیه همین سناریو اجرا خواهد شد ، اندکی صبر کن ، مایوش نشو ، بالاخره خواهد شد و برای رساندن مطلب سخن را در آیه فوق در قالب مبالغه عرضه کرده ، همین ! نه آن بی سلیقگی هایی که در ذیل این آیه در آنجا گفته شده است .

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 106، هم به قرینه (ف) در کلمه اول خویش، و هم به دلیل اینکه نوعی توصیف مدلول آیه­ 105 است ، فرع بر همان آیه است. فرع بودن آیه 107 نسبت به آیه قبل از خویش نیز که دیگر واضح است.

جمله «وظنوا انهم قد کذبوا» در آیه 110 بدون اینکه فرع بر چیزی باشد پرانتزی است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آن ببندیم و قبل و بعد آن را به یکدیگر وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی­دست­انداز می­شود .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ای پیامبر! لطف و حکمت­های الهی را چنین برای پیروانت بیان کن و به اشخاص بی­توجه وغافل و بی­ایمان بگو از عذاب خداوند (دنیایی یا فرا رسیدن ناگهانی قیامت) دور نیستند .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و چه بسا نشانه هائي در آسمانها و زمين هست که بر آن ميگذرند و از آن روگردانند (105)** {و اکثرشان به خدا ايمان نمي آورند و مشرکند (106) آيا ايمن هستند که فراگيرنده اي از عذاب خدا بسويشان بيايد يا قيامت ناگهان بر آنها درآيد در حاليکه غافلند؟}(107) **بگو اين راه من است . از روي بصيرت خودم وپيروانم را بسوي خداوند دعوت مي كنم و خداوند منزه است و من از مشرکان نيستم (108) و قبل از تو نيز کساني را نفرستاديم مگراينکه مرداني از اهالي شهرها بودند که به آنها وحي مينموديم . آيا در زمين نميگردند تا ببينند عاقبت پيشينيان چگونه بود و البته خانه آخرت براي کساني که باتقوا باشند بهتر است ، آيا تعقل نمي کنند؟ (109) تا اينکه آن فرستادگان** (از ايمان آوري مردم) **مأيوس شدند و** (مردم هم) **گمان ميکردند که به آنها دروغ گفته شده و ياري ما رسيد ، و هر كس را که خواستيم نجات يآفت و عذاب ما از گنهکاران برطرف نمي گردد (110) البته در قصه هاي آنها عبرتي براي خردمندان است . سخني که افترا باشد نيست . ليکن** (قرآن) **تصديق چيزيست که قبل از خودش بوده و تشريح و تفصيل همه چيزاست و هدايتي و رحمتي است براي قومي که ايمان مي آورند (111)**

**سوره حجر**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الَرَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ ﴿1﴾ رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ كَانُواْ مُسْلِمِينَ ﴿2﴾ ذَرْهُمْ يَأْكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلْهِهِمُ الأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿3﴾ وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلاَّ وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿4﴾ مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿5﴾ وَقَالُواْ يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿6﴾ لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلائِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿7﴾ مَا نُنَزِّلُ الْمَلائِكَةَ إِلاَّ بِالحَقِّ وَمَا كَانُواْ إِذًا مُّنظَرِينَ ﴿8﴾ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿9﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الأَوَّلِينَ ﴿10﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلاَّ كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿11﴾ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿12﴾ لاَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الأَوَّلِينَ ﴿13﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاء فَظَلُّواْ فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿14﴾ لَقَالُواْ إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿15﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. لام. ر. اين آيات، آیاتی از آن کتابِ آسمانی است ، و خواندنيي روشنگر است (1) چه بسا کافران دوست ميدارند که کاش مسلمان ميبودند (2) بگذار بخورند و کامروائي کنند و آرزوها سرگرمشان كند و زود باشد که بدانند (3) و ما هيچ شهري را هلاک نکرديم مگر اينکه کتابي معلوم داشت (4) و سرآمد هيچ مردمي نه جلو و نه به تأخير مي افتد (5) و ميگويند اي کسي که مدعی هستی که آن پند بر او فرستاده ميشود تو حتما ديوانه اي (6) اگر راست ميگويي پس چرا ملائکه را برايمان نياوردي؟ (7) ای پیامبر! در جوابشان بگو ملائکه را جز به حق نازل نمي کنيم و در آنصورت مهلتي نمي يابند (8) البته ما خودمان آن پند را فرستاديم و خودمان هم نگهدارش خواهيم بود (9) و البته قبل از تو نيز در ميان مردم گذشته رسولاني فرستاديم (10) و هيچ رسولي بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (11) در دلهاي مجرمان چنين راه یافته (12) که به آن ايمان نياورند و البته روش پيشينيان نيز چنين گذشته است (13) و اگر دري از آسمان هم برايشان باز ميکرديم و از آن دائما بالا ميرفتند (14) باز هم ميگفتند جز اين نيست که چشمهايمان عوضي مي بيند و بلکه جادو شده ايم (15)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : كافران، با رفتار غير مسئولانه خويش، خود را از دايره لطف الهي خارج مي كنند.**

**2 - سوالات**

1- ازمطالب این پاراگراف چه«حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها»میتوان زد؟

2-از آیه2 چه «حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها»میتوان زد؟

3-ازآیه های6و7 چه «حدسیاتی ازاوضاع واحوال آن روزها»میتوان زد؟

4-آیه های4و5 درچه «جهت»ی میباشند؟(دلداری پیامبر-ص-؟یا...؟)

5-حالت کلی پاراگراف چگونه است؟(دلداری پیامبر-ص-؟یا....؟)

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 2 فهمیده میشود درستی تعالیم پیامبر (ص) و جذابیت قرآن تمام سنگرها را در نوردیده بود ولی اظهار و اعلام گرایش انجام نمیشد و از آیه 3 فهمیده میشود تعلقات زندگی و عادات و آمال و آرزوهایشان مانع آنها بوده که سخن عقل و دل خویش را پی بگیرند و با قامت راست و قدم محکم جلو بیایند و اظهار ایمان کنند و از آیه های 6و7 فهمیده میشود آنها علیرغم آنچه در ذهن شان بود رفتاری درست مخالف آن بروز میدادند ، مثلا آنحضرت را دیوانه خطاب میکردند و معجزه طلبی میکردند ولی واقعا معجزه نمیخواستند و مطابق آیه های 14 و 15 آن را بهانه ای قرار داده بودند که فعلا به وسیله آن از ایمان آوری فرار کنند تا بعدا چه پیش آید اگر هم معجزه ای به آنها ارائه میشد بهانه دیگری می آوردند .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : اين سوره پيرامون استهزاء كفار به رسول خدا (ص) سخن مى‏گويد كه نسبت جنون به آن جناب داده و قرآن كريم را هذيان ديوانگان خوانده بودند

درس : ای پیامبر ! لطف خداوندی در دنیا و آخرت شامل تو و پیروانت میشود و قبول القائات شیطانی آدمی را از دایره این لطف خارج میکند.

**2** :ترتیب نزول + خطای عادیِ تفسیری

المیزان ظرف زمانی «ربما» را آخرت قرار داده ، در حالیکه اگر به موقعیت زمانیِ آیه مذکور دقت کنیم معلوممان میشود که اینک مدت طولانیی است که سوره های زیادی بر آنحضرت نازل شده و در قلوب مردم تاثیر گذاشته و خوششان آمده ولی از ترس روسای قبایل جرات نمی کنند ابراز ایمان کنند ، لذا موضوع آیه 2 مردم معمولی است و با موضوع آیه6 و پس از آن که روسای قبایلند فرق دارد .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

1- در آیه 1 از قرآن نام برده که چنانکه قبلا دیده ایم یک وعده تحقق یافته است .

2 - در آیه 2 مطلبی را پیشگوئی کرده که چیزی نگذشت که درستی آن معلوم شد.

3 - این سوره که در سال پنجم قبل از هجرت نازل شده (ر.ک. ترتیب و تاریخ نزول سوره ها – از این قلم – درسایت) در آیه مذکور گفته که عده زیادی از کافران آرزو داشتند که کاش میتوانستند مسلمان شوند . درستی این سخن در فتح مکه معلوم شد که مردم فوج فوج مسلمانان شدند و بدیهی است که حرکت جمعی بدون مقدمه انجام نمی پذیرد و مقدمه اش از نزول این سوره شکل گرفته بوده و ظرف چند سال آنقدر عمیق و وسیع شده که به فوج فوج مسلمان شدنِ جمعی (پس از رفع مانع) منجر شده است .

4 - در آیه 9 میفرماید : البته ما خودمان آن پند را فرستاديم و خودمان هم نگهدارش خواهيم بود .

تا وقتی که قرآن وجود دارد، هر روزی که بگذرد و قرآن وجود و اعتبار خویش را همچنان داشته باشد، و به آن ادامه دهد، درست در آمدن پیشگوئیِ موجود در آیه فوق نیز، دائماً تازه­تر و تازه­تر می­گردد.

این پیشگوئی از نوع پیشگوئی­های کِشدار است و تحقق یافتن آن هنوز هم ادامه دارد.

معنی آیه 9 این است که قرآن محفوظ است و تحریف نخواهد شد و البته می­دانیم که نشده و این نیز یکی از پیشگوئی­های تحقق یافته قرآنی و در عداد معجزات است.

از این پس نیز امکان تحریف ندارد زیرا میلیون­ها نسخه از آن در زبانهای مختلف در کتابخانه­ها و موزه­ها وجود دارد و قرآن­شناسان در سراسر جهان هستند.

بعلاوه قرآن خود را نور، و وسیله هدایت، و فرق­گذارِ بین حق و باطل، و کتابی که باطل هیچگونه راهی به آن ندارد، و موعظه، و پند، و ... نامیده و قرآنِ موجود نیز همه این مشخصات را دارد (یعنی تاکنون «محفوظ» بوده)

البته این دلیلی است بسیار صحیح و کاملاً معقول ، اما فقط قرآن­شناسان هستند که با توجه به این دلیل می­توانند گواهی عدم تحریف بدهند.

اما از لحاظ «سند»ی ، چون قرآن همیشه (در تمام این حدود 1500 سال) نوشته و نگهداری شده و در موزه­ها موجود است ، اشخاص معمولی هم می­توانند گواهی فوق را بدهند.

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه های 3 و 4 پرانتزی است، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها بسته و قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست و بی سکته خواهد شد.

همچنین است موقعیت آیه 8 که پس از نقل قول مواضع کافرانه کفار معاصر راجع به قسمتی از سخنان آنان که ممکن است شبهه ای بپراکند روشنگری میفرماید.

همچنین است موقعیت آیه 9 .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**الَرَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ ﴿1﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب: توجه به مفاد قرآن سبب جذب لطف الهی است.**

**2**

**رُّبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُواْ لَوْ كَانُواْ مُسْلِمِينَ ﴿2﴾ ذَرْهُمْ يَأْكُلُواْ وَيَتَمَتَّعُواْ وَيُلْهِهِمُ الأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿3﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب: چه بسیار از کافران آرزو میکنند کاش در دایره لطف الهی قرار میگرفتند.**

**3**

وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلاَّ وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿4﴾ مَّا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿5﴾

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب: فرصت ها نامحدود نیست، از دست ندهید.**

**4**

**وَقَالُواْ يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿6﴾ لَّوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلائِكَةِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿7﴾** مَا نُنَزِّلُ الْمَلائِكَةَ إِلاَّ بِالحَقِّ وَمَا كَانُواْ إِذًا مُّنظَرِينَ ﴿8﴾

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب: کافران بجای قرارگرفتن در محدوده لطف الهی بهانه گیری میکنند.**

**5**

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿9﴾

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب: فارغ از نحوه رویکرد مردم مایه لطف الهی محفوظ است.**

**6**

**وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الأَوَّلِينَ ﴿10﴾ وَمَا يَأْتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلاَّ كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿11﴾ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿12﴾ لاَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الأَوَّلِينَ ﴿13﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاء فَظَلُّواْ فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿14﴾ لَقَالُواْ إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿15﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب: ای پیامبر! این کافران حتی اگر قویترین آیات را هم ببینند بازهم کفر میورزند.**

**7 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 9 نه تنها از آیات برجسته این سوره بلکه کل قرآن است که هر دو مولفه برجستکی را بطور کامل دارا میباشد، یعنی هم مورد استقبال شدید هنرمندان شده و تابلوهای خوشنویسی زیادی از آن در همه جا دیده میشود و هم بصورت کاشی و معرق کاری در مساجد و زیارتگاه ها به وفور ملاحظه میگردد.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

«الر» که از حروف مقطعه است تا هم اکنون که 1400 سال از نزول این سوره گذشته، هنوز توضیح کافی و وافی نیافته، و لذا از ذهنیات مردم امروز نیز بالاتر است، چه رسد به مخاطبان اولیه!

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

رفتار كافران غیر مسئولانه است،و تبعات خاص خود را دارد، و ممکن است آنها را از از دايره لطف الهي خارج كند.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**سررسید مقدر شده**

«کتاب معلوم» در آیه 4 به معنی «سررسید معیّن» میباشد.

**حکمتِ معجزه نفرستادن علیرغم اصرار کفار**

تا کنون بسیار آیاتی را دیده­ایم که کفار با اصرار از پیامبر(ص) معجزه می­طلبیدند اما از سوی خداوند با خواسته­شان موافقت نمی­شد.

در آیه های 7 و 8 به بهترین وجه حکمت این عدم موافقت را بازگو می­کند که اگر معجزه می­آمد و آنها کماکان اصرار بر کفر خویش می­کردند در آن صورت دیگر مهلتشان سر می­رسید و هلاک می­شدند.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**الف. لام. ر. اين آيات آن کتاب ، و خواندنيي روشنگراست (1) چه بسا کافران دوست ميدارند که کاش مسلمان ميبودند (2) بگذار بخورند و کامروائي کنند و آرزوها سرگرمشان كند و زود باشد که بدانند (3)** {و ما هيچ شهري را هلاک نکرديم مگر اينکه کتابي معلوم داشت (4) و سرآمد هيچ مردمي نه جلو و نه به تأخير مي افتد}(5)  **و ميگويند اي کسي که آن پند بر او فرستاده ميشود تو حتما ديوانه اي (6) اگر راست ميگويي پس چرا ملائکه را بر ايمان نياوردي؟ (7)** {ملائکه را جز به حق نازل نمي کنيم و در آنصورت مهلتي نمي يابند (8) البته ما خودمان آن پند را فرستاديم و خودمان هم نگهدارش خواهيم بود }(9)  **و البته قبل از تو نيز در ميان مردم گذشته** (رسولاني) **فرستاديم (10) و هيچ رسولي بسويشان نيامد مگر اينکه مسخره اش ميکردند (11)** {در دلهاي مجرمان چنين راه داديم (12) که به آن ايمان نياورند و البته روش پيشينيان نيز (چنين) گذشته است (13) و اگر دري از آسمان هم برايشان باز ميکرديم و از آن دائما بالا ميرفتند (14) باز هم ميگفتند جز اين نيست که چشمهايمان عوضي مي بيند و بلکه جادو شده ايم }(15)

**حجر2 آیات16تا25**

**وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاء بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿16﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِن كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿17﴾ إِلاَّ مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ ﴿18﴾ وَالأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿19﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَن لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿20﴾ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلاَّ عِندَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿21﴾ وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿22﴾ وَإنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿23﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿24﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿25﴾**

**و البته در آسمان برج هائي قرار داديم و آنرا براي بينندگان تزئين کرديم (16) و از هر شيطان رانده شده اي حفظ نموديم (17) و گر موجودی خیال استراق سمعي کند که بخواهد از اسرار آینده مطلع شود شهابي فروزان در پي او مي افتد (18) و زمين را گسترانديم و در آن لنگرهائي قرار داديم و از هر چيزي موزون در آن رويانديم (19) و در آن برايتان روزي هائي قرار داديم و نيز براي موجودات دیگری که روزي شان بر عهده ما است (20) و هيچ چيزي نيست مگر اينکه نزد ما گنجينه هائي از آن است و ما البته جز به اندازه اي معلوم نازل نمي کنيم (21) و بادها را بارور کننده میفرستيم و از آسمان آبي نازل و شما را با آن سيراب می نمائیم در حالیکه شما نسبت به خزانه آنها اختیاری ندارید (22) و ما البته خودمان زنده ميکنيم و ميميرانيم و خودمان وارثانيم (23) و البته هم پيشينيان شما را مي شناسيم و هم پسينيان تان را (24) و پروردگارت آنها را گَرد مي آورد که او دانا و حکيم است (25)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : نمونه هائي از الطاف الهي كه شامل همگان ميشود.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! معجزه بزرگ را به تو داده ایم ، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند . پس ، دلگرم باش ، وبه آنها اهمیتی مده ، وکار رسالتت را کما کان پیگیر باش .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! توجه همگان وبخصوص کافران به اینهمه آیات صنع ، وآیات لطف ورحمت ، وآیات نعمت الهی جلب کن .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 17 و 18معلوم میشود که مخالفان فعال آنحضرت منشاء تعالیم اورا شیطانی و حاصل استراق سمع شیاطین معرفی میکرده اند .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه 21):ترتیب نزول + خطای عادیِ تفسیری

المیزان برای تفسیر آیه 21 (وَ إِنْ مِنْ شَيْ‏ءٍ إِلَّا عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ) نزدیک به 9 صفحه مطلب فرموده ، و از انبار و محافظت و رزق و شیء و قدر گفته و فلسفه هائی مطرح کرده و چه و چه که همگی حاکی از قرار نگرفتن در مسیر درک مطلب است و همه اش هم زائد .

واقعیت مطلب این است که محتوای سوره حجر با توجه به ترتیب نزول و با توجه به «الر»ی اول آن در جهت دلداری به آنحضرت است و آیه مذکور هم در پاراگرافی واقع است که به قدرت های الهی اشاره میکند و فحوایش این است که «ای فرستاده ما ، ما چنین قدرتی داریم و نگران مباش» و در آن زمانها هم یکی از مولفه های قدرت ثروت بود و یکی از مولفه های ثروت هم وجود «انبارهائی که سرشار از همه چیز است» بود و پس از آیه مذکور نیز به سایر عناصر قدرتی اشاره فرموده .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در رابطه با آیه 16 در مفهوم «برج»، «بازگشت به نقطه ابتدائی، پس از انجام یک دور گردش» نهفته است و با توجه به بنیۀ علمیِ زمانِ نزولِ این آیه، یک معجزه علمی است.

با توجه به «درب»، «بینندگان» آخر آیه 16 ما انسانها هستیم. و موضوعِ زیبائیِ آسمان امر واضحی است و همواره در شعر شاعران و نوشته­های ادیبان مطرح بوده است.

**6 – کلیدهای تفسیری**

آیه 18 فرع بر آیه 17 است و این واضح است. آیه 21 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است و دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را برآن ببندیم و قبل وبعد آن را به یکدیگر وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست­تر می­شود .آیه 25 نیز فرع بر آیه 24 است و این نیز واضح است.

لذا آیه­های اصلی پاراگراف عبارتند 16 و 17 و 19 و 20 و 22 و 23 و 24.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 16 تا 23 به مطالبی اشاره نموده که هریک از آنها عناوینی است که تحت آنها دانشگاه هائی قابل تاسیس، و علماء عظیمی در ذیل نام های علومی که زیر مجموعه آیه ای به تحقیق و تفصح قابل بکارگماری، و همه در وادی های حیرت چرخان، و این وضع ما در 1400 سال بعد از نزول آیات مذکور است، چه رسد به مخاطبان اولیه!

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

در این پاراگراف سطح علمی سخن از سطح امروز قرن 21 نیز بالاتر است .

که شبهه دیگری را رد میکند و آن شبهه این است که در قرآن هیچ مطلبی نیست که از سطح درک مخاطب های اولیه بالاتر باشد.

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر نمونه هائي از الطاف الهي كه شامل همگان ميشود برای جلب توجه تکذیبگران که درگیر چه کار نامعقول و ضمنا بی فایده ای هستند .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**«حفاظ» بودن آسمان**

در مورد «حفاظ» بودن آسمان تاکنون بسیار آشنا شده­ایم. در سوره­های رحمان و جن، صافات، ص، و چندین جای دیگر ذکر شده و ما هم شرحی عرض کرده­ایم.

**جمع بندی و تفسیر**

**و البته در آسمان برج هائي قرار داديم و آنرا براي بينندگان تزئين کرديم(16)** { و آنرا از هر شيطان رانده شده اي حفظ نموديم (17) مگر اينکه کسي استراق سمعي کرده باشد پس شهابي روشن در پي او مي افتد} (18) **و زمين را گسترانديم و در آن لنگرهائي قرار داديم و از هر چيزي موزون در آن رويانديم (19) و در آن برايتان روزي هائي قرار داديم و نيز براي کساني که شما روزي آنها را نميدهيد (20) و هيچ چيزي نيست مگر اينکه نزد ما گنجينه هائي از آن است و ما البته جز به اندازه اي معلوم نازل نمي کنيم (21) و بادها را بارورکننده فرستاديم و از آسمان آبي نازل کرديم و شما را با آن سيراب نموديم و شما خزانه دار آن نيستيد (22) و ما البته خودمان زنده ميکنيم و ميميرانيم و خودمان وارثانيم (23) و البته هم پيشينيان شما را مي شناسيم و هم پسينيان شما را (24) و پروردگارت آنها را گرد مي آورد که او دانا و حکيم است (25)**

**حجر3 آیات26تا50**

**وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿26﴾ وَالْجَآنَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ﴿27﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلاَئِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿28﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُ سَاجِدِينَ ﴿29﴾ فَسَجَدَ الْمَلآئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿30﴾ إِلاَّ إِبْلِيسَ أَبَى أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿31﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلاَّ تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿32﴾ قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿33﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿34﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿35﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿36﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿37﴾ إِلَى يَومِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿38﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغْوَيْتَنِي لأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الأَرْضِ وَلأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿39﴾ إِلاَّ عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿40﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿41﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلاَّ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿42﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿43﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿44﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿45﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلاَمٍ آمِنِينَ ﴿46﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿47﴾ لاَ يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿48﴾ نَبِّىءْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿49﴾ وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الأَلِيمَ ﴿50﴾**

**و انسان را از ِگلي خشکيده از ِگلي سياه متعفن آفريديم (26) و جن را هم قبلا از آتشباد آفريده بوديم (27) و هنگاميکه پروردگارت به ملائکه گفت که من آفريدگار بشري از ِگلي خشکيده از ِگلي سياه ميباشم (28) و هنگاميکه او را ساخته و پرداخته کردم و از روح خويش در او دميدم برايش به سجده افتيد (29) و ملائکه همگي سجده کردند (30) مگر ابليس که سرپيچيد که از ساجدان باشد (31) خداوند او را گفت اي ابليس چه ات شده که از ساجدان نيستي؟ (32) گفت من سجده کننده کسي نيستم که او را از ِگلي خشک از ِگلي سياه آفريده اي (33) گفت پس، از آن موقعیت خارج شو که تو رانده شده اي (34) و البته تا روز قيامت بر تو لعنت خواهد بود (35) گفت پروردگارا مرا تا روزي که برانگيخته مي شوند مهلت ده (36) گفت تو از مهلت يافتگاني (37) تا روزي که وقت آن معلوم است (38) گفت پروردگارا بسبب آن گمراهيي که برايم روا داشته اي در روي زمين براي آنان چیزهایی را زينت خواهم داد و همگيشان را گمراه خواهم کرد (39) مگر بندگان خالص شده ات را (40) گفت همين راهي است مستقيم که بر عهده من است (41) البته درباره بندگانم بدان که بر آنان تسلطي نداري . مگر کساني از گمراه شدگان که پيروي ات کنند (42) والبته جهنم وعده گاه همگي شان است (43) هفت درب دارد و هر دري براي قسمتي از آنان است (44) و تقواداران البته در بهشت ها و چشمه سارهائي ميباشند (45) به آنان خطاب می شود با امنيت و سلامت داخل شويد (46) و هر كينه اي را از دلهاشان ميزدائيم . برادر وار بر تختهائي روبروي يکديگر تکیه خواهند زد (47) و در آن نه رنجي به آنان ميرسد و نه از آن اخراج ميشوند (48) ای پیامبر! به بندگانم خبر ده که من البته خودم آن آمرزگار مهربان هستم (49) و عذابم نیز البته عذابي دردناک است (50)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : شيطان و تشريح فرايند گول زدن انسان و ذکر برخی از نمونه ها از الطاف الهي كه در آخرت شامل پيروان پيامبر- ص- مي شود .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! معجزه بزرگ را به تو داده ایم ، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند . پس ، دلگرم باش ، وبه آنها اهمیتی مده ، وکار رسالتت را کما کان پیگیر باش .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! توجه همگان وبخصوص کافران به اینهمه آیات صنع ، وآیات لطف ورحمت ، وآیات نعمت الهی جلب کن .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! علت مخالفت این کفار همان علتی است که ابلیس از فرمــان خداوندت سرپیچید ، لذا به آنها اهمیتی مده و کار رسالتت را کما کان پیگیر باش و پیروانت را که خود را از وسوسه های شیطانی دور نگه میدارند به موقعیت عالی آخرتی شان مژده ده .

**3 - سوالات**

1- «اغوا»ئی که ابلیس در باره خویش به خداوند نسبت داد چه توضیحی دارد؟ (نهایت بی ادبی؟ نهایت بی علمی؟ یا....؟)

2 - قلمرو نفوذ شیطان نسبت به انسان کجاهاست؟ (فقط ذهن علاقمندانش؟ یا...؟)

3 – منظور از «لعنت» (آیه35) چیست؟

4 - «معلوم» (آیه38) از نظرچه کسی معلوم است؟

5 – طرز سخن گفتن آیه41 ، از چه نوع است؟ (به زبان مخاطب؟ یا....؟)

**4 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿26﴾ وَالْجَآنَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ﴿27﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : ای پیامبر! لاجرم ماده اولیه انسان، نسبتی با «پائین» دارد.**

**2**

**وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلاَئِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿28﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُ سَاجِدِينَ ﴿29﴾ فَسَجَدَ الْمَلآئِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿30﴾ إِلاَّ إِبْلِيسَ أَبَى أَن يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿31﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلاَّ تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿32﴾ قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ﴿33﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿34﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ﴿35﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿36﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿37﴾ إِلَى يَومِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿38﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَغْوَيْتَنِي لأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الأَرْضِ وَلأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿39﴾ إِلاَّ عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿40﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ﴿41﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلاَّ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿42﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿43﴾ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿44﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : اکثر انسانها طوری هستند که شیطان در آنها طمع میکند و برایشان برنامه ریزی دارد، و تقوادارها در عالم انسانیت جزء اقلیت میباشند.**

**3**

**إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿45﴾ ادْخُلُوهَا بِسَلاَمٍ آمِنِينَ ﴿46﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿47﴾ لاَ يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿48﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : در زندگی بعدی، تقوادارها زندگی مطلوب خواهند داشت.**

**4**

**نَبِّىءْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿49﴾ وَ أَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الأَلِيمَ ﴿50﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : ای پیامبر!** **به مردم یاد بده که هم به خداوند** **امیدوار ، و هم از او ترس به دل داشته باشند.**

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 26 و 27 از این لحاظ که به زبانی سمبولیک برهه ای از تکوین نوع انسان را مطرح میکند، و زبان راسته و سره را بکار نمیگیرد، خودش نشانه ای از این دارد که موضوع مربوطه دارای پیچیدگی هایی است که برای توضیح آن نمیتوان زبان راسته و سره را بکار گرفت.

بعدا چه دانشمندان مسلمان و چه چند قرن بعد دانشمندان اروپائی روی موضوع پیدایش انسان در روی زمین تحقیقات مفصل انجام دادند، تا اینکه در قرن 19 میلادی نظریه «اصل انواع» ظهور یافت و این آیه ها مفهوم شد.

لذا آیه های مذکور فوق ذهنیات مخاطبان اولیه بوده است.

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

در این پاراگراف سطح علمی سخن از سطح امروز قرن 21 نیز بالاتر است .

که شبهه دیگری را رد میکند و آن شبهه این است که در قرآن هیچ مطلبی نیست که از سطح درک مخاطب های اولیه بالاتر باشد .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – ذکری از شيطان و تشريح فرايند گول زدن انسان

2 - ذکر برخی از نمونه ها از الطاف الهي كه در آخرت شامل پيروان پيامبر- ص- مي شود .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها، آیه های 27 و 28 و 36 تا 43 و 44 و 47 «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**باز هم داستان آفرینش**

در پاراگراف قبل چیزهائی راجع به زمین و پیدایش آن و آماده شدن برای زندگی بشر دیدیم.

در اینجا مطالبی راجع به پیدایش انسان در روی زمین می­بینیم.

اینکه آفرینش انسان را «از گِلی خشکیده از گِلی سیاه متعفن» قلمداد نموده ، با توجه به مطالب بند قبل که «مقدماتی» را برای پیدایش برشمرده و گویی که آسمان و زمین را چنان ساخته و چنان آماده نموده تا به حالتی برسد که بتواند انسان را در خود بوجود آورده و پرورش دهد ، نشان­دهنده این حقیقت است که پیدایش انسان طی فرآیندی طولانی صورت پذیرفته و تصور سنتی پیدایش آدم که بر طبق آن خداوند ، مانند مجسمه­سازان ، مشتی از خاک برگرفت و آن را نرم کرد و سپس شکل داد و آنرا مانند مجسمه­ای ساخت و سپس پرداخت ، و آنگاه در آن فوت کرد و اولین انسان بدینسان پیدایش یافت ، با این طرز بیان ، و بخصوص مقدماتی که در بند قبل آمده مطابقت ندارد .

البته در همینجا باید بگوییم که قسمتهایی از داستان پیدایش انسان ، در سوره­های اسراء ، طه ، همین سوره و سپس اعراف ، کهف و بقره مورد اشاره قرار گرفته است که مجموعاً درک نسبتاً خوبی بما می­دهد.

اما آنچه تاکنون ، در سوره­های اسراء و این سوره دیده­ایم ، تصور «خداوند مجسمه­ساز» را کمرنگ می­کند و بجای آن تصوری از خداوند می­نشاند که حکیم است و دارای برنامه­ریزی بلند مدت است که پیدایش آدمی را در روی زمین متأخر بر مقدمات طولانی چندین میلیون ساله قرار داده که از روی علم و براساس قواعد و قوانین علمی معقول و منطقی و قابل فهم عمل می­کند و هدف و منظور حکیمانه­ای از این آفرینش دارد که رشد و ساخته شدن شخصیت آدمی نیز جزئی از آن منظور است و یکی از وسایل آن نیز وجود شیطان و ایادی اوست که آدمی را گول بزند و آدمی پس از گول خوردن تنبه پیدا کند و در اثر این تنبه در نردبان پیشرفت شخصیتی بشریتی ، یک پله بالاتر برود.

اینک پس از این مقدمه بهتر است به داخل پاراگراف برگشته و روی بعضی کلمات و آیات توقف و تمرکزی بنمائیم :

**«گِلی خشکیده از گِلی سیاه متعفن»** نزدیک­ترین بیان است به مفهوم رسوبات کف دریاها که منشاء پیدایش اولیه­ترین تک یاخته­ای هاست که همه انواع حیات زمین از آنها بوجود آمده است .

**سجده ملائکه:** بین مطالب آیه 28 و 29 و 30 چقدر فاصله زمانی بود؟

طرز بیان مطلب (به خصوص با توجه به آیه 29) طوریست که به وضوح این نکته را القاء می­کند که موضوع این هر سه آیه ، در یک جلسه واقع شده وهنوز آدم آفریــده نشده بود .

در حالیکه هنوز آدم آفریده نشده ، ملائکه به چه چیزی سجده کردند؟

یادآوری آیه 1 سوره دهر بما کمک می­کند .

مطابق آیه 29 این سوره ، آدم هنوز آفریده نشده ، اما مطابق آیه 1 سوره دهر در علم خدا (و به زبان امروزی در نرم­افزار پرونده آفرینش انسان) هست و ملائکه به آنچه که در آن نرم­ افزار بود سجده کردند و بعبارت دیگر ملائکه به «انسان بالقوه» سجده کردند نه به «انسان بالفعل»

**ملائکه:** در زبان قرآن ، بخصوص اگر به بعضی قسم­های اوایل سوره­ها توجه کنیم «ملائکه» ، نمادِ «عواملِ کارگزاریِ» امورِ مختلفِ این جهان هستند .

**سجده ملائکه بر آدم:** بطور نمادین ، به معنی «هماهنگ شدنِ کلیه عواملِ هوشمندِ کارگزاریِ کلِ جهان با برنامه آفرینش انسان» است بطوریکه زندگی انسان در این جهان ، با حداکثر هماهنگی عوامل کارگزاری و کمترین مشکل مواجه باشد .

یعنی اینکه همه عوامل (و به تفسیر سعدی ابر و باد و مه و خورشید و فلک و همه بی­نهایت عوامل دیگر) دست به دست هم بدهند تا «پروژه ساخته شدن شخصیت بشریت در این زمین با حداکثر راندمان و کمترین ضایعات» پیش برود .

**من از او بالاترم:** با توجه به آیه 33 به فرض صحت تصور ابلیس مبنی بر کم ارج­تر بودن گل بر آتش ، اینکه خداوند از چیزی که از ماده اولیه کم ارج­تری ساخته شده ، چیزی بوجود بیاورد که بالاتر از چیزی شود که ماده اولیه­اش ارجمندتر بوده ، درجه عالیِ قدرتِ خالقیت و هنرمندیِ خداوند متعال را می­رساند و جای ایرادی نیست و از همینجا معلوم می­شود منطق ابلیسی ، منطقی ظاهربینانه و غیرعمیق است .

**چنین و چنان خواهم کرد :** توجه در آیه 39 نیز این نکته را برایمان روشن می­کند که منطق ابلیسی منطقی بسیار خودبین و کوته­فکرانه است .

( تو که وجودت از خداست ، در مِلک خداست ، با نیرو و قوت خدا ، آیا می­توانی علیرغم خواست خدا کاری کنی؟ آنچه را که تو فکر می­کنی برای تشفی غیظ و غضبت انجام می­دهی ، خودش چیزیست که قبلاً برنامه­ریزی شده و تو فقط فکر می­کنی که «بطور مستقل» انجام دهنده­اش هستی)

**گمراه­شدگان عمدی:** (مطابق شرحی که در سوره نجم راجع به واژه «غیّ» عرض کردیم) ، شخصی کاری می­کند و در اثر آن کار گمراه می­شود ، این شخص «گمراه عمدی» است ، مانند کسی که مواد مخدر مصرف می­کند و در اثر آن از جاده عقل و فضیلت خارج می­شود و بعبارت دیگر گمراه می­شود . چنین شخصی این گمراهی را خودش برای خودش ایجاد کرده و معنی «غاوین» که در متن آیه 42 آمده ، نزدیک به همین مفهوم است.

**هفت در**

در آیه 44 درباره جهنم توصیفی ندارد فقط به ذکر این نکته کفایت نموده که جهنم هفت درب دارد که هر کدام برای قسمتی از آنان است.

اینکه جهنم هفت درب داشته باشد چه اهمیتی دارد؟

مثلاً اگر شش یا هشت درب می­داشت چه فرقی می­کرد؟

باید توجه داشته باشیم که مفاهیمی مانند قیامت و جهنم و بهشت و امثال آنها ، چیزهائیست که ما هیچ راهی برای درک آنها نداریم .

همانطور که جنینِ داخل رحم هیچ راهی برای درک این جهان ندارد. همینطور است درباره جهنم و اینکه «در»هایش هفت­تاست .

باید بدانیم قرآن به زبان مخاطب صحبت کرده و باید بفهمیم که «هفت در» یعنی «راه­های ورودی متعدد». و چنین بنظر می­رسد که علت متعدد بودن راه­های ورودی ، طبقه­بندی آنها برحسب نوع گناهان باشد .

اما در هر حال ، هرچه باشد ، فرقهایی با هم دارند و ورودی­هایشان جداست و شاید هم «هفت در» کنایه­ای از این باشد که «در اول» ورودی اصلی است و آنچه بین «در اول» و «در دوم» هست جایگاه کسانی است «جرائم سبک­تر» دارند تا آنکه به در هفتم برسد که آنها «جهنمی در جهنمی در جهنمی ...» بوده ، و صاحب بدترین و سنگـــین­ترین و غیرقابل بخشش­ترین گناهان باشند که جایشان در آنجا است .

**خوف و رجا**

در قرآن آیاتی از قبیل «ادعوا ربکم تضرعا و خفیه» و همتراز با آن زیاد است و آیه های 49 و 50 نیز یکی از آن آیات همتراز است.

**جمع بندی و تفسیر**

**و انسان را از ِگلي خشکيده از ِگلي سياه متعفن آفريديم (26) و جن را هم قبلا از آتشباد آفريده بوديم (27) و هنگاميکه پروردگارت به ملائکه گفت که من آفريدگار بشري از ِگلي خشکيده از ِگلي سياه ميباشم (28) و هنگاميکه او را ساخته و پرداخته کردم و از روح خويش در او دميدم برايش به سجده افتيد (29) و ملائکه همگي سجده کردند (30) مگر ابليس که سرپيچيد که از ساجدان باشد (31) گفت اي ابليس چه ات شده که از ساجدان نيستي؟(32) گفت من سجده کننده کسي نيستم که او را از ِگلي خشک از ِگلي سياه آفريده اي (33) گفت پس از آن خارج شو که تو رانده شده اي (34) و البته تا روز قيامت بر تو لعنت خواهد بود (35) گفت پروردگارا مرا تا روزي که برانگيخته مي شوند مهلت ده (36) گفت تو از مهلت يافتگاني (37) تا روزي که وقت آن معلوم است (38) گفت پروردگارا بسبب آن گمراهيي که برايم روا داشته اي در روي زمين براي آنان زينت خواهم داد و همگيشان را گمراه خواهم کرد (39) مگر بندگان خالص شده ات را (40) گفت همين راهي است مستقيم** (که) **بر** (عهده) **من است (41) البته درباره بندگانم** (بدانکه) **بر آنان تسلطي نداري . مگر کساني از گمراه شدگان که پيرويت کنند (42) والبته جهنم وعده گاه همگي شان است (43) هفت در دارد و هر دري براي قسمتي از آنان است (44)** **و تقواداران البته در بهشت هايي و چشمه سارهائي ميباشند (45)** [به آنان خطاب می شود] **با امنيت و سلامت داخل شويد (46) و هر كينه اي را از دلهاشان ميزدائيم . برادروار بر تختهائي روبروي يکديگرند (47) در آن نه رنجي به آنان ميرسد و نه از آن اخراج ميشوند (48) به بندگانم خبر ده که من البته خودم آن آمرزگار مهربان هستم (49) و عذابم البته عذابي دردناک است (50)**

**حجر4 آیات51تا84**

**وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْراَهِيمَ ﴿51﴾ إِذْ دَخَلُواْ عَلَيْهِ فَقَالُواْ سَلامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ﴿52﴾ قَالُواْ لاَ تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلامٍ عَلِيمٍ ﴿53﴾ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿54﴾ قَالُواْ بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلاَ تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ﴿55﴾ قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلاَّ الضَّآلُّونَ ﴿56﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿57﴾ قَالُواْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿58﴾ إِلاَّ آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿59﴾ إِلاَّ امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ﴿60﴾ فَلَمَّا جَاء آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿61﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ﴿62﴾ قَالُواْ بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿63﴾ وَأَتَيْنَاكَ بَالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿64﴾ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلاَ يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ وَامْضُواْ حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿65﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلاء مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿66﴾ وَجَاء أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿67﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلاء ضَيْفِي فَلاَ تَفْضَحُونِ ﴿68﴾ وَاتَّقُوا اللّهَ وَلاَ تُخْزُونِ ﴿69﴾ قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿70﴾ قَالَ هَؤُلاء بَنَاتِي إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿71﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿72﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿73﴾ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿74﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿75﴾ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقيمٍ ﴿76﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّلْمُؤمِنِينَ ﴿77﴾ وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿78﴾ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿79﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿80﴾ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُواْ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿81﴾ وَكَانُواْ يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿82﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿83﴾ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿84﴾**

**ای پیامبر! آنها را از داستان مهمانان ابراهيم آگاه كن (51) هنگاميکه بر او داخل شدند و سلامي گفتند، گفت از شما بيمناکيم (52) گفتند بيم مدار که تو را به پسري دانا بشارت ميدهيم (53) گفت آيا در حاليکه به بزرگسالي رسيده ام بشارتم ميدهيد؟ ديگر چه مژده اي ميدهيد؟ (54) گفتند از نوميدان مباش که به حق مژده ات ميدهيم (55) گفت چه کسي غير از گمراهان از رحمت پروردگارش نوميد مي شود؟ (56) سپس گفت کارتان چيست اي فرستادگان؟ (57) گفتند بسوي قومي مجرم فرستاده شده ايم (58) قوم لوط! البته غير از پیروان لوط که همگي آنها را نجات خواهيم داد (59) مگر زنش که چنين تقدير نموده ايم که از ماندگان باشد (60) پس هنگاميکه آن فرستادگان بسوي لوط آمدند (61) گفت شما مردمي ناشناسيد (62) گفتند بلکه براي آنچه که درباره اش به شک هستند بسويت آمده ايم (63) و حق را بسويت آورده ايم و راست ميگوئيم (64) پس اهل خويش را در پاره اي از شب ببر و خودت هم پشت سر آنها برو و هيچکدامتان به پشت سر خويش برنگردد و همانطور که گفته شد برويد (65) و آن امر را با او در ميان گذاشتيم که صبحگاهان دنباله آنها بريده خواهد شد (66) و اهل آن شهر که خبر از آنچه قرار است دچارش شوند نداشتند شادي کنان آمدند (67) لوط به آنان گفت اينها مهمان منند ، آبرويم نريزيد (68) و از خدا پروا کنيد و خوارم نکنيد (69) گفتند مگر تو را از ارتباط با مردم عالم نهي نکرديم؟ (70) گفت اينها دختران منند اگر فاعليد (71) ای پیامبر! نمیدانی که آنها چقدر در مستي شان سرگشته بودند (72) و هنگام برآمدن خورشيد آن صداي بلند آنها را بگرفت (73) و بالايشان را پائين شان قرار داديم و از سنگهائي از سجيل بر آنها بارانديم (74) البته در اين براي نشانه شناسان نشانه هائي است (75) و البته بقایایشان بر سر راهي پابرجا است (76) که البته در اين نشانه هائي براي مومنان است (77) و ياران ايكه نيز ظالم بودند (78) واز آنها انتقام گرفتيم و البته هر دوشان بر شاهراهي آشکارند (79) و البته ياران حجر نيز فرستادگان را تکذيب کردند (80) و آياتمان را به آنها عرضه کرديم اما از آن روگردان شدند (81) و آنان از کوه ها اطاق هائي مي کندند و در امان بودند (82) پس صبحگاهان آن فرياد بلند بگرفتشان (83) و آنچه بدست مي آوردند دردي از آنها دوا نکرد (84)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : نمونه اي از الطاف الهي كه در همين جهان شامل يكي از صالحان شد و نمونه­ای از اقوام تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کردند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! معجزه بزرگ را به تو داده ایم ، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند . پس ، دلگرم باش ، وبه آنها اهمیتی مده ، وکار رسالتت را کما کان پیگیر باش .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! توجه همگان وبخصوص کافران به اینهمه آیات صنع ، وآیات لطف ورحمت ، وآیات نعمت الهی جلب کن .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! علت مخالفت این کفار همان علتی است که ابلیس از فرمــان خداوندت سرپیچید ، لذا به آنها اهمیتی مده و کار رسالتت را کما کان پیگیر باش و پیروانت را که خود را از وسوسه های شیطانی دور نگه میدارند به موقعیت عالی آخرتی شان مژده ده .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! به پیروانت دلداری ده که اگر بر این آموزه ها پای بفشارند بعید نیست که خداوند با آنان چنان رفتاری کند ، وچنان نعمت هائی به آنــان روا دارد که نسبت به پیامبران برجسته اش روا داشته است . و ای پیامبر ! به این قوم هشدار ده که خیره سری را از حدودی نگذرانند زیرا ممکن است به عذاب هلاکت دستجمعی گرفتار شوند .

**3 - سوالات**

1 – منظور از «خطب» (آیه57) چیست؟

2 – منظور از «غابرین» (آیه60) چیست؟

3 - فاعل فعل«قضینا» (آیه66) کیست؟

4 - متن آیه66 با موضوع کدام کلید تفسیر منطبق است؟

5 - قوم لوط دنبال لواط بودند ، لذا آیه 71 چه توجیهی دارد؟

6 – در آیه 71 «بنات» ، به چه معنی بکار رفته؟ (لغوی یا اصطلاحی؟)

7 - معنی اصطلاحی«بنات» مذکور چیست؟ (جنس مونث ازامت من؟ جنس مونث از قوم من؟ یا.....؟)

8 - سکانس عملیاتی آیه 74 را پیشنهاد کنید (اول زیر و رو کردن و سپس سنگباران سجّیل؟ یا اول سنگباران سجّیل و در نتجهء آن ، زیر و رو شدن؟ یا......؟)

9 - چه سابقه ای از مطالب این پاراگراف در سوره های قبل دارید؟

10 – منظور از سوره های قبل چیست؟ (به ترتیب نزول؟ به ترتیب رایج؟ یا......؟)

11- منظور از «امام» (آیه 79 ) چیست؟

12- منظور از «امام مبین» (همان آیه) چیست؟

13- منظور از «آیات» (آیه 81 ) چیست؟

14 – چرا در آیه 79 فرموده «انّهما» (= آن هردو)؟ واضح است یکی از آنها «اصحاب الایکه» (آیه87) است ، منظور از دومی کیست؟

15 – با توجه به آیه 80 ، اصحاب حجر چند پیامبر داشتند؟

16 - بطورکلی منظور از آیه 82 چیست؟ (آیا «آمنین» صفت «بیوتا» است یا صفت فاعلین فعل «ینحتون»؟ یا.....؟)

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه 78) : (المیزان) : «انهما لبامام مبین» (یعنی – آثار - آنها در شاهراهی قرار دارند) ، المیزان ، «شاهراه» را راه بازرگانی «مدینه–شام» گرفته ، در حالیکه از لحاظ ترتیب نزول ، این سوره چند سال قبل از هجرت نازل شده و شاهراه مربوط به «مکه–شام» است .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 51 تا 56 الطافی را که به حضرت ابراهیم شده به یاد می آورد با این پیشگوئیِ تلویحی که ای پیامبر برای تو نیز الطاف خودمان را منظور کرده ایم که به وقتش ارائه میکنیم .

در آیات 57 تا 84 سرگذشت دو قوم از اقوام پیشین را ذکر کرده که اصرار در تکذیب و نافرمانی پیامبرشان سبب اضمحلالشان شد ، و در این یک پیشگوئیِ تلویحی نهفته است که ای پیامبر فعالان مخالفان تو نیز بزودی تغییر رویه خواهند داد یا مضمحل خواهند گردید .

**6 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْراَهِيمَ ﴿51﴾ إِذْ دَخَلُواْ عَلَيْهِ فَقَالُواْ سَلامًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ﴿52﴾ قَالُواْ لاَ تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلامٍ عَلِيمٍ ﴿53﴾ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَى أَن مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿54﴾ قَالُواْ بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلاَ تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ﴿55﴾ قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلاَّ الضَّآلُّونَ ﴿56﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : نمونه اي از الطاف الهي كه در همين جهان شامل يكي از صالحان شد.**

**2**

**قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿57﴾ قَالُواْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿58﴾ إِلاَّ آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿59﴾ إِلاَّ امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ﴿60﴾ فَلَمَّا جَاء آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿61﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ﴿62﴾ قَالُواْ بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُواْ فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿63﴾ وَأَتَيْنَاكَ بَالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿64﴾ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلاَ يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ وَامْضُواْ حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿65﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَؤُلاء مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ ﴿66﴾ وَجَاء أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿67﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلاء ضَيْفِي فَلاَ تَفْضَحُونِ ﴿68﴾ وَاتَّقُوا اللّهَ وَلاَ تُخْزُونِ ﴿69﴾ قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿70﴾ قَالَ هَؤُلاء بَنَاتِي إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ ﴿71﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿72﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿73﴾ فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿74﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿75﴾ وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُّقيمٍ ﴿76﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّلْمُؤمِنِينَ ﴿77﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : نمونه­ای از یک قوم تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کرد.**

**3**

**وَإِن كَانَ أَصْحَابُ الأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿78﴾ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿79﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : نمونه­ای از یک قوم تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کرد.**

**4**

**وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿80﴾ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُواْ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿81﴾ وَكَانُواْ يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿82﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿83﴾ فَمَا أَغْنَى عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿84﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : نمونه­ای از یک قوم تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کرد.**

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه های 73 تا 77 حتی اینک پس از 1400 پس از نزولش از لحاظ رمز گشائی فرقی با روزهای نزولش نکرده و ده ها و بلکه صدها سوال درشت دارد که هریک به ده ها بلکه صدها سوال مرتبط دیگر میرساند.

واقعا چقدر باید یکنفر پرت باشد تا بگوید قرآن مطلبی فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - نمونه اي از الطاف الهي كه در همين جهان شامل يكي از صالحان شد

2 -نمونه­ای از اقوام تکذیبگر گناه پیشه که خود را از دایره الطاف الهی خارج کردند و در همین جهان دچار عذاب انقراض شدند (و عذاب آخرت شان هم محفوظ خواهد بود)

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصرِ مربوط به داستان حضرت لوط در این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**انفجار بزرگ ، یا انفجار هسته­ای**

برای توضیح آیه 65 باید شرحی عرض کنیم:

از آیه 74 فهمیده می­شود عذاب هلاکت قوم لوط می باید عذاب ویژه­ای بوده باشد.

تاکنون در داستانهای پیامبران با بعضی از انواع عذاب­ها آشنا شده­ایم.

( طوفان نوح ، باد سخت مداوم 180 ساعته ، صدای مهیب نابودکننده ، و غیره ، اما آنچه در آیه 74 آمده کاملاً متفاوت است )

«بالایشان را پائین» قرار دادن یعنی اینکه شهر از جایش کنده شده ، به ارتفاعی بالا برده شده ، و سپس واژگون شده ، و آنگاه در همان حالت واژگونی به پائین برگشته باشد .

در آیه 65 به لوط سفارش شده که نه خودش و نه هیچیک از پیروانش به پشت سر خویش برنگردند و موضوع آنقدر اهمیت داشته که به لوط تأکید شده که تو پشت سر همه آنها قرار گیر (تا آنها از این توصیه تخلف نکنند)

اگر لوط یا یکی از پیروانش از این دستور تخلف می­کردند و به پشت سر خویش نگاه می­کرد چه می­دید؟

حتماً اتفاقاتی را که آیه 74 به آن اشاره دارد می­دید .

و چرا نباید آن را می­دید؟

عقل معمولی بما می­گوید آنها برای دیدن آن صحنه انگیزه قوی داشتند . پس منع نشدند مگر بخاطر اینکه دیدن آن صحنه برایشان ضرر داشته است.

انگیزه آنها برای دیدن آن صحنه این بود که آنها یکی از صحنه­های ظهور قدرت خداوندی را می­دیدند ، و این ، برایشان هم مایه لذت و هم مزید ایمان بود و لذا دیدن آن منع عقلی نداشت بلکه توجیه عقلی هم داشت پس منع آن هیچ دلیلی ندارد مگر اینکه حاوی ضرری برای آنها بوده باشد .

در این موضوع چه ضرری بوده است؟

به احتمال قوی این موضوع بالا پریدن آن شهر و واژگون شدن و افتادن آن ، در نتیجه یکنوع انفجار بسیار قوی بوده که دیدن آن با چشم غیر مسلح احتمال خطر و بلکه کوری داشته و شاید علت منع آنها نیز همین بوده است .

اینکه از آن دور باشند و به آن نگاه نکنند نیز مؤید همین احتمال است .

حتماً پس از اینکه لوط از حقیقت ماجرا خبردار شد فوراً دست بکار شد و پیروان خود را جمع و جور کرد . هرچه چیزهای دم دستی که بنظرشان مهم می­آمد جمع کردند و جان به در بردند و حتماً با شتاب راه می­سپردند .

و چون مطابق آیه 66 ، آن اتفاق هنگام صبح افتاد ، معلوم می­شود لوط و پیروانش از آن نقطه خیلی دور شده بودند .

و چون هنوز توصیه «مبادا به پشت سر خویش برگردید» برقرار بود ، معلوم می­شود شدت انفجار و شدت شعاع تابش و شدت نور آن آنقدر زیاد بوده که حتی برای فاصله طولانی هم ایجاد ضرر می­نموده است.

همه این علائم ما را به یک حادثه انفجار هسته­ای می­رساند که آن ملائکه مأمور نیــز متخصصان ایجاد و کنترل آن بودند.

**«مستی» و «لواط»**

آیات 67 تا 72 مطالبی را برایمان روشن می­کند :

1- قوم لوط از وجود مهمانان او مطلع گشته و شاد شدند ،

2- آنها برای دست یافتن بر مهمانان لوط به طرف منزل او هجوم بردند،

3- آنها نسبت به مهمان لوط قصد سوء و گناه داشتند ،

4- آنها قوی و لوط و پیروانش در مقابل آنها کاملاً ضعیف بودند بطوریکه لوط به نحوی در محاصره آنان بود ،

5- قصد سوء و گناهی که آنان نسبت به مهمان­های لوط داشتند ، سوء استفاده جنسی از آنان بود و کارشان هم لواط بود .

زیرا پیشنهاد «دختران من» به آنان برای نجات مهمانان خویش ، خواننده را به همین معنی می­رساند ،

6- نمی­توان گفت آنها از شوق آن عمل زشت که فکر می­کردند قریب­الوقوع باشد آنقدر به هیجان آمده باشند که مست شده باشند بلکه از آیه 72 باید به این نکته منتقل شویم که آنها یا در اثر مشروب الکلی اصطلاحاً «مست» بودند یا نوعی مواد مخدر را شناخته بودند و از آن استفاده می­کردند .

**چند برداشت کوتاه و مستقیم**

آیه 73: فرضیه ما را راجع به «انفجار» و «انفجار مهیب» و بلکه «انفجار عظیم» تأیید می­کند .

آیه 74: «سجّیل» چنانکه مرحوم آیت­الله طالقانی در تفسیر «پرتوی از قرآن» خویش اشاره نموده ، آنرا معرّب «سنگ – گِل» قلمداد نموده، در این مورد کاملاً مفهوم است . تصور کنید در اثر انفجار مهیب ، تمام شهر از جا کنده شده ، و به آسمان پرتاب شده ، و در آنجا چرخ خورده، و به زمین برگردد.

پس از «افتادن» چنین چیز عظیمی ، مقدار بسیار زیادی خاک و خاکستر و سنگ­ریزه و سنگ درشت خواهد بارید که قسمتی از آن می­تواند مربوط به خود شهر بوده باشد و قسمتی دیگر مربوط به آن مواد انفجاری ،

بعبارت دیگر پس از تشکیل «قارچ انفجار» و پس از گذشت مدتی از تشکیل آن ، آنها نیز لاجرم به زمین فرود آمده و «بارانی از سنگ و گلِ مخلوط» به وجود آورده باشد .

آیه 75: اگر آدمهای فهمیده و با فراست اندکی تعمق و تفرس کنند نشانه­های آن را درخواهند یافت .

این پیامی است برای باستانشناسان که این سرنخ را تعقیب کنند و اگر چنین کنند، چیزهای باارزشی خواهند یافت و برگهائی بر کتاب قطور افتخارات اعجازی قرآن افزوده خواهد شد .

آیه 76: می باید برای باستان­شناسان جالب ­باشد .

معنی آن این است که جایی که شهر لوط بود ، اینک «جاده» و «محل رفت و آمد» است .

بعبارت دیگر، وقتی که این آیه نازل شده بود ، یعنی وقتی که هنوز مسلمانان به مدینه مهاجرت نکرده بودند ، یکی از جاده­های معلوم رفت و آمد اعراب در آن زمان ، محل موردنظر این آیه است .

**قوم «ایکه» همان قوم شعیب و «اصحاب حجر» همان قوم ثمود است**

در این سوره فقط اسمی از اهل شهر «ایکه» برده ، ولی در سوره شعراء سابقه­ای از آنان دیدیم که از آن معلوم می­شود آنها همان قوم شعیب هستند . اما در این سوره این را اضافه می­کند که آنها نیز مانند شهر لوط در سر راه و در جاده­ای هستند و هر دو در همان جاده هستند و معنی آن برای باستان­شناسان این است که پیدا کردن یکی به معنای پیدا کردن دیگری نیز هست

پیگیری این سرنخ نیز به کشف یک معجزه قرآنی منجر خواهد شد.

ضمناً تشابهاتی بین اصحاب حجر که در این سوره آمده و قوم ثمود هست . هم در توصیف آنان ، و هم در نحوه عذاب هلاکتشان . لذا «اصحاب حجر» نیز قاعدتاً باید همان قوم ثمود باشند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و آنها را از مهمانان ابراهيم آگاه كن(51) هنگاميکه بر او داخل شدند و سلامي گفتند، گفت از شما بيمناکيم (52) گفتند بيم مدار که تو را به پسري دانا بشارت ميدهيم (53) گفت آيا در حاليکه به بزرگسالي رسيده ام بشارتم ميدهيد؟ ديگر چه مژده اي ميدهيد؟(54) گفتند از نوميدان مباش که به حق مژده ات ميدهيم (55) گفت چه کسي غير از گمراهان از رحمت پروردگارش نوميد مي شود؟(56)** **گفت کارتان چيست اي فرستادگان؟(57) گفتند بسوي قومي مجرم فرستاده شده ايم (58) غير از نزديکان لوط که همگي آنها را نجات خواهيم داد (59) مگر زنش که چنين تقدير نموده ايم که از ماندگان باشد (60) پس هنگاميکه آن فرستادگان بسوي لوط آمدند (61) گفت شما مردمي ناشناسيد (62) گفتند بلکه براي آنچه که درباره اش به شک هستند بسويت آمده ايم (63) و حق را بسويت آورده ايم و راست ميگوئيم (64) پس اهل خويش را در پاره اي از شب ببر و خودت هم پشت سر آنها برو و هيچکدامتان به پشت سر خويش برنگردد و همانطور که گفته شد برويد (65) و آن امر را با او در ميان گذاشتيم که صبحگاهان دنباله آنها بريده خواهد شد (66) و اهل آن شهر شادي کنان آمدند (67) گفت اينها مهمان منند ، آبرويم نريزيد (68) و از خدا پروا کنيد و خوارم نکنيد (69) گفتند مگر تو را از مردم عالم نهي نکرديم؟ (70) گفت اينها دختران منند اگر فاعليد (71) بجان تو آنها در مستي شان سرگشته بودند (72) و هنگام برآمدن خورشيد آن صداي بلند آنها را بگرفت (73) و بالايشان را پائين شان قرار داديم و از سنگهائي از سجيل بر آنها بارانديم (74) البته در اين براي نشانه شناسان نشانه هائي است (75) و البته آن بر سر راهي پابرجا است (76) که البته در اين نشانه هائي براي مومنان است (77)** **و ياران ايكه نيز ظالم بودند (78) واز آنها انتقام گرفتيم و البته هر دوشان بر شاهراهي آشکارند (79) و البته ياران حجر نيز فرستادگان را تکذيب کردند (80) و آياتمان را به آنها عرضه کرديم اما از آن روگردان شدند (81) و آنان از کوه ها اطاق هائي مي کندند و در امان بودند (82) پس صبحگاهان آن فرياد بلند بگرفتشان (83) و آنچه بدست مي آوردند دردي از آنها دوا نکرد (84)**

**حجر5 آیات85تا99**

**وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلاَّ بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿85﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلاَّقُ الْعَلِيمُ ﴿86﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿87﴾ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلاَ تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿88﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿89﴾ كَمَا أَنزَلْنَا عَلَى المُقْتَسِمِينَ ﴿90﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿91﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِيْنَ ﴿92﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿93﴾ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿94﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿95﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللّهِ إِلهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿96﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿97﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿98﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿99﴾**

**و آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست جز به حق نيافريديم و قيامت حتما مي آيد، پس ای پیامبر! نسبت به اینان، با گذشتي نيكو در گذر (85) البته پروردگارت آفريدگاري داناست (86) و البته به تو ای پیامبر! هفت تا از آن سخناني که يکديگر را تصديق مي کنند، و نيز این قرآن بزرگ را ، داده ايم (87) چشمانت را بر آنچه که به گروههائي از آنان داده ايم تا در این دنیا برخوردارشان کنيم با حسرت مکش، و بر آنان اندوهگين مباش و با مومنان فروتن باش (88) و بگو من هشدار دهنده اي آشکارم (89) چنانکه بر قسمت کنندگان نیز پیامبری فرو فرستاده شده بود (90) که بر کسانی که کتاب آسمانی شان را قسمت- قسمت کردند و قسمتی را قبول و قسمتی را رد میکردند (91) پس قسم به پروردگارت که از همگي آنها بازخواست ميکنيم (92) از آنچه که انجام ميدادند (93) پس آنچه را که مامور شده اي آشکار کن واز مشركان رويگردان باش (94) که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفايت ميکنيم (95) همانهائی که به خیال خویش با خداوند چیزی دیگر شریک قرار میدهند، که البته بزودي نتیجه رفتارشان را خواهند دانست (96) و البته ميدانيم از آنچه ميگويند دلتنگ ميشوي (97) پس به ستايش پروردگارت تسبيح گوي و از ساجدان باش (98) و عبادت پروردگارت کن تا حداکثر یقینی که در استعدادت هست بر تو درآيد (99)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : اي پيامبر! چنين الطافي بتو شده است چنين کن و چنين بگو.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر ! معجزه بزرگ را به تو داده ایم ، اما این کافران قابلیت درک آن را ندارند . پس ، دلگرم باش ، وبه آنها اهمیتی مده ، وکار رسالتت را کما کان پیگیر باش .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! توجه همگان وبخصوص کافران به اینهمه آیات صنع ، وآیات لطف ورحمت ، وآیات نعمت الهی جلب کن .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! علت مخالفت این کفار همان علتی است که ابلیس از فرمــان خداوندت سرپیچید ، لذا به آنها اهمیتی مده و کار رسالتت را کما کان پیگیر باش و پیروانت را که خود را از وسوسه های شیطانی دور نگه میدارند به موقعیت عالی آخرتی شان مژده ده .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر ! به پیروانت دلداری ده که اگر بر این آموزه ها پای بفشارند بعید نیست که خداوند با آنان چنان رفتاری کند ، وچنان نعمت هائی به آنــان روا دارد که نسبت به پیامبران برجسته اش روا داشته است . و ای پیامبر ! به این قوم هشدار ده که خیره سری را از حدودی نگذرانند زیرا ممکن است به عذاب هلاکت دستجمعی گرفتار شوند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! به نعمت های بزرگی که به تو داده ایم بنگر وآنها رادائما درنظر داشته باش وآرزوی چیز دیگر مکن وبرای این منظور ازاین پس به ایــن عبادات بپرداز .

**3 - سوالات**

1-حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (دلداری پیامبر- ص-و ارشاد او ؟ یا....؟)

2- ازمطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3 – منظور از «حق» (آیه85) چیست؟

4 – منظور از «یقین» (آیه99) چیست؟

5 - الف لام روی کلمه یقین الف لام جنس است یا عهد؟

6 - (درصورت جواب صحیح سوال فوق) منظور از آیه 99 چیست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 87 و 88 فهمیده میشود که گاهی آنحضرت دلگیر و افسرده میشدند که چرا خداوند اینهمه ثروت و ناز و نعمت را هدر و به این نوع اشخاصِ . . داده که خداوند به او یادآوری میکند که نعمت درست و حسابی را به تو داده ایم ، و در آیه 97 نیز همان حرفهای دائمی را برای آنحضرت تکرار کرده که از آنچه میگویند بیش از حد دلگیر مشو . و در آیه 95 برای ترفیع روحیه آنحضرت مژده ای به او داده و در آیه های 98 و 99 بازهم راه رشد و تکامل بیشترش را با چند توصیه عبادتی به او نشان داده است .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

1- با توجه به آیه 87 البته تقریباً می­دانیم این سوره هنگامی نازل شده که پیامبر اکرم(ص) به نیمه راه رسالتش رسیده بودند و هنوز نزول قرآن تکمیل نشده بود و در این آیه ادامه حیات آنحضرت و توفیق الهی که ایشان بتواند بار رسالت را به سرمنزل نهائی برساند و نزول قرآن تکمیل شود پیشگوئی شده ، و چون این پیشگویی محقق هم شده لذا در زمره معجزات می­باشد.

2- با توجه به اینکه آیه های 94و95 بطور کامل محقق شد و آنها نتوانستند چشم زخمی به آن حضرت بزنند و نیز انتهای آیه 96 نیز که تحقق یافت ، دو پیشگوئی است که محقق شده و آنها نیز در عداد معجزات قرآنی قرار دارند .

**6 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه های 90 و 91):(المیزان) : مقصود از مقتسمين همانهايند كه خداى تعالى در جمله" الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ" توصيفشان كرده، و به طورى كه در روايات آمده طائفه‏اى از قريش بودند كه قرآن را پاره پاره كرده عده‏اى گفتند سحر است، عده‏اى ديگر گفتند افسانه‏هاى گذشتگان است، جمعى گفتند ساختگى است، و نيز راه ورودى به مكه را قسمت قسمت كردند، در موسم حج هر چند نفرى سر راهى را گرفتند تا نگذارند مردم نزد رسول خدا (ص) بروند، و به زودى روايات مذكور در بحث روايتى خواهد آمد

در اینجا روایت را بر متن حاکم کرده ، در حالیکه معقول نیست زیرا آن روزها که هنوز نصف حجم قرآن هم نازل نشده بود قرآن در سینه مسلمانان بود و گرچه آنحضرت راجع به نوشته شدن قرآن اهتمام داشت و عده ای را مامور نوشتن وحی نموده بود اما نسخه های این نوشته ها معدود و دور از دسترس اغیار بود و آنها نمیتوانستند چنان کارهایی کنند و هیچ مورخی هم چنین چیزی نگفته و اگر گفته بود بما میرسید .

اما معنی صحیح این است که «بخش کنندگان قرآن» به آن معنی است که چندین بار در قرآن آمده ، و یعنی اینکه قسمتی از مفاهیم قرآن را تصدیق و قسمتی را تکذیب میکنند وموضوع فوق همخط است با «افتومنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض»

**2** (آیه 99) :«یقین» را به معنی مرگ گرفته و آیه را از معنی صحیحش انداخته

طبعا آنحضرت در روز اول دریافت وحی با روز آخر آن مساوی نبود . عالَم پیامبری هم مانند عالم انسانی رشد و تکامل دارد و اینهمه آیات حاویِ صبرکن و حرص نخور و منتظر باش – که از بس زیاد است نیازی به استشهاد نیست – دلیل آن است ، اما المیزان مانند اکثر همسلکان خویش این مطلب را قبول ندارد و روایت «انا نبیّ و آدم بین الماء و الطین» را – که البته مورد بدفهمی قرار گرفته - فیلتری قرار داده که مانع میشود چیزهای عادی را درک کند ، بنا به نظر عادی و معقول ، پیامبر (ص) نیز در استعدادش «یقین»ی نهفته بود که هنگام نزول این آیات هنوز به آن اندازه حداکثریِ خویش نرسیده بود و آیه میگوید برای اینکه به آن یقین حداکثری ظرفیتهایت برسی عبادت پیشه کن (نه اینکه مانند مدلول آیه های88 و 95 و 97 همین پاراگراف و آیات بسیار زیاد قبلی و بعدی) افسرده شوی که چرا مسخره ات میکنند و چرا دست و بالت تنگ است و چرا اطرافیانت فقیرند و . . . ) و برای اینکه رفع دلتنگیت بشود باید به چنان یقینی برسی که اینها در نظرت مهم نیاید و برای رسیدن به آن به عبادت (بیشتر و بهتر) بپرداز (نه اینکه آنقدر عبادت کن که مرگت فرا رسد – چنانکه المیزان گفته)

**7 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 90 تا 93 بدون اینکه فرع بر آیه باشند پرانتزی هستند، دلیلش هم اینکه اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و انتهای آیه 89 را به ابتدای آیه 94 وصل کنیم می­بینیم روال سخن صاف­ و یکدست­ می­شود.

آیه 86 فرع بر آیه 85 است و این واضح است.

آیه 96 نیز فرع بر آیه 95 است و این نیز واضح است.

همچنین است فرعی بودن آیه 97 نسبت دو آیه 95 و 96 و این نیز واضح است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلاَّ بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿85﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلاَّقُ الْعَلِيمُ ﴿86﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : اي پيامبر! خداوندت این آسمانها و زمین را به مقصودی حکیمانه آفریده، پس دل خوش دار و با این قومت حوصله کن.**

**2**

**وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿87﴾ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلاَ تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿88﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿89﴾** كَمَا أَنزَلْنَا عَلَىالمُقْتَسِمِينَ ﴿90﴾ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿91﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِيْنَ ﴿92﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿93﴾

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : اي پيامبر! چنين الطاف عظیمی به تو شده، قدردان باش و به رسالتت بچسب.**

**3**

**فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿94﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿95﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللّهِ إِلهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿96﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿97﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿98﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿99﴾**

**درس: اي پيامبر! لطف خداوندي دردنيا و آخرت شامل تو وپيامبران ميشود و قبول القائات شيطاني آدمي را از دايره اين لطف خارج مي كند.**

**درب : اي پيامبر! ضامن موفقیتت هستیم و موانعت را برطرف میکنیم، پس با یقین ماموریتت را پیگیر باش.**

**8 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 87 از لحاظ اقبال هنرمندان به آن در ایجاد آثار هنری اعم از تابلوهای خوشنویسی یا کاشیکاری در مساجد و سایر اماکن مذهبی، از یک سو، و بحث کشدار مفسران مختلف در باره کلمه «مثانی» از سوی دیگر، از جمله آیات برجستهء نه تنها این پاراگراف، بلکه کل قرآن کریم است.

همچنین است موقعیت آیه 88 .

**9 - آیات مشکل**

آیه 87 از آن لحاظ که مفسران مختلف در باره معنای آن سخنان مختلف و متفاوت و بلکه متضاد گفته اند از جمله آیات مشکل قلمداد شده است. البته این تفسیر در سوره زُمر که مشابه همین آیه را دارد عرضی در این باره کرده است.

همچنین است موقعیت آیه 91 .

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

که خود مطلب فوق شبهه دیگری را رد میکند و آن شبهه این است که در قرآن هیچ مطلبی نیست که از سطح درک مخاطب های اولیه بالاتر باشد .

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ذکر الطاف بزرگی که به آنحضرت شده ، که دلگرم تر شود و ادامه رسالتش را قوی تر پیگیر باشد .

2 – ارشاد آنحضرت در خصوص رفتار های عبادی و اجتماعی اش .

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**هفت تا از سخنانی که یکدیگر را تصدیق می­کنند**

با توجه به آیه 87 صرفنظر از اینکه «هفت تا از آن سخنانی که یکدیگر را تصدیق می­کنند» چه بوده ، با توجه به «درس» و «درب» آنقدر نعمت بزرگی بوده که پیغمبر(ص) می­باید دائماً اهمیت آنها را در نظر می­آورده تا سایر نعمتهایی که بقیه دارند در مقابل چشمش کوچک شود و همواره بیاد داشته باشد که خداوند نعمت بزرگتر را به او داده تا شاکر باشد و به پیگیری رسالتش بچسبد.

نعمت فوق هرچه باشد از جنس «سخن» بوده و از خود آیه این مطلب فهمیده می­شود که آن سخنان ، قسمتی از قرآن ، و از قسمت­های برگزیده آن است.

البته مفسران محترم می­فرمایند براساس روایات وارده آن «هفت تا سخن» سوره حمد است .

البته این موضوع چون جالب است بهتر است موضوع تحقیق مفصلی قرار گیرد و بهتر است اساتید محترم آن را موضوع پایان­نامه­های فوق لیسانس و دکترا قرار دهند.

البته علت اینکه در خود قرآن ، آن «هفت سخن» را توصیف و تشریح نکرده ، اما ذکر کرده ، شاید این باشد که فکر مخاطب را تحریک کرده باشد که در قرآن کریم بدنبال «هفت سخن چکیده قرآنی» بگردند و به این ترتیب نوعی جستجو در قرآن را تشویق فرموده باشد.

این را هم عرض کنیم که این نوع تفسیر قرآن (1- بترتیب نزول ، 2- تحلیلی ،) جواب این سوال رابه راحتی میدهد ، مثلاً در همین مورد، مشابه این آیه در سوره زمر که چند سوره پس از این سوره می­باشد وجود دارد که در آنجا در این مورد بحثی عرض خواهیم کرد .

**چشمت دنبال «اموال» نباشد**

با توجه به آیه 88 طبعاً کسی باید مانند رسول اکرم(ص) باشد تا معنی این سخنان را به خوبی بفهمد زیرا ما مردم عادی که اسیر محسوسات هستیم دائماً آنچه را که در دست مردم است از قبیل اموال و اعتبارات اجتماعی و نعمتهائی مانند سلامت و زیبایی و فرزندان خوب و موقعیت­های مناسب را می­بینیم و چیزی را که نمی­بینیم ، همان چیزهائی است که از نوع «سخن» است .

در این آیه به پیغمبر می­فرماید تو با دیگران فرق داری و نعمتی که به تو داده­ایم بسیار بسیار بالاتر است از آنچه به مردم داده­ایم و لذا متوجه همان باش و چشمت را روی جزئیات نعمت­هائی که به دیگران داده­ایم متمرکز نکن

آیا پیامبر به دنبال مال و جاه بوده و از اهمیت قرآن غافل بوده؟

قطعاً اینطور نیست و دلایل زیادی می­توان آورد که نشان دهد پیامبر دنبال فضایل اخلاقی و انسانی و کمال و تعالی روح بوده است .

با توجه به «درس» و «درب» ، چنین می­فهمیم که پیامبر برای پیشبرد رسالتش ممکن است گاهی چنین آرزو می­کرده که اگر مثلاً مال فراوانی می­داشته که بوسیله آن اسلام را پیش می­برده چه خوب می­شده که در این آیه به آنحضرت توجه می­دهد که برای پیشبرد رسالت قرآن ، آن هفت سخن تصدیق کننده یکدیگر مؤثرتر است تا آنچه در دست «گروه­هائی از مردم» می­بینی.

با توجه به آنچه عرض کردیم این کلمه «آنان» که در نیمه دوم آیه آمده (یعنی لا تحزن علیهم) ، به مسلمانان منطبق می­شود که اکثراً فقیر بودند و اینطور معنی می­دهد که ای پیامبر عزیزمان برای پیگیری رسالتت بیشتر به نفوذ قرآن و «آن هفت سخن مصدق یکدیگر» اهمیت بده نه مال و جاهی که به گروه­هایی از غیر مسلمانان داده­ایم و ضمناً برای مسلمانانی که از آن مال و جاه بی­بهره­اند اندوهگین مباش زیرا آنها هم این نعمت بزرگ را دارند که پیرو تواند و اسلام را دارند و از نعمت بزرگ قرآن و آن هفت سخن مصدق یکدیگر بهره می­برند .

**با قرآن «گزینشی» برخورد نکنید**

آیات 89 تا 94 بطور واضح انتقاد از کسانیست که به قرآن بعنوان یک «کلیت» نگاه نمی­کردند بلکه اجزاء و عناصری از آن را بطور گزینشی در نظر گرفته و از آن برای پیشبرد مقصود خویش سوء استفاده می­کردند .

از این آیات چنین فهمیده می­شود که حتی از همان روزها نیز عده­ای از مخالفان پیامبر(ص) در روی مطالب قرآن ، دقت و کارشناسی می­نمودند تا بتوانند اولاً ضعفی در آنها یافته و آن را با آب و تاب برای سایر مخالفان آن حضرت مطرح کنند و ثانیاً در آن مطالبی پیدا کنند که دلالت بر عقاید بت­پرستانه خود آنان کند و آنرا با آب و تاب بزرگ کرده و چنین وانمود کنند که پیامبر چیز جدیدی نگفته بلکه همان مطالب آنان را به صورتی متفاوت بیان کرده است و شیوه آنها برای این کار، این بوده که قسمتی از قرآن را بطور گزینشی انتخاب می­کرده­اند (مثلاً از «ید الله فوق ایدیهم» چنین نتیجه می­گرفتند که خدا هم مانند آدمی «دست» دارد و از این قبیل ...) و صرف­نظر از صدر و ذیل آن روی آن قسمت مانور دلخواه خویش را می­کرده­اند.

( کاری که همیشه در تاریخ اسلام توسط تقریباً همه فرقه­ها انجام می­شده و هنوز هم ادامه دارد )

**جمع بندی و تفسیر**

**و آسمانها و زمين و آنچه را که بين آنهاست جز به حق نيافريديم و قيامت حتما مي آيد پس با گذشتي نيكو در گذر (85)** {البته پروردگارت همو آفريدگاري داناست }(86) **و البته به تو هفت تا از آن سخناني که يکديگر را تصديق مي کنند و نيز آن قرآن بزرگ را داده ايم (87) چشمانت را به آنچه که به گروههائي از آنان داده ايم تا بر خوردارشان کنيم مکش، و بر آنان اندوهگين مباش و با مومنان فروتن باش.(88) و بگو من هشدار دهنده اي آشکارم (89)** {چنانکه بر قسمت کنندگان فرو فرستاديم (90) همانها که قرآن را قسمت- قسمت کردند (91) پس قسم به پروردگارت که از همگي آنها بازخواست ميکنيم (92) از آنچه که انجام ميدادند} (93) **پس آنچه را که مامور شده اي آشکار کن واز مشركان رويگردان باش (94) که ما البته تو را از شر مسخره کنندگان کفايت ميکنيم (95)** {همانها که با خداوند، خدايي ديگر قرار ميدهند و بزودي خواهند دانست (96) و البته ميدانيم از آنچه ميگويند دلتنگ ميشوي} (97) **پس به ستايش پروردگارت تسبيح گوي و از ساجدان باش (98) و عبادت پروردگارت کن تا آن يقين بر تو درآيد (99)**

**سوره طه**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**طه ﴿1﴾ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿2﴾ إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿3﴾ تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿4﴾ الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿5﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿6﴾ وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿7﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاء الْحُسْنَى ﴿8﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**طه (1) ای پیامبر! قرآن را بر تو نازل نکرديم که به رنجِ زیاد بيفتي (2) جز اينکه پندي باشد براي کسي که خشيت دارد ( 3) فرو فرستاده اي است از جانب کسي که زمين و آسمانهاي بلند مرتبه را آفريد (4) همان خداوند رحمان که بر عرش مستولي شد (5) همانکه آنچه در آسمانها و در زمين و در بين آنها و آنچه زير زمين است از آن اوست (6) اگر سخن را آشکار کني يا نهان کني فرقي نميکند زيرا که او سخن سري و از آن مخفي تر را نيز ميداند (7) همان خدايي که خدايي جز او نيست که نامهاي نيکو دارد (8)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : توجه به خداوند، آدمي را از قبول القائات شيطاني حفظ ميكند.**

**2 - سوالات**

1- چرا در آیه2 از کلمه «انزال» و در آیه 4 از کلمه «تنزیل» استفاده شده؟

2- با توجه به جواب سوال فوق ، بحث رایج بین مفسران راجع به «دفعی» و «تدریجی» بودن نزول حل میشود؟

3- بین آیه های4و5 ، موضوع کدام کلیدفهم قرآن اتفاق افتاده؟

4- با توجه به آیه 8 ، اساسا «اسم» برای خداوند چه موقعیتی دارد؟

5- و اساسا منشاء «اسم» های الهی چیست؟

6- با توجه به آیه های4و5و6و7و8 ، ذکر آنهمه موقعیت های الهی (و از بین شئون ممکن آنها) معلول چیست؟ (توجه دادن به عظمت قرآن؟ توجه دادن به محتوای آن؟ یا...؟)

7- با توجه به آیه3 ، ماموریت اصلی قرآن چیست؟

8- چرا بجای «یخشی» نفرموده «یخاف» ؟

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

آیه 2 به صور گوناگون در قرآن آمده ، و قابل فهم است که چون آنحضرت بیش از اندازه با موضوع ماموریت و رسالت خویش در گیر میشدند خداوند متعال هر از گاهی آنحضرت را متوجه میکردند که با موضوع آنقدر درگیر نشو که هلاک شوی .

**4 - کلید های تفسیری**

**پرانتزها :**

آیه 4 توصیف قسمتی از مدلول آیه 2 است و لذا فرع بر آن است.

آیه 5 کلمه «مِنِ» موجود در آیه 4 را تعریف می­کند و لذا فرع بر آن است.

آیه 6 قسمتی از قدرت­های «رحمان» آیه 5 را تعریف می­کند و بنابراین فرع بر آن است.

همین­طور آیه­های 7 و 8 که آنها هم «رحمان» آیه 5 را تعریف می­کنند.

لذا آیه­های اصلی این پاراگراف آیه­­­های 1 و 2 و 3 است.

البته اگر خوب دقت کنیم آیه 3 نیز از آنجا که برای کلمه «لتشقی» در آیه 2 حد و حدود معین می­کند آن هم فرع بر آیه 2 است.

لذا آیه­های اصلی پاراگراف آیه­های 1 و 2 می­باشد.

آیه 1 جزء حروف مقطعه است و با محتوای کل سوره کار دارد، و اساساً از جنس آیات پاراگراف نیست.

لذا تنها می­ماند آیه 2 که آیه اصلی پاراگراف است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**طه ﴿1﴾ مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿2﴾ إِلَّا تَذْكِرَةً لِّمَن يَخْشَى ﴿3﴾ تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى ﴿4﴾**

**2**

**الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿5﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿6﴾ وَإِن تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿7﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاء الْحُسْنَى ﴿8﴾**

**5 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه های 1و2 از آیه های بسیار برجسته قرآن است، هم به سبب اقبال هنرمندان در آثار هنری شان اعم از تابلوهای خوشنویسی و یا کاشیکاری در مساجد و زیارتگاه ها و معابد، و هم به سبب کثرت استناد به آنها در منابر و کتب و مقالات دینی.

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 1 از حروف مقطعه است، و چنانکه قبلا توضیح دادیم، فوق ذهنیات ما قرن بیست و یکمی ها هم هست جه رسد به مخاطبان اولیه.

**7 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : غرض اين سوره تذكر و يادآورى از راه انذار است، كه آيات انذار آن بر آيات تبشيرش غلبه دارد.

چیزی که المیزان آن را «غرض» سوره نامیده همان چیزی است که ما آن را «درس» نامیده ایم که عصاره محتوای سوره است و از طریق محاسبه استخراج کرده ایم و این است : ای مسلمانان ! مانند بنی اسرائیل نباشید که پس از آزادی به علت قبول القائات شیطانی از حق سر پیچیدند .

**8 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 2 باز هم از کلمه قرآن برای نامگذاری بر مجموع آنچه تا کنون نازل شده ، استفاده نموده که این یک وعده تحقق یافته است .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، از جمله این نوع آیات ، آیه های 2 تا 7 است و بقیه آیات پاراگراف «برای اولین بار» است .

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توجه به خداوند، آدمي را از قبول القائات شيطاني حفظ ميكند.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

طه (1)  **قرآن را بر تو نازل نکرديم که به رنج بيفتي (2)** {جز اينکه پندي باشد براي کسي که خشيت دارد}( 3) **فرو فرستاده ايست از جانب کسي که زمين و آسمانهاي بلند مرتبه را آفريد (4) همان خداوند رحمان که بر عرش مستولي شد (5) همانکه آنچه در آسمانها و در زمين و در بين آنها و آنچه زير زمين است از آن اوست (6)** {اگر سخن را آشکار کني يا نهان کني (فرقي نميکند زيرا) که او سخن سري و از آن مخفي تر را نيز ميداند (7) همان خدايي که خدايي جز او نيست که نامهاي نيکو دارد}(8)

**طه2 آیات9تا79**

**وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿9﴾ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿10﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِي يَا مُوسَى ﴿11﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿12﴾ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿13﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿14﴾ إِنَّ السَّاعَةَ ءاَتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ﴿15﴾ فَلاَ يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لاَ يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى ﴿16﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿17﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى ﴿18﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى ﴿19﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى ﴿20﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿21﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاء مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ﴿22﴾ لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿23﴾ اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿24﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿25﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿26﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿27﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿28﴾ وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿29﴾ هَارُونَ أَخِي ﴿30﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿31﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿32﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿33﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿34﴾ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿35﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ﴿36﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿37﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى ﴿38﴾ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي ﴿39﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى ﴿40﴾ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿41﴾ اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿42﴾ اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿43﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿44﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَى ﴿45﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿46﴾ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴿47﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿48﴾ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَا مُوسَى ﴿49﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿50﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿51﴾ قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿52﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿53﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُوْلِي النُّهَى ﴿54﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿55﴾ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿56﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿57﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَكَانًا سُوًى ﴿58﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿59﴾ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿60﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ﴿61﴾ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى ﴿62﴾ قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى ﴿63﴾ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى ﴿64﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿65﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ﴿66﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى ﴿67﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَى ﴿68﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿69﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿70﴾ قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿71﴾ قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿72﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿73﴾ إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيى ﴿74﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُوْلَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿75﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاء مَن تَزَكَّى ﴿76﴾ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿77﴾ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿78﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى ﴿79﴾**

**ای پیامبر! آيا داستان موسي به تو رسيده؟ (9) آن هنگام که آتشي ديد و به خانواده اش گفت درنگ کنيد که من متوجه آتشي شده ام . شايد شعله اي از آن برايتان بياورم يا اينکه از روي آن آتش هدايتي يابم (10) پس چون به آن رسيد، ندا شد: اي موسي! (11) من پروردگارت هستم ، کفشت را درآر که تو در سرزمين پاکِ «طوي» هستي (12) و تو را برگزيده ام پس به آنچه وحي ميشود گوش ده (13) من خداوند هستم و خدايي جز من نيست پس مرا عبادت کن و نماز را بعنوان ذکر من بپا دار (14) قيامت حتما خواهد آمد. ميخواهم زمان آن را پنهان کنم تا هر کس براي آنچه سعي کرده پاداش داده شود (15) و کسي که به آن ايمان ندارد، و هوي و هوس خويش را پيروي ميکند، تو را از اعتقاد به آن باز ندارد که هلاک خواهی شد (16) اي موسي، چه چيز بدست داري؟ (17) گفت اين عصاي من است كه بر آن تکيه ميکنم و با آن براي گوسفندانم برگ مي تکانم و احتياجات ديگري نيز به آن دارم (18) گفت اي موسي بياندازش (19) و انداختش. ناگاه آن عصا ماري شد که به تندي حرکت ميکرد (20) گفت بگيرش و نترس. بزودي آنرا به حالت اولش برميگردانيم (21) و دستت را به سينه ات بچسبان و اگر بيرون بياوري بدون ضرر و علتي سفيد خواهد بود که آيه اي ديگر است (22) تا آيات بزرگ خويش را بعدا به تو نشان دهيم، (23) فعلا بسوي فرعون برو که او طغيان کرده است (24) گفت پروردگارا سينه ام را گشاده گردان، (25) و کارم را آسان کن، (26) و گره از زبانم باز کن، (27) تا سخنم را بفهمند، (28) و ياوري از ميان خانواده ام برايم قرار ده، (29) برادرم هارون را، (30) و بوسيله او پشتيبانيم کن، (31) و او را در کارم شريک فرما، (32) تا تو را به فراواني تسبيح گوييم، (33) و نيز به فراواني يادت کنيم، (34) البته تو به وضع ما بينايي (35) گفت اي موسي خواسته ات را گرفتي (36) و البته يکبار ديگر نيز به تو لطف کرديم (37) هنگاميکه به مادرت آن وحي را کرديم (38) که او را در صندوق بگذار و آن را به دريا بينداز و دريا او را به ساحل خواهد انداخت و دشمنم و دشمنش او را خواهد گرفت و محبتي از جانب خويش بر تو انداختم تا د رمقابل چشمم ساخته شوي (39) آن هنگام که خواهرت ميرفت و ميگفت آيا شما را به کسي که کفالتش کند راهنمائي بنمايم؟ سپس تو را بسوي مادرت برگردانديم تا چشمش روشن شود و ناراحت نباشد ، و کسي را کُشتي و تو را از اندوه نجات داديم و به آزمايشهايي آزموديم و سالهائي را در ميان مردم مدين بودي سپس اي موسي بالاخره به اينجا آمدي (40) و تو را براي خويش پرورانده ام (41) تو و برادرت با آياتم برويد و از يادم سستي مکنيد (42) بسوي فرعون برويد که او طغيان کرده (43) و به او سخني نرم بگوييد شايد پند گيرد يا حرمت روا دارد (44) گفتند پروردگارا ميترسيم بر ما دست درازي كند يا اينکه طغيان ورزد (45) گفت نترسيد من با شما هستم مي شنوم و مي بينم (46) و بر او درآئيد و بگوييد فرستادگان پروردگار تو هستيم پس بني­اسرائيل را با ما بفرست و عذابشان مکن و ما با نشانه اي از پروردگارت آمده ايم و سلام بر کسي که هدايت را پيروي کند (47) براستي به ما وحي شده كه عذاب براي كسي است كه تكذيب كند و روي بگرداند (48) فرعون گفت اي موسي پروردگارتان کيست؟ (49) گفت پروردگارمان کسي است که هر چيز می آفریند را و آنگاه هدايتش میکند (50) فرعون گفت پس پیشینیان چه؟ (51) موسی گفت علم آن درکتابي نزد پروردگارم است و پروردگارم نه اشتباه و نه فراموش ميکند (52) پروردگارم همان کسی است که زمين را برايتان گهواره اي نمود و در آن برايتان راه هايي قرار داد و از آسمان آبي فرستاد و بوسيله آن از روئيدني هاي مختلف درآورد (53) تا بخوريد و چارپايانتان را بچرانيد که در اين البته براي صاحبان هوش و ذکاوت نشانه هائي است (54) پروردگارم میگوید از آن زمین شما را آفريديم و در آن برتان ميگردانيم و بار ديگر از آن بيرونتان مي آوريم (55) ای پیامبر! بوسیله موسی تمام آياتمان را به او نمايانديم اما تکذيب کرد و نپذيرفت (56) گفت اي موسي آمده اي با جادويت از سرزمينمان بيرونمان کني (57) البته جادوئي مانند آن برايت مي آوريم . بين ما و خودتان موعدي قرار ده که نه ما از آن تخلف کنيم و نه تو (58) گفت موعدتان روزي باشد که مردم در آن روز زینت ميکنند و در روز روشن گرد مي ‌آيند (59) پس فرعون برگشت و حيله هايش را جمع کرد و سپس بازآمد (60) موسي گفت واي بر شما افتراي دروغ به خدا نبنديد که عذاب شما را ميگيرد و البته کسي که افترا بندد نابود ميشود (61) پس فرعونیان در کارشان بحث و بررسی میکردند ولي راز آن گفتگوهاي پنهاني را حفظ نمودند (62) بالاخره سخنشان را چنین جمع بندی کردند که گفتند اين دوتا ، موسی و هارون ، جادوگراني هستند که ميخواهند با جادويشان شما را از سرزمينتان بيرون کنند و طريقه بهترتان را نيز از بين ببرند (63) پس حيله هايتان را يکي کنيد و به صف شويد، و در روز موعود که همگی حاضر بودند فرعونیان اعلام کردند که امروز هر کس که برتري يابد همو رستگار است (64) ساحرانی که فرعون جمع کرده بود گفتند اي موسي يا بياندازش يا اينکه ما بياندازيم (65) گفت شما بياندازيد. پس بعلت سحرشان چنين وانمود شد که عصاها و ريسمانهايشان دارد به تندي حرکت مي کند (66) و موسي در دلش ترسي احساس کرد (67) گفتيم اي موسي نترس که تو بالاتري (68) و آنچه را که در دستت هست بيانداز که آنچه را ساخته اند ببلعد. جز اين نيست که آن حيله ساحرانه است و ساحر از هر موضع که بيايد رستگار نخواهد شد (69) پس آن ساحران به سجده افتادند و گفتند به پروردگار هارون و موسي ايمان آورده ايم (70) فرعون گفت آيا قبل از اينکه اجازه تان دهم به او ايمان آورديد؟ حتما او بزرگتان است که جادو را به شما آموخته، اينك دست و پايتان را به خلاف يکديگر قطع و شما را در تنه نخلها به دار خواهم كشيد و خواهيد فهميد که کداممان از لحاظ عذاب شديدتر و باقي تر است (71) گفتند هرگز تو را به آنچه که از دلايل روشن بسويمان آمده ترجيح نخواهيم داد. هر كار كه ميتواني بكن. جز اين نيست که تو فقط در اين دنيا حکم ميکني (72) ما به پروردگارمان ايمان آورده ايم تا خطاهايمان و نيز آنچه که از سحر و جادو به آن مجبورمان نمودي ببخشد و خداوند بهتر و باقي تر است (73) زیرافهمیده ایم هرکس که با وضعيت مجرم نزد پروردگارش بيايد جهنم را خواهد داشت که در آن نه ميميرد و نه زندگي شايسته اي دارد (74) و کسي که با ايمان و عمل صالح نزدش آيد، البته درجات عالي خواهد داشت (75) بهشتهاي جاودان که از کف آنها نهرها جاريی است که هميشه در آن خواهند بود و اين پاداش کسي است که دنبال رشد باشد (76) و به موسي وحي کرديم که بندگانم را شبانه حرکت ده و راهي خشک در دريا براي آنان بزن و نگران رسيدن آن دشمنان نباش و نيز نگراني غرق شدن نداشته باش (77) پس فرعون با لشکريانش در تعقيب آنها شد و قسمتي از آن دريا آنچه را كه مي بايست از آنها را فرا گيرد فرا گرفت (78) و فرعون قومش را گمراه کرد و هدايت نکرد (79)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : بنی اسرائیل تحت رهبری حضرت موسی(ع) از بردگی به آزادی رسیدند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! قرآن را برای این برتو نازل کرده ایم که بوسیلـه آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالتت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی .

در این پاراگراف می فرماید : ای مردم ! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است .

**3 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 14):(المیزان) : موسى وقتى نداى" يا مُوسى‏ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ" را شنيد از آن به طور يقين فهميد كه صاحب ندا پروردگار او، و كلام، كلام او است، چون كلام مذكور وحيى از خدا بود به او، كه خود خداى تعالى تصريح كرده بر اينكه خدا با احدى جز به وحى، و يا از وراى حجاب، و يا به ارسال رسول تكلم نمى‏كند، هر چه بخواهد به اذن خود وحى مى‏كند،

المیزان در همین مورد در سوره قصص به خلاف این میگوید ، و این نیست مگر به این علت که این سوره در ترتیب فعلی خیلی جلو تر است از سوره قصص و در ترتیب نزول به عکس است ، یعنی اول قصص است و طه خیلی متاخر بر آن است، و اهمیت ندادن به ترتیب نزول سبب شده که المیزان در مورد یک واقعه به دو صورت متباین تفسیر کند . یعنی در سوره طه آن را وحی مستقیم و در سوره قصص همان را از وراء حجاب قلمداد نموده است .

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 9 تا 79 به آن قسمت از داستان موسی و فرعون می پردازد که موسی با دست خالی به مصاف بزرگترین تمدن آنروز جهان رفت و پیروز شد و در این یک پیشگوئیِ تلویحی نهفته است که تو نیز موفق خواهی شد.

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 53 تا 55 پرانتزی است ، به دلیلی که بارها شرحش را داده ایم.

همچنین است وضع آیات 74 تا 76 .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿9﴾ إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿10﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِي يَا مُوسَى ﴿11﴾ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿12﴾ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى ﴿13﴾ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿14﴾ إِنَّ السَّاعَةَ ءاَتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى ﴿15﴾ فَلاَ يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لاَ يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى ﴿16﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى ﴿17﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى ﴿18﴾ قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى ﴿19﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى ﴿20﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى ﴿21﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاء مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ﴿22﴾ لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ﴿23﴾ اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿24﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : موسی (ع) به دریافت وحی مفتخر میشود.**

**2**

**قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿25﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿26﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ﴿27﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿28﴾ وَاجْعَل لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿29﴾ هَارُونَ أَخِي ﴿30﴾ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ﴿31﴾ وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ﴿32﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ﴿33﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿34﴾ إِنَّكَ كُنتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿35﴾ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ﴿36﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى ﴿37﴾ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى ﴿38﴾ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي ﴿39﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى ﴿40﴾ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ﴿41﴾ اذْهَبْ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿42﴾ اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿43﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ﴿44﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَن يَطْغَى ﴿45﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ﴿46﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : موسی (ع) رسالت را می پذیرد.**

**3**

**فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى ﴿47﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿48﴾ قَالَ فَمَن رَّبُّكُمَا يَا مُوسَى ﴿49﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ﴿50﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ﴿51﴾ قَالَ عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى ﴿52﴾** الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَوَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿53﴾ كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُوْلِي النُّهَى ﴿54﴾ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى **مَهْدًا ﴿55﴾ وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿56﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ﴿57﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنتَ مَكَانًا سُوًى ﴿58﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَن يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿59﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : موسی (ع) رسالت را ابلاغ میکند و فرعون او را به امتحان دعوت میکند.**

**4**

**فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿60﴾ قَالَ لَهُم مُّوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ﴿61﴾ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى ﴿62﴾ قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَن يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُم بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى ﴿63﴾ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى ﴿64﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿65﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ﴿66﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُّوسَى ﴿67﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنتَ الْأَعْلَى ﴿68﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿69﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿70﴾ قَالَ آمَنتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ﴿71﴾ قَالُوا لَن نُّؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿72﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿73﴾** إِنَّهُ مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًافَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيى ﴿74﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُوْلَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿75﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاء مَن تَزَكَّى ﴿76﴾ **وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿77﴾ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿78﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى ﴿79﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : موسی (ع) در امتحان برنده میشود و فرعون قبول نمیکند و قصد تعرض دارد و شکست میخورد.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 9 تا 24 از لحاظ محتوا و اینکه چطور یک آدم عادی ظرف یک مدت کوتاه اینقدر متحول میشود که از «موسی بن عمران»ی به «موسی رسول الله»ی میرسد، و اینکه اگر دیگری در این شرایط قرار گیرد، آیا پودر میشود؟ آیا مشتعل یا منفجر یا چه میشود؟!!!

خلاصه اینکه «سنگین»ی محتوای این آیات سببِ برجسته بودنِ آنهاست.

آیات 25 تا 28 نیز، آز آنجا که اکثر اهل منبر در ابتدای سخن شان آن را (البته بیجا) بکار میبرند، نزد مردم معروف شده، و برجستگی اش از معروفیتش است نه از محتوایش، (که خود محتوایش محل ایراد است که چرا مانند آیه 18 آنقدر پرگوئی کرده و ضمنا چرا یک چیز بهتر [مثلا نفوذ کلام، چه در فرعون و چه در بنی اسرائیل] نخواسته.

پنج کلمه انتهائی آیه 47 نیز به سبب کثرت استفاده اهل منبر بسیار مشهور شده و به همین علت برجسته میباشد.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

بنا بر همان اشاره ای که در بخش آیات برجسته کردیم، آیات مذکور نه تنها فوق ذهنیات مخطاطبان اولیه، که حتی فوق ذهنیات مانیز میباشند.

همچنین است موقعیت آیه 78 .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر آن قسمت از داستان بنی اسرائیل که تحت رهبری حضرت موسی(ع) از بردگی به آزادی رسیدند ، به منظور امیدوار کردن آنحضرت و پیروانش .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا ، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است .

**شرح مختصر**

**برخورد نامنتظره با عالی­ترین حقایق معارفی**

از آیه­های 10تا16 فهمیده می­شود آنحضرت همراه با خانواده خویش بطور شبانه سفر می­کرد و راه را هم گم کرده بود و شب سردی هم بود، که ناگهان از دور آتشی را دید. اما وقتیکه نزدیک آن باصطلاح «آتش» آمد ناگهان چیزی و چیزهائی شنید که برای او مورد انتظار نبود و برای ما بسیار جالب است. هر چه باشد آنحضرت آمادگی­هائی داشت که ناگهان آنهمه معارف سنگین بطور پی در پی بر او بارش گرفت و او توانست تحمل کند و گیج نشد و غش نکرد و بلکه حتی وفات نیافت و اگر یکی از ماها بودیم در همان دقیقه اول جان می­باختیم.

البته ما در موقعیتی نیستیم که بتوانیم موقعیت آنحضرت را در آن هنگام تصور کنیم اما این را هم می­دانیم که این مطلبی را که ما در ظرف یک دقیقه می­خوانیم ، در یک دقیقه اتفاق نیفتاد.

هرچه باشد موسی قبل از پیامبری، شبانی بود، خانواده­ای داشت، در شب سردی در جای ناآشنایی راه می­سپرد و نوری و آتشی دید و بطرفش رفت و هر یک از ماها هم که بودیم همین کار را می­کردیم.

اما پس از اینکه به آتش نزدیک شد و صدایی از آن شنید، و این صدا هر چه می­خواهد باشد، بطور طبیعی اول نگران شد و ترسید.

واضح است که نگرانیش فوراً برطرف شده باشد اما بجای نگرانی حیرت کرد.

این کیست که اسم مرا می­داند و مرا به اسمم می­خواند؟

وقتی که شنید گوینده می­گوید «من پروردگارت هستم» چه احساسی به او دست داد؟

حتماً در آن «صدا» چیزی هم بود که مایه آرامش و راحتی او بشود و نگرانیش برطرف بگردد .

اما «من پروردگارت هستم» هم ادعای بزرگی است.

اگر این ادعا یک شوخی باشد چه؟ یا القاء کننده یا گمراه­کننده؟ از آن مبهوت کننـده­تر «تو را برگزیده­ام» است.

اما بطور حتم در آن «صدا» باید چیزهایی بوده باشد که موسی، هم خود را فراموش کرده باشد هم خانواده و همراهانش را، و هم موقعیت و نیازهایش را و هم هرچه را که غیر از آن «صدا»ست.

در هر حال قاعدتاً باید مدتی طول کشیده باشد که او مجدداً به خود آمده و موقعیت خویش را بازشناخته باشد و در ذهن و قلبش تصدیق کرده باشد که آنچه می­شنود، حقیقت دارد و از جنس تصورات و تخیلات شاعرانه نیست و شوخی و القاء شیطانی نیز نیست بلکه حق و حقیقت است.

«موسی» در آن لحظه «حضرت موسی» ، و راهنمای قوم بزرگی شد و آنها را از ذلت بردگی نجات داد و آغازگر داستانی شد که سخت شنیدنی است.

معارفی که آن حضرت دریافت کرد همان معارف عمومی دینی است که ما تاکنون مکرراً و به بیان­های متفاوت تاکنون با آنها آشنا شده­ایم که عبارت است از:

1- توحید (آیه 14)،

2- نماز (آیه 14)،

3- قطعیت وقوع قیامت (آیه 15)،

4- پنهان بودن اطلاعات مربوط به زمان وقوع و غیره آن (آیه 15)،

5- علت پنهان بودن فوق (آیه 15)،

6- لزوم بی­توجهی پیامبران به رفتار باطل کافران و پیگیری روش حق خویش (آیه 16).

چنانکه ملاحظه می­شود این مفاهیم برایمان کاملاً آشناست و خلاصه معارف دینی همه ادیان حق، همینهاست.

**چرا آتش؟**

آیات 17تا24 خلاصه­ایست از شرح مأموریت حضرت موسی.

آن حضرت می­باید با آن دو معجزه (موضوع آیات 18 تا 22) و نیز وعده معجزات دیگر (آیه 23) بسوی فرعون (که قبلاً در سوره­های قبلی با او آشنا شده­ایم) برود و او را به راه حق دعوت کند.

چرا خداوند در آن موقعیت زمانی و مکانی بصورت آتش بر او تجلی کرد؟

تصور می­شود در آن هنگام او و خانواده­اش بیشترین نیاز را به آتش و روشنائی داشتند. هر طور بود موسی باید از همراهانش جدا می­شد و آن جریان «وحی­گیری» را طی می­کرد و اگر شرایط طور دیگری بود، به انگیزه دیگری جدا می­شد مثلاً اگر روز گرم و بیابانی خشک بود بعنوان دیدن آب و به امید گرفتن جرعه و انگیزه­های اینگونه بطرف نقطه دریافت وحی می­رفت.

در هر حال بنظر نمی­آید خود آن آتش در موضوع مدخلیتی داشته باشد.

جلوه­ای بود که انگیزه­ای ایجاد کند که موسی را به آن خلوت بکشاند.

**موسی(ع) «پیش­نیاز»های پیامبری را داشته**

در رابطه با آیه 10 از جمله «هدایتی یابم» معلوم می­شود آنها راه خویش را گم کرده بودند.

از کلمه «آتشی» و جمله «شعله­ای از آن برایتان بیاورم» معلوم می­شود مسافرتشان در شب ، و شب سردی هم بوده است.

چرا آنحضرت خانواده­اش را در شب زمستانی در بیابان به همراه می­برده؟

در قدیم مسافرت­ها را معمولاً در روز انجام می­دادند و شب را در محل مناسبی به استراحت می­پرداختند.

معلوم می­شود آن حضرت شب را برای مسافرت ترجیح می­داده بعلت اینکه شاید می­خواسته دیده نشود و مسافرتش مخفی باشد.

تصورش را بفرمائید: یکنفر در آن شرایط در بیابان گیر کند و به امید گرما و راهیابی و کمک به خانواده به نقطه­ای رو کند و در آنجا کسی یا چیزی یا صدائی به او بگوید من پروردگار تو هستم.

چقدر عجیب است ، مگر آنکه آن حضرت آمادگی قبلی مفصلی داشته باشد و واقعاً دنبال پروردگارش بوده باشد.

به پروردگار فکر کرده باشد. زمینه داشته باشد. و این آمادگی را داشته باشد که حتی اگر در آن شرایط هم چنین چیزی را بشنود، مطلب را بررسی کند و احتمال درست بودن بدهد.

حتماً آن حضرت استعدادها و لیاقت­های قابل توجهی داشته که مورد گزینش خداوندی قرار گرفته بود.

صبر و حوصله زیاد، بخشندگی، دلسوزی نسبت به دیگران، تواضع در مقابل حق و قانون، و امثال آن صفات چیزهائیست که لازمه رهبریست و حتماً آن حضرت قبل از این جریان، از لحاظ واجد چنین صفاتی بودن، موقعیت شایسته را احراز کرده بوده است.

قبلاً هم در سوره قصص دیدیم که آن حضرت بسیار عدالتخواه بود.

**قبول ماموریت بزرگ، نه گیجی و نه استعفا**

در رابطه با آیات 25تا47چنانکه ملاحظه می­شود، حضرت موسی در اصلِ قبول یا رد مأموریت بحثی و یا حتی تردیدی نکرد بلکه امکاناتی را تقاضا نمود که با کمک آنها بتواند مأموریتش را بهتر انجام دهد.

امکاناتی که آن حضرت خواست اینها بود:

1- توسعه درونی – شخصیتی و روحی برای خویش. (آیه 25)،

2- توسعه درونی – فیزیولوژیکی برای خویش. (آیه­های 27 و 28)،

3- کمک بیرونی – نیروی انسانی برای رسالت. (آیه­های 29 تا 32)،

4- کمک بیرونی – اوضاع و احوال مساعد برای رسالت. (آیه 26).

**موضوعِ خجالت بزرگ یهودیان**

تورات و اسطوره­های یهودی تأکید دارند که موسی بنی­اسرائیل را از دریای سرخ عبور داد. واقعاً نمی­دانیم این تصور چگونه به ذهن­های کاهنان آنها رفت و چگونه در کتبشان نوشته شد و چگونه در فرهنگشان جا افتاد.

البته می­دانیم که قوم یهود یک بار بطور کامل پراکنده شدند و کشتار عظیمی در میانشان صورت پذیرفت و معابد و کتبشان از بین رفت و بعداً کورش هخامنشی آنها را از اسارت در آورد و بسوی اطراف بیت­المقدس فعلی کوچکشان داد و اجازه داد دانایان آنها از آنچه که در خاطره­های بعضی مانده بود، چیزهائی بنویسند و آنچه امروز دارند، در حقیقت همان بازنوشته هاست که کاملاً ممکن و معقول است که در ضمن این بازنویسی تحریف­های عظیمی نسبت به تورات اصلی صورت گرفته باشد.

فراری که بنی­اسرائیل به رهبری حضرت موسی از قوم فرعونیان نمودند از مصر بود که نزدیکترین «آب زیاد» (و در فرهنگ قرآنی «دریا») به آن، رود نیل بود نه دریای سرخ که با آنان 150 کیلومتر فاصله داشت و چنان قومی که بچه و زن و پیرمرد و پیرزن و اثاثیه و بارو بنه داشتند کمتر از یکماه نمی­توانستند به آن برسند در حالیکه رود نیل به موضوع آیه­های 77 و 78 کاملاً می­خورَد.

چنانکه از اهرام و مجسمه­های ابوالهول و غیره پیداست، پایتخت فرعون بر ساحل رود نیل بود و بنی­اسرائیل که شهروندان درجه دو محسوب می­شدند حاشیه­نشینان آن پایتخت بوده و طبعاً در جاهای نامرغوب­تر آنجا داشتند و مثلاً می­توان گفت پائین دست منازل قبطی­ها بودند اما هرچه باشد آنها هم ساحل­نشین بودند زیرا از انداختن موسی در هنگام نوزادی به «دریا» (که لااقل این مورد خود یهودیان معترفند همان رود نیل بوده) معلوم می­شود که آنها نیز ساحل­نشین بوده­اند.

در هر حال طبیعی­تر و معقول­تر این است که آن «دریا»، همان رود نیل باشد زیرا وقتی چنان جمعیتی با مشخصات آن قوم با بار و بنه و مرغ و خروس و سگ و گاو و گوسفند و زن و کودک و پیرمرد و پیرزن می­خواهد «شبانه» فرار کنند، اولین مانع، که بصورت مانع آبی باشد، چیز دیگری جز رود نیل نیست.

مطابق مطلبی که در سوره شعراء قبلاً دیدیم، مطلب اینطور بوده که حضرت موسی بنی­اسرائیل را تا کنار رود نیل آورد و به وحی الهی عصا را به آن زد و عرض رودخانه شکافته شد و آنها از آن عبور می­کردند که ظاهراً فرعون و سپاه او هم رسیدند و آنها بین رودخانه و دشمن گیر کرده بودند که پس از عبور کامل موسی و همراهانش رودخانه دوباره به وضع اول خود برگشت و تعقیب­کنندگان غرق شدند.

**چند دریافت کوتاه و مستقیم**

آیه 50: حضرت موسی در مقام معرفی پروردگار، به وجه ربوبیت او اشاره نکرد بلکه وجه خالقیت او را مطرح کرد که مورد مخالفت هیچیک از فرقه­های شرک نیست و این یک اصل مهم در تبلیغ و محاجه و مذاکره و معامله است که در ابتدا بر روی اصولی که بین طرفین مشترکا پذیرفته است تأکید شود.

آیه 51: فهمیده می­شود در سیستم اعتقادی فرعونیان، درباره آخرت چیزی به این معنی که ما معتقدیم، نبود.

آیه­های 53و54 : ذکر بعضی از نعمتهائیست که چون ما به استفاده از آنها عادت کـرده­ایم معمولاً متوجه آنها نیستیم.

آیه 56: باید گفت چنانکه قبلاً دیدیم معجزات حضرت موسی منحصر به آن دو معجزه عصا و دست نورانی نبود و قبلاً هم دیدیم و هم بعداً با تفصیل خواهیم دید که حضرت موسی حداقل نُه معجزه بزرگ به آنها نشان داد.

آیه­های62و63: فهمیده می­شود داخل سیستم حکومتی فرعونی نوعی مجلس مشورتی بوده و اینطور نبوده که سیستم حکومت آنها به زبان امروز، «سازمانی» باشد، و ما در سوره مؤمن در این خصوص شرحی عرض کرده­ایم.

آیات 66تا69 :موضوع جادوی آنها در حد «چشم­بندی» بوده و بیننده فقط تصــور می­کرد که چیزی دارد حرکت می­کند اما مطلب آنقدر با کیفیت و قوی بوده که شخصی دارای شخصیت قوی مانند آن پیامبر بزرگ را نیز تحت تأثیر قرار داده بود. بهترین کسانی که می­توانستند جادوگری جادوگران را ارزیابی کنند خود آنها بودند. آنها می­دانستند کارشان واقعی نیست بلکه فقط واقعی بنظر می­رسد اما در عین حال آنچه را که از سوی موسی و عصای او دیدند، آنقدر واقعی و آنقدر حقیقی وآنقدر واضح بود که نتوانستند با رفتار دیگری غیر از اعتراف واضح و صریح واکنش دیگری نشان دهند.

بعبارت دیگر، اگر کار همه آنها آنقدر بود که چشم مردم را تحت تأثیر قرار می­داد و ناظران چیزهائی را می­دیدند که آنها می­خواستند دیده شود، کار حضرت موسی چنان بود که چشم و دل و اعضاء و جوارح خود آنها را تحت تأثیر قرار داد و اختیار از کف دادند و همگی یکدل و یک زبان شده و رفتار واحدی ارائه دادند ، در حالیکه میزان هزینه این تصمیم خویش را نیز می­دانستند.

آیات 73تا78 :گفته جادوگران نیست ،

زیرا اولاً دارای چنان معارف بلند پایه­ای است که از کسانی که در آن فرهنگ فرعونی نشو و نما یافته­اند چنین مطالبی نمی­تواند صادر شود،

ثانیاً مقام و موقعیت آن جادوگران در آن شرایط( که یکطرف آن فرعون است که گوش به حرف موسی هم نمی­دهد چه رسد به تعدادی تازه ایمان یافته، و طرف دیگر هم موسی است که پیامبر خداست و اظهار چنین مطالبی نزد او زیره به کرمان بردن است)نیز دلیل دیگری است که این نمیتواند سخن آنها بوده باشد .

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا داستان موسي به تو رسيده؟(9) آن هنگام که آتشي ديد و به خانواده اش گفت درنگ کنيد که من متوجه آتشي شده ام . شايد شعله اي از آن برايتان بياورم يا اينکه از روي آن آتش هدايتي يابم (10) پس چون به آن رسيد، ندا شد: اي موسي! (11) من پروردگارت هستم ، کفشت را درآر که تو در سرزمين پاک «طوي» هستي (12) و تو را برگزيده ام پس به آنچه وحي ميشود گوش ده (13) من خداوند هستم و خدايي جز من نيست پس مرا عبادت کن و نماز را بعنوان ذکر من بپا دار (14) قيامت حتما خواهد آمد. ميخواهم** (زمان) **آن را پنهان کنم تا هر کس براي آنچه سعي کرده پاداش داده شود (15) و کسي که به آن ايمان ندارد، و هوي و هوس خويش را پيروي ميکند، تو را از** (اعتقاد به) **آن باز ندارد که هلاک شوي (16) اي موسي، چه چيز بدست داري؟(17) گفت اين عصاي من است كه بر آن تکيه ميکنم و با آن براي گوسفندانم برگ مي تکانم و احتياجات ديگري نيز به آن دارم (18) گفت اي موسي بياندازش (19) و انداختش. ناگاه ماري شد که به تندي حرکت ميکرد (20) گفت بگيرش و نترس. بزودي آنرا به حالت اولش برميگردانيم (21) و دستت را به سينه ات بچسبان و اگر بيرون بياوري بدون ضرر و علتي سفيد خواهد بود که آيه اي ديگر است (22) تا آيات بزرگ خويش را به تو نشان دهيم (23) بسوي فرعون برو که او طغيان کرده است (24) گفت پروردگارا سينه ام را گشاده گردان، (25) و کارم را آسان کن، (26) و گره از زبانم باز کن، (27) تا سخنم را بفهمند،(28) و ياوري از ميان خانواده ام برايم قرار ده ، (29) برادرم هارون را، (30) و بوسيله او پشتيبانيم کن، (31) و او را در کارم شريک فرما، (32) تا تو را به فراواني تسبيح گوييم، (33) و نيز به فراواني يادت کنيم، (34) البته تو به وضع ما بينايي (35) گفت اي موسي خواسته ات را گرفتي (36) و البته يکبار ديگر نيز به تو لطف کرديم (37) هنگاميکه به مادرت آن وحي را کرديم (38) که او را در صندوق بگذار و آن را به دريا بينداز و دريا او را به ساحل خواهد انداخت و دشمنم و دشمنش او را خواهد گرفت و محبتي از جانب خويش بر تو انداختم تا د رمقابل چشمم ساخته شوي (39) آن هنگام که خواهرت ميرفت و ميگفت آيا شما را به کسي که کفالتش کند راهنمائي بنمايم؟ سپس تو را بسوي مادرت برگردانديم تا چشمش روشن شود و ناراحت نباشد ، و کسي را کشتي و تو را از اندوه نجات داديم و به آزمايشهايي آزموديم و سالهائي را در ميان مردم مدين بودي سپس اي موسي بالاخره به (اينجا) آمدي (40) و تو را براي خويش پروراندم (41) تو و برادرت با آياتم برويد و از يادم سستي مکنيد (42) بسوي فرعون برويد که او طغيان کرده (43) و به او سخني نرم بگوييد شايد پند گيرد يا حرمت روا دارد (44) گفتند پروردگارا ميترسيم بر ما دست درازي كند يا اينکه طغيان ورزد (45) گفت نترسيد من با شما هستم مي شنوم و مي بينم (46) و بر او درآئيد و بگوييد فرستادگان پروردگار تو هستيم پس بني­اسرائيل را با ما بفرست و عذابشان مکن و ما با نشانه اي از پروردگارت آمده ايم و سلام بر کسي که هدايت را پيروي کند (47) براستي به ما وحي شده كه عذاب براي كسي است كه تكذيب كند و روي بگرداند (48) گفت اي موسي پروردگارتان کيست؟(49) گفت پروردگارمان کسي است که آفرينش هر چيز را به او داد آنگاه هدايتش کرد(50) گفت پس گذشتگان قبلي چه؟(51) گفت علم آن درکتابي نزد پروردگارم است و پروردگارم نه اشتباه و نه فراموش ميکند (52)**  {همانکه زمين را برايتان گهواره اي نمود و در آن برايتان راه هايي قرار داد و از آسمان آبي فرستاد و بوسيله آن از روئيدني هاي مختلف درآورد.(53) بخوريد و چارپايانتان را بچرانيد که در اين البته براي صاحبان هوش و ذکاوت نشانه هائي است (54) از آن شما را آفريديم و در آن برتان ميگردانيم و بار ديگر از آن بيرونتان مي آوريم} (55) **و البته تمام آياتمان را به او نمايانديم اما تکذيب کرد و نپذيرفت (56) گفت اي موسي آمده اي با جادويت از سرزمينمان بيرونمان کني؟(57) البته جادوئي مانند آن برايت مي آوريم . بين ما و خودتان موعدي قرار ده که نه ما از آن تخلف کنيم و نه تو (58) گفت موعدتان روزي باشد که آرايش ميکنند و مردم در روز روشن گرد مي ‌آيند (59) پس فرعون برگشت و حيله هايش را جمع کرد و سپس آمد (60) موسي گفت واي بر شما افتراي دروغ به خدا نبنديد که عذاب شما را ميگيرد و البته کسي که افترا بندد نابود ميشود (61) پس در کارشان مجادله کردند ولي راز آن گفتگوهاي پنهاني را حفظ نمودند (62) گفتند اين دوتا جادوگراني هستند که ميخواهند با جادويشان شما را از سرزمينتان بيرون کنند و طريقه بهترتان را نيز از بين ببرند (63) پس حيله هايتان را يکي کنيد و به صف شويد و امروز هر کس که برتري يابد همو رستگار است (64) گفتند اي موسي يا بياندازش يا اينکه ما بياندازيم (65) گفت شما بياندازيد. پس بعلت سحرشان چنين وانمود شد که عصاها و ريسمانهايشان دارد به تندي حرکت مي کند (66) و موسي در دلش ترسي احساس کرد (67) گفتيم اي موسي نترس که تو بالاتري (68) و آنچه را که در دستت هست بيانداز که آنچه را ساخته اند ببلعد. جز اين نيست که آن حيله ساحرانه است و ساحر از هر جا بيايد رستگار نخواهد شد (69) پس آن ساحران به سجده افتادند و گفتند به پروردگار هارون و موسي ايمان آورديم (70) گفت آيا قبل از اينکه اجازه تان دهم به او ايمان آورديد؟حتما او بزرگتان است که جادو را به شما آموخته . اينك دست و پايتان را به خلاف يکديگر قطع و شما را در تنه نخلها به دار خواهم كشيد و خواهيد فهميد که کداممان ازلحاظ عذاب شديدتر و باقي تر است (71) گفتند هرگز تو را به آنچه که از دلايل روشن بسويمان آمده ترجيح نخواهيم داد. هر كار كه ميتواني بكن. جز اين نيست که تو فقط در اين دنيا حکم ميکني (72) ما به پروردگارمان ايمان آورده ايم تا خطاهايمان و نيز آنچه که از سحر و جادو به آن مجبورمان نمودي ببخشد و خداوند بهتر و باقي تر است (73)** {که البته کسي که با وضعيت مجرم نزد پروردگارش بيايد جهنم را خواهد داشت که در آن نه ميميرد و نه زندگي (شايسته اي) دارد (74) و کسي که با ايمان و عمل صالح نزدش آيد، البته درجات عالي خواهد داشت (75) بهشتهاي جاودان که از کف آنها نهرها جاريست که هميشه در آن خواهند بود و اين پاداش کسي است که دنبال رشد باشد} (76) **و به موسي وحي کرديم که بندگانم را شبانه حرکت ده و راهي خشک در دريا براي آنان بزن و نگران رسيدن** (آن دشمنان) **نباش و نيز** (نگراني غرق شدن) **نداشته باش (77) پس فرعون با لشکريانش در تعقيب آنها شد و** (قسمتي) **از آن دريا آنچه را كه** (ميبايست) **آنها را فرا گيرد فرا گرفت (78) و فرعون قومش را گمراه کرد و هدايت نکرد (79)**

**طه3 آیات80تا99**

**يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ﴿80﴾ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿81﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿82﴾ وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَى ﴿83﴾ قَالَ هُمْ أُولَاء عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ﴿84﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿85﴾ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي ﴿86﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿87﴾ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ ﴿88﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿89﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿90﴾ قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ﴿91﴾ قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿92﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿93﴾ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿94﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿95﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿96﴾ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿97﴾ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿98﴾ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاء مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿99﴾**

**ای پیامبر! پس از آزادی بنی اسرائیل به آنان چنین خطاب کردیم : اي بني اسرائيل شما را از دشمنانتان نجات داديم و با شما در طرف راست کوه طور قرار گذاشتيم و منّ و سلوي را بر شما فرو فرستاديم (80) از چيزهاي خوبي که برايتان روزي کرديم بخوريد و طغيان مکنيد که غضبم بر شما فرود خواهد آمد و کسي که غضبم بر او فرود آيد حتما سقوط خواهد کرد (81) و البته من نسبت به کسي که توبه کند و ايمان آورد و عمل صالح نمايد و سپس هدايت يابد بسيار بخشنده ميباشم (82) اي موسي چه چيز تو را واداشت که از قومت با عجله جلو بيفتي؟ (83) موسی گفت پروردگارا آنها دنبال من هستند و من بسويت عجله کردم تا به نظر خودم رضایتت را کسب کنم (84) گفت قومت را پس از تو آزموديم و سامري گمراهشان کرد (85) پس موسي در حاليکه غضبناک و متاسف بود بسوي قومش برگشت و گفت اي قوم! آيا پروردگارتان وعده نيکو به شما نداد؟ آيا مدتش طولاني شد يا اينکه خواستيد غضبي از جانب پروردگارتان شما را فرا گيرد که در وعده ام تخلف کرديد؟ (86) گفتند از وعده ات با اختيار خودمان تخلف نکرديم وليکن بارهائي از زينت آلات آن قوم بما تحميل شده بود که آنها را انداختيم و سامري نيز اين طرح را در انداخت (87) و براي آنها بدني از گوساله که صدائي هم داشت ساخت و عدّه اي گفتند اين خداي شماست و خداي موسي نيز هست كه شما را فراموش کرد (88) آيا نمي ديدند که آن مجسمه گوساله سخني را به آنها برنمي گرداند و براي آنها مالک نفع و ضرري نيست؟ (89) و البته هارون قبلا به آنها گفته بود که اي مردم شما بوسيله آن به فتنه افتاده ايد و پروردگار شما خداي رحمان است پس مرا پيروي و از امرم اطاعت كنيد (90) گفتند ما از عبادتش دست نمي کشيم تا اينکه موسي بسويمان برگردد (91) موسی به برادرش گفت اي هارون چه چيزي جلويت را گرفت وقتي که ديدي گمراه شده اند (92) که مرا پيروي کني؟ آيا از فرمانم سرپيچيدي؟ (93) گفت اي پسر مادرم سر و ريشم را ول کن. ترسيدم بگويي بين بني اسرائيل تفرقه انداختي و به سخنم اعتنا نکردي (94) گفت اي سامري موضوع تو چه بوده؟ (95) گفت چيزي ديدم که آنها نديدند و قسمتی از تعالیم رسول خدا را اختیار کردم و چنین القاء کردم و نفس من برايم چنين آراست (96) گفت برو که در زندگيت منزوی باشی ، چنانکه بگويي به من دست نزنيد . و البته موعدي داري که تخلف ندارد و اینک به این گوساله که به خدائی برگرفته ای نگاه کن که آنرا خواهيم سوزاند سپس به دريا ميريزيم و پراکنده اش مي کنيم (97) جز اين نيست که خداي شما خداوند است که خدائي جز او نيست که علم او به همه چيز ميرسد (98) ای پیامبر! از خبرهاي گذشتگان چنين برايت حکايت ميکنيم و از جانب خويش به تو پندي داده ايم (99)**

**پیش تفسیر**

**1 - استخراج عصاره محتوای متن (از راه اول)**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب: ای مسلمانان مبادا پس از رهایی ، مانند این کارهایی راکه آنها کردند مرتکب شوید**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! قرآن را برای این برتو نازل کرده ایم که بوسیلـه آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالتت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مردم ! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است .

در این پاراگراف می فرماید : ای مردم ! پس از اینکه از این اوضاع نا مطلوب رهائی یافتید مبادا همان کار هائی را بکنید که بنی اسرائیل با پیامبرشان کردند .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

پاراگراف قبل (تا آیه 79) به «مشکلات رسالت» حضرت موسی و این پاراگراف (از آیه 80 تا 99 ) به سوء رفتارهای بنی اسرائیل پس از آزادی از اسارت اشاره دارد ، و در اولی پیام «صبر و پایداری کنید» و در این پاراگراف پیام «مبادا شما هم چنین کنید» دارد که پیام اخیر تلویحا متضمن این مژده هم هست که چیزی به پایان این نوع مشکلاتتان که فعلا با آن درگیر هستید نمانده است .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1 (**آیه های 88 تا 97):عادی تفسیری

در داستان مذکور ساختن گوساله و صدا دار کردن آن عادی و مفهوم است ، قسمت گیر دار مطلب «بصرت بما لم یبصروا و قبضت قبضه من اثر الرسول» است که اگر آن را جداگانه در نظر بگیریم آنهم عادی است . «اثر رسول» وحی بر موسی است ، یا وحیی که خود موسی دریافت میکرده ، است ، قبضت قبضه من اثر الرسول یعنی قسمتی از مطالب وحیانی را انتخاب کردم و آن را القاء کردم ، و این قسمت همخط است با تومنون ببعض و تکفرون ببعض . یعنی اصل موضوع پرستش خدای واحد را از تعالیم جبرئیل یا موسی گرفتم و آن را به گوساله نسبت دادم یعنی گفتم آن «اله»ی که موسی میگوید همین گوساله زرین است .

حالا بروید و به تفاسیر رایج نگاهی کنید و ببینید چه ها گفته اند از روایات یهودی که داخل مجموعه های حدیث ما شده و این از آن نقل و . . همینطور بگیر و بیا تا برسی به امروز که مجموعا سبب بدفهمی این آیات گشته است! و ما چون در قسمت «شرح مختصر» توضیحی داده ایم ، در اینجا فعلا دیگر چیزی نمیگوئیم .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 80 تا 99 به آن قسمت از داستان بنی اسرائیل می پردازد که از دست فرعونیان نجات یافتند اما بد رفتاری پیشه کردند و در این تلویحا این پیشگوئی نهفته است که بزودی نجات خواهید یافت ، که چنانکه میدانیم تحقق یافته است .

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ﴿80﴾ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿81﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿82﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافکاری رو آوردند.**

**2**

**وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَى ﴿83﴾ قَالَ هُمْ أُولَاء عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى ﴿84﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ ﴿85﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافکاری رو آوردند و رهبرشان در این مورد سامری بود.**

**3**

**فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدتُّمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي ﴿86﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿87﴾ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ ﴿88﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿89﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِن قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنتُم بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿90﴾ قَالُوا لَن نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى ﴿91﴾ قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿92﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿93﴾ قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿94﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافکاری رو آوردند و رهبرشان در این مورد سامری بود که آنها را به گوساله پرستی برگرداند.**

**4**

**قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿95﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿96﴾ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿97﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب: قسمت عمده ای از بنی اسرائیل پس از نجات به خلافکاری رو آوردند و رهبرشان در این مورد سامری بود که آنها را به گوساله پرستی برگرداند و البته هم سامری و هم پیروانش به عقوبت فوری گرفتار شدند.**

**5**

**إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿98﴾ كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاء مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا ﴿99﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب: ای پیامبر! حقیقتِ مطلبِ داستان بنی اسرائیل همین است که بر تو وحی کرده ایم.**

**7 - آیات مشکل**

آیات 95 تا 97 از آن لحاظ که مفسران مختلف تفسیر های متخالف و متضاد و اغلب مبتنی بر روایات یهودی و نقل قول از یکدیگر و در مجموع بی ارزش، کرده اند، جزء آیات مشکل قلمداد میشود و البته این تفسیر را که بخوانید، هم متوجه یک تفسیر درست و حسابی میشوید و هم گوشه ای از فرق این تفسیر را با سایر تفاسیر درک میکنید.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و **لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که اگر ما میتوانسته ایم خود را از پیشداوریی که روایات اسرائیلی القاء میکند خلاص کنیم ، لذا در اینجا باید بگوئیم که مخاطب های اولیه که ذهن شان هنوز توسط بنی اسرائیلیات خذاب نشده بود ، مطلب را بهتر از ما می فهمیده اند .**

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ای مسلمانان! مبادا پس از رهایی ، مانند این کارهایی را که بنی اسرائیل کردند مرتکب شوید.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**حال و احوال بسیار خوش ، رفتار بسیار ناخوش**

در رابطه با آیات 88تا99 میتوان گفت بسیار محل عبرت است .

اینک بنی­اسرائیل به رهبری حضرت موسی(ع) آزادی خویش را باز یافته و دشمن خویش را هلاک شده می­بینند و بسوئی می­روند که آینده خویش را بسازند و شهرهای خویش را بنا کنند و زندگیی شایسته و در خور داشته باشند.

تصور فرمائید: قومی رها شده از بند، راهنمای دانای نجات دهنده در میانشان، با روحیه بالای ناشی از امید به آینده، با آب و غذای کافی مرغوب (یعنی منّ و سلوا) بعنوان توشه سفر مهیا ، بطرف ساختن آینده خویش روانند.

واقعاً چه حالی خوشتر از این است؟ تنها کاری که بنی­اسرائیل می باید میکردند این بودکه تمام هوش و حواس خود را جمع کنند و بطور دقیق گوش به رهنمودهای آنحضرت بسپارند تا این مسیر طی شود و برسند به جائی که باید برسند و شایسته­شان بود.

اما آنچه در واقعیت اتفاق افتاده، درست خلاف آن است. پر است از نافرمانی، خلاف، انحراف، خیانت، سستی در انجام وظیفه ، و گناه و ارتجاع و غیره.

با توجه به «لیست پیشنهادی ترتیب نزول سوره­ها»، این اولین بار است که «داستانهای پس از نجات از اسارت فرعونیان» مطرح می­شود. آنهم با این طول و تفصیل، که بعداً در سوره­های اعراف و بقره آیات تکمیلی این بخش نازل خواهد شد.

**ارتجاع؟ آنهم به این زودی؟**

در رابطه با آیه­های 83و84باید حدس بزنیم که ظاهراً حضرت موسی باید قومش را بسوی (کوه) طور می­برد اما شیرینی دریافت وحی و طرف سخن خداوند قرار گرفتن او را به تعجیل وا داشت ، و براساس آیه 85، همین نبودن حضرت موسی سبب گمراهی آن قوم شد.

چرا گمراهی به این زودی؟

صرفنظر از مندرجات تورات کنونی که از توحید خالص موسائی فاصله بسیار دارد، از روی مطالب قرآن کریم فهمیده می­شود که تعالیم آن حضرت توحید خالص اسلامی بود.

اما مردمی که او برای نجات آنها گسیل شده بود، نسل اندر نسل تحت سلطه سیاسی و نظام سیاسی فرعونی نشو و نما یافته بودند و طبعاً از لحاظ فرهنگی نیز گرچه اسمی از توحید بر رویشان بود اما مانند مسلمانان ساکن در شوروی سابق که فقط اسمی برایشان مانده بود آنها نیز از توحید ابراهیمی چیزی برایشان نمانده بود.

طبعاً رنج و ذلت بردگی و تبلیغ مداوم مستمر فرعونیان نتیجه­ای غیر از این نداشت.

ظاهراً فاصله بین مصر و کوه طور را با توجه به نقشه­های فعلی جغرافیا و نیز کیفیت راهسپران که مردم معمولی دارای بار و بنه و زن و بچه و پیرمردان و پیرزنان بودند، نمی­توان در کمتر از 5-4 ماه طی کرد.

آنان در این مدت طولانی فرصت کافی داشتند که تغییر اخلاق بدهند.

آنان قبل از این مهاجرت بزرگ عده­ای برده ذلیل و تحت سلطه کسانی بودند که مقید به هیچ قید دینی و اخلاقی نبودند اما در این مدت اشخاصی آزاد و دارای حقوق الهی شده بودند و رئیس آنها هم کسی بود که نمی­توانست هیچ خشونت کوچک ظلم­آمیزی بر آنها روا دارد و لذا آنها بجای اینکه پاس این نعمت عظیم را بدارند، از موقعیت جدید خویش سوء استفاده نموده سر به نافرمانی و چون و چرای بیجا گذاشتند.

ضمناً آیات 85تا91 نیز باید با توجه به این نکته ملاحظه شود و در آنصورت مفهوم خواهد بود.

**گوساله سامری**

بالاخره قومی که عمری را در بساط بت و بت­پرستی گذرانده بود ولو اینکه اسمی هم از توحید ابراهیمی بر سرشان بود، غیبت موسی سبب میدان­یابی اغوای اغواگران شد و ممانعت هارون نیز ضعیف بود و نتوانست جلوگیری کند و بت­پرستیِ قلبیِ پنهان بصورتِ ملموسِ آشکار خودنمائی کرد.

واقعاً جواب سامری را در آیه 96 چگونه می­توان تفسیر کرد؟

1- «آن رسول» کیست؟

2- «مشتی از اثر»ی آن رسول یعنی چه؟

3- «چیزی دیدم که آنها ندیدند» مربوط به چیست؟

4- «انداختم» یعنی چه؟،

در اینجا باید عرض کنیم که تقریبا عموم مفسران برای فهم این قسمت به روایات متکی بوده اند و سخنان عجیب و غریبی گفته اند که نه تنها به فهم مطلب چندان کمکی نمیکند بلکه سبب بد فهمی هم میشود اما ، ما ، با توجه به ترتیب نزول و عصاره محتوای سوره (یعنی «درس») و عصاره محتوای پاراگراف (یعنی «درب») قاعدتا نباید دچار مشکلی باشیم.

اگر به ترتیب نزول توجه داشته باشیم اولین بار که کلمه منافق را در قرآن می بینیم در سوره عنکبوت است که به هجرت خیلی نزدیک است .

یعنی اینکه منافقین حس کرده بودند که این نهضت (یعنی اسلام) آینده دارد و کارش اصطلاحا «میگیرد» ، لذا بدون اینکه موضوع حق و باطل برایشان مهم باشد به آنحضرت گرویدند تا در آیندهء نهضت، از آن نمد کلاهی داشته باشند و چنانکه تاریخ اسلام گویا است حسابشان هم درست درآمد و به ریاست و آلاف و الوف هم رسیدند و ضمنا هنوز سی سال از وفات آنحضرت نگذشته بسیاری از عناصر مهم محتوائی اسلام را نیز کاملا تغییر دادند .

کار سامری نیز چنین کاری بود ، اونیز کل جریان حضرت موسی را تحلیل کرد و متوجه عناصری شد که از آنها برای ریاست احتمالی خویش استفاده کرد و مدتی هم (لا اقل تا برگشتن آنحضرت از میقات) موفق هم بود و ریاست پیدا کرد و هارون را که جانشین آنحضرت بود کنار زد و منزوی نمود.

بنابر این « **بصرت بما لم یبصروا**» یعنی اینکه در کار موسی مطالعه کردم و متوجه چیزهایی شدم که عموم مردم متوجه نشدند و «**قبضت قبضة من اثر** **الرسول**» (اعم از اینکه رسول موسی باشد یا جبرئیل که نتیجه گیری را تغییر نمیدهد) یعنی عنصری از عناصر دین موسی را گرفتم (که در این مورد تبدیل چند خدائی فرعونیان به تک خدائی دین موسی باشد) و « **نبذتها**» به قرینه «کذلک القی السامری» به معنی «القیتها» است ، و خلاصه مطلب این است که در کار رسول (اعم از موسی یا جبرئیل) مطالعه کردم و قسمتی از آن را انتخاب کردم و آن را القاء کردم ، که در این مورد با توجه به اینکه بنی اسرائیل مدتی طولانی تحت بردگی فرعونیان بودند و فرعونیان تندیس بعضی از حیوانات را به عنوان نماد برخی از قدرت های خدائی پرستش میکردند ، سامری نیز به زبان «قومِ تا دیروز برده و هنوز تحت تاثیر پسماندهای دین اربابان سابق» سخن گفت و تک خدائی را به عنوان رمز موفقیت موسی گرفت و نیز آن خدا را بصورت گوساله ای که صدائی هم از آن در می آمد معرفی کرد (که بالاخره خارق عادتی هم چاشنی کار خویش کند و بتواند در عوام الناس زمینه پذیرشی ایجاد کند) و پذیرفته هم شد و قسمتی از بنی اسرائیل اورا به رهبری خویش پذیرفتند .

و در این پاراگراف دارد به مسلمانان هشدار میدهد مبادا شما این گوهر عظیم را در اثر رفتار عده ای فرصت طلب منافق عوام فریب از دست بدهید که البته واقعیات تاریخی بما میگوید که موضوع این هشدار (که بعدا در سوره اعراف هم تکرار شد) واقع شد و مسلمانان دچار آن شدند که هنوز هم گرفتارش هستند .

**جمع بندی و تفسیر**

**اي بني اسرائيل شما را از دشمنانتان نجات داديم و با شما در طرف راست** (کوه) **طور قرار گذاشتيم و منّ و سلوي را بر شما فرو فرستاديم (80) از چيزهاي خوبي که برايتان روزي کرديم بخوريد و طغيان مکنيد که غضبم بر شما فرود خواهد آمد و کسي که غضبم بر او فرود آيد حتما سقوط خواهد کرد (81) و البته من نسبت به کسي که توبه کند و ايمان آورد و عمل صالح نمايد و سپس هدايت يابد بسيار بخشنده ميباشم (82) اي موسي چه چيز تو را واداشت که از قومت با عجله جلو بيفتي؟(83) گفت پروردگارا آنها دنبال من هستند و من بسويت عجله کردم تا راضي شوي (84) گفت قومت را پس از تو آزموديم و سامري گمراهشان کرد (85) پس موسي در حاليکه غضبناک و متاسف بود بسوي قومش برگشت و گفت اي قوم ! آيا پروردگارتان وعده نيکو به شما نداد؟ آيا مدتش طولاني شد يا اينکه خواستيد غضبي از جانب پروردگارتان شما را فرا گيرد که در وعده ام تخلف کرديد؟(86) گفتند از وعده ات با اختيار خودمان تخلف نکرديم وليکن بارهائي از زينت آلات آن قوم بما تحميل شده بود که آنها را انداختيم و سامري نيز** (اين طرح را) **بيانداخت (87) و براي آنها بدني از گوساله که صدائي هم داشت ساخت و** (عده اي) **گفتند اين خداي شماست و خداي موسي نيز هست كه فراموش کرد (88) آيا نمي ديدند که سخني را به آنها برنمي گرداند و براي آنها مالک نفع و ضرري نيست؟(89) و البته هارون قبلا به آنها گفته بود که اي مردم شما بوسيله آن به فتنه افتاده ايد و پروردگار شما خداي رحمان است پس مرا پيروي و از امرم اطاعت كنيد (90) گفتند ما از عبادتش دست نمي کشيم تا اينکه موسي بسويمان برگردد (91) گفت اي هارون چه چيزي جلويت را گرفت وقتي که ديدي گمراه شده اند (92) که مرا پيروي کني؟ آيا از فرمانم سرپيچيدي؟(93) گفت اي پسر مادرم سر و ريشم را ول کن. ترسيدم بگويي بين بني اسرائيل تفرقه انداختي و به سخنم اعتنا نکردي (94) گفت اي سامري موضوع تو چه بوده؟(95) گفت چيزي ديدم که آنها نديدند و مشتي از اثر آن فرستاده را برگرفتم و القاء کردم و نفس من برايم چنين آراست (96) گفت پس برو و در زندگي برايت اين باشد که بگويي به من دست نزنيد . و البته موعدي داري که تخلف ندارد و به خدايـت که از عبادتش دست نمي کشيدي نگاه کن که آنرا خواهيم سوزاند سپس به دريا ميريزيم و پراکنده اش مي کنيم (97) جز اين نيست که خداي شما خداوند است که خدائي جز او نيست که علم او به همه چيز ميرسد (98) از خبرهاي گذشتگان چنين برايت حکايت ميکنيم و از جانب خويش به تو پندي داده ايم (99)**

**طه4 آیات100تا123**

**مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿100﴾ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاء لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿101﴾ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿102﴾ يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿103﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿104﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿105﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿106﴾ لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿107﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَت الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿108﴾ يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿109﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿110﴾ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿111﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿112﴾ وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿113﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿114﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿115﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿116﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿117﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿118﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿119﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ﴿120﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿121﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿122﴾ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿123﴾**

**ای پیامبر! کسي که از پندهای الهی رو برگرداند روز قيامت باري بر دوش خواهد داشت (100) كه در آن جاودان خواهند بود و چه بار بدي برايش خواهد بود (101) روزي که در آن شيپور دميده شود و مجرمان را در آن روز ، بد چشم محشور كنيم (102) بين خويش به آهستگي ميگويند بيش از ده روز در قبر درنگ نداشته ايد (103) ما به آنچه ميگويند داناتريم . هنگاميکه خوش رفتارترين آنها ميگويد جز يک روز درنگ نکرده ايد (104) و از تو درباره کوه ها ميپرسند بگو پروردگارم آنها را بكلي پراکنده ميکند (105) و آنها را پهن و صاف واميگذارد (106) که در آن نه کژي و نه برجستگيي بيني (107) در آن روز آن دعوت کننده را که ايرادي در کارش نيست پيروي ميکنند و صداها بخاطر خداوند رحمان پائين مي آيد و جز زمزمه آهسته اي نمي شنوي (108) در آن روز شفاعت فايده اي ندارد مگر از سوي آنکس که خداوند رحمان اجازه اش دهد و سخنش را بپسندد (109) همان خداوندی که از آينده و گذشته شان خبر دارد اما آنها نسبت به او علمي ندارند (110) و چهره ها براي آن زنده پاينده فرو مي افتد و کساني که بار ظلمي بر دوش دارند رستگار نمي گردند (111) و کساني که کارهاي شايسته نموده و ايمان نيز داشته باشند نه نگران خواهند بود که ظلمي به آنان شود و نه نگران كاستيي خواهند بود (112) و چنين است که قراني به زبان روشن واضح نازل کرده ايم و در آن از وعده هاي مايه نگراني آورده ايم شايد تقوا پيشه کنند يا پندگيري شان تازه شود (113) و خداوند فرمانرواي حقِ بلند مرتبه است و ای پیامبر! قبل از اينکه وحي آن بسويت تمام شود عجله به خواندن آن مکن و بگو پروردگارا علمم را زياد کن (114) و قبلا عهدي به آدم سپرده بوديم اما فراموشش کرد و اراده اي در او نيافتيم (115) آن هنگام كه به ملائکه گفتيم براي آدم سجده کنيد که سجده کردند مگر ابليس که امتناع کرد (116) گفتيم اي آدم اين دشمن تو و همسرت است پس مبادا شما را از بهشت بيرون کند و بدبخت شويد (117) زيرا که تو در آن گرسنگي و برهنگي نداري (118) و تشنگي و آفتاب تند نيز نداري (119) پس شيطان وسوسه اش کرد. گفت اي آدم آيا تو را به درخت جاودانگي و پادشاهيي که کهنه نميشود راهنمائي بکنم؟ (120) پس، از آن خوردند و زشتي هايشان برايشان آشکار شد و شروع به چسباندن برگهاي آن باغ به خويش نمودند و آدم نسبت به پروردگارش عصيان کرد و گمراه شد (121) آنگاه بعدا پروردگارش برگزيدش و بالطف و بخشش به او بازگشت ، و هدايتش نمود (122) گفت شما دوتا و همگي تان از آن فرود آئيد بطوريکه بعضي تان دشمن بعضي ديگر باشيد . پس اگر هدايتي از جانب من آمد کسي که هدايتم را پيروي کند نه گمراه و نه بدبخت خواهد شد (123)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : قبول القائات شيطاني آدمي را از راه حق منحرف نموده، و سبب زحمت آدمي در همين جهان، و بدبختي جاويد در جهان بعدي مي­شود و توجه به آخرت و توجه به حقانيت قرآن و تدبر در آن ، آدمي را از قبول القائات شيطاني حفظ ميكند .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! قرآن را برای این برتو نازل کرده ایم که بوسیلـه آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالتت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مردم ! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! پس از اینکه از این اوضاع نا مطلوب رهائی یافتید مبادا همان کار هائی را بکنید که بنی اسرائیل با پیامبرشان کردند .

در این پاراگراف می فرماید : ای انسانها ! گول خوردن پدرتان از ابلیس فقط منحصر به آن زمان نبوده وخودتان نیز هم اکنون در معرض القائات شیطانی هستید، پس مواظب خویش باشید و ای پیامبر ! دل مطمئن دار که این وحی رابرتو کامل میکنیم که با آن دائما پند بر مومنان و هشدار بر کفران تازه کنی و خود نیز علمِ بیشتر جستجو میکن و ای مردم! هولناکی قیامت برای کسانی است که از آن پند روگردان باشند .

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (هشدار دهنده شدید؟ یا....؟)

2 - این هشدارها بیشتر متوجه چه کسانی است؟ (کفار؟ مسلمانان؟ یا.....؟)

3- نسبت به آنچه درباره هولناکی های قیامتی درسوره های قبل دیدیم ، چه مطلبی در این پاراگراف جدید است؟

4 – منظور از « **أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً** » (آیه104) چیست؟

5 - « **لَا عِوَجَ لَهُ** » (آیه108) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

6 - « **إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا** » (آیه109) چطور؟

7 – چرا در آیه 112 فرموده« **مِنَ الصَّالِحَاتِ** »ونفرموده« **الصَّالِحَاتِ** »؟

8 – منظور از «هضما» (آیه112) چیست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 113 فهمیده میشود قرآن در طول رسالت آنحضرت دو ماموریت داشته، یکی تذکر دادن و دیگری تازه کردن تذکرات.

از آیه 114 فهمیده میشود آنحضرت در هنگام تلقی وحی بی تاب میشده و عجله میکرده (ظاهرا در اثر نگران بودن از اینکه مبادا قسمتی از وحی را از دست بدهد) و از همان آیه این نیز فهمیده میشود که شخصیت آنحضرت در طول پیامبری اش و به مرور زمان رشد و تعالی و تکامل می یافته است .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 113 تا 123 ، کلّا «پرانتزی» است (امتحان کنید و امتحانش به این است که قبل و بعدش را وصل کنید که در اینصورت خواهید دید که روال سخن صاف و بی سکته خواهدبود)

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿100﴾ خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاء لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿101﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : یک نمونه قبول القائات شيطاني روگردانی از پندهای قرآنی است.**

**2**

**يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿102﴾ يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿103﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿104﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿105﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿106﴾ لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿107﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَت الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿108﴾ يَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿109﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿110﴾ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿111﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿112﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : یک نمونه قبول القائات شيطاني روگردانی از پندهای قرآنی است که در آن بسیار به وقوع قیامت هشدار داده.**

**3**

وَكَذَلِكَ أَنزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿113﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿114﴾

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : ای پیامبر! هنگام دریافت این قرآن که چنین عظمت و اهمیتی دارد آرام باش.**

**4**

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِن قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿115﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى ﴿116﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى ﴿117﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى ﴿118﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى ﴿119﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى ﴿120﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ﴿121﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿122﴾ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى ﴿123﴾

**درس: اي مسلمانان! مانند بني اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سر پيچيدند.**

**درب : شیطان بسیار خطرناک است، از او و سیستمش بسیار دوری کنید.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 114 از هر دو لحاظ برجستگی (اقبال هنرمندان و استناد توسط علماء و خطباء) را دارد، و شواهد در این خصوص زیاد ولی جای آن اینجا نیست.

همچنین است موقعیت آیات 115 تا 123.

**7 - آیات مشکل**

آیات 115 تا 123 از آیات مشکل قرآنی است، زیرا مفسران در تفسیر آنها آراء مختلف و بعضا متخالف و متضادی گفته اند که بیا و ببین، اما تفسیر معقول و مقبول است زیرا از هیچ منبع و مرجع غیر قرآنی استفاده نکرده ایم.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیات 102 تا 112 که جزئیاتی از پیشاقیامت تا پساقیامت را مطرح میکند، نه تنها فوق ذهنیات مخاطب اولیه بلکه حتی فوق ذهنیات ما مردم قرن بیست و یکم است.

همچنین است آیات 115 تا 123 که مطالب پر رمز و رازی را به زبانی سمبلیک بیان میکند و چون اصل مطلب در فضائی رخ داده که قابل دسترسی هیچکس نیست، لذا فوق ذهنیات ما که بشر قرن بیست و یکمی هم هست چه رسد به مخاطبان اولیه.

**9 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 114):1 – حاکم کردن روایات 2 – خطای عادیِ تفسیری

(المیزان) : " وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضى‏ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْماً".

سياق آيات مورد بحث شهادت مى‏دهد بر اينكه در اين آيه تعرضى نسبت به چگونگى تلقى رسول خدا (ص) بر وحى قرآن شده است، و بنا بر اين ضمير در" وحيه" به قرآن بر مى‏گردد، و جمله" وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ" نهى از عجله در قرائت قرآن است. و معناى جمله" مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضى‏ إِلَيْكَ وَحْيُهُ" اين است كه قبل از تمام شدن وحى از ناحيه فرشته وحى، در خواندن آن عجله مكن.

پس اين آيه مى‏رساند كه وقتى وحى قرآن براى آن جناب مى‏آمده، قبل از اينكه وحى تمام شود، شروع به خواندن آن مى‏كرده، و در آيه، آن حضرت را نهى فرموده‏اند از اينكه در قرائت قرآن و قبل از تمام شدن وحى آن عجله نكند، پس آيه مورد بحث در معناى آن آيه ديگر است كه مى‏فرمايد:" لا تُحَرِّكْ بِهِ لِسانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ"

و مؤيد اين معنا جمله بعد است كه مى‏فرمايد:" وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْماً"، براى اينكه جمله" لا تَعْجَلْ ... وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْماً" مى‏رساند كه مراد استبدال است، يعنى به جاى اينكه در آيه‏اى كه هنوز به تو وحى نشده عجله كنى علم بيشترى طلب كن. و برگشت معنا به اين مى‏شود كه اگر تو به قرائت آيه‏اى كه هنوز بر تو نازل نشده عجله مى‏كنى، براى اين است كه تا اندازه‏اى بدان علم پيدا كرده‏اى، ولى تو به آن مقدار علم اكتفاء مكن، و از خدا علم جديد بخواه، و بخواه كه صبر و حوصله‏ات دهد تا بقيه وحى را بشنوى.

اين آيه شريفه از جمله مداركى است كه مضمون روايات را تاييد مى‏كند، كه دارد: قرآن كريم دو بار نازل شده، يكى بار اول كه همه‏اش از اول تا به آخر دفعتا نازل شده است، و يكى هم آيه آيه و چند روز يك بار، و وجه تاييد آن اين است كه اگر رسول خدا (ص) قبل از تمام شدن آيه، و يا چند آيه‏اى كه مثلا الآن جبرئيل آورده، علمى به بقيه آن نمى‏داشت، معنا نداشت بفرمايد: قبل از تمام شدن وحيش در خواندنش عجله مكن، پس معلوم مى‏شود قبل از تمام شدن وحى هم آن جناب آيه را مى‏دانسته.

استدلال اصلی المیزان بر اینکه قرآن یکبار بطور یکپارچه بر آنحضرت نازل شده و یکبار تدریجا و در ظرف حدود 23 سال ، این است که قرآن فرو فرستادن خویش را هم به «انزال» و هم به «تنزیل» تعبیر کرده ، که به قول المیزان ، انزال به معنی فروستادن یکدفعه ای و تنزیل به معنی تدریجی است و قبلا نشان دادیم که این خطاست زیرا راجع به باران و ارزاق هم هردوی این انزال و تنزیل بکار رفته و در مورد باران و ارزاق میدانیم که تدریجی است .

بنا بر این ، این استدلال باطل است ، اما از نقل قول فوق بر می آید که خود المیزان نیز بر آن استدلال خویش چندان اطمینانی نداشته و لذا به روایات استشهاد کرده ، و در نتیجه این استشهاد برای «رب زدنی علما» معنیی آورده که نمی چسبد و معنی آیه همان است که در آیات سوره قیامة آمده (همان آیاتی که در نقل قول فوق هم دیده میشود . و معنی«رب زدنی علما» نیز همان است که بطور مستقیم و وضوح از خودش فهمیده میشود و نیاز به آن سخنان نچسب ندارد .

**2** (آیه های 115 تا 122):(المیزان) : " انبياء با داشتن عصمت مى‏توانند ترك اولى كنند و ترك اولى با عصمتشان منافات ندارد" و از همين ترك اولى يكى داستان آدم است كه بعد از آنكه از خوردن آن درخت منعش كرده بودند خورد.

آنجا نه دنیا بود نه آخرت، و آدم هنوز «نبی» نشده بود، لذا کاربرد عناوینی مانند گناه و ترک اولی و امثالهم برای آن شرایط موجه نیست.

**10 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه های 113 و 114 دو پیشگوئی تحقق یافته هست :

1 – اسم قرآن را آورده و این یک وعده تحقق یافته است ، که یعنی تو اینقدر در رسالت میمانی که نزول قرآن تکمیل شود .

2 – در باره ادامه رسالتش به او نوید داده که اضطراب نداشته باش و طمانینه پیشه کن و تقاضای رشد نفسانی کن .

**11 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**12 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – هشدار به آدمی راجع به شیطان و اینکه او و ایادی اش اساسا کارشان سعی در گمراه کردن انسان است .

2 – توجه دادن به قیامت به عنوان یک آینده محتوم و اینکه آن را در محاسبات تان در نظر بگیرید .

3 – توجه دادن به قرآن و کارکردِ راهنما بودنِ آن در جهت مواجهه موفق با دو موضوع فوق .

**13 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه 110 و 112 و 114 و 115 و 117 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**«ه» در عنه به چه اشاره دارد؟**

«عنه» در آیه 100 به انتهای آیه 99 بر میگردد و من اعرض عنه یعنی کسانی که از پند های قرآن روگردان باشند.

**داستان زیبای آفرینش انسان و برگزیدگی آدم**

داستان برگزیدگی آدم؛ که در سوره­های اسراء و حجر قسمت­هایی از آن ذکر شد، و در این سوره نیز قسمتی، و آنگاه در سوره اعراف و بالاخره در سوره بقره تکمیل خواهد شد، ما نیز شرح مختصری از کل این داستان دلکش شیرین را در سوره بقره عرض خواهیم کرد .

اما آنچه که بطور خیلی خلاصه می­توانیم در اینجا عرض کنیم، این است که داستان آدم در قرآن طوری مطرح شده ، اما در نزد مردم عادی و عامی طور متفاوتی مطرح شده است که مخلوطی از خرافات و مطالب نامعقول و افسانه­های نفوذ یافتــــــه بنی­اسرائیلی است.

اما آنچه از قرآن فهمیده می­شود این است که این داستان در سه مرحله مطرح است:

1- مرحله نرم­افزاری (تقدیر، برنامه­ریزی، عالم ملائکه، ابلیس، امتحان بین آدم و ملائکه و پیروزی آدم و شکست ملائکه، فراخوان ملائکه برای سجده ...)

2- مرحله « نه آسمان نه زمین» که مرحله مطرح در همین سوره است و گول خوردن آدم و همسرش در آن موقعیت واقع می­شود.

3- مرحله آغاز حیات زمینی (هبوط، زاد و ولد، شیطان­ها، ... تاکنون) و در این سوره با ذکر این قسمت داستان با توجه به «درس» و «درب» به مسلمانان می­فرماید صحنه گول خوردن پدرتان از ابلیس فقط منحصر به آن شرایط نبوده و هم اکنون نیز شما در معرض القائات شیطانی هستید، پس مواظب باشید و ...

**جمع بندی و تفسیر**

**کسي که از آن (پند) رو برگرداند روز قيامت باري بر دوش خواهد داشت (100) كه در آن جاودان خواهند بود و در روز قيامت چه بار بدي برايشان خواهد بود (101) روزي که در آن شيپور دميده شود و مجرمان را در آن روز ، بد چشم محشور كنيم (102) بين خويش به آهستگي ميگويند بيش از ده روز (در قبر) درنگ نداشته ايد (103) ما به آنچه ميگويند داناتريم . هنگاميکه خوش رفتارترين آنها ميگويد جز يک روز درنگ نکرده ايد (104) و از تو درباره کوه ها ميپرسند بگو پروردگارم آنها را بكلي پراکنده ميکند (105) و آنرا پهن و صاف واميگذارد (106) که در آن نه کژي و نه برجستگيي بيني (107) در آن روز آن دعوت کننده را که ايرادي در کارش نيست پيروي ميکنند و صداها بخاطر خداوند رحمان پائين مي آيد و جز زمزمه آهسته اي نمي شنوي (108) در آن روز شفاعت فايده اي ندارد مگر از سوي آنکس که خداوند رحمان اجازه اش دهد و سخنش را بپسندد (109)** (همان خداوند که) **از آينده و گذشته شان خبر دارد اما آنها نسبت به او علمي ندارند (110) و چهره ها براي آن زنده پاينده فرو مي افتد و کساني که بار ظلمي بر دوش دارند رستگار نمي گردند (111) و کساني که کارهاي شايسته نموده و ايمان نيز داشته باشند نه نگران خواهند بود که ظلمي به آنان شود و نه نگران كاستيي خواهند بود (112)** **و چنين است که قراني به زبان روشن واضح نازل کرده ايم و در آن از وعده هاي مايه نگراني آورده ايم شايد تقوا پيشه کنند يا پندگيري شان تازه شود (113) و خداوند فرمانرواي حق بلند مرتبه است و قبل از اينکه وحي آن بسويت تمام شود عجله به خواندن آن مکن و بگو پروردگارا علمم را زياد کن (114)** **و قبلا عهدي به آدم سپرده بوديم اما فراموشش کرد و اراده اي در او نيافتيم (115) آن هنگام كه به ملائکه گفتيم براي آدم سجده کنيد که سجده کردند مگر ابليس که امتناع کرد (116) گفتيم اي آدم اين دشمن تو و همسرت است پس مبادا شما را از بهشت بيرون کند و بدبخت شويد (117) زيرا که تو در آن گرسنگي و برهنگي نداري، (118) و تشنگي و آفتاب تند نيز نداري (119) پس شيطان وسوسه اش کرد. گفت اي آدم آيا تو را به درخت جاودانگي و پادشاهيي که کهنه نميشود راهنمائي بکنم؟(120) پس، از آن خوردند و زشتي هايشان برايشان آشکار شد و شروع به چسباندن برگهاي آن باغ به خويش نمودند و آدم نسبت به پروردگارش عصيان کرد و گمراه شد (121) آنگاه بعدا پروردگارش برگزيدش و** (بالطف و بخشش) **به او بازگشت ، و هدايتش نمود (122) گفت شما دوتا و همگي تان از آن فرود آئيد بطوريکه بعضي تان دشمن بعضي ديگر باشيد . پس اگر هدايتي از جانب من آمد کسي که هدايتم را پيروي کند نه گمراه و نه بدبخت خواهد شد (123)**

**طه5 آیات124تا135**

**وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿124﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا ﴿125﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسَى ﴿126﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿127﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُوْلِي النُّهَى ﴿128﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى ﴿129﴾ فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاء اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ﴿130﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿131﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿132﴾ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿133﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَى ﴿134﴾ قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿135﴾**

**ای پیامبر! کسي که از پندم روي بگرداند معيشتي سخت خواهد داشت و روز قيامت نيز کور محشور خواهد شد (124) گويد پروردگارا چرا کور محشورم کردي در حاليکه بينا بودم؟ (125) جواب خواهد شنید: زیرا آياتم بسويت آمد و تو فراموششان کردي و امروز خودت فراموش ميشوي (126) و چنين است که کساني را که اسراف نموده و به آيات پروردگارش ايمان نياورند سزا ميدهيم و البته عذاب آخرت شديدتر و باقي تر است (127) ای پیامبر! آيا اين نکته هدايتشان نکرد که ما قبل از آنان چقدر از جوامعي را که اينها درمساکنشان رفت و آمد ميكنند هلاک کرديم؟ که البته در اين براي صاحبان خرد نشانه هائي است (128) و اگر اينطور نبود که قبلا کلمه اي از جانب پروردگارت صادر شده بود که سرآمدي معين داشته باشند ، البته حتما آن عذاب و هلاکت همراهشان ميشد (129) پس به آنچه ميگويند صبر کن و پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروبش و از کناره هاي شب و اطراف روز به ستايش تسبيح گوي ، شايد راضي شوي (130) و چشمانت را روي آنچه که مايه رونق زندگي دنياست و به عده اي از آنان داده ايم تا آزمايششان کنيم مدوز ، و روزي پروردگارت بهتر و باقي تراست (131) و اهل خويش را به نماز فرمان ده و بر آن پايداري کن ، ما از تو روزيي نميخواهيم و خودمان روزيت ميدهيم و عاقبت از آن تقواست (132) و ميگويند چرا از جانب پروردگارش برايمان معجزه­ای نمي­آورد؟ آيا دلايل روشني که در صحيفه هاي قبلي بود بسويشان نيامد؟ (133) و اگر قبل از آن به عذابي هلاکشان کرده بوديم ميگفتند پروردگارا چرا رسولي بسويمان نفرستادي تا آياتت را قبل از اينکه ذليل و رسوا شويم پيروي کنيم (134) بگو همگي منتظرند ، شما هم منتظر باشيد پس بزودي خواهيد دانست که اهل جاده درست چه کساني هستند و هدايـت يافته کيست؟ (135)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني­اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سرپيچيدند.**

**درب : ای مردم! غفلت از یاد خدا شما را به آن انحراف­ها می­کشاند ، و ای پیامبر! در جواب بهانه­­­های آنان چنین بگو.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای پیامبر ! قرآن را برای این برتو نازل کرده ایم که بوسیلـه آن افراد مستعد را پند دهی و برای موضوع رسالتت خود را بیش از اندازه به زحمت میندازی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مردم ! آزادی شما در گرو پیروی از این پیامبر(ص) است .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! پس از اینکه از این اوضاع نا مطلوب رهائی یافتید مبادا همان کار هائی را بکنید که بنی اسرائیل با پیامبرشان کردند .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای انسانها ! گول خوردن پدرتان از ابلیس فقط منحصر به آن زمان نبوده وخودتان نیز هم اکنون در معرض القائات شیطانی هستید، پس مواظب خویش باشید و ای پیامبر ! دل مطمئن دار که این وحی رابرتو کامل میکنیم که با آن دائما پند بر مومنان و هشدار بر کفران تازه کنی و خود نیز علمِ بیشتر جستجو میکن و ای مردم! هولناکی قیامت برای کسانی است که از آن پند روگردان باشند .

در این پاراگراف می فرماید : هر کس از پندهای الهی روگردانی کند زندگی سختی خواهد داشت و کافیست به اقوام قبلی بنگرند که در اثر این رفتار عاقبتشان چه شد و اگر تا حالا عذاب بر آنها فرود نیامده به علت حکمت خداست که مهلتی داده است.

ای پیامبر! بگو بهانه نیاورید و معجزه نخواهید ، آنچه باید معلوم شود خواهد شد و برآنچه این کافران میگویند صبر کن و فعلا این رژیم عبادتی رادرپیش گیر .

**3 - سوالات**

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار؟ هشداربه مسلمانان؟ توصیه به مطالعه درقوانین الهیِ حاکم برجوامع بشری؟توصیه به مطالعه دراحوالات امت های پیشین؟)

2- منظور از «ضنک» (آیه124 ) چیست؟

3- منظور از «تنسی» (آیه126) چیست؟ (معنی لغوی آن؟ معنی اصطلاحی آن؟ یا....؟)

4- منظور از «اسراف» (آیه127) چیست؟

5- منظور از «قرن» (آیه128) چیست؟

6- منظور از «کلمه» (آیه129) چیست؟

7- منظور از «اعمی» (آیه125) چیست؟ (مراد از آن ، معنی لغوی است یا اصطلاحی)

8- منظور از «بصیر» (همان آیه) چیست؟

9- « **وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ** » (آیه127) با کدام کلید تفسیر مطابق است؟

10 - منظور از کلّ مطالب آیه 129چیست؟

11- «من» (آیه124) در کدام معنی بکار رفته؟ (کسیکه؟ کسانیکه؟)

12 – برای «روی گردانی ازپند الهی» (آیه124) یک مثال بزنید .

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 131 فهمیده میشود که گاهی آنحضرت دلگیر و افسرده میشدند که چرا خداوند اینهمه ثروت و ناز و نعمت را هدر و به این نوع اشخاصِ . . داده که خداوند به او یادآوری میکند که نعمت درست و حسابی را به تو داده ایم ، و در آیه 132 نیز بازهم راه رشد و تکامل بیشترش را با چند توصیه عبادتی به او نشان داده و در انتهای آیه برای ترفیع روحیه آنحضرت مژده ای نیز به او داده است .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 125 و 126 و 127 فرع بر آیه 124 است.

آیه 134 (اگر در معنای آن دقت کنید) فرع بر آیه 133 است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى ﴿124﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنتُ بَصِيرًا ﴿125﴾ قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسَى ﴿126﴾ وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِن بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿127﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني­اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سرپيچيدند.**

**درب : ای مردم! قبول القائات شیطانی سبب رویگردانی تان از یاد خداست.**

**2**

**أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُوْلِي النُّهَى ﴿128﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى ﴿129﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني­اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سرپيچيدند.**

**درب : ای مردم! اگر مهلتی که خداوند به شما میدهد نبود، شما هم هلاک شده بودید.**

**3**

**فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاء اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى ﴿130﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿131﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى ﴿132﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني­اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سرپيچيدند.**

**درب : ای پیامبر! به رسالتت بچسب و به چیز دیگری دل مبند.**

**4**

**وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿133﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُم بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَن نَّذِلَّ وَنَخْزَى ﴿134﴾ قُلْ كُلٌّ مُّتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿135﴾**

**درس: اي مسلمانان! مانند بني­اسرائيل نباشيد كه پس از آزادي، بعلت قبول القائات شيطاني ازحق سرپيچيدند.**

**درب : ای پیامبر! به بهانه گیری های آنان چندان اهمیت مده.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 124 از هر دو نظر (هم اقبال هنرمندان و هم استفاده زیاد اهل منبر و اهل قلم) جزء آیات برجسته است.

همچنین است موقعیت آیه 131 .

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 129 تا 134 وعده ای تلویحی نهفته است که حوصله کن و چنین عبادت کن و . . . که تلویحا پیشگوئی موفقیت آنحضرت را میدهد که تحقق هم یافت.

در آیه 135 میفرماید : بگو همگي منتظرند، شما هم منتظر باشيد پس بزودي خوهيد دانست که اهل جاده درست چه کساني هستند و هدايـت يافته کيست .

در آیه فوق جمله «پس بزودی خواهید دانست ...» از جمله وعده­های تحقق یافته می­باشد.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای مردم! غفلت از یاد خدا شما را به آن انحراف­ها می­کشاند.

2 - ای پیامبر! در جواب بهانه­­­های آنان چنین بگو.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**کافر در قیامت مورد اهمیت نیست**

ترجمه ظاهری در آیه 126 در مورد «الیوم تنسی» چنین میشود که «تو امروز -یعنی روز قیامت- فراموش میشوی» ، اما، از آنجا که آیات دیگری در باره قیامت حامل این معنی است که در آن روز همه امور سیستمی و بی خطا است، لاجرم معنی جمله فوق اینطور خواهد بود: «امروز رفتاری با تو میشود که گوئی تو فراموش شده ای»

**کور و بینا**

«اعمی» در آیه 124 یعنی کور نسبت به آن شرایط ، نه اینکه بینائی نداشته باشد و چیزهایی را که قبلا میدید نبیند بلکه چیزهایی خاص آن شرایط را نبیند ( مثلا نورهای «واشرقت الارض بنور ربها» و امثال آن را نبیند) و خلاصه اینکه چنین کسی نسبت به شرایط عالی آن موقعیت معلول و نارس است .

**حالا دیگر بهانه­تان چیست؟**

در آیه 133 کلمه «آیه» به معنی معجزه است، نه به معنی آیه قرآن.

**حجت باید کامل شود**

منظورآیه 134 این است که خداوند قبل از اتمام حجت عذاب هلاکت فرود نمی­آورد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و کسي که از پندم روي بگرداند معيشتي سخت خواهد داشت و روز قيامت نيز کور محشور خواهد شد (124)**{گويد پروردگارا چرا کور محشورم کردي در حاليکه بينا بودم؟(125) گويد چنين است که آياتم بسويت آمد و تو فراموششان کردي و امروز خودت فراموش ميشوي (126) و چنين است که کسي را که اسراف نموده و به آيات پروردگارش ايمان نياورد سزا ميدهيم و البته عذاب آخرت شديدتر و باقي تر است}(127) **آيا اين نکته هدايتشان نکرد که ما قبل از آنان چقدر از جوامعي را که** (اينها) **درمساکنشان رفت و آمد ميكنند هلاک کرديم؟ که البته در اين براي صاحبان خرد نشانه هائيست (128) و اگر اينطور نبود که قبلا کلمه اي از جانب پروردگارت صادر شده بود که سرآمدي معين داشته باشند ، البته حتما آن** (عذاب و هلاکت) **همراهشان ميشد (129)** **پس به آنچه ميگويند صبر کن و پروردگارت را قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروبش و از کناره هاي شب و اطراف روز به ستايش تسبيح گوي ، شايد راضي شوي (130) و چشمانت را روي آنچه که مايه رونق زندگي دنياست و به عده اي از آنان داده ايم تا آزمايششان کنيم ندوز. و روزي پروردگارت بهتر و باقي تراست (131) و اهل خويش را به نماز فرمان ده و بر آن پايداري کن. ما از تو روزيي نميخواهيم و خودمان روزيت ميدهيم و عاقبت از آن تقواست (132)** **و ميگويند چرا از جانب پروردگارش برايمان معجزه­ای نمي­آورد؟ آيا دلايل روشني که در صحيفه هاي قبلي بود بسويشان نيامد؟ (133)**  {و اگر قبل از آن به عذابي هلاکشان کرده بوديم ميگفتند پروردگارا چرا رسولي بسويمان نفرستادي تا آياتت را قبل از اينکه ذليل و رسوا شويم پيروي کنيم }(134)  **بگو همگي منتظرند ، شما هم منتظر باشيد پس بزودي خواهيد دانست که اهل جاده درست چه کساني هستند و هدايـت يافته کيست؟(135)**

**سوره انعام**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِم يَعْدِلُونَ ﴿1﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلاً وَأَجَلٌ مُّسمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿2﴾ وَهُوَ اللّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿3﴾ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلاَّ كَانُواْ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿4﴾ فَقَدْ كَذَّبُواْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاء مَا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿5﴾ أَلَمْ يَرَوْاْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاء عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿6﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿7﴾ وَقَالُواْ لَوْلا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الأمْرُ ثُمَّ لاَ يُنظَرُونَ ﴿8﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلاً وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ ﴿9﴾ وَلَقَدِ اسْتُهْزِىءَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿10﴾ قُلْ سِيرُواْ فِي الأَرْضِ ثُمَّ انظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿11﴾ قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ قُل لِلّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لاَ رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿12﴾ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿13﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلاَ يُطْعَمُ قُلْ إِنِّيَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكَينَ ﴿14﴾ قُلْ إِنِّيَ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿15﴾ مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿16﴾ وَإِن يَمْسَسْكَ اللّهُ بِضُرٍّ فَلاَ كَاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدُيرٌ ﴿17﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿18﴾ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادةً قُلِ اللّهِ شَهِيدٌ بِيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُل لاَّ أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿19﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خداوند را سزاست که آسمانها و زمين را آفريد وتاريکيها و نور را قرار داد و با وجود این کافران براي پروردگارشان همتا قرار ميدهند (1) ای پیامبر! به اینان بگو که هموست که شما را از گِل آفريد و سپس سرآمدي مقرر کرد و آن سرآمد تعيين شده نزد اوست ولی شما در ایمان آوری دودلي ميورزيد (2) و همو در آسمانها و زمين خداست که پنهان و آشکارتان و نيز آنچه را که بدست مي آوريد ميداند (3) ای پیامبر! هيچ آيه اي از آيات پروردگارشان بسويشان نيامد مگر آنکه از آن رويگردان شدند (4) البته چيزي که تکذيب کردند حقي بود که بسويشان آمده بود پس بزودي خبر آنچه را که استهزايش ميکردند خواهند شنيد (5) آيا درنيافتند چه اقوامي را قبل از آنها هلاک کرده ايم؟ کساني که آنقدر در زمين قدرتشان داده بوديم که اینان به آن درجه از تمکين نرسيده اند و چنان بوده که آسمانها پي در پي بر آنها مي باريد و نهرهائي برايشان قرار داده بوديم که در کف زمينهاي آنها جاري بود ، اما آنها را بسبب گناهانشان هلاک نموديم و پس از آنها قومي ديگر پديد آورديم (6) ای پیامبر! اگر بر تو نامه اي در کاغذي بفرستيم و آنها آن را با دستهايشان لمس کنند باز هم کافران خواهند گفت اين چيزي جز جادويي آشکار نيست (7) و ميگويند چرا فرشته اي همراه او نازل نشده و اگر فرشته اي نازل کنيم كارشان يکسره شده و ديگر هيچ مهلتي نخواهند یافت (8) و اگر هم فرشته اي بفرستيم ، او را نيز مردي قرار ميدهيم و باز هم براي آنها همان اشتباهي كه ميکنند پيش خواهد آمد و به او خواهند گفت از کجا معلوم که تو فرشته باشی (9) و البته رسولان قبل از تو را نيز ريشخند ميکردند اما چيزي که مورد تمسخر قرار ميدادند بر مسخره کنندگان فرود آمد (10) بگو در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت تکذيبگران چه بود؟ (11) بگو آنچه در آسمانها و زمين است مال کيست؟ بگو مال خداست که رحمت را بر خويش مقرر کرده و حتما شما را در روز قيامت که شکي در آن نيست جمع خواهد کرد. ای پیامبر! آنانکه ايمان نمي آورند خود را به خسارت افکنده اند (12) و هر چه که در شب و روز جاي گيرد مال اوست و همو شنواي داناست (13) بگو آيا غير از خداوند سرپرستي برگيرم که آفرينشگر آسمانها و زمين است و همو به همگان غذا ميدهد و هيچکس غذا دهنده او نيست؟ بگو من مأمورم که اولين تسليم شده به اين حقايق باشم و مبادا شما از مشرکان باشيد (14) بگو ميترسم پروردگارم را نافرماني کنم و از عذاب آن روز عظيم نگرانم (15) هر کس که آن عذاب در آن روز از او برگردانده شود، مورد مهرباني او قرار گرفته و آن البته پيروزي آشکار است (16) و اگر خداوند بلائي به تو برساند هيچ برطرف کننده اي جز او نخواهد بود و اگر خيري بتو برساند البته همو بر هر چيزي تواناست (17) و او فوق بندگانش است و بر آنها چيره است و همو پر حکمت و آگاه است (18) بگو چه چيزي از لحاظ گواهي مهم تر است؟ بگو گواهی خداوند مهم تر است و همو گواه بين من و شماست و اين قرآن بمن وحي شده تا شما را و هر کس را که اين سخن به او ميرسد هشدار دهم. آيا شما گواهي ميدهيد که همراه خداوند خداياني ديگر است؟ بگو من چنين گواهيي نميدهم. بگو جز اين نيست که او خدائي است واحد و من البته از آنچه شما با او شريک مي کنيد بيزارم (19)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهرمند خواهي شد.**

**درب : ذكر گوشه اي اجمالي از صفات الهي ، و اینکه رفتار کافران در تقابل با رفتار صحیح نسبت به صفات خداندی است ، پس ، ای پیامبر با اینها چنین بگوی.**

**2 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 4 و 7 و 8و 10 فهمیده میشود فعالان کفر در لجّ و عناد و اصراری گیر بودند و از آیه 5 فهمیده میشود آنها اجمالا از عاقبت برخی از اقوام منقرض شده و مطلع بودند و از همان آیه فهمیده میشود از لحاظ تمکن و برخورداری و بخصوص از لحاظ منابع آب خود را از اقوام منقرض شده پائین تر میدیدند .

از مجموع مطالب آیات 11 تا 19 چنین فهمیده میشود که از تأکیدات و توصیفات و تشریحاتِ در سوره های قبلی، در اینجا فقط به حتمیت وقوع قیامت پرداخته است اما راجع به خداوند به بعضی ابعاد مختلف صفات او پرداخته که ناظر بر ربوبیت اوست.

از همین نکته فهمیده می­شود که مشکل اصلی مخاطب های مقارن نزول این آیات ربوبیت خداوند بوده و نیز این فهمیده میشود که در طول این مدت از شروع وحی تا نزول این سوره، کیفیت مخاطب­ها ، از لحاظ تلقی تعالیم وحی ، ارتقاء قابل ملاحظه­ای یافته است .

**3 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 13 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است. دلیلش هم این است کـــه اگرچشم خویش بر آن ببندیم وقبل و بعد آن را به یکدیگر وصل کنیم خواهیم دید کـه روال سخن صاف ویکدست خواهدشد .

آیه 16 فرع بر آیه 15 است و این واضح است.

دو آیه 17 و 18 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند، دلیلش را هم که میدانید (همان دلیل بالا)

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِرَبِّهِم يَعْدِلُونَ ﴿1﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَى أَجَلاً وَأَجَلٌ مُّسمًّى عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ ﴿2﴾ وَهُوَ اللّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿3﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهرمند خواهي شد.**

**درب : ذكر گوشه اي اجمالي از صفات الهي.**

**2**

**وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلاَّ كَانُواْ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿4﴾ فَقَدْ كَذَّبُواْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبَاء مَا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿5﴾ أَلَمْ يَرَوْاْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاء عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الأَنْهَارَ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿6﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿7﴾ وَقَالُواْ لَوْلا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الأمْرُ ثُمَّ لاَ يُنظَرُونَ ﴿8﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلاً وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ ﴿9﴾ وَلَقَدِ اسْتُهْزِىءَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِؤُونَ ﴿10﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهرمند خواهي شد.**

**درب : نکوهش لج و بهانه جویی و تکذیب عامدانه کفار.**

**3**

**قُلْ سِيرُواْ فِي الأَرْضِ ثُمَّ انظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿11﴾ قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ قُل لِلّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لاَ رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿12﴾** وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿13﴾ **قُلْ أَغَيْرَ اللّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلاَ يُطْعَمُ قُلْ إِنِّيَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكَينَ ﴿14﴾ قُلْ إِنِّيَ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿15﴾** مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴿16﴾وَإِن يَمْسَسْكَ اللّهُ بِضُرٍّ فَلاَ كَاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدُيرٌ﴿17﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿18﴾ **قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادةً قُلِ اللّهِ شَهِيدٌ بِيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللّهِ آلِهَةً أُخْرَى قُل لاَّ أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿19﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهرمند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر با اینها چنین بگوی.**

**4 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 11 و مشابه های آن در سوره های دیگر خیلی بر زبان مردم میچرخند و در این معنی استفاده میشوند که باید مسافرت کرد و خوش بود! که البته منظور آیه دعوت به دیدن عاقبت تکذیبگران و عبرت گرفتن است نه آنچه آژانس های مسافرتی به آن میخوانند.

آیه 12 به علت جمله «کتب علی نفسه الرحمه» در آن که بار فلسفی-عرفانیِ فوق العاده بالائی دارد.

آیه 17 به علت اقبال زیاد هنرمندان و نیز بارِ قویِ توکلی ای که دارد.

آیه 19 به علت وجود «ومن بلغ» در آن، که مخاطب بودن نسبت به قرآن را از تاریخ و جغرافیای نزول به کل جهان و همه زمانها پس از قرن هفتم میلادی گسترش میدهد.

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

آیه 11 از این لحاظ که هنوز هزار سال مانده بود که حفاری های مصر صورت گیرد و جسد فرعونِ معاصر حضرت موسی کشف شود فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است، و از این لحاظ که حفاری های مشابهی صورت نگفته و سایر اقوام مکذب از ماقبل تاریخ به دوره تاریخی منتقل نشده اند فوق ذهنیات مخاطبان قرن بیست و یکمی است، چه رسد به مخاطبان اولیه!

همچنین است آیه 12 از لحاظ عظمت گستردگیِ زیر مجموعه «مافی السماوات و الارض»

**6 – زاویه با تفاسیر رایج**

(المیزان) : غرضى كه اين سوره در مقام ايفاى آن است همان توحيد خداى تعالى است.

درس: ای پیامبر! رسالت خویش را با جدیت پیگیر، از الطاف الهی بهره مند خواهی شد.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 5 فوق به وضوح خبر از پیروزی «قریب­الوقوع» مسلمانان می­دهد. چنانکه می­دانیم این پیروزی، «بزودی» بوقوع پیوست زیرا سوره انعام در زمانی نزدیک به هجرت نازل شد و لذا این آیه در عداد پیشگوئی های تحقق یافته قرآنی قرار دارد.

در آیه 19 به عنوان مجموع نزولات وحی تا زمان نزول این سوره از کلمه قرآن استفاده نموده که چنانکه دیدیم این یک پیشگوئیِ تحقق یافته است.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ذكر گوشه اي اجمالي از صفات الهي ،

2 – نکوهش رفتار های کافرانه و ضمنا توصیف آن ،

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا ، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است ، اما ، آنقدر تفاوت در الفاظ و ظرائف ادبی و نظم و آهنگی دارند که واقعا جدید و تازه می نمایند .

**شرح مختصر**

**نمونه­ای از صفات الهی**

صفاتی از خداوند که در این پاراگراف بطور گذرا و سریع برشمرده شده عبارتند از:

1- آفرینش آسمانها و زمین،

2- قرار دادن تاریکیها و نور،

3- آفریدن انسان از گِل،

4- مقرر کردن سرآمدی برای انسان،

5- در «نزد خویش» داشتن آن سرآمد،

6- الوهیت در آسمان­ها و زمین،

7- علم به پنهان و آشکار،

8- علم به آنچه بدست می­آورند.

برای ردیف­های 1 و 2، انتقاد فرموده که برای خداوند همتا قرار می­دهند.

برای ردیف­های 3 و 4 و 5 انتقاد فرموده که درباره خداوند شک دارند.

برای ردیف­های 6 و 7 و 8 انتقادی نفرموده و فقط اعلام و اظهاری فرموده که این مطالب واقعیت دارد و به آنها توجه کنید .

جالب است که طرز سخن گفتن چنان است که گویی ابتدا از مخاطب راجع به صدق قسمتی از اظهارات اعتراف می­گیرد و سپس آن را برای اعلام و اظهار مطالب بعدی مقدمه قرار می­دهد.

مثلاً آفرینش آسمانها و زمین آنقدر مطلب بزرگ و دست نیافتنی هست که هر عقل ساده و معمولیی هم آن را درک می­کند و لذا غلط بودن همتا قرار دادن برای فاعل آن، برای هر مخاطبی واضح می­گردد.

همچنین سرآمد داشتن عمر آدمی و عدم توانایی انسان بر کشف سرآمد خویش چیزیست که ساده­ترین مخاطب­ها هم آنرا درک می­کنند و لذا غلط بودن شک درباره آن، نیز برای هر مخاطبی واضح می­گردد.

اینک که هر مخاطبی به قبیح بودن شک درباره مدیریت او درباره زندگی انسان به وضوح پی می­برد، به اعلام نکات مندرج در ردیفهای 6 و 7 و 8 می­پردازد.

توجه به نکات مندرج در ردیفهای فوق مخاطب را متوجه اعمال خویش می­کند بطوریکه مراقب خویش باشد که امر قبیحی چه فکری و چه عملی از او سر نزند.

بطور خلاصه برای تزریق فکرهای مورد انتظار در ذهن مخاطب و بر کنار داشتن او از گرایش به فکر و عمل نادرست، مطالبی را که قبول دارد و برایش واضح است حجت گرفته است.

**در «سرآمد» داشتن عمر آدمی چه نعمتی هست؟**

اینکه در آیه 2 «سرآمد داشتن» را نعمت قلمداد فرموده، در نظر اول نامفهوم به نظر می­آید اما نعمت بودن آن وقتی معلوم می­شود که این جهان محدود و کوچک را تصور کنیم که مرگ و میر در آن نباشد، ببینید چه مصیبتی می­شود.

علاوه بر آن، ندانستن وقت این سرآمد را نیز نعمت فرموده و اگر در آن هم دقت کنیم باز هم ممکن است نامفهوم به نظر آید اما تصور کنید اگر هر کسی مهلتی را که می­داشت می­دانست، ممکن بود دست به چه جنایتهائی بزند و بر عکس کسی کـه می­بیند دیگر مهلتی ندارد، چه افسردگی و یأسی به او دست می­داد و چنین شخصی چه جنایاتی می­توانست مرتکب شود.

**وجه نعمتی الوهیت خداوند در آسمان­ها چیست؟**

با توجه به آیه 3 اینکه خداوند در آسمانها نیز مانند زمین «خدا» است، چه «وجه نعمتی» از لحاظ مخاطب دارد؟

کوچکترین وجهِ نعمتی آن این است که آدمی که معمولاً زمین را «خانه» می­داند، با این تعبیر «خانه» او بزرگتر شده و علاوه بر زمین، آسمانها را نیز شامل می­شود.

«وجه نعمتی» این تعبیرات نیز که خداوند به پنهان و آشکارمان علم دارد، این است که آدمی نوعی اطمینان و آرامش خیال پیدا می­کند زیرا وقتی که کسی درباره آدمی قضاوت می­کند اگر علمش ناقص باشد مصیبت است.

**شناخت صفات کافرانه**

بهتر است قبل از هر چیز به «درب» توجه کرده و صفات کافران را لیست کنیم:

1 - به هیچ نشانه­ای از نشانه­های الهی اهمیت نمی­دهند (آیه 4)

2 - حق را تکذیب می­کنند (آیه 5)

3 - از لحاظ درک سطحی هستند و نمی­بینند که بالاتر و قوی­تر و برخوردارتر از آنها هم هلاک شدند (آیه 6)

4 - بشدت لجباز و بی­منطق و اهل ایرادگیری بیجا هستند (آیه های 7 و 8)

البته این حالت لجبازی و بی­منطقی و عناد و اصرار مکذبانه کور را قبلاً در سوره­های دخان و زخرف و امثال آن قبلاً دیده­ایم که تا آخر نزول وحی ثابت مانده است .

اما مطلبی که در آیه­های 8 و 9 آمده، جدید است.

پیامی که در آیه 8 هست این است که اگر قرار بود به درخواست آنها عمل شده و فرشته­ای برای نشان دادن به آنها نازل شود و آنها باز هم به کفرشان ادامه دهند در آنصورت مانند اقوام قبلی عذاب هلاکتِ جمعی بر آنها مقرر می­شد و فوراً نــــابود می­شدند.

پیامی هم که در آیه 9 هست این است که فرستادن فرشته­ای که با مردم فرق داشته باشد و هیچکس نتواند تکذیبش کند، نقض غرض آفرینش است که یکی از هدفهای آن رشد و تکامل عقلی بشر است.

**ماهیت و نحوه توزیع مطالب در «بگو» ها**

«بگو»های مذکور عبارتند از:

1- در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود.

2- آنچه در آسمان­ها و زمین است مال کیست؟

3- همه چیز مال خداست.

4- خداوند مهربانی را بر خویش مقرر کرده است.

5- خداوند حتماً همگی را در روز قیامت جمع خواهد کرد.

6- آنانکه ایمان نمی­آورند خودشان را به خسارت افکنده­اند.

7- آیا غیر از خداوند سرپرستی بگیریم؟

8- خداوند آفرینشگر آسمانها و زمین است.

9- خداوند همه را غذا می­دهد و هیچکس غذادهنده او نیست.

10- من (پیامبر) از نافرمانی خداوند می­ترسم.

11- خداوند که از لحاظ گواهی از همه گواهان بالاتر است گواه بین من (پیامبر) و شماست.

12- این قرآن بمن (پیامبر) وحی شده تا همه را هشدار دهم.

13- من (پیامبر) گواهی نمی­دهم که بجز او خدایانی هست.

14- من (پیامبر) از آنچه شریک او می­کنید بیزارم. چنانکه ملاحظه می­فرمائید توزیع مطالب مورد اشاره به این ترتیب است:

**درباره خدا:** مالکیت خداوند، مهربانیِ حتمیِ خداوند، سرپرستیِ خداوند، آفرینندگیِ خداوند، رازقیتِ خداوند، عدم مرزوقیتِ خداوند، بالاترین گواه بودنِ خداوند، و وحدانیتِ خداوند.

**درباره مردم:** در زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیبگران چه بود؟ آنانکه ایمان نمی­آورند خودشان را به خسارت افکنده­اند.

**درباره پیامبر:** از نافرمانی خدا می­ترسم، قرآن به من وحی شده تا همه را هشدار دهم، گواهی نمی­دهم که جز او خدایانی هست، از آنچه با او شریک می­کنید بیزارم.

**درباره قیامت:** قیامت حتمی است.

باز هم نگاهی به مطالب فوق چیزهای جدیدی را برایمان آشکار می­کند:

1- درباره خداوند، 7 مورد تأکید روی صفات اوست و فقط یک مورد تأکید روی ذات اوست.

2- درباره پیامبر(ص) تأکید بر روی فاصله گرفتن بسیار جدی و آشکار و شفاف از عقاید کافرانه رایج است.

3- درباره مردم تأکید روی آزادی و فکر و فهم آنان است.

4- درباره قیامت تأکید روی حتمیت وقوع آن است.

5- از لحاظ حجم مطالب، بیشترین حجم مربوط به خداوند، و سپس مربوط به پیامبر و سپس مردم و در آخر مربوط به قیامت است.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خداوند را سزاست که آسمانها و زمين را آفريد وتاريکيها و نور را قرار داد و آنگاه کافران براي پروردگارشان همتا قرار ميدهند (1) هموست که شما را از گِل آفريد و سپس سرآمدي مقرر کرد و آن سرآمد تعيين شده نزد اوست آنگاه شما دودلي ميورزيد (2) و همو در آسمانها و زمين خداست که پنهان و آشکارتان و نيز آنچه را که بدست مي آوريد ميداند (3)** **و هيچ آيه اي از آيات پروردگارشان بسويشان نيامد مگر آنکه از آن رويگردان شدند (4) البته چيزي که تکذيب کردند حقي بود که بسويشان آمده بود پس بزودي خبر آنچه را که استهزايش ميکردند خواهند شنيد (5) آيا درنيافتند چه اقوامي را قبل از آنها هلاک کرديم؟ همان کساني که آنقدر در زمين قدرتشان داده بوديم که شما به آن درجه از تمکين نرسيده ايد و چنان بوده که آسمانها پي در پي بر آنها مي باريد و نهرهائي برايشان قرار داده بوديم که در کف** (زمينهاي) **آنها جاري بود ، اما آنها را بسبب گناهانشان هلاک نموديم و پس از آنها قومي ديگر پديد آورديم (6) و اگر بر تو نامه اي در کاغذي بفرستيم و آنها آن را با دستهايشان لمس کنند باز هم کافران خواهند گفت اين چيزي جز جادويي آشکار نيست (7) و ميگويند چرا فرشته اي همراه او نازل نشده و اگر فرشته اي نازل کنيم كارشان يکسره شده و ديگر هيچ مهلتي نمي يابند (8) و اگر هم فرشته اي بفرستيم ، او را نيز مردي قرار ميدهيم و باز هم براي آنها همان اشتباهي را كه ميکنند پيش مي آوريم (9) و البته رسولان قبل از تو را نيز ريشخند ميکردند اما چيزي که مورد تمسخر قرار ميدادند بر مسخره کنندگان فرود آمد (10)** **بگو در زمين بگرديد و ببينيد عاقبت تکذيبگران چه بود؟ (11) بگو آنچه در آسمانها و زمين است مال کيست؟ بگو مال خداست که مهرباني را بر خويش مقرر کرده و حتما شما را در روز قيامت که شکي در آن نيست جمع خواهد کرد. آنانکه ايمان نمي آورند خود را به خسارت افکنده اند (12)**  {و هر چه که در شب و روز جاي گيرند مال اوست و همو شنواي داناست}(13)  **بگو آيا غير از خداوند سرپرستي برگيرم که آفرينشگر آسمانها و زمين است و همو** (به همگان) **غذا ميدهد و هيچکس غذا دهنده او نيست؟ بگو من مأمورم که اولين تسليم شده** (به اين حقايق) **باشم و مبادا شما از مشرکان باشيد (14) بگو ميترسم پروردگارم را نافرماني کنم و از عذاب روزي عظيم نگرانم (15)** {هر کس که (آن عذاب) در آن روز از او برگردانده شود، مورد مهرباني او قرار گرفته و آن البته پيروزي آشکار است (16) و اگر خداوند بلائي به تو برساند هيچ برطرف کننده اي جز او نخواهد بود و اگر خيري بتو برساند البته همو بر هر چيزي تواناست (17) و او فوق بندگانش است و بر آنها چيره است و همو پر حکمت و آگاه است}(18) **بگو چه چيزي از لحاظ گواهي مهم تر است؟ بگو خداوند گواه بين من و شماست و اين قرآن بمن وحي شده تا شما را و هر کس را که** (اين سخن) **به او ميرسد هشدار دهم. آيا شما گواهي ميدهيد که همراه خداوند خداياني ديگر است؟بگو من چنين گواهيي نميدهم. بگو جز اين نيست که او خدائيست واحد و من البته از آنچه شما شريک مي کنيد بيزارم (19)**

**انعام2 آیات20تا36**

**الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءهُمُ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿20﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿21﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿22﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلاَّ أَن قَالُواْ وَاللّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿23﴾ انظُرْ كَيْفَ كَذَبُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿24﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ آيَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّى إِذَا جَآؤُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَآ إِلاَّ أَسَاطِيرُ الأَوَّلِينَ ﴿25﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلاَّ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿26﴾ وَلَوْ تَرَىَ إِذْ وُقِفُواْ عَلَى النَّارِ فَقَالُواْ يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلاَ نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿27﴾ بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿28﴾ وَقَالُواْ إِنْ هِيَ إِلاَّ حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿29﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُواْ عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُواْ بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُواْ العَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿30﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَاء اللّهِ حَتَّى إِذَا جَاءتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُواْ يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلاَ سَاء مَا يَزِرُونَ ﴿31﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلاَّ لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿32﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لاَ يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللّهِ يَجْحَدُونَ ﴿33﴾ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَى مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلاَ مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللّهِ وَلَقدْ جَاءكَ مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِينَ ﴿34﴾ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاء فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ وَلَوْ شَاء اللّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿35﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿36﴾**

**یهودیان که کتابشان داده ايم این قرآن و این پیامبر را مي شناسند ، همانطور که فرزندان خويش را مي شناسند . آنها کساني هستند که خودهاشان را به خسارت افکنده اند و لذا ايمان نمي آورند (20) و چه کسي ظالم تر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نيکو نميرساند (21) و روزي که همگيشان را در يکجا جمع کنيم و سپس به کساني که شريک قائل شده اند بگوييم کو آن شريکاني که مي پنداشتيد؟ (22) آنگاه آنها نيرنگي نخواهند داشت مگر اينکه بگويند قسم به خداوند پروردگارمان که ما مشرک نبوديم (23) ببين چگونه به خويش دروغ ميگويند و چگونه آن چيزي که افترا ميزدند از نزدشان محو ميشود (24) و از آن مشرکان کساني هستند که به تو گوش فرا ميدهند اما بر قلب هايشان پرده هايي قرار داده شده که آنرا فهم نمیکنند و در گوشهايشان سنگيني هست و هر آيه اي را هم که ببينند به آن ايمان نخواهند آورد حتي وقتي هم که به نزدت بيايند با تو مجادله مي كنند و خواهند گفت اين جز افسانه هاي پيشينيان نيست (25) و دیگران را از ایمان آوری به آن نهي ميکنند و از آن دور مي دارند و جز خود را هلاک نمي کنند اما آگاهي ندارند (26) و کاش آنها را وقتيکه درمقابل آن آتش قرار ميگيرند ميديدي که ميگويند اي کاش برميگشتيم و آيات پروردگارمان را تکذيب نميکرديم و از مومنان ميبوديم (27) بلکه چون حقيقتِ آنچه را که از قبل پنهان ميکردند برايشان آشكار ميشود اين آرزو را ميکنند و اگر بازگردانده هم بشوند ، حتما ارتكاب آنچه از آن نهي شده بودند تکرار میکنند و دروغگو هستند (28) و ميگويند چيزي جز اين زندگي دنيايمان نيست و برانگيخته هم نخواهيم شد (29) و کاش هنگامي را ميديدي که آنها نزد پروردگارشان توقيف ميشوند، که پروردگار به آنان ميگويد آيا اين حق نيست؟ ميگويند قسم به پروردگار که بلي حق است و او ميگويد پس آن عذاب را به سبب آن کفري که ميکرديد بچشيد (30) البته کسانی كه ملاقات پروردگار را تکذيب کردند زيانکار شدند تا اينکه قيامت بطور ناگهاني بر آنها در مي آيد و ميگويند اي حسرت بر ما درباره آنچه که درباره اش کوتاهي کرديم و بارهاي خويش را بر شانه هاي خويش برميدارند و چه بار بدي است که حمل ميکنند (31) و زندگي دنيا جز بازي و هوسراني نيست و سراي آخرت براي تقوا پيشگان بهتر است . آيا نمي انديشيد؟ (32) ای پیامبر! البته ميدانيم آن چيزهايي را که ميگويند اندوهگينت ميکند اما البته آنها در حقيقت تو را تکذيب نميکنند بلکه آن ظالمان آيات خداوند را انکار مي کنند (33) و قبل از تو هم پيغمبراني بوده اند که تکذيب شدند اما بر آن تکذيب ها و آزار و اذيت هائي که ميشدند صبر کردند تا اينکه ياري ما رسيد و چيزي نميتواند کلمات خداوند را تغيير دهد و البته از داستان پيامبران مقداري به تو رسيده است (34) و اگر رويگردانيِ آنها برايت خيلي گران است ، پس اگر توانستي زمين را سوراخ کني يا نردباني بگذاري و به آسمان بروي و معجزه اي برايشان بياوري چنين كن اما آنها باز هم ايمان نخواهند آورد و اگر خداوند ميخواست همه آنها را بر هدايت جمع ميکرد پس مبادا که از جاهلان باشي (35) جز اين نيست که فقط آنهائي که دلشان زنده است و سخن حق را ميشنوند اجابت مي کنند و مردگان را نيز خداوند برمي انگيزد آنگاه بسوي او باز ميگردند (36)**

**پیش تفسیر**

**1 - استخراج عصاره محتوای متن (از راه اول)**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! بر ناملايمات راه رسالت صبر كن و با کفار اهل کتاب و مشرکان چنین بگو**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

**3 - سوالات**

1 – در آیات 33 تا 36 چه مواردی هست که به یک مورخ تاریخ اسلام کمک میکند تا بتواند تصور روشنی از اوضاع و احوال حاکم بر روزهای نزول این آیات بدست آورد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در آیه 20 میگوید **« آنان که کتابشان داده ايم آنرا مي شناسند ، همانطور که فرزندان خويش را مي شناسند . آنها کساني هستند که خودهاشان را به خسارت افکنده اند و لذا ايمان نمي آورند (20) و چه کسي ظالم تر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نيکو نميرساند»**

معنی آن چیست؟

معنی آن این است که در توراتی که در نزد یهودیان بود مشخصات آنحضرت و مشخصات قرآن به دقت وجود داشت ، زیرا «آن را می شناسند همانطور که فرزندان خویش را می شناسند» چه معنی دیگری غیر از این میتواند داشته باشد؟ و حالا که می بینیم تورات فعلی خالی از چنین دلالتی است ، چه نتیجه ای میتوان گرفت جز اینکه در اوان نزول این آیه ، آن دلالت ها از تورات حذف شده است؟ البته آیات دیگری که در سوره های آتی خواهیم دید و دلالت و تاکید بر «کتمان» یهودیان (راجع به حقانیت دعوی آنحضرت) دارد ، نیز ، موید این استنباط است .

همچنین از همان آیه 20 معلوم میشود که در این مقطع از رسالت آنحضرت یکنوع تماس از سوی فعالان کفر با یهودیان گرفته شده و در باره تعالیم آنحضرت استفساری شده و آنها جواب منفی و تکذیبی داده و دل آنها را شاد کرده و آنها روی این مطلب در مقابل پیامبر (ص) مانور هایی داده اند .

با توجه به آنچه که در ذیل آیه 20 عرض کردیم مطالب آیات 33 تا 36 قابل فهم است و از این آیات فهمیده میشود که آنحضرت خیلی دنبال این موضوع بود که خداوند یک (باصطلاح ما) دلیل محکمه پسندی بفرستد که هیچکس نتواند آن را رد کند که خداوند توضیح میدهد که آنها آنقدر عامد و مصرّ و لجوج هستند که هیچ دلیلی را قبول نخواهند کرد .

**5 - کلید های تفسیری**

**پرانتزها :**

آیه 32 پرانتزی است. زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی اعوجاج خواهد بود.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءهُمُ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿20﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! بر ناملايمات راه رسالتت و بر چنین رفتارهای اهل کتاب صبر کن.**

**2**

**وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿22﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلاَّ أَن قَالُواْ وَاللّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿23﴾ انظُرْ كَيْفَ كَذَبُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿24﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿21﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ آيَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّى إِذَا جَآؤُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هَذَآ إِلاَّ أَسَاطِيرُ الأَوَّلِينَ ﴿25﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلاَّ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿26﴾ وَلَوْ تَرَىَ إِذْ وُقِفُواْ عَلَى النَّارِ فَقَالُواْ يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلاَ نُكَذِّبَ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿27﴾ بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿28﴾ وَقَالُواْ إِنْ هِيَ إِلاَّ حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿29﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُواْ عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُواْ بَلَى وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُواْ العَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿30﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِلِقَاء اللّهِ حَتَّى إِذَا جَاءتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُواْ يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلاَ سَاء مَا يَزِرُونَ ﴿31﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! بر ناملايمات راه رسالتت صبر كن، زیرا آخرت هست.**

**3**

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلاَّ لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿32﴾

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! انگیزه اینان در این کارها کسب دنیاست، و شما انگیزه برتر دارید و لذا صبر کنید.**

**4**

**قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لاَ يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللّهِ يَجْحَدُونَ ﴿33﴾ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَى مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلاَ مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللّهِ وَلَقدْ جَاءكَ مِن نَّبَإِ الْمُرْسَلِينَ ﴿34﴾ وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاء فَتَأْتِيَهُم بِآيَةٍ وَلَوْ شَاء اللّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿35﴾ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿36﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! بر این تکذیب ها صبر کن، و چاره ای هم غیر از این نداری.**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

مکانیزم قفل زدن بر قلوب آنها و سنگین نمودن گوشهایشان (آیه 25) تاکنون که 1400 سال از نزول این آیات گذشته، هنوز حتی برای ما بشر قرن بیست و یکمی مشخص نشده، چه رسد به مخاطبان اولیه.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 33 تا 36 به او میگوید آنها تو را تکذیب نمیکنند و در حقیقت آیات الهی را تکذیب میکنند و به نتیجه کار پیامبران سابق بنگر که بر این موضوع صبر کردند و نهایتا هم پیروز میدان بودند ، در این نیز یک وعده تلویحی دایر بر موفقیت آنحضرت وجود دارد .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - توصیه به آنحضرت که بر ناملايمات راه رسالت صبر كند.

2 – توصیه به آنحضرت که رویکردش با کفار اهل کتاب و مشرکان چنین باشد که چنین مطالبی بگوید.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

نیمه اول این پاراگراف ، بی تردید ، «برای اولین بار» است ، و نیمه دوم آن مخلوطی است از آیتم های اولین بار و آیتم های مسبوق به سابقه ذکر در سوره های قبلی.

**شرح مختصر**

**اهل کتاب چه را بخوبی می شناختند؟**

به بیان دیگر «هُ» در «یعرفونه» (آیه 20) به چه چیزی یا چه کسی اشاره دارد؟

اگر به متن آیه آخر پاراگراف قبل دقت کنیم خواهیم دید «هُ» میتواند هم میتواند اشاره به قرآن و هم میتواند اشاره به آنحضرت و هم میتواند اشاره به صدق دعویِ آنحضرت به رسالت بوده باشد.

با این وصف «افترا»ئی که در آیه بعد مطرح شده، عمل آنان در کتمان حقایقی که در باره آنحضرت میدانستند بوده، که بطور عملی و تلویحی «ما چیزی در باره این دین و این قرآن و رسالت این شخص نمیدانیم» را به خداوند نسبت داده باشند.

**الذین آتیناهم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابنائهم**

آدمی فرزندان خود را چگونه می شناسد؟

آدمی دائما فرزندان خود را می بیند ، اطلاعات بسیار نزدیک و دقیقی از آنها دارد ، و براحتی فرزندان خود را از میان جمع کثیری شناسائی میکند و در شناسائی آنها تردید و درنگ نمیکند .

از آیه 20 اینطور فهمیده میشود که وصف قرآن و وصف نبی اکرم (ص) چنان با دقت و با ذکر جزئیات در تورات آمده بود که علمای یهود پس از داستان بخت النصر (نبوکدرزار) و اسارت و هزیمت و پراکندگی و سپس کورش و آزاد شدن و بهم پیوستن و چه و چه که به تدوین مجدد تورات انجامید ، این موضوع (یعنی ذکر صفات و مختصات قرآن و نبی اکرم – ص -) در باز نویسی تورات نتوانست ذکر نشود ، یعنی در چیزی که تورات نام داشت و بعد از کورش توسط علماء یهود نوشته شده بود ، هنوز مشخصات و مختصات قرآن و نبی اکرم (ص) موجود بود ، تا اینکه آنحضرت ظهور کرد و علماء یهود دانستند که این محمدبن عبدالله همان موعودی است که با آن دقت و جزئیات برایشان تعریف و معرفی شده ، تا اینکه کار آنحضرت آنقدر بالاگرفت که علماء یهود به این صرافت افتادند که یا باید پیرو آنحضرت شوند که در آنصورت نگران از دست دادن مزایای طبقه خاخام بودن پیش می آمد ، یا باید «یک فکر دیگر» میکردند ، که کردند ،

و آنهم این بود که خود را به کوچه علی چپ زدند و انکار کردند که این اشارات و این تبشیرات و این آدرس ها که فقط و فقط به آنحضرت اشاره میکرد و بشارت به ظهور او میداد و آدرس او را اعلام میکرد و او را منظور داشت را از مدارک خویش حذف کردند.

**جمع بندی و تفسیر**

**آنان که کتابشان داده ايم آنرا مي شناسند ، همانطور که فرزندان خويش را مي شناسند . آنها کساني هستند که خودهاشان را به خسارت افکنده اند و لذا ايمان نمي آورند (20) و چه کسي ظالم تر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟ البته خداوند ظالمان را به سرانجام نيکو نميرساند (21)** {و روزي که همگيشان را در يکجا جمع کنيم و سپس به کساني که شريک قائل شده اند بگوييم کو آن شريکاني که مي پنداشتيد؟ (22) آنگاه آنها نيرنگي نخواهند داشت مگر اينکه بگويند قسم به خداوند پروردگارمان که ما مشرک نبوديم (23) ببين چگونه به خويش دروغ ميگويند و چگونه آن چيزي که افترا ميزدند از نزدشان محو ميشود} (24) **و از آنان کساني هستند که به تو گوش فرا ميدهند اما بر قلب هايشان پرده هايي قرار داده ايم که آنرا نمي فهمند و در گوشهايشان سنگيني قرار داديم و هر آيه اي را هم که ببينند به آن ايمان نخواهند آورد حتي وقتي هم که به نزدت بيايند با تو مجادله مي كنند و آن کافران خواهند گفت اين جز افسانه هاي پيشينيان نيست (25) و از آن نهي ميکنند و از آن دور مي دارند و جز خود را هلاک نمي کنند اما آگاهي ندارند (26)** {و کاش آنها را وقتيکه درمقابل آن آتش قرار ميگيرند ميديدي که ميگويند اي کاش برميگشتيم و آيات پروردگارمان را تکذيب نميکرديم و از مومنان ميبوديم (27) بلکه چون (حقيقت) آنچه را که از قبل پنهان ميکردند برايشان آشكار ميشود (اين آرزو را ميکنند) و اگر بازگردانده هم بشوند ، حتما به ارتكاب آنچه از آن نهي شده بودند برميگردند و دروغگو هستند (28) و ميگويند چيزي جز اين زندگي دنيايمان نيست و برانگيخته نخواهيم شد (29) و کاش هنگامي را ميديدي که آنها نزد پروردگارشان توقيف ميشوند، ميگويد آيا اين حق نيست؟ ميگويند قسم به پروردگار که بلي (حق است) ميگويد پس آن عذاب را به سبب آن کفري که ميکرديد بچشيد }(30) **البته آنان كه ملاقات پروردگار را تکذيب کردند زيانکار شدند تا اينکه قيامت بطور ناگهاني بر آنها در مي آيد و ميگويند اي حسرت بر ما درباره آنچه که درباره اش کوتاهي کرديم و بارهاي خويش را بر شانه هاي خويش برميدارند و چه بار بدي است که حمل ميکنند (31) و زندگي دنيا جز بازي و هوسراني نيست و سراي آخرت براي تقوا پيشگان بهتر است . آيا نمي انديشيد؟ (32)** **البته ميدانيم آن چيزهايي را که ميگويند اندوهگينت ميکند اما البته آنها در حقيقت تو را تکذيب نميکنند بلکه ظالمان آيات خداوند را انکار مي کنند (33) و قبل از تو هم پيغمبراني بوده اند که تکذيب شدند اما بر آن تکذيب ها و آزار و اذيت هائي که ميشدند صبر کردند تا اينکه ياري ما رسيد و چيزي نميتواند کلمات خداوند را تغيير دهد و البته از داستان پيامبران مقداري به تو رسيده است (34) و اگر رويگرداني آنها برايت خيلي گران است ، پس اگر توانستي زمين را سوراخ کني يا نردباني بگذاري و به آسمان بروي و معجزه اي برايشان بياوري** [چنين كن اما آنها باز هم ايمان نخواهند آورد] **و اگر خداوند ميخواست همه آنها را بر هدايت جمع ميکرد پس مبادا که از جاهلان باشي (35) جز اين نيست که فقط آنهائي که ميشنوند اجابت مي کنند و مردگان را نيز خداوند برمي انگيزد آنگاه بسوي او بازميگردند (36)**

**انعام3 آیات37تا55**

**وَقَالُواْ لَوْلاَ نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلٍ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿37﴾ وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلاَ طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِي الكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿38﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿39﴾ قُلْ أَرَأَيْتُكُم إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿40﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاء وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿41﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلنَآ إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاء وَالضَّرَّاء لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿42﴾ فَلَوْلا إِذْ جَاءهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿43﴾ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَا أُوتُواْ أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ﴿44﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿45﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿46﴾قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ﴿47﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاَّ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿48﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ ﴿49﴾ قُل لاَّ أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَآئِنُ اللّهِ وَلا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلاَ تَتَفَكَّرُونَ ﴿50﴾ وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُواْ إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلاَ شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿51﴾ وَلاَ تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿52﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولواْ أَهَؤُلاء مَنَّ اللّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿53﴾ وَإِذَا جَاءكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿54﴾ وَكَذَلِكَ نفَصِّلُ الآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجرِمِينَ ﴿55﴾**

**و ميگويند چرا آيتي از جانب خداوند بر او نازل نميشود بگو خداوند تواناست که آيتي نازل کند وليکن اکثر آنها نميدانند (37) و هيچ جنبنده اي در روي زمين و هيچ پرنده اي که با بالهايش پرواز ميکند نيست مگر اينکه آنها هم مانند شما امت هايي هستند. ما در آن کتاب آسمانی چيزي را فرو گذار ننموديم آنگاه بسوي پروردگارشان محشور ميشوند (38) و آنانکه آياتمان را تکذيب کردند كر ولال و در تاريکيهائي هستند . خداوند هر که را که لایق گمراهی باشد گمراهش ميکند و هر كه را که لایق هدایت باشد بر صراط مستقيم قرار ميدهد (39) بگو آگاهم كنيد ، اگر عذاب خداوند يا قيامت بسويتان بيآيد اگر راست ميگوئيد آيا غير از خداوند را به دعا ميخوانيد؟ (40) نه! بلکه فقط او را به دعا خواهيد خواند. پس اگر بخواهد، آنچه را که راجع به آن دعا کرده اید، برطرف مي کند و شما آنچه را که با او شريک قرار ميدهید فراموش خواهيد کرد (41) و البته رسولاني نيز بسوي اقوام قبل از تو فرستاديم و آنها را به سختي و ناراحتي بگرفتيم شايد تضرعي کنند (42) پس چرا هنگاميکه سختي ما بسويشان آمد تضرعي نکردند بلکه دلهاشان سخت شد و شيطان نيز اعمالشان را برايشان جلوه داد؟ (43) و هنگاميکه آنچه را که به آن پند داده ميشدند فراموش کردند درهاي همه چيز را بر آنها گشوديم تا اينکه به آنچه داشتند خوشحالي ميکردند و ناگهان آنها را بگرفتيم و يكباره نااميد شدند (44) پس دنباله آنانکه ظلم ميکردند قطع شد و ستايش مخصوص خداوندِ پروردگار جهانيان است (45) بگو بمن بگوئيد اگر خداوند گوش و چشمتان را بگيرد و بر قلبهايتان مهر بزند غير از خداوند چه خدائي هست که آنها را به شما برگرداند؟ ببين چگونه آيات را گوناگون مي آوريم آنگاه باز هم روي ميگردانند (46) بگو بمن بگوئيد اگر عذاب خداوند ناگهاني و يا آشکارا بسويتان بيايد آيا غير از ظالمان هلاک ميشوند؟ (47) و پیامبران را جز مژده دهنده و هشدار دهنده نفرستاديم پس آنکس که ايمان آورد و رفتارش را اصلاح نمود نه ترسي داشته و نه اندوهگين باشد (48) و آنانکه آياتمان راتکذيب کردند ، عذاب ، بواسطه نافرمانيي که کردند به آنان خواهد رسيد (49) بگو نميگويم که انبارهاي خداوند نزد من است و نميگويم علم غيب دارم و نميگويم جزء فرشتگان هستم . جز از وحيي که بمن ميشود پيروي نمي کنم بگو آيا کور و بينا مساويند؟ آيا فکر نمي کنيد؟ (50) و با آن قرآن آنهائي را که از محشور شدن بسوي پروردگارشان خوف دارند هشدار ده ، که جز او سرپرستي و شفيعي ندارند ، شايد تقوا پيشه کنند (51) و کساني را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا ميخوانند ، و خود او را منظور دارند ، آنها را مران . هيچ حسابي از اعمالشان بر عهده تو نيست ، و هيچ حسابي از اعمال تو نيز بر عهده آنان نيست ، که اگر طردشان کني از ظالمان خواهي بود (52) و بعضي از آنها را چنين با بعضي ديگر آزموديم تا گويند آيا این مومنان کسانی هستند که خداوند از بين ما بر آنها منت گذاشته ؟ آيا خداوند شاکران را بهتر نمي شناسد؟ (53) و کساني که به آياتمان ايمان دارند وقتيکه نزدت مي آيند بگو سلام بر شما . پروردگارتان رحمت را بر خويش مقرر نموده . البته اگر بعضي از شما بعلت جهالتي عمل بدي کند سپس توبه نمايد و رفتارش را اصلاح نمايد خداوند آمرزشگر مهربان است (54) و آيات را چنين تشريح مي کنيم تا راه مجرمان مشخص گردد (55)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : كافران علاوه بر ايرادات بيجا، اين مشكل هاي فكري را هم دارند ، و اي پيامبر! در رابطه با کفار چنین بگو و درموردپیروانت جاذبه داشته باش و آنها را امیدوارکن.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

**3 - سوالات**

1 - وجه «کم» در «ارایتکم» (آیه47) را مشخص کنید .

2 – در این پاراگراف دو نوع هشدار دیده میشود : به کفار و به مومنین . ازهشدار نوع اخیر چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3 – هشدار آیه51 چه توجیهی دارد؟

4 - «قلوبکم» (همان آیه) چطور؟

5 - حالت کلی دو آیه 48 و 49 چگونه است؟

6 – در آیات 52 تا 55 چه مواردی هست که به یک مورخ تاریخ اسلام کمک میکند تا بتواند تصور روشنی از اوضاع و احوال حاکم بر روزهای نزول این آیات بدست آورد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 37 فهمیده میشود فعالان کفر باز هم تقاضای معجزه دارند ولی خداوند توجه آنها را به قدرت خویش جلب میکند .

از آیه 38 فهمیده میشود که منظور کافران فعال از تقاضای معجزه راجع به صحت ادعای وحی دائر بر وقوع قیامت است که خداوند توجه آنها را به این جلب میکند که موضوع قیامت منحصر به آدمیزاده نیست بلکه همه مخلوقات زنده را نیز شامل میشود.

از آیه 53 فهمیده میشود فعالان کفر خود را خیلی برتر از پیروان آنحضرت میدیدند و عارشان می آمد که با وجود آنها به پیروی او درآیند ، و از آیه 52 و بخصوص از جمله «ما علیک من حسابهم من شئ» و نیر از نیمه دوم آیه 54 فهمیده میشود که آنحضرت از برخی از رفتارهای بعضی از پیروان خویش ناراضی بود .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 38 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است.

همچنین است موقعیت آیات 42 تا 45 .

همچنین است آیه 48 ، دلیل آن هم این است که اگر چشم خویش را بر آنها ببندیم و قبل و بعد آنها را به هم وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و یکدست می­شود.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَقَالُواْ لَوْلاَ نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلٍ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿37﴾** وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الأَرْضِ وَلاَ طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِي الكِتَابِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴿38﴾ **وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَإِ اللّهُ يُضْلِلْهُ وَمَن يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿39﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : كافران برای فرار از ایمان بهانه میسازند.**

**2**

**قُلْ أَرَأَيْتُكُم إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿40﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاء وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿41﴾** وَلَقَدْ أَرْسَلنَآ إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاء وَالضَّرَّاء لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿42﴾ فَلَوْلا إِذْ جَاءهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿43﴾ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَا أُوتُواْ أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ﴿44﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿45﴾

**قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿46﴾قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ﴿47﴾** وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاَّ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْيَحْزَنُونَ ﴿48﴾ **وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ ﴿49﴾ قُل لاَّ أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَآئِنُ اللّهِ وَلا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلاَ تَتَفَكَّرُونَ ﴿50﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! گیرهای فکری كافران را با استدلال روشن کن.**

**3**

**وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُواْ إِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ وَلاَ شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿51﴾ وَلاَ تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿52﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولواْ أَهَؤُلاء مَنَّ اللّهُ عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿53﴾ وَإِذَا جَاءكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿54﴾ وَكَذَلِكَ نفَصِّلُ الآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجرِمِينَ ﴿55﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! تمرکز فعالیتت را بیشتر روی پیروانت قرار ده.**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

تاکنون که چارده قرن از نزول آیه 38 میگذرد هنوز موضوعش برای ما بشر قرن بیست و یکمی نیز واضح نشده، چه رسد به عرب 1400 سال پیش.

**7 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** - (آیه 51) :خطای عادی تفسیری – المیزان موضوع «انذر» را عام گرفته ، یعنی همه را انذار کن ، در حالیکه موضوع خاص است ، یعنی اینکه از کفار مطرح در آیات منتهی به آیه 50 روی برگردان و پیروانت را هشدار ده

**2** - (آیه 52) : عادیِ تفسیری – المیزان در اینجا بحثی بسیار طولانی را جع به «حساب» و «وجه» آخرت نموده و به آیات زیادی استشهاد کرده و در سخنی طولانی نتایجی گرفته که چندان به موضوع نمیخورد زیرا آیه در جهت دلداری به آنحضرت است و خیلی روشن است که میخواهد خیال آنحضرت را راحت کند که اگر کفار ایمان نمی آورند به این علت نیست که آنحضرت در انجام وظایف رسولانه خویش چیزی کم گذاشته و تقصیری روا داشته است .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تبیین برای پیامبر (ص) : كافران علاوه بر ايرادات بيجا، اين مشكل هاي فكري را هم دارند ،

2 – توصیه ارشادی به آنحضرت که در رابطه با کفار چنین بگو و درموردپیروانت جاذبه داشته باش و آنها را امیدوارکن.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 37 و 39 و 40 و 41 و 50 و 51 ، بقیه «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**معجزه خواهی دائمی**

در آیه 37 منظور از «آیه» معجزه است که کفار همیشه بهانه آن را میگرفتند و (چنانکه قرآن گویا است) خداوند هرگز به این بهانه گیری ها پاسخ مثبت نداده، و این در حالی است که در مورد حضرت موسی همه کارهای ریز و درشتش با معجزه پیش رفته است، و البته چرائیِ این موضوع بسیار قابل بررسی و مطالعه است که اینجا جایش نیست.

**مشخصات کافرانه­ای که در این پاراگراف ذکر شده**

1- فکر می­کنند چون پیامبر معجزه­ای از جانب خدا نمی­آورد، پس ایرادی در کار یا ادعای او هست (آیه 37)،

2- خود را شنوا و بینا و هدایت یافته می­دانند (آیه 39)،

3- علیرغم اینکه وقتی به سختی می­افتند خداوند را از ته قلب می­خوانند، باز هم کفر می­ورزند(آیه 43)،

4- وقتی که مشکلشان رفع می­شود خداوند را که با آنهمه خلوص دعا می­کردند فراموش نموده و باز هم شرکشان بر می­گردند (آیه­های 43 و 44)،

5- غیر از بشر را ذیشعور نمی­دانند (آیه 38)،

6- تصور می­کنند خداوند از این جهان اطلاعات ناقصی دارد(آیه 38)

**جنبندگان و پرندگان «امت»هایی «مانند شما»**

آیه 38 از لحاظ معرفتی و غنی­سازی جهان­بینی ما بسیار قابل توجه است.

اولاً از این لحاظ که موضوع قیامت منحصر به نوع انسان نیست بلکه شامل همه نوع موجوداتی که به آنها «ذیروح» گفته می­شود می­باشد.

ثانیاً تصریح عبارت «مانند شما» در جمله «مانند شما اقوام و امت­هائی هستند» بسیار فکر برانگیز است.

«ما» چطور هستیم؟

ما دارایِ نژادهایِ مختلف؛ عقاید مختلف، ادیانِ مختلف، شاخه­ها و قبیله­هایِ مختلف، سطوحِ قدرتی و ثروتیِ مختلف، سطوح مختلف هوشی و فهمیِ مختلف، و سطوح ایمانی مختلف هستیم.

**جمع بندی و تفسیر**

**و ميگويند چرا آيتي از جانب خداوند بر او نازل نميشود بگو خداوند تواناست که آيتي نازل کند وليکن اکثر آنها نميدانند (37)** {و هيچ جنبنده اي در روي زمين و هيچ پرنده اي که با بالهايش پرواز ميکند نيست مگر اينکه آنها هم مانند شما امت هايي هستند. ما در آن کتاب چيزي را فرو گذار ننموديم آنگاه بسوي پروردگارشان محشور ميشوند}(38) **و آنانکه آياتمان را تکذيب کردند كر ولال و در تاريکيهائي هستند . خداوند هر که را خواهد گمراهش ميکند و هر كه را بخواهد بر صراط مستقيم قرار ميدهد (39) بگو آگاهم كنيد ، اگر عذاب خداوند يا قيامت بسويتان بيآيد اگر راست ميگوئيد آيا غير از خداوند را** (به دعا) **ميخوانيد؟(40)** {بلکه فقط او را (به دعا) خواهيد خواند. پس اگر بخواهد، آنچه را که راجع به آن خوانده ايد، برطرف مي کند و شما آنچه را که با او شريک مي کنيد فراموش خواهيد کرد}(41) **و البته** (رسولاني نيز) **بسوي اقوام قبل از تو فرستاديم و آنها را به سختي و ناراحتي بگرفتيم شايد تضرعي کنند (42) پس چرا هنگاميکه سختي ما بسويشان آمد تضرعي نکردند بلکه دلهاشان سخت شد و شيطان نيز اعمالشان را برايشان جلوه داد؟ (43) و هنگاميکه آنچه را که به آن پند داده ميشدند فراموش کردند درهاي همه چيز را بر آنها گشوديم تا اينکه به آنچه داشتند خوشحالي ميکردند و ناگهان آنها را بگرفتيم و يكباره نااميد شدند (44) پس دنباله آنانکه ظلم ميکردند قطع شد ، و ستايش مخصوص خداوند پروردگار جهانيان است (45)** **بگو بمن بگوئيد اگر خداوند گوش و چشمتان را بگيرد و بر قلبهايتان مهر بزند غير از خداوند چه خدائي هست که آنها را به شما برگرداند؟ ببين چگونه آيات را گوناگون مي آوريم آنگاه باز هم روي ميگردانند (46) بگو بمن بگوئيد اگر عذاب خداوند ناگهاني و يا آشکارا بسويتان بيايد آيا غير از ظالمان هلاک ميشوند؟ (47)** {و فرستادگان را جز مژده دهنده و هشدار دهنده نفرستاديم پس آنکس که ايمان آورد و اصلاح نمود نه ترسي داشته و نه اندوهگين باشد (48) و آنانکه آياتمان راتکذيب کردند ، عذاب ، بواسطه نافرمانيي که کردند به آنان خواهد رسيد}(49) **بگو نميگويم که انبارهاي خداوند نزد من است و نميگويم علم غيب دارم و نميگويم جزء فرشتگان هستم . جز از وحيي که بمن ميشود پيروي نمي کنم بگو آيا کور و بينا مساويند؟ آيا فکر نمي کنيد؟ (50) و با آن** (قرآن) **آنهائي را که از محشور شدن بسوي پروردگارشان خوف دارند هشدار ده ، که جز او سرپرستي و شفيعي ندارند ، شايد تقوا پيشه کنند (51)** **و کساني را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا ميخوانند ، و خود او را منظور دارند ، آنها را مران . هيچ حسابي از اعمالشان بر عهده تو نيست ، و هيچ حسابي از اعمال تو نيز بر عهده آنان نيست ، که اگر طردشان کني از ظالمان خواهي بود (52) و بعضي از آنها را چنين با بعضي ديگر آزموديم تا گويند آيا آنهائي که خداوند از بين ما بر آنها منت گذاشته اينها هستند؟ آيا خداوند شاکران را بهتر نمي شناسد؟(53) و کساني که به آياتمان ايمان دارند وقتيکه نزدت مي آيند بگو سلام بر شما . پروردگارتان رحمت را بر خويش مقرر نموده . البته اگر بعضي از شما بعلت جهالتي عمل بدي کند سپس توبه نمايد و رفتارش را اصلاح نمايد او آمرزشگر مهربان است (54) و آيات را چنين تشريح مي کنيم تا راه مجرمان مشخص گردد (55)**

**انعام4 آیات56تا73**

**قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ قُل لاَّ أَتَّبِعُ أَهْوَاءكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿56﴾ قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿57﴾ قُل لَّوْ أَنَّ عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿58﴾ وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لاَ يَعْلَمُهَا إِلاَّ هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلاَّ يَعْلَمُهَا وَلاَ حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَلاَ رَطْبٍ وَلاَ يَابِسٍ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿59﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿60﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُم حَفَظَةً حَتَّىَ إِذَا جَاء أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لاَ يُفَرِّطُونَ ﴿61﴾ ثُمَّ رُدُّواْ إِلَى اللّهِ مَوْلاَهُمُ الْحَقِّ أَلاَ لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿62﴾ قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿63﴾ قُلِ اللّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿64﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿65﴾ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿66﴾ لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿67﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلاَ تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿68﴾ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلَكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿69﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللّهِ وَلِيٌّ وَلاَ شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لاَّ يُؤْخَذْ مِنْهَا أُوْلَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ ﴿70﴾ قُلْ أَنَدْعُو مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَنفَعُنَا وَلاَ يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللّهِ هُوَ الْهُدَىَ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿71﴾ وَأَنْ أَقِيمُواْ الصَّلاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِيَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿72﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّوَرِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿73﴾**

**ای پیامبر! بگو من نهي شده ام که آنچه را که غير از خداوند ميخوانيد عبادت کنم . بگو از هواي نفس شما پيروي نمي کنم که در آنصورت از گمراهان خواهم شد و از هدايت شدگان نخواهم بود (56) بگو من بر دليلي از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزد من است تکذيب کرده ايد . آنچه را که به عجله ميخواهيد، که عذاب قیامت را همین حالا برشما نازل کنم، در اختیار من نيست . فرمانروائي جز با خداوند نيست. او حق را پيگيري ميكند و همو بهترين مشخص کنندگان است (57) بگو اگر آنچه را که به عجله ميخواهيد نزدم بود ميان من و شما كار به پايان ميرسيد و خداوند به حال ظالمان داناتر است (58) و بگو خداوندم کسی است که کليدهاي غيب نزد است. کسي غير از او علم آنرا ندارد و انچه را که در زمين و دريا هست ميداند. و هيج برگي نمي افتد مگر اينکه آنرا ميداند و هيچ دانه اي در تاريکيهاي زمين و هيچ تر و خشکي نيست مگر اينکه در کتابي آشکار هست (59) و هموست که شبها جان شما را دريافت ميکند و ميداند در روز چه کرده ايد، سپس شما را در روزِ بعد برمي انگيزد تا سررسيد تعيين شدهء عمرتان به سر آيد، آنگاه بازگشت شما بسوي اوست و شما را از آنچه ميکرده ايد آگاه مي کند (60) و او بر بندگانش غالب است. و بر شما نگهباناني ميفرستد، تا قبل از اينکه مرگ تان در رسد محفوظ باشید، که پس از سررسیدِ موعدِ مرگ تان فرستادگان ما جان تان را دريافت مي کنند و در این امر هيچ کوتاهيي نمي کنند (61) سپس بسوي خداوند كه سرور حقتان است بازگردانده ميشوید. آيا جز اين است که فرمانروائي از آن اوست و همو سريعترين حسابگران است؟ (62) ای پیامبر! بگو چه کسي از تاريکيهاي زمين و دريا آن هنگام که او را با تضرع و در خفا به دعا ميخوانيد نجاتتان ميدهد ؟ همان وقتي که ميگوئيد خدایا اگر از اين گرفتاري نجاتمان دهي حتما از شکرگزاران خواهيم بود؟ (63) بگو خداوند است که از آن و همچنين از همه ناراحتي ها نجاتتان ميدهد ، آنگاه شما با او شريک قرار ميدهيد (64) بگو او اين قدرت را دارد که از بالاسرتان و زير پايتان عذابي بر شما برانگيزد ، يا شما را گروه گروه کند ، و سختي بعضي از شما را به بعضي ديگر بچشاند . ای پیامبر! ببين چگونه آيات را گونه گون ارائه مي كنيم شايد فهم کنند (65) ای پیامبر! قوم تو آنرا تکذيب کرد در حاليکه آن حق است . بگو من نگهبان شما نيستم (66) براي هر چيزي قرار گاهي است و بزودي خواهيد دانست (67) و هنگاميکه كساني را که در آياتمان فرو ميروند ببيني از آنان رويگردان شو، تا اينکه در سخني ديگر فرو روند و اگر شيطان تو را به فراموشي انداخت، پس از توجه، ديگر با مردمي ظلم پيشه منشين (68) و چيزي از حسابشان بر عهده اهل تقوا نيست بلکه اين تذکري است شايد تقوا در پيش گيرند (69) و کساني را که دينشان را بازيچه و هوسراني گرفته اند و زندگي دنيا آنها را فريفته، بحال خودشان واگذار و آنان را به آن قرآن و قیامت تذکر ده. مبادا کسي بواسطه آنچه کسب کرده از رحمت خدا محروم شود. زيرا هيچکس غير از خداوند سرپرست و شفيعي ندارد و اگر فرضا بخواهند بعنوان غرامت عوض بدهند هيچ چيزي از آنان قبول نخواهد شد. آنها کساني هستند که بواسطه آنچه از بدی هاکسب کرده اند از لطق حق محروم ميشوند. نوشيدني آنها از حميم خواهد بود و بسبب کفري که مي ورزيدند عذابي دردناک خواهند داشت (70) ای پیامبر! به اینان بگو آيا غير از خداوند را بخوانيم؟ چيزي را که نه نفعي به حال ما دارد و نه ضرري؟ و پس از اينکه خداوند هدايتمان کرده بر پاشنه هاي خويش به عقب برگرديم؟ و مانند کسانی که شيطانها در روي زمين آنها را به هوا و هوس گرفته اند شويم؟ كه آن شیطانها دوستاني دارند که اینها را چنین دعوت ميکنند که اگر هدايت مي خواهيد بسوي ما بيایید . بگو هدايت فقط هدايت خداست و ما مأموريم براي پروردگار جهانيان تسليم باشيم . (71) و اينکه نماز بپا داريم و از او پروا کنيم و او همان کسي است که بسويش جمع آوري ميگرديد (72) و هموست که آسمانها وزمين را به حق آفريد و روزي که بگويد «باش» ، خواهد شد . قول او حق است و در روزي که در آن شيپورِ بیدار باشِ قیامت دميده شود فرمانروائي از آن اوست . داناي پنهان و آشکار و حکيم آگاه است (73)**

**پیش تفسیر**

**1 - استخراج عصاره محتوای متن (از راه اول)**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! آیات و صفات الهی را برای کفار چنین تشریح کن و با كافران قومت چنين بگو و خودت چنین باش.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

آیه 56 بما میگوید هنوز هم فعالان کفر در پی دعوت آنحضرت بودند که بیا یک جوری با هم کنار بیاییم و آیه های 57 و 58 میگوید آنها هنوز هم این چماق را بالا نگه داشته بودند که اگر راست میگوئی آن عذاب آخرت را زود روی سرمان فرود بیاور.

از آیه 68 فهمیده میشود آنحضرت نوعی جلسه های قرآن خوانی باب کرده بوده ، و برخی از این جلسات سوء استفاده کرده و با هدف تخریب مطالب خلاف القاء میکرده اند و از آیه 69 و70 فهمیده میشود آنحضرت خیلی مایل بود حتی مخالفان فعال نیز به او بپیوندند و در این راه خیلی انرژی خرج میکرد تا اینکه خداوند با جملاتی از قبیل «ذر الذین . . » (آیه 70) او را منع میکرد .

**4 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 59 تا 62 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ قُل لاَّ أَتَّبِعُ أَهْوَاءكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿56﴾ قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿57﴾ قُل لَّوْ أَنَّ عِندِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿58﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! فعالان کفر را از اینکه بتوانند معامله ای با تو کنند مایوس کن.**

**2**

**وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لاَ يَعْلَمُهَا إِلاَّ هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلاَّ يَعْلَمُهَا وَلاَ حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَلاَ رَطْبٍ وَلاَ يَابِسٍ إِلاَّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿59﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿60﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُم حَفَظَةً حَتَّىَ إِذَا جَاء أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لاَ يُفَرِّطُونَ ﴿61﴾ ثُمَّ رُدُّواْ إِلَى اللّهِ مَوْلاَهُمُ الْحَقِّ أَلاَ لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿62﴾ قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿63﴾ قُلِ اللّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿64﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَيُذِيقَ بَعْضَكُم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿65﴾ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ ﴿66﴾ لِّكُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿67﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! خداوند را باز هم به آنان بشناسان.**

**3**

**وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُواْ فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلاَ تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿68﴾ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلَكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿69﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللّهِ وَلِيٌّ وَلاَ شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لاَّ يُؤْخَذْ مِنْهَا أُوْلَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ ﴿70﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! نیرویت را برای فعلان کفر هدر مده، بلکه بیشترین نیرو را روی پیروانت متمرکز کن.**

**4**

**قُلْ أَنَدْعُو مِن دُونِ اللّهِ مَا لاَ يَنفَعُنَا وَلاَ يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللّهِ هُوَ الْهُدَىَ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿71﴾ وَأَنْ أَقِيمُواْ الصَّلاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِيَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿72﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّوَرِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿73﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! آنان را از معامله با خودت مایوس کن و خداوند را به آنان بشناسان.**

**5 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 59 از لحاظ اینکه به کتابهای ادعیه راه یافته شهرت خاصی دارد که از این لحاظ جزء آیات برجسته قرآنی قرار گرفته است.

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

مفاد آیات 59 تا 62 چنان سنگین و چنان دور از ذهن و چنان دست نیافتنی است که سخن سروش و شبستری که گفته اند در قرآن چیزی که فوق ذهنیات مخاطبان اولیه باشد وجود ندارد، بسیار مضحک ارزیابی میشود.

همچنین است آیه 67 .

همچنین است آیه 71 .

و آیه 73 (مکانیزم کن و یکون و مکانیزم نفخه صور و مکانیزم اختبار الهی و . . . )

**7 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه های 58 تا 62) : (المیزان) : " وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلَّا هُوَ ..."

مفسرين در باره وجه اتصال اين آيه به ما قبل آن گفته‏اند: از آنجايى كه در آخر آيه قبلى داشت:" وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ"، از اين جهت براى مزيد بيان فرمود: خزينه‏هاى غيب يا كليدهاى آن، نزد خداى سبحان است، و كسى را جز او از آن آگهى و علم نيست، و او است كه هر كوچك و بزرگى را مى‏داند.

ليكن اين وجه، وجهى نيست كه معناى حصرى را كه جمله" لا يَعْلَمُها إِلَّا هُوَ" آن را افاده مى‏كند، روشن سازد.

بهتر اين است كه در اين باره گفته شود: ارتباط آيه مورد بحث تنها با جمله آخر آيه قبليش نيست، بلكه با مفاد مجموع دو آيه قبل خود مرتبط است، زيرا مجموع آن دو آيه دلالت مى‏كند بر اينكه: معجزه‏اى كه كفار آن را پيشنهاد كرده بودند و همچنين نتيجه آن كه مساله يكسره شدن كار آنان با رسول خدا است، امرى است كه تنها خداى تعالى، عالم و حاكم بر آن مى‏باشد و او است كه در حكمش و در عذاب كردن ستمكاران، دچار غلط و اشتباه نمى‏شود، براى اينكه داناتر از هر كس به ستمكاران و عالم به غيب و نهان و داناى به هر خرد و كلان خود او است كه نه در حكمش گمراه مى‏شود و نه چيزى را فراموش مى‏كند، و در اين جهات كسى با وى شركت نداشته و همپايه او نيست.

اين معنا را دو آيه قبل افاده كرده و اينك آيه مورد بحث اين معنا را اضافه مى‏كند كه:

تنها خداى سبحان است كه عالم به غيب و عملش شامل هر چيز است، سپس در سه آيه بعد، همين معنا را تكميل مى‏كند،

در نطر نگرفتنِ پرانتزی بودن آیه های مذکور سبب اطاله خیلی زیاد و بی ربط کلام شده و خط بحث و محور سخن را گم کرده – که تقریراتی به آنحضرت است - (و علاوه بر آنچه از المیزان نقل قول مستقیم کرده ایم بیش از ده صفحه دیگر مطلب آورده که واقعا نیازی نبود)

در حالیکه اگر انتهای آیه 57 را به ابتدای آیه 63 وصل کنیم کل مطلب ناگهان و یکجا مفهوم میشود ، و ضمنا ، مفهوم سه آیه پرانتزی مورد نظر نیز در شعاعِ مفهومِ روشن شدهء قبلی ناگهان (آنهم) روشن میشود و نیازی به آنهمه زحمت و تکلف و . . نیست .

**2** (آیه 68):1 – حاکم کردن روایات 2 – خطای عادی عادیِ تفسیری

(المیزان) : " وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرى‏ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ"

اين خطابى كه در آيه شريفه است، خطاب به نبى اكرم (ص) است، و ليكن در حقيقت مقصود، ديگرانند، زيرا انبيا (ع) نه تنها از گناهان بلكه حتى از فراموشى احكام خداوندى هم مبرا هستند.

و ما سابقا در بحثى كه راجع به عصمت انبيا (ع) كرديم ثابت نموديم كه فراموش كردن احكام الهى از آن حضرت عينا مانند مخالفت عملى باعث گمراهى سايرين مى‏شود و ديگران به عمل آنان احتجاج و از آن اتخاذ سند مى‏كنند، پس همانطورى كه گفتيم، غرض اصلى از اين خطاب و مخاطبين واقعى آن امت اسلام است.

روایات عصمت انبیاء مورد بدفهمی واقع شده و در تفسیر خویش در سوره عبس به آن پرداخته ایم و در اینجا تکرارش نمیکنیم ، و ضمنا ، نمیتوان به استناد آنها – و هر روایات دیگری – معنی ظاهر قرآن را از ریخت انداخت ، مگر خداوند مانعی داشته که مستقیما مسلمانان را نهی بفرماید؟ ضمنا اینکه المیزان گفته از فراموشی احکام مبرایند ، نیز ، محل تامل است ، زیرا به نظر می آید این موضوع با آیه « . . انا بشر مثلکم . . » مخالف باشد .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

در باره آیات این پاراگراف ، حتی امروز نیز ، با توجه به معانی والای آن ، حتی برخی مفسران هم ، درک مقبولی از آن ندارند ، چه رسد به مخاطبان اولیه !

در عین حال که کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در این هزار و چند صد سال تغییر معنای قابل توجهی نیافته اند !

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – توصیه به آنحضرت که آیات و صفات الهی را برای کفار چنین تشریح کند .

2 – توصیه رفتاری به آنحضرت که با كافران قومت چنين بگو و خودت نیز چنین باش.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 56 تا 58 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**کتاب مبین**

7 کلمه آخر به «کتاب مبین» اشاره دارد که هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در آن کتاب هست.

تقریبا از50 سال قبل بطرف قبل تر، گفتمان غالب این بود که کتاب مبین قرآن است، ولی اینک این گفتمان رنگ باخته و بجای آن این گفتمان نشسته که کتاب مبین «لوح محفوظ»ی است که در سوره بروج از آن یاد شده، یا «ام الکتاب»ی که در ابتدای سوره زخرف به آن اشاره شده،

امروز میتوان آن را به یک ابرکامپیوتر مثال زد که کل امور ریز و درشت عالم هستی از آنجا اداره میشود.

**شباهت زیاد خواب و مرگ از لحاظ خروج «جان»**

آیه 60 دلالت دارد که آن قسمت از وجود ما که حقیقت ما است، در هنگام خواب از ما جدا می­شود. همین مطلب طور دیگری در آیه 61 نیز آمده و معلوم می­شود این «دریافت کامل» که از سوی «فرستادگان خداوند» (یا فرشتگان) انجام می­شود نوعی تفسیر عبارت آیه 60 است. به این معنی که خداوند اینطور مقرر نموده که این موضوعِ «دریافت کامل جانها» متولیان و مسئولان خاص خویش را داشته باشد.

**«چنین بگو»ها و «چنین کن»ها**

این پاراگراف ها، توصیه تعدادی «چنین بگو» به پیامبر(ص) دارد و تعدادی «چنین کن».

«چنین بگو»ها نیز دو بخش متمایز دارد: یکی راجع به نعمتهائیست که همگان در هر لحظه دارند از آن استفاده می­کنند و چون به آنها عادت کرده­اند از وجود آن نعمتها و سپس از صاحب آن نعمتها هم غافلند. دیگری تبیین موقعیت پیامبری است که خلاصه آن این است که من فقط بشری هستم که ضمنا پیامبر نیز هست. «چنین کن»ها نیز بطور خلاصه مربوط به احترام به مؤمنان و پیروی و همراهی نکردن با کافران است. و ما در اینجا برای حصول نظم و ترتیب بیشتر این سه نکته را در سه جدول ذیل خلاصه می­کنیم:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | قسمت اول «چنین بگو»ها | آیه مأخذ |
| 1 | اگر خداوند گوش و چشمتان را بگیرد و بر قلبهایتان مهر بزند. آنگاه چه کسی آنها را بر خواهد گرداند؟ | 46 |
| 2 | اگر عذاب بسویتان بیاید؟ آیا غیر از ظالمان هلاک می­شوند؟ | 47 |
| 3 | بگو او این قدرت را دارد که از بالا سرتان یا از زیر پاتان، عذابی بر شما بیانگیزد یا شما را گروه گروه کند و سختی بعضی از شما را بر بعضی دیگر بچشاند. | 65 |
| 4 | بگو چه کسی از تاریکی­های زمین و دریا آن هنگام که او را به تضرع و در خفا دعا می­کنید نجاتتان می­دهد؟ | 63 |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | قسمت دوم «چنین بگو»ها | آیه مأخذ |
| 1 | بگو من نگهبان بر شما نیستم. | 66 |
| 2 | بگو آیا غیر از خداوند را بخوانم؟ چیزی را که نه نفعی دارد و نه ضرری؟ | 71 |
| 3 | بگو اگر چیزی را که با عجله می­خواهید نزدم بود، آن امر بین من و شما می­گذشت و خداوند حال ظالمان را بهتر می­داند. | 58 |
| 4 | بگو نهی شده­ام شرک ورزم. | 56 |
| 5 | بگو از هوای نفس شما پیروی نمی­کنم. | 56 |
| 6 | بگو بر دلیلی از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزدم هست تکذیب کردید. آنچه را که به عجله می­خواهید نزدم نیست. حکم جز مخصوص خداوند نیست. او حق را قدم به قدم می­گوید. | 57 |
| 7 | نمی­گویم انبارهای خدا نزد من است و نمی­گویم علم غیب دارم و نمی­گویم جزء فرشتگان هستم جز از وحی پیروی نمی­کنم. | 50 |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ردیف | «چنین کن»ها | آیه مأخذ |
| 1 | وقتیکه کسانیکه به آیاتمان ایمان دارند نزدت می­آیند بگو سلام بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خویش مقرر نموده ... | 54 |
| 2 | کسانی را که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگاهان به دعا می­خوانند و خود او را منظور دارند مران. | 52 |
| 3 | آنهائی را که از محشور شدن بسوی پروردگارشان خوف دارند هشدار ده که جز او شفیع و سرپرستی ندارند. | 51 |
| 4 | و هنگامی که آنان را که در آیاتمان فرو می­روند ببینی، از آنها روی گردان تا اینکه در سخنی دیگر فرو روند. | 68 |
| 5 | و آنهائی را که دینشان را به بازیچه و هوسرانی گرفته­اند و زندگی دنیا آنها را فریفته، بحال خویش واگذار و تذکر ده. | 70 |

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو من نهي شده ام که آنچه را که غير از خداوند ميخوانيد عبادت کنم . بگو از هواي نفس شما پيروي نمي کنم که در آنصورت از گمراهان خواهم شد و از هدايت شدگان نخواهم بود (56) بگو من بر دليلي از پروردگارم استوار هستم و شما آنچه را که نزد من است تکذيب کرده ايد . آنچه را که به عجله ميخواهيد نزد من نيست . فرمانروائي جز با خداوند نيست. حق را پيگيري ميكند و همو بهترين مشخص کنندگان است (57) بگو اگر آنچه را که به عجله ميخواهيد نزدم بود ميان من و شما كار به پايان ميرسيد و خداوند به حال ظالمان داناتر است (58)** {و کليدهاي غيب نزد اوست. کسي غير از او علم آنرا ندارد و انچه را که در زمين و دريا هست ميداند. و هيج برگي نمي افتد مگر اينکه آنرا ميداند و هيچ دانه اي در تاريکيهاي زمين و هيچ تر و خشکي نيست مگر اينکه در کتابي آشکار هست.(59) و هموست که شبها (جان) شما را دريافت ميکند و ميداند در روز چه کرده ايد، سپس شما را در آن (روز) برمي انگيزد تا سررسيد تعيين شده اي سر بيايد، آنگاه بازگشت شما بسوي اوست و شما را از آنچه ميکرده ايد آگاه مي کند.(60) و او بر بندگانش غالب است. و بر شما نگهباناني ميفرستد، تا اينکه مرگ يکي از شما ها در رسد، که فرستادگان ما (جان) او را دريافت مي کنند و هيچ کوتاهيي نمي کنند.(61) سپس بسوي خداوند كه سرور حقشان است بازگردانده ميشوند. آيا جز اين است که فرمانروائي از آن اوست و همو سريعترين حسابگران است؟}(62) **بگو چه کسي از تاريکيهاي زمين و دريا آن هنگام که او را با تضرع و در خفا به دعا ميخوانيد نجاتتان ميدهد** (وقتي که ميگوئيد) **اگر از اين** (گرفتاري) **نجاتمان دهي حتما از شکرگزاران خواهيم بود؟ (63) بگو خداوند است که از آن و همچنين از همه ناراحتي ها نجاتتان ميدهد ، آنگاه شما با او شريک قرار ميدهيد (64) بگو او اين قدرت را دارد که از بالاسرتان و زير پايتان عذابي بر شما برانگيزد ، يا شما را گروه گروه کند ، و سختي بعضي از شما را به بعضي ديگر بچشاند . ببين چگونه آيات را گونه گون مي كنيم شايد فهم کنند (65) و قوم تو آنرا تکذيب کرد در حاليکه آن حق است . بگو من نگهبان شما نيستم (66) براي هر چيزي قرار گاهي است و بزودي خواهيد دانست (67)** **و هنگاميکه كساني را که در آياتمان فرو ميروند ببيني از آنان رويگردان تا اينکه در سخني ديگر فرو روند و اگر شيطان تو را به فراموشي انداخت ، پس از توجه ديگر با مردمي ظلم پيشه منشين (68) و چيزي از حسابشان بر عهده اهل تقوا نيست بلکه** (اين) **تذکري است شايد تقوا در پيش گيرند (69) و کساني را که دينشان را بازيچه و هوسراني گرفته اند و زندگي دنيا آنها رافريفته ، بحال خودشان واگذار و آنان را به آن تذکر ده . مبادا کسي بواسطه آنچه کسب کرده** (از رحمت خدا) **محروم شود . زيرا هيچکس غير از خداوند سرپرست و شفيعي ندارد و اگر** (فرضا) **بخواهد** (بعنوان غرامت) **عوض بدهد هيچ چيزي از او قبول نخواهد شد . آنها کساني هستند که بواسطه آنچه کسب کرده اند محروم ميشوند . نوشيدني آنها از حميم خواهد بود و بسبب کفري که مي ورزيدند عذابي دردناک خواهند داشت (70) بگو آيا غير از خداوند را بخوانيم؟ چيزي را که نه نفعي به حال ما دارد و نه ضرري؟ و پس از اينکه خداوند هدايتمان کرده بر پاشنه هاي خويش به عقب برگرديم؟ و مانند کسي که شيطانها در روي زمين او را به هوا و هوس گرفته اند** (شويم)؟ **كه دوستاني دارد که دعوتش ميکنند که** (اگر هدايت مي خواهي) **بسوي ما بيا . بگو هدايت فقط هدايت خداست و ما مأموريم براي پروردگار جهانيان تسليم باشيم . (71) و اينکه نماز بپا داريم و از او پروا کنيم و او همان کسي است که بسويش جمع آوري ميگرديد (72) و هموست که آسمانها وزمين را به حق آفريد و روزي که بگويد «باش» ، خواهد شد . قول او حق است و در روزي که در آن شيپور دميده شود فرمانروائي از آن اوست . داناي پنهان و آشکار ، و همو حکيم آگاه است (73)**

**انعام5 آیات74تا90**

**وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿74﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿75﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لا أُحِبُّ الآفِلِينَ ﴿76﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لأكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ ﴿77﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَآ أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿78﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿79﴾ وَحَآجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِّي فِي اللّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلاَ أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلاَّ أَن يَشَاء رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلاَ تَتَذَكَّرُونَ ﴿80﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلاَ تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالأَمْنِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿81﴾ الَّذِينَ آمَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُواْ إِيمَانَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَئِكَ لَهُمُ الأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ ﴿82﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاء إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿83﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كُلاًّ هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿84﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿85﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلاًّ فضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿86﴾ وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿87﴾ ذَلِكَ هُدَى اللّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُواْ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿88﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلاء فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُواْ بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿89﴾ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُل لاَّ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ ﴿90﴾**

**ای پیامبر! آن هنگام را ياد آر که ابراهيم به پدرش آزر گفت آيا بتهائي را به خدائي گرفته اي؟ من تو و قومت را در گمراهيي آشکار مي بينم (74) و چنين بود که ملکوت آسمانها و زمين را به ابراهيم نمايانديم تا از يقين داران گردد (75) پس هنگاميکه شب او را پوشاند و ستاره اي را ديد ، گفت پروردگارم اين است ، پس چون ناپديد شد گفت من ناپديد شوندگان را دوست نميدارم (76) پس چون ماه را تابان ديد گفت پروردگار من اين است اما چون افول کرد گفت اگر پروردگارم هدايتم نکند حتما از قوم گمراهان خواهم بود (77) پس چون خورشيد را در طلوع ديد گفت پروردگار من اين است . اين بزرگتر است . پس وقتيکه افول کرد گفت اي مردم ! من از آنچه شما به آن شرک ميورزيد بيزارم (78) من البته رويم را بسوي کسي ميگردانم که آسمانها و زمين را آفريده و معتدلم و از مشرکان نيستم (79) و قومش با او مجادله ميكردند . گفت آيا درباره خداوند با من گفتگو ميکنيد در حاليکه مرا هدايت کرده؟ و من از آنچه با او شريک ميکنيد نمي ترسم مگر چيزي كه پروردگارم بخواهد . علم پروردگارم همه چيز را فرا گرفته . آيا توجه نمي کنيد؟ (80) و چگونه از آنچه با او شريک گرفته ايد بترسم در حاليکه شما در خصوص چيزهائي که با خدا شريک کرده ايد نميترسيد؟ آنهم در حاليکه براي رفتار شما دليلي هم نفرستاده؟ پس کدام گروه براي احساس امنيت شايسته تر است؟ اگر علمي داريد (81) آنهائي که ايمان آورده و به ايمانشان لباس ظلم نپوشانده اند امنيت خواهند داشت و همانها هدايت يافتگانند (82) و اين دليلي بود که به ابراهيم در مقابل قومش داديم . هر کسي را که لیاقت داشته باشد درجاتش را بالا ميبريم که پروردگارت صاحب حکمت و داناست (83) و به او اسحق و يعقوب را داديم که همگيشان را هدايت کرديم و نوح را هم که قبلا هدايت کرده بوديم و از فرزندان او داوود و سليمان و ايوب و موسي و هارون بود و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (84) و نیز زکريا و يحيي و عيسي و الياس که همگي از صالحان بودند (85) و نیز اسمعيل و يسع و يونس و لوط که همگي را بر جهانيان برتري داديم (86) و از بین پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان ، برگزيديم شان و بسوي صراطي مستقيم هدايتشان كرديم (87) اين هدايت خداوند است . هر کس از بندگانش را که لایق باشد به آن هدايت ميکند . و اگر شرک ورزيده بودند آنچه ميكردند تباه ميشد (88) آنها کساني هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنها داديم و اگر اين کافرانِ معاصرِ تو به این قرآن که بر تو نازل شده کفر ورزند قومي را بر آن برميگماريم که به آن کافر نباشند (89) آنها کساني هستند که خداوند هدايتشان کرده بود . پس، ای پیامبر! به هدايتشان اقتدا کن . بگو براي این رسالتم دستمزدي از شما نميخواهم . اين قرآن چيزي جزپندي براي جهانيان نيست (90)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! و ای مردم! به ابراهيم بنگرید که چگونه در اثر اتخاذ موضع صحیح از الطاف الهي بهره مند شد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 74 تا 90 مجموعا فهمیده میشود موضع آنحضرت اندکی به حالت «شورشی» نزدیک شده و از مردم میخواهد موضع مستقل از اوضاع حاکم و روسای قبایل در پیش بگیرند و عقلانیت بیشتری بخرج دهند و ابراهیم وار خودشان مستقلا فکر خویش را بکار گیرند و در تئولوژی حاکم بیندیشند و عیوب آن را ببینند و در اینصورت خود بخود به راه صحیح منتقل خواهند شد و در آنصورت در همین زندگی دنیوی نیز موفق و بهره مند و دارای اولاد صالح خواهند شد .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 68):1 – حاکم کردن روایات 2 – خطای عادی عادیِ تفسیری

(المیزان) : " وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرى‏ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ"

اين خطابى كه در آيه شريفه است، خطاب به نبى اكرم (ص) است، و ليكن در حقيقت مقصود، ديگرانند، زيرا انبيا (ع) نه تنها از گناهان بلكه حتى از فراموشى احكام خداوندى هم مبرا هستند.

و ما سابقا در بحثى كه راجع به عصمت انبيا (ع) كرديم ثابت نموديم كه فراموش كردن احكام الهى از آن حضرت عينا مانند مخالفت عملى باعث گمراهى سايرين مى‏شود و ديگران به عمل آنان احتجاج و از آن اتخاذ سند مى‏كنند، پس همانطورى كه گفتيم، غرض اصلى از اين خطاب و مخاطبين واقعى آن امت اسلام است.

روایات عصمت انبیاء مورد بدفهمی واقع شده و در تفسیر خویش در سوره عبس به آن پرداخته ایم و در اینجا تکرارش نمیکنیم ، و ضمنا ، نمیتوان به استناد آنها – و هر روایات دیگری – معنی ظاهر قرآن را از ریخت انداخت ، مگر خداوند مانعی داشته که مستقیما مسلمانان را نهی بفرماید؟ ضمنا اینکه المیزان گفته از فراموشی احکام مبرایند ، نیز ، محل تامل است ، زیرا به نظر می آید این موضوع با آیه « . . انا بشر مثلکم . . » مخالف باشد .

**2** (آیه 75):در نطر نگرفتنِ پرانتزی بودن مذکور سبب اطاله خیلی زیاد و بی ربط کلام شده و چندین صفحه مطلب آورده که واقعا نیازی نبود

**3** (آیه 89):المیزان در بحثی خیلی طولانی در باره «فقد وکلنا بها قوما لیسوا بها بکافرین» اقوالی را نقل و یکی یکی ایراد گرفته و آنها را رد نموده و بالاخره نظر خویش را اینطور بیان کرده [به نظر ما مراد از اين قوم انبياء و معصومين و اتقياء و صلحايند كه همواره پاسدار دين حق مى‏باشند] و بالاخره نتیجه گرفته که [ از اين روى، آيه شريفه مخصوص به معصومين (ع) خواهد بود، خيلى هم كه بتوانيم آن را توسعه دهيم ممكن است مؤمنين صالح و آن پارسايانى را كه به عصمت تقوا و صلاح و ايمان خالص از شوائب شرك و ظلم معتصمند . . . ملحق به اوصياى انبيا (ع) نموده و بگوييم آيه شريفه شامل اينگونه از مردان صالح نيز مى‏شود. ]

کل این زحمتی که المیزان در مورد فوق کشیده ناضرور بوده زیرا اساسا جمله مورد بحث پرانتزی است ، زیرا اگر قبل و بعدش را وصل کنیم می بینیم روال سخن صاف و یکدست خواهد بود و اگر این کار را کنیم در چشم به هم زدنی معنی قبل و بعد پرانتز مذکور واضح میشود ، و به تبعِ وضوحِ حاصل ، معنی خود جمله پرانتزی نیز وضوح می یابد .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 74 تا 90 دو پیشگوئی تلویحی وجود دارد :

1 – داستان ابراهیم که سرانجام پیروز میدان همو بود ، با این وعده تلویحی که سرانجام تو نیز چنین خواهد بود .

2 – الطاف غلیظی که ابراهیم از سوی خداوند دریافت کرد ، با این وعده تلویحی که ذریه تو نیز مانند ابراهیم ذریه طیبه خواهد بود .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به مردم که ابراهیم را الگو قرار دهند که هنگامی که به موضع حق رسیدند آن را اعلام کنند و در مورد وابستگی خویش به موضع حقِ مذکور نترسند و نگران ضررهای مادی و محرومیت های احتمالی مرتبط نباشند و روی حمایت الهی اعم از این جهانی و آن جهانی حساب کنند .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**شخصیت عظیم حاصل از ایمان قوی**

تصورش را بکنید پنج هزار سال پیش جوانی به پدرش و قومش اعلام می­کند که شما در گمراهیی آشکار هستید (آیه 74) و تازه از آن هم بالاتر، قومش با او «گفتگوی انتقادی» کنند و او اعلام کند که از قدرت خدایان شما نمی­ترسم (آیه 81) یعنی اینکه عملاً به قوم خویش اعلام کند «هیچ کاری نمی­توانید با من بکنید»

واقعاً این همه ثبات و قوام شخصیت برای ما قابل تصور نیست.

البته بعضی از مفسران محترم چنین فرموده­اند که سه مرحله رشد شخصیتی او یعنی آیه 74 و آیه 75 و آیات 76 تا 79 پس و پیش نقل شده یعنی ابتدا واقعه مربوط به آیات 76 تا 79 در وجود ابراهیم نوجوان اتفاق افتاد، و آنگاه اتفاق آیه 75 ، و پس از آنها موضوع آیه 74 اتفاق افتاد.

بعضی هم می­فرمایند اول آیه 74 اتفاق افتاد، بعد آیه 75 ، و آنگاه حضرت ابراهیم برای هدایت قومش و اینکه در ذهن آنها سئوال ایجاد کند و آنها را مسئله­دار کند نمایشی بازی کرد که جریان آن در آیات 76 تا 79 آمده است.

اما صرف­نظر از این فرضیه­ها، اینهمه قوام شخصیت، و اینهمه ثبات رأی نتیجه چیست؟

در آیه 75 می­فرماید نتیجه یقین چنان رفتاری (آیه 74) چنین موهبتی (آیه 75) است و آیه 74 می­فرماید نتیجه چنان یقینی انجام چنان عملی است و در آیه­های 84 تا 90 می­فرماید نتیجه چنان یقین و چنان عملی، چنین نعمات بزرگی است.

و مجموع اینها این پیام را به پیامبر دارد که رفتارت را مانند ابراهیم حفظ کن تا به چنان نعماتی برسی.

ضمناً این را باید گفت که کلمه «کذلک» در آیه 75 قرینه­ایست که نظر دوم را قبول کنیم.

**ملکوت آسمان­ها و زمین**

از آیه 75 فهمیده می­شود که درک ملکوت آسمانها و زمین سبب یقین­دار شدن می­گردد.

البته کسی نگوید «اگر خدا ملکوت آسمانها و زمین را بما هم ارائه کند ما هم ...» ما در این تفسیر تحلیلی بسیار این نکته را گفته­ایم که خداوند کارهائی را که ما آنها را «عادی» و «طبیعی» می­نامیم به خویش نسبت می­دهد. حتماً ابراهیم(ع) کاری کرده بود که این لیاقت را بدست آورده بود که ملکوت آسمانها و زمین به او ارائه شود و پس از اینکه شد، او از یقین­داران گردید.

این «ملکوت آسمانها و زمین» چیست؟

چنانکه از کتاب لغت قرآنی مفردات راغب فهمیده می­شود، «مِلک» جنس «مُلک» است و «ملکوت»، «مِلک» مخصوص خداست و لذا مبالغه در قدرت فرماندهی و مالکیت را می­رساند و این موضوع برای ابراهیم جوان احراز شده بود که فرمان و سررشته همه چیز بدست خداست و این نکته بود که سبب شد او به بی­خاصیتی «خدایان» پی ببرد و لذا عبادت «نمادهای» آنها (یعنی بتان) را بی­معنی و لغو بیابد. یعنی آنچه سبب پیدایش آن شخصیت قوی در ابراهیم جوان شد فهمیدن حقایقی از چگونگی اداره جهان توسط خداوند بود.

**خواست خداوند قانونمند است**

با توجه به تیتر فوق آیه­های 83 و 84 مفهوم است و لذا از جمله «هر کس را بخواهیم» باید جمله «هر کس که لایق باشد» را بفهمیم.

**جمع بندی و تفسیر**

**و آن هنگام را ياد آر که ابراهيم به پدرش آزر گفت آيا بتهائي را به خدائي گرفته اي؟ من تو و قومت را در گمراهيي آشکار مي بينم (74) و چنين بود که ملکوت آسمانها و زمين را به ابراهيم نمايانديم تا از يقين داران گردد (75)** {پس هنگاميکه شب او را پوشاند و ستاره اي را ديد ، گفت پروردگارم اين است ، پس چون ناپديد شد گفت من ناپديد شوندگان را دوست نميدارم (76) پس چون ماه را تابان ديد گفت پروردگار من اين است اما چون افول کرد گفت اگر پروردگارم هدايتم نکند حتما از قوم گمراهان خواهم بود (77) پس چون خورشيد را در طلوع ديد گفت پروردگار من اين است . اين بزرگتر است . پس وقتيکه افول کرد گفت اي مردم ! من از آنچه شما به آن شرک ميورزيد بيزارم (78) من البته رويم را بسوي کسي ميگردانم که آسمانها و زمين را آفريده و معتدلم و از مشرکان نيستم}(79) **و قومش با او مجادله ميكردند . گفت آيا درباره خداوند با من گفتگو ميکنيد در حاليکه مرا هدايت کرده؟ و من از آنچه با او شريک ميکنيد نمي ترسم مگر چيزي كه پروردگارم بخواهد . علم پروردگارم همه چيز را فرا گرفته . آيا توجه نمي کنيد؟ (80) و چگونه از آنچه با او شريک گرفته ايد بترسم در حاليکه شما در خصوص چيزهائي که با خدا شريک کرده ايد نميترسيد؟ آنهم در حاليکه براي** (رفتار) **شما دليلي هم نفرستاده؟ پس کدام گروه براي احساس امنيت شايسته تر است؟ اگر علمي داريد؟(81)**{آنهائي که ايمان آورده و به ايمانشان لباس ظلم نپوشانده اند امنيت خواهند داشت و همانها هدايت يافتگانند}(82)  **و اين دليلي بود که به ابراهيم در مقابل قومش داديم . هر کسي را که بخواهيم درجاتش را بالا ميبريم که پروردگارت صاحب حکمت داناست (83) و به او اسحق و يعقوب را داديم که همگيشان را هدايت کرديم** {و نوح را قبلا هدايت کرده بوديم} **و از فرزندان او داوود و سليمان و ايوب و موسي و هارون بود و نيکوکاران را چنين پاداش ميدهيم (84) و زکريا و يحيي و عيسي و الياس که همگي از صالحان بودند (85) و اسمعيل و يسع و يونس و لوط که همگي را بر جهانيان برتري داديم (86) و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان ، برگزيديمشان و بسوي صراطي مستقيم هدايتشان كرديم (87) اين هدايت خداوند است . هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدايت ميکند . و اگر شرک ورزيده بودند آنچه ميكردند تباه ميشد (88) آنها کساني هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنها داديم و اگر اينها به آن کفر ورزند قومي را بر آن برميگماريم که به آن کافر نباشند (89) آنها کساني هستند که خداوند هدايتشان کرده . پس به هدايتشان اقتدا کن . بگو براي آن دستمزدي از شما نميخواهم . اين** (قرآن) **چيزي جزپندي براي جهانيان نيست (90)**

**انعام6 آیات91تا94**

**وَمَا قَدَرُواْ اللّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُواْ مَا أَنزَلَ اللّهُ عَلَى بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاء بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُواْ أَنتُمْ وَلاَ آبَاؤُكُمْ قُلِ اللّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿91﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلاَتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿92﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوْحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنَزلَ اللّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلآئِكَةُ بَاسِطُواْ أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُواْ أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿93﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاء ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاء لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿94﴾**

**ای پیامبر! اینان قدر خداوند را آنطور که بايد و شايد ندانسته اند که گفتند خداوند هيچ چيزي بر هيچ بشري نفرستاده است. بگو پس آن کتابي را که موسي با آن به پيامبري آمد چه کسي فرستاده که نوري و هدايتي براي مردم بود و شما علمای یهود آنرا بصورت کاغذهايي درآورده ايد که قسمتي را آشکار کرده و بسياري از آن را مخفي داشته ايد و خودتان و پدرانتان چيزهائي آموخته ايد که علمي به آن نداشتيد؟ بگو آنرا خداوند نازل نموده، آنگاه آنها را واگذار که بازي کنان به فرو رفتن خويش در باطل ادامه دهند (91) و اين قرآن کتابي است پربرکت که نازلش کرده ايم كه تصديق کننده آن کتابهائي آسمانیی است که قبل از آن بوده ، تا مردمِ مادرِ شهرها، مانند مكه و اطرافشان را هشدار دهد . و آنان که به آخرت ايمان دارند نيز به آن ايمان دارند و نمازهايشان را هم محافظت ميکنند (92) ای پیامبر! چه کسي ظالم تر است از کسي که بر خداوند به دروغ افترا زند ، يا اينکه بگويد بمن وحي ميشود در حاليکه چيزي به او وحي نميشود ونیز کسي که بگويد بزودي چيزي مانند آنچه خداوند نازل کرده نازل خواهم کرد؟ و کاش ظالمان را در گردابهاي مرگ ميديدي که ملائکه دستهايشان را بر آنها گشوده اند که جانهاي شان را برون آرند که امروز جزايتان به سبب آنچه که به ناحق درباره خداوند ميگفتيد و نسبت به آياتش سركشي ميكرديد عذاب خواركننده خواهد بود (93) و در قیامت به آنان خطاب خواهد شد که بطور انفرادي بسويمان آمده ايد، همانطور که شما را در آفرينش اول آفريديم، و آنچه را که به شما ارزاني داشته بوديم پشت سرتان رها کرده ايد و کساني را که شفيع خويش ميدانستيد همراهتان نمي بينيم . بين شماوآنهاجدايي افتاده و چیزهای باطلی که گمان مي کرديد وجود دارند و برایتان فایده ای خواهند داشت از نزدتان گم شده اند (94)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! در پاسخ به اهل کتاب چنين روشنگري کن!**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیامبر ! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلاتت یهودیان خواهند بود (که دروقتش با آنها نیز باید بطورپسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

**یهودیان، مشکلِ بزرگتر پیامبر(ص)**

قبل از ظهور اسلام یهودیان با مشرکان همزیستی داشتند.

وقتیکه اسلام ظهور کرد و آنها خبرش را شنیدند، با توجه به آنچه که از بقایای معارف الهی نزدشان بود فوراً آن را شناختند و آنرا خودی تلقی نمودند و امیدوار و علاقمند شدند اما زود فهمیدند که اسلام فقط به چند تا شعار عقیدتی محدود نیست بلکه با ریشه­ها کار دارد و لذا چیزی نکشید که آنها نیز مانند مشرکان در جبهه­ای دیگر دشمنی با اسلام را آغاز کردند.

ایراداتی که در آیات 91 تا 94 از یهودیان ذکر شده عبارت است از:

1- بسیار پائین آوردن جایگاه خداوند.

2- تکذیب اصل وحی.

3- کتمان حقایق مهمی از تورات که به نظر آنها به نفع مسلمانها بود.

4- مطالبی به ذهن آنها تزریق شده بود که آنها راجع به حقیقت آنها علمی نداشتند.

5- افترای دروغ به خداوند.

6- ادعای مورد وحی قرار گرفتن.

7- ادعای ارائه چیزی مانند قرآن.

8- تکبر نسبت به آیات قرآن.

9- اهمیت ندادن به نعمت های بزرگ خدا.

10- دلگرم بودن به شفیعانی که شفاعتشان شامل حالشان شود.

چنانکه دیده می­شود شش مورد از ده مورد فوق به وحی مربوط می­شود و چهار مورد دیگر به نوع نگرش به خداوند و موارد مربوط به او، و آنچه در مورد وحی دیده می­شود عدم درک اهمیت و مقام بالای آن و سبک شمردن آن است.

همچنین آنچه در مورد خداوند نیز دیده می­شود همین چیزهاست.

**تلمود**

چه بسا مطلبی که در انتهای آیه 91 آمده، اشاره به مجموعه بسیار پر حجم روایتی می­باشد که از همه امور مختلفِ مفاهیم دینی در نزد یهودیان است که تلمود نام دارد و حاوی چنان مطالب خرافی و باطلی است که کسی باید چند صفحه از اینجا و آنجایش را تورق کند تا متوجه شود چه عرض میکنیم. و ذهن کاهنان و خاخام­های یهودیان در ابتدای شروع به تحصیلشان با آنها پر می­شود. مطالبی که به علت رعایت اختصار نمی­توانیم به آن بپردازیم .

**4 - کلید های تفسیری**

آیه­­های 92 و 94 به ترتیب فرع بر آیه­های 91 و 93 هستند و این واضح است.

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 93 و 94 حاوی معارفی است که حتی فوق ذهنیات ما است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

توصیه به آنحضرت راجع به چگونگی پاسخگوئی به اهل کتاب .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا اکثر عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و قدر خداوند را آنطور که بايد و شايد ندانستند که گفتند خداوند هيچ چيزي بر هيچ بشري نفرستاده است. بگو پس آن کتابي را که موسي با آن** (به پيامبري) **آمد چه کسي فرستاده که نوري و هدايتي براي مردم بود و شما** (علمای یهود) **آنرا بصورت کاغذهايي درآورده ايد که** (قسمتي را) **آشکار کرده و بسياري از آن را مخفي داشته ايد و خودتان و پدرانتان چيزهائي آموخته ايد که علمي به آن نداشتيد؟ بگو آنرا خداوند** (نازل نموده) **آنگاه آنها را واگذار که بازي کنان به فرو رفتن خويش** (در باطل) **ادامه دهند (91)** {و اين کتابي است پربرکت که نازلش کرده ايم كه تصديق کننده آن (کتابهائي) است که قبل از آن بوده ، تا (مردم) «مادر شهرها» (مكه) و اطرافشان را هشدار دهد . و آنان که به آخرت ايمان دارند نيز به آن ايمان دارند و نمازهايشان را هم محافظت ميکنند}(92)  **و چه کسي ظالم تر است از کسي که بر خداوند به دروغ افترا زند ، يا اينکه بگويد بمن وحي ميشود در حاليکه چيزي به او وحي نميشود و**(نیز) **کسي که بگويد بزودي چيزي مانند آنچه خداوند نازل کرده نازل خواهم کرد؟ و کاش ظالمان را در گردابهاي مرگ ميديدي که ملائکه دستهايشان را بر آنها گشوده اند که جانهاي خويش را برون آريد که امروز جزايتان به سبب آنچه که به ناحق درباره خداوند ميگفتيد و نسبت به آياتش سركشي ميكرديد عذاب خواركننده خواهد بود (93)** {و البته بطور انفرادي بسويمان آمده ايد، همانطور که شما را در آفرينش اول آفريديم و آنچه را که به شما ارزاني داشته بوديم پشت سرتان رها کرده ايد و کساني را که شفيع خويش ميدانستيد همراهتان نمي بينيم . بين شماوآنهاجدايي افتاده و آنچه را که گمان مي کرديد از نزدتان گم شده است} (94)

**انعام7 آیات95تا115**

**إِنَّ اللّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿95﴾ فَالِقُ الإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿96﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿97﴾ وَهُوَ الَّذِيَ أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿98﴾ وَهُوَ الَّذِيَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُواْ إِلِى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿99﴾ وَجَعَلُواْ لِلّهِ شُرَكَاء الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُواْ لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ ﴿100﴾ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿101﴾ ذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿102﴾ لاَّ تُدْرِكُهُ الأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿103﴾ قَدْ جَاءكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿104﴾ وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ وَلِيَقُولُواْ دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿105﴾ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿106﴾ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا أَشْرَكُواْ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ﴿107﴾ وَلاَ تَسُبُّواْ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ فَيَسُبُّواْ اللّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿108﴾ وَأَقْسَمُواْ بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الآيَاتُ عِندَ اللّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءتْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿109﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُواْ بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿110﴾ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلآئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلاً مَّا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ إِلاَّ أَن يَشَاء اللّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿111﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نِبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاء رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿112﴾ وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُواْ مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ ﴿113﴾ أَفَغَيْرَ اللّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنَزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلاً وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿114﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلاً لاَّ مُبَدِّلِ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿115﴾**

**ای مردم! خداوند شکافنده دانه و هسته است . زنده را از مرده بيرون مي آورد و بيرون آورنده مرده از زنده است . اين است خداوند پرودگارتان . پس به کجا سرگردان ميشويد؟ (95) همو شکافنده صبحگاهان است و شب را مايه آرامش وآفتاب و ماه را وسيله شمارش شما قرار داده است . اين برنامه ريزي آن پيروز داناست (96) و هموست که ستارگان را قرار داد تا به وسيله آنها در تاريکيهاي خشکي و دريا هدايت يابيد . البته ما آيات را براي اشخاصي دانا تشریح کرده ايم (97) و هموست که شما را از يک جان آفريد . آنگاه محل آرامشي و محل وديعه اي قرار داد . البته آيات را براي مردم صاحب فهم تشريح نموده ايم (98) و هموست که از آسمان آبي نازل نموده و روئيدني هائي از همه چيز بيرون آورده، واز آن سبزيي و همچنين از آن دانه هايي روي هم چيده در آورده، و از نخل ، از گًل آن ، خوشه هاي آويخته بيرون آورده، و با غهايي از انگورها و زيتون و انار که شبيه هستند اما عين يکدگر نيستند برآورده، به ميوه هايشان هنگام ثمر دادن و رسيدن بنگريد ، که در اين براي مردمي که ايمان دارند نشانه هاست (99) اما اینان براي چنین خداوندی شريکاني از جن درست کرده اند در حاليکه خداوند آنها را آفريده، وبدون اينکه علمي داشته باشند براي او پسران و دختراني فرض کرده اند، او البته از اين چيزها منزه و از آنچه وصفش مي کنند بالاتر است (100) خداوند به وجود آورنده آسمانها و زمين است، چگونه برايش فرزندي خواهد بود در حاليکه همسري ندارد و همه چيز را همو آفريده و نسبت به همه چيز داناست؟ (101) ای مردم! چنين است خداوند، پروردگارتان، خدايي جز او نيست . آفريننده همه چيز است . پس او را عبادت کنيد و همو بر همه چيز نگهبان است (102) چشمها او را درنمي يابد و او چشمها را درمي يابد و همو لطيف آگاه است (103) ای پیامبر! بگو البته با نزول این قرآن بصيرت هايي از جانب پروردگارتان به سويتان آمده، پس هر كس بينا شد به نفع خودش است و کسي که کوري را انتخاب کند به ضرر خويش نموده و من نگهبان شما نيستم (104) ای پیامبر! آن آيات را چنين گونه گون ارائه مي دهیم، و بگذار تا بگويند درسش را خوانده اي، و البته اشخاصِ صاحب علم خواهند فهمید (105) آنچه را که از جانب پرودگارت به سويت وحي مي شود پيروي کن . خدايي جز او نيست و از مشرکان روی بگردان (106) و البته اگر خداوند مي خواست میتوانست مانع شرک آوری آنها شود و تو از شِرک شان چندان نگرام مباش زیرا که تو را نگهبان آنها قرار نداديم و تو ناظر و مسئول آنها نيستي (107) ای پیروان پیامبر! آن چیزهایی را که به جز خداوند به دعا و از روی شِرک مي خوانند دشنام مگوئيد زيرا که آنها نيز از روي دشمني و بدون اينکه علمي داشته باشند خداوند را دشنام خواهند گفت ، چنین است ک اعمال هر مردمی برای خودشان زينت یافته، سپس بازگشتشان به سوي ما است که آنگاه آنها را به حقیقتِ کارهايي که مي کردند آگاه ميكنیم (108) ای پیامبر! اینان قسم هاي محکم به خداوند خوردند که اگر معجزه اي بسويشان بيايد حتما به آن ايمان خواهند آورد . بگو جز اين نيست که معجزه ها نزد خداوند است و چه ميدانيد ، اگر هم آن معجزات بسويشان بيايد باز هم ايمان نخواهند آورد (109) و دلها و چشمهاشان را ميگردانيم و مانند همان بار اول ميشوندکه به آن ايمان نياورده بودند و آنها را در طغيانشان کوردل رها ميکنيم (110) و حتي اگر ملائکه را بسويشان نازل کنيم و مردگان هم با آنها صحبت کنند و هر چيزي را بر آنها جمع کنيم اينطور نيست که ايمان بياورند مگر اينکه خدا بخواهد وليکن اکثرشان جاهلند (111) و چنين است که براي هر پيامبري دشمني از شياطين قرار داده ايم ، شياطين انساني يا جني که بعضي از آنها به بعضي ديگر سخنان ظاهرا قشنگ براي فريب دادن ياد مي دهند و اگر خداوند ميخواست چنين نميکردند پس آنها را با آنچه افترا مي بندند واگذار (112) تا اينکه دلهاي آنانکه به آخرت ايمان نمي آورند به آن ميل کند تا آن را بپسندند و به آنچه آنان دچار ميشوند دچار شوند (113) ای پیامبر! بگو آيا جز خداوند را به حکميت بجويم؟ در حاليکه هموست که آن کتاب را با تفصيل برايتان فرستاده؟ و اهل کتاب ميدانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرستاده شده است پس مبادا که از دودلان باشي (114) و کلمه پروردگارت به صدق و عدل کامل شد . هيچ چيزي کلماتش را تغيير نخواهد داد و همو شنواي داناست (115)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! مردم را با آیات و صفات خداوند آشنا کن با این مخالفانت که دچار لجبازی هستند با استواری چنین بگو و اگر کفار به تو گرایش پیدا نمی­کنند باکی نیست. تو راه خویش برو اما مبادا به عقاید آنان توهین کنید.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیامبر ! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلاتت یهودیان خواهند بود (که دروقتش با آنها نیز باید بطورپسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطورشایسته ای به این مردم معرفی کن و ای مسلمانان اینک که بصیرت یافته اید از کارهای اشخاص بی­بصیرت ، که دشنام دادن یک نمونه آن است ، دوری کنید و ای پیامبر ! این کفارغیرمنطقی و لجباز هستند و دائما معجزه میخواهند ، مگراین قرآن معجزه نیست؟ لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیرباش .

**3 - سوالات**

1 - آیه110راباتوجه به111توضیح دهید .

2 – با توجه به آیه112 ، معنی لغوی «وحی» چیست؟

3 - « **وَلَوْ شَاء رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ** »(آیه112) با موضوع کدام کلید تفسیر مطابق است؟

4 – با توجه به دوآیه112و113 ، چه نتایجی بر«آموزش های بین شیطانی» مترتب است؟

5 – در ابتدای آیه114 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

6 – منظور از «تمت» و «کلمه» (آیه115) چیست؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 100 و 101 فهمیده میشود شریکانی که در اعتقادات معاصران نزول این سوره بود برخی از جنس جن و برخی از نوع فرزندانی بود که برای خداوند فرض کرده بودند و در این مورد متکی به چیزی که به آن علم میگفتند نبودند .

از آیه 108 فهمیده میشود که مسلمانان نسبتا زیاد شده بودند و چندان نگرانیی نداشتند که نسبت به مقدسات کفار بی احترامی لفظی کنند که در این آیه از این عمل (طی دلیلی که برایش ذکر شده که یک دلیل اخلاقی زلال است) نهی میشوند.

از آیه های 104 و 107 فهمیده میشود که با تاکید و تکرار به پیامبر یاد آوری مینماید که تو نه نگهبان آنها هستی و نه کارگزارشان .

در آیه 106 بازهم به آنحضرت تاکید میشود که از مشرکان روی برگرداند .

از آیه 109 فهمیده میشود فعالان کفر ایمان آوری خود را به ظهور معجزه ای موکول کرده بودند و آیه های 110 تا 111 میگویند آنها اهل ایمان آوری نیستند و در آیه های 112 و 113 این موضوع را تعلیل میکند .

از ابتدای آیه 114 معلوم میشود اهل کتاب (یهودیان-زیرا مسیحیان در مکه چندان تعدادی نبودند) خیلی از جریان پیشرفت تعالیم آنحضرت ناراحت بودند و پیشنهاد نوعی معامله داده بودند که نوعی حکمیت را هم در بر داشت، که رسول خدا (ص) بر حسب محتوای آیه مذکور از قبولش منع شده بود.

از آیه مذکور فهمیده میشود که حکمیت مذکور بر مبنای توراتِ در دستشان بود، و همان آیه بما میگوید آنها در همان حال که این پیشنهاد را میدادند میدانستند قرآن از جانب خدا و مطلقا حق است، برآیند این دو مطلب این است که آنها نگران بودند که مطالب قرآن برای یهودیان جالب تر و سبب ریزش نیرویشان شود.

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 105 فرع بر آیه 104 است زیرا به قرینه کلمه «کذلک» دارد آن را توضیح می­دهد. همچنین است آیه 107 نسبت به آیه 106.

آیه 110 فرع بر آیه 109 و مجموع دو آیه 112 و 113 فرع بر آیه 111 است و این واضح است.

**واگذاری به مخاطب:**

در ابتدای آیه 114 چنین اتفاقی افتاده، و مطلبی که در واگذاری به مخاطب محذوف شده میتواند چنین باشد: «ای پیامبر! به اهل کتاب که تو را به حکمیتِ کتابشان دعوت میکنند بگو:»

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**إِنَّ اللّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿95﴾ فَالِقُ الإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿96﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُواْ بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿97﴾ وَهُوَ الَّذِيَ أَنشَأَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿98﴾ وَهُوَ الَّذِيَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاء مَاء فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُواْ إِلِى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿99﴾** وَجَعَلُواْ لِلّهِ شُرَكَاء الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُواْ لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ ﴿100﴾ **بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿101﴾ ذَلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمْ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿102﴾ لاَّ تُدْرِكُهُ الأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿103﴾ قَدْ جَاءكُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿104﴾ وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ وَلِيَقُولُواْ دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿105﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! آیات و نعمت های خداوند رابه مردم یاد آوری کن.**

**2**

**اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿106﴾ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا أَشْرَكُواْ وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ﴿107﴾ وَلاَ تَسُبُّواْ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ فَيَسُبُّواْ اللّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿108﴾ وَأَقْسَمُواْ بِاللّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الآيَاتُ عِندَ اللّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءتْ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿109﴾ وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُواْ بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿110﴾ وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلآئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلاً مَّا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ إِلاَّ أَن يَشَاء اللّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿111﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! چندان اهمیتی به کفار مده و فعلا درگیرشان مشوید.**

**3**

**وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نِبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاء رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿112﴾ وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُواْ مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ ﴿113﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! پیامبران پیشین نیز از این مشکلات رسالت داشته اند.**

**4**

**أَفَغَيْرَ اللّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنَزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلاً وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿114﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلاً لاَّ مُبَدِّلِ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿115﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! پیامبران پیشین نیز از این مشکلات رسالت داشته اند.**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه نیست)**

مضمون آیه 98 از نوع مطالب سنگینی است که نمیتوان ادعا کرد که حتی امروز هم بخوبی توسط بشر امروز درک میشود، چه رسد به بشر 1400 سال قبل.

در آیه های 112 و 113 مطالبی است که مکانیزم های چگونگی انجام آنها هنوز نیز توسط بشر کشف و فهم نشده،چه رسد بشر مخاطب اولیه.

**7 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 108 یک رفتار استراتژیک به مسلمانان می آموزد و چنین رفتاری متعلق به کسانی است که موضوع را بلند مدت می بینند و در این این وعده تلویحی نهفته است که شما برقرار خواهید بود .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای پیامبر! مردم را با آیات و صفات خداوند آشنا کن با این مخالفانت که دچار لجبازی هستند با استواری چنین بگو و اگر کفار به تو گرایش پیدا نمی­کنند باکی نیست. تو راه خویش برو .

2 - اما مبادا به عقاید آنان توهین کنید .

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیات 100 تا 102 و 104 تا 107 ، بقیه آیات «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**معرفی خداوند**

در ابتدا سعی می­کنیم معرفیی که از خداوند در خلال آیات این دو پاراگراف شده است را استخراج کنیم: اگر بخواهیم نکاتی را که در رابطه با معرفی خداوند است دسته­بندی کنیم به دسته­بندی زیر می­رسیم:

1- صفات شخصی خداوند: آفریدگار، پروردگار، برنامه­ریز همه چیز، مواظب همه چیز، دست نیافتنی، چشم­ها او را درک نمی­کنند اما او همه چشمها را درک می­کند، لطیف، آگاه، چرخاننده آیات و بالاخره واحد.

2- در رابطه با جهان: بوجود آورنده آسمانها و زمین، قرار دهنده آفتاب و ماه بعنوان وسیله شمارش، قرار دهنده ستارگان برای راه یافتن، قرار دهنده شب بعنوان وسیلۀ آرامش، شکافنده صبحگاهان.

3- در رابطه با انسان بطور کلی: آفریدگار همگان از یک «نَفس»، بیرون آوردن زنده از مرده و بیرون آوردن مرده از زنده، و کسی که بازگشت به سوی اوست و حقیقت امور را آشکار می­کند.

4- در رابطه با یکی از احتیاجات انسان (خوراک): نازل کننده آب از آسمان، شکافنده دانه و هسته، بیرون آورنده روئیدنیها با ذکر جزئیات باغبانی و تنوع محصول.

واقعاً وقتی که خواننده این موارد را می­خواند، چه احساسی پیدا می­کند؟ این احساس در او بوجود می­آید که خداوند، این جهان، این آسمانها و زمین، این کهکشان­ها، این ستارگان، و اینهمه را برای «من» آفریده. برای اینکه حساب سال و ماه را نگه دارم و بتوانم برنامه­ریزی کنم و زندگی را جلو ببرم. برای اینکه بتوانم جهت­یابی کنم و مسافرت کنم و باز هم زندگی را جلو ببرم، برای اینکه آرامش داشته باشم و انرژی از دست رفته را ترمیم کنم و روز بعد تلاش کنم و زندگی را جلو ببرم و نیز برای یک قلم از احتیاجاتم که رفع تشنگی و گرسنگی باشد چقدر تمهیدات و چقدر تنوع و چقدر زیبایی آفریده. خوب، خداوند که برای من اینهمه را آفریده و اینطور برنامه­ریزی کرده، هموست که مرا هم آفریده و بازگشتم هم بسوی اوست و ارزیابی اعمال و رفتارم نیز با اوست.

این خداوندیست که ما در این آیات می­یابیم و واحد هم هست یعنی اگر خواستیم خود را هماهنگ کنیم کافیست با «یک شخص» و «یک جا» هماهنگ شویم و آن یک جا و آن یک شخص هم مرکز همه قدرتها، برنامه­ریزی­ها، لطف­ها، آگاهی­ها و همه چیزهائی است که ما آنها را خوب می­دانیم. آیا ذکر اینها دعوت ما به بهترین چیز و اتخاذ بهترین موقعیت نیست؟

**جمع بندی و تفسیر**

**خداوند شکافنده دانه و هسته است . زنده را از مرده بيرون مي آورد و بيرون آورنده مرده از زنده است . اين است خداوند پرودگارتان . پس به کجا سرگردان ميشويد؟(95) که شکافنده صبحگاهان** (است و) **شب را مايه آرامش وآفتاب و ماه را وسيله شمارش قرار داده است . اين برنامه ريزي آن پيروز داناست (96) و هموست که ستارگان را قرار داد تا به وسيله آنها در تاريکيهاي خشکي و دريا هدايت يابيد . البته ما آيات را براي اشخاصي دانا تشریح کرده ايم (97) و هموست که شما را از يک جان آفريد . آنگاه محل آرامشي و محل وديعه اي است . البته آيات را براي مردم صاحب فهم تشريح نموده ايم (98) و هموست که از آسمان آبي نازل نموده و روئيدني هائي از همه چيز بيرون آورده . واز آن سبزيي بيرون مي آوريم و همچنين از آن دانه هايي روي هم چيده در مي آوريم . و از نخل ، از گًل آن ، خوشه هاي آويخته** (بيرون مي آوريم) **و با غهايي از انگورها و زيتون و انار که شبيه هستند اما عين يکدگر نيستند** (بيرون مي آوريم) **به ميوه هايشان هنگام ثمر دادن و رسيدن بنگريد ، که در اين براي مردمي که ايمان دارند نشانه هاست (99) و براي خداوند شريکاني از جن درست کردند در حاليکه خداوند آنها را آفريده . وبدون اينکه علمي داشته باشند براي او پسران و دختراني تراشيدند . از اين چيزها منزه ، و از آنچه وصفش مي کنند بالاتر است (100) به وجود آورنده آسمانها و زمين** (است). **چگونه برايش فرزندي خواهد بود در حاليکه همسري ندارد و همه چيز را همو آفريده و نسبت به همه چيز داناست؟(101) اين است خداوند پروردگارتان . خدايي جز او نيست . آفريننده همه چيز است . پس او را عبادت کنيد و همو بر همه چيز نگهبان است (102) چشمها او را درنمي يابد و او چشمها را درمي يابد و همو لطيف آگاه است (103)**  (بگو) **البته که بصيرتهايي از جانب پروردگارتان به سويتان آمده . پس هر كس بينا شد به نفع خودش است و کسي که کوري را انتخاب کند به ضرر خويش نموده و من نگهبان شما نيستم (104)** {وآن آيات را چنين گونه گون مي آوريم و (بگذار) تا بگويند درسش را خوانده اي و تا براي مردمي صاحب علم بيانش کنيم}(105) **آنچه را که از جانب پرودگارت به سويت وحي مي شود پيروي کن . خدايي جز او نيست و از مشرکان روی بگردان (106)** {و اگر خداوند مي خواست شرک نمي ورزيدند و تو را نگهبان آنها قرار نداديم و تو وكيل (بر) آنها نيستي }(107) **وآن کساني را که به جز خداوند مي خوانند دشنام مگوئيد زيرا که آنها نيز از روي دشمني و بدون اينکه علمي داشته باشند خداوند را دشنام خواهند گفت**{ بدين سان براي هر مردمي اعمالشان را زينت داده ايم} **آنگاه باز گشتشان به سوي پروردگارشان است**  (که) **سپس آنها را به کارهايي که مي کردند آگاه ميكند (108) و قسم هاي محکم به خداوند خوردند که اگر معجزه اي بسويشان بيايد حتما به آن ايمان خواهند آورد . بگو جز اين نيست که معجزه ها نزد خداوند است و چه ميدانيد ، اگر هم** (آن معجزات) **بسويشان بيايد باز هم ايمان نخواهند آورد (109)** {و دلها و چشمهاشان را ميگردانيم و مانند همان بار اول ميشوندکه به آن ايمان نياورده بودند و آنها را در طغيانشان کوردل رها ميکنيم }(110) **و حتي اگر ملائکه را بسويشان نازل کنيم و مردگان هم با آنها صحبت کنند و هر چيزي را بر آنها جمع کنيم اينطور نيست که ايمان بياورند مگر اينکه خدا بخواهد وليکن اکثرشان جاهلند (111)** {و چنين است که براي هر پيامبري دشمني از شياطين قرار داديم (شياطين) انساني يا جني که بعضي از آنها به بعضي ديگر سخنان ظاهرا قشنگ براي فريب دادن ياد مي دهند و اگر خداوند ميخواست چنين نميکردند پس آنها را با آنچه افترا مي بندند واگذار (112) تا اينکه دلهاي آنانکه به آخرت ايمان نمي آورند به آن ميل کند تا آن را بپسندند و به آنچه آنان دچار ميشوند دچار شوند} (113) (بگو) **آيا جز خداوند را به حکميت بجويم در حاليکه هموست که آن کتاب را با تفصيل برايتان فرستاده؟ و اهل کتاب ميدانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرستاده شده است پس مبادا که از دودلان باشي (114) و کلمه پروردگارت به صدق و عدل کامل شد . هيچ چيزي کلماتش را تغيير نخواهد داد و همو شنواي داناست (115)**

**انعام8 آیات116تا135**

**وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ ﴿116﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿117﴾ فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿118﴾ وَمَا لَكُمْ أَلاَّ تَأْكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلاَّ مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿119﴾ وَذَرُواْ ظَاهِرَ الإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُواْ يَقْتَرِفُونَ ﴿120﴾ وَلاَ تَأْكُلُواْ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿121﴾ أَوَ مَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿122﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجَرِمِيهَا لِيَمْكُرُواْ فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلاَّ بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿123﴾ وَإِذَا جَاءتْهُمْ آيَةٌ قَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللّهِ اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ اللّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُواْ يَمْكُرُونَ ﴿124﴾ فَمَن يُرِدِ اللّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلإِسْلاَمِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاء كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿125﴾ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿126﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلاَمِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿127﴾ وَيَوْمَ يِحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الإِنسِ وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُم مِّنَ الإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِيَ أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَليمٌ ﴿128﴾ وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿129﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاء يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُواْ شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كَافِرِينَ ﴿130﴾ ذَلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ﴿131﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُواْ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿132﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاء كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿133﴾ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿134﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدِّارِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿135﴾**

**ای پیامبر! بدان که اگر اکثر کساني را که در روي زمين هستند پيروي کني از راه خدا گمراهت ميکنند . زیرا آنها از چيزي جز گمان پيروي نمي کنند و جز تخمين نميزنند (116) البته پروردگارت بهتر مي داند كه چه كسي ازراهش گمراه شده و همو هدايت يافتگان را بهترمي شناسد (117) ای مردم! از آنچه که ذکر نام خدا به هنگام ذبح آن شده، بخوريد ، اگربه آياتش ايمان داريد (118) و چه تان شده که از آنچه ذکر خدا بر آن شده نميخوريد در حاليکه آنچه خداوند حرام کرده به تفصيل برايتان گفته شده، البته به استثناء شرایط سخت اضطراری که چاره ای برای آدمی نمیگذارد که در آنصورت مصرف همان هم به حداقل مقدار ممکن بخشوده است، و البته بسياري از مردم چنانند که بدون اينکه علمي داشته باشند، ديگران را با هوس هايشان گمراه ميکنند که البته پروردگارت به تجاوزکاران آگاه تر است (119) و همچنین گناهان را چه آشکار باشد و چه پنهان ول کنيد . همانا کسانيکه گناهان را مرتكب ميشوند بزودي سزايشان را به خاطر آنچه انجام ميدهند مي بينند (120) و نیز آنچه را که اسم خدا به هنگام ذبح بر آن ياد نشده نخوريد ، که نافرماني است و البته شياطين به دوستانشان آموزش ميدهند که با شما مجادله کنند و اگر اطاعتشان کنيد البته شما نيز مشرك خواهيد بود (121) آيا کسي که مرده اي بود و زنده اش کرديم و برايش نوري قرار داديم که به وسيله آن در ميان مردم راه ميسپارد ، مانند کسي است که در تاريکيهائي است که از آن برون رفت ندارد؟ براي کافران اعمالشان چنين آراسته شده است (122) و به اين ترتيب است که در هر شهري بزرگان گنهکارانشان در آن نيرنگ میکنند . اما کارشان جز بر ضد خودشان نيست و آگاهي ندارند (123) و هنگاميکه آيه اي بسويشان بيايد ميگويند هرگز به آن ايمان نمي آوريم تا اينکه به ما نيز آنچه به فرستادگان خدا داده شده داده شود . خداوند بهتر ميداند رسالتش را کجا قرار دهد . به زودي کسانی که مرتکب جرم شده اند به سبب نيرنگي که زده اند به خواريي نزد خدا و عذابي شديد خواهند رسيد (124) اگر خداوند بخواهد كسي را هدايت کند سينه اش را براي پذيرش اسلام باز مي کند و اگر کسی لایق گمراهی باشد سينه اش تنگ و سخت مي شود گوئي که دارد به آسمان صعود مي کند . خداوند به اين روش عذاب را بر كساني كه ايمان نمي آورند مسلط میکند (125) ای پیامبر! اين جاده پروردگار توست که مستقيم است و البته آيات را براي مردمي که پند ميگيرند با تفصيل بيان کرده ايم (126) کسانی که پیروی ات کنند نزد پروردگارشان خانه امن خواهند داشت و همو يارشان است به سبب آنچه انجام ميدادند (127) و روزي که همگيشان را به قیامت محشور کنيم خطاب شود اي جماعت جنيان چه بسيار از آدميان را بدام انداختيد! و دوستان آدميزادشان اعتراف میکنند که : پروردگارا بعضي مان از بعضي ديگر برخوردار شديم و به سرآمدي معين که برايمان مقرر کردي رسيديم . گويد اینک جايگاهتان آتش است که در آن جاودان خواهيد بود مگر آنچه خدا خواهد که پروردگارت پر حکمتِ داناست (128) و بعضي از ظالمان را بر بعضي ديگر چنین سرپرستي ميدهيم به سبب آنچه انجام ميدهند (129) اي جماعت هاي جني و انساني! آيا رسولاني از خودتان بسويتان نيامدند که آياتم را بر شما بخوانند و به اين روز هشدارتان دهند؟ گويند بلي و ما عليه خويش گواهي ميدهيم ، چنین است که زندگي دنيا فريبشان داد وکافر شدند تا اینکه در چنان روزی عليه خويشتن گواهي خواهند داد که ما کافريم (130) چنين است که پروردگارت اهل آن شهرها را از روي ظلم و در حاليكه غافل باشند هلاک نکرد (131) و همگي شان در آنچه از کارهای ناپسندی که ميکردند به درجاتي رسيده بودند و پروردگارتان از آنچه انجام ميدهند غافل نيست (132) و پروردگارتان غنيِ صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را ميبرد و پس از شما آنچه بخواهد جايگزين ميکند. همانطور كه شما را از فرزندان قوم قبلي ايجاد کرد (133) آنچه به شما وعده شده حتما مي آيد و نمي توانيد جلوگيري کنيد (134) ای پیامبر! بگو اي قوم! هر چه که قدرت داريد انجام دهيد ، من هم کار خويش ميکنم . به زودي خواهيد دانست چه کسي صاحب آن خانهء سعادت نهائي است . البته او ظالمان را رستگار نمي کند (135)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! علیرغم این لجبازی کافران این احکام را برای عموم بیان کن ، که در رسالت تو چیزیست که سبب زنده شدن دلهاست و توجه همگان را به آخرت و اهميت آن جلب کن ، تا صفوف کافران سست شود .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیامبر ! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلاتت یهودیان خواهند بود (که دروقتش با آنها نیز باید بطورپسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای پیامبر ! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطورشایسته ای به این مردم معرفی کن و ای مسلمانان اینک که بصیرت یافته اید از کارهای اشخاص بی­بصیرت ، که دشنام دادن یک نمونه آن است ، دوری کنید و ای پیامبر ! این کفارغیرمنطقی و لجباز هستند(مثلا دائما معجزه میخواهند ، مگراین قرآن معجزه نیست؟) لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیرباش .

در این پاراگراف می فرماید : ای مردم! از رسول خدا پیروی کنید و به زندگی پاکیزه (به خصوص در مورد غذایتان) گرایش یابید و ای مردم ! کافران از گمراهی خویش خبر ندارند و در عین حال تصور میکنند خیلی هم کارشان درست است و ای مردم ! قیامت و آخرت نه تنها عاقبت حتمی تان است ، بلکه زندگی تان درآن مرحله ، باتوجه به نوع وکیفیت اعمال فعلی تان بسیارمــتنوع خواهد بود (حال خود دانید)

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی پاراگراف چگونه است؟ (امیدبخش؟ هشدارشدید به کافران؟ یا...؟)

2 - «میتا» (آیه122) در معنی لغوی بکار رفته یا اصطلاحی؟

3 - ماهیت آیه123چیست؟ (ذکریک قانون الهیِ حاکم بر جوامع بشری؟ نکوهش سران کفار؟ یا...؟)

4 - « **اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ** » (آیه124) با موضوع کدام کلید تفسیر مطابق است؟

5 - «یشرح صدره» (آیه125) چه نوع ازسخن است؟ (کنایه؟ استعاره؟ یا....؟)

6 - «**يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاء**» (همان آیه) چطور؟

8 - آیا میتوانید درجمله اخیر یک «معجزه علمی» نشان دهید؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه116 فهمیده میشود آنحضرت از طرفی مواجه با افزایش پیروان خود بود و از طرف دیگر با تقویت این گرایش در بین فعالان کفر بود که میخواستند آنحضرت با آنان مماشاتی کند تا بتوانند «بطور آبرومندانه» با جریان روز بروز قوی تر شونده اسلام کنار بیایند .

این موضوع – از آنجا که از روی عتاب الهی در سوره های قبلی فهمیده میشود – از نظر آنحضرت یکی از راه های پیشرفت اسلام و کلیدی برای برون رفت از بین بست محسوس بین آنحضرت و سران فعالان کفر تلقی میشد که همواره موردمخالفت وحی قرار گرفته است .

بکار رفتن عبارت «اکثر من فی الارض» در آیه مذکور ، نشان میدهد این گرایش ابعادی بزرگتر از زمان نزول سوره قلم یافته است .

از آیات 118 تا 121 فهمیده میشود افراد موجود در اردوگاه اسلام همگی شان آدم هایی مهذب و مورد تایید دستگاه آسمانی نبوده اند ، و رفتارهای قابل سرزنشی (از قبیل ادامه دادن به گناهانی که قبلا به آنها می پرداخته اند ، و مخصوصا نامقید بودن ذبح به نام خدا و استفاده از مذبوحات به غیر نام خدا) هم داشته اند .

از آیات 122 تا 125 فهمیده میشود که سران مخالف رسول خدا (ص) خیلی خودشان را دست بالا میگرفته اند .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 117 فرع بر آیه 116 است و این واضح است،

آیه 124 فرع بر آیه 123 است و این واضح است.

اما خود آیه 123 نیز به قرینه کلمه «کذلک» فرع بر آیه 122 است زیرا دارد آن را توضیح می­دهد.

آیه 125 نیز به دلیل «ف» در ابتدای آن، فرع بر آیه 122 است (زیرا دو آیه قبلی خودشان فرعی هستند)

آیه 127 چون دارد عاقبت «قوم یذکرونِ» آیه 126 را تشریح می­کند فرع بر آن است.

همچنین آیات 128 تا 132 که همین نقش را در مورد گروه­های مخالف همان «قوم یذکرونِ» آیه 126 دارد، فرع بر همان آیه 126 است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِن تُطِعْ أَكْثَرَ مَن فِي الأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللّهِ إِن يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ ﴿116﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿117﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب: ای پیامبر! چون مخالفانت اکثریت دارند، لازم نیست لزوما با آنان همراهیی کنی.**

**2**

**فَكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿118﴾ وَمَا لَكُمْ أَلاَّ تَأْكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلاَّ مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ ﴿119﴾** وَذَرُواْ ظَاهِرَ الإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُواْ يَقْتَرِفُونَ﴿120﴾ **وَلاَ تَأْكُلُواْ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ﴿121﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب: ای پیامبر! به مردم بگو شما با یک حرکت کوچک میتوانید از شِرک خارج شوید.**

**3**

**أَوَ مَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿122﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجَرِمِيهَا لِيَمْكُرُواْ فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلاَّ بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿123﴾ وَإِذَا جَاءتْهُمْ آيَةٌ قَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللّهِ اللّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ اللّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُواْ يَمْكُرُونَ ﴿124﴾ فَمَن يُرِدِ اللّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلإِسْلاَمِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاء كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿125﴾ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿126﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلاَمِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿127﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب: ای مردم! ایمان آوری مانند زنده بودن و کفر مانند مرده بودن است.**

**4**

**وَيَوْمَ يِحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الإِنسِ وَقَالَ أَوْلِيَآؤُهُم مِّنَ الإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِيَ أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَليمٌ ﴿128﴾ وَكَذَلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿129﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاء يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُواْ شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كَافِرِينَ ﴿130﴾ ذَلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ ﴿131﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُواْ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿132﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِن بَعْدِكُم مَّا يَشَاء كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿133﴾ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لآتٍ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ﴿134﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدِّارِ إِنَّهُ لاَ يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿135﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب: ای مخالفان پیامبر! واقعا چنین عاقبتی را میخواهید؟**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 116 از این لحاظ که خیلی مورد سوء استفاده مخالفان دموکراسی قرار میگیرد از آیات برجسته قرآنی است.

بعضی­ها که القابی مانند دکتر و استاد و ... را هم یدک می­­کشند «دموکراسی» را با استناد به آیه مذکور رد می­کنند .

خیلی خنده­دار است.

حوزه دموکراسی، حوزه زندگی این جهانی است، یعنی آب و برق و نان و مدیریت منابع عمومی و حدود مشارکت اجتماعی و امثال آن.

در حالی که حوزه آیه 116 وحی و حقانیت فکر و عقاید است.

این سخن همانقدر مضحک و آبروبر است که اگر کسی فی­المثل بگوید یک کیلوگرم چند متر است و یک ولت چند اُهم است.

آنچه که «اکثریت و اقلیت­بردار» نیست حوزه حقانیت است و اما آنچه کاملاً اکثریت و اقلیت­بردار است حوزه منافع مادیِ زندگی این دنیایی است و حوزه دموکراسی هم همین حوزه است.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیات 128 تا 135 پر است از مطالبی مانند حشر در قیامت و رابطه جن و انس و درجه بندی اخروی آدم ها و جنّ ها و حتمیت قیامت و . . . که حتی فوق ذهنیات ما بشر قرن بیست و یکی است چه رسد به مخاطب های اولیه.

**8 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه های 116 و 117 که آنحضرت را از امتیاز دادن به خصم منع میکند پیشگوئیِ موفقیت آنحضرت نهفته است .

در آیه 125 میفرماید : اگر خداوند بخواهد كسي را هدايت کند سينه اش را براي (پذيرش) اسلام باز مي کند و اگر بخواهد گمراه کند سينه اش را تنگ و سخت مي کند گوئي که دارد به آسمان صعود مي کند. خداوند به اين روش عذاب را بر كساني كه ايمان نمي آورند بر مي گمارد.

مطلبی که در آیه فوق در رابطه با «تنگی نفس در ارتفاعات» آمده، با توجه به تاریخ نزول قرآن و نوع مخاطب­های آن روزی و اینکه کوهنوردی و صعود به ارتفاعات به هیچ روی با آن میزان علم آن مخاطب­ها سنخیتی نداشته یکی از معجزات علمی قرآنی است.

زیرا در آن زمان بالن و هواپیما اختراع نشده بود و تا صد و پنجاه سال پیش نیز کسی به قله اورست صعود نکرده بود تا کسی بتواند با این صراحت نفس تنگی حاصل از صعود را که در نتیجه کاهش تراکم اکسیژن در طبقات بالاتر جوی است مطرح کند.

در آیه 135 که میگوید «هر کاری که از دستتان بر می آید انجام دهید» پیشگوئیِ تحقق یافته ای هست که دیدیم آنها نتوانستند مانع استقرار گفتمان آنحضرت شوند.

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای پیامبر! علیرغم این لجبازی کافران این احکام را برای عموم بیان کن ،

2 – ای پیامبر! در رسالت تو چیزیست که سبب زنده شدن دلهاست ،

3 – ای پیامبر! توجه همگان را به آخرت و اهميت آن جلب کن ، تا صفوف کافران سست شود .

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 117 و 122 و 131 تا 135 ، بقیه «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**فعل خداوند قانونمند است**

آیه 125 با توجه به تیتر فوق مفهوم است، و همچنین آیه 123.

ای پیامبر ! وحیی که تو حامل آن می باشی«زندگی ساز» و «روح بخش» و«نوررسان»است واگراحیاناکسی نخواست ازآنچه توداری استفاده کند ضرری متوجـه تو نخواهدشد .

**جمع بندی و تفسیر**

**و اگر اکثر کساني را که در روي زمين هستند پيروي کني از راه خدا گمراهت ميکنند . از چيزي جزگمان پيروي نمي کنند و خودشان هم جز تخمين نميزنند (116) البته پروردگارت بهتر مي داند كه چه كسي ازراهش گمراه شده و همو هدايت يافتگان را بهترمي شناسد (117) پس ، از آنچه ذکر خدا بر آن شده بخوريد . اگربه آياتش ايمان داريد (118) و چه تان شده که از آنچه ذکر خدا بر آن شده نميخوريد در حاليکه آنچه خداوند حرام کرده به تفصيل برايتان گفته شده مگر اينکه چاره اي نداشته باشيد و البته بسياري** (ديگران را) **بدون اينکه علمي داشته باشند با هوس هايشان گمراه ميکنند که البته پروردگارت به تجاوزکاران آگاه تر است (119) و گناهان را چه آشکار باشد و چه پنهان ول کنيد . همانا کسانيکه گناهان را مرتكب ميشوند بزودي سزايشان را به خاطر آنچه انجام ميدهند مي بينند (120) و آنچه را که اسم خدا بر آن ياد نشده نخوريد ، که نافرمانيست و البته شياطين به دوستانشان آموزش ميدهند که با شما مجادله کنند و اگر اطاعتشان کنيد البته شما نيز مشرك خواهيد بود (121)** **آيا کسي که مرده اي بود و زنده اش کرديم و برايش نوري قرار داديم که به وسيله آن در ميان مردم راه ميسپارد ، مانند کسي است که در تاريکيهائي است که از آن برون رفت ندارد؟ براي کافران اعمالشان چنين آراسته شده است (122)** {و به اين ترتيب در هر شهري بزرگان گنهکارانشان را قرار داديم تا در آن نيرنگ کنند . اما جز بر ضد خودشان نيست و آگاهي ندارند (123) و هنگاميکه آيه اي بسويشان بيايد ميگويند هرگز به آن ايمان نمي آوريم تا اينکه به ما نيز آنچه به فرستادگان خدا داده شده داده شود . خداوند بهتر ميداند رسالتش را کجا بگذارد . به زودي آنان که مرتکب جرم شده اند به سبب نيرنگي که زده اند به خواريي نزد خدا و عذابي شديد خواهند رسيد (124) اگر خداوند بخواهد كسي را هدايت کند سينه اش را براي (پذيرش) اسلام باز مي کند و اگر بخواهد گمراه کند سينه اش را تنگ و سخت مي کند گوئي که دارد به آسمان صعود مي کند . خداوند به اين روش عذاب را بر كساني كه ايمان نمي آورند بر مي گمارد}(125) **و اين جاده پروردگار توست که مستقيم است و البته آيات را براي مردمي که پند ميگيرند با تفصيل بيان کرده ايم (126)** { آنها نزد پروردگارشان خانه امن خواهند داشت و همو يارشان است به سبب آنچه انجام ميدادند (127) و روزي که همگيشان را محشور کنيم (خطاب شود) اي جماعت جنيان چه بسيار از آدميان (را بدام انداختيد) و دوستان آدميزادشان ميگويند: پروردگارا بعضي مان از بعضي ديگر برخوردار شديم و به سرآمدي معين که برايمان مقرر کردي رسيديم . گويد جايگاهتان آتش است که در آن جاودان خواهيد بود مگر آنچه خدا خواهد که پروردگارت پر حکمت داناست (128) و بعضي از ظالمان را بر بعضي ديگر چنین سرپرستي ميدهيم به سبب آنچه انجام ميدهند (129) اي جماعت هاي جني و انساني! آيا رسولاني از خودتان بسويتان نيامدند که آياتم را بر شما بخوانند و به اين روز هشدارتان دهند؟ گويند (بلي) و ما عليه خويش گواهي ميدهيم {{و زندگي دنيا فريبشان داد وعليه خويشتن گواهي دادند که ما کافريم}}(130) چنين است که پروردگارت اهل آن شهرها را از روي ظلم و در حاليكه غافل باشند هلاک نکرد(131) و همگي شان در آنچه ميکردند به درجاتي رسيده بودند و پروردگارت از آنچه انجام ميدهند غافل نيست.}(132) **و پروردگارت غني صاحب رحمت است. اگر بخواهد شما را ميبرد و پس از شما آنچه بخواهد جايگزين ميکند. همانطور كه شما را از فرزندان قوم قبلي ايجاد کرد (133) آنچه به شما وعده شده حتما مي آيد و نمي توانيد جلوگيري کنيد (134) بگو اي قوم ! هر چه که قدرت داريد انجام دهيد ، من هم کار خويش ميکنم . به زودي خواهيد دانست چه کسي صاحب آن خانه نهائي است . البته او ظالمان را رستگار نمي کند (135)**

**انعام9 آیات136تا147**

**وَجَعَلُواْ لِلّهِ مِمِّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُواْ هَذَا لِلّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَآئِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَآئِهِمْ فَلاَ يَصِلُ إِلَى اللّهِ وَمَا كَانَ لِلّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَآئِهِمْ سَاء مَا يَحْكُمُونَ ﴿136﴾ وَكَذَلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلاَدِهِمْ شُرَكَآؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُواْ عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿137﴾ وَقَالُواْ هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لاَّ يَطْعَمُهَا إِلاَّ مَن نّشَاء بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لاَّ يَذْكُرُونَ اسْمَ اللّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاء عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِم بِمَا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿138﴾ وَقَالُواْ مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى أَزْوَاجِنَا وَإِن يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاء سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حِكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿139﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُواْ أَوْلاَدَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُواْ مَا رَزَقَهُمُ اللّهُ افْتِرَاء عَلَى اللّهِ قَدْ ضَلُّواْ وَمَا كَانُواْ مُهْتَدِينَ ﴿140﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُواْ حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿141﴾ وَمِنَ الأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ وَلاَ تَتَّبِعُواْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿142﴾ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الأُنثَيَيْنِ نَبِّؤُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿143﴾ وَمِنَ الإِبْلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاء إِذْ وَصَّاكُمُ اللّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللّهَ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿144﴾ قُل لاَّ أَجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلاَّ أَن يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلاَ عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿145﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُواْ حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلاَّ مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِبَغْيِهِمْ وِإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿146﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلاَ يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿147﴾**

**ای پیامبر! اینان از آنچه که از کشت و زرع و حيوانات بوجود مي آورند براي خدا نصيبي قرار ميدهند و به خيال خودشان مي گويند اين براي خدا باشد و اين هم براي شريکاني که براي خدا قائل شده ايم. اما آنچه که مال شرکاء است به خدا نميرسد ولي آنچه که مال خداست به شرکاء ميرسد . چه بد حکم مي کنند (136) و چنين است که براي بسياري ازمشرکان ، شرکائی که برای خدا قائل شده اند، قتل اولادشان را زينت داده اند تا هلاکشان کنند و دينشان را بر آنان مشتبه نمايند و اگر خدا مي خواست مانع آنها از این کار میشد، پس تو نيز آنها را با افترائي که به خدا ميزنند واگذار (137) و به خيال خويش مي گويند اين چارپايان و کشت و زرع قُرُق است و هيچ کس از آن نميخورد مگر اينکه ما بخواهيم و همچنين است چارپاياني که پشت هايشان را براي سواري حرام میکنند و چارپاياني که اسم خدا را هنگام ذبح بر آنها نميبرند . همه اينها افترائي است بر خداوند، بزودي سزاي آنها را براي افترايشان ميدهيم (138) و ميگويند آنچه در شکم اين چارپايان است خاص پسرانمان و مردانمان است و بر زنان حرام است اما اگر مرده به دنيا آمده باشد همه آنان در آن شريکند . بزودی خداوند زودي سزاي وصفشان را ميدهد که او پر حکمت داناست (139) البته آنان که اولادشان را از روي سفاهت و بدون علم ميکشند و آنچه که خداوند روزيشان کرده به علت افترا به خداوند حرام مي کنند زيان كرده و گمراه شده اند و هدايت يافته نمي باشند (140) و هموست که باغهائي داراي داربست و بي داربست بوجود آورد و نخل ها و کشت ها را که خورش آنها متفاوت است ، و زيتون و انار را چه مشابه و چه نامشابه باشند آفريده، از ميوه اش هنگاميکه به بار آيد بخوريد و حقش را روز برداشت بدهيد و اسراف نکنيد که خداوند مسرفان را دوست ندارد (141) و از چارپايان چه باربر و بزرگ و چه كوچك باشند ، از آنچه خداوند روزيتان کرده ، بخوريد و از گام هاي شيطان پيروي مکنيد که او برايتان دشمني آشکار است (142) اینان راجع به هشت گروه از نر و ماده احکامی وضع کرده اند . از گوسفند دوتا . و از بز دو تا . بگو آيا دو نر را حرام کرده يا دو ماده را يا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ بگو از روي علم خبرم دهيد اگر راست ميگوييد (143) و از شتر دو تا و از گاو دو تا . بگو آيا دو نر را حرام کرده يا دو ماده را ، يا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ مگر شما آن هنگام که خداوند به اين تقسيم بندي سفارش ميکرد حاضر بوديد؟ پس چه کسي ظالم تراست از کسي که به خداوند افتراي دروغ بندد تا مردم را بدون علم گمراه کند؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (144) بگو در آنچه به من وحي شده چيزي را که خورنده ميخورد حرام نمي يابم مگر آنکه مرداري باشد ، يا خون ريخته شده ، يا گوشت خوک که پليد است ، يا اينكه از روي نا فرماني بنام غير خدا ذبح شده باشد ، تازه اگر کسي ناچار شود ، نه اينکه تجاوز و افراط کند ، و از همانها هم بخورد، البته پروردگارت آمرزگار مهربان خواهد بود (145) و بر يهوديان حرام کرديم هر ناخنداري را ، و از گاو و گوسفند نيز پيه را بر آنان حرام کرديم . جز آنچه بر پشتشان يا روده هاي آنها باشد ، يا به استخوان پيوسته باشد و اين تحريم براي آن سرکشي بود که ميکردند و البته راستگوييم (146) پس اگر تکذيب کردند بگو پروردگارتان صاحب مهرباني گسترده است اما عذاب او از قوم گناهکار دفع نخواهد شد (147)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! با این مشکلات فکري و عمليي که مخالفانت دچارش هستند اینطور برخورد کن و ای مردم! از احکامی که خداوند مقرر نموده، پیروی کنید و احکام باطل بی­ماخذی را که به آن عادت کرده­اید رها کنید .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیامبر ! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلاتت یهودیان خواهند بود (که دروقتش با آنها نیز باید بطورپسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای پیامبر ! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطورشایسته ای به این مردم معرفی کن و ای مسلمانان اینک که بصیرت یافته اید از کارهای اشخاص بی­بصیرت ، که دشنام دادن یک نمونه آن است ، دوری کنید و ای پیامبر ! این کفارغیرمنطقی و لجباز هستند(مثلا دائما معجزه میخواهند ، مگراین قرآن معجزه نیست؟) لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیرباش .

در پاراگراف 8 می فرماید : ای مردم! از رسول خدا پیروی کنید و به زندگی پاکیزه (به خصوص در مورد غذایتان) گرایش یابید و ای مردم ! کافران از گمراهی خویش خبر ندارند و در عین حال تصور میکنند خیلی هم کارشان درست است و ای مردم ! قیامت و آخرت نه تنها عاقبت حتمی تان است ، بلکه زندگی تان درآن مرحله ، باتوجه به نوع وکیفیت اعمال فعلی تان بسیارمــتنوع خواهد بود (حال خود دانید)

در این پاراگراف می فرماید : این مشرکان هیچ چیزشان درست نیست ، آن ازعقاید غلطشان ، این ازلجبازی شان ، این هم ازاحکام «من درآری»شان ! و آنها بهتر است بجای آن احکام نامعقول عجیب وغریب این رفتار های معقول و پسندیده را درپیش گیرند و یهودیان نیز در برخی از این حوزه ها با یهودیان شبیه اند .

**3 - سوالات**

1 - حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (نکوهش نرم اعمال و رفتارهای مشرکان؟ یا...؟)

2 - « **بِزَعْمِهِمْ** » (آیه136) باکدام کلید تفسیر مطابق است؟

3 - « **وَلَوْ شَاء اللّهُ مَا فَعَلُوهُ** » (آیه137) چطور ؟

4 - « **بِزَعْمِهِمْ** »(آیه138) چه ؟

5- و « **افْتِرَاء عَلَيْهِ** »(آیه138) ؟

6 - فاعل فعل«زیّن» (آیه137) کیست؟

7 – اگر جوابتان برای سوال فوق «شرکاوهم» (همان آیه) باشد ، بیان کنید فعل مذکور طیّ چه مکانیزمی صورت پذیرفته است .

8 – منظور از «شرکاء» (همان آیه) چیست؟ (چیزها یا کسانی که آنان شرکاء خداوند تصور می نمودند؟ یا...؟)

9- اگر جواب اول را می پسندید ، بگوئید این نوع سخن گفتن از چه نوعی است؟ (مطابق بازبان و فرهنگ مخاطب سخن گفتن؟ یا....؟)

10 – کل آیه های 141 و 142 با کدام کلید تفسیری مطابق است؟

11 - « **أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاء إِذْ وَصَّاكُمُ اللّهُ بِهَذَا** » (ایه144) چه نوعی ازسخن گفتن است؟ (طنز؟ یا...؟)

12 – منظور از «ازواج» (آیه143) چیست؟

13 – در چند کلمه ابتدائی آیه143 موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

14 – از آیه 146 چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 136 تا 140 چنین فهمیده میشود که رسم و رسوم و به اصلاح «احکام» مشرکان در آن روزها مقادیری مطالب «من در آری» و غیر منطقی و بعضا بسیار خشن و دلخراش و مخالف فطرت بود که در آیات مذکور به برخی از آنها اشاره شده است .

از آیه های 141 و 142 فهمیده میشود برعکس تصور غالب و رایج ، مرفهین آن روزها ثروتمند و متمکن بوده اند .

از آیات 143 تا 147 چنین فهمیده میشود که رسم و رسوم و به اصلاح «احکام» مشرکان در آن روزها مقادیری مطالب «من در آری» و غیر منطقی که در آیات مذکور به برخی از آنها اشاره شده است .

**5 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای پیامبر! با این مشکلات فکري و عمليي که مخالفانت دچارش هستند اینطور برخورد کن ،

2 - ای مردم! از احکامی که خداوند مقرر نموده، پیروی کنید و احکام باطل بی­ماخذی را که به آن عادت کرده­اید رها کنید .

**7 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و از آنچه که کشت و زرع و حيوانات بوجود مي آورند براي خدا نصيبي قرار ميدهند و به خيال خودشان مي گويند اين براي خدا باشد و اين هم براي شريکاني که براي خدا قائل شده ايم . اما آنچه که مال شرکاء است به خدا نميرسد ولي آنچه که مال خداست به شرکاء ميرسد . چه بد حکم مي کنند (136) و چنين است که براي بسياري ازمشرکان ، شرکاء شان ، قتل اولادشان را زينت داده اند تا هلاکشان کنند و دينشان را بر آنان مشتبه نمايند و اگر خدا مي خواست اين کار را نمي کردند پس تو نيز آنها را با افترائي که به خدا ميزنند واگذار (137) و به خيال خويش مي گويند اين چارپايان و کشت و زرع قُرُق است و هيچ کس از آن نميخورد مگر اينکه ما بخواهيم و همچنين است چارپاياني که پشت هايشان** (براي سواري) **حرام است و چارپاياني که اسم خدا را** (هنگام ذبح) **بر آن نميبرند .** (همه اينها) **افترائي است براو. به زودي سزاي آنها را براي افترايشان ميدهيم (138) و ميگويند آنچه در شکم اين چارپايان است خاص پسرانمان و مردانمان است و بر زنان حرام است اما اگر مرده** (به دنيا آمده) **باشد همه آنان در آن شريکند . به زودي سزاي وصفشان را ميدهد که او پر حکمت داناست (139) البته آنان که اولادشان را از روي سفاهت و بدون علم ميکشند و آنچه که خداوند روزيشان کرده به علت افترا به خداوند حرام مي کنند زيان كردند . البته گمراه شده اند و هدايت يافته نمي باشند (140)** **و هموست که باغهائي داراي داربست و بي داربست بوجود آورد و نخل ها و کشت ها را که خورش آنها متفاوت است ، و زيتون و انار را چه مشابه و چه نامشابه باشند** (آفريده) **از ميوه اش هنگاميکه به بار آيد بخوريد و حقش را روز برداشت بدهيد و اسراف نکنيد که خداوند مسرفان را دوست ندارد (141) و از چارپايان چه باربر** (و بزرگ) **و چه كوچك باشند ، از آنچه خداوند روزيتان کرده ، بخوريد و از گام هاي شيطان پيروي مکنيد که او برايتان دشمني آشکار است (142)** **هشت گروه از نر و ماده . از گوسفند دوتا . و از بز دو تا . بگو آيا دو نر را حرام کرده يا دو ماده را يا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ بگو از روي علم خبرم دهيد اگر راست ميگوييد (143) و از شتر دو تا و از گاو دو تا . بگو آيا دو نر را حرام کرده يا دو ماده را ، يا آنچه را که در رحم دو ماده هست؟ مگر شما آن هنگام که خداوند به اين** (تقسيم بندي) **سفارش ميکرد حاضر بوديد؟ پس چه کسي ظالم تراست از کسي که به خداوند افتراي دروغ بندد تا مردم را بدون علم گمراه کند؟ البته خداوند قوم ظالمان را هدايت نميکند (144) بگو در آنچه به من وحي شده چيزي را که خورنده ميخورد حرام نمي يابم مگر آنکه مرداري باشد ، يا خون ريخته شده ، يا گوشت خوک که پليد است ، يا اينكه از روي نا فرماني بنام غير خدا ذبح شده باشد ، تازه اگر کسي ناچار شود ، نه اينکه تجاوز و افراط کند ،** (و از همانها هم بخورد) **البته پروردگارت آمرزگار مهربان خواهد بود (145) و بر يهوديان حرام کرديم هر ناخنداري را ، و از گاو و گوسفند نيز پيه را بر آنان حرام کرديم . جز آنچه بر پشتشان يا روده هاي آنها باشد ، يا به استخوان پيوسته باشد و اين** (تحريم) **براي آن سرکشي بود که ميکردند و البته راستگوييم (146) پس اگر تکذيب کردند بگو پروردگارتان صاحب مهرباني گسترده است اما عذاب او از قوم گناهکار دفع نخواهد شد (147)**

**انعام10 آیات148تا165**

**سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُواْ لَوْ شَاء اللّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلاَ آبَاؤُنَا وَلاَ حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم حَتَّى ذَاقُواْ بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إَلاَّ تَخْرُصُونَ ﴿148﴾ قُلْ فَلِلّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاء لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿149﴾ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِن شَهِدُواْ فَلاَ تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلاَ تَتَّبِعْ أَهْوَاء الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿150﴾ قُلْ تَعَالَوْاْ أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلاَّ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلاَ تَقْتُلُواْ أَوْلاَدَكُم مِّنْ إمْلاَقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلاَ تَقْرَبُواْ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿151﴾ وَلاَ تَقْرَبُواْ مَالَ الْيَتِيمِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُواْ الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لاَ نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُواْ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللّهِ أَوْفُواْ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿152﴾ وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلاَ تَتَّبِعُواْ السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿153﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِيَ أَحْسَنَ وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاء رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿154﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿155﴾ أَن تَقُولُواْ إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَآئِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿156﴾ أَوْ تَقُولُواْ لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصْدِفُونَ ﴿157﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلاَّ أَن تَأْتِيهُمُ الْمَلآئِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لاَ يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتَظِرُواْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿158﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ ﴿159﴾ مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿160﴾ قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿161﴾ قُلْ إِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿162﴾ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَاْ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿163﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلاَ تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَيْهَا وَلاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿164﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلاَئِفَ الأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿165﴾**

**بزودي مشرکان خواهند گفت اگر خدا ميخواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمي ورزيديم ، و چيزي را هم حرام نميکرديم . تکذيبگران پيشين انها نيز چنين تکذيب کردند تا اينکه عذاب ما را چشيدند. بگو آيا هيچ علمي نزدتان هست که برايمان ارائه کنيد؟ جز اين نيست که جز گمان را پيروي نمي کنيد و جز به تخمين سخن نميگوييد (148) بگو دليل رسا خاص خداست ، پس اگر ميخواست حتما همگي تان را هدايت ميکرد (149) بگو آن گواهانتان را که شهادت ميدهند که خداوند اينها را حرام کرده بياوريد . پس ای پیامبر! اگر کساني شهادت دادند تو با آنها نباش و ازهواي نفس کساني که آياتمان را تکذيب ميکنند و نيز از کساني که به آخرت ايمان ندارند و براي پروردگارشان همتا قرار ميدهند پيروي مکن (150) بگو بياييد آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده برايتان تلاوت کنم، آنها اين است که: چيزي را با او شريک ميگيريد و به والدين احسان کنيد و فرزندانتان را از تنگدستي مکشيد که ما به شما و آنها روزي ميدهيم و به کارهاي زشت چه آشکار و چه پنهان نزديک نشويد و هيچ کسي را که خداوند كشتن او را حرام کرده ، مگر به حق ، نکشيد . اين چيزي است که به آن توصيه کرده شايد تعقل پيشه کنيد (151) و به مال يتيم نزديک نشويد مگر به وجهي كه براي يتيم بهتر است . تا اينکه به رشد و قوت خويش برسد و پيمانه و ترازو را بطور کامل به عدالت ادا کنيد . البته هيچ کس جز به قدر وسعش تکليف نميشود. و اگر سخن ميگوئيد به عدالت گوئيد و لو اينکه درباره خويشاوند باشد و به عهد خداوند وفا کنيد . اين است چيزهائي که به آن توصيه تان کرده . شايد پند گيريد (152) و اينکه اين جاده ام مستقيم است . پيرويش کنيد و راه هاي ديگر را پيروي مکنيد تا شما را از راه او متفرق نکنند . اين است آنچه که شما را به آن توصيه کرده شايد تقوا پيشه کنيد (153) و به موسي آن کتاب را که همه ضرویات در آن بطور تمام ذکر شده بود را دادیم و همه چيز لازم را در آن به تفصيل ذکر کرديم و مايه هدايت و رحمت بود براي کساني که به ملاقات پروردگارشان ايمان داشتند (154) و اين قرآن نيز کتابي است پر برکت كه فرستاديم . پس ، ازآن پيروي کنيد و تقوا پيشه نمائيد شايد رحمت شويد (155) تا نگوئيد که کتاب فقط بر دو طائفه پيش از ما نازل شده و ما از آموختن درسهاي آن غافل بوديم (156) يا اينکه بگوئيد اگر کتاب بر ما نازل مي شد حتما از آنها هدايت يافته تر مي شديم . براستي دليلي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده که هدايتي و رحمتي است . پس چه کسي ظالم تر است از کسي که آيات خداوند را تکذيب کند و از آن روي بگرداند . بزودي کساني که از آياتمان روي مي گردانند براي رويگرداني شان عذاب بسيار بد خواهند داشت (157) آيا انتظار دارند ملائکه بسويشان بيايند؟ يا اينکه پروردگارت؟ يا اينکه بعضي از معجزات پروردگارت؟ روزي که بعضي از معجزات پروردگارت بيايد ايمان کسي که قبلا ايمان نياورده يا از ايمانش فايده اي نبرده سودي بحالش نخواهد داشت . بگو منتظر باشيد که ما نيزمنتظريم (158) ای پیامبر! البته تو را با آنانکه دينشان را فرقه فرقه کرده وگروه گروه شدند كاري نيست، كار آنان فقط با خداست . سپس خبر انچه را که انجام ميدادند به آنها ميدهد (159) هر کس که کار نيکي کند ده برابر آن پاداش خواهد داشت و کسي که کار زشتي کند فقط سزاي همان را خواهد ديد و هيچ ظلمي به آنان نمي شود (160) بگو البته پروردگارم بسوي جاده اي مستقيم هدايتم کرده است . ديني استوار ، دين ابراهيمِ معتدل ، كه از مشركا ن نبود (161) بگو البته نمازم و عبادتم و زندگيم و مرگم براي خداوندِ پروردگار جهانيان است (162) که شريک ندارد و من مأمور به آنم و خودم اولين مسلمانم (163) بگو آيا غير از خداوند پروردگاري بجويم ؟ در حاليکه او پروردگار همه چيز است؟ و هيچ کسي هيچ چيز بدي کسب نمي کند مگر اينکه عليه خود اوست؟ و هيچ باربري بار ديگري را نمي برد؟ آنگاه بازگشتگاهتان بسوي پروردگارتان است؟ وبگو همو خبر آنچه را که در آن اختلاف مي کرديد به شما ميدهد (164) و هموست که شما را جانشينان روي زمين قرار داد . و بعضي را به بعضي به درجاتي برتري داد . تا شما را در آنچه به شما داده بيازمايد. البته پروردگارت تند کيفر است و البته همو آمرزشگر مهربان است (165)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : اي پيامبر! این احکام را اعلام کن و اینک که حجت بر قومت تمام شده، صف خویش را از اهل کتاب جدا کن و باز هم مواضع خویش را به وضوح اعلام کن .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 می فرماید : ای پیامبر! توجه مردم را در درجه اول به آفرینش­های الهی و در درجه دوم به علم مطلق او جلب کن و رفتارهای لجوجانه مخالفت آمیز سران کفار یکی ازموانع اصلی کارت است که همیشه باید آن را در معادلاتت در نظر داشته باشی .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای پیامبر ! برای همه تشریح کن که این کافران با این رفتارهای لجبازانه شان دارند چه ضرر عظیمی به خویش میزنند وخود رابه چه مهلکه ای می اندازند و بر مشکلات رسالتت صبوری کن ، یاری ما خواهد رسید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! توجه این کفار را به خطری که خودرا درمعرض آن قرار داده اند جلب کن ، مبادا اینطور باشد که غافل باشند و ناگهان به عذاب دستجمعی گرفتارشوند و فعلا باب کفتگو با این کفار را باز نگهدار و ضمنا موقعیت خودت رانیز برای آنان بازهم یادآوری کن (تا این ایام بگذرد) و قدرشناسی ات را نسبت به پیروانت عیان کن .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیامبر! کماکان باب گفتگو را با این کفار باز نگهدار و بر مواضع اعتقادی خودت نیز کماکان پا فشاری کن .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیامبر ! قبل از تو نیز پیامبرانی بوده اند و آنها نیز مشکلاتی داشته اند اما حوصله کردند و پایداری ورزیدند و لذا سزاواری کمک ما را یافتند و درهمین دنیا نیز علاوه بر پیروزی و موفقیت به نعمتهای مهمی نیز رسیدند .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیامبر ! غیر از مشرکان که مشکل فعلی تو بنظر میرسد یکی دیگر از مشکلاتت یهودیان خواهند بود (که دروقتش با آنها نیز باید بطورپسندیده ای درگیر شوی) همان کسانی که برای کفرشان و افترا به خداوند و گناهان بزرگ نکوهش شده اند .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای پیامبر ! خداوند و آیات و صفات و افعالش را بطورشایسته ای به این مردم معرفی کن و ای مسلمانان اینک که بصیرت یافته اید از کارهای اشخاص بی­بصیرت ، که دشنام دادن یک نمونه آن است ، دوری کنید و ای پیامبر ! این کفارغیرمنطقی و لجباز هستند(مثلا دائما معجزه میخواهند ، مگراین قرآن معجزه نیست؟) لذا با استواری کار اصلی خودت را پیگیرباش .

در پاراگراف 8 می فرماید : ای مردم! از رسول خدا پیروی کنید و به زندگی پاکیزه (به خصوص در مورد غذایتان) گرایش یابید و ای مردم ! کافران از گمراهی خویش خبر ندارند و در عین حال تصور میکنند خیلی هم کارشان درست است و ای مردم ! قیامت و آخرت نه تنها عاقبت حتمی تان است ، بلکه زندگی تان درآن مرحله ، باتوجه به نوع وکیفیت اعمال فعلی تان بسیارمــتنوع خواهد بود (حال خود دانید)

در پاراگراف 9 می فرماید : این مشرکان هیچ چیزشان درست نیست ، آن ازعقاید غلطشان ، این ازلجبازی شان ، این هم ازاحکام «من درآری»شان ! و آنها بهتر است بجای آن احکام نامعقول عجیب وغریب این رفتار های معقول و پسندیده را درپیش گیرند و یهودیان نیز در برخی از این حوزه ها با یهودیان شبیه اند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! اینک درموقعیتی هستی که می توانی آینده مطلوب رانزدیک ببینی ولذا برای امادگی عمومی ، اساسی ترین قوانین را برای عموم مردم اعلام کن و دینی که همه باید حول آن گرد آیند و هیچ گونه جدائی از آن مقبول نیست مندرجات این قرآن است و به عنوان الگوی پیروانت ، عقاید خویش و همچنین راه و روش زندگی خویش را به وضوح اعلام کن تا هر که خواهد پا جای پای تو بگذارد .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 148 فهمیده میشود که فعالان کفر که اینک کاملا از لحاظ منطقی و استدلالی کم آورده بودند این استدلال را دست آویز قرار داده بودند که اگر هم ما بقول شما گمراه هستیم تقصیری نداریم زیرا خدا اینطور خواسته است.

از آیات 150 تا 153 معلوم میشود اردوگاه اسلام به حدی از بزرگی رسیده بود که نیاز به نوعی «قانون اساسی» داشت و نگاهی به آن نشان میدهد کاملا متین و معقول و منطقی و پذیرفتنی است .

از آیه های 156 و 157، با توجه به اینکه در ابتدای آیه 154 به تورات اشاره نموده ، معلوم میشود فعالان کفر قرآن را به اینکه کتابی لااقل در حد تورات و انجیل باشد ، قبول نداشتند .

از آیه 159 فهمیده میشود حتی در زمان معاصر نزول این آیات نیز برخی از مسلمانان عقایدی ابراز میکردند و گرایشاتی پیدا کرده بودند که زمینه بروز تفرقه در صفوف مسلمانان میشد .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 165) :(المیزان) : " وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلائِفَ الْأَرْضِ ..." " خلائف" جمع" خليفه" است. و معناى آيه اين است كه: او كسى است كه بعضى از شما را جانشين بعضى ديگر نموده و نسلى از شما پس از نسلى در زمين به وجود مى‏آورد. و يا معنايش اين است كه: شما را در زمين خليفه خود قرار داده، و معناى" خليفه" در تفسير آيه" إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً" «2» در جلد اول اين كتاب گذشت، و معناى آيه مورد بحث از بيانى كه گذشت روشن مى‏شود. نكته‏اى كه باقى مانده اين است كه خداوند اين سوره را با ذكر رحمت و مغفرت خود ختم فرموده است.

چنانکه دیده میشود المیزان آیه مذکور را در مفهومی که در داستان آفرینش بکار رفته می بیند ، در حالیکه در اینجا کلمه خلائف به معنی لغوی بکار رفته ، درست به همان معنیی که قبلا در آیه 133 همین سوره بکار رفته بود (آنجا که میفرماید ان یشاء یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء . . )

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 156 فرع بر مجموع آیه­های 154 و 155 است و این واضح است.

آیه 158 نیز رد شِبه استدلال ممکن است با این مفهوم که همین کتاب به عنوان «آیه» (= نشانه ، معجزه) کافیست و لذا از لحاظ مفهومی دنباله دو آیه 157 و 158 است و لذا این نیز فرع است بر آن چیزی که آنها فرع بر آن بوده­اند.

سه آیه از 5 آیه با «قل» شروع می­شود و محتوای آنها توحید خالص است. و یک آیه (آیه 163) فرعی و یک آیه (آیه 165) دعوت به آن است .

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُواْ لَوْ شَاء اللّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلاَ آبَاؤُنَا وَلاَ حَرَّمْنَا مِن شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم حَتَّى ذَاقُواْ بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِندَكُم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَإِنْ أَنتُمْ إَلاَّ تَخْرُصُونَ ﴿148﴾ قُلْ فَلِلّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاء لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿149﴾ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِن شَهِدُواْ فَلاَ تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلاَ تَتَّبِعْ أَهْوَاء الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ بِالآخِرَةِ وَهُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿150﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! این کفار بهانه گیری میکنند، تو فقط سخنان مستدل بگو.**

**2**

**قُلْ تَعَالَوْاْ أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلاَّ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلاَ تَقْتُلُواْ أَوْلاَدَكُم مِّنْ إمْلاَقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلاَ تَقْرَبُواْ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلاَ تَقْتُلُواْ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿151﴾ وَلاَ تَقْرَبُواْ مَالَ الْيَتِيمِ إِلاَّ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُواْ الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لاَ نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُواْ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَبِعَهْدِ اللّهِ أَوْفُواْ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿152﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! برای اتمام حجت احکام اصلی را برای آنان بازگو.**

**3**

**وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلاَ تَتَّبِعُواْ السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿153﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِيَ أَحْسَنَ وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاء رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿154﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿155﴾ أَن تَقُولُواْ إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَى طَآئِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿156﴾ أَوْ تَقُولُواْ لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُواْ يَصْدِفُونَ ﴿157﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلاَّ أَن تَأْتِيهُمُ الْمَلآئِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لاَ يَنفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتَظِرُواْ إِنَّا مُنتَظِرُونَ ﴿158﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! در مقابل بهانه گیری آنها از غضب الهی بترسانشان.**

**4**

**إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمْ وَكَانُواْ شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ ﴿159﴾ مَن جَاء بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاء بِالسَّيِّئَةِ فَلاَ يُجْزَى إِلاَّ مِثْلَهَا وَهُمْ لاَ يُظْلَمُونَ ﴿160﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! توجه خویش را روی پیروانت متمرکز و آنها را برانگیز.**

**5**

**قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿161﴾ قُلْ إِنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿162﴾ لاَ شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَاْ أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿163﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلاَ تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَيْهَا وَلاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿164﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای پیامبر! بازهم مواضع خویش را برای همگان بطور شفاف اعلام کن.**

**6**

**وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلاَئِفَ الأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿165﴾**

**درس: اي پيامبر! رسالت خويش را با جديت پيگير، از الطاف الهي بهره مند خواهي شد.**

**درب : ای مردم! فراموش نکنید که برای امتحان در این جهان هستید.**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

چه کسی در 1400 سال بوده که بتواند ادعا کند موضوع آمدن ملائکه یا خود ربّ یا برخی از آیات ربّ را فهمیده، یا لااقل ذهنیت مقبولی از آن دارد؟ (چه رسد به مخاطبان اولیه؟)

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - اي پيامبر! این احکام و این مواضع را به وضوح اعلام کن ،

2 - اینک که حجت بر قومت تمام شده، صف خویش را از اهل کتاب جدا کن .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا اکثریت قریب به اتفاق عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**کلمه «ثم» در ابتدای پاراگراف به چه اشاره دارد؟**

شبیه همین دو آیه 154 و 155 را چند پاراگراف قبل (آیه­های 91 و 92) داشتیم.

بین این دو پاراگراف 62 آیه فاصله است و این «ثم» اشاره به آنجا دارد (به عبارت دیگرکل پاراگراف های بین این دو «پرانتزی» بوده و این سوره از این لحاظ شبیه سوره نوح است اما سوره نوح کم حجم است و شخص ، تقریبا میشود گفت که فورا، متوجه میشود ، اما این سوره بلند است، و توجه آسان نیست .

**جمع بندی و تفسیر**

**بزودي مشرکان خواهند گفت اگر خدا ميخواست نه ما و نه پدرانمان شرک نمي ورزيديم ، و چيزي را هم حرام نميکرديم . تکذيبگران پيشين انها نيز چنين تکذيب کردند تا اينکه عذاب ما را چشيدند. بگو آيا هيچ علمي نزدتان هست که برايمان ارائه کنيد؟ جز اين نيست که جز گمان را پيروي نمي کنيد و جز به تخمين سخن نميگوييد (148) بگو دليل رسا خاص خداست ، پس اگر ميخواست حتما همگي تان را هدايت ميکرد (149) بگو آن گواهانتان را که شهادت ميدهند که خداوند اينها را حرام کرده بياوريد . پس اگر** (کساني) **شهادت دادند تو با آنها نباش و ازهواي نفس کساني که آياتمان را تکذيب ميکنند و نيز از کساني که به آخرت ايمان ندارند و براي پروردگارشان همتا قرار ميدهند پيروي مکن (150) بگو بياييد آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده برايتان تلاوت کنم** . (آنها اين است) **که چيزي را با او شريک ميگيريد و به والدين احسان کنيد و فرزندانتان را از تنگدستي مکشيد که ما به شما و آنها روزي ميدهيم و به کارهاي زشت چه آشکار و چه پنهان نزديک نشويد و هيچ کسي را که خداوند** (كشتن او را) **حرام کرده ، مگر به حق ، نکشيد . اين چيزي است که به آن توصيه کرده شايد تعقل پيشه کنيد (151) و به مال يتيم نزديک نشويد مگر به وجهي كه** (براييتيم) **بهتر است . تا اينکه به رشد و قوت خويش برسد و پيمانه و ترازو را بطور کامل به عدالت ادا کنيد . البته هيچ کس جز به قدر وسعش تکليف نميشود. و اگر سخن ميگوئيد به عدالت گوئيد و لو اينکه درباره خويشاوند باشد و به عهد خداوند وفا کنيد . اين است چيزهائي که به آن توصيه تان کرده . شايد پند گيريد (152) و اينکه اين جاده ام مستقيم است . پيرويش کنيد و راه هاي ديگر را پيروي نکنيد تا شما را از راه او متفرق نکنند . اين است آنچه که شما را به آن توصيه کرده شايد تقوا پيشه کنيد (153) سپس به موسي آن کتاب** (را که همه ضرویات در آن بطور) **تمام** (ذکر شده) **را دادیم و همه چيز را در آن به تفصيل ذکر کرديم و مايه هدايت و رحمت بود براي کساني که به ملاقات پروردگارشان ايمان داشتند (154) و اين** (قرآن) **نيز کتابي است پر برکت كه فرستاديم . پس ، ازآن ييروي کنيد و تقوا پيشه نمائيد شايد رحمت شويد (155)** {تا نگوئيد که کتاب فقط بر دو طائفه پيش از ما نازل شده و ما از آموختن درسهاي آن غافل بوديم (156) يا اينکه بگوئيد اگر کتاب بر ما نازل مي شد حتما از آنها هدايت يافته تر مي شديم . براستي دليلي از جانب پروردگارتان بسويتان آمده که هدايتي و رحمتي است . پس چه کسي ظالم تر است از کسي که آيات خداوند را تکذيب کند و از آن روي بگرداند . بزودي کساني که از آياتمان روي مي گردانند براي رويگرداني شان عذاب بسيار بد خواهند داشت (157) آيا انتظار دارند ملائکه بسويشان بيايند؟ يا اينکه پروردگارت؟ يا اينکه بعضي از معجزات پروردگارت؟ روزي که بعضي از معجزات پروردگارت بيايد ايمان کسي که قبلا ايمان نياورده يا از ايمانش فايده اي نبرده سودي بحالش نخواهد داشت . بگو منتظر باشيد که ما نيزمنتظريم}(158) **البته تو را با آنانکه دينشان را فرقه فرقه کرده وگروه گروه شدند كاري نيست . كار آنان فقط با خداست . سپس خبر انچه را که انجام ميدادند به آ نها ميدهد (159) هر کس که کار نيکي کند ده برابر آن** (پاداش) **خواهد داشت و کسي که کار زشتي کند فقط سزاي همان را خواهد ديد و هيچ ظلمي به آنان نمي شود (160)** **بگو البته پروردگارم بسوي جاده اي مستقيم هدايتم کرده است .** {ديني استوار ، دين ابراهيم معتدل ، كه از مشركا ن نبود}(161) **بگو البته نمازم و عبادتم و زندگيم و مرگم براي خداوند پروردگار جهانيان است (162)** {که شريک ندارد و من مأمور به آنم و خودم اولين مسلمانم}(163) **بگو آيا غير از خداوند پروردگاري بجويم ؟ در حاليکه او پروردگار همه چيز است؟ {**و هيچ کسي هيچ چيز (بد)ي کسب نمي کند مگر اينکه عليه خود اوست و هيچ باربري بار ديگري را نمي برد . آنگاه بازگشتگاهتان بسوي پروردگارتان است} (وبگو) **و همو خبر آنچه را که در آن اختلاف مي کرديد به شما ميدهد (164) و هموست که شما را جانشينان روي زمين قرار داد . و بعضي را به بعضي به درجاتي برتري داد . تا شما را در آنچه به شما داده بيازمايد. البته پروردگارت تند کيفر است و البته همو آمرزشگر مهربان است (165)**

**سوره اعراف**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**المص ﴿1﴾ كِتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلاَ يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿2﴾ اتَّبِعُواْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلاَ تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاء قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿3﴾ وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَآئِلُونَ ﴿4﴾ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءهُمْ بَأْسُنَا إِلاَّ أَن قَالُواْ إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿5﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿6﴾ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ﴿7﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿8﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ بِآيَاتِنَا يِظْلِمُونَ ﴿9﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلاً مَّا تَشْكُرُونَ ﴿10﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلآئِكَةِ اسْجُدُواْ لآدَمَ فَسَجَدُواْ إِلاَّ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿11﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلاَّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَاْ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿12﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿13﴾ قَالَ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿14﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ المُنظَرِينَ ﴿15﴾ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿16﴾ ثُمَّ لآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ وَلاَ تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿17﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْؤُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لأَمْلأنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿18﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلاَ مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلاَ تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿19﴾ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلاَّ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿20﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿21﴾ فَدَلاَّهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَآنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿22﴾ قَالاَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿23﴾ قَالَ اهْبِطُواْ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿24﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿25﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**المص (1) ای پیامبر! این قرآن کتابي است كه به سويت نازل شده ، پس مبادا دلتنگي از آن داشته باشي که نگران باشی نتوانی حق عظمتش را ادا کنی و نیز نگران باشی که چرا مخالفانت اهمیتی به آن نمیدهند بلکه تو فقط ماموری که بوسيله آن هشدار دهي و نیز اینکه آن پندي براي مومنان باشد (2) ای مردم! از آنچه از جانب پروردگارتان بسويتان نازل شده پيروي کنيد و غير از او از اوليائي ديگر پيروي مکنيد ، چه کم پند مي پذيريد (3) و چه بسيار شهر هائي که هلاکشان کرديم و عذابمان شبانه يا در حال خواب نيمروز آنها را بگرفت (4) و سخنشان آن هنگام که عذابمان آنها را در گرفته بود چيزي جز اين نبود که مي گفتند ما ظالم بوديم (5) و ما ، هم از پیامبران بازجوئي خواهيم کرد و هم از مردمي که رسولان بسوي آنها فرستاده شدند (6) و البته براي آنها جزئيات کارهايشان را بازگو خواهيم نمود که ما هرگز غائب نبوده ايم (7) و سنجش آنروز حقيقت دارد . پس هر کس که موازينش سنگين باشد رستگار خواهد بود (8) و هر کس که موازينش سبک باشد از کساني است که جانهاي خويش را بعلت ظلمي که به آيات ما ميکردند به زيان انداختند (9) ای مردم! و البته شما را در زمين تسلط داديم و برايتان وسايل معشيت قرار داديم ، چه کم شکر مي گزاريد (10) و البته شما را آفريديم سپس صورتگري کرديم سپس به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد پس سجده کردند مگر ابليس که از ساجدان نبود (11) خداوند گفت چه چيزي جلوگيرت شد که سجده کني وقتي که فرمانت دادم؟ گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفريده اي (12) گفت از آن فرود آي . تو را نميرسد که در آن تکبر کني. بيرون رو که از سرافکندگاني (13) گفت مرا تا روزي که برانگيخته مي شوند مهلت ده (14) گفت تو از مهلت يافتگاني (15) گفت بسبب آنکه اغوايم کردي من نيز در آن صراط مستقيم بر سر راهشان مي نشينم (16) آنگاه از پيش و پس و راست و چپِ آنها بر آنان در مي آيم و اکثرشان را از شاکران نخواهي يافت (17) گفت نکوهش شده رانده شده از آن بيرون رو که جهنم را از کساني که پيرويت کنند پر خواهم کرد (18) و تو اي آدم با همسرت در آن باغ سکونت کنيد و از هر چه ميخواهيد بخوريد اما به اين درخت نزديک نشويد که از ظالمان خواهيد بود (19) پس شيطان آن ها را وسوسه کرد تا آنچه از عورت شان که از آنها پنهان بود برايشان آشکار کند و گفت پروردگارتان شما را از اين درخت نهي نکرد مگر از اين جهت که مبادا دو پادشاه شده يا اينکه جاودان شويد (20) و برايشان قسم خورد که خير خواهتان هستم (21) آنگاه به فريبي سقوطشان داد. و چون از آن درخت چشيدند زشتي هايشان برايشان آشکار شد و شروع کردند از برگهاي آن باغ به آنها چسباندن و پروردگارشان ندايشان داد که مگر شما را از آن درخت نهي نکرده بودم و نگفته بودم شيطان برايتان دشمني آشکار است؟ (22) گفتند پروردگارا برخويش ظلم کرديم و اگر ما را نيامرزي و بر ما نبخشي از زيانكاران خواهيم بود (23) گفت فرود آئيد. بعضي از شما دشمن بعضي ديگر خواهد بود ، و در زمين تا مدتي معين استقرار و برخورداريي خواهيد داشت (24) و خداوند همچنین فرمود که در آن زندگي خواهيد کرد و در آن درخواهيد گذشت و از آن در روز قیامت خارج خواهيد شد (25)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : بي توجهي به تعاليم انبياء مايه هلاکت دو جهان است و عامل مهم بي توجهي به تعاليم انبياء قبول القائات شيطاني است.**

**2 - سوالات**

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشدار به مردم؟ یا....؟)

2 – در ابتدای آیه3 ، موضوع کدام کلید تفسیر اتفاق افتاده؟

3 – چرا خداوند در اینجا از ضمیر«ما» (اهلکنا باسنا باسنا نسئلن نسئلن نقصن کنا آیاتنا ) استفاده فرموده؟

4 – با توجه به آیه2 ، ماموریت اصلی قرآن چیست؟

5 – با توجه به آیه6 ، از رسولان چه سوالی خواهدشد؟

6 – با توجه به آیه7 ، چه چیزهایی برای آنها تعریف خواهدشد؟

7 – از دو آیه 8 و 9 چه سابقه ای در سوره های قبل دارید؟

**3 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه2) :(المیزان) : " المص كِتابٌ أُنْزِلَ إِلَيْكَ فَلا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِكْرى‏ لِلْمُؤْمِنِينَ" اينكه" كتاب" را در اين آيه به طور نكره ذكر كرده و آن را با جمله" بر تو نازل شده" توصيف كرده، و اسمى از نازل كننده آن نبرده به خاطر تعظيم كتاب است. تفريعى هم كه در جمله" فَلا يَكُنْ" هست خالى از دلالت بر اين معنا نيست، گويا فرموده: اين كتاب، كتاب مباركى است كه آيات پروردگارت را كه بر تو نازل كرده برايت بيان مى‏كند، بنا بر اين اگر مامور به تبليغ آن و دعوت مردم به سوى آن شده‏اى دلتنگ مباش، بلى اگر قرآن غير اين كتاب بود و از ناحيه غير پروردگارت مى‏بود روا بود كه از جهت زحمات و محنت‏هايى كه در تبليغ آن است دلتنگ باشى.

خطای المیزان در اینجا این است که متوجه پرانتزی بودن جمله «فلا یکن فی صدرک حرج» نشده ، و جمله مذکور را ، «هم سیاق» با قبل و بعدش تصور کرده و لذا آن معنی عجیب را ارائه نموده ، در حالیکه اگر چشم خویش را برآن جمله ببندیم معنی آیه فورا واضح میشود ، و پس از این وضوح ، معنی صحیح جمله پرانتزی نیز فورا واضح میشود .

**4 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**المص ﴿1﴾ كِتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ** فَلاَ يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ **لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿2﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! این قرآن هم برای هشداردادن به همگان و هم پند دادن به مومنان بسویت فرستاده شده است.**

**2**

**اتَّبِعُواْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلاَ تَتَّبِعُواْ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاء قَلِيلاً مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿3﴾ وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَآئِلُونَ ﴿4﴾ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءهُمْ بَأْسُنَا إِلاَّ أَن قَالُواْ إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿5﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿6﴾ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ﴿7﴾ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿8﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُوْلَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُم بِمَا كَانُواْ بِآيَاتِنَا يِظْلِمُونَ ﴿9﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای مردم! مبادا به عاقبت حتمی تان بی توجهی کنید و بیچاره شوید.**

**3**

**وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلاً مَّا تَشْكُرُونَ ﴿10﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلآئِكَةِ اسْجُدُواْ لآدَمَ فَسَجَدُواْ إِلاَّ إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ﴿11﴾ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلاَّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَاْ خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿12﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿13﴾ قَالَ فَأَنظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿14﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ المُنظَرِينَ ﴿15﴾ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿16﴾ ثُمَّ لآتِيَنَّهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن شَمَآئِلِهِمْ وَلاَ تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿17﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْؤُومًا مَّدْحُورًا لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لأَمْلأنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿18﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلاَ مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلاَ تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿19﴾ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِن سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلاَّ أَن تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿20﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿21﴾ فَدَلاَّهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِن وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَآنَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿22﴾ قَالاَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿23﴾ قَالَ اهْبِطُواْ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿24﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿25﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای مردم! مقام تان بلند است، مگذارید شیطان سرنگون تان کند.**

**5 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیات 10 تا 25 از آنجا که بسیار موجب استفاده هنرمندان (اعم از خوشنویسان یا تصویرگران) و نیز نویسندگان و فیلسوفان و متکلمین واقع شده در زمره آیات برجسته قرآنی است.

**6 - آیات مشکل**

آیات 10 تا 25 از آنجا از موارد اختلاف شدید مفسران است جزء آیات مشکل قرآنی است.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 1 از حروف مقطعه است و معانی حروف مقطعه تاکنون به نحوی معقول و مقبول حتی برای بشر امروز نیز معلوم نشده، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

آیه 4 از این لحاظ که حفاری های انجام شده در مورد بقایای انسان هایی که در کتب مقدس از آنها نام رفته و بیش از آن مقدار که در آن منابع ذکر شده تقریبا هیچ چیز دیگری از آنان نمیدانیم، نیز، فوق ذهنیات بشر امروزی است، چه رسد به مخاطبان اولیه.

همچنین است آیه های 8 و 9 که هیچکس جزئیات و حد و مرز آنها را نمیداند چه رسد به مخاطبان اولیه.

همچنین است آیات 10 تا 25 که راجع به داستان آفرینش بوده و کاملا خارج از ذهنیات بشر است و فقط هنرمندان و شاعران و خیالپردازان به آن نزدیک شده اند، و در چنین وضعیتی چگونه ممکن است جزء معهودات عرب 1400 سال قبل بوده باشد.

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - بي توجهي به تعاليم انبياء مايه هلاکت دو جهان است

2 - عامل مهم بي توجهي به تعاليم انبياء قبول القائات شيطاني است.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا ، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است ، اما ، قسمتی از هرکدام از مطالبش جدید میباشد.

**شرح مختصر**

**چند دریافت مستقیم کوتاه**

آیه 2: «مبادا در سینه­ات تنگیی از آن باشد» اشاره به تکذیب­ها و تمسخرها و سختی­های بار رسالت آنحضرت است.

آیه 4: حاکی از اطمینان و راحتی خیال کفار است که خود را در معرض فرود عذاب نمی­دیدند.

آیه 5: یعنی پیامبران نیز راجع به اینکه رسالت خویش را با چه کیفیتی انجام داده­اند مورد ارزیابی قرار می­گیرند.

**باز هم داستان دلکش آفرینش و برگزیدگی**

در این پاراگراف، داستان شیرین آدم و همسرش و برگزیدگی او مطرح است.

قبلاً اشاره­هائی در این خصوص در سوره­های اسراء، طه، وحجر، دیدیم.

بخصوص آنچه در سوره طه دیدیم بسیار شبیه همین مطالب است و جالب است بدانیم که «درس» هر دو سوره هم شبیه یکدیگر است.

داستان در دو سطح مطرح شده یکی در سطح اتفاقی که در آسمانها افتاده و ملائکه مأمور به سجده به آدم شدند و این در فاز «نرم­افزاری» است و حالت آیۀ اولِ سوره دهر در حال انجام است.

بقیه در سطح اتفاقی است که «در آن باغ» افتاده و آدم و همسرش خطائی کردند و از آن بیرون شده و به «زمین» تبعید شدند.

در این خصوص اشاره­هائی در سوره­های قبل داشتیم و در سوره بقره نیز خواهیم داشت .

**«شما» خطاب به کیست؟**

در آیه 10 کلمه «شما» به چه کسانی اشاره دارد؟

واضح است در درجه اول مخاطب­های آن روزهای نازل شدن قرآن و در درجه بعد به همه انسانها چه قبل از ما و چه بعد از ما اشاره دارد زیرا مقید به قیدی نیست.

اما «شما»ی مورد بحث در آیه 11 چطور؟

واضح است که به قرینه «شما»ی مورد بحث در آیه 10، آنهم باید به کل انسانها مربوط باشد.

البته نکتۀ ملحوظ در این آیه این است که این مرحله، همان فاز اول، یعنی «فاز نرم­افزاری» باسد .

یعنی «استعداد شما» را در «برنامه» آفریدیم. (باز هم توجه کنید به آیه اول سوره دهر) یعنی نرم­افزار آدم، یعنی استعداد آدم، و پروژه آدم، به ملائکه عرضه شده و از آنها خواسته شده باشد به این فکر، به این پروژه، به این استعداد، و بطور کلی به این نرم­افزار، سجده کنند (یعنی تعظیم کنند، یعنی همکاری کنند، یعنی در خدمت قرار گیرند) و آنها هم این کار را کرده باشند غیر از ابلیس ، و ابلیس هم از آسمانها اخراج شده باشد.

بعداً آن فکر تحقق یافته و آن پروژه کلید خورده و آن «کن» (توجه کنید به انتهای سوره یس و شرح مختصری که عرض کردیم) «یکون» شده و بشرنیز مانند ماهی­ها و دوزیستان و پستانداران، در روی زمین ظاهر شده و یکی از میان آنها که لیاقت­های بیشتری داشته، برگزیده شده و ما از نسل او شده و این داستان، روایت این دو مرحله مختلف (نرم­افزاری و سخت­افزاری) باشد.

اگر اینطور به موضوع نگاه کنیم تناقض­ها رفع، و همه مطالب مربوط به موضوع پیدایش آدمیزاد حل می­شود.

البته در اینجا چند کلمه هم باید معنی شود:

**سجده:** چنانکه از عبادات ما و نیز رسم و رسوم ملل مختلف بر می­آید سجده نهائی­ترین مراتب نشان دادن احترام و خدمتگزاری است.

**ملائکه:** چنانکه تاکنون در مواضع مختلف دیده­ایم، ملائکه نمادِ نیروهایِ کارگزاری در کلِ جهان آفرینش است. مثلاً باد و باران و گرما و جاذبه عمومی و غیره و غیره، که عامل­های جهان آفرینش هستند، ما در قرآن، آنها را بنام ملائکه می­شناسیم.

**سجده ملائکه بر آدم:** سجده ملائکه بر آدم نیز با توجه به دو تعریف فوق به این معنی است که خداوند در آن مرحله نرم­افزاری، تمام عوامل و عناصر جهان را از لحاظ نرم­افزاری و از لحاظ استعدادی و از لحاظ امکان، در حیطه تصرف و بهره­برداری آدمی قرار داد.

مثلاً می­بینیم آدمی از نیروی باد استفاده می­کند و کشتی بادبانی را می­راند و از طرف دیگر اگر آنرا نخواهد جلویش را می­بندد (دیوار می­کشد، پنجره و درب می­بندد) و اگر آن موجود نباشد بوجودش می­آورد (مثلاً بوسیله بادبزن و پنکه و کولر و غیره) و حتی از نیروی آن برق می­گیرد (توربین­های بادی) و علاوه بر اینها از متراکم کردن و پاشاندن آن قدرت ایجاد می­کند (پمپ­ها، تلمبه­ها، موتورها، هاورکرافت­ها، جت­ها و غیره).

این فقط یک نمونه از فقط یک عنصر و یک عامل است و هنوز تسلط بشر بر فقط همان یک عنصر هم تکمیل و کامل نشده و خدا می­داند آدمی در آینده از فقط همین یک عنصر چه استفاده­های عجیبی خواهد نمود.

بقیه مثالها هم همین­طور است.

بشر در طول زمان از عناصر و عوامل این جهان بطور دائم التزایدی استفاده بیشتر و بهتری خواهد کرد و سجده ملائکه بر آدم به این معنی است که کل عناصر و عوامل جهان مورد استفاده و بهره­برداری این مخلوق( یعنی ماها و فرزندان ماها)قرار گیرند.

**ارزیابی مقدار عقل و درجه استحکام استدلال ابلیسی**

استدلال ابلیس در آیه 12 استدلال ضعیفی است و نشان از ضعف قدرت منطق او دارد زیرا:

1- از کجا معلوم که آتش از خاک بهتر باشد.

2- بفرض صحت از کجا معلوم چیزی که ماده اولیه­اش آتش است از چیزی که ماده اولیه­اش خاک است بهتر باشد.

3- بفرض صحت هر دو فرض، نافرمانی خداوند چه توجیهی دارد؟

4- واقعاً خیلی وقاحت می­خواهد که کسی خداوند را به اغوای خویش متهم کند.

نه تنها خود را از کار زشتی که خودش کرده بیگناه بداند بلکه حتی دیگری را مسئول آن معرفی کرده و تازه آن دیگری هم خداوند باشد!

واقعاً برای همه اینها چقدر وقاحت لازم است!

بطور کلی اشخاص گناهکار و کافر نیز همین روش را دارند یعنی اینکه وقتی مرتکب کار زشتی می­شوند چنین عنوان می­کنند که گویا در ارتکاب آن هیچ نقش و مسئولیتی نداشته­اند بلکه صد در صد نقش و مسئولیت به دیگران مربوط بوده است.

اما عمل ابلیس سخنش را باطل می­کند (و همچنین است راجع به پیروانش) زیرا در آیه 14 مهلت می­خواهد و در آیه­های 16 و 17 اعلام می­کند که برنامه­ریزی دارد و معلوم می­شود نه تنها آلت فعل ساده و بلا اراده­ای نبوده، بلکه تمام امکانات لازم را برای رسیدن به مقاصد ناپسندش در نظر گرفته و تصمیم به استفاده از آنها دارد. بعلاوه اینکه امکانات او نیز مخلوق خداوند است.

**«آن باغ» مطرح در آیه 19 کجاست؟**

**ایراد و اشکال آدم در چه بود؟**

این مرحله، شروعِ «فازِ سخت­افزاری» است، و چنانکه قبلاً در سوره طه دیدیم «باغ» مورد اشاره در سوره طه که در اینجا هم قاعدتاً باید همان باشد در مقابل «زمین» آمده و فرق باغ و زمین چیست جز اینکه باغ زمینی است که درختهای زیادی در آن باشد و چنانکه در سوره طه دیده شد، آن باغ غذا و سایه و آب و گرمای مناسب داشت و از چنین توصیفی هرگز بهشتی در آسمانها به ذهن نمی­آید بلکه یک قطعه جنگلی در مناطق نیمه حاره به ذهن می­آید .

قصد قرآن هرگز طرح معما و یا به اشتباه انداختن مخاطب نیست بلکه آنچه مخاطبان اولیه آن روزها از آن می­فهمیدند ملاک است و مخاطبان آن روزها چطور ممکن است از توصیفی که در سوره طه آمده «بهشتی در آسمانها» را بفهمند؟

هر چه باشد، در آن درخت مطرح در آیه 22 چیزی بود که خوردن از آن سبب تغییرات فیزیولوژیک عمیقی در آن دو می­شد .

«گفت» یعنی «مقرر کرد» و چه مقرر کردنی روشن­تر از «الزامات طبیعی و محیطی»؟

آدم و همسرش از لحاظ استعداد ذهنی در موقعیت بالاتری از آن زندگیی که داشتند بودند.

آن زندگی جنگلی در حد حیوانات بود و آدم تصوری از قدرت، و ذهنیتی از مفهوم «جاودانگی» داشت که در حالت «نرم­افزاری» در او قرار داده شده بود و نمی­توانست راضی به آن زندگیِ جنگلیِ سادۀ بی­تناسب با مقام انسانیت باشد و اگر اینطور نبود، وسوسه شیطان در او اثر نمی­کرد.

حتماً شیطان درباره انسان اطلاعاتی جمع­آوری کرده و او را شناخته و تمایل قوی او را به پادشاهی (= قدرت) و جاودانگی (= دوام نعمت­ها) دریافته بود و این کاملاً ممکن است زیرا ابلیس نرم­افزار او را دیده بود، گرچه بر آن سجده نکرده بود.

سرزنش آدم برای چیست؟: آیا آدم از این لحاظ که تمایل به قدرت و دوام نعمتها داشت مذموم است؟

واضح است که نه.

آیا آدم از این لحاظ که گوش به حرف شیطان که برایش به خدا قسم خورده بوده، داد، مذموم است؟

نه.

زیرا نمی­توانست تصور کند که ممکن است کسی به دروغ قسم هم بخورد.

پس سرزنش آدم مربوط به چیست؟

سرزنش آدم راجع به اشتباه محاسبه است.

او از طرفی در ذهن خویش این نهی را داشت که «به این درخت نزدیک هم نشوید» و از طرف دیگر کسی قسم به خدا خورد که من خیر شما را می­خواهم و در این درخت این دو خاصیت مهم هست.

آنها که بشدت تمایل به قدرت و جاودانگی داشتند مردد شدند که کدام سخن را باید جدی­تر بگیرند. و بالاخره در قضاوت دچار اشتباه شدند و از آنچه دلشان می­خواست پیروی کردند .

«شِبه حجت» (قول کسی که برایشان قسم خورد که من خیرخواه شما هستم) را بر «حجت» (قول صریح منسوب به خدا که نزدیک این درخت هم نشوید) ترجیح دادند. و نقطه ضعف آدم هم همین بود. یعنی ضعف در قدرت قضاوت.

**آیا «هبوط» آدم «سقوط» او بود؟**

با توجه به آیه­های 24و25 آیا بیرون آمدن از آن باغ و وارد زندگی زمینی شدن سقوط بود؟

این سئوال دو جواب دارد:

1- برای آدم سقوط بود زیرا از یک زندگی ساده بی­رنج به یک زندگی سخت پررنج داخل شد.

2- اما از لحاظ بشریت، این نه تنها سقوط نبود بلکه آغاز «عصر انسانی» و شروع قدم زدن در جاده­ای بود که به اینجا منتهی شده و هنوز هم در ابتدای راه راست و به جائی خواهد رسید که ما حتی تصورش را هم نمی­توانیم بکنیم چنانکه انسان عصر حجر تصور زندگی امروزی را نمی­توانست بکند.

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**المص (1) کتابي است كه به سويت نازل شده** {پس مبادا دلتنگي از آن داشتهباشي} **تا بوسيله آن هشدار دهي و پندي براي مومنان باشد (2)** [ایمسلمانان] **از آنچه از جانب پروردگارتان بسويتان نازل شده پيروي کنيد و غير از او از اوليائي ديگر پيروي مکنيد ، چه کم پند مي پذيريد (3)** {و چه بسيار شهر هائي که هلاکشان کرديم و عذابمان شبانه يا در حال خواب نيمروز آنها را بگرفت (4) و سخنشان آن هنگام که عذابمان آنها را در گرفته بود چيزي جز اين نبود که مي گفتند ما ظالم بوديم}(5) **و ما ، هم از فرستادگان بازجوئي خواهيم کرد و هم از مردمي که رسولان بسوي آنها فرستاده شدند (6) و البته براي آنها جزئيات کارهايشان را بازگو خواهيم نمود که ما هرگز غائب نبوده ايم (7) و سنجش آنروز حقيقت دارد . پس هر کس که موازينش سنگين باشد رستگار خواهد بود (8) و هر کس که موازينش سبک باشد از کساني است که جانهاي خويش را بعلت ظلمي که به آيات ما ميکردند به زيان انداختند (9)** **و البته شما را در زمين تسلط داديم و برايتان وسايل معشيت قرار داديم ، چه کم شکر مي گزاريد (10) و البته شما را آفريديم سپس صورتگري کرديم سپس به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد پس سجده کردند مگر ابليس که از ساجدان نبود (11) گفت چه چيزي جلوگيرت شد که سجده کني وقتي که فرمانت دادم؟ گفت من از او بهترم. مرا از آتش و او را از خاک آفريده اي (12) گفت از آن فرود آي . تو را نميرسد که در آن تکبر کني. بيرون رو که از سرافکندگاني (13) گفت مرا تا روزي که برانگيخته مي شوند مهلت ده (14) گفت تو از مهلت يافتگاني (15) گفت بسبب آنکه اغوايم کردي من نيز در آن صراط مستقيم بر سر راهشان مي نشينم (16) آنگاه از پيش و پس و راست و چپ آنها بر آنان در مي آيم و اکثرشان را از شاکران نخواهي يافت (17) گفت نکوهش شده رانده شده از آن بيرون رو که جهنم را از کساني که پيرويت کنند پر خواهم کرد (18) و تو اي آدم با همسرت در آن باغ سکونت کنيد و از هر چه ميخواهيد بخوريد اما به اين درخت نزديک نشويد که از ظالمان خواهيد بود (19) پس شيطان آن ها را وسوسه کرد تا آنچه از عورت شان که از آنها پنهان بود برايشان آشکار کند و گفت پروردگارتان شما را از اين درخت نهي نکرد مگر از اين جهت که مبادا دو پادشاه شده يا اينکه جاودان شويد (20) و برايشان قسم خورد که خير خواهتان هستم (21) آنگاه به فريبي سقوطشان داد. و چون از آن درخت چشيدند زشتي هايشان برايشان آشکار شد و شروع کردند از برگهاي آن باغ به آنها چسباندن و پروردگارشان ندايشان داد که مگر شما را از آن درخت نهي نکرده بودم و نگفته بودم شيطان برايتان دشمني آشکار است؟ (22) گفتند پروردگارا برخويش ظلم کرديم و اگر ما را نيامرزي و بر ما نبخشي از زيانكاران خواهيم بود (23) گفت فرود آئيد. بعضي از شما دشمن بعضي ديگر خواهد بود ، و در زمين تا مدتي معين استقرار و برخورداريي خواهيد داشت (24) و گفت در آن زندگي خواهيد کرد و در آن درخواهيد گذشت و از آن خارج خواهيد شد.(25)**

**اعراف2 آیات26تا36**

**يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىَ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿26﴾ يَا بَنِي آدَمَ لاَ يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لاَ تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاء لِلَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿27﴾ وَإِذَا فَعَلُواْ فَاحِشَةً قَالُواْ وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءنَا وَاللّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللّهَ لاَ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاء أَتَقُولُونَ عَلَى اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿28﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿29﴾ فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلاَلَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاء مِن دُونِ اللّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿30﴾ يَا بَنِي آدَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿31﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّهِ الَّتِيَ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالْطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِي لِلَّذِينَ آمَنُواْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿32﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُواْ بِاللّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿33﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاء أَجَلُهُمْ لاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلاَ يَسْتَقْدِمُونَ ﴿34﴾ يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿35﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿36﴾**

**اي فرزندان آدم! برايتان لباسي نازل کرديم که زشتي هاي شما را بپوشاند و نيز مايه زيبائي تان شود و لباس تقوي بهتر است. اين از آيات خداست شايد پند گيرید (26) اي فرزندان آدم! مبادا شيطان شما را بفريبد چنانکه والدين شما را از آن باغ بيرون کرد. لباسشان را از آنها مي کند تا زشتي هايشان را به آنان بنمايد.او و قبيله اش از جائيکه نمي بينيد شما را زير نظر دارند. ما شياطين را اولياء کساني قرار داديم که ايمان نمي آورند (27) همان کسانی که هنگاميکه گناه بزرگ و عمل زشتي مرتکب شدند ميگويند پدرانمان نيز چنين ميکردند و خداوند مجبورمان کرد. بگو خداوند به کارهاي زشت فرمان نميدهد. آيا عليه خداوند چيزي ميگوئيد که علمش را نداريد؟ (28) ای پیامبر! بگو پروردگارم به عدالت فرمانم داده و اينکه روهاي خويش را به هر مسجدي متوجه کنيد و او را در حالي كه دين خويش را براي او خالص كرده ايد بخوانيد. البته او همانطور که آفرينش شما را آغاز نمود شما را پس از مرگ در قیامت به حیات برميگرديد (29) در حالیکه در این دنیا گروهي هدايت شدند و ضلالت هم بر گروهي فرود آمد. البته آنها کساني هستند که شيطان ها را بجاي خداوند اولياء خويش گرفته بودند و تصور هم مي کردند که هدايت شده هستند (30) و بگو اي فرزندان آدم! زينت خويش را نزد هر مسجدي برگيريد. و بخوريد و بياشاميد اما اسراف نکيند که او اهل اسراف را دوست نميدارد (31) ای پیامبر! بگو چه کسي زينت خداوندي و روزي هاي پاکيزه را که براي بندگانش بيرون آورده، تحريم کرده؟ بگو اين مواهب در روز قيامت فقط براي کساني است که در اين زندگي دنیا ايمان آورده اند. ای پیامبر! بدان که اين چنين آيات را براي صاحبان علم بيان مي کنيم (32) بگو جز اين نيست که پروردگارم کارهاي زشت را، چه پنهان باشد و چه آشکار، و گناه، و تجاوز ناحق، و اينكه براي خداوند چيزي را كه دليلي براي آن نازل نكرده شريك بگيريد، حرام کرده و نيز اينکه درباره خداوند چيزي بگوئيد که علم نداريد (33) هر امتي سرآمدي دارند که اگر سرآمدشان بيايد، نه ساعتي تاخير مي کند و نه جلو مي افتد (34) اي فرزندان آدم! هر گاه فرستادگاني از جنس خودتان بسويتان آمد که آيات مرا برايتان ميگويند ، هر کس که تقوي گزيد و اصلاح کرد نه ترسي داشته باشد و نه اندوهگين باشند (35) و آنانکه آياتمان را تکذيب کنند و نسبت به آن گردنفرازي نمايند، اهل آتشند که در آن جاودان خواهند بود (36)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : اي مردم! ريشه هاي بي توجهي به تعاليم انبياء را در درون خويش شناسايي نموده و به تقوا بگرائيد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در این پاراگراف : اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در این پاراگراف (آیات 26 تا 36) تکذیب و نیز خود بزرگ بینی مخالفان فعال را در اثر القائات شیطانی – که بنا بر آیه 27 در همه جا هستند - قلمداد میکند .

همچنین استناد به اینکه «پدران ما چنین میکردند» و نیز اینکه «اگر خدا نمیخواست ما چنین نمیکردیم» - آیه 28 - را نیز از القائات شیطانی میداند ، و چنانکه میدانیم دو شِبه استدلال اخیر بارها در قرآن از زبان مخالفان فعال در توجیه رفتار و گفتارشان ذکر شده است .

**4 - کلید های تفسیری**

آیات 28 و 29 و 30 فرع بر آیه 27 است و این واضح است.

همچنین است آیات 32 و 33 و 34 نسبت به آیه 31.

نیز آیه 36 نسبت به آیه 35.

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 26 تا 36 که با تاکید و تکرار کلمه «بنی آدم» را بکار برده دارد میگوید مخاطبانت منحصر به این اهالی مکه نخواهد ماند بلکه تمام انسانها را متوجه خویش خواهد نمود .

**6 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

غیر از آیه هایی که با «یا بنی آدم» شروع میشوند بقیه فرعی یا پرانتزی میباشند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْءَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىَ ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿26﴾ يَا بَنِي آدَمَ لاَ يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لاَ تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاء لِلَّذِينَ لاَ يُؤْمِنُونَ ﴿27﴾** وَإِذَا فَعَلُواْ فَاحِشَةً قَالُواْ وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءنَا وَاللّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللّهَ لاَ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاء أَتَقُولُونَعَلَىاللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿28﴾قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَكَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿29﴾فَرِيقًا هَدَى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلاَلَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاء مِن دُونِاللّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿30﴾ **يَا بَنِي آدَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وكُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ** يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿31﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّهِ الَّتِيَ أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالْطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِي لِلَّذِينَ آمَنُواْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿32﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَن تُشْرِكُواْ بِاللّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَن تَقُولُواْ عَلَى اللّهِمَا لاَتَعْلَمُونَ ﴿33﴾وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاء أَجَلُهُمْ لاَ يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلاَ يَسْتَقْدِمُونَ ﴿34﴾ **يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلاَ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاَ هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿35﴾** وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿36﴾

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: اي مردم! ريشه هاي بي توجهي به تعاليم انبياء را در درون خويش شناسايي نموده و به تقوا بگرائيد.**

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

چگونگی «انزلنا» در آیه 26 هنوز هم برای ما مشخص و معین و متعین نیست، چه رسد به مخاطبان اولیه.

همچنین است موضوعات مطرح در آیه 27 .

نیز مکانیزم کار آیه 34 .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

اي مردم! ريشه هاي بي توجهي به تعاليم انبياء را در درون خويش شناسايي نموده و به تقوا بگرائيد.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا ، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است ، اما ، قسمتی از هرکدام از مطالبش جدید میباشد .

**شرح مختصر**

**اولین قانون اساسی اولیه**

اگر بیاد داشته باشیم مضمون آیه آخر پاراگراف قبلی این بوده که شما در زمین زندگی خواهید کرد و در آن خواهید مرد و از آن دوباره زنده خواهید شد.

در این پاراگراف، «مقررات عمومی» و بعبارت دیگر «قوانین اساسی» زندگی در روی این زمین را اندکی برای مخاطب باز می­کند و بطور اجمال می­گوید که:

تقوی داشته باشید (آیه 26)،

گول شیطان­ها را که مواظبتان هستند نخورید (آیه 27)،

مسئولیت اعمالتان را بپذیرید (آیه 28)،

به عبادات توجه داشته باشید (آیه­های 31 و 32)،

زندگی کنید و در آن میانه­رو باشید (آیه­های 31 و 32)،

دنبال کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان نباشید (آیه 33)،

عاقبت همه مرگ است و سپس جهان دیگر است و برای آن جهان کار کنید (آیات 34 تا 36).

**«لباس» و «لباس تقوا»**

در آیه 26 فرموده برایتان لباسی نازل کردیم در حالیکه می­بینیم این لباسی را که پوشیده­ایم از فلان خیاطی یا از فلان مغازه خریده­ایم، یا از فلان کس هدیه گرفته­ایم، و چیزی که اصلاً دیده نمی­شود این است که این لباس از آسمان به زمین نازل شده باشد.

اگر در چگونگی تهیه لباس اندکی دقیق شویم خواهیم دید سه عامل در آن دخالت اصلی دارد:

1- مواد اولیه،

2- نیروی انسانی،

3- راهکار و روش تولید.

آیا هر سه این عوامل چنانکه در آیات بند قبل دیدیم منشاء آسمانی دارد یا نه؟

جواب «بله» است (زیرا باران که منشاء مواد اولیه است، و استعداد نیروی انسانی، و راهکار و روش تولید، منشاء آسمانی دارد)

بنابراین نباید چنین تصور کنیم که هر چیزی که «زمینی» است، نمی­تواند «نازل شده» باشد .

نیز نباید تصور کنیم که هر چه که «نازل شده» هست، نمی­تواند «زمینی» باشد.

خلاصه اینکه «برایتان لباس نازل کردیم» یعنی اینکه حالا که شما مانند حیوانات بدن پر از کرک و پشم و مو و پوست ضخیم ندارید، برای حفاظت بدن شما فکری کرده­ایم که هم بهتر است، و هم همان کاری را می­کند که پوست برای حیوانات می­کند و هم علاوه بر آن سبب زیبائی­تان هم می­شود.

در آیه 26 ذهن مخاطب را آماده کرده به اینکه این لباسی را که بر تن می­کنید و شما را از سرما و گرما و خشونت محیط حفظ می­کند، به این سادگی­ها نیست و ریشه آسمانی دارد تا ذهن برای مطالب آیه 27 آماده شود که این تازه لباس جسم شماست و شما برای روح خویش نیز نیاز به لباس دارید که همان تقوی باشد و همانطور که لباس جسم، بدن شما را از چیزهائی حفظ می­کند، تقوی نیز روح شما را از چیزهائی حفظ می­کند که عبارت باشد مثلاً از: فریب­های شیطان و دعوت آنها به گناهان و اعمال زشت وغیره .

چنانکه تقریباً همگان می­دانند، امروزه آتش نشان­ها نوعی لباس خاص می­پوشند و بی­مهابا به داخل آتش می­روند و مأموریت خویش را انجام داده و سالم بر می­گردند و نیز فضانوردها که در فضا از سفینه خود بیرون می­آیند و در خارج از سفینه در فضای لایتناهی به جستجو و حرکت می­پردازند نوعی لباس به تن دارند که بدون آن مرگشان فوری و حتمی خواهد بود.

این دو نوع لباس، چیزهائی نیست که هر کس بتواند داشته باشد زیرا برای تهیه آنها، علوم و فنون و تکنولوژی پیشرفته و صلاحیت استفاده نمودن مورد نیاز است.

اینکه تقوی را «لباس» نامیده از جهت مشابهتی است که دراین موضوع هست.

چه بسا جهانِ بعد از وقوع قیامت نیز مانند فضای بیرون از زمین، طوریست که بدون لباسهائی خاص امکان ادامه زندگی در آن میسر نباشد و تقوا تأمین کننده آن نوع لباس است.

(همانطور که علم و فن و سرمایه، تأمین کننده لباس آتش­نشانی و غواصی و فضانوردی است)

**آیا شیطان آدم و همسرش را از آن باغ بیرون کرد؟**

در رابطه با آیه 26، چنانکه می­دانیم شیطان فقط آدم و همسرش را «وسوسه» کرد ، نه اینکه دست و پای آنها را گرفته و با قدرتی که از قدرت خود آنها بالاتر باشد، آنها را از آنجا بیرون کرده باشد که اگر چنین بود، دیگر چه جای عتاب و خطاب و سرزنش نسبت به آدم وجود داشت؟

تمام کاری که شیطان کرد این بود که «وسوسه»ای کرد و آدم وسوسه او را پذیرفت، و در اثر پذیرش وسوسه او کاری کرد که نتیجه آن، بیرون شدن از آن باغ بود.

اما چون همه اینها مربوط است و آخرین حلقه این فعل و انفعالات در اثر وقوع اولینِ آنها واقع شده، می­توان آنطور هم گفت .

لذا در آنجا که می­فرماید «لباسشان را از آنها می­کَند تا زشتی­هایشان را به آنها بنماید»، آن را نیز باید به همین طریق بفهمیم.

بطور قطع شیطان نیامد موهای بدن آدم و همسرش را یکی یکی بکند بلکه در اثر قبول وسوسه شیطان، آنها کاری کردند که نتیجه­اش ریخته شدن موی بدن آنها بود.

ممکن است سئوال شود چرا خداوند اینگونه سخن می­گوید.

یکی از جوابها می­تواند این باشد که در این نوع سخن گفتن این اثر هست که آدمی خطر را جدی بگیرد و جدّاً از آن دوری بگزیند.

**اشخاص بی­ایمان اخلاق ابلیسی دارند**

با توجه به آیه 28 چنانکه در بند قبل دیدیم ابلیس نافرمانی و کج­فهمی و گناه و تمرد خویش را به خداوند نسبت داده بود و در این آیه نیز می­فرماید اشخاص بی­ایمان هم صاحب همان اخلاق می­شوند یعنی مسئولیت اعمال زشت خویش را به دیگران ارجاع داده و خود را کاملاً مجبور و بی­اراده و در نتیجه بی­گناه قلمداد می­کنند.

آنچه در انتهای آیه آمده نوعی تعیین ملاک است برای تشخیص خدائی یا شیطانی بودن چیزی.

اگر شائبه­ای از زشتی در کاری بود، آن کار، خدائی نیست.

**پیام اعتدال**

آیه31 مردم را به اعتدال توصیه می­کند و آن افراط و تفریط­ها را مردود می­شمارد.

البته اینقدر می­دانیم که مسیحیت و رهبانیگیری مسیحی که مذهب ترک دنیاست در آن خطه نفوذی داشت و نیز یهودیان که همواره بشدت اهل جمع کردن مال از هر راه بودند نیز مورد توجه و معامله و مراجعۀ فکریِ اعرابِ معاصرِ نزولِ این آیات بودند.

دین­های بت­پرستی خودشان هم که ملغمه­ای از همه نوع خرافات بود.

در چنین فضا و موقعیتی پیغام آسمانی اعتدال در زندگی که در خلال این آیات بر آنها خوانده می­شد، روح جدیدی در کالبد خسته و مرده آنها می­دمید که جداً امروز برای ما قابل درک است که این نوع پیام­ها چقدر خاصیت سازندگی و انسان سازی داشت و پی­ جامعه­ای را می­ریخت که تاریخ گوشه­ای از عظمت آن را حفظ نموده و بما رسانده است.

**جمع بندی و تفسیر**

**اي فرزندان آدم! برايتان لباسي نازل کرديم که زشتي هاي شما را بپوشاند و نيز مايه زيبائي تان شود و لباس تقوي بهتر است. اين از آيات خداست شايد پند گيرید (26) اي فرزندان آدم! مبادا شيطان شما را بفريبد چنانکه والدين شما را از آن باغ بيرون کرد. لباسشان را از آنها مي کند تا زشتي هايشان را به آنان بنمايد.او و قبيله اش از جائيکه نمي بينيد شما را زير نظر دارند. ما شياطين را اولياء کساني قرار داديم که ايمان نمي آورند (27)**{و هنگاميکه گناه بزرگ و عمل زشتي مرتکب شدند ميگويند پدرانمان نيز چنين ميکردند و خداوند مجبورمان کرد. بگو خداوند به کارهاي زشت فرمان نميدهد. آيا عليه خداوند چيزي ميگوئيد که علمش را نداريد؟(28) بگو پروردگارم به عدالت فرمانم داده و اينکه روهاي خويش را به هر مسجدي متوجه کنيد و او را در حالي كه دين خويش را براي او خالص كرده ايد بخوانيد. همانطور که (آفرينش) شما را آغاز نمود برميگرديد.(29) گروهي هدايت شدند و ضلالت هم بر گروهي فرود آمد. البته آنها کساني هستند که شيطان ها را بجاي خداوند اولياء خويش گرفته اند و تصور هم مي کنند که هدايت شده هستند}(30) **اي فرزندان آدم! زينت خويش را نزد هر مسجدي برگيريد. و بخوريد و بياشاميد و اسراف نکيند که او اهل اسراف را دوست نميدارد.(31)** {بگو چه کسي زينت خداوندي و روزي هاي پاکيزه را که براي بندگانش بيرون آورده، تحريم کرده؟ بگو اين مواهب در روز قيامت فقط براي کسانيست که در اين زندگي ايمان آورده اند. اين چنين آيات را براي صاحبان علم بيان مي کنيم.(32) بگو جز اين نيست که پروردگارم کارهاي زشت را، چه پنهان باشد و چه آشکار، و گناه، و تجاوز ناحق، و اينكه براي خداوند چيزي را كه دليلي براي آن نازل نكرده شريك بگيريد، حرام کرده و نيز اينکه درباره خداوند چيزي بگوئيد که علم نداريد.(33) هر امتي سرآمدي دارند که اگر سرآمدشان بيايد، نه ساعتي تاخير مي کند و نه جلو مي افتد}(34) **اي فرزندان آدم! هر گاه فرستادگاني از جنس خودتان بسويتان آمد که آيات مرا برايتان ميگويند ، هر کس که تقوي گزيد و اصلاح کرد نه ترسي داشته باشد و نه اندوهگين باشند (35)**  و آنانکه آياتمان را تکذيب کنند و نسبت به آن گردنفرازي نمايند، اهل آتشند که در آن جاودان خواهند بود.(36)

**اعراف3 آیات37تا53**

**فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُوْلَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُواْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كَافِرِينَ ﴿37﴾ قَالَ ادْخُلُواْ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّن الْجِنِّ وَالإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لأُولاَهُمْ رَبَّنَا هَؤُلاء أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِن لاَّ تَعْلَمُونَ ﴿38﴾ وَقَالَتْ أُولاَهُمْ لأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿39﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا لاَ تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاء وَلاَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿40﴾ لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿41﴾ وَالَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ لاَ نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿42﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَارُ وَقَالُواْ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُواْ أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿43﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُواْ نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿44﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿45﴾ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْاْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿46﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاء أَصْحَابِ النَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿47﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الأَعْرَافِ رِجَالاً يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُواْ مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿48﴾ أَهَؤُلاء الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لاَ يَنَالُهُمُ اللّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُواْ الْجَنَّةَ لاَ خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلاَ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿49﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُواْ عَلَيْنَا مِنَ الْمَاء أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ قَالُواْ إِنَّ اللّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿50﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُواْ لِقَاء يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُواْ بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿51﴾ وَلَقَدْ جِئْنَاهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿52﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلاَّ تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاء فَيَشْفَعُواْ لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿53﴾**

**ای پیامبر! از اینان بپرس چه کسي ستمکارتر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟ نصيب آنها از آنچه که در آن کتابِ قانون دادرسیِ آخرتی مقرر شده به آنان ميرسد و ملائکه فرستاده ما بسويشان مي آيند ، ميگويند بجز بسوي خداوند به کجا دعا ميکرديد؟ ميگويند گمشان کرده ايم و عليه خويش شهادت ميدهند که کافر بوده اند (37) به آنها گفته میشود در گروه هائي از جن و انس که قبل از شما بوده اند داخل آن آتش شويد. هر گاه که گروهي داخل ميشوند ديگري را لعنت مي کنند تا اينکه همگيشان جمع ميشوند. متاخران نسبت به متقدمان ميگويند خداوندا اينها گمراهمان کردند، پس، از آن آتش عذابي دو چندان به آنان ده. و جواب می شنوند که براي همگي دو چندان است وليکن شما نميدانيد (38) متقدمان ميگويند شماها هيچ برتريي بر ما نداريد، پس عذاب را بچشيد براي آنچه که خودتان کسب کرده ايد (39) کساني که آياتمان را تکذيب کرده و نسبت به آن سرافرازي کرده اند درهاي آسمان برايشان باز نميشود و وارد بهشت نميشوند ، چنانکه شتر از سوراخ سوزن رد نمیشود و سزای مجرمان این است (40) از جهنم بستري خواهند داشت و در بالايشان هم از همان پوششي. و سزاي ظالمان را چنين ميدهيم (41) اما در مورد مومنان صالح عمل، به هيچکس جز به اندازه توانش تکليف نمي کنيم. آنها ياران بهشتند که در آن جاودان خواهند بود (42) و هر کينه اي که در دلهاشان هست ميزدائيم. از کف بهشت هاي آنها نهرها جاري است و ميگويند سپاس خداي را که مارا به اين هدايت کرد و ما اينطور نبوديم که اگر خداوند هدايتمان نکرده بود خودمان به اين موقعيت هدايت شويم. البته فرستادگان پروردگارمان به حق آمدند و به آنان ندا ميشود که شما اين بهشت را بسبب عملي که ميکرديد مالك شده ايد (43) اهل بهشت اهل جهنم را صدا ميزنند که ما آنچه را که پروردگارمان وعده مان ميداد حق يافتيم آيا شما هم وعده پروردگارتان را حق يافتيد؟ ميگويند بله و بين آنها جار زننده ای جار ميزند که لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (44) همانها که از راه خدا جلوگيري ميکردند و آنرا کج ميخواستند و به آخرت هم کافر بودند (45) و بين آنان حجابي خواهد بود. و مرداني در بلندي ها خواهند بود که همگي آنها را از سيمايشان مي شناسند و به اهل بهشت ميگويند سلام بر شما. آنها هنوز داخل آن نشده و طمع آن را دارند (46) و وقتيکه چشمشان ميگردد و به اهل آتش مي افتد ميگويند پروردگارا ما را با قوم ظالمان قرار نده (47) و اهل بلندي ها به کساني که آنها را از سيمايشان مي شناسند ميگويند جمعيت شما و سركشي تان بدردتان نخورد (48) آيا اين بهشتیان همان کساني نيستند که قسم ميخورديد مشمول رحمت خداوند نخواهند شد؟ و بسوي آنها روي گردانده و ميگويند داخل آن بهشت شويد که نه ترسي خواهيد داشت و نه اندوهگين خواهيد بود (49) اهل جهنم اهل بهشت را صدا ميزنند که برايمان مقداري آب يا از آنچه خداوند روزيتان کرده بريزيد، ميگويند خداوند هردوي آنها را بر کافران حرام نموده است (50) در این موقعیت خداوند میفرماید همانهائي که دينشان را به بازي و هوس گرفتند و زندگي دنيا مغرورشان کرد، پس امروز هم فراموششان مي کنیم چنانکه آنها نيز امروزشان را فراموش کرده بودند و آياتمان را انکار ميکردند (51) و البته کتابي که براساس علم، مشروح و مفصلش کرده بوديم، برايشان فرستاديم که براي مومنان هدايت و رحمتي بود. و آنها انکارش کردند (52) آيا منتظر معني حقيقي آن بودند؟روزي که معني حقيقي آن بيايد کساني که قبلا فراموشش کرده بودند خواهند گفت فرستادگان پروردگارمان به حق آمده بودند، آيا شفيعاني خواهيم داشت که شفاعتمان کنند؟ يا اينکه برگرديم تا اعمالي کنيم غير از آنچه ميکرديم؟ جانهايشان را به ضرر انداختند و آنچه که افترا مي بستند نيز از نزدشان محو گرديد (53)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : مکذبان آخرت هلاکت یافته و مؤمنان نجات یافته خواهند بود.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در این پاراگراف می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

**3 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه­های 40 و 41 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند (دلیل و چشم بر آن بستن و قبل و بعد را وصل کردن و غیره را چون بارها گفته­ایم دراینجا نیازبه تکرار آن نمی بینیم)

آیه 43 فرع بر آیه 42 است و این نیز واضح است.

آیه 45 فرع بر آیه 44 است و این واضح است.آیه 51 نیز فرع بر آیه 50 است و این نیز واضح است.آیه­های 52 و 53 نیز بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند (دلیل این موضوع را بارها گفته­ایم و در اینجا تکرار نمی­کنیم)

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُوْلَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُواْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا وَشَهِدُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كَافِرِينَ ﴿37﴾ قَالَ ادْخُلُواْ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُم مِّن الْجِنِّ وَالإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَّعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا ادَّارَكُواْ فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لأُولاَهُمْ رَبَّنَا هَؤُلاء أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِن لاَّ تَعْلَمُونَ ﴿38﴾ وَقَالَتْ أُولاَهُمْ لأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿39﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُواْ عَنْهَا لاَ تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاء وَلاَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿40﴾ لَهُم مِّن جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِن فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿41﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب : افترا بر خداوند و تکذیب آیاتش به این عاقبت میرساند.**

**2**

**وَالَّذِينَ آمَنُواْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ لاَ نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلاَّ وُسْعَهَا أُوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿42﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الأَنْهَارُ وَقَالُواْ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا أَنْ هَدَانَا اللّهُ لَقَدْ جَاءتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُواْ أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿43﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَن قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدتُّم مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُواْ نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَن لَّعْنَةُ اللّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿44﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُم بِالآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿45﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب : ایمان به خدا و رسول به این عاقبت میرساند.**

**3**

**وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْاْ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَن سَلاَمٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿46﴾ وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاء أَصْحَابِ النَّارِ قَالُواْ رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿47﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الأَعْرَافِ رِجَالاً يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُواْ مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿48﴾ أَهَؤُلاء الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لاَ يَنَالُهُمُ اللّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُواْ الْجَنَّةَ لاَ خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلاَ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿49﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُواْ عَلَيْنَا مِنَ الْمَاء أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّهُ قَالُواْ إِنَّ اللّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿50﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُواْ لِقَاء يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُواْ بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿51﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب : صحنه عاقبتِ دو گروه از دید کسانی که به صحنه اِشراف دارند.**

**4**

**وَلَقَدْ جِئْنَاهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿52﴾ هَلْ يَنظُرُونَ إِلاَّ تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَاء فَيَشْفَعُواْ لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ﴿53﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب : جمع بندیِ مقام الوهیت از صحنه قیامت و فرجام خاسران.**

**4 - آیات مشکل**

آیات این بخش از این لحاظ که مفسران در تفسیر آیاتش به راه های بسیار مختلف رفته و سخنان متخالف و متضاد گفته اند جزء آیات مشکل قرار میگیرد.

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

نگاه ساده ای به آیات این بخش ما را به حیرت فرو می برد که چگونه کسی میتواند بگوید «در قرآن مطالبی فوق معهودات مخاطبان اولیه نیست» ، در حالیکه ما قرن بیست و یکمی ها هم از مطالعه این آیات مدهوش و حیران میشویم!

**6 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 37):(المیزان) : " أُولئِكَ يَنالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتابِ حَتَّى إِذا جاءَتْهُمْ رُسُلُنا ..."منظور از" کتاب" قضايى است كه خداوند گذرانيده، و مقدراتى است كه در مورد عمر، معيشت، بى‏نيازى، صحت، مال و اولاد انسان و ساير بهره‏هاى حياتى او حتمى نموده،

پاراگراف (آیات 37 تا 43) شامل 7 آیه است که 6 آیه اش مربوط به اوضاع دو گروه متضاد در آخرت است و تفاوت های موقعیت آنها را شرح میدهد و همه این 6 آیه هم در توضیح و تفسیر آیه مورد نظر آمده ، لذا ، کلمه کتاب را باید به معنی «قانون دادرسی آخرتی» (به همان معنی که در سوره مطففین آمده) بگیریم .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

مکذبان آخرت ، هلاکت یافته و مؤمنان ، نجات یافته خواهند بود.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیه 37: فرض ما در این تفسیر این است که خواننده گرامی مطالب را «از اول» خوانده، و طبعاً اگر از اول خوانده باشد می­داند که در جائی عرض کرده­ایم که بله «افترای راست» هم ممکن است .

مثلاً اینکه کسی بگوید «جبرئیل بمن وحی کرده که خدا یکی است» ، این یک نمونه افترای راست است ، زیرا «خدا یکی است» راست است اما اینکه چون جبرئیل به او نگفته، افترا است.

این یک نمونه «افترای راست» است .

اما اگر بگوید «جبرئیل به او گفته خدا چند تاست» این افترای دروغ است.

این را بطور مشروح­تر قبلاً عرض کرده بودیم.

آیه­های 38و39: «دو چندان بودن عذاب» برای متقدمان مفهوم است زیرا آنها، هم خودشان براه انحراف رفتند و هم جاده­ای درست کردند که کمک می­کرد متأخران هم براه انحراف بروند. لذا هم باید «عذاب خودشان» را داشته باشند و هم «قسمتی از عذاب» تمام آنهائی که در جاده آنها قدم گذاشتند.

اما «دو چندان بودن عذاب» برای متأخران چه توجیهی دارد؟

چنین بنظر می­آید که «دو چندان» بودن عذاب متأخران به این سبب باشد که علاوه بر اینکه در راه باطل و کفر و گناه قدم گذاشتند، چرا در این مقطع که تأثیر و نفوذ ایجاد کنندگان آن راه باطل در اثر مردن و از بین رفتن ضعیف شده بود، در کار خویش تعقل نکرده و همچنان در همان راه ادامه مسیر دادند؟

«درب­های آسمان برایشان باز نمی­شود»: بطور استعاره یعنی اینکه مورد لطف و رحمت قرار نمی­گیرند.

آیه 40 : نوعی تعلیق به محال است مانند اینکه بگوئیم «اگر پشت گوشت را دیدی، فلان موضوع هم انجام خواهد شد» که تعلیق به محال است.

البته کلمه «جمل» که در متن قرآنی آمده، هم بمعنی «شتر» است و هم بمعنی «طناب ضخیم»

البته رد شدن یا نشدن طناب ضخیم با سوزن تناسب بیشتری دارد تا شتر. اما چون رد شدن شتر از «سوراخ سوزن» ضرب­المثل شده و به ذهن نزدیکتر است در ترجمه آن را آورده­ایم و البته هر دو از لحاظ تعلیق به محال بودن یکی است.

آیه 43: البته برای مؤمنان و معتقدان این کاملاً طبیعی است که بگویند ما این بهشت را بدست نیاورده ایم بلکه بما لطف شده است ، زیرا وجودشان و توفیقات و پیامبران و هدایت­ها از آنِ خداوند است و لذا «هدایت شدن آنان» نیز میوه­ایست از میوه­های این درخت ، و طبیعی است که تصاحب بهشت را به خویش نسبت ندهند و آنرا به خدا نسبت بدهند.

آیه 43:موضوع «ارث» از لحاظ اینکه بسیار در قرآن تکرار شده قابل توجه است.

اتفاقی که در فرایند ارث بردن می­افتد این است که آدمی چیزی را بدست می­آورد که برای آن زحمتی نکشیده است.

بهشت نیز چنین است.

در مقابل این عباداتِ کم زحمتِ ما ، بهشت جایزه عظیمی است و مانند ارث بردن است.

**اهالی «اعراف»**

آیات 46تا49 مربوط به «اعراف» است که اسم سوره هم از همان گرفته شده است. براساس احادیث، اهل اعراف دو دسته هستند:

1- کسانی که نه جهنمی هستند و نه بهشتی،

2- پیامبران و ائمه و بخصوص ائمه ما.

اما فرضیه اول با آیه 48 و قسمت اول آیه 49 نمیسازد و لذا مردود است.

اما اگر کسی بگوید قسمت آخر آیه 46 و تمام آیه 47 را چه می­کنید، جواب این است که قسمت آخر آیه 46 حرف دل خود بهشتی­ها است و ربطی به اصحاب اعراف ندارد و مدلول آیه 47 هم حدیث نفس اصحاب اعراف است زیرا در دنیا آنها آنقدر نگران قیامت بودند که هرگز احتمال جهنمی شدن را از خود دور نمی­دانستند (دعا کمیل را بخوانید و گوشه­ای از نگرانی­های کسی در حد امیرالمؤمنین(ع) را درک کنید و همچنین دعای ابوحمزه ثمالی را بخوانید تا همین مطالب را درباره امام سجاد(ع) حس کنید) و این حالت، باصطلاح «ملکه» آنها شده، بطوری که در آنجا هم که روز سروری آنهاست از آنها جدا نمی­شود.

خلاصه­ اینکه اصحاب اعراف پیامبران و ائمه و به خصوص پیامبر ما(ص) و ائمه ما(ع) می­باشند.

حالا که این را فهمیدیم، قرینه­هایی هم می­بابیم برای تقویت این فهم خویش، مثلاً:

1- خود کلمه «اعراف» که ازریشه «معرفت» است اصلاً به فرضیه اول (=افراد نه بهشتی نه جهنمی) نمی­خورد.

2- جمله «یعرفون کلا بسیماهم». یعنی «معروف» هستند، و مردم می­شناسندشان، و این نیز چیزی است که به فرضیه اول نمی­خورد.

3- جمله «سلام علیکم» در آیه 46 نشان می­دهد آنها در «موضع بالا»ئی هستند که این نیز به فرضیه اول نمی­خورد.

4- آنها به وضع کسانی که بهشت خواهند رفت و یا به جهنم خواهند رفت«اشراف» دارند و این نیز به فرضیه اول نمی­خورد.

5- «نکوهش»ی که آنها به افراد مدلول آیه 48 می­کنند نیز به فرضیه اول نمی­خورد.

6- «جواز ورود»ی که در آیه 49 به بهشتی­ها می­دهند نیز به فرضیه اول نمی­خورد.

نتیجه اینکه «اصحاب اعراف» پیامبران(ع) و به خصوص پیامبر ما(ص) و جانشینان پیامبران(ع) و به خصوص ائمه ما(ع) می­باشد.

**به زبان مخاطب**

در آیه 51، به زبان مخاطب فرموده و «امروز فراموششان می­کنیم...» یعنی «امروز رفتاری با شما می­کنیم که شبیه رفتاریست که با کسانی می­شود که فراموش شده باشند»

**«سیما» یعنی چه؟**

در لغت، «سیما» یعنی «علامت» (توجه کنید به آیه «سیماهم فی وجوههم من اثرالسجود....»)

اما در اثر کثرت استعمال کلمه «سیما» به «چهره» اطلاق شده است. و از آیات 46تا48 فهمیده می­شود آن اشخاص «اعرافی» همان چهره­ای را دارند که در دنیا داشتند.

توضیح مطلب این است که اعراف حالت «نه این جهان و نه آن جهان» است و لذا داشتن «چهره این جهانی» معقول است.

مانند جنین که وقتی که از رحم خارج می­شود هنوز چهره داخل رحم را دارد، ومدتی طول می­کشد که کم­کم در اثر غذاهای خارج از رحم ، رشد و نمو ، و پذیرفتن محیـط، و غیره ، چهره­اش «این جهانی» شود.

**جمع بندی و تفسیر**

**پس چه کسي ستمکارتر است از کسي که افتراي دروغ به خداوند ببندد يا آياتش را تکذيب کند؟** {نصيب آنها از (آنچه) در آن کتاب (مقرر شده) به آنان ميرسد}**تا اينکه فرستادگان ما بسويشان مي آيند ، ميگويند بجز بسوي خداوند به کجا دعا ميکرديد؟ ميگويند گمشان کرده ايم و عليه خويش شهادت ميدهند که کافر بوده اند (37) ميگويد در گروه هائي از جن و انس که قبل از شما بوده اند داخل آن آتش شويد. هر گاه که گروهي داخل ميشوند ديگري را لعنت مي کنند تا اينکه همگيشان جمع ميشوند. متاخران نسبت به متقدمان ميگويند خداوندا اينها گمراهمان کردند، پس، از آن آتش عذابي دو چندان به آنان ده. گويد براي همگي دو چندان است وليکن شما نميدانيد (38) متقدمان ميگويند شماها هيچ برتريي بر ما نداريد، پس عذاب را بچشيد براي آنچه که خودتان کسب کرده ايد (39)**  کساني که آياتمان را تکذيب کرده و نسبت به آن سرافرازي کرده اند درهاي آسمان برايشان باز نميشود و وارد بهشت نميشوند تا اينکه شتر از سوراخ سوزن رد شود و مجرمان را چنين سزا ميدهيم.(40) از جهنم بستري خواهند داشت و در بالايشان هم (از همان) پوششي. و سزاي ظالمان را چنين ميدهيم (41) **اما در مورد مومنان صالح عمل، به هيچکس جز به اندازه توانش تکليف نمي کنيم. آنها ياران بهشتند که در آن جاودان خواهند بود (42)** و هر کينه اي که در دلهاشان هست ميزدائيم. از کف (بهشت هاي) آنها نهرها جاريست و ميگويند سپاس خداي را که مارا به اين هدايت کرد و ما اينطور نبوديم که اگر خداوند هدايتمان نکرده بود خودمان به اين (موقعيت) هدايت شويم. البته فرستادگان پروردگارمان به حق آمدند و به آنان ندا ميشود که شما اين بهشت را بسبب عملي که ميکرديد مالك شديد.(43) **اهل بهشت اهل جهنم را صدا ميزنند** (که) **ما آنچه را که پروردگارمان وعده مان ميداد حق يافتيم آيا شما هم وعده پروردگارتان را حق يافتيد؟ ميگويند بله و بين آنها جارزني جار ميزند که لعنت خدا بر ظالمان خواهد بود (44) {**همانها که از راه خدا جلوگيري ميکردند و آنرا کج ميخواستند و به آخرت هم کافر بودند} (45)  **و بين آنان حجابي خواهد بود. و مرداني در بلندي ها خواهند بود که همگي آنها را از سيمايشان مي شناسند و به اهل بهشت ميگويند سلام بر شما.** (آنها هنوز) **داخل آن نشده و طمع آن را دارند.(46) و وقتيکه چشمشان ميگردد و به اهل آتش مي افتد ميگويند پروردگارا ما را با قوم ظالمان قرار نده.(47) و اهل بلندي ها به کساني که آنها را از سيمايشان مي شناسند ميگويند جمعيت شما و سركشي تان بدردتان نخورد.(48) آيا اينها همان کساني نيستند که قسم ميخورديد مشمول رحمت خداوند نخواهند شد؟** (وبسوي آنها روي گردانده و ميگويند) **داخل آن بهشت شويد که نه ترسي خواهيد داشت و نه اندوهگين خواهيد بود (49) اهل جهنم اهل بهشت را صدا ميزنند که برايمان مقداري آب يا از آنچه خداوند روزيتان کرده بريزيد، ميگويند خداوند هردوي آنها را بر کافران حرام نموده است (50)**  {همانهائي که دينشان را به بازي و هوس گرفتند و زندگي دنيا مغرورشان کرد، پس امروز هم فراموششان مي کنيم چنانکه آنها نيز امروزشان را فراموش کرده بودند و آياتمان را انکار ميکردند.(51) و البته کتابي که براساس علم، مشروح و مفصلش کرده بوديم، برايشان فرستاديم که براي مومنان هدايت و رحمتي بود. (و آنها انکارش کردند)(52) آيا منتظر معني حقيقي آن هستند؟روزي که معني حقيقي آن بيايد کساني که قبلا فراموشش کرده بودند خواهند گفت فرستادگان پروردگارمان به حق آمده بودند، آيا شفيعاني خواهيم داشت که شفاعتمان کنند؟ يا اينکه برگرديم تا اعمالي کنيم غير از آنچه ميکرديم؟جانهايشان را به ضرر انداختند و آنچه که افترا مي بستند نيز از نزدشان محو گرديد} (53)

**اعراف4 آیات54تا58**

**إِنَّ رَبَّكُمُ اللّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلاَ لَهُ الْخَلْقُ وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿54﴾ ادْعُواْ رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿55﴾ وَلاَ تُفْسِدُواْ فِي الأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاَحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿56﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالاً سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاء فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْموْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿57﴾ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لاَ يَخْرُجُ إِلاَّ نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿58﴾**

**البته پروردگارتان خداوند است که آسمانها و زمين را در شش مرحله آفريد. و آنگاه به عرش مستولي شد. شب را با روز مي پوشاند که شتابان در طلب آن است. و خورشيد و ماه و ستارگان به امر او رام هستند. آفرينش و تدبير از آنِ اوست. پر برکت است پروردگار جهانيان (54) پروردگارتان را به حالت تضرع و بطور پنهاني بخوانيد که او تجاوزگران را دوست ندارد (55) و در زمين پس از اصلاحش خرابکاري نکنيد و او را با بيم و اميد بخوانيدکه البته رحمت خداوند به نيکوکاران نزديک است (56) و هموست که بادها را پيشاپيش رحمتش ميفرستد تا اينکه ابري سنگين بردارد و آنرا بسوي سرزميني مرده مي رانَد و با آن باراني فرو مي فرستد و از آن از هر گونه ميوه اي بيرون مي آورد. مردگان را نيز چنين بيرون مي آوريم. شايد پند گيريد (57) سرزمين مناسب، روئيدني هايش را به فرمان پروردگارش بيرون مي آورد و از آن سرزمينی که نامناسب باشد چيزي جز اندکي ناچيز بيرون نمي آيد. آيات را براي مردم شکرگزار چنين گونه گون ارائه میکنیم (58)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سرکشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : بي توجهي به خداوند و الطاف و نعمات او سبب هلاکت است.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در این پاراگراف گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

**3 - سوالات**

2 – منظور از «حثیث» (آیه54) چیست؟

3 - چراخداوند دراینجا ازضمیر«ما»( انزلنا . . . ) استفاده فرموده؟

4 – چرا خداوند در اینجا از ضمیر«من»(هو . . . ) استفاده فرموده؟

5 – چرا خداوند از میان آنهمه صفات قابل ذکر برای معرفی خویش ، این صفات را ترجیح داده ؟

6 – منظور از «اقلّت» (آیه57) چیست؟

7 – چرا بجای «لبلد» (آیه57) نفرموده «الی بلد»؟

8 - مطالب آیه 58 چه ربطی به کل این پاراگراف دارد؟

**4 - کلید های تفسیری**

**پرانتزها :** آیه 58 فرع بر آیه 57است و این واضح است. دو آیه 55 و 56 نیز بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند ،لذا آیات اصلی این پاراگراف آیه­های 54 و 57 است.

**5 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** (آیه 54) :بد معنی کردن کلمه «امر» در آیه مذکور

المیزان در گفتاری طولانی کلمه مذکور را به موضوع «إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» ربط داده و بحثی طولانی در نحوه خلق و رابطه آن با امر مذکور کرده و خیلی از مطالب علم کلام را مطرح نموده و همه اش هم زائد و نامربوط .

پاراگرافی که این آیه در آن است (آیات 54 تا 58) ، اگر بخوانید ، در باره به رخ کشیدن نعمت های الهی است ، مانند آفرینش های الهی ، از آسمان و زمین گرفته تا مسخر نمودن نجوم و سپس نزول باران و زنده کردن زمین مرده و بیرون دادن رستنی ها و و و بنا بر این باید معنی خلق و امر را در این چارچوب دید که معنی آن همان چیزی است که ما جمع آن را «امور» مینامیم .

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 54 از لحاظ احتوای «ثم استوی علی العرش» و نیز «واشمس و القمر مسخرات بامره» و « . . له ...الامر»،

و آیه 57 از لحاظ «کذلک نخرج الموتی . . »، فوق ذهنیات ما مردم ساکن در قرن بیست و یکم است، چه رسد به عرب 1400 سال قبل!

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

بي توجهي به خداوند و الطاف و نعمات او سبب هلاکت است.

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا اکثر قریب به اتفاق عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**البته پروردگارتان خداوند است که آسمانها و زمين را در شش مرحله آفريد. و آنگاه به عرش مستولي شد. شب را با روز مي پوشاند که شتابان در طلب آن است. و خورشيد و ماه و ستارگان به امر او رام هستند. آفرينش و تدبير از آن اوست. پر برکت است پروردگار جهانيان.(54)** {پروردگارتان را به حالت تضرع و بطور پنهاني بخوانيد که او تجاوزگران را دوست ندارد.(55) و در زمين پس از اصلاحش خرابکاري نکنيد و او را با بيم و اميد بخوانيدکه البته رحمت خداوند به نيکوکاران نزديک است.(56) **و هموست که بادها را پيشاپيش رحمتش ميفرستد تا اينکه ابري سنگين بردارد و آنرا بسوي سرزميني مرده مي راند و با آن باراني فرو مي فرستد و از آن از هر گونه ميوه اي بيرون مي آورد. مردگان را نيز چنين بيرون مي آوريم. شايد پند گيريد.(57)** {سرزمين مناسب، روئيدني هايش را به فرمان پروردگارش بيرون مي آورد و از آن (سرزمين) که نامناسب باشد چيزي جز اندکي ناچيز بيرون نمي آيد. آيات را براي مردم شکرگزار چنين گونه گون مي آوريم}(58)

**اعراف5 آیات59تا93**

**لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿59﴾ قَالَ الْمَلأُ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلاَلٍ مُّبِينٍ ﴿60﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلاَلَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿61﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالاَتِ رَبِّي وَأَنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللّهِ مَا لاَ تَعْلَمُونَ ﴿62﴾ أَوَعَجِبْتُمْ آنجاءكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُواْ وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿63﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُواْ قَوْماً عَمِينَ ﴿64﴾ وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُوداً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلاَ تَتَّقُونَ ﴿65﴾ قَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وِإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿66﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿67﴾ أُبَلِّغُكُمْ رِسَالاتِ رَبِّي وَأَنَاْ لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿68﴾ أَوَعَجِبْتُمْ آنجاءكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذكُرُواْ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاء مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُواْ آلاء اللّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿69﴾ قَالُواْ أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿70﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاء سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَآبَآؤكُم مَّا نَزَّلَ اللّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ فَانتَظِرُواْ إِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ ﴿71﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُواْ مُؤْمِنِينَ ﴿72﴾ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللّهِ لَكُمْ آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللّهِ وَلاَ تَمَسُّوهَا بِسُوَءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿73﴾ وَاذْكُرُواْ إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاء مِن بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِن سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُواْ آلاء اللّهِ وَلاَ تَعْثَوْا فِي الأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿74﴾ قَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ مِن قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُواْ لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُّرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُواْ إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿75﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ إِنَّا بِالَّذِيَ آمَنتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿76﴾ فَعَقَرُواْ النَّاقَةَ وَعَتَوْاْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُواْ يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿77﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿78﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِن لاَّ تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿79﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّن الْعَالَمِينَ ﴿80﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاء بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿81﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلاَّ أَن قَالُواْ أَخْرِجُوهُم مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿82﴾ فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلاَّ امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿83﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِم مَّطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿84﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءتْكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَوْفُواْ الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءهُمْ وَلاَ تُفْسِدُواْ فِي الأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاَحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿85﴾ وَلاَ تَقْعُدُواْ بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُواْ إِذْ كُنتُمْ قَلِيلاً فَكَثَّرَكُمْ وَانظُرُواْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿86﴾ وَإِن كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنكُمْ آمَنُواْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يْؤْمِنُواْ فَاصْبِرُواْ حَتَّى يَحْكُمَ اللّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿87﴾ قَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُواْ مِن قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَكَ مِن قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿88﴾ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُم بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَن نَّعُودَ فِيهَا إِلاَّ أَن يَشَاء اللّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿89﴾ وَقَالَ الْمَلأُ الَّذِينَ كَفَرُواْ مِن قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْباً إِنَّكُمْ إِذاً لَّخَاسِرُونَ ﴿90﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿91﴾ الَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيْبًا كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُواْ شُعَيْبًا كَانُواْ هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿92﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالاَتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿93﴾**

**همانا نوح را بسوي قومش فرستاديم و گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد که من بر شما از عذاب روزي بزرگ ميترسم (59) عده اي از بزرگان قومش گفتند البته تو را در گمراهيي آشکار مي بينيم (60) گفت اي قوم گمراهيي ندارم وليكن فرستاده اي از سوي پروردگار جهانيانم (61) رسالت هاي پروردگارم را به شما ميرسانم و براي شما خير خواهي ميکنم و درباره خداوند چيزهائي ميدانم که شما نميدانيد (62) آيا تعجب کرده ايد که پندي از جانب پروردگارتان بر مردي از خودتان آمده تا شما را هشدار دهد تا تقوا پيشه کنيد و شايد مورد رحمت واقع شويد؟ (63) پس تکذيبش کردند، ماهم او و نيز همراهانش در آن کشتي را نجاتشان داديم و مکذباني را که آياتمان را تکذيب کرده بودند غرق نموديم که آنها مردمي نابينا بودند (64) و بسوي قوم عاد برادرشان هود را فرستاديم، گفت اي قوم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد، آيا تقوا پيشه نمي کنيد؟ (65) عده اي از بزرگان کافران قوم او گفتند ما تو را در سبکسري مي بينيم و البته تو را از دروغگويان ميشماريم (66) گفت اي مردم سبکسريي در من نيست وليکن فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيانم (67) که رسالت هاي پروردگارم را به شما ميرسانم و برايتان خير خواهي امينم (68) آيا تعجب مي کنيد که پندي از جانب پروردگارتان بر مردي از ميان خودتان آمده تا هشدارتان دهد؟ و بياد آريد که خداوند شما را پس از قوم نوح جانشيناني قرار داد و در آفرينشتان فزونيي به شما داد. پس نعمتهاي خدا را شکر کنيد شايد رستگار شويد (69) گفتند آيا بسوي ما آمده اي که خداوند يکتا را عبادت کنيم و آنچه را که پدرانمان مي پرستيدند رها کنيم؟ پس آنچه را که بما وعده ميدهي بياور اگر راست ميگوئي (70) گفت بطور حتم از جانب پروردگارتان بر شما پليدي و غضبي فرود آمده است. آيا با من درباره نامهائي که خودتان و پدرانتان نامگذاري نموده ايد و خداوند هيچ دليلي راجع به آنها نازل ننموده جدال مي کنيد؟ پس منتظر باشيد که من نيز از منتظرانم (71) او و همراهانش را به رحمت خويش نجات داديم و دنباله کساني که آياتمان را تکذيب نموده و مومن نبودند قطع نموديم (72) و بسوي ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که غير از او خدائي نداريد. از پروردگارتان دليل روشني بسويتان آمده است. اين شتر خداست که برايتان نشانه اي است. پس بگذاريد در زمين خدا بچرد و بديي به او نرسانيد که عذابي دردناک شما را در خواهد گرفت (73) و بياد آوريد که خداوند پس از قوم عاد شما را جانشيناني قرار داد و در زمين جايتان داد که از تپه هاي آن قصرهائي برميگرفتيد و کوه ها را براي خانه سازي مي تراشيديد. پس نعمت هاي خدا را بياد آريد و در زمين فساد نيانگيزيد (74) بزرگاني از قومش که گردنفرازي ميکردند به بعضي از مومنان که ضعيف نگهداشته شده بودند گفتند آيا شما حتم داريد که صالح از جانب پروردگارش پيغمبر است؟ گفتند ما به آنچه که محتواي رسالت اوست ايمان داريم (75) گردنفرازان گفتند ما به آنچه که شما به آن ايمان آورده ايد کافريم (76) پس آن شتر را پي کردند و از فرمان پروردگارشان سرپيچيدند و گفتند اي صالح آنچه که وعده اش را ميدهي بياور اگر از پيامبراني (77) پس آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه ها شان بي جان شدند (78) پس از آنها روي گرداند و گفت اي مردم رسالت پروردگارم را رساندم و برايتان خير خواهي کردم وليکن شما دوستدارخيرخواهان نبوديد (79) و لوط آن هنگام که به قومش گفت آيا به کار زشتي که قبلا هيچکس مرتکب نشده مي پردازيد؟(80) براي شهوت بجاي زنان به مردان رو مي کنيد؟ بلکه مردمي اسرافکاريد (81) جواب قوم او جز اين نبود که آنها را از شهرتان بيرون کنيد زيرا که آنها در پي پاکيزگي ميباشند (82) پس او و اهلش را نجات داديم. غير از زنش را که از بازماندگان بود (83) و باراني بر آنها بارانديم. بنگر عاقبت مجرمان چه بود (84) و بسوي مدين نيز برادرشان شعيب را فرستاديم. گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد. البته نشانه روشني بسويتان آمده. پس پيمانه و ترازو را تمام دهيد و كالاي مردم را کم ندهيد و در زمين پس از اصلاحش فساد نکنيد. اين برايتان بهتر است اگر ايمان داريد (85) و بر سر هر راهي ننشينيد که مردم را بترسانيد تا کسي را که به خدا ايمان آورده از راه خدا باز داريد و آن را کج بخواهيد. و بيادآريد که کم بوديد و خدا زيادتان کرد و ببينيد عاقبت مفسدان چگونه بود (86) و اگر عده اي از شما به آنچه که به آن فرستاده شده ام ايمان آوردند و عده اي هم ايمان نياوردند صبر کنيد تا خداوند بين ما حکم کند که همو بهترين داور است (87) بزرگاني از گردنفرازان قوم او گفتند اي شعيب هم تو را و هم کساني را که به تو ايمان آورده اند از شهرمان بيرون مي کنيم، مگر اينکه دوباره به دين ما برگرديد. گفت حتي اگر دلمان نخواهد؟ (88) در آنصورت پس از اينکه خداوند ما را از دين شما نجات داد اگر داخل آن شويم به خداوند افتراي دروغ بسته ايم و سزاوارمان نيست که داخل آن شويم مگر اينکه خداوند پروردگارمان بخواهد. علم پروردگارمان همه چيز را فرا گرفته. به خدا توکل مي کنيم. پروردگارا بين ما و بين قوم ما به حق مشکل را بگشای که تو بهترين گشاينده اي (89) و بزرگاني از گردنفرازان کافر قومش گفتند اگر شعيب را پيروي کنيد حتما از زيانکاران خواهيد بود (90) پس آن لرزه آنها را بگرفت. و در خانه هاشان به حالت بيجان به زانو درآمدند (91) آنان که شعيب را تکذيب کردند گوئي هرگز در آنجا نبودند. آنان که شعيب را تکذيب کردند خودشان زيانكار شدند (92) پس، از آنان روي گرداند و گفت اي مردم رسالت هاي پروردگارم را به شما رساندم و برايتان خيرخواهي کردم. اينك چگونه براحوال مردمي کفر پيشه اندوهگين باشم؟ (93)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : همان** (درس)

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در پاراگراف 4 گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

در این پاراگراف می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید ! این تازه وضـع دنیوی شان بود ، وضع آخرتی شان راهم که میدانید ! برای خویش چه می پسندید؟

**3 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 59 تا 64 با ذکر داستان قوم نوح که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

در آیات 65 تا 72 با ذکر داستان قوم عاد که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

در آیات 73 تا 79 با ذکر داستان قوم ثمود که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

در آیات 80 تا 84 با ذکر داستان قوم لوط که پیامبرشان و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

در آیات 85 تا 93 با ذکر داستان قوم شعیب که آنحضرت و پیروانش نجات و فعالان مخالفانش اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد .

**4 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**5 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.

**6 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**جمع بندی و تفسیر**

**همانا نوح را بسوي قومش فرستاديم و گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد که من بر شما از عذاب روزي بزرگ ميترسم.(59) عده اي از بزرگان قومش گفتند البته تو را در گمراهيي آشکار مي بينيم.(60) گفت اي قوم گمراهيي ندارم وليكن فرستاده اي از سوي پروردگار جهانيانم.(61) رسالت هاي پروردگارم را به شما ميرسانم و براي شما خير خواهي ميکنم و درباره خداوند چيزهائي ميدانم که شما نميدانيد.(62) آيا تعجب کرده ايد که پندي از جانب پروردگارتان بر مردي از خودتان آمده تا شما را هشدار دهد،تا تقوا پيشه کنيد و شايد مورد رحمت واقع شويد؟(63) پس تکذيبش کردند، ماهم او و نيز همراهانش در آن کشتي را نجاتشان داديم و مکذباني را که آياتمان را تکذيب کرده بودند غرق نموديم که آنها مردمي نابينا بودند.(64) و بسوي** (قوم) **عاد برادرشان هود را فرستاديم، گفت اي قوم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد،آيا تقوا پيشه نمي کنيد؟(65) عده اي از بزرگان کافران قوم او گفتند ما تو را در سبکسري مي بينيم و البته تو را از دروغگويان ميشماريم.(66) گفت اي مردم سبکسريي در من نيست وليکن فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيانم.(67) که رسالت هاي پروردگارم را به شما ميرسانم و برايتان خير خواهي امينم.(68) آيا تعجب مي کنيد که پندي از جانب پروردگارتان بر مردي از ميان خودتان آمده تا هشدارتان دهد؟ و بياد آريد که** (خداوند) **شما را پس از قوم نوح جانشيناني قرار داد و در آفرينشتان فزونيي به شما داد.پس نعمتهاي خدا را شکر کنيد شايد رستگار شويد.(69) گفتند آيا بسوي ما آمده اي که خداوند يکتا را عبادت کنيم و آنچه را که پدرانمان مي پرستيدند رها کنيم؟ پس آنچه را که بما وعده ميدهي بياور اگر راست ميگوئي.(70) گفت بطور حتم از جانب پروردگارتان بر شما پليدي و غضبي فرود آمده است. آيا با من درباره نامهائي که خودتان و پدرانتان نامگذاري نموده ايد و خداوند هيچ دليلي راجع به آنها نازل ننموده جدال مي کنيد؟ پس منتظر باشيد که من نيز از منتظرانم.(71) او و همراهانش را به رحمت خويش نجات داديم و دنباله کساني که آياتمان را تکذيب نموده و مومن نبودند قطع نموديم.(72) و بسوي ثمود برادرشان صالح را فرستاديم که گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که غير از او خدائي نداريد. از پروردگارتان دليل روشني بسويتان آمده است. اين شتر خداست که برايتان نشانه ايست. پس بگذاريد در زمين خدا بچرد و بديي به او نرسانيد که عذابي دردناک شما را در خواهد گرفت.(73) و بياد آوريد که خداوند پس از قوم عاد شما را جانشيناني قرار داد و در زمين جايتان داد که از تپه هاي آن قصرهائي برميگرفتيد و کوه ها را براي خانه سازي مي تراشيديد. پس نعمت هاي خدا را بياد آريد و در زمين فساد نيانگيزيد.(74) بزرگاني از قومش که گردنفرازي ميکردند به بعضي از مومنان که ضعيف نگهداشته شده بودند گفتند آيا شما حتم داريد که صالح از جانب پروردگارش پيغمبر است؟ گفتند ما به آنچه که محتواي رسالت اوست ايمان داريم.(75) گردنفرازان گفتند ما به آنچه که شما به آن ايمان آورده ايد کافريم.(76) پس آن شتر را پي کردند و از فرمان پروردگارشان سرپيچيدند و گفتند اي صالح آنچه که وعده اش را ميدهي بياور اگر از پيامبراني.(77) پس آن لرزه آنها را بگرفت و در خانه ها شان بي جان شدند.(78) پس از آنها روي گرداند و گفت اي مردم رسالت پروردگارم را رساندم و برايتان خير خواهي کردم وليکن شما دوستدارخيرخواهان نبوديد.(79) و لوط آن هنگام که به قومش گفت آيا به کار زشتي که قبلا هيچکس مرتکب نشده مي پردازيد؟(80) براي شهوت بجاي زنان به مردان رو مي کنيد؟ بلکه مردمي اسرافکاريد.(81) جواب قوم او جز اين نبود که آنها را از شهرتان بيرون کنيد زيرا که آنها در پي پاکيزگي ميباشند.(82) پس او و اهلش را نجات داديم.غير از زنش را که از بازماندگان بود.(83) و باراني بر آنها بارانديم. بنگر عاقبت مجرمان چه بود.(84) و بسوي مدين نيز برادرشان شعيب را فرستاديم. گفت اي مردم خداوند را عبادت کنيد که خدائي جز او نداريد. البته نشانه روشني بسويتان آمده. پس پيمانه و ترازو را تمام دهيد و كالاي مردم را کم ندهيد و در زمين پس از اصلاحش فساد نکنيد. اين برايتان بهتر است اگر ايمان داريد.(85) و بر سر هر راهي ننشينيد که مردم را بترسانيد تا کسي را که به خدا ايمان آورده از راه خدا باز داريد و آن را کج بخواهيد. و بيادآريد که کم بوديد و خدا زيادتان کرد و ببينيد عاقبت مفسدان چگونه بود.(86) و اگر عده اي از شما به آنچه که به آن فرستاده شده ام ايمان آوردند و عده اي هم ايمان نياوردند صبر کنيد تا خداوند بين ما حکم کند که همو بهترين داور است.(87) بزرگاني از گردنفرازان قوم او گفتند اي شعيب هم تو را و هم کساني را که به تو ايمان آورده اند از شهرمان بيرون مي کنيم، مگر اينکه دوباره به دين ما برگرديد. گفت حتي اگر دلمان نخواهد؟(88) در آنصورت پس از اينکه خداوند ما را از دين شما نجات داد اگر داخل آن شويم به خداوند افتراي دروغ بسته ايم و سزاوارمان نيست که داخل آن شويم مگر اينکه خداوند پروردگارمان بخواهد. علم پروردگارمان همه چيز را فرا گرفته. به خدا توکل مي کنيم. پروردگارا بين ما و بين قوم ما به حق** (مشکل را) **بگشا که تو بهترين گشاينده اي.(89) و بزرگاني از گردنفرازان کافر قومش گفتند اگر شعيب را پيروي کنيد حتما از زيانکاران خواهيد بود.(90) پس آن لرزه آنها را بگرفت.و در خانه هاشان به حالت بيجان به زانو درآمدند.(91) آنان که شعيب را تکذيب کردند گوئي هرگز در آنجا نبودند. آنان که شعيب را تکذيب کردند خودشان زيانكار شدند.(92) پس، از آنان روي گرداند و گفت اي مردم رسالت هاي پروردگارم را به شما رساندم و برايتان خيرخواهي کردم. اينك چگونه براحوال مردمي کفر پيشه اندوهگين باشم؟(93)**

**اعراف6 آیات94تا102**

**وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلاَّ أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاء وَالضَّرَّاء لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿94﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدْ مَسَّ آبَاءنَا الضَّرَّاء وَالسَّرَّاء فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لاَ يَشْعُرُونَ ﴿95﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿96﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتاً وَهُمْ نَآئِمُونَ ﴿97﴾ أَوَ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿98﴾ أَفَأَمِنُواْ مَكْرَ اللّهِ فَلاَ يَأْمَنُ مَكْرَ اللّهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿99﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاء أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لاَ يَسْمَعُونَ ﴿100﴾ تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَآئِهَا وَلَقَدْ جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللّهُ عَلَىَ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿101﴾ وَمَا وَجَدْنَا لأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿102﴾**

**ای پیامبر! در هيچ شهري هيچ پيغمبري نفرستاديم مگر اينکه اهالي آنجا را پس از گوش ندادن به پيامبرشان به سختي و ناراحتي دچار نموديم تا توبه و تضرع کنند (94) و در صورتيکه توبه نميکردند آنگاه بجاي ناراحتي ها خوشي ها را مي آورديم تا اينکه از آن ناراحتي ها صرفنظر ميکردند و ميگفتند به پدرانمان چه سختي و ناراحتيي رسيده بود. پس ناگهان آنها را برميگرفتيم در حاليکه متوجه نبودند (95) و البته اگر اهالي شهرها ايمان مي آوردند و تقوا پيشه ميکردند حتما درهاي نعمت هاي بسيار زيادي را از آسمان و زمين برويشان ميگشوديم وليکن تکذيب کردند و آنها را بسبب آنچه که انجام ميدادند برگرفتيم (96) آيا اهالي شهرها ايمن اند كه سختي ما در هنگام خواب شبانه بر آنها در آيد؟ (97) آيا اهالي شهرها ايمن اند كه سختي ما در هنگام ظهر که مشغول تفريح و بازيند بر آنها در آيد؟ (98) آيا از مکر خدا ايمن اند؟ البته کسي خود را از مکر خدا ايمن نخواهد دانست مگر مردمي خسارت پيشه (99) آيا آنانکه پس از آنها وارث آن سرزمين ها شدند به اين نکته راه نيافتند که اگر بخواهيم به سبب گناهانشان آنها را فرو ميگيريم و بر دلهاشان مهر ميزنيم و نخواهند شنيد؟ (100) ای پیامبر! اين سرگذشت شهرهائي است که از اخبار آنها برايت گفته ايم و البته پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان آمده بودند، اما آنها اينطور نبودند که به چيزي که قبلا عملا تکذيبش کرده بودند زبانی ايمان بياورند و خداوند بر دلهاي کافران چنين مهرميزند (101) و ما براي اکثر آنها هيچ پايبنديي به آن پيمان نديديم و اکثرشان را هم از فاسقان يافتيم (102)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب : فلسفه تاريخ تاييد کنندهء مطلب فوق** ( که بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است)

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در پاراگراف 4 گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید ! این تازه وضـع دنیوی شان بود ، وضع آخرتی شان راهم که میدانید ! برای خویش چه می پسندید؟

در این پاراگراف یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ­ها را بیان می فرماید .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 102 فهمیده میشود فعالان کفر در اقوام پیشین امکان نداشت که به پیامبران خویش ایمان بیاورند زیرا «نان بت پرستی» را میخوردند و از آیه 96 فهمیده میشود که خطاب به همانها میفرماید فکر نکنید اگر بت پرستی را رها کنید بدبخت میشوید ، بلکه بهتر است زندگی و معیشت پسندیده را در - حتی در همین جهان – نزد خدا و تعالیمش بیائید و تلویحا به فعالان کفر میگوید بس کنید این کارها را .

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

(آیه های 94 و 95):(المیزان) :آرى، خداى سبحان هر پيغمبرى را كه به سوى امتى از آن امت‏ها مى‏فرستاد به دنبال او آن امت را با ابتلاى به ناملايمات و محنت‏ها آزمايش مى‏كرد، تا به سويش راه يافته و به درگاهش تضرع كنند، و وقتى معلوم مى‏شد كه اين مردم به اين وسيله كه خود يكى از سنت‏هاى نامبرده بالاست متنبه نمى‏شوند سنت ديگرى را به جاى آن سنت بنام" سنت مكر" جارى مى‏ساخت، و آن اين بود كه دلهاى آنان را بوسيله قساوت و اعراض از حق و علاقمند شدن به شهوات مادى و شيفتگى در برابر زيبائيهاى دنيوى مهر مى‏نهاد.

بعد از اجراى اين سنت، سنت سوم خود يعنى" استدراج" را جارى مى‏نمود، و آن اين بود كه انواع گرفتاريها و ناراحتى‏هاى آنان را بر طرف ساخته زندگيشان را از هر جهت مرفه مى‏نمود، و بدين وسيله روز به روز بلكه ساعت به ساعت به عذاب خود نزديكترشان مى‏كرد، تا وقتى كه همه‏شان را به طور ناگهانى و بدون اينكه احتمالش را هم بدهند به ديار نيستى مى‏فرستاد،

متاسفانه موضوع فوق بکلی خطا و باطل است و نمونه اش هم خود تاریخ نبوت پیامبر عزیزمان که قرآن خالی است از موضوعی نظیر آنچه در دو آیه مذکور گفته ، و علاوه بر آن مورخان نیز کوچکترین اشاره ای به وقایعی که مورد نظر قانون های سه گانه ادعائی المیزان است ندارند زیرا چنین چیزهایی نبوده ، و در مورد حضرت عیسی (ع) هم در انجیل ها چنین چیزی دیده نمیشود ، و این نوع بیان (ما ارسلنا من نبی الا که حصر و بی استثنایی را میرساند) از باب کثرت موارد است نه کلیت آن (تا المیزان چنان قانونی منتزع کند) و خلاصه اینکه موضوع به طرز بیانی قرآن که در اینجا به روش مبالغه (که نزد مانیز عادی و شایع است – مثلا میگوئیم قربونت برم یا میگوئیم قدم روی چشم ما گذاشتی یا میگوئیم به اینجام رسیده که همه از نوع مبالغه است و کسی واقعا منظور ندارد که قربانی دیگری شود و . . ) است .

اما اگر کنجکاوید که بدانید واقعا موضوع از چه قرار بوده ، به تفسیر ما در ذیل همین آیات به سایت رجوع فرمایید .

**5 – کلیدهای تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

اگر آیه­­های 94 و 95 را بخوانیم و سپس فوراً شروع به خواندن آیه 101 و سپس 102 نماییم می­بینیم روال سخن صاف و یکدست و بی­دست­انداز است.از اینجا معلوم می­شود آیات 96 تا 100 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشند پرانتزی هستند.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلاَّ أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاء وَالضَّرَّاء لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿94﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَواْ وَّقَالُواْ قَدْ مَسَّ آبَاءنَا الضَّرَّاء وَالسَّرَّاء فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لاَ يَشْعُرُونَ ﴿95﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب : در ماقبل تاریخ آزمون الهی اینطور ساده بود.**

**2**

**وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُواْ فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ ﴿96﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتاً وَهُمْ نَآئِمُونَ ﴿97﴾ أَوَ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَى أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿98﴾ أَفَأَمِنُواْ مَكْرَ اللّهِ فَلاَ يَأْمَنُ مَكْرَ اللّهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿99﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب: در ماقبل تاریخ ایمان و تقوا سبب رفاه و ثروت،و بالعکس، بود.**

**3**

**أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاء أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لاَ يَسْمَعُونَ ﴿100﴾ تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَآئِهَا وَلَقَدْ جَاءتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ بِمَا كَذَّبُواْ مِن قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللّهُ عَلَىَ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿101﴾ وَمَا وَجَدْنَا لأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿102﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت در دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! چرا این مردم طوری رفتار میکنند که گویا ممکن نیست همان رفتارهای نسبت به اقوام سابق را با اینها نیز کنیم؟**

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

از لحاظ «روخوانی» مخاطبان اولیه با ما یکسان بوده اند، زیرا معانی لغات بکار رفته در این پاراگراف در این 1400 سال تغییر چندانی نیافته،

اما از لحاظ «فهم»، و «تفسیر»، حاشا و کلّا که مخاطبان اولیه به گرد مخاطب امروزی رسیده باشد.

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

ذکر فلسفه تاريخ که تاييد کنندهء این مطلب است : بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**فلسفه تاریخ**

در این پاراگراف، «فلسفه تاریخ» گفته می­شود.

چنانکه در بندهای قبل، یعنی بندهای مربوط به قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و صالح، دیدیم، ترجیع بند «دعوت به توحید، تکذیب و استکبار، نزول عذابِ هلاکت»، تکرار می­گردید.

با توجه به دو آیه 94 و 95 معلوم می­شود نوعاً مردم قدیم در همه شهرها، با پیامبرانشان مخالفت می­کردند و گرنه لحن عام بدون استثناء آیه 94 موجه نبود.

با توجه به آیه 95 معلوم می­شود همه اقوام قبلی از لحاظ محکوم بودن به چنین مکانیزمی با یکدیگر مشابهت داشتند.

اما این هم هست که این مطلب به همان سادگی که از ظاهر آیه­های 94 و 95 فهمیده می­شود نیست زیرا:

1- در قرآن کریم این نکته نیز هست که حضرت نوح (ع) نهصد و پنجاه سال پیامبری کرد. بنابراین مکانیزمی که در آیه­های 94 و 95 مطرح شده لزوماً لازم نیست خلق­الساعه و سریع­الاتفاق باشد. لااقل اینکه آن حالت (یعنی تکذیب و مخالفت و عناد، در ابتدای پیامبری او نبوده).

2- در این سوره پس از این پاراگراف، داستان حضرت موسی(ع) می­آید. چرا خداوند داستانهای نوح و عاد و ثمود و لوط و صالح(ع) را نقل نمود وسپس «فلسفه تاریخ» فرمود و پس از آن به داستان موسی(ع) اشاره نمود؟ چه بسا به این خاطر باشد که داستان موسی در «دوره تاریخی» اتفاق افتاده اما داستان آن پیامبران مربوط به «ما قبل تاریخ» است، و «فلسفه تاریخِ دوره تاریخی» با «فلسفه تاریخ دوره ماقبل تاریخ» فرق دارد! حقیقت این است که باید چنین فرضیه­ای را بپذیریم زیرا مکانیزم مطرح شده در آیه­های 94 و 95 درباره تاریخ اسلام هم صادق نیست. و حتی اگر دامنه این فکر را کمی بازتر بکنیم درباره مسیحیت نیز نشانی از آن نمی­بینیم و حتی راجع به کل انبیاء بنی­اسرائیل هم این مطلب را نمی­بینیم، غیر از زمان خود حضرت موسی(ع) که آنهم راجع به خود فرعون و سپاهیانش مصداق پیدا کرده است نه راجع به کل مردم مصر.

3- اینکه بند بعد اینطور شروع می­شود که «سپس بعد از آنها موسی را برانگیختیم ...» نیز موید این نظریه است زیرا گویا این «فلسفه تاریخِ» مطرح در این بند، حلقه وسط زنجیر نبوت است که حضرت موسی(ع) را که مربوط به «دوره تاریخی» است، از دوره انبیاء پیشین جدا می­کند.

4- چیزی که ما در بندهای قبل دیدیم، (یعنی مربوط به قوم نوح و عاد و ثمود و لوط و مدین) مربوط به «آخر دوره» آنها بود. آیا وضعیت قوم نوح در طی نهصد و پنجاه سال عینِ آخرِ آن دوره بود؟ ایا قوم لوط از همان اول پیدایش شهر و تمدن خویش منحرف جنسی بودند یا اینکه این جریان مربوط به اواخر دوره آنها بود؟ و همچنین درباره اقوام دیگر جای همین سئوال هست.

بنابراین، چاره­ای نداریم که این دو نکته را بپذیریم که مکانیزم مطرح شده در آیه­های 94 و 95 :

1- مربوط به دوره ماقبل تاریخ است؛ 2- مربوط به اواخر عمر هر «قریه» (= تمدن) است.

یعنی اینکه بطور خلاصه هر «قریه» (= تمدن) سه مرحله دارد:

1- مرحله اول که شروع آن تمدن است و پیامبر مربوطه این مرحله نقش آموزش و هدایت دارد. 2- مرحله دوم که آغاز انحراف است.3- مرحله سوم که آخر عمر آن تمدن است و آیات 94 و 95 ناظر بر این مرحله است.

کلمه «پدرانمان»، که منحرفان، پیروی از آنها را ترجیح می­دادند حکایت از لااقل «سه نسل» می­کند و اگر دوره هر نسل را سی سال بگیریم بین مدلول آیه 94 تا آیه 95 لااقل باید 90 سال فاصله باشد. و این نیز تأیید دیگری است بر عرایضی که فوقاً نمودیم. یعنی نه تنها این جریان مربوط به «اواخر دوره عمر هر تمدن» می­باشد، بلکه آن «اواخر عمر» هر تمدن نیز خودش شامل یک زمان طولانی می­باشد.

**«تکذیب قبلی» آیه 101 یعنی چه؟**

بعبارت دیگر این «قبلاً» مربوط به چه زمانی است؟

یعنی «قبل از چه اتفاقی» آنها تکذیب کرده بودند؟ توجه به این نکته نیز عرایض فوق را تأیید می­کند.

توضیحاً عرض می­کنیم که اگر فرضیه مذکور را بپذیریم که این آیات «فلسفه تاریخِ» ناظر به اقوام «ماقبل تاریخ» و همچنین ناظر به اواخر عمر تمدن آنان است، آنها با نوع زندگی خویش بطور عملی در جهت خلاف تعالیم انبیاء راه می­سپردند یعنی به آن «تکذیبِ عملی» عادت کرده بودند و لذا نمی­توانستند ضمن تکذیب عملیِ جا افتاده، تصدیق زبانی هم بکنند.

بنابراین، «قبل» مورد بحث عبارت است از «قبل از ظهور پیامبران مربوط به آخرین دوره تمدن آنها».

**«عهد» مطرح در آیه 102 چه بوده؟**

آنها کدام «عهد»ی را بسته بودند که دیگر به آن پابند نبودند؟

توجه به این نکته نیز همان فرضیه فوق­الذکر را تأیید می­کند.

برای توضیح باید به این نکته بدیهی توجه کنیم که هیچ اجتماع بشری شکل نمی­گیرد مگر اینکه براساس یکنوع «توافق عمومی» بوده باشد.

شبیه به چیزی که امروز به آن «قانون اساسی» می­گوئیم.

البته این «قانون اساسی اولیه» در زمانهای ماقبل تاریخ، می­توانست یک چیز غیر مکتوب باشد اما نمی­توانست وجود نداشته باشد زیرا معقول نیست.

و معمولاً قوانین اساسی در ابتدا براساس عدالت و مساوات در حقوق بشر و برابریِ حقوق قانونی شکل می­گیرد و اگر غیر از این باشد چرا مردم باید با هم «جمع» شوند؟ معنی ندارد چند نفر با یکدیگر تشکیل جمعیتی بدهند اما از همان اول با هم توافق کنند که بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر حقوق و مزایای انسانی و اجتماعیِ بیشتری داشته باشد.

اما کم کم بعضی­ها بدنبال کسب امتیازات بیشتر، قانون اساسی اولیه را در جهت منافع خود دستکاری می­کنند و این دستکاری با مرور زمان بیشتر و بیشتر می­شود تا می­رسد به آنجا که دیگر آن جامعه قابل دوام نیست. در این حال پیامبرانِ مرحله آخر عمر تمدن آنها، هشدار می­دهند اما همان صاحبانِ امتیازاتِ بیشتر برای حفظ امتیازات خویش تمام اهرمهای قدرت را در جهت مقابله با آن پیامبران تجهیز می­کنند.

لذا اینکه می­فرماید آنها نمی­توانستند چیزی را که قبلاً (بطور عملی) تکذیب کرده بودند تصدیق کنند راجع به این دوره است و نیز آیه 102 که می­فرماید آنها را پایبند به «عهد» نیافتیم نیز همان «عهد»ی است که مایه اصلی اتحاد و اتفاق و هسته شکل­گیری تمدن آنها بود .

**جمع بندی و تفسیر**

**و در هيچ شهري هيچ پيغمبري نفرستاديم مگر اينکه اهالي آنجا را** (پس ازگوش ندادن به پيامبرشان) **به سختي و ناراحتي دچار نموديم تا** (توبه و) **تضرع کنند.(94)** (در صورتيکه توبه نميکردند) **آنگاه بجاي ناراحتي ها خوشي ها را مي آورديم تا اينکه** (از آن ناراحتي ها) **صرفنظر ميکردند و ميگفتند به پدرانمان چه سختي و ناراحتيي رسيده بود. پس ناگهان آنها را برميگرفتيم در حاليکه متوجه نبودند.(95)** {و البته اگر اهالي شهرها ايمان مي آوردند و تقوا پيشه ميکردند حتما درهاي نعمت هاي بسيار زيادي را از آسمان و زمين برويشان ميگشوديم وليکن تکذيب کردند و آنها را بسبب آنچه که انجام ميدادند برگرفتيم (96) آيا اهالي آن شهرها ايمن اند كه سختي ما در هنگام خواب شبانه بر آنها در آيد؟(97) آيا اهالي آن شهرها ايمن اند كه سختي ما در هنگام ظهر که مشغول تفريح و بازيند بر آنها در آيد؟(98) آيا از مکر خدا ايمن اند؟ البته کسي (خود را) از مکر خدا ايمن نخواهد دانست مگر مردمي خسارت پيشه.(99) آيا آنانکه پس از آنها وارث آن سرزمين ها شدند به اين نکته راه نيافتند که اگر بخواهيم به سبب گناهانشان آنها را فرو ميگيريم و بر دلهاشان مهر ميزنيم و نخواهند شنيد؟} (100) **اين سرگذشت شهرهائيست که از اخبار آنها برايت گفته ايم و البته پيامبرانشان با دلايل روشن بسويشان آمدند، اما آنها اينطور نبودند که به چيزي که قبلا تکذيبش کرده بودند ايمان بياورند و خداوند بر دلهاي کافران چنين مهرميزند.(101) و ما براي اکثر آنها هيچ پايبنديي به پيمان نديديم و اکثرشان را هم از فاسقان يافتيم.(102)**

**اعراف7 آیات103تا137**

**ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُواْ بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿103﴾ وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿104﴾ حَقِيقٌ عَلَى أَن لاَّ أَقُولَ عَلَى اللّهِ إِلاَّ الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿105﴾ قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿106﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿107﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاء لِلنَّاظِرِينَ ﴿108﴾ قَالَ الْمَلأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿109﴾ يُرِيدُ أَن يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿110﴾ قَالُواْ أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَآئِنِ حَاشِرِينَ ﴿111﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿112﴾ وَجَاء السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالْواْ إِنَّ لَنَا لأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿113﴾ قَالَ نَعَمْ وَإَنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿114﴾ قَالُواْ يَا مُوسَى إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿115﴾ قَالَ أَلْقُوْاْ فَلَمَّا أَلْقَوْاْ سَحَرُواْ أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿116﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿117﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿118﴾ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَانقَلَبُواْ صَاغِرِينَ ﴿119﴾ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿120﴾ قَالُواْ آمَنَّا بِرِبِّ الْعَالَمِينَ ﴿121﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿122﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنتُم بِهِ قَبْلَ أَن آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُواْ مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿123﴾ لأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ خِلاَفٍ ثُمَّ لأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿124﴾ قَالُواْ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنقَلِبُونَ ﴿125﴾ وَمَا تَنقِمُ مِنَّا إِلاَّ أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿126﴾ وَقَالَ الْمَلأُ مِن قَوْمِ فِرْعَونَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُواْ فِي الأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿127﴾ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّهِ وَاصْبِرُواْ إِنَّ الأَرْضَ لِلّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿128﴾ قَالُواْ أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِينَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿129﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَونَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّن الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿130﴾ فَإِذَا جَاءتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُواْ لَنَا هَذِهِ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُواْ بِمُوسَى وَمَن مَّعَهُ أَلا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِندَ اللّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿131﴾ وَقَالُواْ مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِن آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿132﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلاَتٍ فَاسْتَكْبَرُواْ وَكَانُواْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿133﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُواْ يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ ﴿134﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿135﴾ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَكَانُواْ عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿136﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُواْ يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَآئِيلَ بِمَا صَبَرُواْ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُواْ يَعْرِشُونَ ﴿137﴾**

**آنگاه پس از آنها موسي را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگانش برانگيختيم، و آنها به آن آيات ظلم کردند. پس بنگر عاقبت مفسدان چه شد (103) و موسي گفت اي فرعون من فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيان هستم (104) بر من فرض است که راجع به خداوند جز حق نگويم و البته با دليل روشني از جانب پروردگارتان بسويتان آمده ام پس بني اسرائيل را با من بفرست (105) گفت اگر نشانه اي داري بياور اگر راست ميگوئي (106) و او عصايش را انداخت پس فورا به اژدهائي آشکار تبديل شد (107) و دستش را بيرون آورد، پس فورا براي ناظران سفيد گرديد (108) بزرگاني ازقوم فرعون گفتند او يک جادوگردانشمند است (109) که ميخواهد شما را با جادويش از سرزمينتان بيرون کند پس چه ميفرمائيد؟ (110) آنها خطاب به فرعون گفتند او و برادرش را بازداشت کن و ماموران جمع آوري را به شهرها بفرست (111) که همه جادوگران متخصص را برايت بياورند (112) و جادوگران بسوي فرعون آمدند، گفتند البته برايمان پاداشي خواهد بود اگر غالب شديم؟ (113) گفت بله و البته شما صاحب مقام نزدیک به من خواهيد بود (114) گفتند اي موسي تو آنچه در بساطت داری مي اندازي يا ما اول بياندازيم؟ (115) گفت بياندازيد. پس هنگامي که انداختند چشمان مردم را سحر کردند و آنها را ترساندند و جادوي عظيمي براه انداختند (116) و بموسي وحي کرديم که عصايت را بيانداز که فورا آنچه را که آنها ساخته بودند بلعيد (117) پس حق جا افتاد و آنچه انجام ميدادند باطل گشت (118) و در آنجا مغلوب شدند و خوار و خفيف گرديدند (119) و جادوگران به سجده افتادند (120) گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم (121) پروردگار موسي و هارون (121) فرعون گفت به او ايمان آورديد قبل از اينکه اجازه تان دهم؟ اين حتما توطئه تان در اين شهر است که اهالي آنرا از آن بيرون کنيد، پس بزودي خواهيد فهميد (123) دستها و پاهايتان را برعکس يکديگر قطع خواهم کرد آنگاه همگي تان را بدار خواهم کشيد (124) گفتند بسوي پروردگارمان رو خواهيم نمود (125) و تو نيز فقط به اين خاطر از ما انتقام ميکشي که به آيات پروردگارمان، وقتي که بسويمان آمده، ايمان آورده ايم. پروردگارا به ما پايداري عنايت فرما و ما را مسلِم دريافت کن (126) پس از این واقعه، بزرگاني از قوم فرعون گفتند آيا ميگذاري موسي و قومش در زمين فساد کنند و تو و خدايانت را وانهند؟ گفت بزودي پسرانشان را مي کشم و زنانشان را زنده ميگذارم و البته ما بر آنها چيره ايم (127) موسي به قومش گفت از خداوند ياري بخواهيد و صبر کنيد. زمين مال خداست. به هر کس از بندگانش که خواهد ميدهد و عاقبت از آن اهل تقواست (128) گفتند ای موسی قبل از اينکه بيائي اذيت ميشديم و پس از آن نيز اذيت ميشويم، گفت چه بسا که پروردگارتان دشمنتان را نابود،و شما را در آن سرزمين جايگزين نموده و نظاره کند که چگونه رفتار مي کنيد (129) و البته فرعونيان را به خشکسالي و کمبود ميوه جات بگرفتيم شايد پند گيرند (130) پس هنگامي که چيز خوشايندي بسويشان مي آمد ميگفتند اين مربوط به ماست و اگر چيز ناخوشايندي به آنان ميرسيد به موسي و همراهان او فال بد ميزدند. هلا! جز اين نيست که فال بدشان نزد خداوند بود وليکن اکثرشان نميدانند (131) و گفتند هر قدر هم که معجزه برايمان بياوري که با آن سحرمان کني به تو ايمان نخواهيم آورد.(132) پس بسويشان طوفان و ملخ و شپشک و قورباغه و خون را بعنوان نشانه هائي جدا جدا فرستاديم اما باز هم گردنفرازي کردند و قومي گناهکار شدند (133) و هنگامي که آن عذاب برآنها فرود آمد گفتند پروردگارت را به آن عهدي که نزد توست بخوان که اگر اين عذاب را از ما کنار بزند حتما به تو ايمان مي آوريم و بني اسرائيل را همراهت مي فرستيم (134) پس هنگامي که آن عذاب را تاسرآمدي که به آن رسيدند برطرف کرديم فورا عهد شکني کردند (135) از آنها انتقام گرفتيم و در آن دريا غرقشان کرديم زيرا که آياتمان را تکذيب کردند و از آنها غافل گرديدند (136) و به آن قومي که ضعيف نگهداشته شده بودند مشرق و مغرب هاي آن زمين را که در آن برکت نهاده بوديم به ارث داديم و کلمه نيکوي پروردگارت نسبت به بني اسرائيل بسبب صبري که کردند کامل شد و آنچه را كه فرعون و قومش ميساختند زير و رو كرديم (137)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : فرعونيان نيز مانند اقوام هلاک شده قبلي رفتار کردند و هلاک شدند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در پاراگراف 4 گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید ! این تازه وضـع دنیوی شان بود ، وضع آخرتی شان راهم که میدانید ! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف 6 یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ­ها را بیان می فرماید .

در این پاراگراف می فرماید : ای مسلمانان ! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی تر اند ونه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است، پس، دل خوش دارید شاید پیـــروزی تان نزدیک باشد .

**3 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 103 تا 137 با ذکر داستان موسی و فرعون که آنحضرت و پیروانش نجات و فرعون و فرعونیان اضمحلال یافتند ، تلویحا وعده موفقیت آنحضرت را میدهد.

**4 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 107 و 108 از آنجا که مکانیزمش هنوز برای ما انسانهای قرن بیست و یکمی روشن نشده، فوق ذهنیات ما است چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

همچنین است موضوع آیه های 116 تا 118 .

همچنین است راجع به آیه های 130 تا 137 .

**5 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

فرعونيان نيز مانند اقوام هلاک شده قبلي رفتار کردند و هلاک شدند.

**6 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف مسبوق به سابقه در سوره های قبلی است ، غیر از آیات 130 تا 135 که «برای اولین بار»است .

**شرح مختصر**

**به زبان مخاطب**

در آیه 131حسنه و سیئه به زبان مخاطب است، یعنی به ترتیب : «چیزی که حسنه می پنداشتند» و «چیزی که سیئه می پنداشتند»

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیات 134-130: خشکسالی و کمبود میوه­جاتِ ذکر شده، و نیز مطالب بعد تا آیه 134 نشان می­دهد که بین «قضیه جادوگران» تا «برخورد نهائی» سالها طول کشیده است.

آیه 132: در سوره­های اسراء و نمل دیدیم که معجزاتی که حضرت موسی، برای وادار نمودن قوم فرعون به ایمان، می­آورده نُه مورد بوده است. معجزاتی هم که تاکنون در این سوره از حضرت موسی سراغ داریم اینهاست:

1- عصا،

2- دستِ سفید شونده،

3- خشکسالی،

4- کمبود محصولات،

5- طوفان،

6- ملخ،

7- شپشک،

8- قورباغه،

9- خون.

آیه 137: اینکه فرموده «آنچه را که فرعون و قومش ساخته و پرداخته بودند و آنچه که بالا برده بودند ویران نمودیم» یعنی چه؟ ظاهراً چنین بنظر می­رسد که منظور از «فرعون»، آن فرعونی باشد که همزمان با موسی(ع) بوده. (یعنی رامسس دوم یا «رَعْ مَسیس» دوم) و اگر این تلقی درست باشد می­باید ساخته­های او ویران شده باشد نه ساخته­های کل فراعنه. و البته «ساخته»، اعم است از فیزیکی و اجتماعی.

**جمع بندی و تفسیر**

**آنگاه پس از آنها موسي را با آياتمان بسوي فرعون و بزرگانش برانگيختيم، و آنها به آن** (آيات) **ظلم کردند.پس بنگر عاقبت مفسدان چه شد.(103) و موسي گفت اي فرعون من فرستاده اي از جانب پروردگار جهانيان هستم.(104) بر من فرض است که راجع به خداوند جز حق نگويم و البته با دليل روشني از جانب پروردگارتان بسويتان آمده ام پس بني اسرائيل را با من بفرست.(105) گفت اگر نشانه اي داري بياور اگر راست ميگوئي.(106) و او عصايش را انداخت پس فورا به اژدهائي آشکار تبديل شد.(107) و دستش را بيرون آورد، پس فورا براي ناظران سفيد گرديد.(108) بزرگاني ازقوم فرعون گفتند او يک جادوگردانشمند است.(109) ميخواهد شما را با جادويش از سرزمينتان بيرون کند پس چه ميفرمائيد؟(110) گفتند او و برادرش را بازداشت کن و ماموران جمع آوري را به شهرها بفرست.(111) که همه جادوگران متخصص را برايت بياورند.(112) و جادوگران بسوي فرعون آمدند، گفتند البته برايمان پاداشي خواهد بود اگر غالب شديم؟(113) گفت بله و البته شما از نزديک شدگان خواهيد بود.(114) گفتند اي موسي مي اندازي يا ما اول بياندازيم؟(115) گفت بياندازيد. پس هنگامي که انداختند چشمان مردم را سحر کردند و آنها را ترساندند و جادوي عظيمي براه انداختند.(116) و بموسي وحي کرديم که عصايت را بيانداز که فورا آنچه را که آنها ساخته بودند بلعيد.(117) پس حق جا افتاد و آنچه انجام ميدادند باطل گشت.(118) و در آنجا مغلوب شدند و خوار و خفيف گرديدند.(119) و جادوگران به سجده افتادند.(120) گفتند به پروردگار جهانيان ايمان آورديم.(121) پروردگار موسي و هارون.(121) فرعون گفت به او ايمان آورديد قبل از اينکه اجازه تان دهم؟ اين حتما توطئه تان در اين شهر است که اهالي آنرا از آن بيرون کنيد، پس بزودي خواهيد فهميد.(123) دستها و پاهايتان را برعکس يکديگر قطع خواهم کرد آنگاه همگي تان را بدار خواهم کشيد.(124) گفتند بسوي پروردگارمان رو خواهيم نمود.(125) و تو نيز فقط به اين خاطر از ما انتقام ميکشي که به آيات پروردگارمان، وقتي که بسويمان آمده، ايمان آورده ايم. پروردگارا به ما پايداري عنايت فرما و ما را مسلِم دريافت کن.(126) و بزرگاني از قوم فرعون گفتند آيا ميگذاري موسي و قومش در زمين فساد کنند و تو و خدايانت را وانهند؟ گفت بزودي پسرانشان را مي کشم و زنانشان را زنده ميگذارم و البته ما بر آنها چيره ايم.(127) موسي به قومش گفت از خداوند ياري بخواهيد و صبر کنيد. زمين مال خداست. به هر کس از بندگانش که خواهد ميدهد و عاقبت از آن اهل تقواست.(128) گفتند قبل از اينکه بيائي اذيت ميشديم و پس از آن نيز اذيت ميشويم، گفت چه بسا که پروردگارتان دشمنتان را نابود،و شما را در آن سرزمين جايگزين نموده و نظاره کند که چگونه رفتار مي کنيد.(129) و البته فرعونيان را به خشکسالي و کمبود ميوه جات بگرفتيم شايد پند گيرند.(130) پس هنگامي که چيز خوشايندي بسويشان مي آمد ميگفتند اين مربوط به ماست و اگر چيز ناخوشايندي به آنان ميرسيد به موسي و همراهان او فال بد ميزدند.هلا!جز اين نيست که فال بدشان نزد خداوند بود وليکن اکثرشان نميدانند.(131) و گفتند هر قدر هم که معجزه برايمان بياوري که با آن سحرمان کني به تو ايمان نخواهيم آورد.(132) پس بسويشان طوفان و ملخ و شپشک و قورباغه و خون را بعنوان نشانه هائي جدا جدا فرستاديم اما باز هم گردنفرازي کردند و قومي گناهکار شدند.(133) و هنگامي که آن عذاب برآنها فرود آمد گفتند پروردگارت را به آن عهدي که نزد توست بخوان که اگر اين عذاب را از ما کنار بزند حتما به تو ايمان مي آوريم و بني اسرائيل را همراهت مي فرستيم.(134) پس هنگامي که آن عذاب را تاسرآمدي که به آن رسيدند برطرف کرديم فورا عهد شکني کردند.(135) از آنها انتقام گرفتيم و در آن دريا غرقشان کرديم زيرا که آياتمان را تکذيب کردند و از آنها غافل گرديدند.(136) و به آن قومي که ضعيف نگهداشته شده بودند مشرق و مغرب هاي آن زمين را که در آن برکت نهاده بوديم به ارث داديم و کلمه نيکوي پروردگارت نسبت به بني اسرائيل بسبب صبري که کردند کامل شد و آنچه را كه فرعون و قومش ميساختند زير و رو كرديم.(137)**

**اعراف8 آیات138تا162**

**وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْاْ عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَّهُمْ قَالُواْ يَا مُوسَى اجْعَل لَّنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿138﴾ إِنَّ هَؤُلاء مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿139﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿140﴾ وَإِذْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَونَ يَسُومُونَكُمْ سُوَءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءكُمْ وَفِي ذَلِكُم بَلاء مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿141﴾ وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلاَثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلاَ تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿142﴾ وَلَمَّا جَاء مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ موسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَاْ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿143﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالاَتِي وَبِكَلاَمِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿144﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُواْ بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿145﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ آيَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوْاْ سَبِيلَ الرُّشْدِ لاَ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً وَإِن يَرَوْاْ سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَكَانُواْ عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿146﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَلِقَاء الآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلاَّ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿147﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلاً جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّهُ لاَ يُكَلِّمُهُمْ وَلاَ يَهْدِيهِمْ سَبِيلاً اتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَالِمِينَ ﴿148﴾ وَلَمَّا سُقِطَ فَي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْاْ أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿149﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِيَ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الألْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُواْ يَقْتُلُونَنِي فَلاَ تُشْمِتْ بِيَ الأعْدَاء وَلاَ تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿150﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿151﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَياةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿152﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُواْ السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِن بَعْدِهَا وَآمَنُواْ إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿153﴾ وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿154﴾ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلاً لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاء مِنَّا إِنْ هِيَ إِلاَّ فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاء وَتَهْدِي مَن تَشَاء أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿155﴾ وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاء وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿156﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَآئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُواْ بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُواْ النُّورَ الَّذِيَ أُنزِلَ مَعَهُ أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿157﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُواْ بِاللّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿158﴾ وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿159﴾ وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿160﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُواْ هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُواْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُواْ حِطَّةٌ وَادْخُلُواْ الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿161﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْهُمْ قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاء بِمَا كَانُواْ يَظْلِمُونَ ﴿162﴾**

**و بني اسرائيل را از آن دريا گذرانديم. پس به قومي رسيدند که به پرستش بتهايشان مشغول بودند، گفتند اي موسي براي ما نيز خدائي قرار بده. گفت شما قومي نادانيد (138) آنچه اينها مشغولند نابود شدني است و آنچه انجام ميدهند باطل است (139) آيا براي شما غير از خداوند خدائي بخواهم در حاليکه همو بود که شما را برجهانيان برتري داد؟ (140) و آن هنگام را فراموش کرده اید که از فرعونيان که عذابي تلخ بر شما روا ميداشتند که پسرانتان را مي کشتند و زنانتان را زنده ميگذاشتند نجاتتان داد؟ که در اين آزمايشي بزرگ از جانب پروردگارتان بود (141) و با موسي قرار سي شب گذاشتيم و ده شب نيز به آن افزوديم و قرار او با پروردگارش به چهل شب کامل شد و موسي قبل از اینکه به میقات برود به برادرش هارون گفت در قومم جانشينم باش و اصلاح کن و راه مفسدان را پيروي مکن (142) و هنگاميکه موسي به وعده گاه آمد و و پروردگارش با او سخن گفت، گفت پروردگارا خویش را بمن بنما تا بسويت نظر کنم، گفت هرگز مرا نخواهي ديد وليکن به آن کوه نگاه کن، پس اگر برجاي خويش ايستاد بزودي مرا خواهي ديد. و چون پروردگارش به آن کوه تجلي کرد آنرا خورد کرد و موسي به بيهوشي افتاد، پس چون برخاست گفت تو منزهي، بسويت توبه کردم و من اولين مومن خواهم بود (143) گفت اي موسي! تو را به رسالتم و با کلامم بر مردم برگزيدم. پس آنچه را به تو دادم بگير و از سپاس گزاران باش (144) و درباره همه چيز، در هر زمينه، پندي، و براي هر چيز تفصيلي در آن الواح برايش نوشتيم و گفتيم آنرا با قوت بگير و قومت را فرمان ده که از بهترين هاي آن برگيرند. بزودي منزلگاه گناهکاران را به شما نشان خواهم داد (145) بزودي كساني را که در زمين گردنفرازي ناحق مي کنند از آياتم منصرف مي کنم و هر نشانه اي را هم که ببينند به آن ايمان نمي آورند و اگر راه رشد را ببينند آن را انتخاب نمي کنند و اگر راه گمراهي را ببينند آنرا انتخاب مي کنند. اين به آن علت است که آياتمان را تکذيب کردند و از آن غفلت نمودند (146) و کساني که آياتمان و رسيدن به آخرت را تکذيب کنند اعمالشان نابود ميشود. آيا اين جز سزاي عملشان است که انجام ميدهند؟ (147) و قوم موسي در غياب او از زيورهايشان گوساله اي برگرفتند که بدني بود که صدائي داشت. آيا نديدند نه با آنان گفتگو مي کند و نه به راهي هدايتشان ميکند؟ آنرا به الوهیت برگرفتند و ظالم شدند (148) و وقتيکه روي دستشان ماند و ديدند گمراه شده اند گفتند اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نبخشد حتما از زيانکاران خواهيم بود (149) و هنگاميکه موسي بسوي قومش برگشت غضبناک و متاسف بود. گفت درغيابم چه بدجانشينيی برايم کرديد. آيا راجع به امر پروردگارتان عجله کرديد؟ و آن الواح را انداخت و سربرادرش را گرفت و بسوي خويش مي کشيد. گفت اي پسر مادرم اين مردم مرا ضعيف نمودند و نزديک بود بکشندم پس دشمنان را به سرزنش من وادار مکن و مرا جزء قوم ظالمان بحساب نياور (150) گفت پروردگارا مرا و برادرم را ببخش و ما را در رحمت خويش داخل کن و تو مهربان ترين هستي (151) بزودي كساني که آن گوساله را به پرستش بگرفتند غضبي از پروردگارشان و خواريي در زندگي خواهند داشت و افترا زنندگان را چنين سزا ميدهيم (152) ولی کساني که اعمال زشت نمودند، و پس از آن توبه کردند و ايمان آوردند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود (153) و هنگاميکه خشم موسي آرام شد آن الواح را برگرفت و در نسخه هاي آن براي كساني كه از پروردگار بيم داشتند هدايت و رحمتي بود (154) موسي از ميان قوم خويش هفتاد نفر را جهت وعده گاه ما انتخاب کرد. پس هنگاميكه آن لرزه آنها را بگرفت گفت پروردگارا اگرميخواستي ميتوانستي آنها و مرا قبلا هلاک کني. آيا ما را بسبب رفتار سفيهاني هلاک ميکني؟ نه، بلکه اين آزمايش توست. هرکس راخواهي با آن گمراه ميکني، و هر کس را خواهي هدايت ميکني. تو سرپرست مائي. پس ما را بيامرز و با ما مهربان باش و تو بهترين آمرزشگراني (155) و در اين جهان برايمان نيكي مقرر کن و همچنين در آخرت، که ما بسوي تو هدايت يافته ايم. گفت عذابم به هر کس که خواهم ميرسد اما رحمتم همه چيز را فرا گرفته است. و بزودي آنرا براي کساني مقرر ميدارم که تقوا پيشه کنند و زکوة دهند و به آياتمان ايمان داشته باشند (156) همانها که از پيغمبر فرستادهء درس نخوانده ای که بعدا خواهد آمد، که وصفش را در توراتي که نزدشان هست، و نیز در انجيل، مي يابند، پيروي مي کنند. همانکه آنها را به چيزهاي خوب و پسنديده فرمان ميدهد و از چيزهاي ناپسند باز ميدارد و چيزهاي خوشايند را برايشان حلال و چيزهاي ناخوشايند را برآنها حرام مينمايد و نيز آنها را از تکاليف سنگين و قيودي که برآنها تحميل شده معاف ميکند. پس کساني که به او ايمان آورده و گراميش داشته و ياريش نموده و نوري را که با او فرستاده شده است پيروي كنند، البته رستگار خواهند بود (157) ای پیامبر! بگو اي مردم! من فرستاده خداوند بسوي همگي شما هستم. همان خداوندي که فرماندهي آسمانها و زمين از اوست. خدائي جز او نيست. زنده ميکند و ميميراند. پس به خداوند و فرستاده اش که پيغمبري درس نياموخته است که به خداوند و کلماتش ايمان دارد، ايمان بياوريد شايد هدايت شويد (158) و از قوم موسي عده اي بودند که به حق هدايت شده و بسوي آن متمايل ميشدند (159) و آنها را بصورت دوازده گروه تقسيم کرديم و به موسي وحي کرديم که هر وقت خواست به قومش آب برساند با عصايش به آن سنگ بزند. پس دوازده چشمه از آن ميشکافت. بطوريکه هر کسي آبشخور خويش را مي شناخت و ابر را سايه بانشان کرديم و منّ و سلوي را برآنها نازل کرديم، و گفتیم از چيزهاي خوشايندي که روزي تان کرده ايم بخوريد، و وقتیکه رفتار های زشت نمودند بما ظلم نکردند بلکه به خودشان ظلم ميکردند (160) آن هنگام که به آنان گفته شد در اين شهر سکونت گزينيد و از هر جاي آن خواستيد بخوريد و در دعاهايتان بگوئيد خداوندا گناهان ما را فرو ريز و از آن دربِ معبد به سجده داخل شويد که خطاهايتان را ببخشيم و اگر چنین میکردند بزودي نيکوکاران را فزوني مي بخشيدیم (161) اما ظالمانشان آن قول را به قولي ديگر تبديل کردند آنگاه عذابي از آسمان براي ظلمي كه ميكردند برآنها فرو فرستاديم (162)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : بني اسرائيل پس از آزادي شان توسط حضرت موسي نسبت به تعاليم پيامبرشان نافرماني هاي عظيم نمودند.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در پاراگراف 4 گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید ! این تازه وضـع دنیوی شان بود ، وضع آخرتی شان راهم که میدانید ! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف 6 یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ­ها را بیان می فرماید .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای مسلمانان ! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی ترند ونه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است ، پس ، دل خوش دارید شاید پیـــروزی نزدیک باشد .

در این پاراگراف می فرماید : ای مسلمانان ! مبادا شما هم پس از پیروزی همین عقبگرد ها را بکنید !

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات این پاراگراف (آیات 138 تا 162) کاملا حس میشود که با آن مقدمه طولانی (ذکر اقوام پیشین و هلاکت مکذبان تا موسی و فرعون ) و سپس به پرداختن به بنی اسرائیلِ پس از نجات که خیلی بد رفتار کردند ، تلویحا دارد این خبر را به مسلمانان میدهد که نجات شما هم نزدیک است و مبادا که شما هم مانند یهودیان همان رفتارها را کنید .

**4 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 138 تا 162 که به داستان بنی اسرائیل پس از نجاتشان می پردازد و بدرفتاریهایشان را نکوهش میکند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد وبه آنان هشدار میدهد مبادا شماهم پس از نجات مانند آنان کنید .

**5 - کلید های تفسیری**

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْاْ عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَّهُمْ قَالُواْ يَا مُوسَى اجْعَل لَّنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿138﴾ إِنَّ هَؤُلاء مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَّا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿139﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿140﴾ وَإِذْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَونَ يَسُومُونَكُمْ سُوَءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءكُمْ وَفِي ذَلِكُم بَلاء مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿141﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: بنی اسرائیل به محض آزادی از یوغ فرعون به سرکشی پرداختند.**

**2**

**وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلاَثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلاَ تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿142﴾ وَلَمَّا جَاء مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ موسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَاْ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿143﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالاَتِي وَبِكَلاَمِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿144﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُواْ بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿145﴾ سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ آيَةٍ لاَّ يُؤْمِنُواْ بِهَا وَإِن يَرَوْاْ سَبِيلَ الرُّشْدِ لاَ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً وَإِن يَرَوْاْ سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَكَانُواْ عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿146﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَلِقَاء الآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلاَّ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿147﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: موسی (ع) پس از ماموریت اولیه آموزش تکمیلی دریافت نمود.**

**3**

**وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِن بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلاً جَسَدًا لَّهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّهُ لاَ يُكَلِّمُهُمْ وَلاَ يَهْدِيهِمْ سَبِيلاً اتَّخَذُوهُ وَكَانُواْ ظَالِمِينَ ﴿148﴾ وَلَمَّا سُقِطَ فَي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْاْ أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّواْ قَالُواْ لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿149﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِيَ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الألْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُواْ يَقْتُلُونَنِي فَلاَ تُشْمِتْ بِيَ الأعْدَاء وَلاَ تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿150﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿151﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَياةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ ﴿152﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُواْ السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُواْ مِن بَعْدِهَا وَآمَنُواْ إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿153﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: بني اسرائيل پس از آزادي شان توسط حضرت موسي و در اندک زمانِ غیبت او نسبت به تعاليم پيامبرشان نافرماني هاي عظيم نمودند.**

**4**

**وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الأَلْوَاحَ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿154﴾ وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلاً لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاء مِنَّا إِنْ هِيَ إِلاَّ فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاء وَتَهْدِي مَن تَشَاء أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿155﴾ وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاء وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿156﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَآئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالأَغْلاَلَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُواْ بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُواْ النُّورَ الَّذِيَ أُنزِلَ مَعَهُ أُوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿157﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُواْ بِاللّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿158﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: بنی اسرائیل نیز پس از توجه به خطایشان آموزش تکمیلی دریافت کردند.**

**5**

**وَمِن قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿159﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: عده ای از بنی اسرائیل پس از آموزش تکمیلی قوم خوبی شدند.**

**6**

**وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُواْ مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُواْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿160﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُواْ هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُواْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُواْ حِطَّةٌ وَادْخُلُواْ الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿161﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنْهُمْ قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاء بِمَا كَانُواْ يَظْلِمُونَ ﴿162﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: اکثریت بني اسرائيل حتی پس از دریافت آموزش تکمیلی نیز، علیرغم آیات و نعمتهای متنوع الهی، قومی نافرمان و شایسته عذاب شدند.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 139 چون خیلی مشهور است و زیاد در ذمّ یهودیان بکار میرود به این لحاظ جزء آیات برجسته قرار میگیرد.

آیه 142 از اینکه در نمازهای مستحبی خاصی تلاوت میشود این موقعیت را دارد.

آیه 143 به علت وجود جمله «لن ترانی» در آن، در ادبیات عرفانی و اشعار نفوذ فوق العاده ای یافته و موقعیت مزبور را یافته است.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

موضوع آیه های 143 و 145 حتی امروز نیز فوق ذهنیات است، چه رسد به 1400 پیش.

همچنین است موقعیت آیه های 148 و 149 .

همچنین آیه 155.

و آیه 160 .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

بني اسرائيل پس از آزادي شان توسط حضرت موسي نسبت به تعاليم پيامبرشان نافرماني هاي عظيم نمودند.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**امیدبخشی و هشدار توأم با یگدیگر**

در این پاراگراف طولانی به داستان موسی(ع) و بنی­اسرائیل پس از خروج از مصر می­پردازد و باید دانست که نزول سوره اعراف در زمان نزدیک به وقوع هجرت صورت پذیرفته و بنا بر تخمین، دو سال مانده به هجرت نازل شده و محتوای آن نیز بطور عبرت­انگیزی با این نکته تناسب دارد.

زیرا از طرفی با توجه به ذکر پیامبران گذشته مانند نوح(ع) و هود(ع) و صالح(ع) و لوط(ع) و غیره و نابودی تکذیبگرانِ آنها و نجات مؤمنان، مسلمانانِ آنروزها را دلداری می­دهد که شما و پیامبرتان نیز نجات خواهید یافت، و مکذبان مغلوب و منکوب خواهند شد،

اما با ذکر داستانهایِ پس از نجاتِ بنی­اسرائیل از دست فرعون و انحرافاتی که به آنها دچار شدند تلویحاً به مسلمانان هشدار می­دهد که مبادا شما با رسولتان چنین کنید و خودتان چنان شوید و چنانکه خواهیم دید از این پس هر چه از داستانهای مربوط به بنی­اسرائیل نازل می­شود (غیر از یکی دو استثناء) دیگر به آن قسمت ناراحتی و عذاب و اسارت آنها در دست فرعونیان نمی­پردازد بلکه به بعد از آزادی آنها نظر دارد و این نیست مگر توجه دادن و هشدار مسلمانان به خطر انحراف از مسیر حق و قبول رهبری شیطان و سقوط از ایده­آل­های مکتب و خروج از رهبری رسول اکرم(ص).

لذا این پاراگراف را باید با این دید «عبرت»ی و «هشدار»ی بخوانیم. البته مطالب این پاراگراف نیز نسبتاً روشن است و چندان نیازی به شرح و بسط ندارد بخصوص که مطالبِ کاملاً شبیهِ آنرا قبلاً (در سوره طه) دیده­ایم.

اما با وجود این بهتر است توقف و تمرکزی روی بعضی کلمات و عبارات بنمائیم.

**بازگشت به بت­پرستی؟ آن هم این قدر زود؟**

در رابطه با آیات 140-138 مطلب بسیار قابل تعمق است.

تصورش را بفرمائید، بنی­اسرائیل تا همین چند روز پیش اسیر دست سفاکانی بودند که شاخصه آنها بت­پرستی بود و حضرت موسی(ع) بنام خدای واحد و با آن همه معجزات آنها را آزاد کرد، و با وجود این، اولین آثار بت­پرستی را که دیدند، همه آن چیزها را فراموش، و نه تنها هوس بت­پرستی کردند، بلکه از پیامبر غیور خداوند می­خواهند او وسایل بت­پرستی آنها را فراهم کند!

همه اینها بسیار عجیب و غیرقابل باور است اما اگر کمی درباره­اش بررسی کنیم خواهیم دید آنقدرها هم عجیب نیست.

در روایات توراتی آمده که بنی­اسرائیل 400 سال بنده فراعنه بوده­اند.

البته اگر تخمین هم بزنیم، این رقم معقول است.

در این مدت طولانی، کم­کم ارزشهای ارباب­ها به برده­ها منتقل و آنها روش درست را همان می­پندارند که اربابان در پیش می­گیرند و فکر صحیح از نظر آنها همان خواهد بود که اربابان آنطور فکر می­کنند.

طبعاً بت­پرستی نیز برای آنها تنها شکل مناسک دینی می­شود و اگر هم خاطرۀ ضعیفی از توحید خالص آباء و اجدادی داشته باشند، اینهمه ذلت و خواری دیگر چیزی از آن برایشان باقی نمی­گذارد و طبیعی است که این مدت کوتاهی که از نجاتشان می­گذرد به هیچ وجه کافی نیست که چیزی را که در طول چندین قرن در ذهنشان رسوخ کرده بزداید.

**چند دریافت کوتاه مستقیم**

آیه 138: «دریا»ی مطرح در این آیه علیرغم تصریحی که تورات دارد که «دریای سرخ» است بشرحی که در سوره طه عرض کردیم نمی­تواند آن باشد بلکه منظور همان رود نیل است.

آیه 140: واقعاً بنی­اسرائیل بر جهانیان برتری داشتند؟ البته که نه! زیرا از لحاظ اجتماعی، تازه از بردگی خلاص شده بودند. از لحاظ مالی، هیچ چیز نداشتند و حتی زمینی نداشتند که در آن خانه­ای بنا کنند و مزرعه­ای احداث کنند. قوم آواره بی­هویت فراریی بودند که سطح فکرشان هم آن بود که ای پیغمبر خدا برای ما بت بیاور. پس برتری آنها در چه بود؟ واقعاً برتری آنها در خودشان نبود. بلکه مربوط به حضرت موسی(ع) و تعالیمی که بعداً از او خواهند یافت بود.

آیه 141: در سوره­های قبلی عرض کردیم که منظور این است که «نسل معترض» بر این رابطه ظالمانه اربابیِ قبطیان و بردگی بنی­اسرائیل را حذف می­کردند.

آیه 143: خداوند نامحدود و بشر محدود است و نامحدود در محدود نمی­گنجد و این نکته معمولی که ما آدمهای معمولی می­دانیم، چطور ممکن است حضرت موسی(ع) با چنان ظرفیت و شخصیتی نداند و تقاضای رویت خداوند را کند؟

لذا موضوع را باید اینطور توضیح نمود که او چنانکه در ابتدای رسالتش هم تجربه داشت، لذت شنیدن صدائی را درک کرده بود که از سوی خدا برای او فرستاده می­شد و اینک او یک علامت بصری هم تقاضا کرده بود.

توضیح بیشتری که میتوان در این رابطه داد این است که حضرت موسی (ع) از شنیدن صدا از آن «درخت» تا وارد شدن به مصر و آن بلاهای عظیم و نجات دادن بنی اسرائیل و آوردن آنها تا پای آن کوه یک «**مامور** الهی» بود که **به کمک معجزات متنوع** توانسته بود موفق شود و ماموریت خویش را به انجام برساند ، اینک او چه بسا خیلی پر افتخار و خیلی پرباد به میقات آمده بود که «خدایا دیدی چه کاری کردم کارستان؟» و ظاهرا چنین مقدمه ای می باید مشوق او بوده باشد که بگوید «ارنی انظر الیک» و البته جوابش را هم گرفت که «لن ترانی» و پس از تجلی و غش و بهوش آمدن ظاهرا باید به حالتی از درک واقعیت ها رسیده باشد که به خویش گفته باشد «اهای ای موسی ! اگر آنهمه معجزات الهی کمکت نمیکرد که نمیتوانستی موفق شوی» و پس از این خودآگاهی حالتی جدید از فروتنی یافته باشد که او را شایسته برگزیدگی برای پیامبری مجدد همان قومی که فقط به ضرب و زور معجزات نجات یافته بودند را راهبری کند .

آیه 148: عبارتِ «پس از او» بمعنی آن غیبتی است که موسی از میان قوم خویش داشت که به آن کوه رفته بود و ... .

آیه 148: به شرحی که در همین بند عرض کردیم توجه فرمائید که بالاخره آن مردم ذهنیت بت­پرستی داشتند و آن ذهنیت قرنها در آنان ریشه داشت و طبعاً غیبت موسی به ظهور و عینیت یافتن آن کمک کرد و بت را ساختند.

آیه­های 158-157: فرع بر آیه 156 است.

صفتی که برای پیامبر اکرم(ص) در این آیه­ها آورده و بمعنی «درس ناخوانده» است، برای همگان یک صفت منفی بمعنی «نافرهیخته» است اما برای پیامبران صفت لازم و واجب و مثبت است زیرا اگر پیامبران معلمی دیده باشند چه بسا این شائبه پیش آید که مطالبی را که می­گویند از القائات آن معلم است. قبلاً هم در سوره یس دیدیم که شاعری را از پیامبر اکرم(ص) نفی کرده و آن را یک نعمت قلمداد کرده بود.

آیه 157: تنها آیه­ای در قرآن است که «آزادی» را برای بشر چنین مفصل تعریف نموده است.

آیات 162-160: نعمتهای عجیبی را برای بنی­اسرائیل بر می­شمارد و آنها حتی بسیار بالاتر از نعمتهائیست که آدم و همسرش در دوره­ای که «در آن باغ» بودند داشتند یعنی بهترین آب (آب معجزه­ای) و بهترین غذا (غذای آسمانی) و بهترین سقف (ابر هدایت شده) و بهترین راهنما .

**جمع بندی و تفسیر**

**و بني اسرائيل را از آن دريا گذرانديم. پس به قومي رسيدند که به پرستش بتهايشان مشغول بودند،گفتند اي موسي براي ما نيز خدائي قرار بده. گفت شما قومي نادانيد.(138) آنچه اينها مشغول آنند نابود شدنيست و آنچه انجام ميدهند باطل است.(139) آيا براي شما غير از خداوند خدائي بخواهم در حاليکه همو بود که شما را برجهانيان برتري داد؟(140) و آن هنگام که از فرعونيان نجاتتان داد که عذابي تلخ بر شما رواميداشتند که پسرانتان را مي کشتند و زنانتان را زنده ميگذاشتند و در اين آزمايشي بزرگ از جانب پروردگارتان بود.(141) و با موسي قرار سي شب گذاشتيم و ده شب نيز به آن افزوديم و قرار او با پروردگارش به چهل شب کامل شد و موسي به برادرش هارون گفت در قوم من جانشينم باش و اصلاح کن و راه مفسدان را پيروي مکن.(142) و هنگاميکه موسي به وعده گاه آمد و و پروردگارش با او سخن گفت، گفت پروردگارا بمن بنما تا بسويت نظر کنم گفت هرگز مرا نخواهي ديد وليکن به آن کوه نگاه کن، پس اگر برجاي خويش ايستاد بزودي مرا خواهي ديد. و چون پروردگارش به آن کوه تجلي کرد آنرا خورد کرد و موسي به بيهوشي افتاد، پس چون برخاست گفت تو منزهي، بسويت توبه کردم و من اولين مومن خواهم بود.(143) گفت اي موسي! تو را به رسالتم و با کلامم بر مردم برگزيدم. پس آنچه را به تو دادم بگير و از سپاس گزاران باش.(144) و درباره همه چيز، در هر زمينه، پندي، و براي هر چيز تفصيلي در آن الواح برايش نوشتيم و** (گفتيم) **آنرا با قوت بگير و قومت را فرمان ده که از بهترين هاي آن برگيرند. بزودي منزلگاه گناهکاران را به شما نشان خواهم داد.(145) بزودي كساني را که در زمين گردنفرازي ناحق مي کنند از آياتم منصرف مي کنم و هر نشانه اي را هم که ببينند به آن ايمان نمي آورند و اگر راه رشد را ببينند آن را انتخاب نمي کنند و اگر راه گمراهي را ببينند آنرا انتخاب مي کنند. اين به آن علت است که آياتمان را تکذيب کردند و از آن غفلت نمودند.(146) و کساني که آياتمان و رسيدن به آخرت را تکذيب کنند اعمالشان نابود ميشود. آيا اين جز سزاي عملشان است که انجام ميدهند؟(147) و قوم موسي در غياب او از زيورهايشان گوساله اي برگرفتند که بدني بود که صدائي داشت. آيا نديدند نه با آنان گفتگو مي کند و نه به راهي هدايتشان ميکند؟ آنرا برگرفتند و ظالم شدند.(148) و وقتيکه روي دستشان ماند و ديدند گمراه شده اند گفتند اگر پروردگارمان به ما رحم نکند و ما را نبخشد حتما از زيانکاران خواهيم بود.(149) و هنگاميکه موسي بسوي قومش برگشت غضبناک و متاسف بود. گفت درغيابم چه بدجانشيني اي برايم کرديد. آيا راجع به امر پروردگارتان عجله کرديد؟ و آن الواح را انداخت و سربرادرش را گرفت و بسوي خويش مي کشيد. گفت اي پسر مادرم اين مردم مرا ضعيف نمودند و نزديک بود بکشندم پس دشمنان را به سرزنش من وادار مکن و مرا جزء قوم ظالمان بحساب نياور.(150) گفت پروردگارا مرا و برادرم را ببخش و ما را در رحمت خويش داخل کن و تو مهربان ترين هستي.(151) بزودي كساني که آن گوساله را** (به پرستش) **بگرفتند غضبي از پروردگارشان و خواريي در زندگي خواهند داشت و افترا زنندگان را چنين سزا ميدهيم.(152) و کساني که اعمال زشت نمودند، و پس از آن توبه کردند و ايمان آوردند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود.(153) و هنگاميکه خشم موسي آرام شد آن الواح را برگرفت و در نسخه هاي آن براي كساني كه از پروردگار بيم دارند هدايت و رحمتي بود.(154) موسي از ميان قوم خويش هفتاد نفر را جهت وعده گاه ما انتخاب کرد.پس هنگاميكه آن لرزه آنها را بگرفت گفت پروردگارا اگرميخواستي** (ميتوانستي) **آنها و مرا قبلا هلاک کني.آيا ما را بسبب رفتار سفيهاني هلاک ميکني؟** (نه، بلکه) **اين آزمايش توست.هرکس راخواهي با آن گمراه ميکني، و هر کس را خواهي هدايت ميکني. تو سرپرست مائي. پس ما را بيامرز و با ما مهربان باش و تو بهترين آمرزشگراني.(155) و در اين جهان برايمان نيكي مقرر کن و همچنين در آخرت، که ما بسوي تو هدايت يافته ايم. گفت عذابم به هر کس که خواهم ميرسد اما رحمتم همه چيز را فرا گرفته است. و بزودي آنرا براي کساني مقرر ميدارم که تقوا پيشه کنند و زکوة دهند و به آياتمان ايمان داشته باشند.(156) همانها که از پيغمبر فرستاده درس نخوانده، که وصفش را در توراتي که نزدشان هست، و انجيل، مي يابند، پيروي مي کنند.همانکه آنها را به چيزهاي شناخته شده پسنديده فرمان ميدهد و از چيزهاي ناپسند باز ميدارد و چيزهاي خوشايند رابرايشان حلال و چيزهاي ناخوشايند را برآنها حرام مينمايد و نيز آنها را از تکاليف سنگين و قيودي که برآنها تحميل شده معاف ميکند. پس کساني که به او ايمان آورده و گراميش داشته و ياريش نموده و نوري را که با او فرستاده شده است پيروي كنند، البته رستگار خواهند بود.(157) بگو اي مردم! من فرستاده خداوند بسوي همگي شما هستم. همان خداوندي که فرماندهي آسمانها و زمين از اوست. خدائي جز او نيست. زنده ميکند و ميميراند. پس به خداوند و فرستاده اش که پيغمبري درس نياموخته است که به خداوند و کلماتش ايمان دارد، ايمان بياوريد شايد هدايت شويد.(158) و از قوم موسي عده اي بودند که به حق هدايت شده و بسوي آن متمايل ميشدند.(159) و آنها را بصورت دوازده گروه تقسيم کرديم و به موسي وحي کرديم که هر وقت خواست به قومش آب برساند با عصايش به آن سنگ بزند. پس دوازده چشمه از آن ميشکافت. بطوريکه هر کسي آبشخور خويش را مي شناخت و ابر را سايه بانشان کرديم و منّ و سلوي را برآنها نازل کرديم، از چيزهاي خوشايندي که روزي تان کرده ايم بخوريد، و بما ظلم نکردند بلکه به خودشان ظلم ميکردند.(160) آن هنگام که به آنان گفته شد در اين شهر سکونت گزينيد و از هر جاي آن خواستيد بخوريد و** (در دعاهايتان) **بگوئيد** (گناهان ما را) **فرو ريز و از آن درب به سجده داخل شويد که خطاهايتان را ببخشيم و بزودي نيکوکاران را فزوني مي بخشيم.(161) اما ظالمانشان آن قول را به قولي ديگر تبديل کردند آنگاه عذابي از آسمان براي ظلمي كه ميكردند برآنها فرو فرستاديم.(162)**

**اعراف9 آیات163تا186**

**واَسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَيَوْمَ لاَ يَسْبِتُونَ لاَ تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿163﴾ وَإِذَ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُواْ مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿164﴾ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ ﴿165﴾ فَلَمَّا عَتَوْاْ عَن مَّا نُهُواْ عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿166﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿167﴾ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿168﴾ فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُواْ الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الأدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مُّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لاَّ يِقُولُواْ عَلَى اللّهِ إِلاَّ الْحَقَّ وَدَرَسُواْ مَا فِيهِ وَالدَّارُ الآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿169﴾ وَالَّذِينَ يُمَسَّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ إِنَّا لاَ نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿170﴾ وَإِذ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّواْ أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُواْ مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿171﴾ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُواْ بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُواْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿172﴾ أَوْ تَقُولُواْ إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿173﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿174﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِيَ آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿175﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿176﴾ سَاء مَثَلاً الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُواْ يَظْلِمُونَ ﴿177﴾ مَن يَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿178﴾ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لاَّ يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لاَّ يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لاَّ يَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَئِكَ كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿179﴾ وَلِلّهِ الأَسْمَاء الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُواْ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَآئِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿180﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿181﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿182﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿183﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُواْ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿184﴾ أَوَلَمْ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿185﴾ مَن يُضْلِلِ اللّهُ فَلاَ هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿186﴾**

**ای پیامبر! از یهودیان درباره آن شهر کنار دريا سئوال کن که چگونه به حرمت حکم روز شنبه تجاوز کردند، همان موضوع که ماهي ها هنگام برگزاری مراسم عبادات در روزهای شنبه دسته دسته بسويشان مي آمدند ولی آنها از صیدشان ممنوع بودند و روز هاي غير از شنبه نمي آمدند، و آنها در حکم ممنوعیت صید در روز شنبه نافرمانی کردند و به سبب نافرمانيشان گرفتارشان گردیم (163) و در همان موضوع چنین بود که در همان هنگام عده ای آنها را از آن تخلف نهی مینمودند و عده ای دیگر میگفتند چرا قومي را که خداوند هلاک خواهد کرد يا به عذاب شديدي برخواهد گرفت موعظه مي كنيد؟ و نهی کنندگان ميگفتند بخاطر معذرتي از پروردگار و اينکه شايد نهی فایده داشته باشد و تقوا پيشه کنند (164) پس هنگامي که آن پند را به فراموشي سپردند آنهائي را که از بدي نهي ميکردند نجات داديم و ظالمان را براي نافرماني شان به عذابي بسيار زشت بگرفتيم (165) پس وقتي که از آن نهيي که شده بودند سرپيچيدند مقرر نموديم بوزينگاني مطرود شوند (166) و پروردگارت اعلام کرد که تا روز قيامت کساني را بر آنها مسلط خواهد کرد که عذاب زشت بر آنها روا دارد. زيرا که پروردگارت زود كيفر است و در عین حال بسيار آمرزنده مهربان هم هست (167) و یهودیان را در زمين بصورت گروه هائي تقسيم کرديم. عده اي صالح و عده اي غير از آنند و آنها را به چيزهاي خوب و چيز هاي بد آزموديم شايد بازگردند (168) و پس از آن نسل، دیگرانی را جایگزین شان نموديم که آن کتاب را به ارث بردند و متاع ناچيز اين جهاني را ميگرفتند و ميگفتند بزودي آمرزيده ميشويم و اگر باز هم متاع ناچيزي مانند آن به آنان دست ميداد آنرا هم ميگرفتند. آيا از آنها پيمان محکم گرفته نشده بود که درباره خداوند جز به حق نگويند؟ در حاليکه مطالب آن کتاب را هم فرا گرفته بودند. وسراي آخرت براي آنانکه تقوا پيشه مي کنند بهتر است آيا نمي انديشند؟ (169) و کساني که به آن کتاب چنگ ميزنند و نماز بپاميدارند، البته ما پاداش اصلاحگران را ضايع نمي گذاريم (170) و آن هنگام که آن کوه را مانند سايباني برآنها قرار داديم و گمان ميکردند که برسرشان فرود خواهد آمد. ندا دادیم آنچه را به شما داديم با قوت بگيريد و آنچه را در آن کتاب است ياد کنيد شايد تقوا پيشه شويد (171) ای پیامبر! آن هنگام را در نظر بیاور که خداوند از فرزندان آدم از پشت هايشان فرزندانشان را برگرفت و از آنها شهادت خواست که آيا من پروردگارتان نيستم؟ گفتند بلي. شهادت ميدهيم که چنين است. تا اينکه روز قيامت نگوئيد ما ازاين غافل بوده ايم (172) يا نگوئيد پدرانمان قبلا شرک ورزيده بودند و ما فرزندان آنهائيم. آيا ما را بخاطر عمل آن باطل انديشان هلاک ميکني؟ (173) و آيات را چنين تشريح ميكنيم شايد مردم به راه صحیح بازگردند (174) ای پیامبر! خبر آنکسي را برآنان بخوان كه علم آياتمان را به او داده بوديم. پس خود را از آن جدا کرد و شيطان او را به پيروي خويش در آورد و از گمراهان شد (175) و اگر ميخواستيم با همان علم او را بالا ميبرديم وليکن او خودش رو به سوي زمين کرد و از هواي نفس پيروي نمود ، و مثال او مانند سگ است كه اگر بسويش حمله کني پارس میکند و اگر هم به او پشت کني باز هم پارس ميکند . مثال کساني که آياتمان را تکذيب مي کنند نيز همين است. پس آن قصه ها را برايشان بگو شايد تفکر کنند (176) چه بد است مثال مردمي که آياتمان را تکذيب مي کنند و به خويش ظلم روا ميدارند (177) کسي را که خداوند هدايتش کند همو هدايت شده است و کسي را که او گمراه کند همو از زيانکاران است (178) و البته بسياري از جن و انس را براي جهنم آفريديم. آنها کساني هستند که دلهائي دارند اما با آن فهم نمي کنند و چشم هائي دارند اما با آنها نمي بينند و گوشهائي دارند اما با آن نمي شنوند. مانند چارپايانند بلکه از آن هم بدترند و آنها همان غافلانند (179) و خداوند داراي نامهائي نيکوست. او را به آنها بخوانيد و آنهائي را که از نامهاي او منحرف شده اند واگذاريد. آنها بزودي سزاي آنچه را که ميکرده اند خواهند ديد (180) و از بين کساني که آفريده ايم، گروهي هستند که به راه حق هدايت مي کنند و به همان هم تمايل دارند (181) و کساني هم که آياتمان را تکذيب مي کنند بزودي آنها را پس از اينکه تدريجا به نعمتها متنعم مي کنيم، ناگهان ميگيريم (182) و مهلتشان ميدهیم که نقشه ما محکم است (183) آيا به اين نمي انديشند که این پیامبر که مصاحبشان است هيچگونه جنوني ندارد و او جز هشدار دهنده اي آشکار نيست؟ (184) آيا در ملکوت آسمانها و زمين نمي نگرند و نيز آنچه که خداوند آفريده و نيز اينکه چه بسا سرآمدشان نزديک شده باشد؟ پس غير از اينها به چه چيزي باور خواهند داشت؟ (185) کسي را که خداوند گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت و آنها را در سرکشي شان در حاليکه کور دل ميباشند رها مي کند (186)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: پس از حضرت موسي نيز دائماً اقوامي از بني اسرائيل رعايت احکام دين خويش را نکردند و پس آزادی اکثراً بد رفتار بودند و مورد امتحانات و ابتلائات قرار گرفتند و يکي از علل مهم بي توجهي به تعاليم انبياء رفتارهاي نامعقول و ترجيح چيزهاي کم ارزش است که دائماً از سوي بني اسرائيل و حتي علما بزرگ آنها انجام مي شده است.**

**همه انسانها بر حسب فطرت خويش در برنامه آفرينشي خويش به خداوند و تعاليم انبياء بله گفته اند اما در امتحان اين جهان بسياري از آدميان به تعاليم انبياء بي توجهي نشان داده اند و توجه به اسماء صفات و افعال خداوند و پيامبر مانع از گمراهيي مانند بني اسرائيل مي شود.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در پاراگراف 4 گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید ! این تازه وضـع دنیوی شان بود ، وضع آخرتی شان راهم که میدانید ! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف 6 یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ­ها را بیان می فرماید .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای مسلمانان ! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی ترند ونه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است ، پس ، دل خوش دارید شاید پیـــروزی نزدیک باشد .

در پاراگراف 8 می فرماید : ای مسلمانان ! مبادا شما هم پس از پیروزی همین عقبگرد ها را بکنید !

در این پاراگراف می فرماید : ای مسلمانان ! با خداوند رو راست باشید و از همین اول و قبل از پیروزی و آزادی هشیار باشید که باید از «اخلاق یهودی» بپرهیزید و اینکه بنی­اسرائیل در زمین پراکنده شدند و هم بد وهم خوب در بین آنها بود-والبته بدها غلبه داشتند- و از سوی خداوند مورد امتحانات، و حتی تهدید­های جدّی هم قـرار می­گرفتند تا شاید دین خویش را به محکمی حفظ کنند و اینکه انسان، ذاتاً و فطرتاً معترف به ربوبیت خداوند است و کسانی را که نسبت به آیات الهی که به آن دسترسی دارند قدر ناشناسند و اینکه در اساسی­ترین امور بیاندیشید و با استعانت از نام­های نیکوی الهی و از کسانی که تمایل به حق دارند و به آن راهبری می­کنند کمک بگیرید .

**3 - سوالات**

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟ (هشداربه کافران؟ هشداربه مسلمانان؟ یا...؟)

2- ازمطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

3- اگرمیخواستیم ازتیتر«خواست خداوند قانونمند است» استفاده کنیم ، می بایدزیرکدام کلمات راخط بکشیم؟

4- در جائی از آیه 171 موضوع یکی از کلیدهای تفسیر اتفاق افتاده ، آنرا مشخص کنید.

5 - سوال فوق را درباره آیه های 69 و70 نیز جواب دهید .

6- چرا خداوند در اینجا از ضمیر«ما» (قطعنا بلونا نضیع نتقنا آتینا) استفاده فرموده؟

7 – چرا در آیه170 ، بجای «مصلحون» نفرموده «صالحون»؟

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیات 163 تا 167 تلویحا به مسلمانان میگوید که پس از رهائی از شرایط موجود مانند بنی اسرائیل دنبال کلاه شرعی نروید .

از آیه 165 معلوم می­شود که اگر قرار است عذاب دسته­جمعی به قومی فرود آید، اهل نهی از منکر را شامل نخواهد شد و لذا در این آیه به این موضوع هم ترغیب میکند .

از آیات 175 تا 179 فهمیده میشود که تلویحا دارد به علماء مسلمانان پیام میدهد که پس از جا افتادن در وضع مطلوب دین فروشی نکنید .

5 **– زاویه با تفاسیر رایج**

المیزان سعی زیادی کرده که «مکانیزم» اعتراف گیری مذکور در آیه ذرّ را بیان کند و طبعا و البته موفق هم نشده ، زیرا نه المیزان بلکه کل عالم قرن بیست و یکمی هم به آن عوالم دسترسی ندارند ، و المیزان هم از روش خویش که تفسیر آیات به کمک آیات دیگر باشد خارج شده (زیرا آیه دیگری در کل قرآن نیست که به این موضوع پرداخته باشد) و خیلی هم سعی کرده با کمک فلسفه متبوع خویش به حل موضوع نزدیک شود که نتوانسته ، و تنها چیزی که بدست آورده این بوده که یک سخن خیلی طولانی حوصله بر بگوید که اگر کسی بخواهد به آن بپردازد معلوم خواهد شد که پر از ایراد های جدی است .

ما میگوئیم به مکانیزم مطلب کاری نداریم زیرا آن موضوع مربوط به عالم نرم افزاری داستان آفرینش است ، بلکه ما به این کار داریم که اینک که چنین اتفاقی افتاده و همگی چنین اعترافی را کرده اند ، چگونه میتوان چگونگیِ ظهور این اعتراف در قیامت را به ذهن نزدیک کرد و توضیحش داد ؟

**6 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 138 تا 162 که به داستان بنی اسرائیل پس از نجاتشان می پردازد و بدرفتاریهایشان را نکوهش میکند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد وبه آنان هشدار میدهد مبادا شماهم پس از نجات مانند آنان کنید .

در آیات 163 تا 171 با نکوهش عده ای از بنی اسرائیل که از ترفند «کلاه شرعی» استفاده کرده بودند تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا آنها را از ارتکاب «کلاه شرعی» برحذر میدارد .

در آیات 175 تا 179 با نکوهش رفتار آن عالِم بنی اسرائیلی تلویحا دارد به مسلمانان وعده نجات میدهد و ضمنا علماءآنها را از ارتکاب «دین فروشی» برحذر میدارد .

**7 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

دو آیه 169 و 170 از آنجا که هر یک توضیح مدلول یکی از دو مورد «صالحون» و «دون ذلک» است فرع بر آیه 168 می­باشند.

9 کلمه آخر آیه 172 و تمام آیه 173 فرع بر قسمت اول آیه 172است و این واضح است.

آیه 174 نیز که توضیحِ چرایی ذکر آیه 72 است. آن هم فرعی است.

آیه 177 فرع بر دو آیه قبلی است و این واضح است. آیه 178 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است.آیه 179 نیز (با توجه به پرانتزی بدون آیه 178) نکوهش آن قبیل افراد است و لذا فرع بر آیه 175 است.

دو آیه 182 و 183 فرع بر آیه 181 است و این واضح است.

آیه 186 بدون اینکه فرع بر آیه­ای باشد پرانتزی است.

(اگر آن را در نظر نگیرید و انتهای آیه 185 را به ابتدای آیه 187 وصل کنید می­بینید روال سخن صاف و یکدست است).

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**واَسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَيَوْمَ لاَ يَسْبِتُونَ لاَ تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُم بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿163﴾ وَإِذَ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُواْ مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿164﴾ فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُواْ بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُواْ يَفْسُقُونَ ﴿165﴾ فَلَمَّا عَتَوْاْ عَن مَّا نُهُواْ عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُواْ قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿166﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿167﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: عده ای از بنی اسرائیل در موضوع حکم شنبه به راه کلاه شرعی رفتند و هلاک شدند.**

**2**

**وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿168﴾ فَخَلَفَ مِن بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُواْ الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الأدْنَى وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مُّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لاَّ يِقُولُواْ عَلَى اللّهِ إِلاَّ الْحَقَّ وَدَرَسُواْ مَا فِيهِ وَالدَّارُ الآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿169﴾ وَالَّذِينَ يُمَسَّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُواْ الصَّلاَةَ إِنَّا لاَ نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿170﴾ وَإِذ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّواْ أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُواْ مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُواْ مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿171﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: عده ای از بنی اسرائیل راه صلاح در پیش گرفتند ولی اکثرشان به راه خلاف رفتند.**

**3**

**وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُواْ بَلَى شَهِدْنَا أَن تَقُولُواْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿172﴾ أَوْ تَقُولُواْ إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿173﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿174﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: بشر در شرایط ایزوله با اعتقادات اصلی موافق است، ولی وقتیکه در شرایط این جهانی قرار گرفت عده ای رفتار مغایر در پیش میگیرند.**

**4**

**وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِيَ آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿175﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَث ذَّلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿176﴾ سَاء مَثَلاً الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُواْ يَظْلِمُونَ ﴿177﴾ مَن يَهْدِ اللّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿178﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: بد عملی بنی اسرائیلی علماء شان را هم فرا گرفت.**

**5**

**وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لاَّ يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لاَّ يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لاَّ يَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَئِكَ كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿179﴾ وَلِلّهِ الأَسْمَاء الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُواْ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَآئِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ ﴿180﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿181﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُواْ بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿182﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿183﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُواْ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿184﴾ أَوَلَمْ يَنظُرُواْ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّهُ مِن شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَن يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿185﴾ مَن يُضْلِلِ اللّهُ فَلاَ هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿186﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای مردم! لاجرم عده ای برای رفتار غلط معذب خواهند بود، و عده ای نیز نجات خواهند یافت، شما کدام عاقبت را برای خویش می پسندید؟**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه های 163 و 164 به علت کثرت وعاظ بر منابر از آیات برجسته است.

آیه 172 از لحاظ کثرت استشهاد اهل عرفان و اهل کلام و اهل منبر به آن، جزء آیات بسیار برجسته قرآنی است، که علاوه بر آن مورد اقبال زیاد هنرمندان اعم از خوشنویسان و هنرمندان تجسمی نیز میباشد.

آیه های 175 و 176 نیز از این لحاظ که بسیار مورد توجه وعاظ و مدرسان اخلاق قرار میگیرد از آیات برجسته قرآنی است.

**7 - آیات مشکل**

آیه 172 از این لحاظ که مفسران در تفسیر آن سخنان متخالف و متناقض و گاه عجیب و غریب گفته اند جزء آیات مشکل قرآنی است.

**8 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه های 165 تا 167 از آنجا که مکانیزم وقوع آنها برای ما بشر قرن بیست و یکم روشن نیست، فوق ذهنیات ما هست چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

همچنین است موقعیت آیه 171 .

همچنین آیه 172 .

همچنین است موقعیت آیه های 175 و 176 .

همچنین است وضع آیه های 179 و 182 و 183 .

**9 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**10 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - پس از حضرت موسي نيز دائماً اقوامي از بني اسرائيل رعايت احکام دين خويش را نکردند و پس آزادی اکثراً بد رفتار بودند و مورد امتحانات و ابتلائات قرار گرفتند و يکي از علل مهم بي توجهي به تعاليم انبياء رفتارهاي نامعقول و ترجيح چيزهاي کم ارزش است که دائماً از سوي بني اسرائيل و حتي علما بزرگ آنها انجام مي شده است.

2 - همه انسانها بر حسب فطرت خويش در برنامه آفرينشي خويش به خداوند و تعاليم انبياء بله گفته اند اما در امتحان اين جهان بسياري از آدميان به تعاليم انبياء بي توجهي نشان داده اند و توجه به اسماء صفات و افعال خداوند و پيامبر مانع از گمراهيي مانند بني اسرائيل مي شود.

**11 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**کلاه شرعی**

این موضوع می­باید مربوط به همان یهودیانی باشد که حوضچه­هائی می­ساختند و روز شنبه که ماهی­ها می­آمدند، برای خروج آنها مانع می­گذاشتند و روز بعد آنها را براحتی می­گرفتند و باین ترتیب با کلاه شرعی کار خودشان را می­کردند. به این معنی که اولاً بخیال خودشان حرمت روز شنبه را که می­باید به عبادت بگذرانند و به امور اقتصادی نپردازند رعایت کرده باشند، و ثانیاً، واقعاً ماهیِ زیادی گرفته باشند زیرا صیدی که بعداً می­کردند مال مانعی بود که روز شنبه گذاشته بودند.

آنها نمونه کامل کسانی هستند که صورت ظاهر را درست می­کنند اما هدف را از بین می­برند که همیشه و در همه جا هستند و اختصاص به یهود هم ندارد و ما مسلمانان نیز از این موارد به وفور داریم.

واقعاً اگر ما بجای آنها بودیم از آنهمه ماهی که فقط در روز شنبه می­آمدند و در روزهای دیگر امکان صیدشان به آن آسانی و وفور نبود، می­گذشتیم؟

امروز رباخواری با آنهمه حرمتی که دارد که در حکم جنگ با خدا و رسول است، با چنان انواعی از کلاه شرعی چنان رواجی دارد که حیرت­انگیز است.

همچنین است وضع گناه­های فوق­العاده بزرگ دیگری که غیر از ربا به روشنی و صراحت تحت عناوین متنوع دیگری انجام می­شود که ذکر آنها به این تفسیر تحلیلی مربوط نمیشود .

**عالَم ذرّ**

آیه 172 به صراحت می­گوید خداوند در یک برهه از زمان از تک­تک افراد بشر اعتراف گرفت که آیا او پروردگارمان هست یا نه و ما اعتراف کرده­ایم که بله شما پروردگارمان هستید.

مفسران ارجمند درباره این آیه خیلی بحثهای متفرق و متنافری فرموده­اند اما آنچه که ما در پاراگراف دوم همین سوره عرض کرده­ایم [که موضوع سجده ملائک بر آدم، سجده آنها به «آدمِ نرم­افزاری» بوده و نه بر «آدمِ سخت­افزاری» ]موضوع این آیه را توضیح می­دهد.

بعبارت دیگر، «آدمِ عالَمِ نرم­افزاری»، «استعداد آدمیت» است و همه افراد بنی­آدم نیز در استعداد او هست که بتدریج از حالت استعداد (بالقوه) به واقعیت (بالفعل) تبدیل می­شود.

اعتراف مذکور در عالمِ نرم­افزاری کاملاً مفهوم است.

یعنی عقل ما که اصل وجود ماست همراه با سایر موجودات اعتراف به ربوبیت خداوند متعال دارد .

اما دل ما وقتی که به چیزی که بنظرش خیر یا شر می­رسد( برای جلب آن خیر یا دفع آن شر) ممکن است پا روی آن عقل بگذارد .

اما اگر خیر و شری مزاحم عقل نباشد (مانند همان حالت ایزوله عالم نرم­افزاری) اعترافِ عقلِ هر کس با اعتراف تمامِ ذراتِ عالمِ وجود یکسان و هماهنگ است.

موضوع مهم دیگر این است که ما مسلمان هستیم و این اعتقاد را داریم که هرچه در قرآن است بدون کم و کاست قول خود وجود مقدس خداوند است و (از جمله این آیات را) باور میکنیم چون در قرآن است و گرنه این نگارنده به یادم نمی آید که خداوند از من چنین اعترافی گرفته باشد ، و قیاس به نفس میکنم که هیچکس دیگری نیز چنین خاطره ای ندارد ، با وجود این ، این نوع اعتراف گرفتن چه فایده ای برای «دادگاه»ی شدنِ کسانی در روز قیامت دارد؟

ما میگوئیم حتما چنین فایده ای دارد زیرا در قرآن ذکر شده است که چنین فایده ای دارد ، و پس از اینکه موضوع را به عنوان یک اعتقاد تلقی کردیم آنگاه به این فکر میکنیم که « چگونه» فایده خواهد داشت ، و وقتی که به اینجا رسیدیم کارمان آسان خواهد شد ، زیرا میتوانیم به خویش چنین جواب دهیم که آن جریانِ اعتراف گیری مطابق یکنوع ضبط ویدئوئی یا سه بعدی در جائی موجود است که برای هرشخص قابل نمایش خواهد بود .

**واکنش­های سگی**

در مثالی که در آیه 176 آورده نکته­ایست که خوب است به آن توجه کنیم: سگ چه وقتی که به او حمله کنیم و چه وقتی که به او پشت کنیم، پارس می­کند، علت آن این است که پارس کردن برای او یک عمل غریزی است که از عقل و منطق سرچشمه نمی­گیرد .

در مثالِ موردِ بحث، آن شخص که آیات خدا را کنار گذاشت بخوبی با این بیان سازگار است.

آیات خدا، از نوع علم و عقل و صفات پسندیده و تقوا، صاحب خویش را به این امر می­کند که در شرایط مختلف واکنش­هائی نشان دهد که با عقل و علم و تقوا و صفات پسندیده متناسب است ، اما کسی که خود را از آنها رها کرد، در حقیقت حالتی را انتخاب کرده که واکنش­های خویش را براساس هوای نفس (و بعبارت دیگر غرایز) قرار داده و شباهت او با سگ نیز در همین است .

**خواست خداوند قانونمند است**

آیه 178 با توجه به تیتر فوق مفهوم است.

**اسماءِ الهی**

موضوعی که در آیه 180 مطرح شده اگر نگوئیم کلیدی­ترین نکته اعتقادی است، لااقل باید بگوئیم یکی از کلیدی­ترین نکات اعتقادی می­باشد.

تاکنون باندازه کافی در قرآن سرگذشت اقوامی را دیده­ایم که از راه توحید منحرف شده و به شِرک و بت­پرستی رو کرده­اند.

و تاکنون اینقدر از آیات قرآنی فهمیده­ایم که شرک عبارت است از «مستقل تصور کردن نیروهای کارگزاری جهان اعم از ملائکه یا پیامبران، یا ارواح طیبه و رو کردن به آنها و عبادت آنها بمنظور نزدیکی جستن به آنها بخاطر جلب منفعت یا دفع مضرت»

مثالی در وجود خودمان مطلب را روشن­تر می­کند. بچه نوزاد شیرخوار معمولاً چند احتیاج ساده دارد که بخاطر آن­ها گریه می­کند که عبارتند از گرسنگی، تر بودن جا، دل درد، و امثال آن.

بنابراین وقتی که بچه شب با جیغ و گریه مادرش را بیدار می­کند چه بگوید «مادر» و چه بگوید «ای سیر کننده من» فرقی ندارد.

کشاورزان قدیم هم که باران بموقع می­خواستند، و این خیلی برایشان مهم بود بطور طبیعی بطرف این نکته تمایل پیدا می­کردند که با «فرشته باران» ارتباطی برقرار کنند و عبادتی کنند و نظرش را بسوی خویش جلب کنند و باران بموقع مفید از او دریافت کنند و از باران بی­موقع مضر در امان باشند.

در این آیه می­بینیم که مثلاً «فرستنده باران مفید» یکی از اسماء خداوندی است و بهتر است کشاورزانِ نیازمندِ بارانِ بموقع ، خداوند را با توجه به آن نامش بخوانند.

بطور خلاصه فرق شرک و توحید همین است که در مثال فوق ملاحظه فرمودید و «اسماء»ئی که در آیه 180 مطرح شده ، و نیز انحرافی که از آن اسماء صورت می­گیرد به این معنی است که آدمی اسماء الهی رامنتزع کند ، و برای آن مفهوم انتزاعی جایگاه مستقلی تصورنماید ، ورفتاری عبادتی نسبت به آن (که دراصل واهی است) ارائه کند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و از آنها درباره آن شهر کنار دريا سئوال کن که چگونه به** (حرمت حکم) **روز شنبه تجاوز کردند،همان که ماهي ها هنگام** (گرفتن مراسم) **شنبه دسته دسته بسويشان مي آمدند و روز هاي غير از شنبه نمي آمدند. آنها را بسبب نافرمانيشان چنين آزموديم.(163) و هنگامي که عده اي از آنها ميگفتند چرا قومي را که خداوند هلاک خواهد کرد يا به عذاب شديدي برخواهد گرفت موعظه مي كنيد؟ ميگفتند بخاطر معذرتي از پروردگارتان و اينکه شايد تقوا پيشه کنند.(164) پس هنگامي که آنچه را به پند ميگرفتند به فراموشي سپردند آنهائي را که از بدي نهي ميکردند نجات داديم و ظالمان را براي نافرمانيشان به عذابي بسيار زشت بگرفتيم.(165) پس وقتي که از آن نهيي که شده بودند سرپيچيدند مقرر نموديم بوزينگاني مطرود شوند.(166) و آن هنگام که پروردگارت اعلام کرد که تا روز قيامت کساني را بر آنها مسلط خواهد کرد که عذاب زشت بر آنها روا دارد. زيرا که پروردگارت زود كيفر است و همو بسيار آمرزنده مهربان است.(167)** **و آنها را در زمين بصورت گروه هائي تقسيم کرديم. عده اي صالح و عده اي غير از آنند و آنها را به چيزهاي خوب و چيز هاي بد آزموديم شايد بازگردند (168)**  {و پس از آنها کساني را جانشين نموديم که آن کتاب را به ارث بردند و متاع ناچيز اين جهاني را ميگرفتند و ميگفتند بزودي آمرزيده ميشويم و اگر باز هم متاع ناچيزي مانند آن به آنان دست ميداد آنرا هم ميگرفتند. آيا از آنها پيمان محکم گرفته نشده بود که درباره خداوند جز به حق نگويند؟ در حاليکه مطالب آن کتاب را هم فرا گرفته بودند. وسراي آخرت براي آنانکه تقوا پيشه مي کنند بهتر است آيا نمي انديشند؟(169) و کساني که به آن کتاب چنگ ميزنند و نماز بپاميدارند، البته ما پاداش اصلاحگران را ضايع نمي گذاريم }(170) **و آن هنگام که آن کوه را مانند سايباني برآنها قرار داديم و گمان ميکردند که برسرشان فرود خواهد آمد. [ندا دادیم ] آنچه را به شما داديم با قوت بگيريد و آنچه را در آن است ياد کنيد شايد تقوا پيشه شويد (171)** **و آن هنگام که خداوند از فرزندان آدم از پشت هايشان فرزندانشان را برگرفت و از آنها شهادت خواست که آيا من پروردگارتان نيستم؟ گفتند بلي. شهادت ميدهيم که چنين است. تا اينکه روز قيامت نگوئيد ما ازاين غافل بوده ايم (172)** {يا نگوئيد پدرانمان قبلا شرک ورزيده بودند و ما فرزندان آنهائيم. آيا ما را بخاطر عمل آن باطل انديشان هلاک ميکني؟ (173) و آيات را چنين تشريح ميكنيم شايد بازگردند }(174) **خبر آنکسي را برآنان بخوان كه** (علم) **آياتمان را به او داده ايم. پس خود را از آن جدا کرد و شيطان او را به پيروي خويش در آورد و از گمراهان شد (175) و اگر ميخواستيم با همان او را بالا ميبرديم وليکن او خودش رو به سوي زمين کرد و از هواي نفس پيروي نمود ، و مثال او مانند سگ است كه اگر بسويش حمله کني پارس میکند و اگر هم به او پشت کني باز هم پارس ميکند . مثال کساني که آياتمان را تکذيب مي کنند نيز همين است.پس آن قصه ها را برايشان بگو شايد تفکر کنند (176)** {چه بد است مثال مردمي که آياتمان را تکذيب مي کنند و به خويش ظلم روا ميدارند.(177) کسي را که خداوند هدايتش کند همو هدايت شده است و کسي را که او گمراه کند همو از زيانکاران است.(178) و البته بسياري از جن و انس را براي جهنم آفريديم. آنها کساني هستند که دلهائي دارند اما با آن فهم نمي کنند و چشم هائي دارند اما با آنها نمي بينند و گوشهائي دارند اما با آن نمي شنوند. مانند چارپايانند بلکه از آن هم بدترند و انها همان غافلانند}(179) **و خداوند داراي نامهائي نيکوست. او را به آنها بخوانيد و آنهائي را که از نامهاي او منحرف شده اند واگذاريد. آنها بزودي سزاي آنچه را که ميکرده اند خواهند ديد.(180) و از بين کساني که آفريده ايم، گروهي هستند که به (راه) حق هدايت مي کنند و به همان هم تمايل دارند.(181) و کساني هم که آياتمان را تکذيب مي کنند بزودي آنها را پس از اينکه تدريجا به نعمتها متنعم مي کنيم، ناگهان ميگيريم.(182) و مهلتشان ميدهم که نقشه من محکم است.(183) آيا به اين نمي انديشند که مصاحبشان هيچگونه جنوني ندارد و او جز هشدار دهنده اي آشکار نيست؟(184) آيا در ملکوت آسمانها و زمين نمي نگرند و نيز آنچه که خداوند آفريده و نيز اينکه چه بسا سرآمدشان نزديک شده باشد؟ پس غير از اينها به چه چيزي باور خواهند داشت؟(185) کسي را که خداوند گمراه کند هيچ هدايت کننده اي نخواهد داشت و آنها را در سرکشي شان در حاليکه کور دل ميباشند رها مي کند.(186)**

**اعراف10 آیه های187تا206**

**يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي لاَ يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لاَ تَأْتِيكُمْ إِلاَّ بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿187﴾ قُل لاَّ أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلاَ ضَرًّا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لاَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَاْ إِلاَّ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿188﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلاً خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَّعَوَا اللّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحاً لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿189﴾ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحاً جَعَلاَ لَهُ شُرَكَاء فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿190﴾ أَيُشْرِكُونَ مَا لاَ يَخْلُقُ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿191﴾ وَلاَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلاَ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿192﴾ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لاَ يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاء عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ ﴿193﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿194﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُواْ شُرَكَاءكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلاَ تُنظِرُونِ ﴿195﴾ إِنَّ وَلِيِّيَ اللّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿196﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لاَ يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلآ أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿197﴾ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لاَ يَسْمَعُواْ وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لاَ يُبْصِرُونَ ﴿198﴾ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿199﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿200﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَواْ إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿201﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لاَ يُقْصِرُونَ ﴿202﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُواْ لَوْلاَ اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يِوحَى إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿203﴾ وَإِذَا قُرِىءَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُواْ لَهُ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿204﴾ وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ وَلاَ تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿205﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لاَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿206﴾**

**از تو درباره قيامت ميپرسند كه كي فرا ميرسد. بگو جز اين نيست که علم آن نزد پروردگارم است. وقتش که برسد هيچکس غير از او آشکارش نمي کند. بارِ وقوع قيامت در آسمانها و زمين سنگين است. جز بطور ناگهاني بسراغتان نمي آيد. چنان از تو مي پرسند که گوئي تواز آن آگاهي. بگو جز اين نيست که علم آن نزد خداوند است وليکن اکثر مردم نميدانند (187) بگو من براي خود مالک نفع و ضرري نيستم مگر آنچه خداوند خواسته باشد و اگر علم غيب ميداشتم ازخواستني ها زياد برميگرفتم و بديي بمن نميرسيد. من جز هشدار دهنده و مژده دهنده اي براي مومنان نيستم (188) ای پیامبر! بگو خداوند هموست که شما را از يک جان آفريده و جفت او را نيز از همان قرار داد تا بدو آرامش يابد. پس چون با او در آميخت و او بار سبکي برداشت و مدتي گذشت، چون سنگين شد، خداوند را که پروردگارشان باشد دعا مي کنند که اگر فرزند سالمي بما دهي حتما از شاکران خواهيم شد (189) اما وقتي که فرزند سالمي به آنها داد در مورد آنچه به آنان داده برايش شريکاني قرار ميدهند. اما خداوند از آنچه با او شريک قرار ميدهند بالاتر است (190) آيا شريکاني قرار ميدهند که چيزي نمي آفرينند و خودشان مخلوقند؟ (191) و نميتوانند به آنان و نه حتي به خودشان کمکي کنند؟ (192) ای مومنان! اگر این مشرکان را بسوي هدايتی که خودتان از آن بهره برده اید بخوانيد پيرويتان نمي کنند، برايشان فرقي نمي کند چه آنان را بخوانيد چه ساکت باشيد (193) ای مشرکان! آنهائي را که غير از خداوند به دعا مي خوانيد بندگاني هستند امثال خودتان. پس بخوانيدشان و بايد اجابتتان کنند اگر راست ميگوئيد (194) آيا پائي دارند که با آن راه روند؟ يا دستي که با آن به محکمي بگيرند؟ يا چشمهائي که با آن ببينند؟ يا گوشهائي که با آن بشنوند؟ ای پیامبر! به مشرکان بگو آن باصطلاح شريکان را بخوانيد و آنگاه حيله اي برايم کنيد و هيچ مهلتي هم بمن ندهيد (195) البته سرپرست من خداوند است که آن کتاب را بر من فرستاد و همو سرپرست صالحان است (196) و آنهائي که غير از او ميخوانيد نميتوانند کمکي به شما و نه حتي به خودشان کنند (197) ای پیامبر! اگر این مشرکان را براي هدايت بخواني نمي شنوند و مي بيني که بسويت مينگرند اما حقیقت را نمي­بينند (198) ای پیامبر! حال که چنین است، عفو پيشه کن و به نيکي فرمان ده و از جاهلان روگردان باش (199) و اگر از جانب شيطان به وسوسه اي دچار شدي که به وسواس افتادي، به خداوند پناه بر که شنواي داناست (200) تقوا داران وقتي که عبور کننده اي شيطاني برخوردي با آنها کند متوجه خداوند ميشوند و فورا به بصيرت مي آيند (201) و برادران شيطان صفتِ آن ديگران، آنها را در همان گمراهي شان كمكشان مي كنند وکوتاه نمي آيند (202) و چون آيه اي بسويشان نياوري ميگويند چرا فراهم نکرده اي؟ بگو جز اين نيست که من فقط وحيي را که از پروردگارم بسويم ميشود پيروي ميکنم. اين مايه بصيرت هائي از جانب پروردگارتان و هدايتي و مهربانيي براي مردمي است که ايمان پيشه اند (203) ای مومنان! هنگامي که قرآن خوانده ميشود به آن گوش دهيد و سکوت کنيد شايد مورد مهر واقع شويد (204) ای پیامبر! پروردگارت را صبح ها و شب ها در دل خويش به حالت تضرع و نگراني ياد کن و صدايت را بلند مکن و از غافلان نیز مباش (205) آنان که نزد پروردگارت هستند از عبادتش سرپيچي و گردنفرازي نمي کنند و او را به پاکي مي ستايند و برايش سجده مي کنند (206)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب : ای مردم به آینده حتمی خود بیندیشید و به راه راست برگردید و با توجه به نقش خداوند در آفرینش، و خيررساني به آدمي، و بي­خاصيتي غير خدا، مانع از گمراهي خویش شوید و اي پيامبر! با توجه به همه اين مطالب چنين کن و چنين بگو.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : ای مردم ! از رسولی که بسویتان آمده پیروی کنید وگرنه دچار خسران خواهید شد و مبادا جذب القائات شیطانی شوید ، که درآنصورت به تعالیم این رسول بی توجه شده و در دو جهان دچار خسران خواهید شد.

در پاراگراف 2 اولین خطاب­ها و هشدارها و تشریع قانون کلی به انسان­های اولیه را ذکر میفرماید .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای مردم ! عاقبت حتمی شما فرارسیدن قیامت و ضمن ارائه ای از قسمتی از وقایع آن روز میفرماید عاقبت تان دوحالت ممکنِ متضاد دارد . اینک این شما هستید که راه های منتهی به هر حالت را انتخاب میکنید .

در پاراگراف 4 گوشه­ای از الطاف و نعمت­های الهی را یادآوری می فرماید .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای مردم ! به اقوام منقرض شده قبلی بنگرید ! این تازه وضـع دنیوی شان بود ، وضع آخرتی شان راهم که میدانید ! برای خویش چه می پسندید؟

در پاراگراف 6 یک قانون مهم درباره هلاکت تمدن ­ها را بیان می فرماید .

در پاراگراف 7 می فرماید : ای مسلمانان ! نه این کفار از فرعون و نیروهایش قوی ترند ونه این پیامبر کمتر مورد تاییدات الهی است ، پس ، دل خوش دارید شاید پیـــروزی نزدیک باشد .

در پاراگراف 8 می فرماید : ای مسلمانان ! مبادا شما هم پس از پیروزی همین عقبگرد ها را بکنید !

در پاراگراف 9 می فرماید : ای مسلمانان ! با خداوند رو راست باشید و از همین اول و قبل از پیروزی و آزادی هشیار باشید که باید از «اخلاق یهودی» بپرهیزید و اینکه بنی­اسرائیل در زمین پراکنده شدند و هم بد وهم خوب در بین آنها بود-والبته بدها غلبه داشتند- و از سوی خداوند مورد امتحانات، و حتی تهدید­های جدّی هم قـرار می­گرفتند تا شاید دین خویش را به محکمی حفظ کنند و اینکه انسان، ذاتاً و فطرتاً معترف به ربوبیت خداوند است و کسانی را که نسبت به آیات الهی که به آن دسترسی دارند قدر ناشناسند و اینکه در اساسی­ترین امور بیاندیشید و با استعانت از نام­های نیکوی الهی و از کسانی که تمایل به حق دارند و به آن راهبری می­کنند کمک بگیرید .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر(ص) درباره قیامت و امور وابسته به آن چنین بگوی و اینکه انسان باید به جایی رو کند که علم و قدرت داشته باشد و بتواند نیازهای او را برآورد و اینکه ای پیامبر ! با پیروانت زیاد سختگیر نباش زیرا «اصل کار»شان (که همان ایمانشان باشد) درست است و همان هم آنها را دوباره به مسیرصحیح بر میگرداند ضمنا به کافران هم چندان اهمیتی نده و خودت هم دائما برای خدا متواضع باش .

**3 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 187 معلوم میشود آنحضرت در معرض پرسش هایی در باره زمان وقوع قیامت بوده ، و البته میتوان درک کرد که این پرسش ها میتوانست از سوی هر دو طرفِ پیروان آنحضرت و کفار بوده باشد ، پیروان به منظور ازدیاد علم و کفار به منظور طعنه و تمسخر ، که در آیه بعدی به او توصیه میشود که بگوید من اساسا در معرض این نوع علم نیستم و کارم هشدار و مژده دهی است .

از آیات 189 تا 198 اینطور فهمیده میشود که خداوند دارد معاذیری در دهان کافران معمولی (نه فعالان کفر) قرار میدهد که آنها را به ریشه های عقاید باطلشان آگاه کند و غیر مستقیم به راه حق هدایت کند و در این راه به آنها میگوید در خلوت تان (وقتی که در مشکلی گیر میکنید) تمام عناصر اعتقادات باطلتان از یادتان میرود و به عنوان موثر در رفع مشکل فقط به خداوند رو میکنید اما چون در فرهنگ شرک بزرگ شده اید پس از اینکه اوضاعتان عادی شد دوباره به حالتی که به آن عادت کرده اید بر میگردید و ادامه با ذکر دلایلی آنها را به ترک عقاید عادتی شان تشویق میکند .

آیات 199 تا 201 را وقتی می فهمیم که پاراگراف قبل را فهمیده باشیم ،

با توجه به پاراگراف قبل به آنحضرت توصیه میکند که هنوز وقتش نشده و لذا از آنها روی بگردان و اگر این موضوع را (یعنی رویگرداندن از آنها را) فراموش کردی پس از اینکه دو باره متذکر شدی این کار را (یعنی روی گرداندن را) کن .

از آیه 206 فهمیده میشود گاهی آنحضرت با خویش این فکر را میکرد که من حالا فلان کمک موثر را نیاز دارم و در آیه مذکور به او خاطر نشان میشود کمکی که تو نیاز داری عبادت است (تا مثلا صبر و تحملت زیاد شود )

**4 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

دو آیه اواخر پاراگراف فرع بر آیه 196 است.

دو آیه: 201 و 202 بدون اینکه فرع بر آیه باشند پرانتزی هستند.

همچنین است آیه 204.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّي لاَ يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ لاَ تَأْتِيكُمْ إِلاَّ بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ اللّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لاَ يَعْلَمُونَ ﴿187﴾ قُل لاَّ أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلاَ ضَرًّا إِلاَّ مَا شَاء اللّهُ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لاَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَاْ إِلاَّ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿188﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! اینک که در باره قیامت کنجکاوی نشان میدهند باندازه واقعیت جوابگو باش.**

**2**

**هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلاً خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَت دَّعَوَا اللّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحاً لَّنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿189﴾ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحاً جَعَلاَ لَهُ شُرَكَاء فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿190﴾ أَيُشْرِكُونَ مَا لاَ يَخْلُقُ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿191﴾ وَلاَ يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلاَ أَنفُسَهُمْ يَنصُرُونَ ﴿192﴾ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لاَ يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاء عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنتُمْ صَامِتُونَ ﴿193﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُواْ لَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿194﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُواْ شُرَكَاءكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلاَ تُنظِرُونِ ﴿195﴾ إِنَّ وَلِيِّيَ اللّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ ﴿196﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ لاَ يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلآ أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿197﴾ وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لاَ يَسْمَعُواْ وَتَرَاهُمْ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لاَ يُبْصِرُونَ ﴿198﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای مردم! خدای شما همان است که بارها مستقیما اعترافش کرده اید نه این چیزهای بی خاصیتی که در اذهان خویش ساخته اید.**

**3**

**خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿199﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿200﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَواْ إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿201﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لاَ يُقْصِرُونَ ﴿202﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِم بِآيَةٍ قَالُواْ لَوْلاَ اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يِوحَى إِلَيَّ مِن رَّبِّي هَذَا بَصَآئِرُ مِن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿203﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! با مشکلات رسالت برخوردی بزرگوارانه کن.**

**4**

**وَإِذَا قُرِىءَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُواْ لَهُ وَأَنصِتُواْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿204﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای مردم! قرآن را محترم بدارید و به مطالبش گوش فرادارید.**

**5**

**وَاذْكُر رَّبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ وَلاَ تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ ﴿205﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِندَ رَبِّكَ لاَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿206﴾**

**درس: بي توجهي به خداوند و سر کشي در مقابل پيامبران مايه هلاکت دو جهان است.**

**درب: ای پیامبر! برای آسان تر شدن بار رسالتت بازهم به یاد خدا و عبادتش بپرداز.**

**5 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 204 چنان پر تکرار مورد اقبال هنرمندان واقع شده که تابلوهای خوشنویسی و تجسمی آن در همه جا دیده میشود و چنان عیان است که حاجتی به بیانش نیست.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 187 از آن نوع است که ده ها بار میخوانی و نه میتوانی دل بکنی ونه میتوانی بگوئی جذب و هضمش کرده ای!

آیه مذکور بی تردید فوق ذهنیات امروزیان است، چه رسد به عرب 1400 سال پیش.

همچنین است مفاد آیه 206 .

**8 – زاویه با تفاسیر رایج**

**خطای فاحش در اثر عدم توجه به ترتیب نزول**

در آیه 189 بعضی از عالیقدرترین و مشهورترین مفسران محترم، «نَفْس واحده» را به «آدم» تطبیق کرده­اند که کاملاً ناصحیح است زیرا چگونه ممکن است «آدم» (که برگزیده خداوند است) مطابق آیه 190 شرک بورزد؟

آنها این اشتباه فاحش را مرتکب نشدند مگر به این علت که از تفسیر قرآن کریم به ترتیب نزول خودداری نموده و مطابق ترتیب رایج کار کرده­اند و در ترتیب رایج پس از سوره حمد به سوره بقره برمی­خورند و در همان اوایل سوره بقره داستان آفرینش مطرح می­شود و این سوره اعراف هم چند سوره پس از سوره بقره است و آنها هنوز تحت تأثیر آن داستان هستند و در این آیه (آیه 189) یک چنین خطای بسیار بزرگی می­کنند و اگر به ترتیب نزول کار کرده بودند، «نفس واحده» را به همان معنیی می­گرفتند که در سوره شمس آمده است (و از سوره شمس تا سوره اعراف دائماً تکرارگردیده است)

جمله «جعل منها زوجها» مطابق بیانی که (در داستان آفرینش که در همین سوره مطرح شده) عرض کرده­ایم، به این معنی است که از همان فرمول و نرم­افزار «نَفْس واحده» (مطرح درسوره شمس)، جفتِ آن «نفس واحده» را نیز قرار داد .

یعنی یک« نفس واحده »داریم و یک« جفت نفس واحده»هم داریم که در اصول (فکر، فهم، رفتارهای انسانی و غیره) از همان نرم­افزار است، اما در فروع (شکل، اندام­های جنسی، و غیره) تفاوتهائی با آن دارد.

موضوعی (که اگر قرآن را به ترتیب نزول ببینیم) اینقدر واضح است ، وقتی که قـــرآن به ترتیب رایج تفسیر شود مفسران –بلکه مفسران بسیار عالی قدر- را آنقدر دچارخطاکرده است . البته این موضوع منحصر به همین مورد نیست و نظایر زیاد دارد .

**1** (آیه 189):(المیزان) : و معناى آن اين است كه:" هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ" اى گروه بنى آدم خداى تعالى آن كسى است كه شما را آفريد" مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ" از تن واحدى كه پدرتان بود" وَ جَعَلَ مِنْها" و از آن يعنى از نوع آن" زَوْجَها لِيَسْكُنَ إِلَيْها" همسرش را آفريد تا آن مرد به داشتن آن همسر آرامش دل يابد" فَلَمَّا تَغَشَّاها" پس وقتى با او در آميخت- تغشى به معناى جماع است-" حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفاً" بار سبكى كه عبارت بود از نطفه برداشت" فمرت به" و هم چنان اين بار را داشت و با آن آمد و شد و نشست و برخاست مى‏كرد تا آنكه نطفه در رحمش رشد نموده به حد جنين رسيد و سنگين شد، و همسر آدم احساس سنگينى آن را مى‏كرد"

چنانکه به وضوح دیده می شود «نفس واحده» را به حضرت آدم تطبیق نموده که خطاست زیرا در آیه بعد به آنها نسبت شرک داده شده ، و البته المیزان در بحثی این قسمت را (یعنی شرک را) از حضرت آدم با توجیهاتی رد نموده که چندان مقبول نیست در حالیکه اگر به ترتیب نزول توجه میکرد موضوع «نفس واحده» را به همان معنی میگرفت که در سوره شمس آمده (ونفس و ما سوّیها)

**9 - پیشگوئی های تحقق یافته**

آیات 199 تا 206 که آنحضرت را به ندید گرفتن رفتارهای فعالان مخالف ، و صبر، و در پیش گرفتن رفتارهای عبادی خاص ، توصیه میکند این وعده مستتر است که این اوضاع و احوال تو و پیروانت در جهت مطلوب تان تغییر خواهد کرد .

**10 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**11 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای مردم به آینده حتمی خود بیندیشید و به راه راست برگردید .

2 – ای مردم با توجه به نقش مطلق خداوند در آفرینش، و خيررساني به آدمي، و بي­خاصيتي غير خدا، مانع از گمراهي خویش شوید.

3 - اي پيامبر! با توجه به همه اين مطالب چنين رفتار کن و چنين بگو (مطابق آیات آخر سوره اعراف)

**12 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 187 و 192 تا 194 و 197 و 206 ، بقیه «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**ارتکاب گناه توسط مؤمن« موردی »و« موقتی »است**

آیه­های 201و202کنایه است از ارتکاب گناه. توضیح اینکه اهل تقوا، معمولاً دنبال گناهان نیستند اما این بمعنی آن نیست که هرگز گناه نمی­کنند.

آنها گاهی هم به گناهانی دچار می­شوند اما فوراً پشیمان شده و استغفار می­کنند ، اما سایرین نه تنها از ارتکاب گناه ناراحت نشده ،بلکه ادامه هم می­دهند.

عبارت «عبور کننده­­ای شیطانی» که در آیه 201 آمده عبارتی است کنایه ای ازدچــــارشدن آنان و ناخواسته بودن ارتکاب گناهانشان.

تصور کنید کسی دارد راه خودش را می­رود و به این و آن کاری ندارد اما یکی دیگر هست که او را زیر نظر دارد و خود را به او نزدیک می­کند و تنه محکمی به او می­زند. شخصِ اول البته اندکی دچار دگرگونی می­شود اما خود را جمع و جور می­کند و دوباره به راه خویش ادامه می­دهد.

در این مثال، رفتار نفر دوم که تنه زده و مزاحم شده همان است که تحت عنوان «عبور کننده­ای شیطانی» مورد اشاره قرار گرفته است.

**جمع بندی و تفسیر**

**از تو درباره قيامت ميپرسند كه كي فرا ميرسد. بگو جز اين نيست که علم آن نزد پروردگار من است. وقتش که برسد هيچکس غير از او آشکارش نمي کند.** (بار وقوع قيامت) **در آسمانها و زمين سنگين است. جز بطور ناگهاني بسراغتان نمي آيد. چنان از تو مي پرسند که گوئي تواز آن آگاهي. بگو جز اين نيست که علم آن نزد خداوند است وليکن اکثر مردم نميدانند (187) بگو من براي خود مالک نفع و ضرري نيستم مگر آنچه خداوند خواسته باشد و اگر علم غيب ميداشتم ازخواستني ها زياد برميگرفتم و بديي بمن نميرسيد. من جز هشدار دهنده و مژده دهنده اي براي مومنان نيستم (188)** **هموست که شما را از يک جان آفريده و جفت او را نيز از همان قرار داد تا بدو آرامش يابد. پس چون با او در آميخت و او بار سبکي برداشت و مدتي گذشت، چون سنگين شد، خداوند را که پروردگارشان باشد دعا مي کنند که اگر** (فرزند) **سالمي بما دهي حتما از شاکران خواهيم شد.(189) اما وقتي که** (فرزند) **سالمي به آنها داد در مورد آنچه به آنان داده برايش شريکاني قرار ميدهند. اما خداوند از آنچه با او شريک قرار ميدهند بالاتر است.(190) آيا شريکاني قرار ميدهند که چيزي نمي آفرينند و خودشان مخلوقند؟(191) و نميتوانند به آنان و نه حتي به خودشان کمکي کنند؟(192) و اگر آنها را بسوي هدايت بخواني پيرويتان نمي کنند، برايشان فرقي نمي کند چه آنان را بخوانيد چه ساکت باشيد.(193) آنهائي را که غير از خداوند به دعا مي خوانيد بندگاني هستند امثال خودتان. پس بخوانيدشان و بايد اجابتتان کنند اگر راست ميگوئيد.(194) آيا پائي دارند که با آن راه روند؟ يا دستي که با آن به محکمي بگيرند؟ آيا چشمهائي که با آن ببينند؟ يا گوشهائي دارند که با آن بشنوند؟ بگو آن شريکان را بخوانيد و آنگاه حيله اي برايم کنيد و هيچ مهلتي بمن ندهيد.(195) البته سرپرست من خداوند است که آن کتاب را فرستاد و همو سرپرست صالحان است.(196) و آنهائي که غير از او ميخوانيد نميتوانند کمکي به شما و نه حتي به خودشان کنند.(197) و اگر آنها را براي هدايت بخوانيد نمي شنوند و مي بيني که بسويت مينگرند اما نمي­بينند (198)** **عفو پيشه کن و به نيکي فرمان ده و از جاهلان روگردان باش.(199) و اگر از جانب شيطان به وسوسه اي دچار شدي که به وسواس افتادي، به خداوند پناه برکه شنواي داناست.(200) تقوا داران وقتي که عبور کننده اي شيطاني برخوردي با آنها کند متوجه** (خدا) **ميشوند و فورا به بصيرت مي آيند.(201) و برادران (شيطان صفتِ) آن ديگران، آنها را در همان گمراهي شان كمكشان مي كنند وکوتاه نمي آيند.(202) و چون آيه اي بسويشان نياوري ميگويند چرا فراهم نکرده اي؟ بگو جز اين نيست که من فقط وحيي را که از پروردگارم بسويم ميشود پيروي ميکنم. اين مايه بصيرت هائي از جانب پروردگارتان و هدايتي و مهربانيي براي مردميست که ايمان پيشه اند.(203) و هنگامي که قرآن خوانده ميشود به آن گوش دهيد و سکوت کنيد شايد مورد مهر واقع شويد.(204) و پروردگارت را صبح ها و شب ها در دل خويش به حالت تضرع و نگراني ياد کن و صدايت را بلند مکن و از غافلان مباش.(205) آنان که نزد پروردگارت هستند از عبادتش سرپيچي و گردنفرازي نمي کنند و او را به پاکي مي ستايند و برايش سجده مي کنند.(206)**

**سوره کهف**

**﴿ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴾**

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَل لَّهُ عِوَجَا ﴿1﴾ قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِن لَّدُنْـهُ و َيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿2﴾ مَاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا ﴿3﴾ وَيُنذِرَ الَّـذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿4﴾ مَّا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِن يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿5﴾ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا ﴿6﴾ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ﴿7﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿8﴾**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خاص خداوندي است که اين کتاب را بر بنده اش نازل کرد و در آن کجيی قرار نداد (1) کتابي که استوار است . و این ماموریت را هم دارد که از عذاب شديدي از جانب خداوند هشدار دهد ، و نیز مومناني را که عمل شايسته مي کنند مژده دهد که پاداشي نيکو خواهند داشت (2) که در آن جاودان خواهند بود (3) و نیز كساني را که ميگويند خداوند فرزندي گرفته هشدار دهد (4) علمي به آن ندارند. پدرانشان نيز همينطور. اين کلمه اي که از دهانشان بيرون مي آيد گُنده است و چیزی جز دروغ نيست (5) ای پیامیر! شايد ميخواهي خودت را از شدت تأسف در پي آنها هلاک کني که چرا به اين سخن ايمان نمي آورند (6) ما آنچه را که بر روي زمين هست زينتي قرار داديم تا آزمايششان کنيم که کدامشان خوش عمل ترند (7) و البته آنچه را که بر زمين هست به وقتش بصورت خاک خشک باير در خواهیم آورد (8)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

تاکنون ، در چهار جلد قبلی این تفسیر ، در ابتدای پاراگراف اول هر سوره ، ذیل تیتر فوق ، لااقل دو جدول اول و آخر طرز استخراج عصاره محتوای سوره (یا همان «درس» سوره) را می آوردیم ، اینک که خواننده محترم به اندازه کافی آنها را دیده ، و دانسته که طرز استخراج چگونه است ، به علت علاقه به رعایت اختصار ، دیگر جدول های مذکور را که دائما طولانی تر میشود ، ذکر نمیکنیم ، و اگر کسی بخواهد، میتواند همه آنها را در کتاب «راهنمای تحلیلی» ما (در سایت ما که در اول و آخر این کتاب معرفی کرده ایم) ببیند .

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: آدمي با توجه به زندگي جاويد نياز به الگوي رفتاري صحيح دارد و ای پیامبر! در رابطه با رسالتت معتدل باش و آنقدر به خودت فشار نیاور.**

**2 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه های 4 و 5 فهمیده میشود در آن روز ها داشتن اولاد خدا یک موضوع چالش برانگیز بوده ، زیرا مشرکان که به وضوح چنین عقیده ای داشتند ، و عقیده مسیحیان نیز توسط آنان با جنجال و هیاهو بزرگنمایی میشد .

از آیه 6 فهمیده میشود آنحضرت از رویکرد بی توجهی و بی اعتنائی به آیات الهی خیلی زیاد متاسف بودند .

**3 - کلید های تفسیری**

آیه 2 فرع بر آیه 1 است و آیه 3 فرع بر دو کلمه آخر آیه 2، و آیه 4 (با در نظر گرفتن فرعی بودن آیه­های 3 و 2) فرع بر آیه 1 است و آیه 5 فرع بر آیه 4 است و همه این­ها واضح است.

آیه 8 فرع بر آیه 7 است و این واضح است.

**4 – زاویه با تفاسیر رایج**

**1** :(المیزان) : اين سوره با انذار و تبشير دعوت مى‏كند به اعتقاد حق و عمل صالح

درس : ای مردم ! از نمونه های قابل تحسین گذشته الگو بگیرید و مسیر زندگی خویش را اصلاح کنید .

**5 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیه 1 که فرموده هیچ اعوجاجی در قرآن نیست ، یک پیشگوئی است که بیش از 14 قرن است درستی آن پذیرفته شده است.

در آیه 6 که آنحضرت را از درگیر شدن بیش از حد با موضوع رسالتش منع میکند این پیشگوئی نهفته است که تو فقط پیام را برسان و تاثیرش را به ما واگذار و در بطن این توصیه وعده موفقیت آنحضرت نهفته است .

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - آدمي با توجه به زندگي جاويد نياز به الگوي رفتاري صحيح دارد

2 - ای پیامبر! در رابطه با رسالتت بخود سخت نگیر و اعتدال پیشه کن

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف آیاتی وجود دارد که برخی از فقرات آنها در سوره های قبلی (قبل و بعد نسبت به این سوره و بر اساس جدول ترتیب نزول ما) آمده ، اما با تفاوت در لغت و الفاظ ، لذا اگر بگوئیم قبلا نیامده ، ناصحیح است ، و اگر بگوئیم آمده ، باز هم ناصحیح است ، لذا در باره این نوع پاراگراف ها (که از این پس بازهم خواهیم دید) میتوان چنین گفت که از لحاظ محتوا ، اکثر مطالب این پاراگراف مسبوق به سابقه است ، اما ، قسمتی از هرکدام از مطالبش جدید میباشد .

**جمع بندی و تفسیر**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**ستايش خاص خداوندي است که اين کتاب را بر بنده اش نازل کرد و در آن کجي اي قرار نداد (1)** {(کتابي)که استوار است تا از عذاب شديدي از جانب او هشدار، و مومناني را که عمل شايسته مي کنند مژده دهد که پاداشي نيکو خواهند داشت (2) که در آن جاودان خواهند بود (3) و كساني را که ميگويند خداوند فرزندي گرفته هشدار دهد} (4) {{علمي به آن ندارند. پدرانشان نيز همينطور. اين کلمه اي که از دهانشان بيرون مي آيد گنده است و چیزی جز دروغ نيست}} (5) **شايد ميخواهي خودت را از شدت تأسف در پي آنها هلاک کني که چرا به اين سخن ايمان نمي آورند (6) ما آنچه را که بر روي زمين هست زينتي قرار داديم تا آزمايششان کنيم که کدامشان خوش عمل ترند (7)** {و البته آنچه را که بر زمين هست بصورت خاک خشک باير در مي آوريم }(8)

**کهف2 آیات9تا26**

**أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿9﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿10﴾ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿11﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿12﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿13﴾ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِن دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا ﴿14﴾ هَؤُلَاء قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿15﴾ وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحمته ويُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا ﴿16﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ﴿17﴾ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿18﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿19﴾ إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿20﴾ وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿21﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاء ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا ﴿22﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿23﴾ إِلَّا أَن يَشَاء اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا ﴿24﴾ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ﴿25﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿26﴾**

**ای پیامبر! آيا فکر ميکني اصحاب آن غار و آن نوشته از نشانه هاي عجيب ما هستند؟ (9) آن هنگام که آن جوانان به آن غار پناه آوردند و گفتند پروردگارا ازجانب خويش رحمتي بما عطا کن و برايمان در کارمان هدايتي فراهم فرما (10) پس در آن غار چند سالي آنها را به خواب برديم (11) آنگاه آنها را برانگيختيم تا معلوم کنيم کدام يک از آن دو گروه مدتي را که در خواب درنگ کرده بودند بهتر ميشمارند (12) ما قصه آنها را به حق بر تو ميخوانيم. آنها جواناني بودند که به پروردگارشان ايمان آورده بودند و ما نيز هدايتشان را زياد کرديم (13) و دلهاشان را قوي نموديم ، هنگاميکه قيام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمين است و ما هرگز غير از او را نخواهيم خواند زيرا که در آنصورت سخني بيجا گفته ايم (14) اينها قوم ما هستند که غير از او خداياني بر گرفته اند پس چرا در موردشان دليلي روشن ارائه نمي کنند؟ و چه کسي ظالمتر است از کسي که بر خداوند افتراي دروغ بندد؟ (15) به آنان الهام شد اينك كه از آنها و آنچه غير از خداوند مي پرستند دوري مي کنيد ، در آن غار پناه گيريد که پروردگارتان از رحمتش بر شما بگسترد و در کارتان برايتان گشايشي فراهم سازد (16) ای پیامبر! اگر در آنجا بودی میدیدی که آفتاب هنگام طلوع از غارشان بطرف راست متمايل ميشد و هنگام غروب بطرف چپ ميگرديد و آنان در فراخناي آن بودند. اين از نشانه هاي خداوند است. هر که را خداوند هدايتش کند همو هدايت شده است و کسي را که گمراه کند هرگز براي او سرپرست رشد دهنده اي نخواهي يافت (17) ای پیامبر! اگر در آنجا بودی آنها را بيدار مي پنداشتي در حاليکه خوابيده بودند و ما آنها را به راست و چپ ميگردانديم و سگشان دو دست خود را بر آستانه غار گشوده بود. اگر بر آنان درمي آمدي بحالت فرار روي ميگرداندي و از آنها پر از ترس ميشدي (18) و چنين بود که پس از مدتی آنها را برانگيختيم تا از يکديگر پرسش کنند. يکي از آنها گفت چقدر در اينجا درنگ کرده ايم؟ گفتند يک روز يا قسمتي از آن. برخی گفتند پروردگارتان مدت درنگ شما را بهتر ميداند. اينك يکي را با اين پول به شهر بفرستيد تا ببيند كدام خوراك بهتر است و روزيي از آن بياورد و بايد ملتفت باشد که کسي متوجه شما نشود (19) که اگر بر وضع شما مطلع شوند سنگسارتان مي کنند يا شما را به دين خويش برميگردانند و در آنصورت هرگز رستگار نخواهيد شد (20) و چنين بود که مردمِ قرون آینده را بر وضعشان مطلع کرديم تا بدانند وعده خدا حق است و اينکه درباره قيامت شکي نيست. آن هنگامي که بين خويش راجع به آنها مجادله ميکردند و میگفتند بناي ياد بودي بر آنها بنا کنيد. پروردگارشان به حال آنها داناتر است. آنهائي که درباره کار آنها بر ديگران غالب شده بودند گفتند بر غار آنها مسجدي خواهيم ساخت (21) ای پیامبر! مردم در باره آنها خواهند گفت سه تا بودند که چهارمي شان سگشان بود و بعضي ميگويند پنج تا بودند که ششمي شان سگشان بود. تيري در تاريکي مي اندازند و ميگويند هفت تا بودند و هشتمي شان سگشان بود. بگو پروردگارم به تعداد آنها داناتر است. جز عده كمي، کسي حقيقت را نميداند. پس با آنها مجادله مکن ، مگر بگو مگوئي سرسري ، و درباره آنها از هيچ كدام از آنها نظر خواهي مکن (22) و هرگز مگو فردا فلان کار را خواهم کرد (23) مگر آنکه بگوئي اگر خدا بخواهد، و اگر فراموش کردي پروردگارت را ياد کن و بگو چه بسا پروردگارم به نزديکتر از اين راهنمائيم کند (24) درغارشان سيصد سال ماندند که تقویم نگاران برای تبدیلذقمری به شمسی نُه سال بر آن افزودند (25) بگو خداوند بهتر ميداند چه مدت ماندند. غيب آسمانها و زمين در اختیار اوست. و چه بينا و شنواست او. غير از او سرپرستي ندارند و در فرمانروائيش كسي را شريک نمي کند (26)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: يکي از الگوهاي قابل تحسين گذشته اصحاب کهف بودند که راه حق را رفتند، گرچه ظاهراً به نظر مي آمد به ضررشان است.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد و

ای پیامبر! برای انجام رسالتت اینقدر بخودت فشار نیاور .

در این پاراگراف می فرماید : ای مسلمانان ! آینده ازآن عقیده شماست . لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید وعقیده صحیح تان راحفظ کنید . عقیده صحیح شما درآینده فراگیر خواهد شد .

**3 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 9 تا 26 با ذکر داستان اصحاب کهف تلویحا به آنحضرت و پیروانش میگوید که خداوند کار خویش را پیش می برد ولو اینکه شما نتوانید کار خاصی کنید و در این مطلب وعده پیروزی جبهه آنحضرت و پیروانش نهفته است .

در آیه 28 که حاوی توصیه صبر و توجه بیشتر به اعضاء جبهه خودی است این پیام نهفته است که این ایام به پایان خواهد رسید و تو و پیروانت موفق خواهید شد .

1- در رابطه با آیه 18 چگونه یکنفر می­تواند چنانکه در آیه 25 ذکر شده، سیصد سال بخوابد؟

در آیه فرموده، «آنها را به چپ و راست می­گرداندیم» به این ترتیب از فساد و عفونت بدن آنها که مدتی طولانی را در یک حالت بسر ببرند جلوگیری می­شد.

ذکر این موضوع با توجه به زمان نزول این آیات یک پیشگوئی علمی تحقق یافته بوده و دارای بار اعجازی است.

2- با توجه به آیه 25 چنانکه امروزه می­دانیم سیصد سال شمسی و سیصد و نه سال قمری با هم مساویند و این موضوع نیز با توجه به زمان نزول این سوره که در کل جهان هنوز یک تقویم درست و دقیق طراحی نشده بود (چه رسد به اعراب بی­تمدن بی­سواد آن روزها) یک معجزه علمی است.

3- با توجه به آیه 17 در شرحی که از وضعیت آفتاب در رابطه با غار آنها می­دهد معلوم می­شود این غار، غاری است که روزی کشف خواهد شد و کاشفان از روی این علامتها تشخیص خواهند داد که غار موردنظر کاشفان بدرستی همان غار مورد بحث هست یا نه.

و چنانکه می­دانیم این غار با همین مشخصات در پنجاه سال اخیر کشف شده، و این آیه به یکی از معجزات قرآنی تبدیل گشته است.

**4 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیات 22 و 23 و 24 کلا پرانتز است، دلیلش هم اینکه اگر چشم بر آنها بسته و قبل و بعدشان را وصل کنیم خواهیم دید روال سخن صاف و بی سکته خواهد بود.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿9﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿10﴾ فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿11﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿12﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿13﴾ وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُوَ مِن دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا ﴿14﴾ هَؤُلَاء قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿15﴾ وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنشُرْ لَكُمْ رَبُّكُم مِّن رَّحمته ويُهَيِّئْ لَكُم مِّنْ أَمْرِكُم مِّرْفَقًا ﴿16﴾ وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَت تَّزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَت تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا ﴿17﴾ وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿18﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُم بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُم بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿19﴾ إِنَّهُمْ إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَن تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿20﴾ وَكَذَلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَّبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿21﴾**

**2**

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِم مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاء ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِم مِّنْهُمْ أَحَدًا ﴿22﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿23﴾ إِلَّا أَن يَشَاء اللَّهُ وَاذْكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَن يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا ﴿24﴾

**3**

**وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ﴿25﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿26﴾**

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 17 از این لحاظ که غاری با مشخصات این پاراگراف تا 1300 سال پس از نزول این سوره هنوز کشف نشده بود، فوق ذهنیات مخاطبان اولیه میباشد.

آیه 25 از این لحاظ که با ذکر جمله «و ازدادوا تسعا» فرق بین سالهای شمسی و قمری را بیان میکند (که 300 سال شمسی 309 سال قمری میشود) فوق ذهنیات مخاطب اولیه بود، که تا پیدایش عمرخیام و در زمان جلال الدین ملکشاه سلجوقی با ظهور «تقویم جلالی» توسط عمرخیام این جمله «و ازدادوا تسعا» مفهوم، و داخل ذهنیات ریاضیدانان شد، و قبلا مفهوم نبود.

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

يکي از الگوهاي قابل تحسين گذشته اصحاب کهف بودند که راه حق را رفتند، گرچه ظاهراً به نظر مي آمد به ضررشان است.

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

با توجه به ترتیب نزول سوره ها ، تقریبا تمام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**پیام اصلی این پاراگراف**

در این قسمت با ذکر و شرح داستان اصحاب کهف تلویحاً به مسلمانان می­فرماید که زمان بنفع ایمان و مؤمنان عمل می­کند و مؤمن اگر نتواند اوضاع و احوال اجتماعی زمان خویش را عوض کند، برایش بهتر است لااقل ایمان خودش را حفظ کند و در آخرت زیانکار نباشد و البته زمانه بنفع ایمان او عوض خواهد شد چه او باشد و چه نباشد.

در آن زمان، این آیات به مسلمانان کمک می­کرد بر ناملایمات صبر کنند و منتظر تغییر اوضاع و احوال بنفع جامعه کوچک تحت فشار اما مطمئن و امیدوار خویش باشند و خودشان نیز در این تغییر نقشی ایفا کنند.

**چند دریافت مستقیم و کوتاه**

آیه 9: ما آدمیان عادت کردیم دست خداوند را در کارهای نادر و خارق­العاده ببینیم مثلاً در خسوف و کسوف بیاد خداوند می­افتیم اما در گردش معمولی شب و روز و ماه و خورشید، بیاد خداوند نمی­افتیم. اگر نیک بیاندیشیم این چیزهائی که به آنها عادت کرده­ایم، آیه و نشانه بیشتری دارد تا آن چیزهای نادر و عجیب.

آیه 10: اگر توجه فرموده باشید تاکنون در بسیار جاها که کلمه «رحمت» را دیدیم، بمعنی وحی و هدایت خاص الهی و هدایت مربوط به ایمان و خلاصه، «لطف خداوندیی که مربوط به ایمانیات باشد» بوده و در این آیه نیز چون آنها راجع به ایمانشان نگران بودند، این تعبیر بکار رفته است.

آیه 13: از عبارت «بر حق» یا «به حق» معلوم می­شود داستان­هائی مربوط به اصحاف کهف در آن روزها بصورت افسانه و مخلوطی از حق و باطل بین مردم وجود داشت که در این سوره، آن افسانه­ها پالایش و بازگوئی و تصحیح شده است.

آیه 21: «آنها»ی اول، کسانی است که متوجه وضع آنها شدند و «آنها»ی دوم، همان اصحاب غار هستند. «تا بدانند وعده خدا حق است» یعنی اهل آن شهری که به وضع اصحاب غار مطلع شدند بدانند که قیامت بر پا خواهد شد. اینکه فرموده «بین خویش راجع به آنان مجادله می­کردند» یعنی اهالی آن شهری که به وجود آنها پی بردند راجع به اصحاب کهف بین خودشان مجادله می­کردند. «بنای (یادبودی) بر آنها بنا کنید» نشانه از این است که اصحاف کهف پس از اینکه مردم به وضع آنها اشراف و اطلاع یافتند و آنها هم فهمیدند که زمانه عوض شده و حالا دیگر ایمان به خدا و روز جزا پذیرفته شده است، وفات یافتند.

آیه 22: طی شرح مفصلی می­فرماید تعدادشان مهم نیست به پیام اصلی توجه کنید. پیام اصلی این است که کسی که به هیچ روی نمی­تواند ایمانش را در جامعه­ای حفظ کند، باید از آن جامعه کناره بگیرد و در آنصورت مورد لطف و رحمت خداوند خواهد بود.

**جمع بندی و تفسیر**

**آيا فکر ميکني اصحاب آن غار و آن نوشته از نشانه هاي عجيب ما هستند؟(9) آن هنگام که آن جوانان به آن غار پناه آوردند و گفتند پروردگارا ازجانب خويش رحمتي بما عطا کن و برايمان در کارمان هدايتي فراهم فرما (10) پس در آن غار چند سالي آنها را به خواب برديم (11) آنگاه آنها را برانگيختيم تا معلوم کنيم کدام يک از آن دو گروه مدتي را که** (در خواب) **درنگ کرده بودند بهتر ميشمارند (12) ما قصه آنها را به حق بر تو ميخوانيم. آنها جواناني بودند که به پروردگارشان ايمان آورده بودند و** (ما نيز) **هدايتشان را زياد کرديم (13) و دلهاشان را قوي نموديم ، هنگاميکه قيام کردند و گفتند پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمين است و ما هرگز غير از او را نخواهيم خواند زيرا که در آنصورت سخني بيجا گفته ايم (14) اينها قوم ما هستند که غير از او خداياني بر گرفته اند پس چرا در موردشان دليلي روشن ارائه نمي کنند؟ و چه کسي ظالمتر است از کسي که بر خداوند افتراي دروغ بندد؟(15)** [به آنان الهام شد] **و اينك كه از آنها و آنچه غير از خداوند مي پرستند دوري مي کنيد ، در آن غار پناه گيريد که پروردگارتان از رحمتش بر شما بگسترد و در کارتان برايتان گشايشي فراهم سازد (16)** {و آفتاب را مي ديدي که هنگام طلوع از غارشان بطرف راست متمايل ميشد و هنگام غروب بطرف چپ ميگرديد و آنان در فراخناي آن بودند. اين از نشانه هاي خداوند است.هر که را خداوند هدايتش کند همو هدايت شده است و کسي را که گمراه کند هرگز براي او سرپرست رشد دهنده اي نخواهي يافت} **(17) و آنها را بيدار مي پنداشتي در حاليکه خوابيده بودند و ما آنها را به راست و چپ ميگردانديم و سگشان دو دست خود را بر آستانه** (غار) **گشوده. اگر بر آنان درمي آمدي بحالت فرار روي ميگرداندي و از آنها پر از ترس ميشدي (18) و چنين بود که آنها را برانگيختيم تا از يکديگر پرسش کنند. يکي از آنها گفت چقدر** (در اينجا) **درنگ کرده ايد؟ گفتند يک روز يا قسمتي از آن. گفتند پروردگارتان مدت درنگ شما را بهتر ميداند. اينك يکي را با اين پول به شهر بفرستيد تا ببيند كدام خوراك بهتر است و روزيي از آن بياورد و بايد ملتفت باشد که کسي متوجه شما نشود (19) که اگر بر وضع شما مطلع شوند سنگسارتان مي کنند يا شما را به دين خويش برميگردانند و در آنصورت هرگز رستگار نخواهيد شد (20) و چنين بود که آنها را بر وضعشان مطلع کرديم تا بدانند وعده خدا حق است و اينکه درباره قيامت شکي نيست. آن هنگامي که بين خويش راجع به آنها مجادله ميکردند و گفتند بناي** (ياد بودي) **بر آنها بنا کنيد. پروردگارشان به حال آنها داناتر است. آنهائي که درباره کار آنها** (بر ديگران) **غالب شده بودند گفتند بر** (غار) **آنها مسجدي خواهيم ساخت (21)** {خواهند گفت سه تا بودند که چهارمي شان سگشان بود و بعضي ميگويند پنج تا بودند که ششمي شان سگشان بود. تيري در تاريکي مي اندازند و ميگويند هفت تا بودند و هشتمي شان سگشان بود.بگو پروردگارم به تعداد آنها داناتر است.جز عده كمي، کسي (حقيقت را) نميداند. پس با آنها مجادله مکن مگر بگو مگوئي سرسري و درباره آنها از هيچ كدام از آنها نظر خواهي مکن (22) و هرگز مگو فردا آن کار را خواهم کرد (23) مگر آنکه بگوئي اگر خدا بخواهد، و اگر فراموش کردي پروردگارت را ياد کن و بگو چه بسا پروردگارم به نزديکتر از اين راهنمائيم کند}(24) **درغارشان سيصد سال ماندند و نُه سال بر آن افزودند (25) بگو خداوند بهتر ميداند چه مدت ماندند. غيب آسمانها و زمين از آن اوست. چه بينا و شنواست. غير از او سرپرستي ندارند و در فرمانروائيش كسي را شريک نمي کند (26)**

**کهف3 آیات27تا49**

**وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿27﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿28﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاء فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاء فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاء كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءتْ مُرْتَفَقًا ﴿29﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿30﴾ أُوْلَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿31﴾ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿32﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ﴿33﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿34﴾ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿35﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا ﴿36﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ﴿37﴾ لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿38﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاء اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تُرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿39﴾ فَعَسَى رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاء فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿40﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿41﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿42﴾ وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿43﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿44﴾ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاء أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاء فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿45﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿46﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿47﴾ وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا ﴿48﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿49﴾**

**ای پیامبر! آنچه را که بسويت از کتاب پروردگارت وحي شده پيروي کن که چيزي کلماتش را تغيير نميدهد و هرگز جز او پناهي نخواهي يافت (27) و خود را با کسانی که پروردگارشان را صبح ها و شبها ميخوانند و رضايتش را ميجويند شکيبا کن و مبادا چشمانت از آنها بلغزد و زينت زندگي دنيا را بخواهي و اطاعت کسي را مکن که قلبش را از يادمان غافل کرديم و خواسته دلش را پيروي ميكند و کارش به تباهي گرايش يافته است (28) و به همگان بگو حق از جانب پروردگارتان است . هر کس خواهد ايمان بياورد و هر کس خواهد کفر پيشه کند . که البته ما براي ظالمان آتشي تهيه کرده ايم که سراپرده هاي آن آنها را فرا ميگيرد و هر وقت که اظهار تشنگي کنند چنين به فريادشان خواهند رسيد که آبي مانند مس گداخته به آنها ميدهند که صورتهايشان را بريان مي کند . چه نوشابه بد و چه آسايشگاه بدي است (29) البته كساني كه ايمان آورده و عمل شايسته كنند بدانند كه پاداش کسي را که کار نيکو کرد ضايع نخواهيم نمود (30) بهشتهائي جاودان خواهند داشت که در کف آن نهرها جاري است . در آن دستبندهائي از طلا به بر و لباسهائي سبز از حرير و ديبا به تن کنند و بر تخت ها تکيه زنند . چه پاداش خوبي و چه آسايشگاه نيکويي است (31) برايشان مَثَل آن دو نفر را بزن که براي يکي شان دو باغستان انگور مهيا کرديم و دور تا دور هر دو را با نخل پوشانديم و بين آنها کشتزاري قرار داديم (32) هر دو اين باغها ميوه هايشان را ميدادند و هيچ نقصان نمي يافت و بين آندو نهري بشکافتيم (33) و بار و بري بهم رسانده بودند . آنگاه كه با رفيقش گفتگو ميکرد به او ميگفت من از تو ثروتمندتر و نيرومندترم (34) و داخل باغش شد در حاليکه بر خويش ظالم بود و ميگفت گمان نکنم كه اين هرگز از بين برود (35) و گمان نکنم قيامت هم بپا شود و تازه اگر هم مرا بسوي پروردگارم برگردانند حتمأ جايگاهي از اينهم بهتر خواهم يافت (36) رفيقش که با او گفتگو ميکرد گفت آيا به کسي که ترا از خاک و سپس از نطفه اي آفريد و سپس ترا بصورت مردي ساخته و پرداخته درآورد کافر شدي؟ (37) اما بنظر من ، او خداوند پروردگار من است و من هرگز با پروردگارم شريک قرار نميدهم (38) و چرا هنگاميکه داخل باغت شدي نگفتي «هر چه خدا بخواهد ، هيچ نيروئي جز نيروي خدا نيست»؟ اگر هم مي بيني که من از لحاظ مال و اولاد از تو کمترم (39) چه بسا پروردگارم بهتر از باغت را بمن بدهد و از آسمان صاعقه اي به آن فرستد که زميني باير شود (40) يا اينکه آب آن فرو رود و نتواني آن را باز يابي (41) و اتفاقاتی برایش افتاد ، تا اينكه ميوه اش بر باد رفت و او دستهايش را به حسرتِ مالي که خرج کرده بود به هم میمالید و زير و رو ميکرد و بعدا داربست های آن باغ نيز فرو ريخت و او ميگفت اي کاش براي پروردگارم شريک قرار نداده بودم (42) و لشکري نداشت که در قبال خدا ياريش کنند و خودش نيز ياريگر خويش نبود (43) اینکه دنیاست ، در آخرت برای همگان معلوم خواهد شد که سروري خاص خداست که حق است. هم پاداش او بهتر و هم سرانجام دادن او نيکوتر است (44) ای پیامبر! از زندگي دنيا برايشان مثلي بزن که مانند آبي است که از آسمان فرو مي فرستيم و روئيدني هاي زمين با آن در مي آميزند ، سپس خشک ميشود ، تا آنکه بادها آنها را پراکنده کند ، و خداوند بر همه چيز تواناست (45) مال و فرزندان زينت زندگي دنياست و چيزهاي ماندنيِ شايسته نزد پروردگارت از لحاظ پاداش و اميدواري بهتر است (46) روزي خواهد رسید که کوهها را به جنبش درآوريم و زمين را آشكار بينند و آنها را گِرد آوريم و يکي را هم فرو گذار نکنيم (47) و آنها به پروردگارت بصورت صف عرضه شوند ، خطاب میشود همانگونه که بار اول شما را آفريده بوديم بسويمان آمديد بلکه مي پنداشتيد که هرگز برايتان موعدي قرار نداده ايم (48) و کتابِ قانون جزاء گذاشته ميشود و مجرمان را بيني که از آن نگرانند و گويند واي بر ما اين چه کتابي است که هيچ کوچک و بزرگي را وا نگذاشته مگر که آنرا به حساب آورده و آنچه که انجام داده اند همه را حاضر مي­يابند و پروردگارت به هيچکس ظلمي نمي کند (49)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب : اي پيامبر! با پیروانت صبور باش و وضع هر دو گروه مؤمن و کافر را با توجه دادن به قیامت و دومثال حکمت آميز برایشان تشریح کن .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد و

ای پیامبر! برای انجام رسالتت اینقدر بخودت فشار نیاور .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مسلمانان ! آینده ازآن عقیده شماست . لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید وعقیده صحیح تان راحفظ کنید . عقیده صحیح شما درآینده فراگیر خواهد شد .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیامبر ! هردوگروه کافر و مومن دراین جهان میباید امکان لازم رابرای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی رابه همگان ابلاغ کنی وبـا پیروانت صبور باشی وبه کافران نیز اهمیتی مده .

ای پیروان پیامبر ! دل خوش داریدکه بزودی دوره ناراحتــی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفانتان ازآن بی بهره خواهند بود .

**3 - سوالات**

1-داستان فوق این مطلب را به ذهن خواننده القاء میکندکه اشخاص مومنِ خوش عمل دراین جهان موفق ، واشخاص مقابل آنها ناموفق خواهند بود . بادرنظرگرفتن اینکه در موارد بسیار زیادی خلاف این مشاهده میگردد ، شما این داستان راچگونه توجیه می کنید؟ (این داستان کلیت ندارد ولی موضوع آن نادر هم نیست؟ یا....؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

از آیه 28 فهمیده میشود برخی از پیروان آنحضرت رفتارهای نامطلوبی داشتند که سبب طعن مخالفان و در نتیجه آزار ایشان میشد و آنها به چشم آنحضرت چیزی نمی آمد و این موضوع شبیه همان مطالبی است که در سوره عبس و سوره­های دیگر که یاد پیروان حضرت نوح(ع) در آنها شده است، دیده­ایم. خلاصه اینکه می­فرماید به طعنه مخالفان اهمیتی نده و از اینکه طعنه آنها در دلت راه یابد مقاومت کن و با پیروان خویش، بیش از پیش نزدیک باش.

و نیز آنحضرت چنین می اندیشید که اگر ثروتی میداشت موضوع رسالتش را بهتر میتوانست پیش ببرد ، و نیز چنین می اندیشید که کاش میشد یک جوری میتوانست با «بزرگان» مخالف خویش بطوری مماشاتی میکرد ، که در آیه مذکور خداوند همه این تصورات را رد میفرماید .

1 - «واضرب لهم» در آیه های 32 و 45 از جنس تقریرات است و مانند «قل» های قرآنی است ، که به آنحضرت می آموزد که اینک که اوضاع اینطورها است ، به عنوان پاتک چنین بگو ، (نه اینکه موضوع داستان آن دو نفر باغدار یک حکم کلی باشد – زیرا «خط قرآنی» (چنانکه در سوره لیل و سوره اسراء و چند جای دیگر مکررا دیدیم و گفتیم) این است که ایمان و کفر در این جهان چندان اثری در کسب ثروت یا از دست دادن آن ندارد -

2 – اینکه «واضرب لهم» آیه 45 یک مثال صحیحی می باشد و کلیت هم دارد نباید ما را به این تصور بیاندازد که «واضرب لهم» آیه 32 نیز کلیت دارد ، گرچه از آیه 42 فهمیده میشود در یک زمانی و در یک جائی چنین اتفاقی افتاده ، اما واقعیات تاریخی ، و فعلی ، و مهمتر از آنها «خط سخن قرآنی» ، کلیت موضوع داستان دو نفر باغدار مذکور را نفی میکند .

از آیه های 35 و 36 فهمیده میشود مخالفان فعال آنحضرت این تصور را داشتند که ثروت و مکنت شان باقی خواهد بود و همچنین اینطور فکر میکردند که در نظر خداوند عزت دارند و مورد لطف او هستند که سبب شده خداوند به آنها ثروت و مکنت عطا کنند و همین فکر در ادامه اش آنها را به اینجا میرساند که در صورتی که قیامتی هم وجود داشته باشد وضع آنها از پیروان آنحضرت بهتر خواهد بود .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

آیه 31 فرع بر آیه 30 است و این واضح است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَن تَجِدَ مِن دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿27﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿28﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاء فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاء فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاء كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءتْ مُرْتَفَقًا ﴿29﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: اي پيامبر! با پیروانت صبور باش و به کافران اهمیت بیش از حد مده.**

**2**

**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿30﴾ أُوْلَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿31﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: اي مومنان! به عاقبت خوبی که در پیش دارید شاد باشید.**

**3**

**وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿32﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ﴿33﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿34﴾ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا ﴿35﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدتُّ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنقَلَبًا ﴿36﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ﴿37﴾ لَّكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿38﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاء اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تُرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿39﴾ فَعَسَى رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاء فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿40﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿41﴾ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿42﴾ وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿43﴾ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿44﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: اي پیامبر! کافر ممکن است در این دنیا برخوردار باشد اما در آخرت بهره ای ندارد.**

**4**

**وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاء أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاء فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿45﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿46﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: ای مومنان! به این دنیا دل مبندید.**

**5**

**وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿47﴾ وَعُرِضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَّقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَّجْعَلَ لَكُم مَّوْعِدًا ﴿48﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿49﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: ای مردم! این عاقبت همگان است، آیا نگرانش هستید؟**

**6 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 29 از این لحاظ که کسی نمیتواند تصوری از آن داشته باشد، زیرا کسی درکش نکرده، فوق ذهنیات ماهم هست، چه رسد به مخاطبان اولیه.

همچنین است آیه 31 .

و همچنین آیات 47 تا 49 .

**7 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

یکی ممکن است معترض شود که «یعنی چه که بسیار این تیتر را تکرار میکنی و این جواب ثابت را هم زیرش میدهی؟»

در این خصوص باید خاطر نشان کنیم که یک شبهه ای اخیرا در سطح وسیع القا شده که مطالب قرآن اول باید از این لحاظ چِک شود که معاصران نزول از آن چه می فهمیده اند . ماهم با بیان دلیل فوق در حقیقت داریم پاراگراف به پاراگراف آن شبهه را چک میکنیم .

آنچه تا کنون فهمیده ایم این بوده که معاصران نزول اکثر قریب به اتفاق حجم قرآن را همانطور می فهمیده اند که ما امروز می فهمیم .

**8 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - اي پيامبر! با پیروانت صبور باش

2 - ای پیامبر! و وضع هر دو گروه مؤمن و کافر را از طریق جلب توجه به قیامت برایشان تشریح کن .

**9 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

تقریبا تمام عناصر این پاراگراف مسبوق به سابقه یا سوابقی در سوره های قبل (البته «قبل» به ترتیب نزول) می باشند .

**جمع بندی و تفسیر**

**و آنچه را بسويت از کتاب پروردگارت وحي شده پيروي کن که چيزي کلماتش را تغيير نميدهد و هرگز جز او پناهي نخواهي يافت (27) و خود را با آنان که پروردگارشان را صبح ها و شبها ميخوانند و رضايتش را ميجويند شکيبا کن و مبادا چشمانت از آنها بلغزد و زينت زندگي دنيا را بخواهي و اطاعت کسي را مکن که قلبش را از يادمان غافل کرديم و خواسته هايش را پيروي ميكند و کارش به تباهي گرايش يافته است (28) و بگو حق از جانب پروردگارتان است . هر کس خواهد ايمان بياورد و هر کس خواهد کفر پيشه کند . که البته ما براي ظالمان آتشي تهيه کرده ايم که سراپرده هاي آن آنها را فرا ميگيرد و هر وقت که اظهار تشنگي کنند چنين به فريادشان خواهند رسيد که آبي مانند مس گداخته به آنها ميدهند که صورتهايشان را بريان مي کند . چه نوشابه بد و چه آسايشگاه بدي است (29) البته كساني كه ايمان آورده و عمل شايسته كنند** (بدانند كه) **پاداش کسي را که کار نيکو کرد ضايع نخواهيم نمود (30) بهشتهائي جاودان خواهند داشت که در کف آن نهرها جاريست . در آن دستبندهائي از طلا به بر و لباسهائي سبز از حرير و ديبا به تن کنند و بر تخت ها تکيه زنند . چه پاداش خوبي و چه آسايشگاه نيکويي است (31)** **برايشان مثل آن دو نفري را بزن که براي يکي شان دو باغستان انگور مهيا کرديم و دور تا دور هر دو را با نخل پوشانديم و بين آنها کشتزاري قرار داديم (32) هر دو اين باغها ميوه هايشان را ميدادند و هيچ نقصان نمي يافت و بين آندو نهري بشکافتيم (33) و بار و بري بهم رسانده بودند . آنگاه كه با رفيقش گفتگو ميکرد به او ميگفت من از تو ثروتمندتر و نيرومندترم (34) و داخل باغش شد در حاليکه بر خويش ظالم بود و ميگفت گمان نکنم كه اين هرگز از بين برود (35) و گمان نکنم قيامت هم بپا شود و تازه اگر هم مرا بسوي پروردگارم برگردانند حتمأ جايگاهي از اينهم بهتر خواهم يافت (36) رفيقش که با او گفتگو ميکرد گفت آيا به کسي که ترا از خاک و سپس از نطفه اي آفريد و سپس ترا بصورت مردي ساخته و پرداخته درآورد کافر شدي؟(37) اما بنظر من ، او خداوند پروردگار من است و من هرگز با پروردگارم شريک قرار نميدهم (38) و چرا هنگاميکه داخل باغت شدي نگفتي «هر چه خدا بخواهد ، هيچ نيروئي جز نيروي خدا نيست»؟ اگر هم مي بيني که من از لحاظ مال و اولاد از تو کمترم (39) چه بسا پروردگارم بهتر از باغت را بمن بدهد و از آسمان صاعقه اي به آن** (باغت) **فرستد که زميني باير شود (40) يا اينکه آب آن فرو رود و نتواني آن را باز يابي (41)** (تا اينكه) **ميوه اش بر باد رفت و او دستهايش را** (به حسرت) **مالي که خرج کرده بود زير و رو ميکرد و داربست هائي آن نيز فرو ريخت و ميگفت اي کاش براي پروردگارم شريک قرار نداده بودم (42) و لشکري نداشت که در قبال خدا ياريش کنند و خودش نيز ياريگر خويش نبود (43) در آنجا سروري خاص خداست که حق است. هم پاداش او بهتر و هم سرانجام دادن او نيکوتر است (44) و از زندگي دنيا برايشان مثلي بزن که مانند آبي است که از آسمان فرو مي فرستيم و روئيدني هاي زمين با آن در مي آميزند ، سپس خشک ميشود ، تا آنکه بادها آنها را پراکنده کند ، و خداوند بر همه چيز تواناست (45) مال و فرزندان زينت زندگي دنياست و چيزهاي ماندنيِ شايسته نزد پروردگارت از لحاظ پاداش و اميدواري بهتر است (46)** **و روزي که کوهها را به جنبش درآوريم و زمين را آشكار بيني و آنها را گرد آوريم و يکي را هم فرو گذار نکنيم (47) و آنها به پروردگارت بصورت صف عرضه شوند ،** [خطاب میشود] **البته همانگونه که بار اول شما را آفريده بوديم بسويمان آمديد بلکه مي پنداشتيد که هرگز برايتان موعدي قرار نداده ايم (48) و کتاب گذاشته ميشود و مجرمان را بيني که از آن نگرانند و گويند واي بر ما اين چه کتابي است که هيچ کوچک و بزرگي را وا نگذاشته مگر که آنرا به حساب آورده و آنچه که انجام داده اند همه را حاضر مي­يابند و پروردگارت به هيچکس ظلمي نمي کند (49)**

**کهف4 آیات50 تا59**

**وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاء مِن دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿50﴾ مَا أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿51﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿52﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿53﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿54﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿55﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ﴿56﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَن يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿57﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا ﴿58﴾ وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ﴿59﴾**

**و هنگاميکه به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد ، پس سجده کردند مگر ابليس که از جن بود . و از امر پروردگارش سر پيچيد . آيا او و فرزندانش را بجاي من دوست و سرپرست ميگيريد؟ در حاليکه آنها دشمن هستند؟ براي ظالمان چه بد جايگزيني است (50) هنگام آفرينش آسمانها و زمين و آفرينش خودشان آنها را شاهد نگرفتم و اينطور نيستم که گمراهان را به کمک بگيرم (51) و در روز قیامت که خداوند ميگويد آنهائي را که شرکايم تصور ميکرديد بخوانيد . و ميخوانندشان اما جوابي دريافت نمي کنند و بين آنها هلاکتگاهي قرار داديم (52) و مجرمان آتش را مي بينند و گمان مي کنند که در آن واقع خواهند شد و چيزي نمي يابند كه از آن دورشان كند (53) و البته در اين قرآن از هر مثلي ، بطوري گوناگون براي مردم آورده ايم و انسان از هر چيزي پرخاشگرتر است (54) و هنگاميکه هدايت بسوي مردم آمد چيزي مانع آنان نشد که ايمان آورند و از پروردگارشان آمرزش خواهند مگر اينکه به همان روش پيشينيان پرداختند که ايمان نياورند يا اينکه عذاب به استقبالشان آمد (55) و رسولان را نمي فرستيم مگر اينکه مژده و هشدار دهند و کافران به باطل جدل مي کنند تا حق را با آن از بين ببرند و نشانه هايم و مايه هاي هشدار را به مسخره ميگيرند (56) و چه کسي ظالمتر است از کسي که به نشانه هاي پروردگارش پند داده شود، اما از آن روي برگرداند و آنچه را که از پيش فرستاده فراموش کند؟ ما بر دلهايشان پوشش ها نهاده ايم که آنها را نفهمند و در گوشهايشان سنگيني قرار داده ايم و اگر آنها را بسوي هدايت بخواني، هرگز هدايت نخواهند يافت (57) و پروردگارت آمرزشگرِ صاحب رحمت است . اگر آنها را بخاطر اعمالشان مواخذه کند عذابشان جلو خواهد افتاد. بلکه موعدي دارند که از آن گريزگاهي نخواهند يافت (58) اين داستانها که قبلا برایت گفته ایم داستان شهرهائي بود که وقتي ظلم کردند هلاکشان کرديم و براي هلاکتگاهشان موعدي قرار داديم (59)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب : ای مردم! از اخلاق ابلیسی دوری کنید و به راه حق روی کنید و نگران آینده حتمی خود باشید و از پیروی مجرمان گمراه صرفنظر کنید و به راه درست روی کنید .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد وای پیامبر! برای انجام رسالتت اینقدر بخودت فشار نیاور .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مسلمانان ! آینده ازآن عقیده شماست . لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید وعقیده صحیح تان راحفظ کنید . عقیده صحیح شما درآینده فراگیر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! هردوگروه کافر و مومن دراین جهان میباید امکان لازم رابرای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی رابه همگان ابلاغ کنی وبـا پیروانت صبور باشی وبه کافران نیز اهمیتی مده .

ای پیروان پیامبر ! دل خوش داریدکه بزودی دوره ناراحتــی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفانتان ازآن بی بهره خواهند بود .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیروان پیامبر ! ازدوستی وتاثیر پذیری از دوستان شیطان بپرهیزید و خود را یکسره به جریان حق وهدایت الهی بسپارید ، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می­دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند .

**3 - سوالات**

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟( هشداربه کافران ؟یا.....؟ )

2- چراخداوند دراینجا ازضمیر«من» (یقول شرکائی) استفاده فرموده؟

3- چرا خداوند دراینجا از ضمیر«ما» (جعلنا) استفاده فرموده؟

4- منظور از «موبق» (آیه52) چیست؟

5 - « **وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ** » (آیه55) باکدام کلید تفسیر مطابق است؟

6 - « **وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ** » (آیه57) چطور؟

7 - حالت کلی آیه58 چگونه است؟

8- ازمطالب این پاراگراف چه «حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها» میتوان زد؟

9 – منظور از «انسان» (آیه54) چیست؟ (همه انسانها؟ اکثریت انسانها؟ ...یا؟)

**4 - حدسیاتی از اوضاع و احوال آن روزها**

در آیه 54 تلویحا به آنحضرت میفرماید که جنس انسان طوری است که براحتی زیر بار حرف حساب نمیرود و لذا خیلی انتظار نداشته باش موضوع رسالتت به نرمی و سهولت پیش برود .

**5 - کلید های تفسیری**

**اصلی-فرعی:**

اگر دقت کنید خواهید دید که سه آیه 55 تا 57 دارد درباره «جدلا» آیه 54 صحبت می­کند بطوری که در آیه 55 آن را تعلیل می­کند و در آیه 56 نیز همان تعلیل مشاهده می­­شود و در آیه 57 آن مجادله بی­جا نکوهش می­شود لذا سه آیه مذکور فرع بر آیه 54 است.

آیه 59 نیز فرع بر آیه 58 است و این واضح است.

**ریز کردن پاراگراف تا حد امکان:**

**1**

**وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاء مِن دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿50﴾ مَا أَشْهَدتُّهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنفُسِهِمْ وَمَا كُنتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ﴿51﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا ﴿52﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿53﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: ای مردم! مبادا گمراه کنندگان در مسیر زندگی دنیوی و اخروی تان تاثیر بگذارند.**

**2**

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿54﴾

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: ای کافران! خداوند برای هدایت دو جهانِ مردم همه چیز را گفته، اینقدر جدل-پیشه نباشید.**

**3**

**وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءهُمُ الْهُدَى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿55﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا ﴿56﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَن يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿57﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: ای کافران! مبادا مانند گذشتگان رفتار کنید و آنقدر ایمان آوری را به تاخیر بیاندازید تا اینکه عذاب بر شما فرود آید.**

**4**

**وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُم بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا ﴿58﴾ وَتِلْكَ الْقُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ﴿59﴾**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: ای پیامبر! خداوند حیفش می آید آنها را به سبب رفتارشان معذب کند و موعدی برایشان قرار داده، تا عده ای به راه بیایند و خداوند ببخشدشان.**

**6 - آیات برجسته این پاراگراف**

آیه 54 از لحاظ اقبال شدید هنرمندان، اعم از خوشنویس و کاشی ساز وغیره، که سبب شده اند پوستر ها و تابلو های کوچک و بزرگی از این آیه در بسیاری از امکنه قرار گیرند و نیز محراب های عبادت و زیارتگاه ها به آن تزیین شوند، در زمره آیات برجسته قرآنی قرار میگیرد.

**7 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 50 از این لحاظ که وقایعی را ذکر میکند که در فضائی غیر از فضای مانوس و ملموس ما رخ داده، و لذا کسی ذهنیتی از آن ندارد، و نمیتواند داشته باشد، فوق ذهنیات مخاطبان اولیه نیز هست.

و همچنین است موقعیت آیه های 52 و 53 .

**8 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما.

**9 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 - ای مردم! از اخلاق ابلیسی دوری کنید و به راه حق روی کنید و نگران آینده حتمی خود باشید.

2 – ای مردم! از پیروی مجرمان گمراه صرفنظر کنید و به راه درست روی کنید.

**10 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

در این پاراگراف فقط دو آیه 50 و 51 «برای اولین بار»است .

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگاميکه به ملائکه گفتيم به آدم سجده کنيد ، پس سجده کردند مگر ابليس که از جن بود . و از امر پروردگارش سر پيچيد . آيا او و فرزندانش را بجاي من دوست و سرپرست ميگيريد؟ در حاليکه آنها دشمن هستند؟ براي ظالمان چه بد جايگزيني است (50) هنگام آفرينش آسمانها و زمين و آفرينش خودشان آنها را شاهد نگرفتم و اينطور نيستم که گمراهان را به کمک بگيرم (51)** **و روزي که ميگويد آنهائي را که شرکايم تصور ميکرديد بخوانيد . و ميخوانندشان اما جوابي دريافت نمي کنند و بين آنها هلاکتگاهي قرار داديم (52) و مجرمان آتش را مي بينند و گمان مي کنند که در آن واقع خواهند شد و چيزي نمييابند كه از آن دورشان كند (53)** **و البته در اين قرآن از هر مثلي ، بطوري گوناگون براي مردم آورده ايم و انسان از هر چيزي پرخاشگرتر است (54)** {و هنگاميکه هدايت بسوي مردم آمد چيزي مانع آنان نشد که ايمان آورند و از پروردگارشان آمرزش خواهند مگر اينکه به همان روش پيشينيان پرداختند (که ايمان نياورند) يا اينکه عذاب به استقبالشان آمد.(55) و رسولان را نمي فرستيم مگر اينکه مژده و هشدار دهند و کافران به باطل جدل مي کنند تا حق را با آن از بين ببرند و نشانه هايم و مايه هاي هشدار را به مسخره ميگيرند.(56) و چه کسي ظالمتر است از کسي که به نشانه هاي پروردگارش پند داده شود، اما از آن روي برگرداند و آنچه را که از پيش فرستاده فراموش کند؟ ما بر دلهايشان پوشش ها نهاده ايم که آنها را نفهمند و در گوشهايشان سنگيني قرار داده ايم و اگر آنها را بسوي هدايت بخواني، هرگز هدايت نخواهند يافت}(57) **و پروردگارت آمرزشگرِ صاحب رحمت است . اگر آنها را بخاطر اعمالشان مواخذه کند عذابشان جلو خواهد افتاد. بلکه موعدي دارند که از آن گريزگاهي نخواهند يافت (58)** {اين ها شهرهائي بود که وقتي ظلم کردند هلاکشان کرديم و براي هلاکتگاهشان موعدي قرار داديم} (59)

**کهف5 آیات60تا82**

**وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّى أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿60﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿61﴾ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا ﴿62﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿63﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿64﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿65﴾ قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿66﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿67﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿68﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاء اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿69﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿70﴾ فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿71﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿72﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿73﴾ فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُّكْرًا ﴿74﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِي صَبْرًا ﴿75﴾ قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا ﴿76﴾ فَانطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿77﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿78﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءهُم مَّلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿79﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿80﴾ فَأَرَدْنَا أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ﴿81﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ﴿82﴾**

**و هنگاميکه موسي به جوان همراه خويش گفت آرام نخواهم گرفت تا به محل تلاقي آن دو دريا برسم يا اينکه مدتي طولاني در راه باشم (60) پس وقتي که به محل تلاقي آن دو رسيدند ماهي خويش را فراموش کردند و آن ماهي راه خود را در دريا در پيش گرفت (61) و چون از آنجا گذشتند به جوان همراه خويش گفت غذايمان را بياور که در اين سفر به رنجي دچار شديم (62) گفت ديدي وقتي بر آن صخره جاي گرفتيم ماهي را فراموش کردم؟ و جز شيطان مرا به فراموشي نيانداخت و آن بنحوي عجيب راهش را در دريا پيش گرفت (63) گفت اين همان چيزي است که بدنبالش بوديم پس جستجو کنان جاي پاي خويش را دنبال کرده و برگشتند (64) و بنده اي از بندگانمان را يافتند که رحمتي از جانب خويش به او داده و از نزد خود علمي به او آموخته بوديم (65) موسي به او گفت اجازه ميدهي پيرويت کنم تا از علمي که به تو آموخته شده بمن بياموزي و رشدي کنم؟ (66) گفت هرگز نميتواني همراهي مرا تحمل کني (67) و چگونه به چيزي صبر خواهي کرد که به اخبار آن احاطه نداري؟ (68) گفت انشاء الله مرا صبور خواهي يافت و تو را در هيچ موردي نافرماني نخواهم کرد (69) گفت پس اگر پيرويم ميکني از هيچ چيز سئوالي نکن تا خودم درباره آن به تو چيزي بگويم (70) و رفتند. تا اينکه به کشتيي سوار شدند که او آن عالِم آن را سوراخ كرد. موسی گفت آيا آنرا سوراخ ميكني تا اهل آنرا غرق کني؟ جدّا که کار ناشايستي کردي (71) گفت نگفتم نميتواني همراهي مرا تحمل کني؟ (72) موسی گفت بازخواستم مکن. فراموش کرده بودم . و با من سخت گيري هم مکن (73) و رفتند. تا اينکه به پسري رسيدند و او را کشت . گفت آيا يک شخص محترم را بدون اينکه قتلي کرده باشد کشتي؟ جدّا که کار بسيار زشتي کردي (74) گفت آيا نگفتم نميتواني همراهيم را تحمل کني؟ (75) گفت اگر بعد از اين چيزي پرسيدم ديگر مصاحبت مرا تحمل مکن که از جانب من معذور خواهي بود (76) و رفتند. تا اينکه به اهل شهري رسيدند و از آنها غذا خواستند و آنها از پذيرائي شان خودداري نمودند . اما در آن شهر ديواري يآفتند که داشت مي افتاد و او آنرا برپا داشت. موسی گفت اگر ميخواستي ميتوانستي براي آن کار دستمزدي بگيري (77) آن عالم گفت اين دیگر وقت جدائي من و توست . اينك معني آن چيزهائي را که نتوانستي تحملشان کني بتو خواهم گفت (78) اما آن کشتي، براي فقيران در دريا کار ميکرد و من خواستم معيوبش کنم زيرا پشت سرش پادشاهي در پي آن بود که کشتي ها را بطور غصبي ميگرفت (79) و اما آن پسر، پدر و مادرش مومن بودند و ترسيديم به کفر و طغيان دچارشان کند (80) و خواستيم که خداوند بهتر از او را جايگزين کند که پاکيزه تر و مهربان تر باشد (81) اما آن ديوار مال دو پسر يتيم در آن شهر بود و زير آن گنجي بود و پدرشان نيز صالح بود و پروردگارت خواست بعنوان رحمتي از جانب او به رشد خويش برسند و گنجشان را استخراج کنند و من اين کارها را سرخود نکردم. اين بود علت آن چيزهايي که نتوانستي تحملش کني (82)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب : اي مردم! بسياري از حوادث تلخ بر اساس حکمت است لذا صبر پيشه کنيد.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد وای پیامبر! برای انجام رسالتت اینقدر بخودت فشار نیاور .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مسلمانان ! آینده ازآن عقیده شماست . لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید وعقیده صحیح تان راحفظ کنید . عقیده صحیح شما درآینده فراگیر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! هردوگروه کافر و مومن دراین جهان میباید امکان لازم رابرای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی رابه همگان ابلاغ کنی وبـا پیروانت صبور باشی وبه کافران نیز اهمیتی مده .

ای پیروان پیامبر ! دل خوش داریدکه بزودی دوره ناراحتــی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفانتان ازآن بی بهره خواهند بود .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیروان پیامبر ! ازدوستی وتاثیر پذیری از دوستان شیطان بپرهیزید و خود را یکسره به جریان حق وهدایت الهی بسپارید ، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می­دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیروان(آن روز) رسول خدا (ص) ! اینک که شما به شرف اسلام مشرف شده اید مبادا غرور شما را بردارد وتصور کنید که مثلا حالا چه شده ! بلکه باید توجه داشته باشیدکه چه بسا کسانی هستند که نسبت شما با آنها مانند نسبت موسی(ع) با آن«عالم» است . علاوه بر این توجه داشته باشید که ممکن است اتفاقاتی بیفتد که شما خوش نداشته باشید اما درآن حکمتی نهفته باشد که بعدا متوجه شوید .

**3 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**4 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

اي مردم! بسياري از حوادث تلخ بر اساس حکمت است لذا صبر پيشه کنيد.

**5 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

تمام این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**آیات ضد تروریزم**

در رابطه با آیات 66تا82 داستان واضح است و شرحی نمی­طلبد اما این را هم باید بدانیم که کار صحیح همان کار شرع است که از همگان متابعت قوانین شرع خواسته شده است و طبق آن، سوراخ کردن کشتی و کشتن نفس محترمه و انجام کاری که سودی در آن نیست، حرام و ناپسند است و باید به آن اعتراض کرد و جلوی آنرا گرفت زیرا حضرت موسی(ع) که یکی از پیامبران بزرگ الهی بود، عملش حجت است .

اما کار آن «عالم» هم صحیح بود زیرا مستقیماً از خداوند و وحی دستور می­گرفت و چنانکه خودش هم اعتراف کرده بود، آن کارها را «سرخود» و «بعنوان نظر شخصی خویش» نکرده بود.

لذا هیچکس را نمی­رسد، ولو اینکه خیلی هم عالم باشد، کار خلاف شرع بکند و کار آن عالم نیز از جانب خویش نبود.

ضرر زدن به دیگران، و قتل نفس، و انجام کار بی­فایده، بطور قطع و یقین، از جانب هر کس که باشد، مذموم و ممنوع و خلاف است و این آیات یک سند واضح و روشن «ضد تروریسم» است که نزدیک به 1400 سال قبل نازل شده است.

علاوه بر آن، این آیات پیام دیگری هم برای مخاطبان آن روزی قرآن دارد که بر ناملایمات صبر کنید.

مثلاً وقتیکه می­بینید ضرر مالی به شما رسید یا یکی از عزیزانتان مریض شد یا مرد، یا مجبور شدید کاری که برایتان نفعی ندارد انجام دهید، و غیره، چنان افسرده و ناراحت نشوید، چه بسا که در ورای آن حکمتی نهفته باشد، که براساس آن، آن واقعه، در مجموع، به نفع شما باشد.

**دریافت­های کوتاه مستقیم**

آیه 60: فهمیده می­شود حضرت موسی مصمم بوده به محل تلاقی آن دو دریا برسد.

از بقیه مطالب فهمیده می­شود که آنحضرت می­خواسته آن «عالِم» را ملاقات کند بنابراین تصمیم او براساس وحیی بوده که دریافت کرده بود.

آیه 61: با توجه به سرگردانی چهل ساله بنی­اسرائیل در بیابان­های آن سرزمین که در هر حال نزدیک بیت­المقدس کنونی بوده، محل تلاقی آن دو دریا، باید مصب یک رود با دریای مدیترانه باشد زیرا قرآن، دربعضی جاهای دیگر نیز «آب زیاد» را «دریا» نامیده است.

آیه 61: «ماهی خویش» قاعدتاً باید ماهی خوراکی آنها باشد بنابراین می باید ماهیی پخته یا کباب شده بوده باشد ، یا لااقل ماهیی بوده باشد که برای خوردن همراه داشتند و هنوز پخته یا کباب نشده بود و قرار بوده بعداً بشود.

اما اینکه آن ماهی طبق آیه 63 راه خود را در دریا پیش گرفت، نوعی اتفاق خارق­العاده و معجزه­ای بوده که می­تواند براساس برخی روایات به علت خواص آب آن نقطه بوده باشد یا اینکه یک علامت خارق­العاده برای هدایت آنها بوده است.

آیه 64: فهمیده می­شود که محل آن اتفاق برای ماهی، همان محلی بوده که محل قرار و مدار حضرت موسی(ع) با آن عالم بوده که برای رسیدن به آن، مسیر اضافه­ای را که طی کرده بودند برگشتند.

**جمع بندی و تفسیر**

**و هنگاميکه موسي به جوان** (همراه) **خويش گفت آرام نخواهم گرفت تا به محل تلاقي آن دو دريا برسم يا اينکه مدتي طولاني در راه باشم (60) پس وقتي که به محل تلاقي آن دو رسيدند ماهي خويش را فراموش کردند و آن** (ماهي) **راه خود را در دريا در پيش گرفت (61) و چون از آنجا گذشتند به جوان** (همراه) **خويش گفت غذايمان را بياور که در اين سفر به رنجي دچار شديم (62) گفت ديدي وقتي بر آن صخره جاي گرفتيم ماهي را فراموش کردم؟ و جز شيطان مرا به فراموشي نيانداخت و آن بنحوي عجيب راهش را در دريا پيش گرفت (63) گفت اين همان چيزي است که بدنبالش بوديم پس جستجو کنان جاي پاي خويش را دنبال کرده و برگشتند (64) و بنده اي از بندگانمان را يافتند که رحمتي از جانب خويش به او داده و از نزد خود علمي به او آموخته بوديم (65) موسي به او گفت اجازه ميدهي پيرويت کنم تا از علمي که به تو آموخته شده بمن بياموزي و رشدي کنم؟(66) گفت هرگز نميتواني همراهي مرا تحمل کني (67) و چگونه به چيزي صبر خواهي کرد که به اخبار آن احاطه نداري؟(68) گفت انشاء الله مرا صبور خواهي يافت و تو را در هيچ موردي نافرماني نخواهم کرد (69) گفت پس اگر پيرويم ميکني از هيچ چيز سئوالي نکن تا خودم درباره آن به تو چيزي بگويم (70) و رفتند. تا اينکه به کشتيي سوار شدند که او آنرا سوراخ كرد. گفت آيا آنرا سوراخ ميكني تا اهل آنرا غرق کني؟ جدّا که کار ناشايستي کردي (71) گفت نگفتم نميتواني همراهي مرا تحمل کني؟(72) گفت بازخواستم مکن. فراموش کرده بودم . و با من سخت گيري هم مکن (73) و رفتند. تا اينکه به پسري رسيدند و او را کشت . گفت آيا يک شخص محترم را بدون اينکه قتلي کرده باشد کشتي؟ جدّا که کار بسيار زشتي کردي (74) گفت آيا نگفتم نميتواني همراهيم را تحمل کني؟(75) گفت اگر بعد از اين چيزي پرسيدم ديگر مصاحبت مرا تحمل مکن که از جانب من معذور خواهي بود (76) و رفتند. تا اينکه به اهل شهري رسيدند و از آنها غذا خواستند و آنها از پذيرائي شان خودداري نمودند . اما در آن شهر ديواري يآفتند که داشت مي افتاد و او آنرا برپا داشت. گفت اگر ميخواستي** (ميتوانستي) **براي آن کار دستمزدي بگيري (77) گفت اين** (وقت) **جدائي من و توست . اينك معني آن چيزهائي را که نتوانستي تحملشان کني بتو خواهم گفت (78) اما آن کشتي، براي فقيران در دريا کار ميکرد و من خواستم معيوبش کنم زيرا پشت سرش پادشاهي در پي آن بود که کشتي ها را بطور غصبي ميگرفت (79) و اما آن پسر، پدر و مادرش مومن بودند و ترسيديم به کفر و طغيان دچارشان کند (80) و خواستيم که خداوند بهتر از او را جايگزين کند که پاکيزه تر و مهربان تر باشد (81) اما آن ديوار مال دو پسر يتيم در آن شهر بود و زير آن برايشان گنجي بود و پدرشان نيز صالح بود و پروردگارت خواست بعنوان رحمتي از جانب او به رشد خويش برسند و گنجشان را استخراج کنند و من اين کارها را سرخود نکردم. اين بود علت آن چيزهايي که نتوانستي تحملش کني (82)**

**کهف6 آیات83تا102**

**وَيَسْأَلُونَكَ عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿83﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿84﴾ فَأَتْبَعَ سَبَبًا ﴿85﴾ حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿86﴾ قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا ﴿87﴾ وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاء الْحُسْنَى وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ﴿88﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿89﴾ حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا ﴿90﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿91﴾ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ﴿92﴾ حَتَّى إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿93﴾ قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿94﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿95﴾ آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿96﴾ فَمَا اسْطَاعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿97﴾ قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاء وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاء وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ﴿98﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿99﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿100﴾ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاء عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ﴿101﴾ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاء إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿102﴾**

**ای پیامبر! از تو درباره ذي القرنين مي پرسند بگو بزودي درباره او برايتان مطلبي ميخوانم (83) ای پیامبر! اینک بگو خداوند چنین میفرماید که ما به ذی القرنین در زمين توانمندي داده و از هر چيز سر رشته اي به او عطا کرديم (84) پس او نيز یکی از سر رشته ها را پيگیری کرد (85) تا اينکه به سرزمينی رسید که انگار آفتاب در آن غروب میکند و چنين به نظرش رسید که آفتاب در چشمه اي گِل آلود فرو ميرود و نزد آنجا قومي را يافت . گفتيم اي ذي القرنين اختيار با خودت ، در میان این قوم فرمانروائی کن ، يا عذابشان ميکني يا در ميان آنان طريقه اي نيکو در پيش ميگيري (86) گفت اگر کسي ظلم کند بزودي عذابش مي کنيم سپس بسوي پروردگارش باز ميگردد و او به عذابي ناخوشايند معذبش ميکند (87) و هر که ايمان آورد و عمل صالح کند جزائي نيکو خواهد داشت و بزودي از امر خويش به او آسانيي خواهيم نمود (88) آنگاه باز هم سر رشته اي را پي گرفت (89) تا اينکه به سرزمينی رسید که چنین به نظرش رسید که آفتاب از آنجا طلوع میکند و چنين يافت که آن آفتاب بر قومي طلوع ميکند که گوئي بين آنها و آفتاب حجابي قرار نداده ايم (90) چنين است و ما از آن چيزهائي که نزد او بود خبر داشتيم (91) آنگاه باز هم سر رشته اي را پي گرفت (92) تا اينکه به بين آن دو دیواره رسيد و آنطرف دو دیواره قومي يافت که وحشی بوده و سخن نمي فهميدند (93) مردم طرف مقابل به او گفتند اي ذي القرنين این قومِ يا جوج و ماجوج در زمين فساد مي کنند ، آيا ممکن است خرجي بتو بدهيم تا بين ما و آنها سدي قرار دهي؟ (94) گفت توانمنديي كه خداوند بمن داده بهتر است اما شما با نيرو کمکم کنيد تا بين شما و آنها حائلي قرار دهم (95) برايم قطعات آهن بياوريد. تا اينکه بين آن دو ديواره را پر کرد . گفت اكنون بدميد تا اينکه آنرا مانند آتشي قرار داد . سپس گفت اينك مس گداخته برايم بياوريد تا بر آن بريزم (96) در اثر این کارها بین دو دیواره پر شد و یاجوج و ماجوج نه ميتوانستند از آن بالا روند و نه ميتوانستند در آن نقب بزنند (97) گفت اين رحمتي است از جانب پروردگارم. اما هنگامي که وعده پروردگارم بيايد آن را هموار خواهد ساخت و وعده پروردگارم حق است (98) ای پیامبر! در روز قیامت همه چیز تغییر میکند و ميگذاريم همه عناصر رویِ زمینی بر هم موج زنند و در شيپور دميده شود و آنگاه همه آنها را بطور شگفت انگيزي جمع میکنيم (99) و آنروز جهنم را چنانچه بايد و شايد به کافران عرضه خواهيم كرد (100) به همان کساني که چشم و گوش شان در مقابل ذکرم در پرده اي بود و نتوانستند سخن حق را بشنوند (101) آيا کافران پنداشته اند که بندگانم را بجاي من سرپرست گيرند؟ البته جهنم را براي چنین کافرانی بعنوان پيشکشي آماده کرده ايم (102)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب: يکي ديگر از الگوهاي قابل تحسين گذشته ذي القرنين است که چگونه با اينکه قدرت و ثروت داشت اما راه حق را در پيش گرفت.**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد وای پیامبر! برای انجام رسالتت اینقدر بخودت فشار نیاور .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مسلمانان ! آینده ازآن عقیده شماست . لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید وعقیده صحیح تان راحفظ کنید . عقیده صحیح شما درآینده فراگیر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! هردوگروه کافر و مومن دراین جهان میباید امکان لازم رابرای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی رابه همگان ابلاغ کنی وبـا پیروانت صبور باشی وبه کافران نیز اهمیتی مده .

ای پیروان پیامبر ! دل خوش داریدکه بزودی دوره ناراحتــی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفانتان ازآن بی بهره خواهند بود .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیروان پیامبر ! ازدوستی وتاثیر پذیری از دوستان شیطان بپرهیزید و خود را یکسره به جریان حق وهدایت الهی بسپارید ، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می­دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیروان(آن روز) رسول خدا (ص) ! اینک که شما به شرف اسلام مشرف شده اید مبادا غرور شما را بردارد وتصور کنید که مثلا حالا چه شده ! بلکه باید توجه داشته باشیدکه چه بسا کسانی هستند که نسبت شما با آنها مانند نسبت موسی(ع) با آن«عالم» است . علاوه بر این توجه داشته باشید که ممکن است اتفاقاتی بیفتد که شما خوش نداشته باشید اما درآن حکمتی نهفته باشد که بعدا متوجه شوید .

در این پاراگراف می فرماید : ای پیروانِ (آن روزِ) رسولخدا(ص)! دل خوش دارید که هــیچ بعید نیست که شماها هم در عین حالی که ایمان صحیح دارید روزی قدرتمند و ثروتمند بشوید واز مشکلاتی که دچارش هستید رها شوید و به اقطار عالم نفوذ کنید.

**3 - پیشگوئی های تحقق یافته**

در آیات 83 تا 102 داستان مرد مومنی را که حتی پیغمبر هم نبود ، ذکر میکند که چگونه به اوج قدرت و ثروت رسید و آندو را در راه صحیح مورد استفاده قرار داد ، و این داستان وعده ای تلویحی است که ای مسلمانان وضع شما هم از حالت موجود به حالت مطلوب تغییر خواهد کرد .

**4 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

آیه 86 از زبان یک ناظر نقل شده که اهل مناطقی بوده که از نظر عرب 1400 سال قبل «محل غروب خورشید از نظر آن اهالی» تلقی میشده، و بسیار فاقد جزئیات و بسیار سوال زا و بسیار پر ابهام می باشد.

همچنین است مطلب آیه 90 .

نیز آیه های 93 تا 99 .

مجموع آیه های ذکر شده حتی برای ما ساکنین قرن 21 نیز نامعلوم و نا مشخص است، چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**5 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**6 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

يکي ديگر از الگوهاي قابل تحسين گذشته ذي القرنين است که چگونه با اينکه قدرت و ثروت فوق العاده داشت اما راه حق را در پيش گرفت.

**7 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

تمام این پاراگراف «برای اولین بار» است .

**شرح مختصر**

**پاشیدن بذر امید در دل مؤمنان تحت ظلم و فشار**

در این پاراگراف مطالبی راجع به ذی­القرنین بیان می­فرماید. و چنانچه ملاحظه می­شود، او شخصی است مؤمن و موحد و متقی که ضمناً بسیار قدرتمند و موفق هم هست و این موضوع بذر امیدی در دل مؤمنان آنروزیِ مخاطب این آیات بوجود   
می­آورد که ممکن است آنان نیز مشکلات و فشارهای موجود را پشت سر بگذارند و به قدرت و توفیق برسند. بطور کلی سه داستانی که در این سوره آمده است هر یک یک گوشۀ روانِ مخاطب­های آن روزی این آیات را تیمار می­کند:

در داستان اصحاب کهف، غیرمستقیم این نکته را دریافت می­کنند که در هر حال عقیده آنان غالب و حاکم و جا افتاده خواهد شد حتی اگر خودشان هم نباشند و در داستان آن مرد عالم، این نکته را در می­یابند که در پس این مشکلات و ناراحتی­هائی که تحمل می­کنند، حکمتی نهفته است که آشکار خواهد شد و در داستان ذوالقرنین به پیروزی و موفقیت امیدوار می­شوند.

**«سد» ذوالقرنین**

از آیه­های 94-93 فهمیده می­شود ذوالقرنین در مسیر «بطرف مشرق» خویش به جائی رسید، که مردم آنجا، مورد هجوم «یاجوج و ماجوج» قرار می­گرفتند. «دو سدِّ» ذکر شده در آیه 93 بنا به شرحی که در المیزان آمده می­تواند دو رشته کوه باشد که در جائی مسطح بودند و اقوام وحشی (مثلاً همان یاجوج و ماجوج) از آن نقطه مسطح نفوذ کرده و اقوام متمدن مورد بحث آیه 94 را مورد قتل و غارت قرار می­دادند و آنها از او کمک خواستند و او با کمک آنها در آن نقطه مسطح نوعی دیوارکشی فلزی بشرح آیه 96نمود و این امر آن قوم وحشی را در پشت آن دیوارها زمین­گیر کرد.

مرحوم استاد کامبوزیا، در مقاله بسیار قابل توجهی که حدود 35 سال پیش (اینک سال 1387 است) بصورت جزوه­ای از سوی «شرکت سهامی انتشار» منتشر شده بود، نقطه مورد بحث را قسمتی از چین و یاجوج و ماجوج را نیز قومی از اقوام مغولی و ذوالقرنین را نیز یکی از پادشاهان چین معرفی کرد.

در تفسیرالمیزان به نقل از «جواهرالکلام» ذوالقرنین را «کورش هخامنشی» معرفی نموده است و هر یک برای مدعای خویش دلایلی ذکر کرده­اند که قابل توجه نیز می­باشد.

اما هرچه باشد، از نظر ما و در اینجا، فقط این مقدار مهم است که چنین کسی بوده و چنین امکانات و قدرتهائی داشته و چنین توفیقاتی در جهت خدمت به خلق خدا داشته و شرح کارهای او، مسلمانانِ آن روزهایِ قبل از هجرت را امیدوار نموده که ممکن است روزی فشارهای موجود علیه آنان برطرف شده و آنها نیز به موفقیت و پیروزی و یک زندگی مطلوب برسند، و ایمان و قدرت و ثروت منافی یکدیگر نیستند. و از این نظر مثل اصحاب کهف است که سئوالهایی از قبیل اینکه چند نفر بودند و اسامی آنها چه بوده و لباسهایشان چگونه بوده و غیره و غیره، ولو که امکان اطلاع بر آنها را هم بیابیم، چیزی به مقصود بیان داستان آنها نمی­افزاید و اگر هم نتوانیم بیابیم، ضرری به مقصود نمی­زند.

در مورد ذوالقرنین نیز همینطور است.

همین مقدار که بدانیم که او مرد مؤمن و صالح و عادلی بوده و خداوند با وجود ایمان و صلاح و عدالتش آنهمه امکانات به او داده، و او را توانا کرده که به شرق و غرب عالم مسافرت کند و در هر جا عمل خیر و مصلحانه و عدالت گسترانه­ای انجام دهد و با مفسدین و متجاوزان و کافران برخورد قوی محکم مؤثر کند، مایه امیدواری مسلمانان آنروزی مخاطب این آیات بود.

اما ضمناً این را هم باید دانست که کلمه «رحمت» در آیه 98، با توجه به سابقه­ای که از این کلمه در سوره­های قبل داریم نوعی هدایت خاص الهی است (مثلاً مانند وحیی است که به پیامبران می­شود) و لذا این شخص علیرغم ثروت و قدرتی که داشت مردی بود در حد پیامبران و هرچه باشد، این شخص باید کسی باشد مانند سلیمان که هم پیامبر و هم سلطان بود.

با توجه به آیه 98 عمر سد مذکور نیز مطابق آیه، محدود بوده و ظاهراً امروز دیگر وجود ندارد زیرا با پیشرفت تکنولوژی، امروز دیگر هیچ نقطه مرتفعی نیست که بشر نتواند آنرا فتح کند و نقطه­ای مرتفع­تر از قله اورست وجود ندارد که آنهم هر ساله دارد مورد فتح جدیدی قرار می­گیرد و صعود به قله آن امری عادی شده است.

و علاوه بر آن با این تکنولوژیِ نقشه­برداریِ ماهواره­ای، می­دانیم که امروز هیچ نقطه­ای نیست که پشت آن قومی وحشی زمینگیر شده باشند و ما از آنها مطلع نباشیم بلکه امروز همه اقوام بشری با یکدیگر رفت و آمد و داد و ستد و دارند و تقریباً همه سواد و خط و دانشگاه و برق و تلفن و اتومبیل و تفنگ و تلویزیون و کامپیوتر دارند و کم و بیش مانند یکدیگر زندگی می­کنند و از حال یکدیگر مطلعند و خلاصه اینکه متمدن می­باشند.

بنابراین در زمانی که برایمان معلوم نیست، سد مذکور (مثلاً در اثر زلزله و سایر عوامل طبیعی) از بین رفته و آن نقطه دوباره ماننده سابق شده است. اما آثار آن علی­القاعده باید مانده باشد و این چیزیست که باستان­شناسان باید از روی این سر نخ­های قرآنی، جستجو کرده و محل آن سد را تعیین کنند.

**«محل طلوع» و «محل غروب» از زبان ذوالقرنین بیان شده**

با توجه به آیه 86 توجه فرمائید که در آیه، وضعیت «مغرب آفتاب» را «از زبان ذوالقرنین» بیان نموده و فرموده که او «مغرب آفتاب» را آنطوری یافته و بعبارت دیگر مطابق زبان و ادبیات مخاطب آنروزی، و از چشم مشاهده کنندۀ زمان ذوالقرنین بیان و تشریح نموده است.

به بیان دیگر، و به زبان امروز می­توان گفت که ذوالقرنین به نقاط غربی کره زمین (مثلاً مراکش فعلی) رسیده بود و مثلاً به جائی رسیده بود که از آنجا جلوتر نمی­توانست برود زیرا مثلاً زمین زیر پایشان حالتی نرم و شُل داشت (مثلاً باتلاقی بود) و مقداری آنطرف­تر هم چیزی می­دید که گویا چشمه­ایست که از آن گِل بیرون می­آید که این موضوع در نقاط آتش­فشانی دیده می­شود و نیز چنین می­دید که خورشید در آنجا فرو می­رود و تصور می­کرد که خورشید دارد در چشمه­ای گِل­آلود فرو می­رود.

و در همانجا که متوقف شده بود، و بنظر او «آخرِ زمین» می­آمد، قومی ساکن بودند که معلوم می­شود بد رفتار بودند و یا بعبارت دیگر، بدرفتاری در میان آنان غلبه داشت و مؤمنانِ آنها کم بودند زیرا مجوز عذاب آنها به ذوالقرنین داده شده بود.

از آیه 90 فهمیده می­شود ذوالقرنین به نقاط شرقی زمین مثلاً جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و از آنهم دورتر به خاور دور، رسیده بود و چنین یافت که هر چه هم که دورتر برود، باز هم مردمی را خواهد دید که در آنجاها ساکنند. بعبارت دیگر، ذوالقرنین چنین یافت که از طرف غرب به جائی رسیده که بنظر او «آخر دنیا» بوده، اما از طرف شرق، به این نتیجه رسیده بود که هرچه هم که پیش برود، باز هم چنین خواهد یافت که به «آخر دنیا» نخواهد رسید بلکه همواره نقاط مسکونی خواهد دید.

**چند دریافت مستقیم کوتاه**

آیه 84: «از هر چیز وسیله­ای» به این معنی است که مثلاً از لحاظ علمی عالم بود و از لحاظ نظامی­گری به فنون جنگها دانا بود و ابزارهای جنگی زمان خویش را داشت و از لحاظ مالی ثروتمند بود و از لحاظ نیروی انسانی اشخاصی کافی را در خدمت خویش داشت. و خلاصه اینکه چیزی نبود که آدمهای موفق زمان او داشته باشند و او نداشته باشد.

آیه­های 88-87: معلوم می­شود ذوالقرنین مردی کاملاً عادل بوده و قائل به «سوختن خشک و تر با هم» نبوده و معتقد بوده که با هر کس باید براساس عکس­العمل صحیح رفتارهای خودش رفتار شود و بر همین اساس هم میان آنان حکم می­راند.

آیات 102-99: که به مغلوب شدن کافران و جهنمی شدن آنان و ضعف ایدئولوژیک آنان اشاره دارد نیز در جهت همان هدفی است که ذکر داستان ذوالقرنین بود. یعنی در جهت دلشاد کردن مؤمنان آن روز. بعبارت دیگر به آنها می­فرماید شما که در آخرت امیدوار بهشت هستید، در همین دنیا نیز کاملاً ممکن است به قدرت و شوکت و ثروت و امکانات برسید و لذا دل خوش دارید و امیدوار باشید که چه بسا که این احوال ناخوش و سخت و نامساعد از شما رخت بربندد.

**جمع بندی و تفسیر**

**و از تو درباره ذي القرنين مي پرسند بگو بزودي درباره او برايتان مطلبي ميخوانم (83) ما او را در زمين توانمندي داده و از هر چيز سر رشته اي به او عطا کرديم (84) پس او نيز سر رشته اي را پي گرفت (85) تا اينکه به سرزمين غروب آفتاب رسيد و چنين يافت که آن ، در چشمه اي گِل آلود فرود ميرود و نزد آن قومي را يافت . گفتيم اي ذي القرنين** (اختيار با خودت) **يا عذاب ميکني يا در ميان آنان طريقه اي نيکو در پيش ميگيري (86) گفت اگر کسي ظلم کند بزودي عذابش مي کنيم سپس بسوي پروردگارش بر ميگردد و او به عذابي ناخوشايند معذبش ميکند (87) و هر که ايمان آورد و عمل صالح کند جزائي نيکو خواهد داشت و بزودي از امر خويش به او آسانيي خواهيم نمود (88) آنگاه باز هم سر رشته اي را پي گرفت (89) تا اينکه به سرزمين طلوع آفتاب رسيد و چنين يافت که آن بر قومي طلوع ميکند که گوئي بين آنها و آن حجابي قرار نداده ايم (90) چنين است و ما از آن چيزهائي که نزد او بود خبر داشتيم (91) آنگاه باز هم سر رشته اي را پي گرفت (92) تا اينکه به بين آن دو سد رسيد و آنطرف دو سد قومي يافت که سخن نمي فهميدند (93) گفتند اي ذي القرنين يا جوج و ماجوج در زمين فساد مي کنند ، آيا ممکن است خرجي بتو بدهيم تا بين ما و آنها سدي قرار دهي؟(94) گفت توانمنديي كه خداوند بمن داده بهتر است اما شما با نيرو کمکم کنيد تا بين شما و آنها حائلي قرار دهم (95) برايم قطعات آهن بياوريد. تا اينکه بين آن دو ديواره را مساوي کرد . گفت اكنون بدميد تا اينکه آنرا آتشي قرار داد . گفت** (اينك) **مس گداخته برايم بياوريد تا بر آن بريزم (96) نه ميتوانستند از آن بالا روند و نه ميتوانستند در آن نقب بزنند (97) گفت اين رحمتي از جانب پروردگارم است. پس هنگامي که وعده پروردگارم بيايد آن را هموار خواهد ساخت و وعده پروردگارم حق است (98) و در آن روز ميگذاريم بر هم موج زنند و در شيپور دميده شود و آنگاه آنها را بطور شگفت انگيزي جمع میکنيم (99) و آنروز جهنم را چنانچه بايد و شايد به کافران عرضه خواهيم كرد (100)** {همان کساني که چشمشان در مقابل يادم در پرده اي بود و نتوانستند بشنوند} (101) **آيا کافران پنداشته اند که بندگانم را بجاي من سرپرست گيرند؟ البته جهنم را براي کافران بعنوان پيشکشي آماده کرده ايم (102)**

**کهف7 آیات103تا108**

**قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿103﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿104﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿105﴾ ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ﴿106﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿107﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿108﴾ قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿109﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاء رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿110﴾**

**ای پیامبر! بگو آيا خبرتان بدهم چه کساني از جهت عمل زيانکارترند؟ (103) همانهائي که سعيشان در زندگي دنيا بي نتيجه شد و فکر ميکردند دارند کارِ خوب مي کنند (104) آنها کساني هستند که به آيات پروردگارشان و ملاقاتش کفر ورزيدند ، لذا اعمالشان نابود شده و روز قيامت برايشان وزني بپا نمي کنيم (105) جزايشان جهنم است بواسطه کفري که ورزيدند و آيات و فرستادگانم را به مسخره گرفتند (106) البته مومنانِ داراي عمل صالح پيشکشي شان بهشت هاي فردوس است (107) که در آن جاودانند که تغييري را در آن نميخواهند (108) بگو اگر دريا براي نوشتن کلمات پروردگارم مرکب بود ، قبل از اينکه نوشتن کلمات پروردگارم تمام شود دريا تمام ميشد حتي اگر نظير آن را نيز بکمک مي آورديم (109) بگو جز اين نيست که من بشري مانند شما هستم با اين فرق كه بمن وحي ميشود که خدايتان خدائي يگانه است . پس کسي که اميد دارد به لقاء او برسد بايد عمل صالح کند و در عبادتش کسي را شريک نکند (110)**

**پیش تفسیر**

**1 – استخراج عصاره محتوای سوره و پاراگراف**

**درس: اي مردم! از نمونه هاي قابل تحسين گذشته الگو بگيريد و مسير زندگي خويش را تصحيح کنيد.**

**درب : عاقبت هر يک از دو گروه که مسير صحيح و مسير ناصحيح را برگزيدند و تو اي پيامبر چنين بگو .**

**2 – از اول تا اینجا**

در پاراگراف 1 که ابتدای سوره است می فرماید : حمد مخصوص خداست که این قرآن را نازل کرد وای پیامبر! برای انجام رسالتت اینقدر بخودت فشار نیاور .

در پاراگراف 2 می فرماید : ای مسلمانان ! آینده ازآن عقیده شماست . لذا اینک که می بینید نمی توانید اوضاع واحوال را مطابق خواسته تان کنید کافی است تسلیم نشوید وعقیده صحیح تان راحفظ کنید . عقیده صحیح شما درآینده فراگیر خواهد شد .

در پاراگراف 3 می فرماید : ای پیامبر ! هردوگروه کافر و مومن دراین جهان میباید امکان لازم رابرای امتحان دادن داشته باشند لذا کافی است وحی رابه همگان ابلاغ کنی وبـا پیروانت صبور باشی وبه کافران نیز اهمیتی مده .

ای پیروان پیامبر ! دل خوش داریدکه بزودی دوره ناراحتــی شما به پایان خواهد رسید و باز هم دل خوش دارید که اوضاع آخرتی مطلوب از آن شماست و مخالفانتان ازآن بی بهره خواهند بود .

در پاراگراف 4 می فرماید : ای پیروان پیامبر ! ازدوستی وتاثیر پذیری از دوستان شیطان بپرهیزید و خود را یکسره به جریان حق وهدایت الهی بسپارید ، زیرا در قیامت است که معلوم خواهد شد اگر کسی چنین نکند چه ضرری به خویش زده، و البته خداوند از رحمت خویش به گناهکاران مهلت می­دهد تا شاید تحت تأثیر مطالب قرآن قرار گیرند .

در پاراگراف 5 می فرماید : ای پیروان(آن روز) رسول خدا (ص) ! اینک که شما به شرف اسلام مشرف شده اید مبادا غرور شما را بردارد وتصور کنید که مثلا حالا چه شده ! بلکه باید توجه داشته باشیدکه چه بسا کسانی هستند که نسبت شما با آنها مانند نسبت موسی(ع) با آن«عالم» است . علاوه بر این توجه داشته باشید که ممکن است اتفاقاتی بیفتد که شما خوش نداشته باشید اما درآن حکمتی نهفته باشد که بعدا متوجه شوید .

در پاراگراف 6 می فرماید : ای پیروانِ (آن روزِ) رسولخدا(ص)! دل خوش دارید که هــیچ بعید نیست که شماها هم در عین حالی که ایمان صحیح دارید روزی قدرتمند و ثروتمند بشوید واز مشکلاتی که دچارش هستید رها شوید و به اقطار عالم نفوذ کنید.

در این پاراگراف می فرماید : بدترین مردم کسانی هستند که کوشش آنها در زندگی دنیا به جایی نرسید و تصور هم می­کنند که دارند کار خوب میکنند. و ای پیروان پیامبر(ص) ! دل خوش دارید که خدای تان بزرگ و پیامبرتان بزرگ و سعادت دوجهان ازآن شماست درصورتیکه درگرایش تان ثابت قدم واستوار بمانید .

**3 - سوالات**

1- حالت کلی این پاراگراف چگونه است؟(تشویق پیروان پیامبر-ص-؟یا...؟)

2-منظوراز«نا»در«جئنا»(آیه109)چیست؟

3-اگرخداوند جواب سوال فوق باشد (که هست) در آنصورت ، پس از «ربی» دوم ، موضوع کدام کلید فهم قرآن اتفاق افتاده؟

4- در بسیاری از روایات داریم که وجود مقدس رسول اکرم (ص) سایه نداشت ، یا اینکه آنحضرت همانطور که روبرویش را میدید پشت سرش را هم میدید ، با توجه به آیه 110 ، روایات مذکور و مشابه آنها را ارزیابی کنید .

5- تا اینجا (سوره کهف - به ترتیب نزول - ) تعریف «عمل صالح» (آیه110) چیست؟

6- آیا مطالعه این تفسیر را از ابتدا (سوره عصر) شروع کرده اید؟

**4 - کلید های تفسیری**

آیه­های 105 و 106 فرع بر آیه 104 است و این واضح است.

آیه 108 نیز فرع بر آیه 107 است و این نیز واضح است.

**5 - در این پاراگراف کدام فقرات فوق ذهنیات مخاطبان اولیه است؟**

**(این قسمت جواب سروش و شبستری است که گفته اند قرآن فوق ذهنیات مخاطبان اولیه ندارد)**

انتهای آیه 105 و ابتدای آیه 106 و انتهای آیه 107 و آیه 108 و آیه 109 نیز فاقد ذکر جزئیات مختصات مطلب بوده و از این لحاظ فوق ذهنیات ما ساکنین قرن 21 میباشد چه رسد به عرب 1400 سال قبل.

**6 - مخاطبان اولیه از این پاراگراف چه تلقیی میداشتند؟**

کلماتی که در این پاراگراف بکار رفته ، در طول این مدت طولانی ، از نزول این سوره تا به امروز ، تغییر معناییِ چندانی نیافته ، و لذا مخاطب های اولیه نیز از این پاراگراف همان تلقی را میداشته اند که ما .

**7 - چه عناصر فرا زمانی و فرا مکانی در این پاراگراف هست؟**

1 – تفاوت در عاقبت هر يک از دو گروه که مسير صحيح و مسير ناصحيح را برگزيدند

2 – توصیه ارشادی به آنحضرت که در این شرایط چنين بگو .

**8 – کدام عناصر این پاراگراف «برای اولین بار» است؟**

غیر از آیه های 106 تا 108 ، بقیه آیات این پاراگراف «برای اولین بار» است.

**شرح مختصر**

**چطور ممکن است؟**

با توجه به آیه 109 خواننده ممکن است هنگام خواندن این آیه تعجب کند و بگوید چگونه چنین چیزی ممکن است!

اما اگر توجه کنیم که نعمتهای خداوند بی­نهایت است و از برخورد دو یا چند نعمت، نعمت جدیدی آفریده می­شود که تازه با برخورد آن با نعمتهای سابق، باز هم نعمتهای جدیدی ایجاد می­شود و این سیکل تا بی­نهایت ادامه دارد (یعنی می­شود «فاکتوریِل بی­نهایت») آنگاه موضوع را اندکی بهتر درک می­کنیم.

**من بشری مثل شما هستم!**

در رابطه با آیه 110 باید گفت اشاره به «بشر» بودن پیامبر(ص) اشاره به محدودیتهاست .

مثلاً اینکه پیامبر-ص- هم مانند ما نیاز به غذا و خواب دارد و خسته هم می­شود، و عصبانی هم می­گردد.

یا اگر آزار و اذیت شود دردش می­آید و ناراحت می­شود .

اما اشاره به مورد «وحی» واقع شدن، اشاره به این است که آنحضرت می­توانسته «گیرنده» وحی باشد و ما نمی­توانیم .

سخن در این باره زیاد است اما در ظرفیت این مختصر نیست.

**جمع بندی و تفسیر**

**بگو آيا خبرتان بدهم چه کساني از جهت عمل زيانکارترند؟(103) همانهائي که سعيشان در زندگي دنيا بي نتيجه شد و فکر ميکردند دارند کارِ خوب مي کنند (104)** {آنها کساني هستند که به آيات پروردگارشان و ملاقاتش کفر ورزيدند لذا اعمالشان نابود شده و روز قيامت برايشان وزني بپا نمي کنيم (105) جزايشان جهنم است بواسطه کفري که ورزيدند و آيات و فرستادگانم را به مسخره گرفتند}(106) **البته مومنانِ داراي عمل صالح پيشکشي شان بهشت هاي فردوس است (107)**{که در آن جاودانند که تغييري را در آن نميخواهند} (108) **بگو اگر دريا** (براي نوشتن) **کلمات پروردگارم مرکب بود ، قبل از اينکه** (نوشتن) **کلمات پروردگارم تمام شود دريا تمام ميشد حتي اگر نظير آن را نيز بکمک مي آورديم (109) بگو جز اين نيست که من بشري مانند شما هستم با اين فرق كه بمن وحي ميشود که خدايتان خدائي يگانه است . پس کسي که اميد دارد به لقاء او برسد بايد عمل صالح کند و در عبادتش کسي را شريک نکند (110)**